فهرست مطالب

پیش گفتار
۲۱
مقدمه ۲۳
بازگشت مسیح-دوره سوم مکاشفه ۳۱
فصل ۱-در انتظار ظهور دوباره مسیح ۳۱
نگاهی مقدماتی به واقعه نجات ۳۱
امیدها و انتظارات ۳۲
وعده های کتاب مقدس ۳۵
نشانه های محقق شده ۳۶
فصل۲-طلوع دوران سوم ۳۹
اولین اطلاعیه ۳۹
پیامها و سرنخ ها در سراسر جهان ۴۰
کار ایلیا به عنوان پیشاهنگ خدا ۴۲
فصل۳-خورشید روحانی ظهور دوم مسیح ۴۶
آمدن خداوند ۴۶
هر چشمی مرا خواهد دید ۴۷
فصل۴-آموزش از طریق وحی الهی ۵۱
منبع اطلاعیه ها ۵۱
مکان های نزول وحی و گیرندگان وحی ۵۱
انتقال اعلامیه های وحی ۵۵
فرم اطلاعیه ها ۵۹
حضور موجودات فرازمینی در طول آموزش های مسیح ۶۰
مهلت اعلام نتایج ۶۱
فصل۵-دلیل وحی جدید ۶۲
اراده خداوند برای رستگاری ۶۲
حذف خطاها و شکل های فرقه های حرف شده ۶۳
روشنگری در مورد زندگی واقعی ۶۶
رشد،معنویت و رستکاری انسان ۶۹
فصل۶-عهد سوم،کتاب بزرگ حیات ۷۱

۷۱ کتاب عشق،حقیقت وحکمت خدا
۷۳ رابطه بین آموزه روح و تعالیم عیسی
۷۴ اختلافات بر سر کلمه جدید
۷۵ کتاب بزرگ زندگی
۷۸ فصل۷-تاثیر و اهمیت آموزه معنوی
۷۸ تاثیر اعلامیه ها
۷۹ دانش و امید از کلام جدید
۸۰ قدرت کلام خدا
۸۲ واکنش های متکلمان و مادی گرایان
۸۳ تاثیر آموزش معنوی
۸۴ معنای کلام جدید وحی
فصل۸-کلیساهای جدید مسیح،شاگردان،رسولان

۸۷ و فرستادگان خداوند
۸۷ نور و سایه در کلیساهای مکاشفه
۹۰ تذکراتی به شنوندگان در مورد کار معنوی
۹۲ شاگردی واقعی،رسولان جدید
۹۴ فرستادگان خدا در سراسرجهان و درهمه زمانها
بررسی مورد اول و دوم
۹۸ زمان وحی
۹۸ فصل۹-داستان ها و شخصیت های قوم اسرائیل
۹۸ داستان سقوط انسان
۹۹ اختیار وگناه اصلی
۹۹ سیل
۱۰۰ آمادگی ابراهیم برای فداکاری
۱۰۱ تصویر نردبان بهشت در خواب یعقوب
۱۰۲ یوسف و برادرانش
۱۰۲ سرگردانی قوم اسرائیل در بیابان تحت فرمان موسی
۱۰۳ مبارزه الیاس برای خدای حقیقی

۱۰۴ دوازده قبیله اسرائیل
۱۰۵ پیامبران و اولین پادشاهان اسرائیل
۱۰۶ فصل۱۰-وقتی زمان فرا رسید
۱۰۶ پیشگویی های نبوی
۱۰۶ انتظار قوم یهود از مسیح
۱۰۷ مریم،مادر عیسی در رحم
۱۰۸ پرستش عیسی کودک
۱۰۸ پیوند محبت بین عیسی و مریم
۱۰۸ دانش وحکمت عیسی
.۱۰۹ عدم درک محیط انسانی در ناصره
۱۱۰ فصل۱۱-رسالت عیسی بر روی زمین
۱۱۰ غسل تعمید در اردن،زمان آمادگی در صحرا
۱۱۰ وحدت عیسی با خداوند
۱۱۱ عدم به رسمیت شناختن عیسی به عنوان منجی
۱۱۲ عیسی به عنوان مهمان شفا بخش در میان مردم
۱۱۲ واعظ خستگی نا پذیر عیسی
۱۱۳ عشق عیسی به کودکان و طبیعت
۱۱۴ تعلیم عیسی
۱۱۵ معجزات عیسی
۱۱۷ زن زناکار
۱۱۷ مریم ماگدالنا
۱۱۸ نیکودیموس و مسئله تناسخ
۱۱۸ تبدیل هیئت عیسی
۱۱۹ فقدان شجاعت برای اعتراف
۱۱۹ دشمنی با عیسی
۱۲۱ اعلام خداحافظی
۱۲۱ ورود عیسی به اورشلیم
۱۲۲ آخرین شام

۱۲۴ فصل۱۲-مرگ،رنج و رستاخیز
۱۲۴ رنج ها و سختی های زندگی عیسی
۱۲۴ خیانت یهودا
۱۲۵ اشتیاق عیسی
۱۳۰ عمل رستگاری عیسی در جهان های دیگر
۱۳۲ فصل ظهور عیسی پس از رستاخیزش
۱۳۴ فصل۱۳-رسالت و اهمیت عیسی و حواریونش
۱۳۴ اصلاح تصویر قدیمی از خدا و سنت های غلط
۱۳۵ نمونه عیسی
۱۳۵ معنای تعالیم عیسی
۱۳۵ دعوت،شاگردی و آزمایشهای شاگردان عیسی
۱۳۶ یوحنای پیامبر
۱۳۸ حواریون پطرس و پولس
۱۳۹ نمونه پیامبران
۱۴۰ گسترش مسیحیت
۱۴۲ دوران مسیحیت کلیسایی
۱۴۲ فصل۱۴-مسیحیت،کلیساها و فرقه ها
۱۴۲ توسعه مسیحیت
۱۴۳ اعمال فرقه ای
۱۴۳ روحانیت
۱۴۵ مراسم شام آخر و قداس
۱۴۶ غسل تعمید
۱۴۸ گرامیداشت درگذشتگان
۱۴۹ نمادهای مادی،صلیب ها و یادگارها
۱۵۰ احترام به مقدسین
۱۵۱ جشنواره های کلیسا
۱۵۲ حضور خدا با وجود مشکل پرستش نادرست
۱۵۴ فصل۱۵-مسیحیان دروغین،بدعت ها و
سو استفاده های کلیسا

۱۵۴ مسیحیان را نام ببرید
۱۵۵ کافران و متعصبان مذهبی
۱۵۶ تحریف آموزه های عیسی و پیامد های آن
۱۵۸ انحرافات و سواستفاده ها در مسیحیت
۱۶۱ قانون عشق به خدا و همسایه
۱۶۱ فصل۱۶-قانون الهی
۱۶۱ قدرت قانون الهی
۱۶۲ قانون عشق به خدا در کار روح
۱۶۳ بی توجهی به قوانین الهی و پیامد های آن
۱۶۴ تحقق والاترین قانون
۱۶۷ فصل۱۷-روش جدید پرستش خدا
۱۶۷ توسعه اشکال عبادت
۱۶۸ دعاهای ساختگی بدون اخلاص و ایمان
۱۶۹ دعای واقعی
۱۷۱ چهار جنبه دعای کامل
۱۷۲ دعای قلبی خود جوش بدون کلام
۱۷۴ نماز یومیه
۱۷۵ روز استراحت به عنوان روز خود اندیشی
۱۷۶ بخواهید تا به شما داده شود
۱۷۸ نعمت شفاعت
۱۷۹ ضرورت دعا
۱۷۹ اثرات شفا بخش دعا در زندگی
۱۸۱ قدرت دعا
۱۸۳ عشق به خدا و همسایه به عنوان پرستش خدا
۱۸۴ گفتگوی بین خدا و انسان
فصل۱۸-آثار رحمت و مرکز
۱۸۸ معنی عشق
۱۸۸ برکت عطف به سوابق اعمال نیک

۱۸۹ خیریه واقعی و کاذب
۱۹۰ انفاق معنوی و مادی
۱۹۱ معنای جامع عشق
۱۹۳ قدرت بالای عشق
۱۹۵ شکل های وحی و کار خدا
۱۹۵ فصل۱۹-تثلیث خدا
۱۹۵ وحدت خدا با مسیح و روح القدس
۱۹۶ سه شیوه وحی خداوند
۱۹۹ خداوند به عنوان روح و پدر خالق
۲۰۰ مسیح،عشق و کلام خدا
۲۰۱ روح القدس-حقیقت و حکمت خدا
۲۰۳ فصل۲۰-مریم،عشق مادرانه خدا
۲۰۳ وجود زمینی مریم در فروتنی
۲۰۴ مریم و عیسی
۲۰۴ باکره بودن مریم
۲۰۵ نمونه مریم برای زنان
۲۰۶ مریم به عنوان مدافع،تسلی دهنده و منجی بشریت
۲۰۸ فطرت الهی مریم
۲۰۹ درخشش جهانی مریم
۲۱۱ فصل۲۱-قدرت مطلق،حضور خداوند و عدالت او
۲۱۱ قدرت خداوند
۲۱۲ حضور خدا در تماس آفرینش
۲۱۴ ضربات سرنوشت
۲۱۶ عدالت خداوند
۲۲۰ عشق ،مراقبت و لطف خداوند
۲۲۰ عشق پدری آسمانی
۲۲۱ مراقبت و یاری خداوند
۲۲۳ تواضع حق تعالی

۲۲۴ شفقت و رنج خداوند
۲۲۵ بخشش،لطف و رحمت خداوند
۲۲۷ فصل۲۳-الهامات و مکاشفات الهی
۲۲۷ الهامات الهی
۲۲۹ تطبیق آیات الهی به فهم بشر
۲۳۰ انواع مختلف وحی الهی
۲۳۱ ضرورت وحی الهی
۲۳۲ بی نهایت بودن آیات الهی
۲۳۴ آشکار شدن حضور خدا در انسان
۲۳۵ ایجاد
۲۳۵ فصل۲۴-آفرینش معنوی و مادی
۲۳۵ خلقت موجودات روحانی
۲۳۶ کار ذهن های بزرگ درکار آفرینش
۲۳۶ اندیشه های مشیت الهی
۲۳۶ آفرینش جهان های مادی برای موجودات روحی
۲۳۷ آفرینش انسان
۲۳۸ خاطره بهشت
۲۳۸ طبیعت انسان ها
۲۳۸ وحدت خالق با مخلوق
۲۴۰ فصل۲۵-طبیعت
۲۴۰ قوانین طبیعت
۲۴۰ حضور خدا در طبیعت
۲۴۰ طبیعت،آفریده خداوند و نمادی از معنویت است
۲۴۱ قدرت فرزندان خدا بر طبیعت
۲۴۲ انسان و طبیعت
۲۴۵ فصل۲۶-جهان های دیگر
۲۴۵ نور جهانی مسیح
۲۴۶ ارتباط معنوی بین جهان ها

۲۴۶ آشنایی با جهان های دیگر و شکل های حیات
۲۴۷ سرنوشت ستاره ها
۲۴۹ فصل۲۷-زندگی پس از مرگ
۲۴۹ دانش لازم برای زندگی معنوی
۲۴۹ بهشت و جهنم
۲۵۳ موسیقی بهشت
۲۵۳ در خانه پدر من عمارت های زیادی وجود دارد
۲۵۵ مسیر تکامل به سوی کمال
۲۵۵ فصل۲۸-مرگ،موت و بیداری در حیات پس از مرگ
۲۵۵ جاودانگی روح
۲۵۵ آمادگی برای عزیمت از این دنیا
۲۵۷ انتقال به دنیای دیگر
۲۵۹ خواب مرگ
۲۵۹ دیدار مجدد در زندگی پس از مرگ
۲۶۰ قضاوت روح از طریق وجدان خود
۲۶۳ هوشیاری معنوی دوباره بدست آمد
۲۶۶ فصل۲۹-تطهیر و عروج ارواح در حیات پس از مرگ
۲۶۶ پشیمانی،ندامت و خود متهم سازی
۲۶۷ عدالت جبرانی
۲۶۹ عروج ارواح به پادشاهی خدا
۲۷۲ فصل۳۰-تکامل روح از طریق تناسخ
۲۷۲ قانون توسعه
۲۷۳ رستاخیز جسم-به درستی درک شده
۲۷۴ سطوح مختلف تکامل روح
۲۷۵ آگاهی از زندگی های پیشین روی زمین و سطح رشد خود
۲۷۶ عشق به عنوان یک ضرورت برای رشد معنوی و ذهنی
۲۷۶ دلایل مختلف برای تناسخ
۲۷۷ مسیر کامل

۲۷۹ مکتب جهانی زندگی
۲۸۱ اقناع پذیری آموزه تناسخ
۲۸۱ مسیرهای تناسخ یک روح
۲۸۵ فصل۳۱-نجات،رستگاری و نجات ابدی
۲۸۵ اصلاح باورهای غلط درمورد نجات
۲۸۹ بهشت را باید فتح کرد
۲۹۲ قدرتمندترین نیرو برای نجات
۲۹۳ رستگاری و نجات برای هر روح
۲۹۶ آینده باشکوه فرزندان خدا
۲۹۸ انسان
۲۹۸ فصل۳۲-تجسم،طبیعت و وظیفه انسان
۲۹۸ تجسم روی زمین
۲۹۹ ارزیابی صحیح بدن و هدایت آن توسط ذهن
۳۰۱ معنا و کارکرد نفس،روح و وجدان در انسان
۳۰۵ معبد خدا در انسان
۳۰۷ فصل۳۳-مرد و زن،والیدن و فرزندان،ازدواج و خانواده
۳۰۷ رابطه زن و مرد
۳۰۸ ماهیت و وظیفه انسان
۳۱۰ زن،همسر و مادر
۳۱۲ آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان
۳۱۴ سخنی با کودکان و دوشیزگان
۳۱۴ ازدواج و خانواده
۳۱۸ فصل۳۴-اراده آزاد و وجدان
۳۱۸ اهمیت وجدان و اراده آزاد
۳۲۰ سواستفاده از اراده آزاد
۳۲۲ اطاعت لازم از انگیزه های وجدان
۳۲۳ جدال بین اراده آزاد و وجدان
۳۲۵ تیز کرد وجدان از طریق کلام جدید خدا

۳۲۷ فصل۳۵-قدرت افکار،احساسات و اراده
۳۲۷ ارسال و دریافت افکار و اورات آنها
۳۲۹ قدرت احساسات،آرزوها یا ترس ها
۳۲۹ عدم کنترل خود
۳۳۱ آموزه های حکمت الهی
۳۳۱ فصل۳۶-ایمان،حقیقت و دانش
۳۳۱ ایمان همه جانبه
۳۳۲ شناخت حقیقت خدا
۳۳۳ دانش معنوی و الهی
۳۳۵ پیش نیازهای دانش معنوی
۳۳۵ گسترش لازم برای آگاهی انسان
۳۳۸ فصل۳۷-فهم صحیح متون کتاب مقدس
۳۳۸ تفسیر کلمات و وعده های کتاب مقدس
۳۴۲ مکاشفه عیسی از طریق یوحنای رسول
۳۴۴ فصل۳۸-سه زمان وحی و هفت دوره مهر
۳۴۴ وابستگی تکاملی وحی های الهی
۳۴۶ سه عهد الهی
۳۴۸ زمان سوم
۳۴۹ هفت دوره تاریخ نجات
۳۵۳ فصل۳۹-اسرائیل زمینی و معنوی
۳۵۳ ماموریت تاریخی اسرائیل و شکستش
۳۵۴ تقسیم قوم یهود به مردمی با ذهنیت دنیوی و معنوی
۳۵۵ مردم روحانی اسرائیل
۳۵۸ صد و چهل وچهار هزار نفر انتخاب و علامتگذاری شدند
۳۶۲ فصل۴۰-نیروهای خیر و شر
۳۶۲ منشا خیر و شر
۳۶۵ غرور و فروتنی
۳۶۶ خوبی،انسان پاک نیت

۳۶۷ شر،انسانی که در شر افتاده است
۳۶۸ مبارزه بین خیر و شر
۳۶۹ وسوسه ها و اغوا ها
۳۷۰ جنایات اخلاقی
۳۷۱ ناتوانی و گذرا بودن شر
۳۷۲ قدرت بخشش
۳۷۳ فصل۴۱-ارتباط بین دنیا و آخرت
۳۷۳ الهام و حمایت از دنیای معنوی
۳۷۵ ارواح سرگردان و بدخواه
۳۷۸ نبرد ارواح برای تسخیر روح انسان ها
۳۸۰ ارتباط با دنیای روح خدا
۳۸۳ فصل۴۲-گناه و کفاره،آزمایش ها و رنج ها
۳۸۳ ضرورت توبه و استغفار
۳۸۴ قانون کفاره
۳۸۵ عامل آزمایش و رنج
۳۸۷ ایمان،تسلیم و فروتنی در آزمایش ها
۳۸۸ معنی رنج و درد
۳۹۱ فصل۴۳-بیماری،شفا و تجدید حیات
۳۹۱ منشا ومعنای بیماری
۳۹۱ شفا به خودی خود
۳۹۳ تجدید انسان
۳۹۴ فصل۴۴-زندگی به معنای الهی
۳۹۴ تعادل لازم
۳۹۴ شادی های خوب و زودگذر
۳۹۵ ثروت مبارک و بدبخت
۳۹۷ قانون بخشش
۳۹۷ انجام وظایف وتکالیف
۴۰۰ فصل۴۵-تقدقر،معنا و کمال در زندگی

۴۰۰ مشیت وتقدیر الهی در سرنوشت انسان
۴۰۲ در مدرسه زندگی
۴۰۳ معنا و ارزش زندگی انسان
۴۰۶ ماتریالیسم و روح گرایی
۴۰۶ فصل۴۶-انسان گمراه و مادی گرا
۴۰۶ تنبلی ذهنی،جهل وتکبر انسان
۴۰۸ عدم تمایل به چشم پوشی،تلاش و مسوولیت پذیری
۴۱۰ بدبختی معنوی انسان
۴۱۲ رفتارهای نادرست دنیوی و پیامد های آن
۴۱۵ فصل۴۷-ماتریالیسم و روح گرایی
۴۱۵ تاثیر مادی گرایی رایج
۴۱۶ جوهره معنویت گرایی
۴۱۷ چه کسی میتواند به درستی خود را روحانی بنامد
۴۱۷ معنویت در ادیان و مذاهب
۴۲۰ فصل۴۸-عطایای روحانی وروحانی شدن
۴۲۰ توانایی های معنوی انسان
۴۲۳ پیش نیازها و ویژگی های معنویت واقعی
۴۲۴ اثرات مفید معنویت
۴۲۶ انسانیت
۴۲۶ فصل۴۹-دین وفقه
۴۲۶ هیچ دین و مذهبی تنها دین حقیقی نیست
۴۲۸ خصومت ادیان با توسعه
۴۲۹ رابطه دین و علم
۴۳۰ سختی و بی عدالتی عدالت زمین
۴۳۱ خود پسندی سنگ دلانه انسان
۴۳۱ عدالت زمینی به عنوان یک شر ضروری
۴۳۳ فصل۵۰-آموزش و علوم
۴۳۳ غرور و غرور در دانش

۴۳۴ پیامد های تفکر عقلانی مادی
۴۳۸ الهام دانش علمی جدید از جانب خدا و دنیای معنوی
۴۴۰ تقدیر از دانشمندانی که برای منافع بشریت تلاش میکنند
۴۴۲ فصل۵۱-حاکمان و سواستفاده از قدرت و جنگ ها
۴۴۲ توهم زودگذر قدرت و عظمت زمینی
۴۴۳ اعمال فرضی قدرت بر مردم و ملت ها
۴۴۵ تاملاتی در باب جنگ جهانی دوم
۴۴۶ نکوهش و بی معنی بودن جنگ ها
۴۴۹ فصل۵۲-بی عدالتی و زوال بشریت
۴۴۹ استثمار ضعیف ها توسط قدرت ها
۴۵۱ تباهی بشریت
۴۵۳ دنیای وارونه انسان نابالغ
۴۵۶ داوری وتطهیر بشریت
۴۵۶ فصل۵۳-زمان داری فرا رسیده است
۴۵۶ برداشت میوه های کاشت انسان
۴۵۷ تطهیر بشریت در داوری
۴۵۹ محبت خدا در قضاوت
۴۶۱ فصل۵۴-نبرد جهان بینی ها،ادیان و کلیساها و نبرد های معنوی
۴۶۱ پیش از پادشاهی صلح آمیز مسیح روی زمین
۴۶۲ مبارزه برای برتری معنوی بر روی زمین
۴۶۳ مبارزه با آموزه های معنوی
۴۶۵ نادیده گرفتن یا مبارزه با تجلیات معنوی و شفاهای معنوی
۴۶۷ فصل۵۵-تطهیر زمین و بشریت در قیامت
۴۶۷ صدای هشدار دهنده خداو طبیعت قبل از داوری
۴۶۹ قدرت و حکومت شر درهم شکسته خواهد شد
۴۷۱ جنگ های آخرالزمانی،بیماری های همه گیر طاعون و ویرانی
۴۷۲ بلایای طبیعی و زمینی
۴۷۵ عدالت و رحمت الهی

۴۷۶ اثر دادگاه
۴۷۸ دگرگونی وتکمیل جهان و آفرینش
۴۷۸ فصل۵۶-پیروزی و شناخت کار روح القدس
۴۷۸ گسترش آموزه های معنوی توسط فرستادگان الهی
۴۷۸ مبارزه برای به رسمیت شناختن کلام جدید
۴۷۹ قدرت تعلیم روح القدس
۴۸۱ آگاهی از بازگشت مسیح در سراسر جهان
۴۸۳ فصل۵۷-تبدیل وتغییر در همه زمینه ها
۴۸۳ بینش های جدید و عمیق تر
۴۸۵ روشنفکری توسط انسانهای برگزیده خدا
۴۸۶ دگرگونی انسان
۴۸۹ تغییرات و تحولات در همه زمینه های زندگی
۴۹۲ فصل۵۸-پادشاهی صلح مسیح و تکمیل خلقت
۴۹۲ قدرت تعیین کننده در پادشاهی صلح مسیح
۴۹۲ مرد جدید
۴۹۴ زمین به عنوان سرزمین موعود و بازتاب پاپشاهی
۴۹۶ تکمیل خلقت
۴۹۸ سرود هماهنگی احیا شده آفرینش
۵۰۰ ماموریت تبلیغی
۵۰۰ ماموریت برای انتشار کلام جدید خدا
۵۰۰ دستور العمل های تولید جلد کتاب،گزیده ها و ترجمه ها
۵۰۱ حق دانستن کلام جدید خدا
۵۰۲ دستورالعمل هایی برای انتشار آموزه های معنوی
۵۰۵ فصل۶۰-کار کردن در روح مسیح
۵۰۵ ویژگی ها،فضایل و توانیی های لازم برای شاگردان جدید
۵۰۹ رفتار صحیح هنگام انتقال کلمه
۵۱۱ روش صحیح تبلیغ کلمه

۵۱۵ ماموریت برای تسلی و التیام کسانی که
از نظر روحی و جسمی رنج میبرند
۵۱۷ لحظه عظیمت برای ماموریت جهانی
۵۱۸ تذکرات،هشدار ها و دستور العمل ها
۵۱۸ فصل۶۱-هشدار ها و نصایح خداوند
۵۱۸ دستورات وتکالیف
۵۲۰ ایمان،امید،عشق،فروتنی و اعتماد به نفس
۵۲۱ دعا،مطالعه،هوشیاری،تجدید قوا و معنویت
۵۲۳ هشدارهای خطاب به کلیساهای وحی و هشدار ها
نسبت به ادامه اعلامیه ها پس از ۱۹۵۰
۵۲۴ و افشاگری های دروغین مسیح
۵۲۶ رذایل،ریا و پلیدی
۵۲۷ توبه های دروغین و انتظارات واهی
۵۲۹ هشدار به مردمان و قدرتمندان زمین
۵۳۱ فصل۶۲-سخنانی برای شنوندگان حاضر
۵۵۰ فصل۶۳-دستورالعمل هایی برای کلیساها
و همه شاگردان مسیح
۵۵۰ کار معنوی مسیح
۵۵۹ اسرائیل معنوی و قوم یهود
۵۶۲ شاگردی و معنویت
۵۷۳ توسعه
۵۷۸ تطهیر کمال
۵۸۱ این دنیا و فراتر از دنیای خاکی
۵۸۶ آیات الهی
۵۸۸ انسان و سرنوشت او
۵۹۵ رذایل،اشتباهات و خطاها
۵۹۸ تزکیه و معنویت بخشی به بشریت
۶۰۰ نبوت ها،تمثیل ها،راحتی و نوید
۶۰۰ فصل۶۴-پیشگویی ها
۶۰۰ تحقق پیشگویی های قدیم و جدید-پیشگویی بزرگ
ملت ها در دهم ژانویه ۱۹۵۰ به سوی پایان
۶۰۱ جنگ جهانی دوم

۶۰۳ جنگ ها و بلایای طبیعی-نشانه هایی در آسمان
۶۰۴ پیشگویی درباره جدایی کلیساهای مکزیک
۶۰۵ فصل۶۵-مثل ها،تسلی و وعده
۶۰۵ حکایت سرایداران بد
۶۰۶ حکایت عبور از بیابان به سوی شهر بزرگ
۶۰۹ حکایتی از بزرگواری پادشاه
۶۱۱ برکات و نعمت ها
۶۱۲ تشویق برای توسعه سعودی
۶۱۴ ندای خدا
۶۱۴ خطاب به مردم این زمان
۶۱۴ فراخوان برای روشنفکران
۶۱۴ فراخوان به سوی سختی کشیده ها و بار کشیده ها
۶۱۴ فراخوان به اسرائیل روحانی

یادداشت خواننده:
انسان چیزی فراتر از بدنش است.او موجودی روحانی در کالبدی زمینی است.این موجود روحانی از روح و جان تشکیل شده است.روح، بدن را از طریق نفس هدایت می‌کند.در زبان روزمره روح و نفس اغلب به صورت مترادف به کار می‌روند.این امر در درجه اول به دلیل تعریف های کلیسای کاتولیک است

«می‌خواهم با این کلامی که به تو داده‌ام، در راستای تحقق پیشگویی‌هایم، کتاب‌هایی تألیف کنی و بعداً از آنها گزیده‌ها و تفسیرهایی تهیه کنی و آنها را به آگاهی همنوعانت برسانی.»

«با این کتاب، که بشریت سرانجام آن را به عنوان عهد سوم خواهد شناخت، تو از آرمان من دفاع خواهی کرد.»

بشریت فقط قانون «بار اول» و آنچه در عهد اول و دوم نوشته شده است را می‌شناسد. اما اکنون عهد سوم آنچه را که مردم به دلیل عدم آمادگی و درک تغییر داده‌اند، متحد و اصلاح خواهد کرد.

«این صدایی که شما را می‌خواند، صدای استاد الهی است. این کلام از جانب کسی است که همه چیز را آفریده است. جوهره این کار، سنگ بنایی خواهد شد که همه نظم‌های آینده بر آن استوار خواهند بود. او که قدرت انجام همه چیز را دارد، قلب‌های سنگی شما را به پناهگاهی از عشق و تعالی تبدیل خواهد کرد و نور را در جایی که فقط تاریکی وجود داشته، روشن خواهد ساخت.»

این کتاب شامل خلاصه ای از ۱۲ جلد از وحی الهی است که بین سا کہ به بین سال های ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۲ در مکزیک با عنوان در کتاب زندگی والا منتشر شده اند در این می مایا آموزه ها خاوند خود را بهعنوان خالق ، داور و در مسیر را به عنوان استاد الهی حکمت از حکمت از جانب خود در وحدت روح القدس با او آشکار کرده است با است. یافتن و انتخاب از میان ستون آموزشی متونی که از نظر محتوا و زبان برای یک ویرایش گزیده موضوعی مناسبته بودند و از نظر ارائه برای موضوعات مربوطه ضروری بودند کار آسانی نبود. همچنین گاهی اوقات به دلیل بیان ایک عبارت خاص در یک بیت از ویرایش اصلی لازم بود چندین بیست که به طور معناداری با خلاصه ها مطابقت داشتند گنجانده شوند.

این مجموعه که بر اساس موضوع تنظیم شده است قصد دارد برای خواننده و همه کسانی که در جستجوی دانش و حقیقت هستند ، مروری جامع بر آنچه روح خدا به عنوان پیام و آموزه ای جدید برای بشریت در طول در مکزیک قبل از پایان سال ۱۹۵۰، یعنی بین سال های ۱۸۸۴ ۱۹۵۰ آشکار کرد تملیات متعدد در ارائه دهد. با این حال بهتر از همه هدف آن تسهیل و ترویج مطالعه کامل و تحقیق آموزه های روح کلام جدید خدا است.

ساختار موضوعی واضح فهرست مطالب ، یافتن سریع موضوعات و قسمت هایی را که در حال حاضر مورد توجه خواننده هستند یا برای بحث با کسانی که متفاوت فکر می کنند یا برای گفتگو با برادران و خواهران روحانی به آنها نیاز دارد، ممکن می سازد.

ماموریت و اجازه گردآوری این مجموعه به این شکل و با این عنوان توسط خود سیر در کلام جدیدش داده شده 7 است. . هر فصل از کتاب به یک یه یک موضوع خاص می پردازد به چیز می پردازد به چیز فصل های ۶۱ تا ۶۳ و برای علاقه مندان حتی بدون آگاهی از فصل علی قبلی، قابل فهم است. با این وجود برای درک کامل آموزه های معنوی مطالعه دقیق این اثر از فصل اول تا آخر ضروری و توصیه شده است.

خواننده یا مومن علاقه مند می تواند تصوری از چگونگی انتقال و میالی به طور کلی بدست آورد و با خواندن آنها و همچنین از این عهد سوم، شادی عمیق و روشنایی ذهن و قلب را تجربه کند. باشد که این امر برای و همه افراد نیک نیست محفوظ باشد.

اگر میان مصرف را از اینکه کار را اگر ایمان بالا دارند عنوان این کتاب اور سومی را متگیرانه خواهند یا عهد عتیق و عهد جدید کتاب مقدس که با آن آشنا استند قرار می دهد که به عنوان کتاب مقدسی و پایه و اساسی ایمان آنها، کامل و بدون نیاز به ادامه با گسترش تلقی می شود. ده خواهند یافت، زیرا این اثر و می جدید را در ردیف عهد

با این حال هر کسی که از کتاب مقدسی آگاه با شده می داند که این نگرش سنتی هیچ پایه و اساسی در آموزه های معتبر علمی که در انجیل های عهد جدید به ما رسیده است، ندارد. کاملا بر عکس ! عیسی در سخنرانی های وداع خود، بارها از بازگشت خود و در ارتباط با این موضوع از در روح حقیقت»، «روح تسلی دهنده و روح القدس (که سپس ما را بوی حقیقت هدایت خواهد کرد نمن گفته است.

پولی پیامبر اعتقاد خود را به و می عظیم الهی در پایان زمان با این کلمات بیان کرد: الان تا حدی فقط می دانم اما سر انجام خواهم دانست، چنانکه شناخته شده .ام

این مقدمه یا ارائه در کی واقعی از ریشه های این کتاب به سیمیان و مومنان و به خوانندگان این کتاب چگونگی و تحت چه شرایط بیرونی ، تنفق بازگشت مسیح را ارائه کرده است. علیرغم اظهارات موجود در خود و می ما، بسیاری از سوالات بی پاسخ مانده اند و می توانند به شک و تردید و تصورات غلط دامن بزنند. این مقدمه همچنین با هدف آسان سازی درک آنچه روح خدا درو می جدید خود به عنوان عهد سوم برای بشریت به جا گذاشته است، ارائه شده است.

هر خواننده ای از این کلام جدید خدا می تواند در یابد که این کلام اقتدار، حکمت و فشق و الا را ساطع می کند این تحقق وعده عیسی مبنی بر بازگشت او در ابر) است که بصورت نمادین به زبان روح بیان می شود، به معنای به شیوه ای رومانی است. بنابر این این کتاب عهد سوم به عنوان خلاصه ای از آیات الهی در مکزیک که بصورت موضوعی ساختار یافته است، گواهی واقعی بر بازگشت. سیح در روح » است.

راهب بزرگ یواخیم اهل فیوره در قرون وسطی و بسیاری دیگر پس از او از این زمان سخن گفته اند. این زمان پادشاهی صلح مسیح بر روی زمین است که از زمان پیامبران به بشریت و عده داده شده است.
با بازگشت روحانی مسیح در کلام این عصر روح و روحانی شدن انسان از قبل آغاز شده است و مسیح با کلام جدید عشق خود،راه را به سوی آن نشان داده است.
رویداد اصلی در ظهور مجدد مسیح، بر خلاف تمام انتظارات مسیحیان ، چیزی در آینده نیست، بلکه از قبل به تاریخ پیوسته است: این رویداد در دوره ۱۸۶۶ تا ۱۹۵۰، در سکوت کامل و بدون توجه و نادیده گرفتن شدن توسط (جهان بزرگ) و مسیحیت رخ داد!نه در مرکز مسیحیت غربی در رم یا در مرکز تقوای ارتدکس در کوه اتوس ، یا همانطور که بسیاری انتظار داشتند، در اورشلیم باستانی یهودی - مسیحی ، یا در محیط الهیات پروستان و فلسفه مذهبی
بلکه در کشوری به اصطلاح جهان سوم، در مکزیک!و حتی در آنجا، نه در درون کلیسای کاتولیک مسلط در قدرت و شکوه، بلکه در محیطی از فقر وبی اهمیتی در میان مردم ساده و بی سواد در حومه یا حومه مکزیکوسیتی و از آنجا در حال تابش و گسترش در سراسر کشور چه کسی انتظار چنین چیزی را داشت ؟
بازگشت مسیح به شکل وحی های روحانی مسیح از طریق افرادی که توسط او در حالت وجد و سرور در جوامع یا انجمن های برادری مسیحی- معنوی تازه تاسیس، کاریزماتیک و دارای گرایش های مذهبی برگزیده شده بودند به واقعیت تبدیل شد.
بخش بزرگی از این وحی ها در سال های قبل از ۱۹۵۰ بصورت خلاصه ثبت رو نویسی و بعدا در ۱۲ جلد با عنوان
Libro dela vida verdarera
به معنی کتاب زندگی حقیقی منتشر شدند.
این مجموعه از آموزه های مسیح به همراه گزیده هایی از آنها که بصورت موضوعی سازماندهی شده اند از ابتدا توسط خداوند به عنوان سومین عهد او برای بشریت به ویژه مسیحیت ، در نظر گرفته شده بود.
بر اساس کلام خداوند، دلیل انتخاب مکزیک به عنوان سرزمینی که برای بازگشت مسیح در کلام مقدر شده است، این است که اجداد سرخپوست ساکنان فعلی به نام او شهید شده و توسط فاتحان اسپانیایی به زور مسیحی شده اند. از سوی دیگر این مردمان و فرزندان فعلی آنها در طول قرن ها

ظلم و ستم و بردگی ، روحیه برادری ، شفقت، فروتنی و بردباری بیشتری را به سایر مردمان زمین، به ویژه اروپایی ها، درآنها پرورش داده است. بنابراین امروزه روح های بالغ تری از برگزیدگان باستانی (قوم اسرائیل) در میان مردم مکزیک متولد شده اند و شاهد تحقق وعده های داده شده به «اسرائیل معنوی» بوده اند. حتی تولد عیسی،اولین ظهور مسیح به جهان، نه در مراکز قدرت و تمدن روم یا یونان و نه حتی در مرکز فرهنگی یهو دیان اور شلیم ، بلکه در فاصله ای دور و فروتنانه رخ داد.سرزمین و حوزه اصلی فعالیت عیسی، جلیل بود که مورد تحقیر یهودیان اورشلیم قرار داشت. کاتبان قدیم،با احساس برتری اظهار داشتند:« چه خوبی می تواند از ناصره حاصل شود ؟» متکلمان امروزی نباید همان اشتباهات را مرتکب شوند و با حس برتری فکری،مخفیانه فکر کنند:چه چیزهای خوب و بزرگی می تواند از مکزیک حاصل شود؟ چه دلایلی نشان می دهد که وحی های معنوی واقعا منشا الهی دارند؟ بالاتر از همه، خود وحی ها،که بدون شک از روح و ذهن مسیح و عشق و رحمت پدر آسمانی سرچشمه گرفته اند. کدام قلب انسانی می تواند از آنها مصون بماند؟ حکمت و عمق افکار،وحی ها، نصایح و آموزه ها نیز گواهی گویا بر وجود خالق آنها هستند. چه روح فریبکاری می تواند همه اینها را با نیت شوم وانمود کند؟ این نیات چه می توانند باشند،زیرا این آموزه ها فقط می توانند در خدمت بهبود، توسعه و تعالی نژاد بشر باشند.

دلیل دیگری برای صحت این آیات به عنوان کلام جدید خدا این واقعیت است که آنها در مدت زمان طولانی و از طریق فرستنده ها و مکان های مختلف ابلاغ شده اند، با این حال روح و شخصیت واحدی دارند و به وضوح به یک منبع و حی واحد اشاره می کنند. چه قدرت تاریکی قادر است چنین چیزی را برای دهه ها در سراسر یک کشور به عنوان یک توهم اغوا کننده به تمستخر خدا سازماندهی کند؟این به سادگی غیر ممکن است و خدا به عنوان پدر مهربان فرزندان آسمانی خود و مدیر عالی سرنوشت های زمینی،هرگز اجازه چنین کاری را نمی دهد.

دلایل مهم دیگر برای صحت این مکاشفه ها به عنوان گواهی بر بازگشت معنوی مسیح در کلام،شباهت های بین وعده های عیسی در مورد بازگشت او و نشانه های آن و وقایع مکزیک در طول دوره ای از وقایع تکان دهنده و دگرگون کننده جهان، از جمله دو جنگ جهانی است.

و همچنین مطالعه از نستوانکرلین با عنوان «کار معنوی خدا» که هر دو توسط انتشارات رایشل منتشر شده اند. شهادت مهمی برای منطقه جهان و بنابراین برای مکزیک به عنوان محل بازگشت معنوی مسیح،در قرن نوزدهم توسط به اصطلاح «کتاب خدا»یا کوب لوربر به مسیحیت داده شده است.

در بخشی از اثر بزرگ وحی جدید خود،عیسی از بازگشت معنوی خود در سرزمینی فراتر از اقیانوس اطلی سخن می گوید. آیا این نباید دلیلی باشد برای کسانی که به آیات لوربر ایمان دارند و برای همه مسیحیان بیدار معنوی که از خود بپرسند آیا این پیشگویی قبلا محقق نشده است و بررسی کنند که آیا در هیچ یک از کشورهای قاره آمریکا اتفاقی افتاده است که این ادعا را مطرح کند و مطابق آن عمل کند؟معیار قضاوت در این مورد نباید صرفا عظمت دانش وحیانی خلقت باشد، بلکه بالاتر از همه عشق و حکمت الهی بیان شده است.

چنین رویدادی در واقع در اوایل دهه ۱۸۶۰ در مکزیک رخ داد و آغاز شد. در ۲۳ ژوئن ۱۸۶۱ ، مردی سیاه به نام روکه روخاس اولین تجربه دعوت خود را از طریق فرشته مقرب جبرئیل و در رویایی که در آن ماموریتش به عنوان پیشگام زمینی خداوند به او اعلام شده تجربه کرد. پس از آنکه از طریق رویای بزرگ دیگری به اصالت دعوت الهی خود پی برد، شروع به اشتراک گذاشتن پیام هایی کرد که در حالت وجد دریافت می کرد و از طریق قدرت اقناع و اعتبار خود، به تدریج جامعه ای از مومنان را در اطراف خود گرد آورد. او متعاقبا از طریق هدیه نوظهور شفای معنوی به طور گسترده شناخته شد و مورد توجه همه کسانی که به دنبال کمک و مشاوره بودند، قرار گرفت. او اولین مکان ملاقات خود را تاسیس کرد، جایی که در اسپتامبر ۱۸۶۶ الیاس برای اولین بار طریق او صحبت کرد و هفت مرد و زن به عنوان رهبران جماعت های تازه تاسیس منصوب شدند. که نمادی از هفت مهر دوره های مربوط به تاریخ نجات بودند.

وقتی شرکت کنندگان در یک جلسه در طول هفته مقدس در سال ۱۸۴۹ نتوانستند احترام و ارادتی را که روکه روخاس از آنها انتظار داشت، نشان دهند،خشم مقدسی او را فرا گرفت و آیات الهی را که از طریق الیاس دریافت کرده بود، نابود کرد. او محل جلسه را تعطیل اعلام کرد و بدین گونه خدمت پر برکت خود را به پایان زودرس رساند. اما بذر خوبی که او کاشته بود، در جاهای دیگر جوانه زد و شکوفا شد و سال ها بعد، در سال ۱۸۸۴ در یکی از اجتماعات هفت مهر،خود مسیح برای اولین بار از طریق گوینده ای که به رسالت خود و فادار ماند، سخن گفت.

از آن به بعد وحی الهی بدون وقفه نسل به نسل تا پایان سال ۱۹۵۰ ادامه یافت. تعداد مومنان در این مدت به طور پیوسته گسترش یافت، به طوری که این جنبش معنویت گرای مسیحی، که مسیح آن را کار معنوی خود می نامیده سر انجام شامل چند صد جماعت با هزاران پیرو در سراسر کشور شد.
مومنان مرتبا صبح های یکشنبه در تالارهای ساده کلیسا یا در اتاق های خصوصی خود جمع می شدند و هرجا که یک یا چند پیام آور در دسترس بودند، روح خدا خود را همزمان بر اساس نیازها و میزان پذیرش شنوندگان آشکار می کرد.
جلسات شفا هفته ای یکبار برگزار می شد که طی آن دنیای روح خدا به صورت معنوی خود را در آموزش، مشاوره ر و شفا آشکار می کرد. شفاهای معنوی زیادی در جسم و روح رخ می داد، اما متاسفانه، این موارد بصورت کتبی ثبت و برای آیندگان مستند نشده بودند. ظاهرا آنها چیزی خارق العاده یا شایسته انتقال به نسل های بعدی تلقی نمی شدند.
با پایان یافتن آیات الهی و وحی های دنیای روح خدا در پایان سال ۱۹۵۰، که مدت ها توسط خدا اعلام و تعیین شده بود، شکاف عمیقی در کار معنوی رخ داد، شکافی بین جماعت هایی که به این فرمان مسیح پایبند بودند و از وحی های معنوی بیشتر دست کشیدند، و جماعت ها و رهبران جماعتی که به آن پایبند نبودند و اجازه دادند سخنگویانشان در حالت خلسه فرو روند و بدین ترتیب دری به دنیای ارواح پست تر و ارواح فریبنده برای مسیح دروغین و وحی های معنوی باز شد.متاسفانه این جماعت نافرمان برای مردم عادی جذابیت بسیار بیشتری نسبت به جماعت مومن داشتند که اعضای آنها عمدتادر گروه های کوچک جل می شدند یا به اردوگاه دیگر روی می آوردند،زیرا آنها بیشتر برای سرگرمی و هیجان آفرینی انسانی ارائه میدادند تا عبادت های آرام با خواندن یک متن آموزشی و به دنبال آن تبادل نظر در مورد آن.
با وجود این شرایط نامساعد، پس از سال ۱۹۵۰ گروهی از مردان و زنان که عمدتا رای دهندگان سابق بودند،تا آنجا را بصورت کتاب منتشر کنند. برای انجام این کار آنها مجبور بودند به کپی هایی از نسخه های تایپ شده تکیه کنند که توسط خود نویسندگان بر اساس رو نوشتهای تند نویسی شده از تجمعات در آن زمان تهیه شده و سپس با به درخواست بصورت کپی توزیع شده بودند. تعداد زیادی از نسخه های خطی مختلف از تجمعات جمع آوری شد که در نهایت ۳۶۶ نسخه برای گنجاندن در گلچین های Libro de la vida verdarera در کتاب زندگی واقعی انتخاب شدند

اگر چه این ها تنها بخشی از تمام وحی ها، به ویژه از سالهای آخر قبل از ۱۹۵۰ رانشان میدهند، همانطور که اخیرا مجموعه ای بزرگ از نسخه های خطی وحی که ظاهرا هنوز منتشر نشده اند از دارایی یک نقل کننده صدای سابق کشف شده است،گواه این امر است اما با توجه به این تعداد زیاد آیات می توان فرض کرد که در مجموع، آنها شامل تمام مضامین و آموزه هایی هستند که روح خدا می خواست برای بشریت به ارمغان بیاورد و در مورد آنها روشنگری کند تا بتواند راه خود را بسوی آینده ای روشن تر پیدا کند.

در سال ۱۹۶۲ اولین مجموعه آلمانی از این اثر کامل در آلمان با عنوان عهد سوم منتشر شد که برای اولین بار کلام وحیانی خداوند را به حلقه محدودی از مردم در دنیای آلمانی زبان شناساند. از سال ۱۹۷۹ انتشارات رایشل جلدهای آلمانی «کتاب زندگی حقیقی »را نیز منتشر کرده است که از طریق کتابفروشی ها در دسترس هستند.

در دهه ۱۹۷۰ انجمن مطالعات معنوی در مکزیکوسیتی تاسیس شد. وظیفه آن مدیریت و نگهداری نسخه های خطی بشارتها و انتشار نسخه های جدید از جلدهای جمع آوری شده و ادبیات همراه آن بود. این انجمن هنوز هم این را وظیفه اصلی خود می داند

این کلمات جدید خدا از یک سو شامل تاییدات و توضیحاتی در مورد وقایع و مکاشفات قوم باستانی اسرائیل و در طول زندگی زمینی و خدمت عیسی است. از سوی دیگر، گنجینه ای از بینش های معنوی جدید را به ارمغان می آورد که برخی از آنها نمایانگر اصلاحات اساسی در

جهان بینی سنتی مسیحی هستند. این مربوط به تصویر خدا، ماهیت الهی عیسی و مریم ، ماهیت انسان با بارقه ذاتی خدا و تکامل ابدی روح، مفاهیم بهشت و جهنم، روز قیامت یا داوری، آموزه نجات و بخشش گناهان ،رستاخیز از مردگان و زندگی ابدی است. همچنین با توجه به عمل به ایمان مسیحی و اشکال عبادت، استانداردها و اهداف جدیدی تا حدی تعیین و اطلاعات سپرده شده مورد تردید قرار می گیرند یا رد می شوند.

به خصوص در مورد عبادت و بناهای مقدس. پیام اصلی با پیام عیسی مطابقت دارد: به جای اعمال مذهبی بیرونی و درونی تقوای ظاهری، باید زندگی مبتنی بر دعا و عمل فردی مطابق با وجدان خود وجود داشته باشد. به جای محاسبه خیرات بر اساس انگیزه های خود خواهانه، باید عمل خود جوش و فداکارانه از عشق به خدا، بشریت و طبیعت خلقت خدا وجود داشته باشد. جایی که عشق می تواند عبارات بسیاری داشته باشد:توجه،ملاحظه، احترام، دلسوزی، محبت، آسایش و حمایت به جای ایمان راحت طلبانه و کورکورانه باید ایمانی زنده و بینا مبتنی بر بینش و دانش معنوی وجود داشته باشد.

خداوند در مکاشفات خود، ابتدا کلام خود را خطاب به مومنان حاضر بیان می کرد که اغلب آنها را قوم من ، شاگردان یا کارگران و گاهی نیز اسرائیل عزیز خطاب می کرد. با این حال به معنای وسیع تر،کلام او با چند استثنا خطاب به تمام اسرائیل معنوی ، تمام قوم خدا در سراسر جهان و مردم همه ملتها، نژادها و مذاهب است. اما آیا آنها با شادی از کلام جدید خدا استقبال و آن را تصدیق خواهند کرد؟

این نباید دلیلی برای تاسیس یک جامعه مذهبی ، کلیسا یا فرقه جدید باشد. این فراخوان خداوند برای تمدید و روحانی کردن بشریت و تمام نمادهای اجتماعی و مذهبی آن است. هرکس عهد سوم او را رد کند ، خود و روح القدس را رد می کند. این کلمات روغن مقدس برای چراغ های خاموش روح است، این نان و شراب از سفره خداوند تغذیه و طراوت ابدی روح است.

فصل۱-انتظار برای ظهور مجدد مسیح

نگاهی مقدماتی به واقعه نجات:

۱. در آغاز زمان، جهان فاقد عشق بود. انسان‌های نخستین از احساس و درک آن قدرت الهی، آن جوهر روح، منشأ تمام آفرینش، بسیار دور بودند.

۲. آنها به خدا ایمان داشتند، اما فقط قدرت و عدالت را به او نسبت می‌دادند. مردم معتقد بودند که زبان الهی را از طریق عناصر طبیعت می‌فهمند؛ بنابراین، وقتی آنها را ملایم و آرام می‌دیدند، فکر می‌کردند که خداوند با کارهای بشر موافق است. اما وقتی نیروهای طبیعت آزاد شدند، فکر کردند که خشم خدا را که در این شکل تجلی یافته است، تشخیص داده‌اند.

۳. در دل انسان‌ها، تصور خدایی وحشتناک که خشم و حس انتقام را در خود حمل می‌کند، شکل گرفته بود. بنابراین، وقتی معتقد بودند که به خدا توهین کرده‌اند، به امید خشنودی او، قربانی‌های سوختنی و قربانی‌هایی به او تقدیم می‌کردند.

۴. به شما می‌گویم که آن هدایا از عشق به خدا الهام نشده بودند: ترس از عدالت الهی، ترس از مجازات بود که مردمان نخستین را مجبور به پرداخت خراج به ارباب خود میکرد.

۵. آنها روح الهی را صرفاً خدا می‌نامیدند، اما هرگز پدر یا استاد نمی‌خواندند.

۶. این پدران مقدس و پیامبران نخستین بودند که به انسان فهماندند که خدا در واقع عدالت است - بله، اما عدالت کامل؛ اینکه او، بالاتر از همه، یک پدر است و به عنوان یک پدر، همه مخلوقات خود را دوست دارد.

۷. بشریت گام به گام، به آرامی در مسیر تکامل معنوی پیش رفت و به سفر خود ادامه داد، از عصری به عصر دیگر گذر کرد و از طریق الهاماتی که خداوند در تمام اعصار به فرزندانش داده است، چیزهای بیشتری از راز الهی آموخت.

۸. با این حال، انسان به شناخت کامل عشق الهی دست نیافت؛ زیرا او واقعاً خدا را به عنوان یک پدر دوست نداشت و نمی‌توانست عشقی را که پروردگارش همیشه به او ارزانی می‌داشت، در قلب خود احساس کند.

۹. برای اینکه عشق کامل انسان شود، لازم بود که «کلمه» تجسم یابد و جسمی ملموس و قابل مشاهده برای انسان‌ها به خود بگیرد، تا آنها سرانجام بتوانند تجربه کنند که خدا چقدر و به چه شکلی آنها را دوست دارد.

۱۰. همه حضور پدر در عیسی را نمی‌شناختند، زیرا عیسی برخلاف تصور خشمناک از خدا، مهربان و فروتن بود.
۱۱. بسیاری به کلمه الهی ایمان آوردند که درمان رنج و بیماری‌ها بود و وعده زندگی جدیدی پر از نور و عدالت می‌داد.
۱۲. مسیح بذر حقیقت والا را در قلب بشریت کاشت و مراقب آن است تا میوه‌اش برسد و انسان‌ها او را همانگونه که دوست داشته است، دوست بدارند.
۱۳. مسیح خود سخن‌گو و راهنمای شاگردان است.
۱۴. او، «کلمه»، دوباره با بشر سخن می‌گوید؛ بدون غرور و با فروتنی.
۱۵. مسیر زندگی و مرگ فروتنانه او باید شناخته شود.

««««امیدها و انتظارات»»»» :

۱۶. پس از دوران دوم، بازگشت او از نسلی به نسل دیگر انتظار می‌رفت و این وعده از والدین به فرزندان منتقل شد.
۱۷. هر نسل انتظار داشت که کلام پروردگار در او تحقق یابد.
۱۸. با گذشت زمان وعده فراموش و مردم از مراقبت و دعا غافل شدند.
۱۹. عدالت الهی بر ملت‌ها نازل می‌شود و نور او در بشریت حس می‌شود.
۲۰. مردم حضور او را درک کرده و با پرسش و انتظار درباره بازگشتش به دعا و جستجوی او می‌پردازند.

۲۱. مردم می‌پرسند چرا خداوند در زمان حال آشکار نمی‌شود، وقتی در گذشته به زمین آمد و حال که جهان پر از رنج و بی‌خدایی است، چرا کمک نمی‌کند.

۲۲. پیامبران وعده بازگشت و نشان‌هایی از آن داده‌اند، اما چرا خدا چهره خود را نمی‌نمایاند؟

۲۳. مردم انتظار دارند ولی حضور خدا را نمی‌بینند و صدایش را نمی‌شنوند. حتی وقتی او را می‌بینند، انکارش می‌کنند؛ اما کسانی که به او ایمان دارند، منتظر بازگشتش می‌مانند.

۲۴. نشانه‌های حضور خدا، از جمله خون‌ها و رنج انسان‌ها، نمایانگر آمدن روح‌القدس است.

۲۵. تجلی خدا به صورت مادی نخواهد بود؛ او در قالب روح حقیقت آمده است.

۲۶. قوم یهود هنوز در انتظار مسیح مادی‌اند و حقیقت را که پیش از این آمده است، نشناخته‌اند.

۲۷. بشریت باید وحی جدید را بپذیرد و از باورهای قدیمی رها شود.

۲۸. مسیح جدید مادی نخواهد بود؛ بازگشت او روحانی است ولی مردم برای پذیرش آن هنوز آماده نیستند.

۲۹. در گذشته مردم شک داشتند که خدا در عیسی پنهان است و او را انسانی عادی می‌دانستند، اما آثار او آنان را قانع کرد. اکنون بسیاری تنها آمدن او را به صورت انسان قبول دارند.

۳۰. با وجود شواهد آمدن روحانی او، برخی به دلیل مادی‌گرایی قادر به دیدن آن نیستند.

۳۱. کسانی که معجزه‌ای از مسیح می‌خواهند، باید بدانند دیگر تجسم انسانی او نخواهد بود؛ تولد و مرگ او در قلب مؤمنان احساس می‌شود.

۳۲. مردم در کتب مقدس و پیامبران در جستجوی وعده‌های آمدن مجدد مسیح هستند.

۳۳. آنها می‌گویند خدا نزدیک است و نشانه‌های بازگشتش آشکار است.

۳۴. عده‌ای مسیح را می‌جویند، حضور و آمدن روحانی او را حس می‌کنند.

۳۵. ای کاش همه چنین عطش و اشتیاق حقیقت داشتند.

۳۶. مردم از فرقه‌های مختلف در پی نشانه‌هایی از بازگشت او هستند، اما نمی‌دانند که او از پیش خود را شناسانده و این شکل وحی به زودی پایان می‌یابد.

۳۷. بسیاری منتظر بازگشت او اگر جلوه جدیدش را ببینند، او را نخواهند شناخت و رد خواهند کرد.

۳۸. شهادت‌ها به آنها می‌رسد و موجب ایمانشان خواهد بود.

۳۹. من می‌دانستم که شما، با وجود بی‌صبری درونی، من را خواهید شناخت و در این زمان از خادمان من خواهید بود.

«««««وعده کتاب مقدس»»»»» :

۴۰. در مکاشفه‌ای که از طریق عیسی به شما داده شد، آمدن روح‌القدس را اعلام کردم؛ مردم آن را درک نکردند زیرا نمی‌دانستند که روح‌القدس همان خدای یگانه است که خود را از طریق عقل انسانی آشکار خواهد کرد.

۴۱. چرا باید کسی از وحی‌های جدید تعجب کند؟ پدران باستان، پیشگویی‌ها و پیامبران همگی از این عصر و آمدن آن آگاه بودند و این وعده الهی مدت‌ها قبل داده شده بود.

۴۲. وقتی بازگشتم را به شاگردانم اعلام کردم، زمان زیادی از وعده‌ای که به شما داده شده بود، گذشته بود.

۴۳. اکنون آن پیشگویی‌ها در برابر دیدگان شما تحقق یافته‌اند، و این موضوع تنها برای کسانی که در تاریکی یا فراموشی وعده‌های من هستند، جای تعجب دارد.

۴۴. من می‌دانستم که شما تنها بخش کوچکی از تعالیم مرا خواهید خواند و ممکن است برداشت نادرستی از مکاشفه‌ها داشته باشید، بنابراین روح حقیقت را برای شما فرستادم تا اسرار را روشن کرده و آنچه را نمی‌فهمید، برایتان شرح دهد.

۴۵. به شما گفتم که در این زمان مانند کوه سینا با رعد و برق نخواهم آمد و مانند دوران دوم که به صورت انسان آمدم، دوباره جسمانی نخواهم شد؛ بلکه در پرتو حکمت خود به روح شما خواهم آمد، ذهن‌هایتان را با نور الهام روشن خواهم کرد و با صدای الهام‌بخش خود نور حقیقت را به شما خواهم بخشید.
۴۶. کافی است کمی آماده باشید تا نور من را ببینید و حضور روح مرا در خود حس کنید. همان روحی که در سال ۱۹۱۸ به شما اعلام شد و من همیشه می‌دانستم که شما آن را خواهید شناخت و در این زمان از کارگران من خواهید بود.

۴۷. بسیاری از مردم به دلیل ترس یا عدم پشتکار، شریعت موسی را تنها به صورت ظاهری رعایت می‌کنند بدون اینکه به آمدن مسیح ایمان داشته باشند. برخی دیگر گرچه به عیسی ایمان دارند، اما انتظار روح تسلی‌دهنده را نداشتند و اکنون که من برای سومین بار نازل شده‌ام، آنها آمادگی ندارند.

۴۸. فرشتگان این مکاشفات را اعلام کردند و صدایشان در آسمان پیچید. آیا آنها را شناختید؟ این جهان معنوی است که به سوی شما آمده تا شهادت دهد بر حضور من. همه آنچه نوشته شده است، تحقق خواهد یافت. غرور انسان شکسته خواهد شد، و او پس از فروتنی مرا طلب خواهد کرد و مرا پدر خواهد خواند.

۴۹. به شما گفتم که همه چیز هنوز به شما گفته نشده است. باید بروم و روح حقیقت را برای شما بفرستم که به شما در درک آموزه‌ها کمک کند. آن تسلی‌دهنده، خود من هستم که بازمی‌گردم تا روشن‌تان کنم و درک گذشته و تعالیم جدید را برایتان آسان سازم.

۵۰. در حکمت من، شفای قلب‌های مشتاق نهفته است. به همین دلیل است که وعده داده‌ام روح حقیقت را به عنوان روح تسلی به شما بدهم. ایمان ضروری است تا در مسیر مانده و در مواجهه با مشکلات نترسید.

«««نشانه های تحقق یافته»»» :

۵۱. تنها تعداد کمی از مردم نشانه‌های آغاز دوران جدید را تشخیص می‌دهند؛ بسیاری غرق اهتزاز در زندگی مادی و مبارزات روزمره‌اند و نشانه‌ها را نمی‌بینند و از دانش مکاشفات من دور می‌مانند.

۵۲. بیشتر مردم به تعالیم انسان‌ها ایمان دارند تا به وحی‌های من که در طول تاریخ داده‌ام. آیا شما منتظرید خداوند با نشانه‌های بزرگ‌تری بیاید تا باور کنید که این زمان ظهور روح حقیقت است؟ افسوس که ایمان کم است! من به شما می‌گویم که صدای من در بیابان فریاد می‌زند، اما کسی آن را نمی‌شنود و به آن توجه نمی‌کند.

۵۳. من آن نشانه‌هایی را که در دوران باستان پیشگویی شده بودند و از بازگشت من سخن می‌گفتند، در سراسر دنیا احساس کردم تا همه مردم به حقیقت این پیام ایمان بیاورند.

۵۴. زمانی که این مژده به ملت‌ها برسد، مردم با جستجو و بررسی خواهند دید که تمام آنچه درباره بازگشت من وعده داده شده بود به طور کامل محقق شده است، چرا که خداوند تنها یک اراده، یک کلمه و یک قانون دارد.

۵۵. در دوران «بار دوم» وحی جدیدی را به رسولانم اعلام کردم و وقتی از من درباره نشانه‌های آن زمان پرسیدند، آنها را به طور کامل بیان کردم و شواهدی برایشان ارائه دادم.

۵۶. این نشانه‌ها تا آخرین لحظه ظاهر شده و به شما اعلام می‌کنند که این همان زمانی است که عیسی آن را پیش‌بینی کرد. اکنون از شما می‌پرسم: اگر این اعلامیه درست نیست، پس چرا مسیح به صورتی که انتظار داشتید ظاهر نشد؟ آیا باور دارید که شیطان و نیروهای طبیعت بر جهان مسلط هستند و شما را فریب داده‌اند؟

۵۷. به شما هشدار داده بودم که مراقب پیامبران، مسیح‌ها و منجیان دروغین باشید. اما اکنون می‌گویم که روح متجسد و بیدار شده چنان قدرتمند است که تقریباً نمی‌توان نور را به تاریکی تبدیل کرد، حتی با توهمات.

۵۸. پیش از آنکه با ایمان کورکورانه این راه را بپذیرید، هر چقدر که می‌خواهید تحقیق کنید! این کلام برای همه است و هیچ آموزه‌ای در این اثر برای کسی پنهان نشده است.

۵۹. در «دوران دوم»، از طریق رسول یوحنا گفتم: «اگر کسی صدای مرا بشنود و در را باز کند، من به نزد او خواهم آمد و با او غذا خواهم خورد و او نیز با من.» همچنین مَثَل باکره‌ها را به شما آموختم تا آن زمان را به یاد داشته باشید.

۶۰. از آنجایی که پیشگویی‌ها و وقایع گذشته اتفاق افتاده‌اند، و من در کنیسه یا هیچ کلیسایی ظاهر نشده‌ام، آیا ...

آیا دنیا نمی‌داند که من باید در حال حاضر خودم را در جایی آشکار کنم، زیرا نمی‌توانم کلام خود را نقض کنم؟

فصل ۲ - طلوع دوران سوم

اولین اطلاعیه

۱. این روز، روز یادبود است: در چنین روزی، من اولین سخنورانم را تقدیس کردم تا از طریق آنها دستورالعمل‌ها و الهامات نوین خود را به بشریت اعلام کنم. روح الیاس از طریق روکه روخاس تابید تا مسیرِ شریعت خدا را به شما یادآوری کند.

۲. این لحظه بسیار مهم بود؛ جان حاضران از ترس و شادی می‌لرزید، همان گونه که قلب اسرائیل در کوه سینا در زمان اعلام شریعت متزلزل شد؛ همچنان که شاگردان هنگام مشاهده تغییر شکل عیسی در کوه تابور، با حضور معنوی موسی و الیاس در سمت راست و چپ استاد، دستخوش هیجان و لرزش شدند.

۳. اول سپتامبر ۱۸۶۶، تولد عصری نو و طلوع روزی تازه بود؛ «عصر سوم» که برای بشریت زاده شد.

۴. از آن زمان، پیشگویی‌ها و وعده‌های الهی بی‌وقفه تحقق یافته‌اند و در شما که امروز زندگی می‌کنید نمایان شده‌اند. تنها من می‌دانم چه کسانی پیش از این وعده‌ها روی زمین بودند، اما مهم این است که شما بدانید من به شما وعده داده‌ام و اکنون به آن وفا می‌کنم.
۵. آیا از «ابری» که شاگردان هنگام صعود دیدند خبر دارید؟ من طبق وعده «بر روی ابر» بازگشته‌ام؛ در اول سپتامبر ۱۸۶۶ روح من بر این ابر فرود آمد تا شما را برای تعالیم نو آماده کند و از ۱۸۸۴ شروع به آشکار کردن آنها نمودم.
۶. من به شکل روحانی و پرتوی نور آمده‌ام تا عقل انسانی را روشن سازم و به خاطر ایمان‌تان به این کلام، شما را می‌ستایم.
۷. نه موسی و نه عیسی انسانی، بلکه اکنون تنها صدای روحانی را می‌شنوید که باید با ایمان جوهر الهی را در خود کشف کنید، چرا که این کلام از طریق موجودات ناقص به شما داده شده است.

۸. در سال ۱۸۶۶، اولین جامعه روحانیون با هدایت روح من و تعلیم الیاس تشکیل شد و شاگردان اولیه پیام‌های نورانی را دریافت کردند.
««««پیامها و سرنخ ها در سراسر جهان»»»» :

۹. الیاس در ۱۸۶۶ از طریق عقل انسانی آشکار شد و نشانه‌ها و وقایع هماهنگ در سراسر جهان هشداری از ورود عصر نو بودند.

۱۰. تجلی من فقط در یک مکان نیست بلکه در اشکال مختلف و به صورت جهانی ظاهر می‌شوم.

۱۱. الیاس به جز مکان اصلی، در جای دیگری نیز عصر جدید و نزدیک شدن پادشاهی آسمان را اعلام کرد.

۱۲. ناپایداری زمین، پیشرفت علم و هجوم جهان معنوی اعلام ورود من را فریاد زدند، اما بشر غالبا ناشنوا باقی ماند.
۱۳. نور الهی سعی در هدایت انسان‌ها داشت اما بسیاری مادی‌گرا و خودخواه، آن را در خدمت خواسته‌های نفسانی خود استفاده کردند؛ با این حال حقیقت و نجات از طریق همین نور ممکن است.

۱۴. کسانی که پیام نور را پذیرفتند، به وجدان خود اجازه دادند راهنمای رفتارشان باشد و با ایمان به بازگشت خداوند زندگی کردند.

۱۵. نمایندگان مذاهب مختلف مرا نمی‌پذیرند و گروه‌هایی از افراد به دنبال خلوت برای دریافت الهامات خدا هستند.

۱۶. برخی جوامع دینی سعی در آماده‌سازی برای بازگشت من دارند، بدون اینکه بدانند من در حال رفتنم.

۱۷. من به همه دعوت دادم و شهرتم به گوش تمام جهان رسید، با شواهدی چون شفا و رهایی.

۱۸. بسیاری ناگوش بودند یا ترسیده، اما من همه ایمان‌آورندگان را پذیرفتم و آموزش دادم.

۱۹. از سرزمین‌های دیگر جمعیت‌هایی برای آموختن وقایع و مکاشفات به شما خواهند آمد.

۲۰. پیام من در جای‌جای جهان شنیده شده و پرتو الهی من در غرب به بشریت امروزی گفته است.

۲۱. وقتی زمان برسد، اقوام و ملل دیگر برای یافتن شما خواهند آمد و فرقه‌های اصلی متعجب خواهند شد.

۲۲. بسیاری به ظهور من بی‌اهمیت‌اند؛ تعداد کمی بیدار و منتظر هستند.

۲۳. بیشتر منتظران، شکل واقعی حضور من را درک نمی‌کنند؛ برخی منتظر بازگشتی انسانی و قابل دیدن هستند، و تعداد کمی معنوی بودن آمدنم را حدس می‌زنند.

۲۴. برخی درباره شکل، زمان و مکان ظهور من شگفت‌زده‌اند، در حالی که دیگران معتقدند که من از پیش در میانشان هستم و نورم آنها را احاطه کرده است.

۲۵. وقتی این پیام به همه برسد، برای برخی شادی و تأیید پیشگویی‌هاست، اما برخی دیگر آن را به دلیل تفاوت با باورهایشان انکار خواهند کرد.

««««کار ایلیا به عنوان پیشاهنگ خدا»»»» :

۲۶. بازگشت الیاس در دوران سوم است و من پیش‌تر اعلام کرده بودم که او پیش‌رویم خواهد بود.

۲۷. الیاس آمد تا روح‌ها را بیدار کند و مردم را برای عبور به دوران سوم آماده سازد؛ او را از طریق مرد صالحی به نام روکه روخاس آشکار کردم.

۲۸. الیاس این مرد را از نظر معنوی روشن، الهام و هدایت کرد.
۲۹. من روکه روخاس را انتخاب کردم؛ او فروتن و نمونه‌ای درخشان پیامبری، پیشگویی و رهبری بود.

۳۰. او توسط قومش تمسخر و آزار دید، مانند موسی و الیاس، و برای دعا به کوه‌ها می‌رفت.

۳۱. همانند استادش، توسط کاهنان مورد تمسخر بود؛ فقط معدودی از او پیروی کردند؛ معجزاتی کرد که برخی را ایمان داد و برخی را سردرگم ساخت و سخنانش پند و تسلی‌بخش بود.

۳۲. ذهن روکه روخاس توان دریافت الهامات بزرگی داشت و می‌توانست مانند پیامبران و رسولان، به حالت وجد معنوی برسد؛ روحش نیز قادر بود به قلمروهای معنوی سفر کند و به درگاه مخفی خدا نزدیک شود. در این راه، الیاس خود را به اولین شاهدان به‌صورت روحانی نشان داد.

۳۳. روکه روخاس گروهی از مؤمنان را گرد آورد و الیاس را از طریق ذهن او آشکار کرد و اعلام نمود که او پیامبر الیاس است؛ این آغاز عصر روحانی شدن و پیشگویی آمدن پرتو استاد الهی بود.
۳۴. در تجمعی با حضور مؤمنان، الیاس ذهن روکه روخاس را روشن کرد و هفت نفر را مسح نمود تا نمایانگر هفت مهر باشند.
۳۵. وقتی زمان تجلی رسید، مشخص شد که تنها یکی از آن هفت، دامیانا اویدو، باکره‌ای بیدار و آماده بود که نور پرتو الهی را دریافت کرد.
۳۶. دامیانا نمایانگر مهر ششم بود و نوری که این دوران را روشن می‌کند.

۳۷. فقط عده کمی حضور رسول خدا را حس کردند؛ مهر ششم گشوده شد و همچون نهری از عدالت و نور بر بشریت جاری شد و بسیاری از پیشگویی‌ها تحقق یافتند.

۳۸. الیاس چشمان روح را روشن کرد تا پدر را ببینید و فرمان داد بیشتر به همسایگان خود رحم کنید، با این وعده که جلال پدر ظاهر خواهد شد.

۳۹. هنگامی که تاریکی بشریت کنار رود و نور به دل‌ها وارد شود، مردم حضور عصری نو را حس خواهند کرد، زیرا الیاس به سوی بشریت بازگشته است.

۴۰. از آنجا که مردم قادر به دیدن او نبودند، لازم بود که روح او از طریق عقل انسانی ظاهر شود، در نماد الیاس پیامبر بر فراز ابرها در ارابه آتشین.

۴۱. الیاس به عنوان راهگشا و پیامبری آمده تا ما را برای آمدن من آماده کند؛ او ما را به خانه‌ای معنوی و سرشار از صلح هدایت خواهد کرد. به او اعتماد کنید، همان گونه که مردم دوران اول از موسی پیروی کردند.

۴۲. الیاس با قدرت عظیم خود، پیشرو من است و برای آماده ساختن نشان‌داران و همه مردم دوباره آمده است.
۴۳. اگر خود را آماده کنید و آموزه‌های مرا بشناسید، الیاس همراه و پشتیبان شما خواهد بود.

۴۴. الیاس پرتوی الهی است که همه را روشن و به من هدایت می‌کند؛ او را دوست داشته و به عنوان پیشگام و شفیع خود احترام کنید.

۴۵. الیاس برای گله خود شفاعت می‌کند، برای کسانی که نمی‌دانند چگونه دعا کنند، دعا می‌نماید و سربازان خود را برای مبارزه با تاریکی و جهل بشریت تجهیز می‌کند.

۴۶. اکنون وظیفه همه کسانی که از قبل آماده و بیدار شده‌اند، اعلام آزادی جهان است. به یاد داشته باشید که الیاس، موعود این زمان، در حال حاضر همه چیز را برای نجات ملت‌های زمین که در بند مادی‌گرایی هستند، از قدرت فرعون آماده می‌کند، همانطور که موسی زمانی در مصر با قبایل اسرائیل انجام داد.

۴۷. به همنوعان خود بگویید که الیاس از طریق عقل انسانی خود را آشکار کرده است، حضور او در روح بوده است و او همچنان راه همه مردم را روشن خواهد کرد تا بتوانند پیشرفت کنند.

۴۸. چوپان شما وظیفه دارد همه موجودات را به مسیر واقعی خود، چه معنوی، اخلاقی یا مادی، بازگرداند. بنابراین، به شما می‌گویم که ملت‌هایی که از طریق الیاس دعوت پروردگار خود را دریافت می‌کنند، خوشا به حالشان، زیرا آنها با قانون عدالت و عشق متحد خواهند ماند، که صلح را به عنوان ثمره درک و برادری آنها به ارمغان می‌آورد. با این اتحاد، آنها به میدان نبرد هدایت می‌شوند، جایی که آنها با فساد، مادی‌گرایی و دروغ مبارزه خواهند کرد.

۴۹. در این نبرد، مردم این عصر شگفتی‌های جدیدی را تجربه خواهند کرد و معنای معنوی زندگی - آنچه از جاودانگی و صلح سخن می‌گوید - را درک خواهند کرد. آنها از کشتن یکدیگر دست خواهند کشید زیرا متوجه خواهند شد که آنچه باید نابود کنند، جهل، خودخواهی و هوس‌های فاسدکننده‌ای است که سقوطها و مشکلات آنها - چه مادی و چه معنوی - از آنها ناشی شده است.

۵۰. الیاس پرتوی از خداست که با نورش تاریکی شما را از بین می‌برد و شما را از اسارت این زمان، که اسارت گناه است، آزاد می‌کند و روح شما را در بیابان هدایت می‌کند تا به "سرزمین موعود" در آغوش خدا برسد.

فصل۳-خورشید روحانی ظهور دوم مسیح
آمدن خداوند

۱. من در زمانی میان شما هستم که اکتشافات نوین، زندگی بشر را دگرگون کرده است؛ حضوری همراه با فروتنی که پیش‌تر می‌شناختید.

۲. «کلمه» خدا دیگر به شکل انسان ظاهر نشده؛ مسیح دیگر در اصطبل به دنیا نیامده است، زیرا دیگر نیازی به بدن فیزیکی برای شهادت قدرت خدا نیست؛ حضور خدا معنوی، جهانی و بی‌کران است.

۳. اگر اعمال بشر در این زمان عادلانه و خوب می‌بود، نیاز به بازگشت من نبود؛ اما اشتباهات و انحرافات شدید است و عشق الهی من باید مردم را بیدار کند و یادآور شود که مدیون او هستند.

۴. برای شنیده شدن در میان انسان‌های مادی که قادر به ارتباط روحی نبودند، مجبور شدم خود را از طریق عقل انسان آشکار کنم.

۵. از آنجا که مردم نمی‌توانستند به سطح روح پروردگار بالا روند، من پایین آمدم و از اندام فکری آنان که در مغز است استفاده کردم تا الهام الهی را به زبان قابل فهم تبدیل کنم.

۶. انسان به دانش عظیم نیاز دارد و خدا به سوی انسان می‌آید تا حکمت ارزنده را به او بدهد؛ اگر وسیله ارتباط ظاهراً ساده باشد، پیام بزرگ و باارزش است. شکوه و تجلی ظاهری بی‌فایده است اگر نور واقعی در آن نباشد.

۷. من می‌توانستم با رعد و برق و طوفان بیایم تا قدرت خود را نشان دهم، اما این باعث ترس و فاصله می‌شد؛ عشق خدا قدرتمند است، اما قدرتی با ماهیت محبت و مهربانی است نه ترس و خشونت.

۸. این روح الهی امروز با کیهان سخن می‌گوید و نور حقیقت را بر آنچه پیش‌تر نمی‌دیدید می‌تاباند. او سپیده‌دمی نو برای همه انسان‌هاست که شما را از ترس‌های نادرست رها می‌سازد، شک‌هایتان را برطرف می‌کند و روح و ذهن‌تان را آزاد می‌گرداند.

۹. پس از درک آموزه‌ها و عدالت قوانین من، محدودیت‌هایی را که افکارتان برایتان ساخته و مانع شناخت عمیق‌تر حقیقت شده‌اند می‌شناسید.

۱۰. اضطراب و ترس از مجازات دیگر شما را از کشف حقیقت باز نمی‌دارد، مگر این‌که وجدانتان اجازه ندهد؛ زیرا حقیقت کامل برای انسان همیشه قابل درک نیست و تنها بخشی از آن مطابق استعداد او فهمیده می‌شود.

۱۱. اگر آمدنم در میان جنگ‌ها، بلایا و آشوب اعلام شده، بدانید که این مشکلات را من نیاوردم، بلکه حضورم در این شرایط بحرانی برای نجات بشریت است.

۱۲. من به جهانی می‌آیم که در مرگ و تغییر است تا راه‌گشای بشریتی نو باشم؛ ندای "دوران سوم" ندای عشق است که عدالت، برادری و صلح را در خود دارد و الهام‌بخش است.

۱۳. همانطور که کلام مسیح پس از او در دل شاگردان و مردم پخش و گسترش یافت، تعالیم من نیز گسترش پیدا خواهد کرد و توسط کسانی که حس و درک دارند پذیرفته خواهد شد.

«««««هر چشمی مرا خواهد دید»»»»

۱۴. عیسی به شاگردان خود گفت که با مدت کوتاهی دوری، باز خواهد گشت و در حالی که بر ابرها و با فرشتگان احاطه شده است ظهور خواهد کرد.

۱- اکنون من اینجا هستم، بر فراز ابرها، احاطه شده توسط فرشتگان، آن موجودات معنوی که خود را به عنوان پیام‌آوران الهی و مشاوران خوب شما آشکار کرده‌اند. پرتوهای نور آنها کلام من است که وحی‌های نوینی با حکمت بی‌پایان برای شما به ارمغان می‌آورد.

۱۶. خوشا به حال کسانی که بدون دیدن ایمان آوردند، زیرا آنان حضور مرا حس می‌کنند.
۱۷. انسان حقیقت را با روحه‌اش کشف خواهد کرد؛ همه حضور مرا خواهند یافت؛ زیرا پیش‌تر گفته‌ام که هر چشمی در زمان خودش مرا خواهد دید.
۱۸. زمان حاضر، آن زمان است که پیام من و پیامبران پیشین اعلام کرده‌اند؛ زمانی که همه انسان‌ها مرا از طریق احساسات و قوای روح‌شان خواهند دید.
۱۹. لازم نیست مرا در قالب انسانی ببینید تا بگویید دیده‌اید؛ کافی است که روح‌تان حضور مرا حس کند و ذهن‌تان بفهمد.
۲۰. عشق، ایمان و هوش می‌توانند از هر حدی فراتر روند و لازم نیست من خود را صرفاً به شکل انسانی نشان دهم یا در قالب نمادینی ظاهر شوم.

۲۱. کسانی که در «دوران دوم» مرا دیدند یا در کنارم سفر کردند، حتی گاهی نمی‌دانستند چه کسی هستم؛ و کسانی که نمی‌دانستند کی به دنیا آمده‌ام، در روح مرا شناختند و با نورم شاد شدند به خاطر ایمان‌شان.
۲۲. چشمانتان را باز کنید و با ایمان ثابت کنید که فرزندان نور هستید. همه می‌توانید مرا ببینید، اما شرط آن ایمان و حسن نیت است.
۲۳. اگر بشریت به دلیل فقدان عشق و بی‌عدالتی بیشتر مخالفت کند، من با جلال در میان‌شان ظاهر خواهم شد، همانند حضورم در برابر شائول، و صدایم را به ایشان خواهم رساند.
۲۴. خواهید دید که بسیاری که مرا آزار دادند، بی‌خبر دگرگون خواهند شد و در راه عشق، عدالت و نیکی مرا پیروی خواهند کرد.
۲۵. به آنان خواهم گفت: ای سرگردانان، بایستید و از چشمه آب زلال بنوشید؛ از بار سنگین رهایی یابید و خود را به من بسپارید تا زندگی دشوارتان را تسکین دهم و شما را از نور سرشار کنم.

۲۶. قلب شما از دیدن این حقیقت به لرزه در می‌آید، اما هماهنگی وجدان است که به شما اجازه می‌دهد کنسرت الهی مرا بشنوید و بسیاری از شما مرا در شکل معنوی عیسی خواهید دید.

۲۷. باید بدانید که چهره عیسی کامل‌ترین راه برای دیدن من نیست. وقتی گفتم «همه چشم‌ها مرا خواهند دید»، منظورم دیدن حقیقت بود؛ من خود را بر اساس تکامل هر روح محدود می‌کنم، اما هرچه بالاتر بروید، مرا در جلال کامل خواهم دید.

۲۸. اکنون تلاش نکنید مرا تصور کنید؛ اگر وجودتان جوهر نور است، و این نور از روح جهانی پروردگارتان است که نه آغاز دارد و نه پایان، شکل آن ناشناختنی است و باید در کتاب حکمت الهی بگذارید.

۲۹. در تعلیمات گذشته اعلام کردم که با همراهان معنوی خود بازخواهم گشت، اما بشریت این پیام را به درستی درک نکرده و آزمایش‌ها نیز به درستی تعبیر نشده‌اند.

۳۰. جوامع دینی منتظرند مرا با چشمان جسمانی ببینند، اما آنان کسانی هستند که زمانی مسیح بودن عیسی را انکار می‌کردند و او را رؤیابین می‌پنداشتند.

۳۱. روزی خواهد رسید که مرا در جلال کامل خواهم دید؛ در آن زمان زمین و ساکنانش پاک شده، زیبایی و فضیلت روح بازیابی می‌شود؛ درد ناپدید و سعادت بی‌پایان جایگزین آن خواهد شد. آیا نمی‌خواهید این شگفتی را ببینید؟ آیا نمی‌خواهید فرزندانتان با روح من گفتگو کنند و جهانی پر از صلح و بدون گناه بسازند؟

۳۲. اگر مردم می‌دانستند چگونه پیشگویی‌های دوره اول و دوم را بفهمند، دچار سردرگمی نمی‌شدند؛ همانطور که دوره دوم با تولد مسیح رخ داد، اکنون نیز تولد روح من در شما واقع شده است.

۳۳. معنای آموزه‌های من در هر دو زمان یکسان است. شما را آماده می‌کند تا این زندگی را به خانه‌ای پر از عشق، هرچند موقت، تبدیل کنید، جایی که مردم یکدیگر را برادر و خواهر می‌دانند و با هم رفتار می‌کنند و گرمای برادری واقعی را به یکدیگر می‌رسانند.

۳۴. روح خود را نیز آماده کنید تا پس از این زندگی، به آن جهان‌ها یا خانه‌هایی که خداوند برای فرزندانش آماده کرده است، وارد شوید. آرزوی من این است که وقتی به آنجا می‌رسید، احساس غریبگی نکنید، بلکه معنویت و دانش درونی شما به شما این امکان را بدهد که هر چیزی را که با آن روبرو می‌شوید، طوری ببینید که گویی قبلاً آنجا بوده‌اید. اگر از طریق دعا با قلمرو معنوی اینجا در تماس باشید، حقیقت زیادی در این امر وجود خواهد داشت.

۳۵. من آن سرگردانی هستم که درهای قلب‌های شما را می‌کوبم. من می‌کوبم و شما نمی‌دانید کیست. شما باز می‌کنید و مرا نمی‌شناسید. من مانند مسافری هستم که وارد روستایی می‌شود و کسی او را نمی‌شناسد، مانند بیگانه‌ای که وارد سرزمینی غریب می‌شود و زبانش را نمی‌فهمد. این احساسی است که من در میان شما دارم. چه زمانی حضور مرا احساس خواهید کرد؟ ای مردم، چه زمانی مرا خواهید شناخت، همانطور که برادران یوسف در مصر او را شناختند؟

فصل۴-آموزش از طریق وحی الهی
منبع اطلاعیه ها

۱. «کلمه» که همیشه در خدا بوده، همان که در مسیح بود و امروز از طریق روح القدس شناخته می‌شود، با شما سخن می‌گوید؛ زیرا «کلمه» همان شریعت، پیام، وحی و حکمت است. اگر «کلمه» را از زبان مسیح شنیده‌اید و اکنون از طریق الهام روح القدس دریافت می‌کنید، حقیقتاً صدای خدا را می‌شنوید، چرا که تنها یک خدا، یک کلمه و یک روح القدس وجود دارد.

۲. آیا منشأ نور در کلامی که از لبان سخنوران جاری می‌شود را می‌شناسید؟ این نور از نیکی، عشق الهی و نور کیهانی سرچشمه می‌گیرد که از جانب خداست. این پرتو، جرقه‌ای از آن نور کیهانی است که زندگی می‌بخشد و نیروی بی‌نهایتی است که جهان را به حرکت و ارتعاش درمی‌آورد. این تابش الهی، نور روح خداست که روح‌ها را روشن و زنده می‌کند.

۳. در این لحظه او با شما سخن می‌گوید که همواره برای نجات شما آمده است: مسیح، وعده الهی که در دوران دوم در عیسی انسان شد، الوهیت انسان شد، کلمه؛ روح عشق، نور و حکمت، محدود به پرتویی که از طریق روح و ذهن انسان عبور می‌کند تا افکار مرا منتقل کند.

۴. من مسیح هستم که در این دنیا تحت آزار، تکذیب و اتهام قرار گرفتم. پس از آنچه در دوران دوم در عیسی بر من وارد ساختید، بازگشته‌ام تا بار دیگر نشان دهم که شما را می‌بخشم و دوستتان دارم.
۵. شما مرا برهنه و مصلوب کردید و اکنون به سوی شما باز می‌گردم؛ زیرا دیگر حقیقت و روحم را پشت لباس‌های ریا و دروغ پنهان نمی‌کنم. اما برای شناخت من ابتدا باید قلب خود را پاک کنید.
۶. امروز می‌گویم: این است استاد، کسی که به او ربی جلیل می‌گفتند. من تعلیم ابدی، تعلیم عشق را به شما می‌دهم. ضیافتی که امروز شما را به آن دعوت می‌کنم معنوی است، همچنان که نان و شراب نیز معنوی‌اند. من راه، حقیقت و حیات هستم، همچنان که همیشه بوده‌ام.

۷. به یاد داشته باشید که من «کلمه» پدر هستم؛ جوهر الوهی که در این کلمه دریافت می‌کنید، نوری است از روح خالق، که من بخشی از آن روح را در هر یک از شما به ودیعه گذاشته‌ام.
۸. وقتی می‌بینید که گروهی ساده و فقیر در این لحظه گرد هم آمده‌اند و در فضایی فروتن حضور دارند، شاید در دل از من بپرسید: «استاد، چرا تجلی خود را در یکی از معابد یا کلیساهای بزرگ و پرشکوه انتخاب نکردید، جایی که محراب‌های باشکوه و مراسم رسمی مناسب شما برگزار می‌شد؟»
۹. پاسخ من به کسانی که چنین سوالی دارند این است: این انسان‌ها نبودند که مرا به فقر کشاندند؛ بلکه خود من خانه‌ای ساده در حومه فقیرنشین را برای تجلی خود برگزیدم تا به شما نشان دهم که من نیازمند ادای احترام‌های مادی یا هدایای ظاهری نیستم، بلکه آمده‌ام که فروتنی را به شما بیاموزم، تا بتوانید معنویت حقیقی را در آن بیابید.
۱۰. برخی به حضور من ایمان ندارند چون آن را با فقر و سادگی مکان‌های دیدار و ناشناخته بودن پیام‌رسانانم می‌سنجند؛ اما اگر زندگی من را مطالعه کنند، خواهند فهمید که هرگز دنبال جلال، تکریم یا ثروت نبودم.
۱۱. این مکان‌ها به اندازه اصطبل ساده و کاهی که در آن متولد شدم، ساده و فروتنند.
۱۲. نپندارید که من فقط در آخرین لحظه این ملت را برای تجلی خود انتخاب کردم؛ همه چیز از ازل ترسیم شده بود. این زمین، این مردم و روح شما توسط من آماده شده بود و زمان ظهور من نیز به اراده من از پیش تعیین شده بود.
۱۳. من تصمیم گرفتم که ظهور خود را در میان کمترین‌ها و کسانی که دل و روح‌شان پاک است شروع کنم و پس از آن، همه را به جان آمدن نزد خود فرا خواندم؛ زیرا در سفره من تفاوتی نیست و هیچ ترجیحی وجود ندارد. کلام من برای این قوم به شکل ساده و فروتنانه‌ای نازل شد تا قابل فهم باشد، اما معنای آن عمیق و روشنگر دل‌ها است؛ اگرچه من مخزن همه دانش‌ها هستم، اما همیشه به سادگی و وضوح سخن می‌گویم. من برای هیچ کس رازی نیستم؛ راز در دل جهل مردمان است.
۱۴. اولین کسانی که به من گوش دادند مانند باغبانی بودند که شاخه‌های نخستین درخت را برداشتند و در نقاط مختلف کاشتند؛ برخی آموزه‌های مرا درست فهمیدند و برخی دیگر گمراه شدند.

۱۵. گروه‌های کوچک در اتاق‌های ساده جمع شدند و با افزایش تعدادشان، به اتحاد دعوت شدند تا همگی شاگردان یک استاد باشند و آموزه‌ها بر اساس اراده الهی یکنواخت اجرا شود.

۱۶. مردم با سوگند به عهد جدید وفادار ماندند، ولی هنگام سختی‌ها برخی ضعیف شدند و برخی استوار ماندند و به دیگران آموزش دادند.

۱۷. عده‌ای سعی کردند بیش از حد به اسرار نفوذ کنند تا قدرت کسب کنند، اما در برابر عدالت الهی شکست خوردند.

۱۸. برخی به ظواهر آیین‌ها و مراسم فرقه‌ها پناه بردند و معنای ساده وحی را درک نکردند.

۱۹. ذهن‌ها روشن شد، اما کافران هم میان دانش‌آموختگان و نادانان ظاهر شدند.

۲۰. تلاش‌های فراوان برای انکار و نابودی پیام شد، ولی ایمان افزایش یافته و تعداد پیروان بیشتر شد.

۲۱. قدرت انسانی نمی‌تواند اراده الهی را متوقف کند.

۲۲. مردم با اعتماد و بدون ترس در اجتماعات شرکت کردند و ایمانشان بر حقیقت استوار بود.

۲۳. گروهی از رسولان با دل‌های ساده و ایمان قوی آمدند؛ در میان آنها توماس که باید می‌دید، پطرسی که ترسان انکار می‌کرد، و یهودایی که به پول و چاپلوسی خیانت نمود.

۲۴. جمعیت بزرگی از این قوم در شهرها و روستاها پراکنده شدند و از میان آنها رسولان راستگو، کارگران فداکار، مشتاقان تعالیم الهی و پیامبرانی با قلب‌های پاک ظهور کردند.

۲۵. در وحی جدید، همه چیز را تغییر دادم تا جهل و سوءتفسیر وحی‌های قبلی را از بین ببرم؛ نور روح من مانند خورشید از شرق به غرب حرکت می‌کند تا محدود به مکان یا نژادی نباشد.

۲۶. برای من کافی است چند نفر به من گوش دهند، زیرا آنها فردا برای دیگران شهادت خواهند داد؛ بیشتر مردم مشغول دنیا هستند و مرا انکار می‌کنند و مانع شنیدن دیگران می‌شوند.

۲۷. در مکان‌های ساده و کم‌اهمیت، بذر وحی را می‌کارم و قلب‌های ساده را گرد هم می‌آورم تا دور از زندگی مادی، از عشق و ارزش‌های معنوی سخن بگویند و به زندگی با چشم روح نگاه کنند.

۲۸. این کودکان، که هیچ نداشتند و مورد توجه نبودند، شاگردان من‌اند و با رضایت به زندگی جدید برخاستند، باور دارند که می‌توانند مفید باشند چون خدا درونشان آیات و راه عشق را قرار داده.

۲۹. برخی ممکن است آنها را انکار کنند و مسخره نمایند، اما حتی اگر این فیض از آنها گرفته شود، همچنان شاگرد من خواهند بود.

۳۰. جهان در انتظار صدای من است تا انسان‌ها را فرا بخواند؛ قلب‌های مرده ایمان نیازمند بیداری به راه مسیح‌اند.

۳۱. «مردگان»، نابینایان، بیماران و مطرودان جمعیت بزرگی‌اند که از نظر روحی یا جسمی رنج می‌برند و من به سوی آنها می‌آیم، زیرا بزرگان جهان که قدرت و ثروت دارند به من نیاز ندارند.

۳۲. به همین دلیل آموزه‌هایم را به این جمعیت فقیر و بیمار منتقل کردم، زیرا آنها مشتاق و جویای من بودند و هنگام ظهور دوباره‌ام حضورم را احساس کردند.

«««انتقال آیات الهی»»»

۳۳. انکار وحی از طریق عقل یعنی انکار جایگاه برتری روحی و معنوی انسان و نادیده‌گرفتن رشد فکری که از رنج‌ها حاصل شده است.

۳۴. انکار ارتباط من با عقل و روح، انکار خود انسان و پایین‌تر دانستن خود است.

۳۵. همه می‌دانند انسان فرزند خداست و روح دارد، بنابراین وجود راه‌های ارتباط بین خدا و انسان باید پذیرفته شود.

۳۶. من از طریق عقل و روح با شما سخن می‌گویم، اما کسانی که وحی مرا انکار می‌کنند، به خاطر باورهای نادرست و ناشناختن روح، این حقیقت را نمی‌پذیرند و تصور می‌کنند خدا فقط به شکل انسانی و با نمادها قابل ارتباط است.

۳۷. قرن‌هاست که برخی به تصاویر و مجسمه‌ها به صورت نمادین احترام می‌گذارند و باور دارند خدا آنقدر والاست که به انسان نزدیک نمی‌شود، اما این اشتباه است؛ چنین برداشت نادانی است که فروتنی حقیقی خدا را انکار می‌کند.

۳۸. اگر به مسیح ایمان دارید و خود را مسیحی می‌دانید، نباید فکر کنید که لایق نزدیکی پروردگار نیستید، زیرا ایمان شما بر تجلی عشق الهی است که «کلمه» خدا انسان شد.

۳۹. این تجلی بهترین گواه فروتنی و شفقت خدا برای انسان‌ها بود که با خون خود مهر شد، که حتی گم‌شدگان و گناهکاران را نادیده نگرفت.

۴۰. پس چرا کسانی که ایمان دارند، حضور و وحی من را انکار می‌کنند و می‌گویند چون خدا نامتناهی است، انسان ناچیز است؟ این انکار عشق و فروتنی مرا نیز هست.

۴۱. برای گناهکاران طبیعی است که دوری مرا حس کنند، ولی هر چه روح آلوده‌تر شود، من لازم‌ترم که نور بدهم و نجات دهم.

۴۲. می‌دانستم که در آشکار شدن مجددم برخی انکار می‌کنند و اعلام کرده بودم حضورم در زمان دوم روحانی خواهد بود؛ اگر شک دارید، به شهادت چهار شاگرد انجیل رجوع کنید.

۴۳. من اکنون در روح حضور دارم و کلام خود را از «ابر» نورانی برای شما می‌فرستم تا گفتگوی روح با روح را به صورت انسانی بیان کنم.

۴۴. افکار الهی توسط سخنوران من به کلمات تبدیل شده و آموزه‌ای معنوی و کامل را تشکیل داده است.

۴۵. این تسلی‌دهنده‌ی موعود، روح حقیقت است که همه چیز را به شما خواهد آموخت؛ زمان‌هایی می‌آید که به هدایتگر شرافت‌مند و حکیم نیاز دارید.

۴۶. آموزه‌هایم به سوی شما می‌آید تا فهم شما را روشن کند؛ اما نباید از نحوه رسیدن آن گیج یا آن را عادی بشمارید.

۴۷. وقتی نور الهی به عقل کسی که صدای من است می‌رسد، به کلماتی پر از حکمت و عشق تبدیل می‌شود؛ من برای این کار باید کمتر به عالم روحانی نزدیک شوم و دنیای معنوی خود را بفرستم تا آموزه‌ها را توضیح دهم.

۴۸. من خود را از طریق اندیشه انسان می‌شناسم؛ زیرا مغز دستگاهی است که توسط خالق برای آشکار شدن هوش و نور روح آفریده شده است.

۴۹. این دستگاه الگویی است که هرگز نمی‌توانید به کمال آن برسید، بنابراین چرا شک دارید من نتوانم از آن استفاده کنم؟

۵۰. عشق من همواره به گونه‌ای با مردم سخن گفته که مطابق رشد معنوی و فکری‌شان باشد.

۵۱. من به تو آمده‌ام چون کلام انسانی، عطش درونت برای نور و حقیقت را فرو نمی‌نشاند؛ بنابراین از افراد ساده و فروتن بهره بردم که پیام "دوران سوم" را از زبان‌شان گفته‌اند.

۵۲. این افراد برای شایستگی دریافت افکار الهی، با وسوسه‌ها و مادی‌گرایی مبارزه کردند، غرور را سرکوب نمودند و در لحظات تسلیم به الهام الهی، کلامی پر از خرد و محبت از آنها جاری شد.

۵۳. برخی نمی‌توانند بفهمند چگونه سخنوران می‌توانند این همه دانش و جوهره زندگی را بدون نزول مستقیم روح من به مغزشان منتقل کنند؛ همان‌طور که خورشید نیازی به آمدن به زمین ندارد، نور از دوردست‌ها کافی است.

۵۴. روح پدر مانند خورشیدی بی‌نهایت، همه مخلوقات را با نور خود روشن و زنده می‌کند.

۵۵. هر جایی که نور من باشد، روح من نیز حضور دارد.

۵۶. جرقه‌ای از نور و بازتاب کلام الهی بر روح گوینده می‌افتد، ولی هیچ انسانی نمی‌تواند قدرت کامل «کلمه» را دریافت کند؛ شما هنوز معنای واقعی «کلمه» را نمی‌دانید.

۵۷. «کلمه» عبارت است از زندگی، عشق و کلام خدا، ولی گوینده تنها اتمی از آن را دریافت می‌کند.

۵۸. می‌توانم از طریق کارهای بزرگ و کوچک با شما سخن بگویم؛ همه چیز من را بازتاب می‌دهد، انسان باید بیاموزد مشاهده و تأمل کند.

۵۹. «کلمه» من دوباره به بدن انسان بازنگشته، بلکه اینک در «ابر» نماد ماوراء هستم که پرتو نورم ذهن گوینده را روشن می‌کند.

۶۰. خوشحالم که از طریق انسان با خود ارتباط برقرار می‌کنم، او را می‌شناسم و شایسته می‌دانم چون فرزند من است و می‌توانم جلال خود را از طریق او آشکار کنم.

۶۱. انسان تصویر من است؛ چون هوش، حیات، آگاهی و اراده دارد و روحش به ابدیت تعلق دارد.

۶۲. تو که ایمان داری و ۶۲ ساله‌ای، اغلب ارزش و عظمت خود را دست‌کم می‌گیری؛ تو بزرگ‌تری.

۶۳. اگر تأمل کنید و کتاب مقدس را مطالعه کنید، خواهید دید که همه پیامبران یک محتوای معنوی واحد را با کلمات خود به بشر منتقل کردند؛ آنها پند، وحی و پیام را بدون خطاهای دنیوی بیان کردند و راه ارتباط با پدر آسمانی را آموزش دادند.

۶۴. آیا شباهت زیادی بین آن پیامبران و صداهایی که اکنون از طریق آن‌ها با شما سخن می‌گویم نمی‌بینید؟ من جوهر شریعت خود را بر لبان این حاملان قرار داده‌ام و از طریق کلماتشان الهامم به شما می‌رسد. آنها با فداکاری و بدون ترس از مخالفت، راهی نو برای انسان‌ها باز می‌کنند تا خدا را به خالص‌ترین شکل جستجو کنند.

۶۵. علاوه بر شباهت، رابطه کاملی بین پیامبران گذشته و این حاملان صدای امروز وجود دارد؛ اولی پیشگویی کرد و دومی آن را تجربه می‌کند.

۶۶. حاملان صدای من معمولاً خود را آماده نمی‌کردند و من مجبور بودم نورم را بر اذهان ناپاک آن‌ها نازل کنم، حتی اگر مشغول امور بی‌ثمر یا گناه‌آلود بودند؛ ذهنشان از الهام محروم بود و زبانشان از بیان پیام ناتوان.

۶۷. مردم با گوش‌های معنوی خود ممکن است به این وحی‌های کم‌رنگ گوش ندهند ولی روح‌شان را برای دریافت جوهر وحی من باز کنند و با این جوهر تغذیه شوند؛ گوینده ممکن است نتواند پیام را کامل بر زبان جاری کند، اما مخاطبان، روح به روح، با من پیوند برقرار می‌کنند.

««««فرم اطلاعیه ها»»»»

۶۸. آموزه‌های من همیشه با عشق آغاز و با رحمت پایان می‌یابد؛ این دو، جوهر کل تعالیم من هستند و قدرتی والا به روح می‌دهند تا به سوی نور و حقیقت حرکت کند.

۶۹. زبان من در «عصر دوم» متفاوت از زبان امروز است، زیرا در آن زمان عیسی از عبارات مردمی استفاده می‌کرد و اکنون من بر اساس ذهنیت شنوندگان سخن می‌گویم. اما محتوای معنوی همیشه یکسان و تغییرناپذیر است، اگرچه بسیاری با دل سخت و ذهن بسته این را درک نکرده‌اند.

۷۰. ای کافران! بارها مرا گوش کنید؛ کلام من شک و تردیدهایتان را شکست خواهد داد. به ظاهر کلمات نچسبید، بلکه به معنا و جوهر که همیشگی است توجه کنید.

۷۱. جوهر همیشه یکی است چون حق ابدی است، ولی شکل وحی متغیر است و متناسب با میزان پذیرش و رشد شما ظاهر می‌شود.

««««حضور موجودات فرازمینی در آموزه های مسیح»»»»

۷۲. وقتی کلام من از طریق عقل انسانی جاری می‌شود، هزاران موجود بی‌جسم در تجلی‌ام حضور دارند و به کلام گوش می‌دهند؛ آنها آرام آرام از تاریکی به نور می‌آیند.

۷۳. شما کلام مرا از طریق عقل انسانی می‌شنوید؛ در سطوح بالاتر زندگی، ارواح و موجودات نورانی نیز آن را می‌شنوند؛ این کنسرت پدر با ارواح نور جهانی است.

۷۴. پرتوی من، کلام و جوهر روح من جهانی است و حتی بلندمرتبه‌ترین ارواح هم صدای مرا می‌شنوند؛ شما اکنون صدای مرا تنها در ناقص‌ترین شکل، یعنی از طریق انسان، می‌شنوید.

۷۵. من شما را برای دریافت الهامات والاتر آماده می‌کنم تا وقتی از این جهان می‌روید، بتوانید به مرحله جدیدی از زندگی بپیوندید و کنسرت پدر با روح خود را بشنوید.

۷۶. امروز شما هنوز در جهان مادی حضور دارید و با این کلام تازه، قلب و روح خود را تغذیه می‌کنید. کسانی که در زمین به شما علاقه‌مند بودند — پدر، شوهر، همسر، برادر، فرزند، خویشاوند یا دوست — اکنون در سطوح دیگری از زندگی به سر می‌برند و آن کلام را می‌شنوند، اما معنای آن برایشان متفاوت است، هرچند از همان شادی، طراوت، تشویق و نان معنوی برخوردارند.
۷۷. من نور خود را به هر جهانی می‌فرستم و این نور را به شکل کلمات انسانی برای شما آورده‌ام، همانطور که از طریق الهام به جهان‌های دیگر نیز می‌رسد.
۷۸. به وسیله این پرتو الهی، همه ارواح متحد می‌شوند و این وحدت راهی است به سوی آسمان، نردبانی برای ورود به پادشاهی معنوی که به همه شما که بخشی از الوهیت من هستید، وعده داده شده است.

««««محدودیت زمانی اعلامیه ها»»»
۷۹. پادشاهی من به میان بشریت رنج‌کشیده نازل می‌شود و کلام من از طریق برگزیدگان این زمان طنین‌انداز است تا مایه تسلی و یاری همنوعان باشند.
۸۰. در همه ادوار، واسطه‌هایی میان انسان‌ها و الوهیت من وجود داشته‌اند، که از آنها با فروتنی استفاده کرده‌ام. اکنون پیام‌آوران جدید آموزه‌هایم را آماده می‌کنم تا این مژده بیداری معنوی را در جهان منتشر کنند.
۸۱. بسیاری توانایی انجام ماموریت معنوی والا دارند اما هنوز در بیداری نیستند. آنان بیدار خواهند شد و با سخاوت و فروتنی، موجوداتی مفید برای همسایگان خود خواهند بود.
۸۲. کار من باید بی‌عیب و نقص به بشریت برسد تا بتواند با پذیرفتن صلیب رستگاری، شریعت مرا عملی کنند.
۸۳. این وعده به همه مردم داده شده است و تحقق خواهد یافت؛ کلام من کلام یک پادشاه است. گندم طلایی کلام من از طریق شاگردانم به آنها فرستاده می‌شود تا آماده شوند و به زودی از گفتگوی روح به روح لذت ببرند؛ زیرا پس از سال ۱۹۵۰، دیگر به شکل پیشین، خود را از طریق عقل آشکار نخواهم کرد.

فصل ۵ – دلیل وحی جدید خداوند
اراده رستگاری خداوند

۱. اگر جهل، خونریزی، درد و رنج در جهان نبود، نیازی نبود که روح من وارد مادیت شود و خودش را برای حواس تو قابل درک کند. اما تو به من نیاز داری. تنها عشقم می‌تواند تو را در این دوران نجات دهد، به همین دلیل آمده‌ام.

۲. اگر من شما را دوست نداشتم، رنج‌هایتان چه معنایی داشت؟ من پدر شما هستم، پدری که درد کودکش را احساس می‌کند، زیرا هر کودک بخش کوچکی از من است. بنابراین، در هر کلام و هر الهامی، نور حقیقت را که حیات روح است به شما می‌دهم.

۳. من اینجا هستم و بر قلبتان می‌کوبم. وقتی شما را درگیر خصومت‌های مداوم می‌بینم، آرامش ندارم. من به عنوان جنگجوی بزرگ آمده‌ام تا با تاریکی و شر بجنگم و ارواح خیر دنیای معنوی نیز در کنار من هستند تا این نبرد تا نجات همه فرزندانم ادامه یابد. من درد را نیاورده‌ام؛ فقط می‌خواهم شما را از طریق عشق متحول کنم.

۴. کلامم دوباره برای مردم ناخوشایند خواهد بود، اما حقیقت را خواهم گفت. بدون رسوا کردن کسی، ریاکار را ریاکار و شر را شر خواهم نامید. حقیقت تحریف شده بود و باید بار دیگر بدرخشد، همانطور که اکنون نیز حقیقت پنهان است و باید آشکار شود.

۵. بارها و با روش‌های مختلف آمدنم را وعده دادم. نشانه‌های آمدنم را به شما اعلام کردم: وقایع طبیعی، جنگ‌های جهانی، گناهی که خود را تسلیم خطا می‌کند؛ من به عنوان اوج، در روح و بر ابر می‌آیم. من استاد روح هستم و با جهان سخن می‌گویم. اینجا پروردگار صلح و پادشاهی نور است که کشتی نجاتی بزرگ می‌سازد، همانند نوح که کشتی ساخت تا نسل بشر را نجات دهد.

۷. روشی که در این زمان آشکار شده‌ام با روش «زمان دوم» متفاوت است، اما هدفم همان است: نجات بشریت، رهایی آن از گردبادی که در مسیرش قرار گرفته و نتوانسته از آن بگریزد.
۸. وسوسه با تمام قدرتش آزاد شده است؛ انسان مانند کودکی کوچک سقوط کرده و درد و رنج بسیار می‌کشد. او جام رنج خود را سر می‌کشد و در سردرگمی عمیق به من فریاد می‌زند، و من، پدر، همراه او بوده‌ام.
۹. ته‌مانده‌های رنج هنوز باقی است، اما من به شما کمک خواهم کرد تحمل آنان را که نتیجه نافرمانی شماست. خوشا به حال شما که مرا می‌شنوید، زیرا قوی خواهید بود. اما وقتی آن رنج بزرگ به دیگران می‌رسد، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ آیا روح آنها به خاطر فقدان ایمان فرو خواهد ریخت؟ «دعای اسرائیل» باید آنها را حفظ کند.
۱۰. من با عشقی بی‌پایان شما را طلب می‌کنم؛ لطف و موهبتی در روح شما نهاده‌ام که حاضر نیستم حتی یکی از فرزندانم را از دست بدهم. شما بخشی از روح من هستید، بخشی از وجود من. آیا کسی که چنین عشقی دارد می‌تواند شرور باشد؟
۱۱. هر وقت به پایین می‌آیم تا کلام خود را بدهم، در میان جمعیت، «آخرین» کسانی را می‌بینم که بیشترین سؤال را در قلب دارند. با این حال، از آنها راضی‌ام و همیشه به سؤالاتشان پاسخ می‌دهم.
۱۲. کسانی که اخیراً آمده‌اند، از من درباره هدف بازگشتم پرسیده‌اند؛ پاسخ من این است که هدف این است که بشریت بتواند از طریق خودش به خلوص اولیه‌اش بازگردد.

««««حذف خطاها وشکل های فرقه های بیرونی شده»»»»

۱۳. «دوران سوم» به طور کامل برای بشریت طلوع کرده است. حدود دو هزار سال از زمانی که کلامم را به شما دادم می‌گذرد. با این حال، هنوز همه بشریت آن را به رسمیت نمی‌شناسند، زیرا من مورد علاقه همه نیستم. اگرچه همه مرا ستایش می‌کنند و همه به دنبال روح الهی واحدی هستند که از آن من است، اما من هیچ وحدت، ایمان، دانش و تعالی یکسانی میان آنها نمی‌بینم. بنابراین، به عنوان روح‌القدس آمده‌ام تا آنان را در خود متحد کنم و آنها را با آموزه‌های حقیقت، کلام تغییرناپذیر و قانون عشق و عدالت کامل کنم.

۱۴. تیرگی ذهن، فقدان ایمان و نادانی نسبت به حقیقت مانند تاریکی برای روح است و به همین دلیل بشریت امروز در مسیر غلط قرار گرفته است. تعداد کسانی که بی‌آنکه بدانند یا بخواهند بدانند به کجا می‌روند، روز به روز بیشتر می‌شوند.
۱۵. من می‌دانستم که چنین زمانی پر از درد، سردرگمی، عدم اطمینان و بی‌اعتمادی خواهد رسید. من وعده دادم که شما را از این تاریکی نجات دهم و اکنون آمده‌ام؛ زیرا من روح حقیقت هستم. چرا هنوز مرا به صورت انسانی می‌خواهید؟ آیا به خاطر ندارید که من به صورت انسانی مرده‌ام و به شما گفتم در پادشاهی‌ام منتظر شما خواهم بود؟ به این ترتیب به شما فهماندم که روح جاودانه و ابدی است.
۱۶. کلام من در این زمان گذشته را یادآور می‌شود، اسرارش را آشکار می‌کند و آنچه قرار است بیاید را اعلام می‌کند. هر چیزی را که انسان‌ها تحریف کرده و تضعیف کرده‌اند، اصلاح خواهم کرد. من به عنوان نگهبان حقیقت، آمده‌ام تا دروغ، ریا و تجارت‌های نادرست را از معبد حقیقت بیرون برانم.
۱۷. بدانید که برای رسیدن به رستگاری نیاز نیست حقیقت را در کتاب‌ها، نصایح یا فرامین انسان‌ها جستجو کنید.
۱۸. همه شما نیاز به نجات دارید. من حتی کسی را نمی‌بینم که روی زمین محکم و استوار ایستاده باشد. شما در میان شب طوفانی غرق شده‌اید، و هر کس برای زندگی خود تلاش می‌کند بدون فکر به دیگران.
۱۹. اما حقیقتاً به شما می‌گویم، من تنها منجی‌ام و دوباره به دنبال آنانی هستم که گمراه شده‌اند زیرا از مسیر قوانین الهی منحرف شده‌اند. من راه را به شما روشن می‌کنم تا به ساحلی برسید که سرزمینی مبارک و پر از گنجینه‌های بی‌پایان روح برای شماست.
۲۰. همانطور که در گذشته دستورالعمل‌های الهی تحریف شده بودند، اکنون نیز آموزه‌های من تحریف شده‌اند؛ برای همین استاد باید دوباره بیاید تا به شما کمک کند اشتباهات خود را رها کنید، زیرا فقط تعداد کمی می‌توانند از سردرگمی نجات یابند.
۲۱. هرچند گذشته به شما قول بازگشت داده‌ام، اما این کار را انجام دادم زیرا می‌دانستم که زمان یقین خواهد رسید، زمانی که بشریت قدمی در مسیر من برمی‌دارد و بازگشت من را اعلام خواهد کرد.
۲۲. در "دوران دوم"، مسیح به شکل انسانی بود و همان کسی بود که در آن زمان بر زمین زندگی می‌کرد. اما اکنون او با روحش با شماست و این وعده بازگشتی است که به بشریت داده شده تا آسایشی والا و نوری از حقیقت را با خود بیاورد و همه چیز را روشن و توضیح دهد.

۲۳. بشریت گمراه شده است، اما من آمده‌ام تا آن را با نور روح‌القدس هدایت کنم و کلام خود را به معنای حقیقی آن بشناسد.
۲۴. با گذشت زمان، نوشته‌های شاگردان من توسط انسان‌ها تغییر یافته‌اند و به همین دلیل اختلاف میان فرقه‌ها به وجود آمده است. اما من تمامی آموزه‌هایم را روشن و توضیح خواهم داد تا بشریت در نور واحد و اراده‌ای مشترک متحد شود.
۲۵. امروز عصر جدیدی آغاز شده است که انسان در آن برای آزادی بیشتر اندیشه تلاش می‌کند، و برای گسستن زنجیر بردگی که روح با خود داشته مبارزه می‌کند. این زمانی است که مردم برای تغذیه معنوی و نور واقعی از تعصبات عبور خواهند کرد، و کسی که اندکی طعم آزادی در تأمل، تحقیق و عمل را بچشد، دیگر داوطلبانه به زندان‌های گذشته باز نخواهد گشت؛ چشمانشان نور را دیده و روحشان به وحی الهی جذب شده است.
۲۶. می‌دانستم که نسل به نسل، آموزه‌هایم مبهم و تحریف خواهند شد، شریعت تغییر خواهد کرد، وعده بازگشتم فراموش خواهد شد و انسان‌ها یکدیگر را برادر نخواهند شناخت و با خشن‌ترین و غیرانسانی‌ترین سلاح‌ها یکدیگر را خواهند کشت.
۲۷. اکنون زمان موعود فرا رسیده و من اینجا هستم. روش خود را برای آشکارکردن به شما محکوم نکنید؛ چرا که این جهان مرا قضاوت نمی‌کند، بلکه من هستم که بشریت را، زیرا زمان قضاوت فرا رسیده است.
۲۸. من در قلب انسان‌ها پادشاهی معنوی‌ای می‌سازم؛ پادشاهی که قدرتش از عشق و عدالت سرچشمه می‌گیرد، نه از قدرت‌های دنیوی.
۲۹. می‌بینم که برخی از شنیدن این سخنان شگفت‌زده می‌شوند؛ اما چرا همیشه می‌خواهید مرا در لباس‌های ابریشمی، طلایی و با سنگ‌های قیمتی تصور کنید؟ چرا همیشه می‌خواهید پادشاهی من از این دنیا باشد، در حالی که من خلاف آن را به شما نشان داده‌ام؟
۳۰. پیش‌تر به شما گفتم که مبارزه‌ای سخت در پیش است، زیرا هر کس دین خود را کامل و روشش را بی‌عیب می‌داند. اما اگر چنین بود، نیازی به آمدن و سخن گفتن با شما در این زمان نداشتم.

۳۱. من از طریق الهام، آموزه‌ای عمیقاً معنوی به شما می‌دهم، زیرا می‌بینم که بت‌پرستی در قالب‌های فرقه‌ای شما حاکم است و بذر شیطانی تعصب شما را به جهل و نفرت آلوده کرده است.
۳۲. شمشیر نور من در دست راست من است. من جنگجو و پادشاهی هستم که هر آنچه خلاف حق و هر شر ارتکابی است را نابود می‌کنم. هنگامی که نبرد من پایان پذیرد و دل‌ها یاد بگیرند که برای دعا و زندگی متحد شوند، نگاه روح شما در نور بی‌نهایت و آرامش ابدی مرا خواهد یافت. آن زمان خواهم گفت: «این پادشاهی من است، و من پادشاه شما هستم، زیرا شما را برای سلطنت کردن آفریده‌ام.»
«««روشنگری در مورد زندگی واقعی»»»
۳۳. همه می‌دانند که من پدر همه آفرینش هستم و سرنوشت همه چیز در من نهفته است، اما نه توجه کافی دریافت کرده‌ام و نه احترام واقعی. انسان‌ها نیز آفریده‌اند و خود را ارباب می‌دانند، معتقدند که بر سرنوشت دیگران تسلط دارند، پس چرا باید در برابر من تعظیم کنند؟
۳۴. این مرد صبر مرا آزموده و عدالت من را به چالش کشیده است. من به او فرصت داده‌ام تا حقیقت را بیابد، اما او از پذیرفتن چیزی از من امتناع کرده است. من به عنوان پدر آمدم و دوست داشته نشدم، سپس به عنوان استاد آمدم و درک نشدم؛ اکنون نیز به عنوان قاضی آمده‌ام. می‌دانم که انسان علیه عدالت من شورش خواهد کرد و خواهد گفت که خدا انتقام گرفته است.
۳۵. کاش همه می‌فهمیدند که خدا نمی‌تواند حس انتقام داشته باشد، زیرا عشق او کامل است. او نمی‌تواند رنج بفرستد؛ بلکه شما از طریق گناهان خود آن را جذب می‌کنید. عدالت الهی من فراتر از رنج و مرگ است. درد و شکست‌ها، آزمون‌هایی هستند که انسان بر خود تحمیل می‌کند و نتیجه اعمال خود را به تدریج درو می‌کند. برای من کافی است که در هر بحران زندگی اجازه دهم نورم به روح شما برسد تا به رستگاری دست یابید.
۳۶. این روح حقیقت است که نازل می‌شود تا اسرار را روشن و دانش لازم برای لذت بردن از زندگی حقیقی را به شما ارزانی دارد. او تسلی الهی است که بر رنج‌های شما می‌ریزد تا به شما نشان دهد داوری خداوند مجازات یا انتقام نیست، بلکه داوری عشق است که شما را به نور، آرامش و سعادت هدایت می‌کند.

۳۷. کسی که نور الهی را در خود تشخیص دهد، نمی‌تواند از آن جدا شود؛ حتی اگر به جهان‌های ناشناخته سفر کند یا به زمین بازگردد، آن نور الهام‌بخش همیشه باقی می‌ماند و قلب را سرشار از سعادت می‌کند. آموزه‌های من برای ارواحی که بازمی‌گردند، این پیام را به همراه دارد که روح گذشته را فراموش نمی‌کند.

۳۸. به کسانی که شک دارند می‌گویم: اگر نمی‌خواهید این کلام را از من بدانید، اما اگر معنای آموزه را بررسی کنید و آن را حاوی نور و حقیقت بیابید، باید از آن به عنوان راهنمای زندگی استفاده کنید و زندگی خود را تغییر دهید.

۳۹. حقیقت را به تو گفته‌ام و حکمت را ابلاغ می‌کنم؛ باورهای مردم هرگز حقیقت من را تغییر نمی‌دهد، ولی لازم است انسان از باور، دانش و علاقه خود مطمئن باشد. به همین خاطر گاهی خود را در سطح بشریت قرار می‌دهم تا شناخته شوم.

۴۰. برداشت مردم از من بسیار محدود است، دانش معنوی‌شان کم و ایمان‌شان ضعیف است.

۴۱. ادیان در خوابی طولانی فرو رفته‌اند و وقتی بیدار می‌شوند، تنها در درون خود فعال‌اند و جرأت نمی‌کنند مرزهای سنتی را بشکنند.

۴۲. تحقیرشدگان، فقرا و نادانانی که به دنبال نور و حقیقت‌اند، این حلقه بسته را ترک خواهند کرد و زنگ بیدارباش وحی‌های جدید من را به صدا درخواهند آورد.

۴۳. مردم به دنبال کشف راز زندگی معنوی‌اند و مشتاق یادگیری آن هستند.

۴۴. مردم از روی نیاز و التماس نور می‌خواهند، اما وقتی گفته می‌شود زندگی معنوی راز است و برداشتن حجاب آن گستاخانه است، مخالفت می‌کنند.

۴۵. کسانی که به دنبال حقیقت هستند، چشمه‌ای برای رفع تشنگی‌شان نخواهند یافت جز اینکه من از آسمان آب حکمت برای آنها بفرستم تا اسرار برایشان روشن شود؛ این اسرار را آن‌ها خود می‌آفرینند.

۴۶. خدا نامتناهی است و شما فقط بخش‌هایی از او هستید؛ اینکه خود را یک راز غیرقابل نفوذ بدانید، توسط خدا مقرر نشده است.

۴۷. در گذشته بشریت آمادگی لازم برای درک نور معنوی واقعی را نداشت و جستجویشان بیشتر کنجکاوی بود تا اشتیاق نور.

۴۸. برای رسیدن به نور، باید عبادت ظاهری و تعصبات را رها کنند و حضور خدای زنده را در قلب خود حس کنند، که منجر به دعای حقیقی و خالص خواهد شد.

۴۹. این آغاز صعود به نور و اولین قدم در مسیر معنوی شدن است؛ روح استعدادها و راه هدایت آن‌ها را در مسیر عشق آشکار می‌سازد.

۵۰. در تجلی من می‌توانید آموزه‌های «عصر دوم» را بیابید، اما در این دوره با نور روح القدس، ژرفای بیشتری آشکار می‌شود و آموزه‌های جدید بزرگتری برای شما خواهم گفت. این آموزه‌ها شما را برای دوران مهر هفتم آماده می‌کند و جهان معنوی را خانه ارواح و پاداش‌دهنده عشق و رحمت شما معرفی می‌کند.

۵۱. آموزه‌های من راهنمایی اخلاقی نیستند فقط برای طبیعت مادی شما، بلکه برای صعود به کمال معنوی نیز هستند.

۵۲. دین جدیدی نمی‌خواهم بسازم؛ بلکه این پیام عشق الهی برای همه است که ادیان حقیقی را تأیید می‌کند و هر کسی آن را درک کند به تکامل روح خود می‌رسد.

۵۳. بدون درک معنویت واقعی، صلح جهانی محقق نخواهد شد، ولی هر کس عشق را عمل کند از مرگ و داوری نخواهد ترسید.

۵۴. هدف من فقط کاهش رنج جسمی نیست، بلکه آموزه‌هایی برای رشد معنوی شما می‌دهم، فراتر از صرفاً ارائه نعمت‌های دنیوی.

۵۵. مأموریت من نشان دادن افق‌های بی‌پایان فراتر از زمین و هدایت شما به سوی ابدیت متعلق به شما است.

۵۶. آموزه‌های معنوی من اهداف یا وظایف مختلفی دارند: یکی تسلی دادن به روح در تبعید و فهماندن این نکته به اوست که خدایی که او را آفریده، جاودانه در ملکوت صلح خود در انتظار اوست. دیگری این است که به او بفهماند چه موهبت‌ها و توانایی‌هایی برای رسیدن به رستگاری و تعالی یا کمال خود دارد.

۵۷. این کلمه پیام معنویت‌بخشی را به همراه دارد که چشمان مردم را باز می‌کند تا با واقعیت روبرو شوند، واقعیتی که معتقدند فقط در آنچه می‌بینند، در آنچه لمس می‌کنند یا در آنچه با علم انسانی خود اثبات می‌کنند، می‌یابند، بدون اینکه متوجه شوند که با این کار، امر گذرا را «واقعیت» می‌نامند و امر جاودان را که در آن واقعیت حقیقی وجود دارد، به اشتباه می‌فهمند و انکار می‌کنند.

۵۸. بگذارید این پیام از ملتی به ملت دیگر، از خانه‌ای به خانه دیگر برود و بذرهای نور، آسایش و آرامش خود را به جا بگذارد، تا مردم بتوانند لحظاتی مکث کنند و به ذهن خود استراحتی بسیار مورد نیاز بدهند، به آنها اجازه دهد تا تأمل کنند و به یاد داشته باشند که هر لحظه می‌تواند بازگشت آنها به دنیای معنوی باشد، و میوه‌ای که با ورود به زندگی معنوی برداشت می‌کنند به اعمال و بذرهایی که در جهان می‌کارند بستگی دارد.

فصل۶-عهد سوم،کتاب بزرگ حیات
««««کتاب عشق،حقیقت و حکمت خدا»»»»

۱. کتاب من، کتاب عشق الهی و حقیقتی است که در آن حکمت برای پیشرفت و آرامش ابدی پیدا می‌شود. تحریف کلمات آن به هلاکت می‌انجامد.

۲. این کتاب را در خلوصِ اولیه حفظ کنید و آموزه‌ها را به دیگران منتقل نمایید؛ شما مسئول این میراث هستید.

۳. بشریت در آینده، جوهره وحی مرا در این کتاب خواهد یافت که به مسیر حقیقت راهنمایی می‌کند.

۴. این نوشته‌ها همچون چشمه آب حیات، نسل به نسل منتقل می‌شوند و در کتاب بزرگ زندگی، معنویت را توضیح می‌دهند.

۵. تمام دانش به حقیقت اصلی خود بازمی‌گردد و این زمان آن فرا رسیده است.

۶. هر کس با آرزوی واقعی در آموزه‌های کتاب من تأمل کند، نور برای روح خود کسب می‌کند و به من نزدیک‌تر می‌شود.

۷. اسطوره‌های نادرست و دروغین فرو خواهند ریخت و روح به دنبال حقیقت واقعی خواهد گشت.

۸. در این آموزه‌ها جوهره وحی‌های مرا می‌یابید که قبلاً به دلیل عدم درک معنوی، فهمیده نشده‌اند. برای رهایی از سردرگمی و رنج، با عشق و احترام درباره این کلمات تأمل کنید و با عشقی که به شما یاد داده‌ام، خود آموزش دهید.

۹. کتاب آموزش من در این زمان توسط فهم بشری ارائه شده و به عهد سوم معروف است؛ شما باید از آرمان الهی آن دفاع کنید.

۱۰. بشریت تاکنون فقط عهد اول و دوم را شناخته است، اما عهد سوم تحریف‌ها را اصلاح و یک حقیقت واحد و نور واحد برای هدایت معنوی فراهم می‌کند.

۱۱. دانشمندان از حکمت واقعی آگاهی ندارند و به سوی آن برنمی‌خیزند.

۱۲. روحانیون باید دانش معنوی که به غنا و عظمت روح می‌انجامد را آموزش دهند، اما دل‌هایشان بسته است.

۱۳. قوانین و آموزه‌های گذشته جای خود را به فرقه‌ها، آیین‌ها و سنت‌های ظاهری داده‌اند.

۱۴. کسانی که حقیقت کلام را درک کرده‌اند باید از طریق عمل و عبادت نشان دهند که شریعت الهی را نباید فراموش کرد و از سنت‌های بی‌ثمر پیروی نکرد.

۱۵. نام فرستادگان پیام‌ها و آموزه‌ها به شما یادآوری شده است.

۱۶. آموزه‌های گذشته در یک آموزه واحد ترکیب شده‌اند.

۱۷. معنویت به عنوان میراثی است که سه عهد را در یک کتاب معنوی واحد گرد آورده است و مسیری برای شناخت و خدمت به خالق است؛ این کتاب به انسان‌ها می‌آموزد که پدر خود را در همسایه‌شان دوست بدارند و قانون آن فرمان به خوبی، پاکی و کمال است.

۱۹. اطاعت از این قانون برای همه است، اما هیچ اجباری نیست؛ هر ذهن با اراده آزاد خود تلاش و عمل می‌کند و در قضاوت به آن‌ها توجه می‌شود.

۲۰. این آموزه‌ها شعله عشق الهی‌اند که همه فرزندان خدا را روشن و گرم می‌کنند.

««رابطه بین تعالیم عیسی و روح القدس»»

۲۱. تعالیم روح القدس نظریه نیستند بلکه دستورالعمل‌های عملی برای زندگی مادی و روحی هستند که همواره همراه انسان‌اند و با روح او ادغام می‌شوند.

۲۲. روح انسان به تدریج از مفاهیم قدیمی عبور می‌کند و می‌فهمد که تنها عشق واقعی (نیکی، رحمت، خرد و عدالت) قابل عرضه به خداست.

۲۳. تعالیم جدید توضیح‌دهنده و تکمیل‌کننده تعالیم عیسی است؛ بشریت امروز قادر به درک و اجرای خالص‌تر قانون الهی است.

۲۴. پرستش ظاهری بدون مشارکت درونی محکوم به زوال است، زیرا روح در جستجوی تغذیه واقعی است.

۲۵. این کتاب فروتن، نور الهی را به روشنی نشان می‌دهد، شبهات را رفع می‌کند و راه ساده‌ای برای فهم نمادهای متون باستانی ارائه می‌دهد.

۲۶. هر کسی که این پیام معنوی را پذیرفته و با تعصب، بت‌پرستی و برداشت‌های سطحی مبارزه کند، روح خود را آزاد می‌کند و به شادی و آرامش ابدی می‌رسد. اما کسانی که به پرستش ظاهری و تعلقات دنیوی چسبیده‌اند، در نهایت از عقب‌ماندگی و جهل خود رنج خواهند برد.

«««اختلافات بر سر کلمه جدید»»»

۲۷. اگر آموزه‌های من برای شما تازه و عجیب به نظر می‌رسد، دلیل آن عدم بررسی عمیق آموزه‌های پیشین است؛ این نور همیشه در زندگی شما بوده است.

۲۸. آموزه‌های زمان حاضر، همچون "زمان دوم"، بشریت را تکان خواهد داد؛ حقیقت بر باطل غلبه می‌کند و منافقان باید روبرو شوند.

۲۹. بشریت قادر خواهد بود عقل و حقیقت را درک کند، اما هر چیزی که اجباری باشد را رد خواهد کرد. شما مسئولید که آغاز و هدف این نور را به دیگران آشکار سازید.

۳۰. بشریت تشنه حقیقت و نور است؛ بسیاری از ایده‌ها و اعتقادات قدیمی که حقیقت پنداشته می‌شدند، کنار گذاشته می‌شوند و بت‌پرستی و تعصب حذف خواهد شد؛ آموزه‌های خدا به روشنی درک خواهد شد.

۳۱. پس از دوران آزمایش و سردرگمی، نوری در ذهن دانشمندان طلوع خواهد کرد و آنها کشف‌هایی فراتر از انتظار خود خواهند داشت.

۳۲. هوشیار باشید، زیرا در زمان تضاد میان عقاید، آموزش‌ها، ادیان و علوم، بسیاری گمان می‌کنند دانش کتاب‌هایشان سلاحی برای شکست شاگردان من است، در حالی که شما کتابی ندارید.

۳۳. با کلیساها و فرقه‌ها روبرو می‌شوید، اما از آن‌ها هراس نداشته باشید؛ حقیقتی که به شما سپرده‌ام ساده و آشکار است ولی عمقی بی‌نهایت دارد و سلاحی قوی برای پیروزی شماست.

۳۴. قومی پر از مادی‌گرایی و بی‌ایمانی قیام خواهند کرد تا حق شما را برای نامیدن خود به عنوان اسرائیل و شهادت ظهور دوم مسیح انکار کنند؛ آن قوم کسانی هستند که در انتظار ناجی خودند و از آمدن به قوم دیگر شگفت‌زده می‌شوند.

۳۵. جامعه معنوی شما ناشناخته است و جهان به آن توجهی ندارد اما نبرد میان طرفداران معنویت و دیگر گروه‌ها نزدیک است؛ این نبرد لازم است تا عهدهای قدیم، دوم و سوم در یک ذات متحد شوند.

۳۶. این اتحاد برای بسیاری غیرممکن به نظر می‌رسد، اما برای من طبیعی و کامل است.

««««کتاب بزرگ زندگی»»»»

۳۷. کلام من برای همیشه مکتوب می‌ماند و از آن، کتاب عهد سوم، پیام نهایی پدر گردآوری می‌شود؛ در هر سه عهد، خدا از «قلم‌های طلایی» برای ثبت حکمتش استفاده کرده است.

۳۸. موسی اولین «قلم‌پر طلایی» بود که وقایع نخستین روزها را با حروف پاک‌نشدنی نوشت.

۳۹. در عصر دوم، عیسی چهار «قلم طلایی» داشت: متی، مرقس، لوقا و یوحنا، که آموزه‌هایشان به عشق و پیشرفت معنوی عهد اول و دوم پیوند خورد و کتاب واحدی را ساخت.

۴۰. اکنون در عصر سوم، «قلم‌های طلایی» جدیدی تعیین شده‌اند تا کلام من را مکتوب و حفظ کنند.

۴۱. در زمان مناسب این کتاب گردآوری شده و با کتاب‌های عهدهای اول و دوم متحد خواهد شد تا کتاب بزرگ زندگی برای تهذیب همه روح‌ها پدید آید.

۴۲. تمام کلمات از آغاز تا پایان، حقیقتی تحقق یافته‌اند و پیشگویی‌های خداوند درباره تاریخ بشر آشکار شده است؛ پیامبران واسطه سخن خدا بوده‌اند.

۴۳. برگزیدگان جدید، مانند موسی و شاگردان عصر دوم، آموزش یافته‌اند تا کلام من را خالص و دقیق بنویسند و هرگونه تغییر یا حذف را مسئول خواهیم

۴۴. حال، فرزندان عزیزم: چه کسی به کتابی که شما شروع به گردآوری آن کرده‌اید اهمیت می‌دهد؟ در حقیقت، هیچ‌کس! اما زمانی فرا خواهد رسید که بشر، پر از اشتیاق و کنجکاوی، کتاب شما را از شما خواهد خواست و سپس بیدار خواهد شد، کلام مرا مطالعه خواهد کرد و در مورد آن بحث خواهد کرد. در آن بحث ایده‌ها، جناح‌ها ظهور خواهند کرد - دانشمندان، متکلمان و فیلسوفان. شهادت کلام و کتاب حکمت شما به ملت‌ها ارائه خواهد شد و همه از آموزه‌های من سخن خواهند گفت. این آغاز نبرد جدید، جنگ کلمات، افکار و ایدئولوژی‌ها خواهد بود. اما در نهایت، هنگامی که همه با حقیقت و روح تشخیص دادند که کتاب بزرگ زندگی توسط خداوند نوشته شده است، آنها یکدیگر را در برادری در آغوش خواهند گرفت و به یکدیگر عشق خواهند ورزید، همانطور که اراده من است.

۴۵. چرا کلام یهوه برای متحد کردن جهان در "زمان‌های اول" کافی نبود، و چرا آموزه‌های عیسی در زمان دوم قادر به انجام این کار نبود؟ چرا در این مدت که از سال ۱۸۶۶ کلام خود را بیان کرده‌ام، کافی نبوده است تا ملت‌ها یکدیگر را دوست داشته باشند و در صلح زندگی کنند؟ لازم است که این سه کتاب یک کتاب را تشکیل دهند تا این کلام تمام جهان را روشن کند. آنگاه بشریت از آن نور پیروی خواهد کرد و نفرین بابل برداشته خواهد شد، زیرا همه مردم کتاب بزرگ زندگی حقیقی را خواهند خواند، همه از یک آموزه پیروی خواهند کرد و همه یکدیگر را در روح و حقیقت به عنوان فرزندان خدا دوست خواهند داشت.

قصل۷-تاثیر و اهمیت آموزه معنوی
««««تاثیر اعلامیه ها»»»»

۱. وقتی این کلام را می‌شنوید، هیچ کس نیست که در عمق وجودش نلرزد؛ این سخنان شما را به زندگی، مرگ، عدالت الهی، ابدیت و حیات معنوی می‌برد.

۲. با شنیدن صدای من، حضور روح خود را احساس می‌کنید و یاد می‌آورید که از کجا آمده‌اید.

۳. در همان لحظه، با همسایگان خود یگانگی می‌یابید و آنان را به عنوان برادران و خواهران روحی خود می‌شناسید؛ علاقه‌ای عمیق‌تر از تماس‌های مادی.

۴. هیچ کس جرأت پنهان کردن عیب‌ها و گناهانش را ندارد، زیرا من آن‌ها را آشکار می‌کنم اما بدون رسوایی و با قضاوتی مهربان.

۵. زناکاران، قاتلان، دزدان و رذایل را می‌بینم؛ اما نه تنها حقیقت را آشکار می‌کنم بلکه سلاح‌هایی برای غلبه بر شر، راه تجدید حیات و بیداری اشتیاق به خوبی و پاکی به شما می‌دهم.

۶. اکنون در روزهای تاریک پیش از نور هستید، اما نور کوچک و زودگذری به دل‌ها نفوذ می‌کند و روح‌ها را بیدار می‌سازد.

۷. کسانی که حیرت زده شدند و در راهند، پاسخ من این است: من نور جهانم، نور ابدیت، حقیقت و عشق، همان کلمه خداوند که به سوی شما آمد.

۸. همانند شائول در راه دمشق، کسانی که به سوی من بازمی‌گردند، غرور خود را کنار می‌گذارند، تکبر را شکست می‌دهند و با فروتنی به من می‌گویند: «پدر و پروردگار من، مرا ببخش، زیرا ندانسته تو را آزردم.»

۹. از آن لحظه، این دل‌ها شاگردان کوچکی می‌شوند؛ زیرا در این عصر سوم، هیچ رسولی مانند آنان که پیش از آزار مرا، سپس با شور و عشق به من بازگشته‌اند، به میان شاگردان جدیدم نیامده است.

۱۰. کلیساها به خواب رکود و روزمرگی فرو رفته‌اند و حقیقت پنهان شده است؛ اما کسانی که فرمان‌های یهوه و کلام استاد الهی را می‌دانند، باید صدای روح حقیقت را در این کلام که اکنون با شما سخن می‌گوید بشناسند.

۱۱. می‌دانم که بسیاری با شنیدن این کلام خشمگین می‌شوند؛ کسانی که درباره جنبه معنوی انسان مقاومت دارند، یا به آداب و رسوم خود پایبندند و رشد بی‌پایان روح را انکار می‌کنند.

۱۲. اما این کلمات نوشته شده باقی می‌ماند و شاگردان آینده من خواهد بود.

۱۳. این کلام فقط برای حاضران نیست؛ برای همه امروز، فردا و تا همیشه است؛ برای درگذشتگان، زندگان و آنانی که هنوز پا به جهان نگذاشته‌اند.

«««دانش و امید از کلام جدید»»»

۱۴. کلام من، کلام عشق است؛ تسلی بخش رنج‌دیدگان، آشفته‌دل‌ها و گناهکاران، رودخانه زندگی است که تشنگی درونی را فرو می‌نشاند و پاکی می‌بخشد؛ راهی به خانه ابدی آرامش و آسایش.
۱۵. چگونه می‌توان باور کرد که زندگی با مبارزه و سختی‌ها بدون پاداش ابدی به پایان می‌رسد؟ آموزه‌های من، نوری در تاریکی و تسلی‌بخش دل‌های شما در فراز و نشیب‌های روزانه‌تانند؛ تنها زمانی که از آنها روی می‌گردانید، احساس گرسنگی و ضعف خواهید کرد.

۱۶. در عشق الهی‌ام به بشر، به شما اجازه می‌دهم آثاری از من را جستجو کنید و از تمام آفرینش بهره‌مند شوید تا هیچ بهانه‌ای برای ناعادل خواندن خدا باقی نماند، چرا که حکمت او در دسترس فرزندانش است.

۱۷. من شما را آفریدم و اراده آزاد به شما دادم، با احترام به آن، حتی اگر گاه از آن سوءاستفاده کرده و به قانون من بی‌احترامی شده باشد.

۱۸. امروز اجازه می‌دهم نوازش بخشش من را احساس کنید و نور حکمت مرا در روح خود روشن سازید تا هر فرزندم به تدریج به راه حقیقت بازگردد.

۱۹. نور حقیقت در درون شما می‌درخشد، زیرا در زمان‌های پیشگویی شده زندگی می‌کنید که تمام رازها آشکار می‌شود و تفاسیر پیشین روشن خواهد شد.

۲۰. در این نقطه جهان خود را آشکار کرده‌ام و کلامم را هدیه‌ای برای همه مردم گذاشته‌ام تا فقر معنوی بشر را برطرف سازد.

۲۱. من راه درست پرستش خدا و زندگی مطابق با شریعت الهی را در همه القا کرده‌ام که تحقق آن تنها امتیازی است که خداوند به هر یک از شما خواهد داد.

۲۲. روزی خواهید فهمید که آموزه‌هایم نه تنها صدای الهی بلکه نماینده همه ارواح است و به معنای حقیقی کلام پی خواهید برد.

۲۳. کلام من تشویق و فریاد آزادی است و لنگر نجات در طوفان‌های زندگی.
««««قدرت کلام خدا»»»»
۲۴. آموزه‌هایم قلب را حساس و پاک، ذهن را بیدار و ژرف، و روح را کامل و تعالی‌یافته می‌سازد.
۲۵. آموزه‌های من را به مطالعه‌ای معتبر تبدیل کنید که راه عمل صحیح به دستورهایم را به شما نشان دهد و رشدتان را هماهنگ سازد، طوری که صرفاً ذهن پرورش نیابد بلکه آرمان‌های روح نیز به حرکت درآیند.
۲۶. تمام استعدادهای شما قادرند در کلام من راه روشنی بیابند تا رشد کنند و به کمال بی‌نهایت نزدیک شوند.

۲۷. آموزه‌های من معنوی‌اند و نوری برای روح هستند تا در نبرد با شر پیروز شود.

۲۸. اگر با روح خود مرا بپذیرید، تحول معنوی، اخلاقی و جسمی را تجربه خواهید کرد.

۲۹. شهوات و رذایل کم‌تر شده و تعصب و جهل جای خود را به ایمان و بینش خواهد داد.

۳۰. این آموزه که تاکنون نادیده گرفته شده، به زودی مرهمی برای دردها و منبع امید می‌شود.

۳۱. من، پزشک الهی و تسلی‌دهنده موعود، این حقیقت را برای شما آشکار کرده‌ام.

۳۲. معنویت شاگردان من با مادی‌گرایی در تضاد است و این شاگردان رضایت و آرزوهای والایی دارند.

۳۳. شاگردان من از طریق زندگی معنوی، روح را به الوهیت نزدیک می‌کنند.

۳۴. مادی‌گرایان ممکن است شورش کنند، اما وجدان به آنها خواهد گفت که تنها کلام من حقیقت است.

۳۵. آموزه‌های من تغییرات بزرگی در جهان ایجاد می‌کند و شروع عصری نوین است؛ ارواحی خواهم فرستاد تا این کلام را توضیح دهند و دنیا را بازسازی کنند.

۳۶. «عصر سوم» زمان رستاخیز است؛ ارواح از مرگ برخاسته و به سوی نور و آزادی فراخوانده می‌شوند.

۳۷. هر که به حقیقت چشم بگشاید و عشق به همنوعان را پرورش دهد، دنیا را دیگر تبعیدگاه نمی‌بیند و آرامش واقعی را تجربه می‌کند.

۳۸. شادی زندگی بازتاب آرامش و نوری است که روح در جهان‌های بهتر می‌یابد و جایگاهی شایسته دریافت می‌کند.

۳۹. کسانی که وحی مرا وسوسه و انکار کنند، احتمالاً در خدمت شر و تاریکی‌اند، هرچند ظاهراً حقیقت را گسترش دهند.

۴۰. انسان‌ها درخت را از میوه‌اش می‌شناسند و میوه این کلام، پیشرفت معنوی کسانی است که بهره برده‌اند.

۴۱. کار معنوی تثلیث-ماریا در حال گسترش است و زنگ خطری برای کسانی‌ست که خود را از پیشرفت معنوی بشریت بی‌خبر می‌دانند.

۴۲. پس از بیداری معنوی، برخی جنبش جدید را نفرین کرده و آن را دجال خواهند خواند.

۴۳. اینان به کتاب مقدس و پیشگویی‌ها پناه می‌برند تا با تجلی و آموزه‌های جدید من مبارزه کنند.

۴۴. کلام من حتی به کسانی که فراتر از جهان مادی را نمی‌پذیرند خواهد رسید و آن‌ها مرا خدای دروغین می‌نامند.

۴۵. ایمان شما با شنیدن این‌ها شکست نمی‌خورد، اگرچه دل‌هایتان جریحه‌دار می‌شوند، چون استاد قبلاً شما را آماده کرده است.

۴۶. در مواجهه با فریب، ریا و تعصب نباید کسی را محکوم کنید؛ به آنان آموزش دهید و قضاوت را به خدا بسپارید.

۴۷. جنگ ایده‌ها و عقاید رخ خواهد داد و من و آموزه‌هایم موضوع بحث خواهند بود؛ مؤمنان قیام کرده و ایمانشان با معجزات تقویت می‌شود.

«««تاثیر آموزش معنوی»»»

۴۸. نور من در جهان گسترش می‌یابد و مردم در آموزه‌های مختلف دنبال حقیقت می‌گردند.

۴۹. پیشگویی‌ها به تحقق می‌رسند؛ باید دید چه کسی نماینده حقیقت است و چه کسی ظاهر فریبنده دارد.

۵۰. برای کشف حقیقت باید از معنویت‌گرایی استفاده کرد، چون بشریت پراکنده در عقاید مختلف است.

۵۱. فرقه‌ها و مذاهب گسترش یافته‌اند و تشخیص حقیقت در میانشان دشوار است.

۵۲. آموزه‌های من مردم را روشن می‌کند و آن‌ها را به سمت مسیری کامل‌تر و والاتر هدایت می‌کند.

۵۳. هر فرقه و کلیسا روزی خود را بازبینی می‌کند تا به دنبال آموزه‌های واقعی من باشد، اما برای یافتن آن باید روح خود را بلند و به صدای درون گوش دهند.

۵۴. جوامع مذهبی بسیارند اما هیچ‌کدام مردم را متحد نمی‌کند؛ این من هستم که این اتحاد و محبت را به ارمغان خواهم آورد و جهان در برابر این نور مقاومت می‌کند.

۵۵. در شدیدترین آزار شاگردان من، نیروهای طبیعت آزاد می‌شوند اما به دعای آنان آرام خواهند شد تا اقتدار من نشان داده شود.

۵۶. وقتی کلام من به ملت‌ها برسد، آشفتگی رخ می‌دهد و آن‌ها باید خود را از بند مفاهیم مادی رها کنند تا طراوت و حقیقت را ببینند؛ اما کسانی که در تاریکی بمانند آزادی مخالفت دارند.

۵۷. تغییر دل به آیین معنوی دوستی و برادری می‌آورد، اما درگیری بزرگ است؛ جنگ‌ها به دلیل ناآگاهی از قانون خداست، نه خواست من.

۵۸. زمان داوری فراگیر رسیده و همه جوامع مذهبی قضاوت می‌شوند؛ فقط حقیقت درخشان خواهد بود و بشر به من درخواست نور و هدایت می‌کند که روح القدس آن را تعلیم می‌دهد.

««««معنای کلام جدید وحی»»»»

۵۹. این وحی در ظاهر ساده است، ولی در آینده اهمیت بزرگی برای بشریت خواهد داشت.

۶۰. شاگردان مختلفی وجود دارند؛ برخی عظمت آموزه را درک کرده و تاثیر آشفتگی آن را احساس می‌کنند، برخی به آن باور دارند و برخی تردید دارند؛ نور در این عصر تاریک مادی‌گرایی به درخشش کامل خواهد رسید.

۶۱. مانند زمان عیسی که مردم بر اساس ظاهر و پیشینه‌اش او را قضاوت کردند و باور نداشتند واعظ دوره‌گرد همان پادشاه معهود است.

۶۲. مردم دنبال شکوه ظاهری‌اند تا بتوانند ایمان بیاورند، در حالی که عظمت حقیقی باید توسط روح دیده شود.

۶۳. من خون و جانم را دادم تا مردم چشم باز کنند؛ اکنون چه راهی می‌ماند که شما به من ایمان بیاورید؟

۶۴. هر کس آموزه‌هایم را خطری برای پیشرفت مادی بداند، اشتباه می‌کند؛ این کلام هم به روح و هم عقل و حواس پاسخ می‌دهد و راه زندگی شرافتمندانه را روشن می‌کند.

۶۵. «عصر سوم» زمان آشکار شدن اسرار بزرگ است و دانشمندان و متکلمان باید دانش خود را با حقیقت فعلی اصلاح کنند.

۶۶. این زمانی است که مردم باید چشمان خود را به نور حکمت من باز کنند - نوری که من آن را به یک آموزه تبدیل کرده‌ام تا از طریق آن بتوانید از نظر معنوی به زندگی واقعی برسید.

۶۷. مردم سعی خواهند کرد حقیقت وحی من را انکار کنند، اما حقایق، شواهد، رویدادها به این حقیقت که از لبان قوم من به عنوان پیام بزرگ "عصر سوم" بیرون خواهد آمد، سخن خواهند گفت و شهادت خواهند داد. و آموزه‌های من نیز از طریق نوشته‌ها در سراسر جهان پخش خواهند شد، زیرا این یک وسیله مجاز است که من از زمان‌های قدیم به پیامبران خود آموزش داده‌ام. من فقط می‌خواهم که شما از حقیقت من مراقبت کنید و آن را به خالص‌ترین و ساده‌ترین شکل به قلب‌ها منتقل کنید.

۶۸. در آن "عصر دوم"، آمدن من به عنوان یک انسان تنها توسط تعداد کمی از قلب‌ها باور شد. با این وجود، بشریت بعداً تولد منجی را به عنوان آغاز عصری جدید تعیین کرد. به همین ترتیب، در این عصر، آغاز وحی من به شما، یعنی آمدن من به عنوان روح القدس، فردا به عنوان آغاز عصری دیگر تثبیت خواهد شد.

69. به آنچه مسیح، تجسم عشق الهی، به شما می‌گوید گوش دهید: صلح بر کسانی که نیت خیر دارند، بر کسانی که حقیقت را دوست دارند و بذر عشق می‌پاشند.

فصل۸-جوامع جدید مسیح،شاگردان،رسولان و فرستادگان خدا
««««نور و سایه در کلیساهای کتاب مکاشفه»»»»

۱. بسیاری از ملت‌ها به خاطر غرور و مادی‌گرایی نمی‌توانند آموزه‌ای مبتنی بر معنویت، فروتنی و برادری را بپذیرند؛ جهان هنوز برای پذیرش عشق آماده نیست.

۲. همانگونه که مسیح در غاری ساده بدنیا آمد، من هم در این گوشه زمین صدایم را آورده‌ام، شبیه غاری که پسر خدا در آن پذیرفته شد.

۳. این مردم ساده و بدون تشریفات روحانی، عبادت خالصانه خود را به من عرضه می‌کنند و باید بیداری و تجدیدی برای فرزندانم باشند.

۴. در سایه آموزه‌های من، هیچ تاج و تخت و مقام سلطه‌گری بر دیگران نیست؛ هیچ‌کس جای خدا را نخواهد گرفت و تنها من قادر به قضاوت عادلانه ام.

۵. من می‌فرستم کسانی را برای تعلیم و راهنمایی، نه برای قضاوت و مجازات؛ آنها چوپان انسان‌ها هستند، نه ارباب یا پدر.

۶. مردمانی خواهم آورد که حقیقتاً شریعت مرا پیروی کنند و با فضیلت و نیکوکاری، همچون آیینه‌ای باشند که دیگران خطاهای خود را در آن ببینند و روحشان لمس شود بدون قضاوت.

۷. آنگاه که این قوم توانمند و فراوان شوند، پاکی اعمال و خلوص عبادتشان توجه همسایگان را جلب می‌کند؛ مردم شگفت‌زده می‌شوند که چگونه بدون معبد و مراسم خاص، اینگونه دعا و پرستش می‌کنند.

۸. به ایشان خواهم گفت که این قوم فروتن و پیرو شریعت من، که با الهام، پیام صلح و شفابخشی می‌آورند، هیچ معلم یا روحانی رسمی نداشته‌اند؛ زیرا در این عصر هیچ‌کس در دنیای شما نمی‌تواند پرستش خدا را به معنویت واقعی آموزش دهد.

۹. فرزندانم را فراخوانده‌ام و بر اساس استعداد و پیشرفتشان، گروه جدید رسولان را تشکیل داده‌ام.

۱۰. برخی را در مقام رهبری گذاشته‌ام و جماعت‌ها را تقسیم کرده‌ام تا بار مسئولیت کم‌تر شود.

۱۱. به برخی هدیه پیام‌آوری داده‌ام تا الهام مرا به جمعیتی که برای دریافت آن جمع شده‌اند منتقل کنند.

۱۲. برخی پیامبر هستند که از طریق آن‌ها وقایع آینده را اعلام می‌کنم.

۱۳. ستون‌ها کسانی هستند که از مردم در زیارت و رهبران جماعت حمایت می‌کنند و تحمل بار صلیب را به افراد کمک می‌رسانند.

۱۴. برخی دیگر به موهبت وساطت و شفابخشی مجهز شده‌اند تا با تجلیات معنوی خود، به بیماران و نیازمندان آرامش و مرهم دهند.

۱۵. کسیکه مکاشفات، آموزه‌ها و پیشگویی‌های این زمان را در کتابی بر جای خواهد گذاشت، «قلم طلایی» نامیده شده است.

۱۶. مقام «سنگ بنا» به کسانی داده شده که نمونه استحکام، پایداری و قوت در میان مردم باشند؛ کلام و الگویشان چون صخره‌ای تغییرناپذیر است.

۱۷. در پایان این دوره مکاشفه، همه دارندگان منصب مأمورند تا خود را به دقت بررسی کنند و عملکرد خویش را ارزیابی نمایند؛ من در این تأمل همراهشان هستم.

۱۸. فراوان فراخوانده می‌شوند ولی برگزیده اندک‌اند؛ تنها آماده‌گان به موقع مأمور می‌شوند و برای دیگران نوریست تا منتظر باشند.

۱۹. بسیاری بدون آمادگی روحی و ذهنی به میان شاگردان من آمده‌اند؛ برخی بی‌احترامی کرده، فضا را مسموم کرده، دروغ گفته و از نام من سوء استفاده کرده‌اند.

۲۰. نگذارید کسی بخواهد چنین افرادی را کشف کند، زیرا تنها قضاوت من نافذ است؛ به آنان هشدار می‌دهم توبه کنند تا زود در سفره معنوی من جای یابند و جشن بخشش را داشته باشیم.

۲۱. همه در کار من یکدیگر را دوست ندارند و همه آموزه را درک نکرده‌اند؛ برخی واقعاً به کار من تعلق دارند و برخی فقط کار خود را انجام می‌دهند.

۲۲. کسانی که از روی عشق پیروی می‌کنند، کلام مرا دوست دارند چون آن‌ها را بدون آسیب اصلاح می‌کند و خطاهایشان را به آرامی نشان می‌دهد تا در کمال بمانند.

۲۳. اما کسانی که دنبال ستایش، حس برتری یا امرار معاش‌اند، تاب کلامی که خطاهایشان را روشن می‌کند ندارند و سعی می‌کنند آموزه‌ای متفاوت خلق کنند که به اراده خود عمل کنند؛ هنوز ندانسته‌اند فقط باید با نهایت توجه به من گوش دهند تا پیام را دریافت کنند.

۲۴. زمان سردرگمی و نافرمانی خواهد آمد که «کارگری» قیام می‌کند و می‌گوید پیام من با فهم بشر قابل تحقق نیست، اما کلام من به رغم مخالفت‌ها به حقیقت خواهد رسید.

۲۵. بسیاری از کسانی که مأموریت گرفته‌اند، اشتباه کردند و سوءتفاهم‌های فراوان پس از ۱۹۵۰ در میان فرزندانم شکل گرفته است.

۲۶. انسان‌ها به سبب نادانی، عشق، اقتدار و لطف من را رد می‌کنند و از راه حقیقت و هماهنگی دور می‌شوند.

۲۷. بار دیگر اسرائیل دچار تفرقه و تجزیه خواهد شد، قانون پاکی که به او داده‌ام پنهان می‌شود و در تعصب و بت‌پرستی فرو می‌رود؛ به فرقه‌گرایی و باورهای گمراه‌کننده چنگ خواهد زد تا از سخنان پرطنین ولی دروغین لذت برد.

۲۸. کلیسا و فرقه‌گرایان هنگام تفرقه اسرائیل، خود را نادیده می‌گیرند و به دنبال تصاحب جواهر معنوی می‌گردند و ادعا می‌کنند پیام‌آوران واقعی خدا و نمایندگان الوهیت من هستند.

««تذکراتی خطاب به شنوندگان در مورد کار معنوی»»

۲۹. پس از پایان این سخنان، باید درک روشنی از آموزه پیدا کنید تا به درستی دنبال شود؛ تاکنون روحانیان واقعی ظاهر نشده‌اند و آنچه اتفاق افتاده تنها برداشت‌هایی از کار من بوده که با روحانیت واقعی فاصله دارد.

۳۰. باید جرات داشته باشید بپذیرید که گمراه شده‌اید و خود را برای اصلاح عادات آماده کنید؛ اجازه دهید حقیقت و خلوص این آموزه در شما بدرخشد.

۳۱. از تغییر ظاهر عبادت نترسید، به شرطی که اصل دستورات من را تحریف نکنید.

۳۲. هنوز فرصت دارید که از آموزه‌ها بهره‌مند شوید، نور و فیض را دریافت کنید و گامی محکم و واقعی به سوی معنویت بردارید، گامی که تاکنون به‌دلیل گرفتار شدن در فرقه‌ها و مادی‌گرایی برنداشته‌اید.

۳۳. تا کنون ایمان کافی برای کنار گذاشتن شکل‌های ظاهری، آیین‌ها و نمادهای خشک نداشته‌اید و به نوعی شبه‌معنویت پناه برده‌اید که در پس آن طرز فکر مادی و شکست‌هایتان را پنهان می‌کنید.

۳۴. خواسته اصلی، صداقت و حقیقت‌دوستی است؛ اگر خود را روحانی می‌دانید، باید در رفتار و عمل نیز چنین باشید، وگرنه تنها با حرف زدن باعث سردرگمی دیگران می‌شوید.

۳۵. شناخت کامل از معنای شریعت و وظایف خود داشته باشید؛ اگر راهنمای شایسته‌ای ندارید، باید با وجدان و دانشی که از آموزه‌ها گرفته‌اید هدایت شوید و مسئولیت اشتباهات خود را بر عهده بگیرید.

۳۶. اراده من این بود که استعدادهای معنوی خود را به کار گیرید و مأموریت خود را آغاز کنید، تا روزی که از این جهان می‌روم، بخشی از مسیر را طی کرده باشید و احساس ضعف نکنید.

۳۷. برخی معنی این آموزه را درک کرده و برای تحقق آن تلاش کردند، اما اکثریت نسبت به معنای حقیقی اشتباه فهمیده‌اند.

۳۸. این خطاها موجب اعتراض من است، چون نمی‌خواهم کسانی که آموزش دیده‌اند، توسط دیگران تحقیر یا مسخره شوند.
۳۹. گروهی مشتاق پیشرفت معنوی بودند و از آموزش خوشحال، و گروهی دیگر بیشتر به مناسک ظاهری دل بسته و هنگام اشاره به خطاها ناراحت می‌شدند.
۴۰. تنها من می‌دانم چه کسی باید در برابر من پاسخگو باشد درباره همه آنچه که از طریق نمایندگان من آشکار یا مخفی مانده است.
اگر بخواهید، می‌توانم در بازخوانی و فهم عمیق‌تر این آموزه‌ها به شما کمک کنم تا در مسیر معنوی خود گام‌های محکم‌تری بردارید.

۴۱. هماهنگی مطلوب معنوی است و با غلبه بر احساسات و خودپسندی به آن دست می‌یابید.
۴۲. وقتی هر کس حقیقت خود را تنها حقیقت بداند و دیگران را رد کند، چگونه می‌توان صلح ایجاد کرد؟
۴۳. تعصب، تاریکی، کوری و جهل است که هرگز ثمراتی روشن به همراه ندارد.
۴۴. اگر طبق اراده من متحد نشوید، بشریت شما را پراکنده می‌کند و وقتی زندگی شما با آنچه موعظه می‌کنید متفاوت باشد، طردتان خواهد کرد.
۴۵. مردم وقتی بفهمند در هر جمعی شکل متفاوت عبادت و روش متفاوتی از آموزه‌ها هست، چه خواهند کرد؟
۴۶. سه سال آخر خدمت خود را برای وحدت معنوی و فیزیکی این قوم به شما می‌سپارم؛ تا نشان دهید که همه زیر یک استاد واحد، یعنی خدا، آموزش دیده‌اند.

««««شاگردی حقیقی،رسولان جدید»»»»

۴۷. کار جهانی و بی‌نهایت را محدود نکنید؛ هرچه بیشتر در کارهای نیک و مطالعه فرو روید، الهامات بیشتری دریافت خواهید کرد و حضور کار الهی را در تمامی آفرینش حس خواهید کرد.
۴۸. شاگرد روحانی باید ساده باشد؛ از طریق حقیقت کلام و عمل قدرتمند خود متقاعد کند، بدون تکیه بر نیروهای مرموز یا توانایی‌های خارق‌العاده.
۴۹. شاگرد حقیقی به‌وسیله سادگی‌اش بزرگ می‌شود، استادش را درک می‌کند و برای دیگران قابل فهم است.
۵۰. شاگرد عیسی کسی است که تسلی می‌دهد، بلند می‌کند و بیدار می‌کند، و سختی‌ها را فتح می‌کند.
۵۱. رسول مسیح نمی‌تواند فقط با فکر به رنج‌های خود دیگران را تغییر دهد؛ او خود را وقف نیازهای دیگران می‌کند و با این گذشت، خانه‌اش پر از نور برکت، شادی و آرامش می‌شود.اگر بخواهید، می‌توانیم درباره چگونگی بکارگیری این آموزه‌ها در زندگی روزمره و پیشرفت معنوی بیشتر صحبت کنیم.

۵۲. در این دوران، زن و مرد هر دو به عنوان رسولان من در کنار هم حضور خواهند داشت و من روح معنوی شما را در این مسیر خواهم نشاند.

۵۳. زنان پیشگام معنویت‌گرایی بوده‌اند و نشان‌دهنده رسولی هستند که با غیرت از شعائر خداوند پیروی می‌کند.

۵۴. در گروه جدید رسولان، زنان و مردان برابرند و هیچ محدودیت سنی برای خدمت وجود ندارد؛ از کودکان گرفته تا سالمندان همگی سهمی در این خدمت خواهند داشت، چرا که روح معنوی شما به بلوغ رسیده است.

۵۵. پادشاهی من از این جهان نیست و امروز می‌گویم پادشاهی شما نیز متعلق به این جهان نیست، بلکه این جهان فقط گذرگاه بشریت است.

۵۶. زندگی حقیقی را به شما می‌آموزم که بر پایه مادی‌گرایی نیست؛ با این حال، قدرت‌های دنیا باز هم علیه آموزه‌هایم قیام خواهند کرد، و من محکوم خواهم شد، اما این آموزه‌ها باید عبور کنند تا شناخته و پذیرفته شوند. کسانی که روزی آزارم دادند، بعدها وفادارترین حامیان من خواهند شد، زیرا شواهد عظیمی از حقیقت به آنها داده می‌شود.

۵۷. نیقودیموس «بار دوم»، کاهنی که به دنبال خرد عیسی بود، دوباره ظاهر خواهد شد تا با وجدان کار من آشنا شود و ایمان آورد.

۵۸. شائول که بعدها به پولس مشهور شد و پس از آزار من، یکی از بزرگ‌ترین شاگردان من گردید، دوباره در مسیر خدمت ظهور خواهد کرد. شاگردان جدید من با شور و اشتیاق یا انکار خود ظاهر خواهند شد و زمان حال بسیار مهم است؛ هر لحظه به ظهور قریب الوقوع نزدیک‌تر می‌شویم.اگر بخواهید، می‌توانم درباره نقش زنان و مردان در معنویت امروز و نحوه آماده‌شدن برای این دوران جدید به شما بیشتر بگویم.

۵۹. مردم به کسانی نیاز دارند که در مواجهه با سختی‌ها و نبردهای روحانی پایدار بمانند؛ افرادی که هیچ تمایلی به ستم یا تسلط ندارند و در لحظات تعالی، رحمت خداوند را تجربه کرده‌اند تا با عشق آن را به دیگران منتقل کنند.

««««فرستادگان خدا در سراسر جهان و در همه زمانها»»»»

۶۰. زمین همیشه پیامبران و فرستادگانی داشته است که بشریت را بیدار کرده‌اند؛ این فقط مختص یک قوم یا زمان خاص نیست.
۶۱. می‌توانید این پیامبران و آموزه‌های ایشان را از طریق نور و حقیقت گفته‌هایشان و شباهتشان با آنچه برای شما آشکار کرده‌ام، قضاوت کنید.
۶۲. برخی پیامبران پیش از آمدن مسیح زندگی می‌کردند و برخی پس از آن، اما همه پیامی معنوی برای انسان‌ها آورده‌اند.
۶۳. آموزه‌هایشان گاه تحریف شده، مثله شده یا از حقیقت‌شناسان پنهان مانده است.
۶۴. تنها یک حقیقت و اخلاق وجود دارد که از طریق پیامبران و بندگان الهی به مردم رسیده است. پس چرا برداشت‌ها از آن متفاوت شده؟
۶۵. این حقیقت تحریف‌شده دوباره احیا می‌شود و نوری می‌گیرد که برای مردم مثل چیزی جدید جلوه می‌کند، اگرچه همان نور همیشه راه رشد فرزندان خدا را روشن کرده است.
۶۶. بسیاری به‌خاطر بیان حقیقت جان داده‌اند و بسیاری شکنجه شده‌اند چون حاضر نبودند صدای درون خود را خاموش کنند.
۶۷. آسمان فقط کسانی که از روح، عشق و اخلاق سخن گفته‌اند نفرستاده، بلکه فرستاده‌هایی بوده‌اند که علم و دانش نیکو را نیز برای سبک‌کردن زندگی و تسکین دردها آورده‌اند. همه ایشان پیام‌آوران من بوده‌اند.
۶۸. همچنین پیام‌آورانی هستند که هرچند آموزه‌های اخلاقی یا علمی نمی‌آورند، اما انسان‌ها را به تحسین زیبایی‌های آفرینش و آوردن شادی و آرامش دل‌های رنج‌دیده دعوت می‌کنند.این بخش به ما یادآوری می‌کند که معنویت و دانش، هر دو نقش مهمی در رشد انسان دارند و همه پیام‌آوران در جهت نور و هدایت بشریت گام برداشته‌اند.اگر دوست دارید، می‌توانیم درباره نقش پیامبران و آموزه‌های مختلف در زندگی معنوی شما بیشتر گفتگو کنیم.

۶۹. همه آنها جام تلخی نوشیدند وقتی که از عدم درک جهانی کور نسبت به حقیقت، انسانی بی‌احساس نسبت به زیبایی و نیکی آگاه شدند. و با این حال، وقتی به شما گفتم که در این عصر همه چیز احیا خواهد شد، وقتی به شما اعلام کردم که همه چیز به مسیر درست باز خواهد گشت و همه آموزه‌های من معنای اصلی خود را باز خواهند یافت، می‌توانید باور کنید که زمان شکوه معنوی برای این جهان نزدیک است، اگرچه نباید فراموش کنید که – قبل از این اتفاق – همه چیز داوری و تطهیر خواهد شد.

۷۰. هر زمان که قرار است وحی الهی بشریت را روشن کند، من پیشگامان یا پیامبرانی را برای آنها فرستاده‌ام تا آنها را آماده کنند تا بتوانند آن نور را تشخیص دهند. اما باور نکنید که فقط کسانی که پیام‌هایی برای روح می‌آورند، پیام‌آوران من هستند. نه، شاگردان، هر کسی که به هر شکلی نیکی را در میان مردم بکارد، پیام‌آوری از جانب من است.

۷۱. شما می‌توانید در تمام مسیرهای زندگی خود، چه در جوامع مذهبی و چه در علوم – در میان کسانی که حکومت می‌کنند یا در میان کسانی که آموزه‌های خوب را منتقل می‌کنند – با این فرستادگان روبرو شوید.

۷۲. یک بنده خوب من هرگز از مسیری که قرار است طی کند منحرف نمی‌شود؛ او ترجیح می‌دهد در این راه بمیرد تا اینکه عقب‌نشینی کند. الگوی او بذری از نور در زندگی همسایگانش است و اعمال او سرمشقی برای دیگران است. آه، کاش بشریت می‌توانست پیام‌هایی را که من از طریق آنها می‌فرستم درک کند! اما اینطور نیست، زیرا افراد زیادی با مأموریت‌های ظریف در جهان وجود دارند که با این حال، نگاه خود را از آن الگوهای بزرگ منحرف می‌کنند تا مسیری را که برایشان مناسب‌تر است، در پیش بگیرند.

۷۳. اما شما با آن دسته از افرادی، بشریت، که من برای یادآوری راه من، راه ایمان، که راه خرد، عشق و صلح است، به سوی شما فرستادم، چه کرده‌اید؟

۷۴. شما هیچ کاری با وظایف آنها نداشتید و با ایمان ریاکارانه‌ای که بر اساس نظریه‌ها و فرقه‌های خود دارید، با آنها جنگیدید.

۷۵. باید یک بار دیگر به شما بگویم که این قوم که پیرامون وحی‌های من شکل می‌گیرد، قومی نیست که پدر، به عشق خود، آن را برتر از سایر ملل زمین قرار دهد. خداوند فقط به این دلیل به آن توجه کرده است که آن را از ارواحی ساخته است که همیشه هنگام نزول وحی الهی جدید در جهان بوده‌اند. آنها فرزندان معنوی آن قوم اسرائیل، قوم پیامبران، رسولان، پیشگویان و بزرگان هستند.

76. چه کسی بهتر از دیگران می‌تواند درک کند و شهادت دهد به شکل جدید وحی و تحقق وعده‌ها؟

77. من به قوم اسرائیل آمده‌ام، بیشترشان در این ملت‌اند، برخی پراکنده‌اند؛ این برگزیدگان وفادارند که قلب و ذهن پاک دارند و از طریق آنها حکمت را به جهان می‌دهم.

78. فرزندان کم‌شمارم را می‌گویم: برگزیدگانی در همه جا هستند که روحاً حضور من را حس می‌کنند، گرچه کلامم را نشنیده‌اند، من دوباره در میان بشرم و برخی از طریق شهود حضورم را درک می‌کنند.

79. به زودی افراد شهودی و الهام‌گرفته برمی‌خیزند و در میان ملت‌ها به آنچه می‌بینند و دریافت می‌کنند شهادت می‌دهند؛ قوم من تنها شنوندگان این پیام نیستند، بلکه بندگانم را به جهان فرستاده‌ام تا مسیرها را آماده و زمین را پاک کنند.

80. من آنها را تقویت و برکت می‌دهم، اگرچه مسیر دشوار و پر از رنج است؛ آنها آگاهند که فرستاده شده‌اند و قصد دارند مأموریت خود را کامل کنند.

81. من همه را بدون تبعیض به پادشاهی خود دعوت می‌کنم، در حالی که می‌دانم همه پاسخ نخواهند داد.

82. بشریت در تاریکی است، اما افراد روشن شده توسط من به عنوان نگهبانان معنوی ظاهر می‌شوند و نور را پخش کرده، بیداری را به وجود می‌آورند.

83. عشق فرستادگان را بپذیرید، حتی اگر در ظاهر فقیر باشند، چون آنها به نام من می‌آیند و شما را از بندهای مادی آزاد می‌کنند تا به آزادی معنوی برسید.

84. به ادعای دوباره مسیح بودن یا فرستاده خدا بودن کسانی که خود را معرفی می‌کنند، ایمان نیاورید؛ فرستادگان واقعی با اعمال خود اثبات می‌شوند، نه با ادعاهای پر سر و صدا.

85. من شما را از چشیدن میوه‌ها منع نمی‌کنم اما باید توانایی تشخیص میوه خوب از بد را داشته باشید.

86. کسانی که حقیقت را دوست دارند، چراغدانانی خواهند بود تا راه را برای دیگران روشن کنند.

87. دوران نیاز به راهنمای معنوی به پایان رسیده و از این پس هر کسی تنها باید شریعت من و وجدان خود را دنبال کند.

88. هنوز مردان و زنانی با نور و روح بزرگ بوده که از طریق الهام، به بشریت کمک خواهند کرد.

89. اگر لازم بود، ارواحی مانند موسی و الیاس را برای راهنمایی می‌فرستادم، اما نه به شکل انسانی بلکه از قلمرو معنوی.

90. هیچ کس آنها را نمی‌بیند، اما هنگام آمادگی، حضور ارواح بزرگ را بالای سر خود احساس خواهید کرد که همراه و محافظ بشریت بوده‌اند.

««««بررسی دوره های اول و دوم وحی»»»»
فصل۹-داستان ها و شخصیت های قوم اسرائیل
««««داستان سقوط انسان»»»»

1. روایت تاریخی اولین انسان‌ها که در کتاب "عصر اول" ثبت شده، بیانگر پاکی، معصومیت و ارتباط دوستانه آنان با طبیعت و مخلوقات است.

2. من به اولین انسان‌ها الهام دادم تا سرنوشت خود را درک کنند، اما وحی‌ها به اشتباه تفسیر شدند.

3. درخت حیات (دانش خیر و شر) تمثیلی است از شناخت بشر نسبت به درست و نادرست و مسئولیت اعمال خود.

4. فرمان خدا به انسان‌ها برای باروری و گسترش نسل، هم‌زمان با توسعه روح و احساسات انسان‌ها بوده است؛ تناقضی در مجازات به خاطر اطاعت وجود ندارد.

5. مردم تفسیر مادی از تمثیل دریافتند؛ شما باید عدالت الهی را عمیق‌تر بفهمید و مسئولیت گذشته را به نسل‌های اولیه نسبت ندهید.

6. اکنون باید پیام "بارور باشید و تکثیر شوید" را به صورت معنوی تفسیر کنید: با پر کردن جهان از کارهای نیک و افکار درخشان. من به همه تلاش‌کنندگان برای کمال خوش‌آمد می‌گویم.

«««اختیار و گناه اصلی»»»

7. اراده آزاد به تو امکان صعود بی‌نهایت فراتر از نقطه شروع را می‌دهد، بنابراین خطا و اشتباه بخشی از رشد است.

8. من نور را در روح همه گذاشته‌ام اما کسانی که صدای من را نشنیدند و به نور معنوی نرسیدند، فریب زیبایی‌های دنیا را خوردند و حمایت قانون من را از دست دادند و سقوط کردند.

9. یک گناه عواقب دردناکی داشت چون نقص با عشق الهی سازگار نیست.

10. کسانی که با توبه و پارسایی به سوی خدا بازگشتند، توسط عشق و رحمت الهی پذیرفته شدند و حمایت و وظیفه دوباره یافتند.

11. همه پس از خطا فروتن نشدند؛ برخی با غرور یا شرم خواستند خود را توجیه کنند و به جای توبه، راه خود را انتخاب کردند.

12. عدالت الهی اجرا شد، نه برای مجازات بلکه برای بهبود و حفظ آنها و دادن فرصت کمال.

13. بسیاری هنوز از گناه رها نشده‌اند و عمیق‌تر در ورطه سقوط شده‌اند که تنها اجرای شریعت می‌تواند نجات دهد.

«««سیل»»»

14. در دوران نخستین بشر معصومیت بود، اما با تکثیر نسل، گناهان آشکار شد و بیشتر شد به دلیل اراده آزاد، نه فضایلشان.

15. نوح را آماده کردم و روحا او را آشکار ساختم چون از آغاز بشریت همیشه با آنها بوده‌ام.

16. به نوح گفتم طوفان بزرگی می‌فرستم تا گناهان پاک شوند، و کشتی بسازد تا خانواده و حیوانات در آن حفظ شوند.

17. نوح فرمان مرا پذیرفت، فاجعه اتفاق افتاد، بذر بد ریشه‌کن شد و انسان جدیدی با نور عدالت رشد یافت.

18. کسانی که جان باختند، روح‌شان حفظ شد و آماده بازگشت به زندگی و پیشرفت معنوی شد.

««««آمادگی ابراهیم برای فداکاری»»»»

19. لازم نیست تا انتها رنج ببری؛ ایمان و اطاعت تو کافی است تا از سختی‌ها محافظت شوی.

20. ابراهیم آزمایش شد که پسرش اسحاق را قربانی کند، اما به دلیل اطاعت قلبی‌اش، اجازه ندادم قربانی کامل شود و این باعث شادی و ستایش او شد.

21. داستان ابراهیم و اسحاق مثالی از مرگ فداکارانه نجات‌دهنده است.

22. این داستان شبیه به قربانی "پسر یگانه" خدا برای نجات جهان است.

23. ابراهیم تجسم خدا و اسحاق تصویر عیسی بود؛ او زندگی پسرش را فدای رحمت و اطاعت به خدا می‌دانست.

24. ابراهیم نزدیک بود اسحاق را قربانی کند اما در آخرین لحظه قدرت الهی او را بازداشت و بره‌ای را جایگزین کرد تا عشق و اطاعت گواهی داده شود.

««««تصویر رویایی یعقوب از نردبانی به سوی آسمان»»»»

25. نردبان خواب یعقوب نماد زندگی و تکامل ارواح است.

26. روح بیدار یعقوب در خواب دعا کرد و پیام آسمانی دریافت کرد تا به عنوان حقیقت معنوی برای بشریت حفظ شود؛ «اسرائیل» نامی معنوی است.

27. نردبان از زمین به آسمان می‌رسد و مسیر عروج روح از جسم فیزیکی به اتحاد با نور پدر را نشان می‌دهد.

28. فرشتگانی روی نردبان رفت و آمد داشتند که نماد تولد، مرگ و تطهیر روح‌ها برای پیشرفت معنوی است.

29. بالای نردبان، تصویر یهوه بود که خدا هدف کمال و پاداش تلاش روح است.

30. هر شکست و آزمون فرصتی است برای شایستگی و صعود روح، همانند پله‌ای بر نردبان یعقوب.

31. این وحی در زمانی آورده شد که بیداری روح و پرستش الوهیت حقیقی تازه آغاز شده بود.

32. پیام معنوی و جهانی بود؛ خدا به یعقوب وعده داد سرزمینی و نسلی بی‌شمار که برکت تمام قبایل زمین خواهند بود.

««««یوسف وبرادرانش»»»»

33. یوسف، پسر یعقوب، توسط برادران حسودش به فروش رفت اما خداوند او را محافظت کرد و نزد فرعون عزیز ساخت.

34. در دوره خشکسالی، یوسف ذخایر کافی جمع‌آوری کرد تا مصر را نجات دهد.

35. برادران یوسف برای آذوقه به مصر آمدند، پشیمان شدند و یوسف که قدرتمند شده بود، آنها را بخشید؛ این نمایش تحقق پیشگویی خدا بود.

«سرکردانی قوماسرائیل در بیابان تحت رهبری موسی»

36. موسی چهل سال قوم اسرائیل را در بیابان هدایت کرد؛ اگرچه برخی شورش و کفر کردند، موسی با صبر و خرد آنها را به اطاعت خدا فراخواند و خدا معجزاتی چون جوشیدن آب از صخره انجام داد.

۳۷. موسی شواهد قوی از حضور خدای حقیقی داشت، اما مردم خواهان شواهد بیشتری بودند و در کوه سینا خداوند به او قدرت و معجزات بزرگی بخشید.

۳۸. مردم مشتاق دیدن خدا بودند؛ خدا در ابر ظاهر شد و صدایش را بلند کرد که ترسناک بود و باعث لرزش آنها شد، پس از آن مردم خواستند خدا دیگر مستقیماً با آنها صحبت نکند چون آمادگی نداشتند.

۳۹. قوم اسرائیل در بیابان، با دشواری‌ها قدرت روحانی یافتند؛ در محیط سخت صحرا، با ایمان به خدا زندگی کردند و از نعمت‌ها سپاسگزار بودند.

۴۰. الیاس در زمان‌هایی که بت‌پرستی رایج بود، مردم را به بازگشت به خدای واحد و ترک بت‌پرستی فراخواند.

۴۱. الیاس به مردم هشدار داد که قوانین الهی را فراموش کرده و باید به خداوند زنده بازگردند و بت‌پرستی را ترک کنند.

۴۲. خدا به الیاس گفت به قوم نگو تا وقتی فرمان نداده، باران نخواهد بارید.

۴۳. الیاس اعلام کرد تا زمانی که فرمان خدا نباشد، باران نخواهد بارید و سپس از آنجا رفت.

۴۴. زمین پس از فرمان الیاس خشک شد، باران نیامد و خشکسالی شدید مزارع و دام‌ها را از بین برد، مردم به خدایان خود التماس باران می‌کردند.

۴۵. الیاس به فرمان خدا دعا کرد و منتظر بود، در حالی که مردم به دنبال سرزمین‌هایی با آب بهتر مهاجرت می‌کردند.

۴۶. وقتی الیاس آماده رفتن بود، خدا به او گفت پادشاه را بجوید و با نشانه‌ای باران بازمی‌گردد.

۴۷. الیاس نزد پادشاه رفت، قدرت خدا را نشان داد و باران بارید؛ مزارع دوباره سبز و پرثمر شدند.

۴۸. مردم بیدار شدند و معجزات الیاس باعث بازگشت آنها به خدا شد.

««««دوازده قبیله اسرائیل»»»»

۴۹. پیامبران و راهنماهای معنوی فقط میان قوم اسرائیل نبودند؛ برخی برای ملت‌های دیگر فرستاده شدند، اما آنان را به عنوان خدایان قبول کردند.

۵۰. قوم اسرائیل مأموریت خود را درک نکرده و در نعمت‌ها و آسایش خوابیده بودند.

۵۱. دوازده قبیله، هر کدام وظیفه‌ای متفاوت داشتند (دفاع، کشاورزی، ماهیگیری، پرستش) و هماهنگی داشتند؛ استعدادهای معنوی آن زمان هنوز در میان مردم باقی است.

«««پیامبران و پادشاهان اول اسرائیل»»»

۵۲. پیامبران با صداقت و در زمان‌های بحران به زمین می‌آمدند، ملت‌ها را به توبه فرا می‌خواندند و هشدار دادند که در صورت نافرمانی، عواقب سختی در پیش است؛ همچنین برکات اطاعت از قانون الهی را پیشگویی می‌کردند.

۵۳. پیامبران نصایحی برای نیکی، عدالت و احترام متقابل داشتند ولی درباره زندگی روح و تکامل آن سخن نگفتند؛ حتی موسی که شریعت را آورد، از زندگی معنوی صحبت نکرد.

۵۴. شریعت به مردم ادب، صلح و احترام را می‌آموزد اما درباره زندگی پس از مرگ، جبران گناهان یا پاداش عمر خردمندانه صحبتی نکرد.

۵۵. داوود با الهامات معنوی، سرودهای مزامیر را آفرید تا قوم را به دعا و قربانی قلبی دعوت کند، اما نتوانست ماهیت ارواح و هدفشان را روشن سازد.

۵۶. سلیمان با حکمت و قدرت فراوان، نصایح و احکام ارزشمندی داشت اما نمی‌توانست به پرسش‌های عمیق درباره زندگی معنوی فراتر از مرگ پاسخ دهد.

فصل۱۰-وقتی زمان فرا رسید

«««پیشگویی های نبوی»»»

۱. خداوند همه چیز را آماده کرد تا «کلام» او میان مردم ساکن شود و راه بخشش گناهان را با عشق خود نشان دهد.

۲. ابتدا پیامبران را الهام بخشید تا آمدن مسیح، ماهیت کار، رنج‌ها و مرگ او را پیشگویی کنند تا هنگام ظهورش شناخته شود.

۳. سه قرن پیش از من، اشعیا نبی پیش‌بینی کرد که باکره‌ای پسری به نام عمانوئیل (خدا با ماست) به دنیا خواهد آورد و این آمدن مرا اعلام نمود.

۴. قرن‌ها پیش، داوود در مزامیرش از رنج‌های مسیح، هفت کلمه آخرش بر صلیب، تمسخر مردم، رهاشدگی و عذاب‌های او سروده است.

۵. پیامبران راه آمدن مرا آماده کردند و دستورالعمل‌هایی دادند تا هیچ کس هنگام ظهور دچار اشتباه نشود.

««««انتظار مسیحایی در میان قوم یهود»»»

۶. جهان در عصر من آماده نبود، اما قوم اسرائیل هرچه رنج می‌کشیدند مشتاق آمدن مسیح بودند تا نجات و نور «کلمه» را پذیرا شوند.

۷. وعده آمدن مسیح از نسلی به نسل دیگر منتقل شد و قوم برگزیده خدا برای مدت طولانی به آن وفادار ماند.

۸. من به سوی قوم خود آمدم، اما همه نتوانستند مرا بشناسند؛ برخی به صورت معنوی و برخی به صورت مادی حضور مرا درک کردند.

۹. عشق و پاکی کسانی که به کلام من ایمان آوردند و پادشاهی آسمان را دیدند برای من کافی بود؛ اینان پس از رفتنم به حقیقت من شهادت دادند.

۱۰. پیام من برای همه بود، اما دعوت اصلی به قوم برگزیده رسید تا سخنگویان کلام من باشند؛ همچنین در میان سایر ملت‌ها نیز حضور مرا احساس کردند.

۱۱. در هر عصر، الیاس در میان مردم ظاهر می‌شود.

۱۲. مسیح هنوز به زمین نیامده بود؛ روح پیامبر در یحیی تعیّن یافت تا نزدیک آمدن پادشاهی آسمان را اعلام کند.

۱۳. در "عصر اول" پیامبران از آمدن مسیح سخن گفتند، اما او باید از زن متولد شود و انسان شود.

««««مریم،مادر عزیز عیسی»»»»

۱۴. روح مادرانه خدا نیز باید زن شود، پاک و لطیف مانند گلی تا کلام خدا از او جاری شود.

۱۵. در ناصره، مریم باکره و پاکی زندگی می‌کرد، همان کسی که پیشگویی اشعیا درباره او بود، زیرا از رحم او زندگی حقیقی باید شکوفا می‌شد.

۱۶. فرشته خداوند نزد مریم آمد و گفت: «سلام، ای کسی که مورد لطف هستی! خداوند با توست؛ تو در میان زنان مبارکی.»
۱۷. لحظه‌ای بود که راز الهی آشکار می‌شد و همه آنچه درباره حضور مسیح گفته شده بود باید فوراً تحقق یابد، اما تعداد کمی قلب‌ها و روح‌ها آمادگی شناخت پادشاهی آسمان را داشتند.

««««ستایش مسیح کودک»»»»
۱۸. امروز بشریت به یاد می‌آورد که خردمندانی از شرق به آخور بیت‌لحم آمدند تا کودک الهی را پرستش کنند. پاسخ به سؤال شما این است که بله، علم، قدرت و ثروت آن مردان زانو زدند و الهیت مرا به رسمیت شناختند.

۱۹. همچنین چوپانان و خانواده‌هایشان با هدیه‌های ساده و فروتنانه خود به منجی جهان و مریم، تجسم لطافت آسمانی، احترام گذاشتند. آنها نماد فروتنی، معصومیت و سادگی بودند؛ اما کسانی که پیشگویی‌ها را داشتند، بی‌خبر ماندند.

««««پیوند محبت بین عیسی و مریم»»»»

۲۱. عیسی دوران کودکی و جوانی را در کنار مریم گذراند و از عشق مادرانه بهره‌مند شد. لطافت الهی، زندگی او را شیرین کرد پیش از آنکه تلخی آزمون‌ها فرا رسد.

۲۲. چگونه ممکن است کسی فکر کند مریم، که بدن عیسی در رحمش شکل گرفت و استاد زندگی‌اش بود، فاقد تقدس و پاکی باشد؟

۲۳. هر کس مرا دوست دارد باید هر آنچه که من دوست دارم دوست بدارد.

۲۴. برخلاف ادعاها، عیسی که از پیش از جهان بود، نیازی به یادگیری از انسان‌ها نداشت. او برای آموزش و آوردن حکمت الهی آمد. در سن دوازده سالگی، فلاسفه و حقوقدانان آن زمان از دانش او شگفت‌زده شدند.

««««دانش و حکمت عیسی»»»»

۲۵. کسانی که ضعف‌های خود را به عیسی نسبت می‌دهند، مرا نمی‌شناسند.

۲۶. اگر طبیعت تجسم مادی افکار الهی است، بدن مسیح نیز تجسم عشق والا و فکر پدر بود؛ او شما را با روح دوست داشت، نه جسم. حقیقت او هرگز فاسد نمی‌شود زیرا نور مطلق و قدرت نامحدود است.

۲۷. در «بار دوم» مثال زدم که باید منتظر زمان مناسب برای انجام وظیفه‌ای که به زمین آمده‌اید باشید.

۲۸. من منتظر شدم تا بدن عیسی که مردم می‌شناختند به کمال برسد تا بتوانم مأموریت الهی آموزش عشق را آغاز کنم.

۲۹. وقتی بدن، قلب و ذهن به کمال رسیدند، روح من از طریق لب‌های او سخن گفت؛ حکمت در ذهن و عشق در قلبش جای گرفت و هماهنگی کامل بین بدن و نور الهی برقرار شد، تا جایی که می‌گفتم: «کسی که پسر را می‌شناسد، پدر را می‌شناسد.»

۳۰. مسیح از حقیقت الهی آموزش داد؛ این نور را نه از فرهنگ‌ها و ملت‌های زمانش، بلکه از منبعی ناشناخته در زمین گرفت.

۳۱. عیسی ابتدا زندگی خود را وقف نیکوکاری و دعا کرد تا ساعت اعلام پادشاهی آسمان و قانون عشق فرا رسید.

۳۲. آموخته‌های مرا بررسی کنید و ببینید آیا می‌توانسته از دانش بشری و علمی آن زمان سرچشمه گیرد؟

۳۳. اگر دنبال علم آن مردم بودم، شاگردانم را در میان خردمندان که داشتند جستجو می‌کردم نه در میان مردم عادی و نادان که رسولان را از میانشان انتخاب کردم.

««««عدم درک محیط انسانی در ناصره»»»»
۳۴. مجبور شدم به مصر پناه ببرم زیرا مردمی که به آنها آمده بودم، پناهگاه امنی فراهم نکردند؛ این تنها دردی نبود که تحمل می‌کردم.
۳۵. وقتی به ناصره برگشتم، با کفر و حسادت و تمسخر روبرو شدم.
۳۶. در ناصره معجزه کردم، قدرت و خیرخواهی خود را نشان دادم اما مورد سوء تفاهم قرار گرفتم و کسانی که مرا می‌شناختند ایمان نیاوردند.
۳۷. پس هنگام ترک ناصره گفتم: «هیچ پیامبری در سرزمین خود ایمان نمی‌یابد و باید آنجا را ترک کند تا کلامش شنیده شود.»

فصل ۱۱ - رسالت عیسی بر روی زمین

««««غسل تعمید در اردن، زمان آماده شدن در صحرا»»»»

۱. عیسی، آن ناصری فروتن، که منتظر بود کلام الهی از دهانش جاری شود، در کرانه‌های رود اردن به دنبال یحیی رفت تا تعمید بگیرد. این عمل برای تطهیر جسم یا مراسم مذهبی نبود، بلکه نشانه‌ای برای ثبت در خاطره بشریت بود.

۲. آب تعمید نشان‌دهنده رهایی بدن، نماد بشریت، از هر وابستگی دنیوی بود تا با اراده‌اش با روح یکی شود. حاضران صدای الهی شنیدند که گفت: «این پسر محبوب من است که از او بسیار خشنودم. به او گوش دهید.»

۳. از آن لحظه کلام خدا به کلام حیات جاودان در لبان عیسی تبدیل شد و مردم او را ربی، استاد، رسول، مسیح و پسر خدا نامیدند.

۴. سپس عیسی به بیابان پناه برد تا در سکوت و مراقبه آماده انجام مأموریت الهی شود و به مردم آموزش دهد که پیش از عمل، باید روح خود را پاک کنند و به ارتباط مستقیم با پدرشان پی ببرند.

««««وحدت عیسی با خدا»»»»

۵. به مدت سه سال، خداوند از طریق عیسی با جهان سخن گفت؛ هیچ کلام یا عمل او تحریف نشد، زیرا انسان و روح در او یکی بودند، همانگونه که مسیح با پدرش یکی است.

۶. خداوند گفت: «پدر را در من بشناسید؛ زیرا مسیح از ازل، حتی پیش از آفرینش جهان، با پدر یکی بوده است.»

۷. در عصر دوم، مسیح که با خدا یکی است، در جسم عیسی انسان شد و به این ترتیب پسر خدا از نظر انسانیت گردید؛ اما تنها یک خدا وجود دارد.

۸. وقتی در عیسی انسان شدم، هدفم این نبود که به شما نشان دهم خدا شکل انسانی دارد، بلکه می‌خواستم برای کسانی که نسبت به امور الهی کور و کرند، قابل مشاهده و شنیدنی باشم.

۹. اگر بدن عیسی به شکل یهوه بود، هرگز خونریزی نمی‌کرد و نمی‌مرد. این بدن انسانی و کامل بود، تا مردم او را ببینند و صدای پدر آسمانی خود را از طریق او بشنوند.

۱۰. در عیسی دو طبیعت وجود داشت: طبیعت مادی و انسانی که به اراده من در رحم مریم خلق شد و او را پسر انسان نامیدم، و طبیعت الهی، یعنی روح که پسر خدا خوانده شد. در این حالت، کلمه الهی پدر در عیسی سخن گفت؛ و بخش دیگری فقط مادی و قابل مشاهده بود.

۱۱. مسیح، کلمه خدا، از طریق دهان عیسی، انسان پاک و صادق، سخن گفت.

۱۲. مردی که عیسی به دنیا آمد، زندگی کرد و مرد؛ اما مسیح، صدای عشق و روح الهی است که همیشه در پدر بوده است و نه به دنیا آمد، نه بزرگ شد و نه مرد.

««عدم به رسمیت شناختن عیسی به عنوان مسیح موعود»»

۱۳. وقتی در میان قوم یهود ظاهر شدم، که منتظر من بودند بر اساس نشانه‌های پیامبران، بسیاری من را نشناختند. آنها انتظار داشتند مسیح به شکل شاهزاده‌ای قدرتمند بیاید که دشمنان را شکست دهد و امکانات زمینی به منتظران دهد.
۱۴. مردم عیسی را که فقیر و ساده لباس‌پوش بود، باور نمی‌کردند. او که در آخور متولد شد و بعداً صنعتگر ساده‌ای بود، نمی‌توانست برایشان همان موعود باشد. آنها انتظار داشتند معجزات آشکار ببینند تا ایمان بیاورند.
۱۵. همیشه فروتنان و فقیران بودند که حضور مرا درک کردند، زیرا عقلشان درگیر نظریه‌های انسانی پیچیده نبود.
۱۶. در «بار دوم» نیز فقط کسانی که قلب ساده، روح فروتن و ذهن سبکبار داشتند، توانستند مسیح را هنگام آمدنش به صورت احساسی تشخیص دهند.

۱۷. متکلمان کتاب انبیا را در دست داشتند و روزانه کلماتی را که نشانه‌ها، زمان و نحوه آمدن مسیح را پیشگویی می‌کرد، تکرار می‌کردند؛ با این حال وقتی مرا دیدند، مرا نشناختند؛ به من گوش دادند اما انکار کردند که نجات‌دهنده موعود هستم. آنها کارهای مرا دیدند اما تنها واکنشی که داشتند شورش بود، حتی با اینکه همه این‌ها پیشگویی شده بود.

۱۸. امروزه کمتر کسی به وجود عیسی شک می‌کند اما بسیاری الوهیت مرا مورد بحث قرار می‌دهند و حتی انکار می‌کنند. برخی به تعالی معنوی من اقرار دارند و برخی می‌گویند که من هم در مسیر رشد روح برای رسیدن به پدر هستم. ولی اگر چنین بود، من نمی‌گفتم: «من راه، حقیقت و زندگی هستم.»

««عیسی به عنوان مهمان نجات بخش در میان مردم عادی»

۱۹. شما باید در سفر زمینی خود از الگوی استاد الهی پیروی کنید. هر زمان که در خانه‌ها ظاهر می‌شدم، پیام صلح را در دل همه می‌کاشتم، بیماران را شفا می‌دادم و با اقتدار الهی سرشار از عشق، بیماران را تسلی می‌دادم.

۲۰. هرگز از ورود به جایی که مردم ایمان نداشتند خودداری نمی‌کردم، زیرا می‌دانستم که وقتی آنجا را ترک می‌کنم، قلب ساکنان سرشار از شادی خواهد شد، چرا که روح آنها به گونه‌ای غیرمستقیم از طریق آموزه‌هایم پادشاهی آسمان را دیده است.

۲۱. گاهی من به دنبال قلب‌ها می‌گشتم و گاهی آن‌ها به دنبال من بودند؛ اما در هر صورت، عشق من نان حیات جاودان بود که با کلامم به آنها می‌دادم.

««واعظ خستگی ناپذیر عیسی»»

۲۲. گاهی به خلوت دره‌ای می‌رفتم تا تنها باشم، زیرا جمعیتی مشتاق شنیدن من بودند و به دنبال نیکی بی‌نهایت نگاه من بودند. من آن مردان، زنان و کودکان را با رحمت بی‌کران پر می‌کردم، چرا که می‌دانستم در هر موجودی روحی هست که به همین خاطر به جهان آمده‌ام. سپس درباره پادشاهی آسمان که خانه واقعی روح است، با آنها سخن می‌گفتم تا آشفتگی درونی‌شان آرام شود و با امید به زندگی ابدی تقویت گردند.

۲۳. گاهی کسی در میان جمعیت می‌خواست حقیقت مرا با فریاد انکار کند و ادعا داشت که پیش از او مرا به عنوان پیامبر دروغین باز داشته‌ام؛ اما من کلامی به او دادم تا لب‌هایش باز شود. در موارد دیگر نیز به کافرانی اجازه دادم مرا دشنام دهند تا در برابر مردم نشان دهم که استاد در مواجهه با توهین‌ها ناراحت نمی‌شود و با این کار نمونه‌ای از فروتنی و عشق را به آنان نشان دهم.

۲۴. برخی از کسانی که تحت تأثیر ملایمت من قرار گرفتند، از شرمندگی فاصله گرفتند و از اینکه با شک و تردیدهایشان به من، کسی که حقیقت را از طریق اعمالش اعلام می‌کرد، آسیب رسانده بودند، توبه کردند. وقتی فرصتی به دست آمد، گریه‌کنان و تحت تأثیر کلام من به دنبال من آمدند، حتی جرات نمی‌کردند با من تماس بگیرند و برای گناهانی که علیه من کرده بودند، طلب بخشش کنند. من آنها را فراخواندم، با کلام خود تسلی دادم و به آنها لطف عطا کردم.

۲۵. گوش دهید: وقتی در زمین بودم، مردم زیادی با موقعیت‌های مختلف، از مقام‌های بالا و پر از غرور گرفته تا حاکمان، مخفیانه به دنبال من می‌آمدند تا سخنانم را بشنوند. برخی مرا تحسین می‌کردند اما از ترس، آشکارا اعتراف نمی‌کردند و برخی نیز مرا رد می‌کردند.

۲۶. جمعیت زیادی از مردان، زنان و کودکان صبح و ظهر و شب به من گوش می‌دادند و همیشه استاد را آماده می‌دیدند که کلام خدا را به آنها بدهد. آن‌ها متوجه نمی‌شدند که من از روح درونی خود نیرو می‌گیرم و به آن تغذیه می‌شوم، لذا نمی‌دانستند که چه ساعتی غذا می‌خورم تا بدن و صدای من ضعیف نشود.

««««عشق عیسی به کودکان و طبیعت»»»»

۲۷. گاهی وقتی تنها بودم، کودکانی که گل‌های کوچکی به من می‌دادند، مشکلاتشان را می‌گفتند و مرا می‌بوسیدند، باعث کشف من می‌شدند.

۲۸. مادران وقتی فرزندان کوچک خود را در آغوش من می‌دیدند و به سخنانم گوش می‌دادند، نگران می‌شدند. شاگردان فکر می‌کردند این نشانه بی‌احترامی است و سعی کردند آنها را از من دور کنند. من به آنها گفتم: «بگذارید کودکان نزد من بیایند، زیرا برای ورود به پادشاهی آسمان باید مانند کودکان پاکی، سادگی و معصومیت داشت.»

۲۹. من از معصومیت و صراحت کودکان خوشحال می‌شدم، همانگونه که کسی از دیدن غنچه گلی که تازه باز می‌شود لذت می‌برد.

۳۰. چقدر شاگردان من را در حال گفتگو با موجودات زمین دیده بودند! چقدر من با پرندگان، مزارع و دریا صحبت می‌کردم! اما همه می‌دانستند که من مسحور نشده‌ام؛ زیرا روح خلاق پدر در من بود که به همه موجودات زبان داده بود و همه «فرزندان» او بودند که از هر آنچه آفریده شده بود، ستایش و عشق دریافت می‌کردند.

۳۱. شاگردان و مردم بارها عیسی را می‌دیدند که پرنده‌ای یا گلی را نوازش می‌کند و همه چیز را برکت می‌دهد، و در چشمان او نگاه‌هایی سرشار از عشق بی‌نهایت به همه موجودات پیدا می‌کردند. آن‌ها وقتی خود را در محاصره آن همه جلال و شگفتی می‌یافتند که از خرد او سرچشمه می‌گرفت، لذت الهی خداوند را احساس می‌کردند. همچنین بسیار اوقات اشک را در چشمان استاد می‌دیدند، زمانی که بی‌تفاوتی مردم نسبت به چنین جلالی، کندی و نابینایی انسان‌ها در برابر این همه شکوه را مشاهده می‌کرد. آن‌ها استاد را می‌دیدند که وقتی جذامی را می‌دید که به خاطر بیماری‌اش گریه می‌کرد.

««««تعلیم عیسی»»»»

۳۲. عیسی به شما رحمت، ملایمت و عشق را آموخت. او گفت که باید دشمنان خود را از صمیم قلب ببخشید، دروغ‌ها را رد کنید و حقیقت را دوست بدارید. به شما آموزش داد که خوبی را با خوبی پاسخ دهید و حتی بدی را هم با خوبی پاسخ دهید. احترام به همسایگان را به شما یاد داد و روش حفظ سلامت جسم و روح را نشان داد؛ همچنین شما را راهنمایی کرد که نام والدین خود را ارج نهید تا فرزندان شما نیز به نوبه خود، شما را گرامی بدارند.

۳۳. اینها برخی از احکام کلیدی هستند که هر کسی که واقعاً بخواهد مسیحی باشد باید از آن‌ها پیروی کند.

۳۴. وقتی کاتبان و فریسیان اعمال عیسی را دیدند و فهمیدند که با اعمال خودشان متفاوت است، ادعا کردند که آموزه‌های او قانون موسی را نقض می‌کند. دلیل این بود که آن‌ها قانون را با سنت‌ها اشتباه گرفته بودند. اما عیسی به آن‌ها ثابت کرد که او قانون واقعی را که پدر به موسی داده بود، نقض نکرده بلکه آن را به کمال رسانده است.

۳۵. البته، عیسی بسیاری از سنت‌های قوم را کنار گذاشت چون زمان آن رسیده بود که آن سنت‌ها پایان یابند تا دوره‌ای جدید با آموزه‌های بالاتر آغاز شود.

۳۶. به یاد داشته باشید که در اولین فرمان شریعت به وسیله موسی به بشریت گفته شد: «نباید برای خود تصویری یا تشبیهی از چیزی که در آسمان‌هاست بسازید و آن را پرستش کنید.» از آن زمان، مسیر بشریت و مسیر تکامل روح به وضوح مشخص شده است.

۳۷. موسی تنها به انتقال ده فرمان محدود نبود؛ او قوانین ثانویه، سنت‌ها، آیین‌ها و نمادهایی در پرستش معنوی برای زندگی بشر وضع کرد، که همه مطابق با مراحل رشد روح انسان در آن زمان بود.

۳۸. مسیح موعود آمد تا سنت‌ها، آیین‌ها و نمادهای پرستش را لغو کند و فقط شریعت حقیقی را حفظ نماید. او گفت مخالف شریعت نیست بلکه آن را به کمال می‌رساند، زیرا مردم به دلیل فراموشی شریعت، صرف سنت‌ها را دنبال می‌کردند.

۳۹. سخنان عیسی جاودان است و با گذر زمان پاک نمی‌شود؛ او امروز معنای آموزه‌های گذشته را آشکار می‌سازد.

«««معجزات عیسی»»»

۴۰. برای تقویت ایمان، عیسی معجزاتی انجام داد که قابل لمس بودند، مانند شفا دادن بیماران، نابینایان، ناشنوایان، لالان، لنگان، دیوانگان، جذامیان و حتی زنده کردن مردگان.

۴۱. معجزات عیسی نمونه‌های عاشقانه‌ای هستند که تاریخ برای نسل‌های آینده حفظ کرده است.

۴۲. موجودات نورانی در خدمت خدا آشکار شدند، در حالی که دیوانگانی بودند که علم نتوانست آن‌ها را درمان کند و مردم طردشان کرده بودند.

۴۳. این معجزات به عنوان نشانه‌هایی از عشق عیسی و شفای خلقت به مردم عطا شد و بسیاری را شگفت‌زده کرد.

۴۴. کافران برای مردد کردن عیسی درخواست شواهد سخت‌گیرانه داشتند، اما شفای معجزه‌آسا و رهایی از ارواح خبیث باعث حیرت آنان شد.

۴۵. واکنش فریسیان، علما و دیگران متفاوت بود؛ برخی قدرت عیسی را پذیرفتند، برخی آن را به نیروهای ناشناخته نسبت دادند و برخی سکوت کردند، اما بیماران شفا یافته نام عیسی را ستایش کردند.

۴۶. برخی افراد توسط یک روح تسخیر شده بودند، برخی دیگر توسط هفت روح مانند مریم مجدلیه، و برخی نیز توسط تعداد زیادی روح که خود آن‌ها را لشکری می‌خواندند.
۴۷. در زندگی عیسی، تجلیات معنوی پی‌درپی رخ می‌داد که توسط دوازده شاگرد و مردم عادی در فضاهای باز و خانه‌ها دیده می‌شد؛ این زمان‌هایی بود پر از شگفتی و معجزه.
۴۸. معنای واقعی معجزه بر خلاف تصور معمول نیست؛ تضادی بین الهی و مادی وجود ندارد.
۴۹. عیسی معجزات را نتیجه اثر طبیعی عشق می‌دانست، قدرت الهی‌ای که در هر روح هست اما مردم تاکنون آن را نشناخته‌اند و نمی‌دانند چگونه از آن بهره‌مند شوند.
۵۰. در تمام معجزات، علاوه بر عشق، چه چیز دیگری مؤثر بود؟
۵۱. عیسی به شاگردان گفت که فروتنی ابزاری ضروری بود تا عشق خدا را به بشر نشان دهد و خودش همیشه فروتن بود؛ او با این درس خواست به انسان‌ها فروتنی بیاموزد.
۵۲. این فروتنی و وحدت با پدر آسمانی، عیسی را قدرت مطلق در رابطه با بشریت ساخته بود.
۵۳. تحولی زیبا که عشق، فروتنی و حکمت به ارمغان می‌آورد.
۵۴. عیسی گفت که بدون اراده پدرش نمی‌تواند کاری انجام دهد، اما این بیان فروتنی او بود و در واقع قادر به انجام هر کاری بود، چون مطیع و فروتن بود و عشق می‌ورزید.
۵۵. هرچند انسان‌ها از برخی توانایی‌های عشق معنوی آگاه هستند، اما آن را تجربه نمی‌کنند و بنابراین دلیل واقعی معجزات و اسرار عشق الهی را نمی‌فهمند.
۵۶. عیسی آموزش‌هایی داد که پایه و اساس همه آن‌ها عشق بود؛ او از دانش یا اسرار خاصی جز نمونه‌های عشق سعادتمندانه برای انتقال قدرت و حکمت استفاده نکرد.
۵۷. قوانین خدا ساده و حکیمانه‌اند و حکمتشان ناشی از سرشار بودنشان از عشق است، و هیچ تناقضی ندارند.

۵۹. روحی که به عیسی حیات بخشید، همان روح خدا بود که انسان شد تا در میان مردم باشد و دیده شود. عیسی تمام رنج‌های انسانی را تجربه کرد و علی‌رغم اینکه بسیاری دعوت شدند، تنها عده‌ای برگزیده و اندکی در اطرافش بودند.

«««زن زناکار»»»

۶۰. عیسی از گناهکاران دفاع کرد، مانند زن زناکاری که فریسیان خواستند مجازات شود. آنها انتظار داشتند عیسی عدالت سختگیرانه را تأیید کند، اما او با نیت‌شان آگاه بود.

۶۱. عیسی به جای پاسخ مستقیم، گناهان محکمان را بر زمین نوشت و هنگامی که گفت «هر که بی‌گناه است اولین سنگ را بیندازد»، همگی خود را گناهکار شناختند و رفتند. آن زن توبه کرد و دیگر گناه نکرد. عشق برای بازگرداندن گناهکاران بهتر از سخت‌گیری است.

«««مریم ماگدالنا»»»

۶۲. مریم مجدلیه، که جهان او را گناهکار می‌نامید، شایسته مهربانی و بخشش عیسی بود.

۶۳. او به سرعت رستگاری خود را یافت، چیزی که دیگران با ایمان ضعیف نمی‌توانند به آسانی به دست آورند.

۶۴. مریم بدون فخر به توبه خویش بخشیده شد؛ او گناه کرده بود اما بسیار عشق ورزیده بود، همانطور که همه انسان‌ها گناه می‌کنند.

۶۵. هرکس که عشق می‌ورزد ممکن است در رفتار انسانی خود خطا کند، اما عشق سرچشمه‌ای از گرما و محبت است که از قلب بیرون می‌ریزد. اگر بخواهی بخشیده شوی، چشمانت را با عشق و اعتماد به خدا بدوز؛ آنگاه از هر گناهی پاک خواهی شد.

۶۶. آن زن پس از دریافت عشق و بخشش، دیگر گناه نکرد و قلبش وقف آموزه‌های عیسی شد.

۶۷. هرچند مرتکب خطا شده بود، اما بخشیده شد و آتش تطهیر در دلش شعله‌ور بود؛ هیچ‌گاه از عیسی جدا نشد، برخلاف بعضی شاگردان که در سخت‌ترین لحظات او را رها کردند.

۶۸. به مریم اجازه داده شد در پای صلیب و سر مزار عیسی اشک بریزد و روح او به دلیل محبت بسیار، به زودی رستگاری یافت.

۶۹. در دل مریم، روح یک رسول بود؛ تغییر دین و قلب او مانند نوری از حقیقت می‌درخشید و تسلیم خواست خداوند بود.

۷۰. اما برخی افراد سعی می‌کنند گناهان خود را با دعاهای طولانی بپوشانند تا خود را بی‌گناه جلوه دهند.

۷۱. ای شاگردان، بیاموزید که پروردگار خود را در هر همنوع به طور واقعی دوست بدارید. هرچه بیشتر عشق بورزید، گناهان شما بخشیده می‌شود و بزرگی در این حقیقت است.

«««نیکودیموس و مسئله تناسخ»»»

۷۲. به نیقودیموس گفته شد که «آنچه جسمی زاده می‌شود جسم است و آنچه روحی زاده می‌شود روح»، و اینکه «باید دوباره زاده شد»، پیامی بود برای نشان دادن نیاز به تولد روحانی و فهم عمیق‌تر.

۷۳. یک عمر برای درک آموزه‌های عیسی کافی نیست و فهم زندگی به چندین عمر زمینی نیاز دارد؛ جسد تنها پایگاه روح در سفرش بر زمین است.

«««تبدیل هیئت عیسی»»»

۷۴. در «بار دوم»، عیسی با برخی از شاگردان به کوه رفت؛ در آنجا تغییر شکل او را دیدند که بدنش در فضا شناور بود و روح موسی و روح الیاس در دو طرف او بودند، منظره‌ای پر از تحسین و شگفتی.

۷۵. در آن تجربه ماورائی، شاگردان از شدت نور الهی به زمین افتادند و موقتاً نابینا شدند. اما وقتی آرام شدند، از استاد خواستند ردای پادشاهان را بر دوش بکشد همانطور که برای موسی و الیاس گذاشته شده بود. سپس صدایی الهی شنیدند که گفت: «این پسر محبوب من است که از او بسیار خشنودم؛ به او گوش دهید!»

۷۶. شنیدن این صدا موجب ترس بزرگ شاگردان شد، و وقتی نگاه کردند، فقط عیسی را دیدند که به آنها گفت نترسند و تا زنده شدن از مردگان این رؤیا را افشا نکنند. وقتی پرسیدند چرا کاتبان می‌گویند الیاس باید اول بیاید، عیسی پاسخ داد که الیاس واقعاً پیش از او آمده و آنها او را نشناختند—اشاره به یحیی تعمیددهنده.

۷۷. در آن زمان‌ها، عیسی بدن خود را نامرئی می‌کرد تا در قالب انسانی شناخته شده ظاهر شود و شاگردان نیفتند یا ترس نکنند.

««««فقدان شجاعت برای اعتراف»»»»

۷۸. وقتی عیسی در میان مردم در کالبد جسمانی بود، اغلب افرادی او را به صورت پنهانی جستجو می‌کردند چون از رسوا شدن می‌ترسیدند و احساس گناه داشتند.

۷۹. این افراد به عیسی می‌گفتند که کلامش حامل حقیقت است و از او طلب بخشش می‌کردند. عیسی به آن‌ها پاسخ داد که اگر حقیقت را یافته‌اند، چرا خود را پنهان می‌کنند؟ باید همچون نور خورشید در فضای باز ظاهر شوند و از حقیقت شرمنده نباشند.

۸۰. بسیاری فقط در خفا به عیسی گوش می‌دهند و بعدها منکر شنیدن یا همراهی با او می‌شوند. عیسی از آن‌ها می‌پرسد که از چه چیزی شرمنده‌اند و چرا حقیقت را انکار می‌کنند.

«««دشمنی با عیسی»»»

۸۱. در «بار دوم» کلام من به گونه‌ای بیان شد که تمامی مردم، هرچند با سطح‌های متفاوت ایمان و شک، آن را پذیرفتند. نگاه من به قلب‌ها نفوذ می‌کرد و همه رازهای نهفته درون هر فرد را آشکار می‌ساخت؛ برخی به امید معجزه، برخی با تمسخر، و برخی با نفرت و قصد حذف من مواجه بودند.

۸۲. فریسیان متکبر که از کلام روشن، محبت‌آمیز و تسلی‌بخش من شگفت‌زده شدند، به جای پذیرفتن حقیقت، فقط به ظاهر و فقر مادی من توجه کردند و قضاوت کردند.

۸۳. آنها نه تنها مرا محکوم کردند، بلکه شاگردانم را نیز زیر نظر گرفتند، حتی در جزئیاتی مانند نشستن دست‌ها پیش از غذا، که نشان از درک نادرستشان بود، چرا که پاکی ظاهری را با پاکی روح اشتباه می‌گرفتند.

۸۴. فریسیان هر حرکت و سخن من را با بدخواهی بررسی می‌کردند، زیرا ذهنشان توان درک حقیقت روحانی را نداشت.

۸۵. وقتی دعا می‌کردم، می‌گفتند چرا باید دعا کنم اگر دارای قدرت و حکمت هستم و اگر دعا نمی‌کردم، قضاوت بر عدم پایبندی به احکام داشتند.

۸۶. وقتی من غذا نمی‌خوردم اما شاگردانم می‌خوردند، آنان من را خارج از قوانین خدا قلمداد کردند و وقتی من غذا می‌خوردم، تعجب می‌کردند که چگونه کسی که خود زندگی است، نیاز به خوردن دارد. نمی‌فهمیدند که من آمده‌ام تا نوعی زندگی روحانی، فراتر از نیازهای مادی و جسمانی، را به بشر نشان دهم تا نسلی روحانی پدید آید.

«««اطلاعیه خداحافظی»»»

۸۷. عیسی سه سال با شاگردانش زندگی کرد؛ جمعیتی که او را عمیقاً دوست داشتند. شاگردانش با شنیدن تعالیم الهی‌اش آرامش می‌یافتند و هیچ کمبودی احساس نمی‌کردند. ولی عیسی به آنها هشدار داد که زمان متفاوتی خواهد آمد؛ زمانی که او از آنها جدا خواهد شد و آنها مانند گوسفندانی در میان گرگ‌ها خواهند بود. ولی مأموریت داشتند که شهادت دهند و پیام عشق و عدالت را به گرسنگان و تشنگان آن برسانند و با نام او عمل کنند تا به خانه ابدی هدایت شوند.

۸۸. این سخنان، شاگردان را ناراحت کرد؛ اما عیسی دل آنها را به این وسیله تسلی داد که روحش همچنان بر جهان ناظر خواهد بود و می‌تواند از راه آنها معجزات کند و از طریقشان سخن بگوید، اگر آماده باشند تا پیام را منتقل کنند.
«««ورود عیسی به اورشلیم»»»

۸۹. هنگام ورود عیسی به اورشلیم، جمعیت زیادی از مرد، زن و کودک از روستاها آمدند تا او را ببینند؛ کسانی که از معجزات و قدرت الهی او بهره‌مند شده بودند؛ نابینایانی که دیدند، لالانی که توان سخن یافتند و لنگانی که توان حرکت یافتند.

۹۰. عیسی آگاه بود که این استقبال صرفاً پیروزی موقتی است؛ پیش از آن به شاگردانش پیشگویی کرده بود که مبارزه تازه آغاز شده است. او امروز می‌گوید که نور حقیقتش به مبارزه با تاریکی جهل، گناه و فریب ادامه می‌دهد و پیروزی نهایی هنوز فرا نرسیده است.

۹۱. چگونه می‌توان باور کرد که ورود به اورشلیم نشانه پیروزی نهایی بود، وقتی فقط عده کمی به دین او گرویدند و بسیاری او را نمی‌شناختند؟

۹۲. حتی اگر همه آن افراد ایمان می‌آوردند، نسل‌های بسیاری باید همچنان به راه او ادامه می‌دادند و پیرو می‌شدند.

۹۳. آن لحظهٔ پیروزمندانه و کوتاه ورود عیسی به اورشلیم در فصل ۱۱، نمادی از پیروزی نور، نیکی، حقیقت، عشق و عدالت بود؛ روزی که هر یک از شما برای آن دعوت شده‌اید.
۹۴. باید دانست که اگر حتی یکی از فرزندان خدا در زمان آن رویداد خارج از اورشلیم جدید بود، هیچ جشنی برگزار نمی‌شد، زیرا خدا نمی‌توانست پیروزی خود را جشن بگیرد مگر اینکه همه فرزندانش نجات یافته باشند.
۹۵. شما همان کسانی هستید که در "بار دوم" هنگام ورود عیسی به اورشلیم با سرود هوشیعانا او را همراهی کردید. امروز، دیگر ردای خود را در مسیر او نمی‌گسترانید؛ بلکه قلب‌هایتان جایگاه پروردگارتان است و هوشیعانا، سرودی از فروتنی، عشق و شناخت پدر، از روح شما سرچشمه می‌گیرد؛ نشانه ایمان به تجلی پروردگارتان در "عصر سوم".
۹۶. همانند گذشته، شما پیروان رودرروی عیسی هستید؛ مردان و زنان، پیر و کودک با فریادهای شادی، شهر را به هیجان آوردند. حتی کاهنان و فریسیان از شورش مردم ترسیده و به عیسی گفتند: «اگر تو صلح تعلیم می‌دهی، چرا چنین غوغایی برپا می‌کنند؟» و عیسی پاسخ داد: «اگر این‌ها ساکت بودند، سنگ‌ها فریاد می‌زدند.» این لحظه‌ها، جشن آن روح‌های تشنه عدالت و تحقق پیشگویی‌ها بود.
۹۷. با این شور و سرور، قوم یهود نیز آزادی خود را از مصر جشن گرفتند. عیسی خواست تا آن بزرگداشت عید فصح را برای قومش فراموش‌نشدنی کند. اما بیش از آن، خود را به عنوان بره قربانی معرفی کرد که راه رستگاری همه فرزندانش است.
«««شام آخر»»»
۹۸. در شام فصح با شاگردان، عیسی شراب و نان را به آنها داد و گفت: «این‌ها نماد خون و بدن من هستند؛ این را به یاد من انجام دهید.»
۹۹. پس از مرگ عیسی، شاگردان این سنت را با خوردن نان و نوشیدن شراب ادامه دادند، به عنوان گرامیداشتی برای قربانی خداوند که همه چیز را از روی عشق به بشریت بخشید.

۱۰۰. در طول قرن‌ها، تفسیرهای مختلفی از کلام من توسط مردمانی با فرقه‌ها و دیدگاه‌های متفاوت ارائه شده است.

۱۰۱. در آن شام آخر، ایامی که هر کلمه و عمل من حامل درس‌های حکمت و عشق بی‌پایان بود، نان و شراب را به شما دادم تا نشان دهم آنها همچون عشقی هستند که روح را تغذیه و زندگی می‌بخشند. وقتی گفتم «این را به یاد من انجام دهید»، منظورم این بود که شما باید همسایگان خود را با عشقی همانند عشق من دوست داشته باشید و خود را به عنوان منبع زندگی واقعی به دیگران هدیه کنید.
۱۰۲. هر آیینی که بر پایه این آموزه‌ها انجام می‌دهید، اگر در زندگی خود آنها را عملی نکنید، بی‌ثمر خواهد بود. این بخش دشوار راه است، اما ارزشمند و شایسته تلاش است.
۱۰۳. همانطور که اکنون در کنار من هستید، آن شب آخر در «بار دوم» نیز چنین بود. غم و اندوه سنگینی فضای اتاق را پر کرده بود؛ شاگردان هنوز نمی‌دانستند چه سرنوشتی انتظار استاد و پدر محبوبشان را دارد. پطرس گریست، یوحنا اشک ریخت، متی و بارتولما محو سخنان شدند، و دیگران غم خود را نمایان یا پنهان کردند. یهودا در قلبش درد، ترس و پشیمانی داشت اما نمی‌توانست بازگردد، زیرا در تاریکی گرفتار شده بود.
۱۰۴. هنگامی که آخرین کلام و نصایح من پایان یافت، شاگردان در اشک غرق شدند، ولی یکی از آنها در آنجا نبود؛ روحش تاب تحمل این همه نور و عشق را نداشت و از میان آنها رفت، زیرا آن کلام قلبش را سوزاند.
۱۰۵. آرزوی الهی من این بود که شاگردانم بذر تعالیم رهایی‌بخش مرا در جهان بکارند.
۱۰۶. در اوج آخرین گفت‌وگویم با شاگردانم، به صورت عاشقانه و محبتی فرمان دادم: «یکدیگر را دوست داشته باشید.»
۱۰۷. با نور این فرمان والای عشق بود که من بزرگ‌ترین امید بشر را در دل‌ها روشن کردم.

فصل۱۲-رنج ها ،مرگ و رستاخیز

««««مبارزات و رنج های مادام العمر عیسی»»»»

۱. زندگی من میان مردم گذشت و زندگی‌ام به الگویی تبدیل شد؛ الگویی از رنج‌ها، وسوسه‌ها، فقر، کار سخت، آزار و تنهایی. طرد شدن، ناسپاسی، خیانت، گرسنگی و تشنگی را تجربه کردم. اجازه دادم بار گناه انسان‌ها بر دوشم بیفتد و بدنم مورد بررسی قرار گیرد؛ حتی محل زخم‌های عمیق بدنم نمایان بود. با وجود اینکه خدا هستم، تبدیل به پادشاهی مسخره شدم که صلیب شرمساری را باید همراه می‌کشید و از تپه‌ای بالا می‌رفت که دزدان جان باختند. این پایان زندگی انسانی من بود، مدرکی که نشان می‌دهد من نه فقط خدای کلام بلکه خدای عمل هستم.

۲. در نزدیکی پایان شام آخر، به سوی باغ زیتون رفتم، جایی که سابقاً دعا می‌کردم. گفتم: «خداوندا، اگر می‌شود، این جام را از من بگیر؛ ولی نه خواست من، بلکه خواست تو اجرا شود.» سپس یهودا، شاگردی که قرار بود خیانت کند، با گروهی که مرا دستگیر کردند آمدند.

وقتی پرسیدند: «عیسی ناصری کیست؟» یهودا با بوسه‌ای مرا معرفی کرد. مردان با دیدن آرامش من که در این شرایط سخت بود شگفت‌زده شدند و دوباره پرسیدند: «عیسی کیست؟» من به سوی آنها آمدم و گفتم: «من هستم.» این آغاز درد و رنج من بود.

۳. آنها مرا به نزد کاهن، قاضی و دیگر مقامات بردند. بازجویی کردند، مرا محکوم کردند به نقض شریعت موسی و ادعای قیام علیه امپراتور روم.

««««خیانت یهودا»»»»

۴. آیا یادتان نیست چندین بار عشق خود را به همه نشان دادم؛ حتی به کسانی که به من خیانت کردند و مرا آزار و قضاوت کردند؟ ممکن است بپرسید چرا همه آن تمسخرها را پذیرفتم. پاسخ من این است که لازم بود به آنها آزادی کامل فکر و عمل داده شود تا فرصت آشکار کردن خداوند فراهم شود؛ تا همه رحمت و محبت بی‌پایان من را تجربه کنند.

۵. من قلب یهودا را به خیانت مجبور نکردم؛ او ابزاری در دست تفکری تاریک بود که قلبش با تاریکی پر شده بود. اما با وجود خیانتش، بخشش و رحمت خود را نسبت به او نشان دادم.

۶. لازم نبود که یکی از شاگردانم به من خیانت کند تا فروتنی ام را به شما نشان دهم. در هر شرایطی که مردم به من پیشنهاد می‌دادند، آن فروتنی را نشان دادم. وظیفه آن شاگرد این بود که وسیله‌ای باشد تا فروتنی الهی من در جهان آشکار شود. اگر فکر می‌کنید که ضعف آن مرد باعث مرگ من شد، اشتباه می‌کنید؛ زیرا من آمده بودم تا خود را کامل به شما تقدیم کنم و اگر این‌گونه نبود، این رویداد در زمانی دیگر رخ می‌داد. بنابراین، نمی‌توانید کسی را که برادر شماست برای لحظه‌ای که عشق و وفاداری را در تاریکی از دست داد، نفرین یا قضاوت کنید. اگر او را به خاطر مرگ من سرزنش می‌کنید، چرا او را برکت نمی‌دهید، در حالی‌که خون من برای نجات همه انسان‌ها ریخته شده است؟ بهتر است دعا کنید که هیچ‌کس در وسوسه نیفتد، زیرا ریاکاری کاتبان و فریسیان همچنان ادامه دارد.

«««اشتیاق عیسی»»»

۷. وقتی کاهن اعظم قیافا از من پرسید: «آیا تو مسیح، پسر خدا هستی؟»، من پاسخ دادم: «تو چنین گفتی.»

۸. کسانی که چند روز پیش مرا ستایش می‌کردند، اکنون فراموش کرده و به کسانی پیوستند که مرا دشنام می‌دادند. اما این فداکاری عظیم باید انجام می‌شد تا هرگز از خاطره بشر پاک نشود.

۹. جهان و تو، بخشی از آن، مرا مورد کفر، تمسخر و تحقیر قرار دادید. با این حال، من با صبر جامی را که به من داده بودی نوشیدم و قدم به قدم سرنوشت عشقم را در میان بشر تحقق بخشیدم و خود را کاملاً به فرزندانم سپردم.

۱۰. خوشا به حال کسانی که به خدا ایمان داشته‌اند، حتی اگر او را غرق در خون و در حال جان کندن می‌دیدند.

۱۱. اما چیزی حتی سخت‌تر در انتظار من بود: میخکوب شدن روی درختی بین دو دزد. این نیز نوشته شده بود و باید تحقق می‌یافت تا من به عنوان مسیح واقعی شناخته شوم.

۱۲. در «بار دوم» نیز مثال زدم: عیسی بر صلیب آویخته شد، نجات‌دهنده‌ای که با مرگ دست و پنجه نرم می‌کرد، در برابر جمعیتی که دوستشان داشت. در میان آنها رهبر کلیسا، مالیاتچی، فریسی، ثروتمند و فقیر، فاسد و ساده‌لوح بودند. برخی پی بردند که چه کسی مرده است، کسانی که برکات او را دیده بودند؛اما ناخواسته، او پادشاه قوم و پادشاه جهان و کیهان بود. وقتی آخرین نگاه‌های خود را به جمعیت انداخت، با عشق و ترحم از پدر خواست: «پدر من، آنها را ببخش؛ زیرا نمی‌دانند چه می‌کنند.»

۱۳. نگاهی که عیسی به آن جمعیت داشت، هم کسانی را که برای او گریه می‌کردند در بر می‌گرفت و هم کسانی که از رنج او لذت می‌بردند، زیرا عشق او که همان عشق پدر بود، برای همه به طور مساوی بود.

۱۴. وقتی روزی رسید که جمعیت به تحریک کسانی که از حضور عیسی ناراحت بودند، او را زدند و تازیانه زدند و دیدند که مثل یک انسان معمولی خون می‌ریزد و با مرگ دست و پنجه نرم می‌کند و می‌میرد، فریسیان و رهبران دینی با رضایت فریاد زدند که عیسی خود را پسر خدا و مسیح می‌خواند؛ ادعایی که آن‌ها را خشمگین کرده بود.

۱۵. به همین دلیل بود که عیسی به پدر دعا کرد تا آن‌ها را ببخشد؛ کسانی که با وجود دانش شریعت، او را انکار کردند و به جمعیت به عنوان یک فریبکار معرفی کردند. آن‌ها که ادعای معلمی شریعت داشتند، نمی‌دانستند وقتی عیسی محکوم شد چه می‌کنند، در حالی که بسیاری از مردم ساده‌دل و فروتن با قلبی پاره از غم، شهادت این بی‌عدالتی را می‌دادند و از مرگ فداکارانه‌ی آن عادل اشک می‌ریختند.

۱۶. عیسی که بر صلیب شکنجه می‌شد، چشم خود را به سوی آسمان دوخت و گفت: «پدر، آنها را ببخشید، چون نمی‌دانند چه می‌کنند.»

۱۷. در این بخشش الهی، عیسی همه انسان‌ها در همه زمان‌ها را در بر گرفت، زیرا می‌توانست گذشته، حال و آینده‌ی بشریت را ببیند و اکنون به ما می‌گوید که ما نیز در آن لحظه مبارک دیده شده‌ایم، زمانی که کلام نوین او را می‌شنویم.

۱۸. هنگام نگاه آخر بر صلیب، مریم را دید و به یوحنا گفت: «ای زن، این پسر توست» و به یوحنا گفت: «ای پسر، این مادر توست.» این لحظه‌ای از پیوند خانواده و محبت بود، حاکی از مسئولیت مراقبت از یکدیگر پس از رفتن او.

۱۹. تنها یوحنا بود که در آن لحظه معنی واقعی جمله «تشنه‌ام» را درک کرد، زیرا جمعیت آن‌قدر کور بودند که فکر می‌کردند این تشنگی مربوط به جسم است و به من صفرا و سرکه تعارف کردند، در حالی که در واقع تشنگی عشق بود که روح من احساس می‌کرد.

۲۰. آن دو مجرم نیز کنار من در حال مواجهه با مرگ بودند؛ اما یکی کفر گفت و به تباهی رفت، دیگری ایمان را پذیرفت و به خداوندی من ایمان آورد، حتی وقتی مرا به تیرک شرم‌آور میخکوب شده دید. او به من گفت: «وقتی وارد پادشاهی آسمان شدی، مرا به یاد آور» و من با ایمان او پاسخ دادم: «به راستی به تو می‌گویم، همین امروز با من در بهشت خواهی بود.»

۲۱. هیچ‌کس از طوفان‌های درون قلب من در آن ساعت آگاه نیست؛ نیروهای طبیعت تنها بازتابی ضعیف از آنچه در تنهایی من رخ می‌داد بودند. درد روح الهی چنان عظیم و حقیقی بود که جسم برای لحظه‌ای ضعف احساس کرد و فریاد زد: «خدای من، خدای من، چرا مرا رها کردی؟»

۲۲. من به مردم تنها زندگی کردن را نیاموخته‌ام، بلکه مردن را نیز آموختم. کسانی که مرا دشنام و شکنجه کردند، بخشیدم و وقتی به پدر دعا کردم گفتم: «آنها را ببخش، زیرا نمی‌دانند چه می‌کنند.»

۲۳. وقتی روح من از این دنیا رفت، گفتم: «پدر، روح خود را به دستان تو می‌سپارم.» این کامل‌ترین تعلیم بود؛ من هم به عنوان خدا و هم به عنوان انسان سخن گفته بودم.

۲۴. تنها یک لحظه طول کشید تا دیماس رستگار شود؛ آن آخرین لحظه زندگی‌اش بود. او از روی صلیب با من سخن گفت، با وجود دیدن عذاب من، حس کرد که من مسیح و ناجی هستم. با تمام توبه و فروتنی خود، خود را به من تسلیم کرد و همان روز به او وعده بهشت دادم.

۲۵. به شما می‌گویم که هر کس ناخواسته گناه می‌کند، اما در پایان زندگی‌اش با قلبی پر از فروتنی و ایمان با من سخن می‌گوید، اجازه خواهم داد تا عشق مهربانانه‌ام را تجربه کند؛ عشقی که آنها را از دردهای زمین به سوی سعادت و زندگی والا هدایت می‌کند.

۲۶. بله، دیماس عزیز، تو در بهشت در نور و آرامش معنوی با من بودی، جایی که روح تو را به عنوان پاداش ایمانات همراهی کردم. چه کسی می‌توانست باور کند که روح نوری در دل دزدی که در حال عذاب و مرگ بود، پنهان شده باشد، آن دزدی که در دست راست من می‌سوخت؟

۲۷. زمان گذشت و وقتی آرامش خاطر بازگشت، بسیاری از کسانی که مرا رد کرده و مسخره کرده بودند، به سوی نور حقیقت من آمدند؛ از این رو توبه‌شان عمیق و عشقشان به پیروی از من پایدار و بی‌پایان بود.
۲۸. وقتی بدن من که در عصر دوم به‌عنوان ظرف من عمل می‌کرد، در عذاب مرگ فرو رفت و آخرین سخنانم را از روی صلیب گفتم، یکی از جملات پایانی‌ام که خیلی‌ها در آن زمان و سال‌ها پس از آن درک نکردند، این بود: "خدای من، خدای من، چرا مرا رها کردی؟"
۲۹. به خاطر این جمله، بسیاری دچار شک و تردید شدند و گمان کردند این لحظه‌ای از ضعف و سستی است. اما نباید فراموش کرد که این جمله پایان سخنان من نبود و پس از آن جملات دیگری گفتم که قدرت و شفافیت کامل داشتند.
۳۰. اکنون که بازگشتم تا بر اشتباهات شما روشنایی بتابانم و اسراری را که پنهان بود آگاه کنم، می‌گویم: عذاب طولانی و خونین مرگ بر صلیب این بدن شکنجه‌شده را پشت سر گذاشت. بدن عیسی بسیار حساس‌تر از هر انسان دیگر بود و رنج‌های طولانی را تحمل کرد، تا وقتی که مأموریتش روی زمین پایان یافت و آخرین کلمات و تعالیمش را ادا کرد. وقتی جسمی پاره شده و شکنجه‌دیده جدایی از روح را احساس کرد، با اندوه از خداوند پرسید: «پدر، پدر، چرا مرا رها کردی؟»
۳۱. آیا می‌توانید این ناله را به آن مسیحی نسبت دهید که از ازل با پدر یکی است؟ اکنون می‌دانید که این فریاد از جسم عیسی بود که درگیر تاریکی و محدودیتهای انسانی شده بود. اما هنگام نوازش و تسلی خداوند بر آن جسم شهید، عیسی ادامه داد و گفت: «پدر، روح خود را به دستان تو می‌سپارم» و «تمام شد.»
۳۲. وقتی عیسی بر صلیب بود، هیچ روحی نبود که تحت تاثیر صدای عشق و عدالت او قرار نگیرد؛ او حقیقتی برهنه و خالص بود که در کلامش نمایان ساخت. کسانی که زندگی عیسی را بررسی کرده‌اند، می‌دانند که هیچ انسانی قبل یا بعد از او کاری برابر با او انجام نداده است.
۳۳. من با ملایمت آمدم تا خود را قربانی کنم، زیرا می‌دانستم خونم شما را دگرگون و نجات خواهد داد. تا آخرین لحظه، با عشق سخن گفتم و شما را بخشیدم، چون آمده‌ام تا تعالیم والایی را به شما بدهم و با نمونه‌های کامل، راه ابدیت را به شما نشان دهم.

۳۴. بشریت با سوءاستفاده از ضعف جسم من، تلاش کرد مرا از هدفم منصرف سازد؛ اما من تسلیم نشدم. آن‌ها می‌خواستند مرا به کفرگویی و انکار وادار کنند، اما من کفر نگفتم. هرچه جمعیت بیشتر به من توهین می‌کرد، من نسبت به آن‌ها دلسوزی و عشق بیشتری احساس می‌کردم؛ و هر زخمی که بر بدنم وارد می‌شد، خون بیشتری جاری می‌شد تا جان‌های کسانی که برای ایمانشان جان دادند را زنده کند.
۳۵. آن خون نشانه عشقی است که با آن مسیر روح بشریت را ترسیم کرده‌ام. کلام ایمان و امید را برای کسانی که تشنه عدالت هستند، و گنجینه الهام را برای فقراء معنوی به یادگار گذاشته‌ام.
۳۶. پس از آن زمان بود که بشریت به درستی فهمید که من کیستم. کار من به عنوان عملی کامل و الهی شناخته شد؛ کاری فراتر از توان انسانی که اشک‌های توبه و عذاب وجدان‌های عمیق به دنبال داشت.
۳۷. وقتی من، که راه، حقیقت و حیات هستم، رسالتم را با آن دعای هفت کلمه‌ای به پایان رساندم و گفتم: «روح خود را به دستان تو می‌سپارم»، از شما شاگردان و مریدانم می‌خواهم آیا می‌توانید زندگی خود را بدون تسلیم به خداوند به عنوان نشانه‌ای از اطاعت و فروتنی ادامه دهید؟ و آیا می‌توانید چشمانتان را به دنیا ببندید بدون آنکه از خداوند درخواست پشتیبانی کنید، چرا که باید آن‌ها را در مکان‌های دیگر بگشایید؟
۳۸. تمام زندگی من قربانی عشق به پدر بود. ساعت‌های عذاب بر صلیب، زمانه‌ای برای دعا، شفاعت و بخشش بود.
۳۹. این همان راهی است که من به بشریت نشان دادم؛ در جای پای من قدم بگذارید و من قول می‌دهم که به آغوش خود، منبع همه سعادت‌ها، راهنمایی‌تان کنم.
۴۰. من، مسیح، از طریق انسانیت عیسی، جلال، حکمت و قدرت پدر را آشکار کردم. این قدرت به صورت نیروی عشق به کار گرفته شد تا معجزاتی برای کسانی انجام دهم که به ایمان در روح، نور در ذهن و آرامش در قلب نیاز داشتند. این قدرت بر رنج دیدگان ریخته شد تا بتوانم خود را به طور کامل به آن‌ها بسپارم، حتی تا زمانی که بدن خودم در ساعت مرگ بدان نیاز داشت.

۴۱. من نمی‌خواستم از قدرتی که داشتم برای فرار از درد طاقت‌فرسای جسم خود استفاده کنم؛ زیرا وقتی انسان شدم، نیت من این بود که به خاطر شما رنج بکشم و به شما اثباتی ملموس از عشق و شفقت بی‌کرانم نسبت به کودکان، رنج‌دیدگان و گناهکاران بدهم؛ هم در بعد الهی و هم انسانی.
۴۲. تمامی قدرتی که به دیگران نشان دادم—از شفا دادن جذامی‌ها، بازگرداندن بینایی به نابینایان، به حرکت درآوردن مردان لنگ، تا تغییر دل گناهکاران و زنده کردن مردگان—و همچنین اقتداری که در حضور جمع نشان دادم تا حقیقت خود را اثبات کنم و تسلطم بر طبیعت و زندگی و مرگ را نمایان سازم، هرگز نخواستم برای رهایی خودم از درد استفاده کنم. به این ترتیب، اجازه دادم بدنم آن شور و اشتیاق را تجربه کند و درد را تاب آورد.
۴۳. هرچند قدرت من می‌توانست درد بدنم را از میان بردارد، اما اگر این کار را می‌کردم، شما چگونه می‌توانستید مرا شایسته و نمونه‌ای برای بشریت ببینید؟ در آن لحظات لازم بود که قدرت الهی را رها کنم و اجازه دهم درد جسم، غم و اندوه ناشی از ناسپاسی، تنهایی، عذاب مرگ و خود مرگ را به تجربه بنشینم.
۴۴. به همین دلیل، لبان من در ساعت مرگ فریاد کمک سر داد؛ چرا که درد واقعاً وجود داشت. اما این تنها درد جسمانی نبود، بلکه تجربه ای معنوی و جانکاه بود از خدایی که توسط فرزندان کور، ناسپاس و متکبرش که از آنها برایشان خون ریخته بود، شکنجه و تمسخر می‌شد.
۴۵. من توسط روح الهی که مرا به حرکت وا می‌داشت قوی بودم و می‌توانستم در برابر درد مقاوم باشم و در برابر حملات دشمنان شکست‌ناپذیر؛ اما لازم بود اشک بریزم، درد سقوطهای مکرر در برابر جمع را احساس کنم، قدرت جسمانی‌ام تحلیل برود و پس از ریختن آخرین قطره خون، جان بدهم.
۴۶. به این ترتیب مأموریت من روی زمین کامل شد؛ و وجود زمینی کسی که مردم چند روز پیش هنگام ورود به اورشلیم او را پادشاه خواندند، پایان یافت.
««««عمل رستگاری عیسی در زندگی پس از مرگ»»»»
۴۷. در دوران اولیه بشریت، رشد معنوی آنقدر محدود بود که درک درونی از زندگی پس از مرگ و سرنوشت نهایی روح وجود نداشت؛ آن‌گاه روح بعد از ترک بدن به خواب عمیقی فرو می‌رفت و به آرامی بیدار می‌شد. اما وقتی مسیح در عیسی تجلی یافت و آموزه‌هایش را برای همه روح‌ها آورد، به محض تکمیل مأموریتش میان بشریت، نور خود را به جمع کثیری از موجودات فرستاد که از ابتدا عالم منتظر ورود او بودند تا از سردرگمی رها شوند و به سوی خالق بروند.

۴۸. تنها مسیح می‌توانست آن تاریکی را روشن کند و تنها صدایش قادر بود ارواح خفته را به سوی رشد و تکاملشان بیدار سازد. هنگامی که مسیح به شکل انسانی درگذشت، روح الهی نور خود را به عالم‌های معنوی و به گورهایی که ارواحی با بدن‌هایشان در آنجا خوابیده بودند، فرستاد. آن شب، این موجودات در جهان معنوی سرگردان شدند و خود را در برابر چشمان انسان به عنوان شاهدانی برای نجات‌دهنده‌ی حیات همه موجودات و جاودانگی روح نمایان کردند.

۴۹. مردان و زنان، از جمله سالمندان و کودکان، نشانه‌ها و صداهایی از ماوراء دریافت کردند. در روزهای پیش از مصلوب شدن منجی، نور آسمانی به قلب انسان‌ها نفوذ کرد و موجودات معنوی به دل‌های آنان پیام دادند. هنگامی که استاد آخرین نفس انسانی خود را فرو داد و نور او به هر گوشه‌ای در جهان‌های مادی و معنوی رسید، آن موجودات که مدت‌ها منتظر بودند، ظاهر شدند: موجودات مادی گیج و بیمار که راه خود را گم کرده بودند، اسیر زنجیرهای پشیمانی و بارهای بی‌عدالتی، و ارواحی که خود را مرده می‌دانستند و به جسم خود بسته بودند.

۵۰. سپس همه از خواب عمیق بیدار شدند و زنده گشتند؛ پیش از ترک زمین، به عزیزان خود گواهی از رستاخیز و استمرار حیات دادند. این روز، جهان شاهد تجربه‌ی تجلی و درد و سوگواری بود.

۵۱. دل مردم لرزید و کودکان با دیدن کسانی که سال‌ها مرده بودند و آن روز برای لحظه‌ای بازگشته بودند تا شهادت دهند به آن استاد که عشق خود را بر زمین کاشته و مزارع معنوی را پرورش داده بود، گریستند.

۵۲. پس از ترک بدنم، روحم به دنیای موجودات روحانی وارد شد تا با کلام حق با آن‌ها سخن گوید. همانگونه که با شما سخن گفتم، با آن‌ها نیز از عشق الهی و حقیقت زندگی صحبت کردم.

۵۳. به شما راست می‌گویم، روح عیسی حتی برای یک لحظه در قبر نبود؛ بلکه برای انجام کارهای نیک بسیاری در عرصه‌های دیگر زندگی مشغول بود. روح من، همچون روحی بی‌کران، پیشتر هم مکاشفات بسیاری را برای شما آشکار کرده بود.

۵۴. همچنین جهان‌هایی وجود دارند که موجودات معنوی‌شان نمی‌دانند چگونه عشق بورزند؛ آن‌ها در تاریکی زندگی می‌کنند و به شدت به دنبال نور و روشنایی هستند. امروزه می‌دانیم هر جا که بی‌عشقی و خودخواهی حکم‌فرما باشد، تاریکی غالب است و جنگ و احساسات منفی، موانعی هستند که دروازه راهی به سوی پادشاهی خدا را مسدود می‌کنند.
۵۵. اما عشق همان کلیدی است که دروازه‌ی پادشاهی نور و حقیقت را باز می‌کند.
۵۶. در این جهان، من خود را به شکل مادی آشکار ساخته‌ام؛ اما پس از مرگ، مستقیماً با موجودات معنوی عالی ارتباط برقرار کرده‌ام تا آن‌ها بتوانند پیام الهام من را به کسانی برسانند که قادر به دریافت مستقیم آن نیستند. این موجودات نورانی و والا، صدای شما در آن جهان هستند.
۵۷. چند روز پس از مصلوب شدنم، وقتی شاگردانم اطراف مریم جمع شده بودند، به آن‌ها اطمینان دادم که حضور من را حس کنند، که با تصویر معنوی کبوتر نمادپردازی شد. در آن لحظه مبارک، کسی جرأت حرکت یا حرف زدن نداشت؛ شور و شعف درونی بود و قلب‌ها با اطمینان می‌تپید، چرا که می‌دانستند استادی که به ظاهر رفته بود، در روح همیشه با آن‌ها است.
۵۸. چرا باید فکر کنید آمدن من به شکل روح بی‌معنی است؟ پس از مرگم به عنوان انسان هنوز با شاگردانم سخن می‌گفتم و خود را به عنوان موجودی معنوی بر آن‌ها ظاهر می‌کردم.
۵۹. بدون این تجلی‌ها که ایمان آن‌ها را مستحکم می‌کرد و شجاعت جدیدی برای مأموریتشان می‌آفرید، چه سرنوشتی داشتند؟
۶۰. فضای پس از رفتنم غم‌انگیز بود: اشک‌ها به طور مداوم جاری بود، هق‌هق‌ها قلب‌ها را می‌فشرد، دعاهای بسیار می‌کردند و ترس و پشیمانی آنان را در بر گرفته بود؛ آنان می‌دانستند که یکی آن‌ها مرا فروخته، دیگری منکر شده و تقریباً همه در لحظه مرگ تنهایم گذاشته بودند.
۶۱. چگونه می‌توانستند شاهد استاد بی‌نقصشان باشند؟ چگونه شجاعت و قدرت نزدیک شدن به مردمی با عقاید و رفتارهای متفاوت را پیدا کنند؟
۶۲. دقیقاً در این زمان بود که روح من در میانشان ظاهر شد، دردشان را تسکین داد، ایمانشان را شعله‌ور کرد و قلبشان را با نور آموزه‌های من روشن ساخت.
۶۳. روح من به شکل انسانی درآمد تا برای شاگردان قابل دیدن و محسوس باشد؛ هرچند حضورم همچنان معنوی بود، و این ظهور چه تأثیر عمیقی بر رسولانم گذاشت.

۶۴. فداکاری من کامل شد؛ با این وجود، آگاه بودم که دل‌های آن‌ها بیش از هر زمان دیگری به من نیاز دارند، زیرا طوفانی از شک، رنج، سردرگمی و ترس در درونشان برپا شده بود. فوراً به سویشان آمدم تا نشانه‌ای روشن‌تر از رحمت بی‌پایان خود ارائه دهم. با عشقی عمیق و شفقت نسبت به فرزندان کلامم، شکل انسانی‌ای که در دنیا داشتم را به خود گرفتم، خود را مرئی و شنوا ساختم و با سخنانم ایمان را در روح‌های خسته و فروخورده دوباره زنده کردم. این یک درس و راه جدید برای برقراری ارتباط با کسانی بود که در زمین همراه من بودند؛ و آنها با ایمان و درک حقیقت من، حس تقویت، الهام و تغییر را تجربه کردند.

۶۵. با وجود شواهد فراوانی که همگان شاهد آن بودند، شخصی بود که سرسختانه اظهارات و مدارکی که من به صورت معنوی به شاگردانم داده بودم را انکار می‌کرد. در نتیجه لازم بود به او اجازه دهم آن حضور معنوی مرا حتی با حواس فیزیکی‌اش نیز تجربه کند تا ایمان به دست آورد.

۶۶. شک و تردید نه فقط در میان شاگردان نزدیک من، بلکه در میان انبوه پیروان در شهرها، شهرستان‌ها و روستاها نیز بروز کرد؛ کسانی که قدرت من را می‌دیدند و به خاطر آن از من پیروی می‌کردند. سردرگمی، سوالات مضطرب و ناامیدی بر آن‌ها سایه افکند؛ آن‌ها نمی‌توانستند دلیل پایان چنین ماجرا و وقایعی را بفهمند.

۶۷. من به همه دلسوزی می‌کردم و همان‌گونه که برای نزدیک‌ترین شاگردانم انجام دادم، به آن‌ها ثابت کردم که هرگز از آن‌ها دور نشده‌ام، حتی اگر دیگر به صورت فیزیکی در زمین حضور نداشتم تا کمک کنم. در هر خانه، هر خانواده و هر ملت، با دستیابی به طرقی مختلف برای ملموس کردن حضور معنوی‌ام، خود را به قلب‌هایی که به من ایمان داشتند آشکار ساختم. سپس مبارزه آن قوم مسیحی آغاز شد، که باید استاد خود را در زمین از دست می‌دادند تا برخیزند و حقیقتی را که او برایشان افشا کرده بود اعلام کنند. همه شما از کارهای عظیم آن‌ها آگاه هستید.

۶۸. هنگامی که بار دوم، در میان ابرها، خود را به شاگردانم نمایان کردم، غم و اندوه فراوانی آن‌ها را فرا گرفت زیرا احساس رهاشدگی می‌کردند؛ با این حال، پس از آن صدای فرشته پیام‌آور خداوند را شنیدند که به آن‌ها گفت: «ای مردان جلیل، به دنبال چه می‌گردید؟ این عیسی که امروز مشاهده کردید در حال صعود به آسمان است، به همان شکل بازخواهد گشت.»

۶۹. سپس آن‌ها فهمیدند که اگر استاد بازگردد، این بازگشت به شکل روحانی خواهد بود.

فصل۱۳-رسالت و اهمیت عیسی و حواریونش
««اصلاح تصویر قدیمی از خدا وسنت های غلط»»

۱. عیسی مسیح نمونه‌ای از عشق و حکمت الهی بود که خداوند برای نشان دادن خود به بشر فرستاد. مردم یهوه را خشمگین می‌دانستند، اما عیسی رحمت و رهایی از گناه را آورد.
۲. عیسی زندگی را با فداکاری و رحمت قضاوت کرد و به جای مجازات، خون خود را نثار کرد تا عشق واقعی را به انسان بیاموزد. این پیام منشأ کلیساها شد اما هنوز به طور کامل درک نشده است.
۳-بشریت معتقد است که عشق خدا به فرزندانش بی‌حد و مرز است، زیرا او به خاطر عشق به انسان‌ها در عیسی جان داد. رنج عیسی در برابر داوران و جلادان بر دل‌ها تأثیر گذاشت و تدریجاً مردم خداوند را در پسرش شناختند. اما معنای کامل و دامنه آنچه خداوند می‌خواست از طریق این وحی – که از تولد معجزه‌آسای یک باکره آغاز شد و در آسمان‌های بتانی پایان یافت – به بشریت بگوید، هنوز به درستی تفسیر نشده است.
۴-من مجبور شدم بر همان «ابری» که در آن کلمه به پدر صعود کرد، بازگردم تا توضیح و معنای کامل آنچه از طریق تولد، زندگی، اعمال و مرگ عیسی برای شما آشکار شده بود را ارائه دهم.
۵-«روح حقیقت»، که آن زمان توسط مسیح وعده داده شده بود، تجلی الهی است که برای روشن‌کردن تاریکی‌ها و توضیح اسراری که عقل یا دل انسان قادر به درک آن‌ها نبود، آمد.
۶- در «عصر دوم»، من حقیقت خود را به شکل انسانی با سرمشق خود موعظه کردم. با فداکردن خود به خاطر آموزه کامل عشق، قربانی بی‌فایده‌ی موجودات بی‌گناه و ناآگاه را لغو کردم. شما مرا «بره خدا» نامیدید زیرا مردمان آن زمان مرا در تعطیلات سنتی خود قربانی کردند.
۷-خون من ریخته شد تا راه رستگاری را به بشر نشان دهد. عشق الهی من از صلیب بر بشریت آن زمان و همه زمان‌ها جاری شد تا انسان‌ها از آن سرمشق، کلمات و زندگی کامل الهام بگیرند و رستگاری، تطهیر گناهان و تعالی روح را بیابند.

«««الگوی عیسی»»»
۸. عیسی باید اصول زندگی را که از آن‌ها دور شده‌اید به شما نشان می‌داد.

۹. من با مهربانی، عشق، حکمت و رحمت کامل خود، رنج‌ها را تحمل کردم تا قلب‌ها و ذهن‌ها بیدار شوند. رنج من یادآور این است که همه باید به خاطر عشق رنج بکشند تا به خداوند برسند. وعده من به کسی که صلیب خود را بردارد آرامش ابدی است.

۱۰. مسیح الگوی شماست؛ من انسان شدم تا این الگو باشم. وحی او عشق بی‌کران، حکمت و رحمت نامحدود خداوند است.

۱۱. شما باید مرا به عنوان الگو بپذیرید و همان کارها را انجام دهید؛ آموزه‌ها فراتر از درک بشر نیستند.
۱۲. اگر آموزه‌های من را عمل کنید، به کمال زندگی که وعده داده‌ام خواهید رسید.

«««معنای تعالیم عیسی»»»

۱۳. آموزه‌های عیسی بهترین و جامع‌ترین راهنمای بشریت است و در هیچ قوم یا نسل دیگری یافت نمی‌شود. پیامبران دیگر پیام‌آور بودند، اما مسیح به عنوان خداوند آمد و بزرگ‌ترین آموزه‌های قلب انسان را آورد.

«««انتصاب،کارآموزی و امتحانات شاگردان عیسی»»»

۱۴. سال‌های موعظه من، شاگردانم را آماده کرد تا همه کارهای من را ببینند و به عمق وجودم پی ببرند.

۱۵. رفتار من فروتنانه بود، اما شاگردان حاضر عظمت حضور من را حس کردند.
۱۶. شاگردانم را یکی یکی انتخاب کردم، آن‌ها از من پیروی کردند چون فهمیدند که کیستم.

۱۷. در زمان موعظه، هرگز نگفتم شاگردانم کاملند یا باید مطلقاً به آنها گوش داد؛ آنها هنوز در حال یادگیری و اصلاح بودند و با عشق الهی به مرور کمال یافتند.

۱۸. شاگردانم را آزمایش کردم؛ مثلاً پطرس، با وجود تردید، بعدها با ایمان قوی موعظه و شهادت داد.

۱۹. توما را به دلیل شک‌هایش محکوم نکنید؛ یهودای اسخریوطی را نیز تحقیر نکنید چون توبه‌اش بسیار بزرگ بود.

۲۰. شاگردان پس از توبه و اصلاح، خود را وقف مأموریت کردند و به رسولانی واقعی تبدیل شدند که برای همیشه الگو ماندند.

««««یوحنای پیامبر»»»»

۲۱. پس از مرگ عیسی، شاگردان ناامید بودند و نمی‌فهمیدند؛ نیاز بود او را دوباره ببینند و بشنوند تا ایمانشان قوی شود.

۲۲. در میان شاگردان، یوحنا هیچ‌گاه دچار شک نشد و همیشه وفادار و پرشور بود.

۲۳. به خاطر عشقش، مریم به او سپرده شد تا در پای صلیب عشق را در دل او نگه دارد و نیرو گیرد.

۲۴. در حالی که دیگر شاگردان زیر ضربات مرگ رفتند و حقیقت موعظه‌شده را با خونشان مهر کردند، یحیی بر مرگ غلبه کرد و از شهادت فرار کرد.

۲۵. او به بیابان تبعید شد و در آنجا وحی بزرگی دریافت کرد که آینده بشریت را پیشگویی می‌کرد.

۲۶. پس از نشان دادن عشق زیاد به برادرانش و خدمت به آنها، مجبور شد تنها زندگی کند اما همیشه برای انسان‌ها دعا می‌کرد.

۲۷. دعا و خلوص روح او باعث شد در زمانی کوتاه به کمالی برسد که روح‌های دیگر سال‌ها برای آن تلاش می‌کنند.

۲۸. با وجود شهرت نام او و تکرار سخنانش توسط مردم، هنوز عشق حقیقی میان مردم دیده نمی‌شود.

۲۹. هر آنچه اکنون آموزش داده می‌شود و اتفاق می‌افتد، تحقق وحی‌ای است که از طریق یحیی در جزیره پاتموس دریافت شده است؛ او آلفا و امگا، مبدأ و هدف را دید.

۳۰. یحیی فرمان گرفت تا آنچه را می‌بیند و می‌شنود بنویسد و همین کار را کرد.

۳۱. یحیی شاگردانی داشت که با اشتیاق از زندگی و معجزات عیسی می‌پرسیدند و او با حکمت و عشق استادش را به آنان معرفی می‌کرد. حتی با پیر شدن، همواره به آنان می‌گفت: «یکدیگر را دوست داشته باشید».

۳۲. زمانی که پایان زندگی یحیی نزدیک بود، شاگردان خواستار دانش بیشتری از آموزه‌های او شدند اما تنها پاسخ یحیی این بود: «یکدیگر را دوست داشته باشید».

۳۳. کسانی که با شور و اشتیاق می‌پرسیدند، گمان می‌کردند گذر زمان سخنان مسیح را پاک کرده است.

۳۴. اما یحیی هیچ کلمه‌ای از سخنان او را فراموش نکرد و آموزه اصلی محبت به یکدیگر را بیان کرد.

۳۵. چگونه ممکن است آن شاگرد عزیز این تعالیم را فراموش کند؟

۳۶. پس از رفتن عیسی، مادر آسمانی با محبت، شاگردان را حمایت و تغذیه کرد تا راه را ادامه دهند. پس از درگذشت او، مبارزه شاگردان شروع شد.

««««حواریون پطروس وپولس»»»»

۳۷. پطرس در آزار شائول بود، اما عیسی به او اطمینان داد که تنها نیست و محافظت خواهد شد.

۳۸. شائول در مسیر، با نور الهی عیسی مواجه شد و قلبش دگرگون شد و به دنبال پطرس رفت تا ایمان آورد.

۳۹. شائول به پولس تبدیل شد که نماد دگرگونی کامل روحانی او و ایمانش بود.

۴۰. پولس حواری دوازده‌گانه نبود و ابتدا باور نداشت، بلکه علیه شاگردان بود، اما بعدها به مسیح ایمان آورد و به منجی ایمان آورد، اگرچه در ابتدا فروتن نبود و حضور خدا را احساس نمی‌کرد.

۴۱. شائول علیه نجات‌دهنده شورش و شاگردان او را آزار می‌داد، اما عیسی در عمیق‌ترین نقطه قلبش او را لمس کرد و او فوراً ایمان آورد زیرا روحش منتظر بود و صدای عیسی را شنید.

۴۲. اراده عیسی این بود که شائول تغییر کند و از زندگی او، کارهای شگفت‌انگیزی پدید آید که الهام‌بخش ایمان و درک باشند.

۴۳. زندگی پولس که وقف عشق به همسایه و آموزه‌های الهی شد، نمونه بارزی از تحول روحانی است که شایسته شرح و تفصیل است.

۴۴. پولس یکی از بزرگ‌ترین رسولان بود که از مادی‌گرایی و خشونت به معنویت و لطافت رسید و پیام الهی را در سراسر مناطق مختلف به مردم رساند.

۴۵. این داستان تغییر دین و اثبات این است که حتی کسانی که هنوز مسیح را نشنیده‌اند، می‌توانند رسولان بزرگ او شوند.

«««الگو بودن رسولان»»»

۴۶. در «عصر دوم» که شاگردان بدون حضور استاد راه می‌رفتند، آنها هرچند ضعف داشتند، اما سرشار از عشق و ایمان شدند و در برابر آزار و تمسخر ایستادگی کردند.

۴۷. آنها توانایی انجام معجزات داشتند و قلب‌ها را به حقیقت تبدیل می‌کردند.

۴۸. خوشا به حال کسانی که کلام عیسی را از حواریون شنیدند، زیرا تعلیمات خالص و واقعی به آنها رسیده و حضور خداوند را در روح احساس کردند.

۴۹. ماهیگیران فروتن از جلیل نمونه‌ای شایسته‌اند؛ آنها با عشق تبدیل به ماهیگیران روحانی شدند و ملت‌ها را به سوی صلح معنوی و تغییر هدایت کردند و همه، از پادشاهان تا گدایان، آرامش واقعی را در آن دوران مسیحیت تجربه کردند.

۵۰. آن دوران معنوی میان بشریت پایدار نبود؛ اما من که همه چیز را می‌دانم، بازگشت خود را به شما وعده دادم، چون می‌دانستم دوباره به من نیاز خواهید داشت.

«««گسترش مسیحیت»»»

۵۱. آموزه‌های من، از زبان و اعمال شاگردانم، شمشیری از عشق و نور بود که علیه جهل، بت‌پرستی و مادی‌گرایی می‌جنگید؛ صدای خشم کسانی که از زوال سنت‌هایشان بیم داشتند، همراه با سرود شادی عده‌ای که در مسیر نور ایمان می‌جستند، بلند شد.

۵۲. کسانی که حیات روحانی را انکار می‌کردند، از مکاشفات پادشاهی آسمان خشمگین شدند؛ اما کسانی که آن را احساس می‌کردند و به عدالت و رستگاری امیدوار بودند، از خدا برای فرستادن پسر یگانه‌اش سپاسگزاری کردند.

۵۳. مردمی که در دل عشق و اخلاص به خدا را داشتند، راهشان روشن و ذهنشان باز شد؛ آموزه‌های مسیح که نان روحانی بود، خلأ درونشان را پر کرد و آرزوهای روحشان را برآورده ساخت.

۵۴. عصری نو آغاز شد و راهی روشن‌تر به سوی ابدیت گشوده شد.

۵۵. احساسات زیبایی از تعالی معنوی، عشق و لطافت در کسانی که ایمان آوردند، زنده شد؛ قلب‌های شجاع که یاد گرفتند چگونه بدون ناامیدی بر رنج‌ها غلبه کنند.

۵۶. آیا به خاطر تازگی خون استاد بود؟ نه، جوهر معنوی خون، تجسم عشق الهی، همیشه زنده و فعال است.

۵۷. زیرا در دل‌ها عشق به حقیقت وجود داشت، کسانی که جان و حتی خون خود را برای آن دادند تا نشان دهند درس استاد را آموخته‌اند.

۵۸. آن خون سخاوتمندانه بر موانع و سختی‌ها پیروز شد.

۵۹. چه تضاد بزرگی بین معنویت شاگردان کلام من و بت‌پرستی، مادی‌گرایی، خودخواهی و جهل متعصبان سنت‌های قدیمی یا بت‌پرستانی که فقط برای لذت بردن از لذت‌های جسمانی زندگی می‌کردند، آشکار شد!

۶۰. مسیر زندگی را با اعمال نیک و نمونه بکارید؛ آموزه‌های مرا فاسد نکنید. به عنوان نمونه، رسولان من در "عصر دوم" را در نظر بگیرید که هرگز برای آموزش و توضیح آموزه‌های من به فرقه‌های سطحی متوسل نشدند. آنها را نمی‌توان به خاطر بت‌پرستی که بشریت متعاقباً در آن گرفتار شد، سرزنش کرد. دستان آنها هرگز محراب برپا نکرد و کاخ‌هایی برای عبادت معنوی نساخت. اما آنها آموزه‌های مسیح را برای بشریت به ارمغان آوردند، برای بیماران سلامتی، برای فقرا و رنج‌دیدگان امید و تسلی آوردند و مانند استادشان، راه نجات را به گم‌شدگان نشان دادند.

۶۱. دین مسیحی که امروز می‌شناسید حتی بازتاب آموزه‌هایی نیست که رسولان من به کار می‌بردند و آموزش می‌دادند!

۶۲. دوباره به شما می‌گویم که در آن شاگردان می‌توانید نمونه‌های کاملی از فروتنی، عشق، رحمت و تعالی بیابید. آنها حقیقتی را که دهانشان می‌گفت با خون خود مهر و موم کردند.

۶۳. بشریت دیگر از شما خون نمی‌خواهد تا به شهادت شما اعتبار ببخشد؛ بلکه از شما صداقت می‌خواهد.

فصل۱۴-مسیحیت،کلیساها و فرقه ها

«««توسعه مسیحیت»»»

۱. پس از رفتن من در «عصر دوم»، حواریونم کار مرا ادامه دادند و کسانی که از آنها پیروی کردند نیز این راه را پی گرفتند. آنها کارگران و کشاورزان مزرعه‌ای بودند که خداوند با خون، اشک‌ها و کلام خود آماده کرده بود. این مزرعه توسط دوازده شاگرد اول و پیروانشان پایه‌گذاری شده بود، اما با گذشت زمان و نسل‌ها، مردم کار و آموزه‌هایم را مبهم و تحریف کردند.

۲. چه کسی به بشر اجازه داد تصویری از من بسازد؟ چه کسی به آنها گفت من را آویزان بر صلیب نشان دهند؟ چه کسی اجازه داد تصویر مریم، فرشتگان یا چهره پدر را خلق کنند؟ افسوس بر شما ای کسانی که ایمان ضعیف دارید و برای حس کردن حضورم، نیازمند نمایان شدن در قالب مادی بوده‌اید!

۳. تصویر پدر، من، عیسی بود؛ تصویر استادی که شاگردانش را هدایت می‌کرد. در «عصر دوم» گفتم: «هر که پسر را بشناسد، پدر را نیز می‌شناسد.» یعنی مسیح، که در من سخن می‌گفت، همان پدر است. تنها پدر می‌تواند تصویر واقعی خود را بیافریند.

۴. پس از مرگم به عنوان انسان، خود را به رسولان «زنده» نشان دادم تا بدانند من حیات و ابدیت هستم و در میانشان حضور دارم، چه در جسم و چه فراتر از آن. اما همه مردم این را درک نکردند و به همین دلیل به بت‌پرستی و تعصب گرفتار شدند.

۵. به زن سامری گفتم: «هر که از آن آبی که من می‌دهم بنوشد، دیگر هرگز تشنه نخواهد شد.» و امروز می‌گویم: اگر بشر از آن آب زندگانی می‌نوشید، چنین بدبختی بزرگی در او نبود.

۶. مردم به آموزه‌هایم وفادار نماندند و ترجیح دادند از نام من برای تأسیس کلیساها و آیین‌هایی بهره ببرند که مطابق منافع خودشان بود. من سنت‌ها را رد کردم و عشق را تعلیم دادم، اما امروز شما آیین‌ها و مراسم پوچی را به من می‌آورید که هیچ سودی برای روح ندارد. اگر معنویت نباشد، حقیقت نیز وجود ندارد و آنچه حقیقت ندارد به پدر نمی‌رسد.

۷. وقتی زن سامری احساس کرد نور چشمانم به عمق قلبش نفوذ کرده، گفت: «خداوندا، یهودیان می‌گویند که اورشلیم جایگاه پرستش توست.» به او گفتم: «زن، راست می‌گویم، زمانی می‌آید که پدر نه در این کوه و نه در اورشلیم مانند الان پرستش می‌شود؛ بلکه در روح و حقیقت پرستش خواهد شد، زیرا خدا روح است.»

۸. این تعلیم همیشگی من است. حقیقت روبروی شماست اما نمی‌بینیدش. اگر حقیقت را نمی‌دانید، چگونه می‌خواهید آن را زندگی کنید؟

«««روحانیت»»»

۹. اگر عشق بورزید، نیازی به آیین‌های مذهبی ندارید، زیرا نوری در درونتان روشن می‌شود که معبد درونی شما را روشن می‌کند و طوفان‌های دنیا را دفع می‌نماید.

۱۰. دیگر به الوهیت بی‌احترامی نکنید، زیرا انجام آیین‌های ظاهری که از اجداد به ارث برده‌اید و نسبت به آنها تعصب دارید، ناسپاسی بزرگی است در برابر خدا.

۱۱. بشریت گمراه است، چون کلیساهای بزرگ مسیحی بیشتر به ظواهر مذهبی اهمیت می‌دهند تا به واقعیّت آموزه‌های من. کلام حیات من که با عشق و فداکاری امضا شد، در دل مردم خاموش شده و در کتاب‌های قدیمی زندانی است. پس بشریت مسیحی وجود دارد که نمی‌فهمد چگونه واقعا از مسیح پیروی کند.

۱۲. در این زمان، تنها چند شاگرد واقعی دارم؛ کسانی که برادران رنج‌دیده را دوست دارند، درد را تسکین می‌دهند و با فضیلت زندگی می‌کنند و آن را با عمل خود موعظه می‌کنند. این‌ها شاگردان واقعی من هستند.

۱۳. کسی که آموزه‌های من را می‌داند ولی فقط با زبان و نه با دل اعلام می‌کند، شاگرد من نیست.

۱۴. من نیامده‌ام تا در معابد سنگی ظاهر شوم، بلکه دنبال روح‌ها و دل‌هایم، نه ظاهری مادی.

۱۵. تا زمانی که جوامع مذهبی در خواب عمیق بمانند و راه‌های قدیمی را ترک نکنند، هیچ بیداری معنوی واقعی، صلح میان مردم یا نیکوکاری مؤثر رخ نخواهد داد. نوری که بتواند اختلافات بشری را حل کند، نخواهد تابید.

«««اعمال فرقه ای»»»

۱۶. چون حقیقت صلح را نمی‌دانید، به دنبال آرامش موقت و راحتی‌های ظاهری هستید؛ اما صلح واقعی فقط از اطاعت کودکانه نسبت به اراده خداوند حاصل می‌شود.

۱۷. جهان از نبود مفسرانی صحیح و واقعی برای کلام و آموزه‌های من رنج می‌برد. بنابراین، حتی کسانی که خود را مسیحی می‌نامند، معنویاً عقب‌مانده‌اند، زیرا کسی نیست که آنها را به آموزه‌های واقعی من دعوت کند یا دل‌ها را با عشق من پر سازد.

۱۸. در کلیساها و مراسم‌ها، نام من و کلمات من بارها تکرار می‌شود، اما کسی واقعاً تأثیر نمی‌پذیرد و کسی نمی‌لرزد، چون مردم معنای عمیق آنها را درک نمی‌کنند. بسیاری فکر می‌کنند که قدرت کلام من صرفاً در تکرار مکانیکی آن نهفته است، بی‌آنکه بدانند باید آن را مطالعه، تأمل، عمل و زندگی کنند.

۱۹. اگر مردم به دنبال معنا در کلام من می‌بودند، آن کلام همیشه نو و مرتبط با زندگی‌شان می‌ماند، اما آنها تنها آن را سطحی می‌فهمند و هرگز نمی‌توانند واقعی تغذیه روحی شوند.

۲۰. بشریت در تاریکی سرگردان است، هرچند نور بسیار نزدیک است و صلح در دسترس، اما مردم نمی‌توانند آن نور الهی را ببینند، چون کسانی آنها را کور کرده‌اند. من با عشق به شما، برای رهایی از تاریکی کمک می‌کنم و یادآوری می‌کنم که کلام من نه یک آموزه باستانی، بلکه عشقی ابدی است که کل آموزه‌ها را شکل داده است و راز نجات در این عصر خطا و رنج در آن نهفته است.

۲۱. من کسانی را که ایمان کورکورانه، بدون دانش و بر مبنای ترس و خرافات دارند و آن را تبلیغ می‌کنند، سرزنش می‌کنم.

۲۲. به آن کسانی که همه بلایا، بیماری‌ها و قحطی‌ها را به خدا نسبت می‌دهند و او را خشمگین و مجازاتگر می‌خوانند، گوش ندهید؛ این‌ها پیامبران دروغین‌اند.

۲۳. از اینان روی برتابید، چون آنها مرا نمی‌شناسند و می‌خواهند تعریف غلطی از خدا به مردم بدهند.
۲۴. این برداشت‌های نادرست، ناشی از تفسیر ناصحیح کتب مقدس قدیمی است؛ زبانی که هنوز معنای عمیق آن به درستی کشف نشده است. بسیاری از صحبت‌ها درباره پایان جهان، آخرین داوری، مرگ و جهنم بدون درک درست حقیقت است.

۲۵. اکنون در «عصر سوم» زندگی می‌کنید و بشریت به لحاظ معنوی عقب‌مانده است. کشیشان، متکلمان و رهبران معنوی اطلاعات اندکی، و گاه هیچ اطلاعاتی، درباره حیات ابدی به مردم نمی‌دهند. من اسرار کتاب حکمت خود را برای آنها آشکار می‌کنم و از شما می‌پرسم: چرا این‌گونه ساکت مانده‌اند و از بیدار کردن ارواح خفته بشریت می‌ترسند؟

۲۶. آموزه‌های من شما را به پرستش کامل، روحانی و خالصِ پدر هدایت می‌کند، زیرا روح انسان، بدون آنکه بداند، به درگاه معبد خدا رسیده است؛ جایی که حضور من را احساس خواهد کرد، صدای مرا در درون خود خواهد شنید و نوری را که بر ذهنش می‌تابد خواهد دید.

۲۷. خلاء معنوی‌ای که مردم امروز در جوامع مذهبی حس می‌کنند، ناشی از گرسنگی و عطش روحی برای حقیقت است. آیین‌ها و سنت‌ها دیگر پاسخ‌گو نیستند؛ روح می‌طلبد حقیقت مرا بداند.

۲۸. من هرگز نزد کسانی که در هاله‌ای از ابهام و سردرگمی‌اند، نیامدم. وقتی به شکلی مادی یا مجازی نزد شما آمدم، هدفم آشکار کردن الوهیت و ابدیت بود تا شما مرا درک کنید. اما اگر مردم به جای جستجوی معنای آموزه‌ها، فقط به پرستش اشکال و نمادها اصرار کنند، طبیعی است که قرن‌ها در رکود بمانند و همه چیز را رمز و راز ببینند.
۲۹. از دوران اقامت بنی‌اسرائیل در مصر، زمانی که خون من در قالب بره تجسم یافت، افرادی بوده‌اند که به سنت‌ها و آیین‌ها پافشاری می‌کنند بدون آنکه دریابند آن قربانی نمایانگر خونی است که مسیح برای بخشیدن زندگی معنوی به شما خواهید ریخت.
برخی دیگر هم گمان می‌کنند از بدن من تغذیه می‌شوند اما صرفا نان مادی می‌خورند، در حالی که در شام آخر به شاگردانم نان دادم تا به آنها بفهمانم هر کس معنای کلام مرا به عنوان غذا دریافت کند، از من تغذیه می‌کند.
۳۰. کسانی که واقعاً قادر به درک تعالیم الهی من باشند، کم‌اند؛ و کسانی که آن را با روح تفسیر می‌کنند، بسیار کم‌تر. با این حال به خاطر داشته باشید که من وحی الهی را به یکباره نیافکندم، بلکه آن را به تدریج و به شکل گام به گام در آموزه‌هایم برای شما شرح دادم.

۳۱. سعادت در قلب شنوندگان پدیدار می‌شود، زیرا درک می‌کنند که ضیافت آسمانی پیش روی ذهنشان است؛ ضیافتی که استاد در انتظار آن است تا نان و شراب زندگی حقیقی را به آنان دهد.
۳۲. میزی که عیسی و حواریونش به دور آن جمع بودند، نماد پادشاهی آسمان بود. در آنجا پدر توسط فرزندانش احاطه شده بود؛ غذاهایی نمایانگر زندگی و عشق ارائه می‌شد؛ صدای الهی طنین می‌انداخت و جوهری از هماهنگی فراگیر در آن جاری بود؛ و آرامشی که آنجا وجود داشت، همان آرامش پادشاهی خدا بود.
۳۳. این صبح که شما خود را تطهیر کرده‌اید، استاد به شما عهد جدید می‌دهد: اجازه می‌دهم نان و شرابی را که نماد بدن و خون من بودند به یاد آورید. ولی امروز این تغذیه در معنای الهی کلام من یافت می‌شود. اگر به دنبال بدن و خون من هستید، باید آنها را در معنای الهی خلقت بجویید؛ زیرا من تنها روح هستم. پس از آن نان بخورید و شراب بنوشید و جام مرا پر کنید، مشتاقم با شما بنوشم: تشنه عشق شما هستم.
۳۴. این پیام را به برادرانتان برسانید که خون، به عنوان نماد زندگی، تنها نمایانگر زندگی ابدی و عشق واقعی است. از طریق شما من با الهامات تازه خود به بشریت نور می‌تابانم.
۳۵. من آرامش و دستورالعمل جدیدی برای شما می‌آورم. اگر قربانی من در «عصر دوم» قربانی حیوانات بی‌گناه بود، که شما در قربانگاه یهوه ارائه می‌دادید، دیگر امروزه تغذیه کلام الهی من شما را از طریق نان و شراب مادی نماد بدن و خون من نمی‌سازد.
۳۶. هر کسی که بخواهد زنده بماند، باید از روح الهی تغذیه کند. هر کس کلام مرا بشنود و در دلش احساس کند، واقعاً تغذیه شده است. آنان نه فقط بدن مرا خورده و خونم را نوشیده‌اند، بلکه از روح من نیز بهره‌مند شده‌اند.
۳۷. چه کسی پس از چشیدن این غذای آسمانی، دوباره مرا در قالب‌ها و شکل‌های ساخته دست بشر جستجو خواهد کرد؟
۳۸. من گهگاه بازمی‌گردم تا سنت‌ها و آیین‌ها را منسوخ کنم و فقط شریعت و جوهره معنوی آموزه‌هایم را در ذهن شما باقی بگذارم.

«««غسل تعمید»»»
۳۹. در زمان خود، یحیی تعمیددهنده به مردمی که به نبوت ایمان داشتند، غسل تعمید می‌داد. این غسل با آب انجام می‌شد و نخستین غسل تعمید بود. او به مردم گفت - به عنوان نمادی از تطهیر جمعیتی که برای شنیدن کلام نبی به رود اردن آمده بودند: «من شما را با آب غسل می‌دهم، اما او که در راه است شما را با آتش روح‌القدس غسل خواهد داد.»
۴۰. از آن آتش الهی، تمامی ارواح زاده شدند؛ آنان پاک و زلال بیرون آمدند. اما اگر در مسیر زندگی به گناهی آلوده شده باشند که نافرمانی به همراه دارد، آتش روح من دوباره بر آنها فرود می‌آید تا گناه‌شان را پاک کند.
۴۱. اگر غسل تعمید روحانی را فقط به یک آیین ظاهری تبدیل کنید و آن را به عنوان تطهیر واقعی که توسط فردی با توبه صادقانه به سوی خالق انجام می‌شود ندانید، بلکه فقط نمادی از یک عمل ظاهری ببینید، روح شما هیچ بهره‌ای نخواهد برد.
۴۲. هر کس اینگونه عمل کند، هنوز در زمان تعمید دهنده زندگی می‌کند و گویا به پیشگویی‌ها و کلام او که درباره غسل تعمید روحانی و آتش الهی بود که خدا فرزندانش را تطهیر و نورانی می‌کند، ایمان نیاورده است.
۴۳. یحیی مردم بزرگسال را فراخواند تا با آبی که نماد تطهیر بود غسل داده شوند. آنها زمانی پیش او آمدند که از اعمالشان آگاه بودند و اراده‌ای قوی داشتند تا راه نیکی، عدالت و درستکاری را برگزینند. اما ببینید چگونه بیشتر بشریت به جای توبه واقعی و عزم راسخ برای اصلاح که از عشق به خدا برمی‌خیزد، فقط عمل نمادین غسل با آب را انجام دادند. آیین بدون تلاش است، اما تطهیر واقعی دل و تلاش برای پاک ماندن به کوشش، ترک گناه و حتی فداکاری نیاز دارد. به همین دلیل مردم ترجیح دادند گناهان خود را با انجام مراسم و مناسکی که صرفاً ظاهری هستند، بپوشانند، در حالی که هیچ بهبودی ایجاد نمیشود.
۴۴. ای شاگردان، به همین دلیل است که من نمی‌خواهم در میان شما آیین‌های ظاهری برگزار شود، تا با انجام آنها فراموش نکنید که اصل تأثیر واقعی بر روح چیست.
۴۵. من کسانی را مطابق قانون تکامل به تجسم می‌فرستم و یقین دارم که هیچ تلاشی، حتی جاه‌طلبانه برای قدرت، نمی‌تواند نقشه‌های الهی مرا تغییر دهد. اراده من به راستی عملی خواهد شد.
۴۶. هر انسانی مأموریتی به زمین می‌آورد که سرنوشتش از پیش توسط پدر تعیین شده و روح او با عشق پدرانه من مسح شده است. مردم ممکن است مراسم برگزار کنند و کودکان را برکت دهند.

۴۷. وقت آن رسیده است که شما بفهمید منشأ انسان گناه نیست، بلکه تولد او نتیجه تحقق یک قانون طبیعی است، قانونی که نه تنها شامل انسان، بلکه همه موجوداتی است که طبیعت را تشکیل می‌دهند. توجه داشته باشید که گفته‌ام «انسان» و نه «روح او». انسان اختیار دارد موجوداتی مانند خود را بیافریند؛ اما روح‌ها فقط از من سرچشمه می‌گیرند.
۴۸. رشد و تکثیر، قوانینی جهانی هستند. ستارگان درست همزمان با تکثیر دانه، از ستارگان بزرگتری پدید آمدند و هرگز گفته نشده که آن‌ها به‌خاطر این واقعیت گناه کردند یا خالق را آزرده‌اند. پس چرا باید به خاطر انجام این فرمان الهی گناهکار محسوب شوید؟ بدانید که انجام شریعت هرگز نمی‌تواند شخص را نجس کند.
۴۹. آنچه انسان را آلوده می‌کند و روح را از مسیر تکامل دور می‌سازد، شهوات پست است؛ شهوت‌رانی، فساد و زنا که همه آن‌ها بر خلاف قانون است.
۵۰. مطالعه و تحقیق کنید تا حقیقت را بیابید. آنگاه دیگر احکام خالق زندگی را گناه نخواهید نامید و زندگی فرزندانتان را با سرمشق کارهای نیک خود تقدیس خواهید کرد.
«««بزرگداشت درگذشتگان»»»
۵۱. مردم به تعهدات خود پایبند هستند. آن‌ها به سنت‌ها و آداب و رسوم پایبندند. قابل درک است که خاطره‌ای فراموش‌نشدنی از کسانی که اجسادشان را به خاک سپرده‌اند دارند و به مکانی که بقایای آن‌ها دفن شده، جذب می‌شوند. اما اگر به معنای واقعی زندگی مادی بپردازند، متوجه می‌شوند که هنگام انحلال، بدن، اتم به اتم، به قلمروهای طبیعی که از آن شکل گرفته بازمی‌گردد و زندگی همچنان شکوفا است.
۵۲. اما در نتیجه‌ی عدم مطالعه امور معنوی، بشر همواره زنجیره‌ای از فرقه‌های متعصبانه برای جسم ایجاد کرده است. او سعی می‌کند زندگی مادی را فناناپذیر جلوه دهد و روح را که حقیقتاً صاحب حیات جاودان است فراموش کند. آن‌ها چقدر هنوز از درک زندگی معنوی دور هستند!
۵۳. حالا می‌فهمید که آوردن هدیه به مکان‌هایی که سنگ قبر بیانگر «مرگ» است، باید بیانگر «انحلال و زندگی» باشد، غیرضروری است؛ زیرا در آنجا طبیعت در شکوفایی کامل است، خاکی وجود دارد که زهدانی حاصلخیز و پایان‌ناپذیر از موجودات و اشکال حیات است.
۵۴. هنگامی که این آموزه‌ها درک شوند، بشریت یاد خواهد گرفت که به مادیات و الوهیت اهمیت شایسته بدهد. آنگاه پرستش بت‌پرستانه پیشینیان از بین خواهد رفت.
۵۵. انسان باید خالق خود را از روح تا روح بشناسد و دوست بدارد.

۵۶. محراب‌ها در ماتم پوشیده شده‌اند و مقبره‌ها گواهی بر جهل و بت‌پرستی هستند. من تمام گناهان شما را می‌بخشم، اما باید واقعاً شما را بیدار کنم.
دستورالعمل من درک خواهد شد و زمانی فرا خواهد رسید که مردم هدایای مادی را با افکار والا جایگزین می‌کنند.
«««نمادهای مادی،صلیب ها و یادگارها»»»
۵۷. در «زمان‌های اول»، شما نمادها را می‌شناختید: خیمه یا پناهگاهی که از تابوت عهد محافظت می‌کرد، جایی که لوح‌های شریعت در آن نگهداری می‌شد. هنگامی که آن نمادها هدف خود را به انجام رساندند، اراده من آنها را از زمین برداشت و از دید بشر پنهان کرد تا جهان در بت‌پرستی نیفتد. اما من اجازه دادم معنی یا جوهر آن نمادهای آموزنده در ذهن بندگانم نوشته شود.
۵۸. در «عصر دوم»، پس از انجام قربانی مسیح، من باعث شدم که بالاترین نماد مسیحیت، صلیب، به همراه تاج خار، جام و هر چیز دیگری که بشریت ممکن است آن را به عنوان وسیله‌ای برای پرستش متعصبانه قرار داده باشد، ناپدید شود.
۵۹. بشریت رنج عیسی را دید و شما به آموزه‌ها و شهادت او ایمان دارید. چرا همچنان او را در مجسمه‌های خود مصلوب می‌کنید؟ آیا قرن‌هایی که صرف نمایش او به عنوان قربانی شرارت خود کرده‌اید، برای شما کافی نیست؟
۶۰. به جای اینکه مرا در عذاب‌ها و دردهای مرگ عیسی به یاد آورید، چرا رستاخیز پر از نور و جلال مرا به یاد نمی‌آورید؟
۶۱. برخی هستند که با دیدن تصاویر شما که مرا به شکل عیسی بر روی صلیب نشان می‌دهند، گاهی اوقات باور کرده‌اند که او مردی ضعیف، بزدل یا ترسناک بوده است، بدون در نظر گرفتن اینکه من روح هستم و به عنوان نمونه‌ای برای تمام بشریت، آنچه را که شما فداکاری می‌نامید و آنچه من وظیفه عشق می‌نامم، رنج کشیده‌ام.
۶۲. وقتی در نظر می‌گیرید که من با پدر یکی بودم، به یاد داشته باشید که هیچ سلاحی، هیچ نیرویی و هیچ شکنجه‌ای نمی‌توانست مرا بشکند؛ اما وقتی من به عنوان یک انسان رنج کشیدم، خونریزی کردم و مُردم، برای این بود که نمونه والای فروتنی خود را به شما نشان دهم.
۶۳. مردم عظمت این درس را درک نکرده‌اند و در همه جا تصویر مصلوب شده را برپا می‌کنند، که مایه ننگ بشریت است؛ کسانی که - بدون عشق و احترام به کسی که ادعای عشق به او را دارند - پیوسته با آسیب رساندن به قلب همنوعان، که استاد جان خود را برای آن‌ها داد، او را مصلوب و روزانه زخمی می‌کنند.

۶۴. اگر آخرین صلیب نماد ایمان مسیحی‌تان را محو و آن را با عشق حقیقی جایگزین کنید، محکوم نیستید؛ زیرا عبادت ظاهری‌تان به عبادتی روحانی و حقیقی تبدیل می‌شود که مورد انتظار است.

۶۵. کاش مراسم و نمادهای عبادی‌تان می‌توانستند جنگ‌ها و گناهان را متوقف کنند و آرامش بیاورند، ولی می‌بینم شما هر آنچه مقدس می‌دانید و حتی الهی را زیر پا می‌گذارید.

۶۶. اگر حتی یک کلیسا، محراب، نماد یا تصویر نداشتید، بهتر بود؛ به شرطی که روح دعا کنید، خداوند را دوست داشته باشید، بدون واسطه و شفیع به او ایمان آورید و یکدیگر را چنان که آموخته‌ام، دوست بدارید. این راه نجات و حقیقت تعالیم من است.

«««احترام به مقدسین:»»»

۶۷. شما بسیاری از روح‌های صالح را مقدس می‌دانید و مانند خدایان احترام می‌گذارید؛ این جهل است! چگونه بر اساس اعمال بشری، کمال روح را قضاوت می‌کنید؟

۶۸. باید نمونه‌های فرشتگان را الگو قرار دهید و به حمایت معنوی آن‌ها امیدوار باشید، نه اینکه برایشان محراب بسازید و چون خدا آنها را پرستش کنید؛ زیرا این به فروتنی آن ارواح توهین است و جلالشان را رنج می‌دهد.

۶۹. مردم نمی‌دانند جایگاه واقعی مقدسین نزد خداوند چیست.

۷۰. هدف این مکاشفه‌ها پاک کردن شایستگی‌های بندگانم از دل شما نیست بلکه نشان دادن لطف عظیم خداست. اما باید از تعصب مذهبی، بت‌پرستی و خرافات رها شوید.

۷۱. اگر احساس می‌کنید روح آن موجودات بر دنیای شما حاکم است، به آنان که در دنیای معنوی‌اند اعتماد کنید تا با هم در راه خدا، برادری معنوی را تحقق بخشید؛ این نتیجه آموزه‌های من است.

««««جشنواره های کلیسا»»»»

۷۲. امروز جمع بسیاری به کلیساها هجوم می‌آورند تا لحظه گشوده شدن آسمان و پذیرش مرا جشن بگیرند، اما این تنها سنتی است برای تحت تأثیر قرار دادن مردم و نماد تحقق مصائب الهی من.
۷۳. شما نباید با برپایی محراب و نمادها از این سنت‌ها پیروی کنید یا نمایش‌های مذهبی ترتیب دهید و لباس‌های خاص بپوشید، زیرا این‌ها بت‌پرستی است.
۷۴. با قلب خود مرا بخوانید، آموزه‌هایم را به یاد آورید و از راهنمایی‌هایم پیروی کنید؛ چنین کنید تا دروازه‌های آسمان بر روی شما باز شود.
۷۵. از نمایش‌های دروغین و کفرآمیز و شور و هیجان‌های بی‌سایه دوری کنید؛ هیچ‌کس نمی‌تواند مرا تجسم کند. سرمشق و آموزه‌هایم را زندگی کنید و مظهر استاد خود بر روی زمین باشید.
۷۶. در روزهای تولد عیسی، بگذارید آرامش در قلب‌هایتان باشد و به عنوان خانواده‌ای متحد و شاد ظاهر شوید.
۷۷. می‌دانم تعداد کمی در این روز یادبود واقعی از شادی و تأمل دارند و بیشتر مردم جشن‌های فروتنانه را به مراسمی بی‌معنی تبدیل کرده‌اند.
۷۸. امروزه مردم به دنبال لذت‌های حسی و شادی‌های بی‌معنی‌اند و از شادی‌های واقعی روح فاصله گرفته‌اند.
۷۹. اگر مردم از این روز برای تفکر درباره عشق الهی استفاده می‌کردند و باور داشتند که من انسان شدم تا با شما زندگی کنم، ایمانشان در بالاترین سطح می‌درخشید، روحشان سرشار از خوبی می‌شد، با مهربانی به نیازمندان کمک می‌کردند، بیشتر برادری می‌کردند و حتی کسانی را که به آن‌ها ستم کرده‌اند می‌بخشیدند. به کودکان بی‌سرپناه و ملت‌های بی‌صلح فکر می‌کردند و دعا می‌کردند که رنج برادران و خواهران پایان یابد.

۸۰. پس از احساس درد همنوعان، دعا و دلسوزی، در خانه‌هایتان جمع شوید و در آن لحظه مبارک شادی کنید، زیرا من حضور دارم. شادی صادقانه نسیمی از آرامش و امید را به نیازمندان می‌رساند.

۸۱. قصد ندارم جشن ناب تولد عیسی را از دل شما بردارم؛ فقط می‌خواهم بیاموزید که این جشن را به روح واگذار کنید، تا با عشق کودکی نزد من آید و مانند چوپانان و خردمندان با فروتنی مرا گرامی بدارد.

۸۲. شادی واقعی ذاتی رحمت، نور و عشق من است که قلب را پر از امید، لطافت و عشق می‌کند، اما شما آن را در لذت‌های دنیوی هدر می‌دهید و اجازه نمی‌دهید روح به نور و نجات برسد. عشق الهی همیشه در مسیر زندگی انسان حضور دارد.

««««حضور خدا با شکلهای نادرست پرستش»»»»

۸۳. انسان مادی شده برای پرستش مرا به شکل حسّی نیاز دارد و چشمان روحش بسته است؛ برای همین تصویر و معجزات مادی می‌طلبد. همه کلیساها و فرقه‌ها در جهان به دلیل مادی‌گرایی، تعصب، بت‌پرستی، فریب و هتک حرمت آلوده شده‌اند.

۸۴- از همه اینها چه چیزی را می‌پذیرم؟ فقط نیت. از همه اینها چه چیزی به من می‌رسد؟ نیازهای معنوی یا جسمی فرزندانم، ذره‌ای از عشق آنها، اشتیاقشان به نور. این چیزی است که به من می‌رسد، و من با همه آنها هستم. من به کلیساها یا فرمها، به آیین‌ها نگاه نمی‌کنم. من به طور یکسان به سراغ همه فرزندانم می‌روم. من روح آنها را در دعا دریافت می‌کنم. من آنها را به سینه‌ام می‌کشم تا در آغوش بگیرم، تا بتوانند گرمای مرا احساس کنند، و این گرما ممکن است انگیزه و تشویقی در مسیر رنج‌ها و آزمایش‌های آنها باشد. اما از آنجا که من نیت‌های خوب بشریت را می‌پذیرم، نباید اجازه دهم که برای همیشه در تاریکی، پوشیده در بت‌پرستی و تعصب خود، باقی بماند.

۸۵- آرزو دارم که انسان بیدار شود، که روح به سوی من برخیزد و در عروج خود، جلال حقیقی پدر خود را ببیند و شکوه کاذب مراسم عبادی و آیین‌ها را فراموش کند. آرزو می‌کنم که وقتی به عروج حقیقی خود می‌رسد، خود را تجدید کند، خود را از نیازهای انسانی رها کند، بر نفسانیت، هوس‌ها و رذایل غلبه کند و خود را بیابد؛ به طوری که

هرگز به پدر نگویید که او کرم خاکی است؛ تا بداند که پدر او را به صورت و شباهت خود آفریده است. (360، 14-16)

۸۶- جوامع مذهبی زیادی روی زمین وجود دارند و اکثر آنها بر اساس ایمان به مسیح بنا شده‌اند. با این وجود، آنها یکدیگر را دوست ندارند و یکدیگر را به عنوان شاگردان استاد الهی نمی‌شناسند.

۸۷-آیا فکر نمی‌کنید که اگر همه آنها آموزه‌های مرا درک می‌کردند، آنها را به کار می‌گرفتند و فرقه‌ها را به سوی آشتی و صلح سوق می‌دادند؟ اما چنین نبود. همه آنها از یکدیگر دور ماندند و در نتیجه مردم را از نظر معنوی از هم جدا و متفرق کردند، که سپس خود را دشمن یا غریبه می‌دانند. هر کدام به دنبال وسیله و استدلالی است تا به دیگری ثابت کند که او صاحب حقیقت است و دیگران اشتباه می‌کنند. اما هیچ کس قدرت و شجاعت مبارزه برای وحدت همه را ندارد و هیچ کس حسن نیت کشف این را ندارد که در هر اعتقادی و در هر پرستشی از خدا، حقیقتی وجود دارد.

فصل۱۵-مسیحیان دروغین،بدعت ها و سواستفاده های کلیسا
««««افرادی که فقط به اسم مسیحی هستند»»»»

۱. بسیاری از مردم خود را مسیحی می‌نامند، اما اگر حقیقتاً مسیحی بودند، با عشق، فروتنی و صلح بر دیگران تسلط می‌یافتند. آموزه‌های من در «عصر دوم» در قلب بشر جایی ندارد و در کتاب‌ها محفوظ مانده است. من نیامده‌ام که تنها با کتاب‌ها سخن بگویم.

۲. من رنج و مرگم را به عنوان انسان برای شما آوردم، نه فقط کلام و زندگی‌ام. دلیل فقدان آرامش و لطف مسیح در میان کسانی که خود را مسیحی می‌نامند، زندگی نکردن طبق آموزه‌های من است.

۳. شاگردان، باورهای کهنه را کنار بگذارید؛ مسیحیت امروز به فرقه‌هایی تقسیم شده که یکدیگر را دوست ندارند و برادران خود را تحقیر می‌کنند. این‌ها مسیحی بدون عشق‌اند و مسیح همان عشق است.

۴. برخی یهوه را به عنوان پیرمردی پر از نقص، انتقام‌جو و ظلمت‌گرا تصویر می‌کنند.

۵. هدف من این نیست که دیگران را مسخره کنم، بلکه می‌خواهم درک شما از عشق الهی را اصلاح کنم. شما هنوز نمی‌دانید چگونه مرا در گذشته می‌پرستید.

۶. چگونه ممکن است کسانی که خود را مسیحی می‌نامند با جنگ و نفرت خود را نابود کنند و حتی پیش از جنگ از من پیروزی بخواهند؟ آیا نسلی که نفرت به جای عشق حکمرانی می‌کند می‌تواند وجود داشته باشد؟

۷. به همه ادیان می‌گویم که در قرار دادن ثروت‌های مادی و معنوی در جای خود شکست خورده‌اند. اگر قوانین مرا اجرا می‌کردید، سرزمین موعود را می‌دیدید و صدای مردم آن را می‌شنیدید.

۸. شما ادعا می‌کنید به من ایمان دارید، اما ایمان و تسلیم واقعی بسیار کم است؛ من ایمان حقیقی را در شما بیدار می‌کنم تا در مسیر آماده شده قوی بمانید.

۹. امروز از شما خون درخواست نمی‌کنم، بلکه عشق، اخلاص، راستگویی و از خودگذشتگی می‌خواهم.
۱۰. با این آموزه‌ها راهنمایتان می‌کنم تا شاگردان الوهیت در این عصر سوم شوید، چرا که بسیاری از شما بی‌تفاوت به درد و رنج جهان نگاه می‌کنید و نمی‌دانید چگونه با قلب مردم همدردی کنید.
۱۱. نابرابری‌های فراوانی هست؛ اربابی که تاج دارد اما فقط نام پادشاه را یدک می‌کشد و رعایایی که بردگان واقعی‌اند. بسیاری از اربابان ثروتمند خود را مسیحی می‌نامند اما به سختی نام مرا می‌شناسند.
۱۲. کسانی که همسایگان خود را نمی‌بَینند، ثروت جمع می‌کنند و مال دیگران را تصاحب می‌کنند، مسیحی نیستند چون هیچ شفقتی ندارند.
۱۳. نبرد میان معنویات و مادیات فرا می‌رسد و بشریت به این کشیده خواهد شد. اما رنج زیادی باید کشید تا عدالت پیروز شود.

««««کافران و متعصبان مذهبی»»»»

۱۴. بهتر است پر از تردید و انکار باشید تا باورهای نادرست و دروغینی که به اشتباه حقیقت می‌پندارید. شک صادقانه که تشنه درک است، بهتر از باور متعصبانه به افسانه‌هاست.
۱۵. امروز کافران و سرخوردگان اکثرند؛ آنها شورشیانی‌اند که بیشتر از دیگران می‌بینند و ژست‌های آیینی را درک نمی‌کنند؛ اطمینان‌های رهبران معنوی نیز آنها را قانع نمی‌کند.
۱۶. کسانی که سرکش خوانده می‌شوند اغلب در سوالات خود بینشی بیشتر و درک بالاتری دارند نسبت به کسانی که بی‌چون و چرا به آن‌ها ایمان دارند و خود را استاد می‌نامند.
۱۷. حقیقت ساده و روشن است، اما درک آن برای کسی که به تعصب و سنت‌های خود چسبیده دشوار است؛ ذهن و قلب او از پذیرفتن چیزهایی فراتر از دانسته‌های خود سرباز می‌زند.

۱۸. رحمت من بی‌پایان است و به کسانی که حقیقت را نمی‌پذیرند کمک می‌کنم تا از تاریکی نجات یابند، آزمایش‌ها و درس‌ها به تناسب توانشان داده می‌شود.

۱۹. در میان جهل و تعصب، کسانی که جویای حقیقت‌اند ظاهر می‌شوند و وقتی آزاد شوند با اشتیاق فریاد می‌زنند که نور حقیقت بازگشته است تا بشریت را نجات دهد.

««تحریف آموزه های عیسی و پیامد های آن»»

۲۰. آموزه‌های من همانند بار دوم است که به شما داده‌ام؛ یادآوری آن‌ها ضروریست به دلیل فراموشی یا تفسیرهای نادرست.

۲۱. شما مسیر متفاوتی با نام مسیح ساخته‌اید، اما تنها من می‌توانم با کلمات زندگی و عشق شما را از خطا آزاد کنم.

۲۲. تناسخ روح حقیقتی است که از ابتدا وجود داشته و برای پیشرفت معنوی ضروری است.

۲۳. کلیساها بخش زیادی از حقیقت روح را پنهان کرده‌اند، اما اکنون بیدار می‌شوند و حقیقت را آشکار می‌سازند و به شک‌داران کمک می‌کنند.

۲۴. وقتی بشریت درک کند که زندگی اخلاقی بیش از مراسم مذهبی اهمیت دارد، گامی بزرگ در توسعه معنوی برداشته است.

۲۵. پس از حضورم به عنوان عیسی، رسولان و سربازانی برای تأیید آموزه‌هایم می‌آمدند، اما تفسیرهای ناقص باعث تفرقه و ایجاد فرقه‌ها شد؛ در حالی که تفرقه معنوی مانع عشق ورزیدن به یکدیگر است.

۲۶. تمدن فعلی توهمی بیش نیست، چون بشریت آن را در حال نابودی است. تا زمانی که قانون عدالت و عشق من بنیاد نباشد، آرامش و توسعه معنوی و اخلاقی حاصل نمی‌شود.

۲۷. نوسازی و آرمان کمال تنها راه بازگشت به حقیقت است.

۲۸. کسانی که مفسرین قانون الهی خود را می‌دانند، ادعا می‌کنند عذاب جهنمی در انتظار شماست و باید از طریق توبه، عذاب جسم و قربانی مادی بخشیده شوید؛ اما آن‌ها اشتباه می‌کنند.

۲۹. رهبران مذهبی که به عنوان بزرگ راهنمایان وحی مقدس ستایش می‌شوند، در حقیقت گمراه‌کننده‌اند؛ من آمده‌ام تا شما را با نور حقیقت و عشق رهنمون شوم.

۳۰. مردم معنی واقعی آموزه‌های من را پنهان کرده‌اند و تصویری از مسیحی را نشان داده‌اند که حتی بازتابی از من نیست.

۳۱. امروز عواقب دوری از راهنمای حقیقی را می‌بینید؛ در رنج و جهل به سر می‌برید؛ اما زمان بیداری استعدادهای درونی انسان فرا رسیده است.

۳۲. کلیساها، علم و نظام عدالت تلاش می‌کنند تا جلوی پیشرفت معنوی را بگیرند، اما هیچ قدرتی نمی‌تواند بیداری روح را متوقف کند؛ روز رهایی نزدیک است.

۳۳. کسانی که ادعا می‌کردند مرا می‌شناسند، مرا به نادرستی معرفی کرده‌اند و به همین دلیل بسیاری رویگردان شده‌اند.

۳۴. من کسانی که مرا از دل‌هایشان بیرون کرده‌اند مؤاخذه نمی‌کنم، بلکه کسانی را محکوم می‌کنم که با تحریف حقیقت خدایی را معرفی کرده‌اند که پذیرفتنش دشوار است.

۳۵. هر چه عادلانه و خوب است، حقیقتی دارد که همواره من آن را اعلام کرده‌ام.

۳۶. زمان آن رسیده که حقیقت را بار دیگر دوست داشته باشید و برای پاکی و جاودانگی تلاش کنید.

۳۷. بشر پرستش مادی را برگزیده و آموزه مسیحی را به دین تغییر داده است.

۳۸. خودخواهی، حرص و غرور در قلب انسان همیشه حکومت کرده‌اند و مردم را به گناه و تاریکی کشانده‌اند.

۳۹. متکلمان این عصر درباره من پرسش خواهند کرد؛ من به آنها نشان خواهم داد که این سه وحی تربیت من و تنها شریعتی است که آموزش داده‌ام.

۴۰. بسیاری از کسانی که مرا محکوم می‌کنند، شک داشته‌اند اما من آنها را حفظ کرده‌ام تا شاهد پیروزی قانونم باشند.
««««مشکلات و سواستفاده ها در مسیحیت»»»»

۴۱. بسیاری خود را مسیحی می‌نامند بدون اینکه معنای مسیح یا آموزه‌های او را بشناسند.

۴۲. پرسشی درباره برداشت شما از کلام، سرمشق و تعالیمی که داده‌ام.

۴۳. آیا واقعاً موجوداتی تکامل‌یافته‌تر هستید؟ چرا این را به اثبات نمی‌رسانید؟ آیا زندگی ابدی را باور دارید یا فقط تکامل بشری از طریق علم را؟

۴۴. من اجرای واقعی شریعت را آموختم تا جهانی را بسازید که در آن خدای حقیقی پرستش شود و عشق به همسایه، نشان احترام به خالق باشد.

۴۵. امروز دروغ و خودخواهی جای حقیقت و عشق را گرفته‌اند؛ غرور به جای فروتنی، بت‌پرستی و تعصب به جای نور و معنویت، حرص به جای کوشش و نزاع به جای صلح حکومت می‌کند.

۴۶. مانند بار دوم، بازرگانان را از معبد بیرون خواهم راند و به مردم تعلیم می‌دهم تا اشتباهات در تفسیر شریعت من را نداشته باشند و خدمت در محراب حقیقی را بیاموزند.

۴۷. بسیاری به جای بندگی، خود را ارباب کرده و قلب‌شان را پر از غرور و حس برتری کرده‌اند؛ به فقرا بی‌توجهی شده و مردم به دنبال حقیقت از فرقه‌ای به فرقه دیگر می‌روند.

۴۸. کسانی که زمانی مقدس بودند، اکنون توسط مردم طرد و سرخورده شده‌اند.

۴۹. مردم دیگر به اعتراف و بخشش گناهان اهمیت نمی‌دهند و تهدید جهنم قلب‌ها را متأثر نمی‌کند.

۵۰. در این سردرگمی، گرگان سوءاستفاده می‌کنند و در کمین نشسته‌اند.

۵۱. هر نماینده من باید صلح ایجاد کند اما در این زمان، همه خودخواه‌اند و به قدرت واقعی درونشان بی‌توجه‌اند.

۵۲. دلیل بازگشت من در بار دوم همین است؛ تنها کلام و عشق من می‌تواند انسان‌ها را از تاریکی و گناه رها کند.

۵۳. داوری من بر گناهان بزرگ علیه شریعت نازل می‌شود، اما تو خودت را مجازات می‌کنی؛ اشتباهاتت را اصلاح کن و قضاوت نکن.

۵۴. به گناهکاران نادان نور می‌دهم و گناهکاران آگاه را به توبه دعوت می‌کنم تا با اعتماد به بخشش من راه برگشت را بیابند.

۵۵. ای روحانیون، به پیروانتان توجه کنید و آنها را به رشد معنوی هدایت کنید؛ از مادی‌گرایی بپرهیزید و با کلام من سلاح‌دار شوید.

۵۶. من فرقه‌ای را بر دیگری ترجیح نمی‌دهم؛ شما باید طرف من باشید تا به اتحاد معنوی برسید.

۵۷. آموزه‌های من در دل‌ها جوانه می‌زند و در سراسر زمین گسترش می‌یابد و هیچ گوشه‌ای از نور و داوری بی‌بهره نمی‌ماند.

۵۸. مردم به سوی زندگی معنوی و جاودانه بیدار می‌شوند و از اشکال مادی آیینی دست می‌کشند تا به جوهره قانون من بپردازند.

۵۹. بشریت قدرت معنویت را کشف می‌کند و از هر آنچه که او را عقب نگه داشته، روی می‌گرداند.

۶۰. صلیب به‌عنوان نماد مسیحیت به‌وفور دیده می‌شود اما اگر مردم حسن نیت نداشته باشند و همدیگر را دوست نداشته باشند فایده‌ای ندارد.

۶۱. ظواهر و نمادها قدرت خود را از دست می‌دهند و پرستش درونی جایگزین آنها می‌شود که مردم را به سوی نور و کمال هدایت می‌کند.

فقل۱۶-قانون الهی
«««قدرت قانون الهی»»»

۱. بسیاری آموزه‌های مرا منسوخ می‌دانند زیرا مادی‌گرایی‌شان مانع درک معنای ابدی آن است.

۲. قانون من تغییرناپذیر است و تنها روحِ سرشار از عشق و رحمت پایدار می‌ماند که حقیقت را نمایان می‌کند.

۳. من نور حقیقت را به همه انسان‌ها داده‌ام، اما هر فرد و ملت آن را به شیوه خاص خود تفسیر می‌کند.

۴. این تفاوت در تفاسیر منجر به تفرقه و پیروی از مسیرها و آرمان‌های گوناگون شده است.

۵. بسیاری از مسیر نور و حقیقت منحرف شده‌اند و به جای فداکاری، فرقه‌هایی ساخته‌اند که پیروی آسان‌تر باشد.

۶. اجرای قانون من نه فداکاری سخت، بلکه راهی به شادی، آرامش و خرد واقعی است که مادی‌گراها نمی‌فهمند.

۷. دنیای علمی و اخلاقی فعلی محصول تلاش افرادی با اهداف مادی است که من اجازه داده‌ام مسیر خود را بپیمایند و از تجربیاتشان بهره‌مند شوند.

۸. اگر اجازه می‌دادم تا آموزه‌هایم را طبق میل خود به کار ببرید، هرگز از رکود معنوی رها نمی‌شدید و روحتان شکوفا نمی‌شد.

۹. کسانی که در دین‌های خود تنبل‌اند و فرمان‌های الهی را نادیده گرفته‌اند، سعی کرده‌اند قانون را با افسانه‌ها و دروغ‌ها جایگزین کنند.

۱۰. بسیاری باید از دین‌ها رها شوند تا روح خود را جستجو کنند و توانایی‌های درونی خود را رشد دهند.

««««قانون عشق به خدا در کار روح»»»»

۱۱. صدای خداوند، قانون است که امروز مستقیماً به روح شما می‌رسد و عصری نو را آغاز می‌کند که بشر با خالق آشتی و پاک می‌شود.

۱۲. زندگی عیسی آموزه کامل عشق است که از تولد تا مرگ خود نشان داد.

۱۳. نمی‌توانید مانند عیسی کامل باشید، اما باید از او تقلید کنید.

۱۴. قانون ابدی من همواره عشق به خدا و همسایه را به شما آموخته است.

۱۵. به شما گفتم «برادران و خواهران را دوست بدارید همانند پدرتان» و «یکدیگر را دوست داشته باشید.»

۱۶. باید خدا را بیش از همه آفرینش دوست داشته باشید و به همنوعان رحم کنید تا جلال خدا را ببینید؛ زیرا رحمت همان عشق است.

۱۷. من دین جهانی نیاورده‌ام، بلکه شریعتی که قانون محبت است و بر زمین پیروز خواهد شد و بشریت را روشن می‌کند.

۱۸. بشریت پیش از آنکه عشق واقعی را بیاموزد، گام‌هایی نادرست برمی‌دارد و سرگردان میان فرقه‌ها می‌شود تا بفهمند تنها قانون ابدی و جهانی، عشق است.

۱۹. روزی می‌رسد که همه ادیان ناپدید شوند و تنها نور معبد خدا در درون و برون بشریت بدرخشد، معبدی که در آن همه با عشق، ایمان و حسن نیت عبادت واحدی دارند.

««««بی توجهی به قوانین الهی و پیامدهای آن»»»»

۲۰. امروز می‌پرسم: برداشت شما از قانونی که از طریق موسی فرستادم چیست؟ آیا این قانون فقط برای آن دوران بوده است؟

۲۱. حقیقت این است که بذر مبارک در قلب بشریت نیست، چون مردم نه مرا دوست دارند و نه یکدیگر را؛ احترام ندارند، به جان و ناموس یکدیگر تجاوز می‌کنند.

۲۲. آیا دروغ از هر زبان نشنیده‌اید؟ آیا ندیده‌اید چگونه ملت‌ها صلح را از یکدیگر می‌گیرند ولی خود ادعای دانستن قانون مرا دارند؟ اگر احکام مرا فراموش کنند، چه خواهد شد؟

۲۳. در بار دوم، عیسی دید معبد تبدیل به بازاری شده است؛ او با غیرت با کسانی که به معبد بی‌احترامی می‌کردند، مقابله کرد و گفت «خانه پدر من بازار نیست.» این بی‌حرمتی حتی از روحانیون بدتر بود که معبد را محل جاه‌طلبی کردند.

۲۴. امروز من از تازیانه استفاده نمی‌کنم، اما اجازه می‌دهم عواقب گناهان خود مردم نمایان شود تا بفهمند قانون من استوار و عدل‌آمیز است. راه من روشن است و هر که از آن منحرف شود سختی‌ها را تجربه می‌کند، زیرا عشق من در او وجود دارد.

۲۵. من معبدم را بازسازی خواهم کرد؛ معبدی بی‌دیوار و برج که در قلب انسان‌ها قرار دارد.

۲۶. برج بابل هنوز انسان‌ها را از هم جدا می‌کند، اما بنیادهایش در دل‌ها تخریب خواهند شد.

۲۷. بت‌پرستی و تعصب مذهبی برج‌هایی ساخته‌اند که شکننده‌اند و باید فرو ریزند.

۲۸. قوانین من – چه الهی و چه انسانی – مقدس‌اند و جهان را داوری خواهند کرد.

۲۹. بشر گمان می‌کند بت‌پرست نیست، اما هنوز گوساله طلایی را می‌پرستد!

۳۰. هرج و مرج از فقدان فضیلت است؛ قوانین شریعت موسی و آموزه‌های عیسی ابدی‌اند، ولی نوشیدن از سرچشمه عشق باید از روی میل هر فرد باشد.

۳۱. دستورالعمل‌هایم را درست تفسیر کنید؛ روح من از رنج شما لذت نمی‌برد. آمده‌ام تا شما قوانینم را بشناسید و خوشبختی بیابید.

۳۲. به شما گفتم آنچه از خداست به خدا و آنچه از امپراتور است به امپراتور بدهید، اما امروز تنها امپراتور وجود دارد که شما را به بردگی گرفته و چیزی نمی‌دهد.

۳۳. قانون من متفاوت است؛ نه جسم و نه روح را مقید نمی‌کند، بلکه با عشق و مهربانی هدایت می‌کند و بی‌خودخواهی پاداش می‌دهد.

«««تحقق بالاترین قانون»»»

۳۴. باید با تمام قلب و روح به قانون عشق بچسبید، زیرا قدرتش بر همه ارتش‌ها برتری دارد و هر بنایی بر پایه عشق، زندگی ابدی خواهد داشت.

۳۵. من زندگی واقعی روح را به شما نشان می‌دهم تا به‌جای ترس از مجازات‌های بی‌اساس، شریعت مرا با آگاهی و عشق بپذیرید.

۳۶. شریعت من ساده و قابل فهم است؛ هر که آن را بشناسد و پیروی کند، از دروغ‌ها یا تفاسیر نادرست نمی‌ترسد.

۳۷. قانون من راهنمایی است که شما را به شهر سفید درخشان، سرزمین موعود، هدایت می‌کند.

۳۸. کی باور خواهید کرد که تنها با پیروی از قانون من می‌توان شادی، سلامتی و زندگی واقعی یافت؟

۳۹. همانطور که در زندگی مادی باید اصولی را رعایت کنید، در قلمرو معنوی نیز باید قوانین را محترم شمارید تا شکوفا شوید و از منبع حیات جاودانه بهره‌مند گردید.

۴۰. من تنها نجات‌دهنده شما هستم و شریعت من همیشه راهنمای جان‌هایتان خواهد بود.

۴۱. خوشا به حال کسانی که بر اساس شریعت من زندگی می‌کنند؛ هرگز گمراه نخواهند شد و به سرزمین موعود خواهند رسید.

۴۲. هرچه درکتان بیشتر شود، عشق شما به من نیز عمیق‌تر خواهد شد.

۴۳. «مرا دوست بدارید» یعنی حقیقت، خوبی، نور، یکدیگر و زندگی حقیقی را دوست داشته باشید.

۴۴. شما را دوست دارم و می‌خواهم که یکدیگر و خودتان را نیز دوست داشته باشید؛ زیرا شما تصویر زنده خالق هستید و مراقبت از خودتان اولین وظیفه‌تان در قبال من است.

۴۵. ماموریتی که به قوم خود در زمین سپرده‌ام، عظیم و بسیار حساس است. بنابراین، در هر عصری به دیدارشان رفته‌ام تا کلام خود را به آنها الهام بخشم و کمی بیشتر از محتوای شریعت را برایشان آشکار کنم.

۴۶. قانون عشق، نیکی و عدالت میراث معنوی بوده است که در تمام اعصار برای آنها آورده‌ام. از درسی به درس دیگر، بشریت را به این درک رسانده‌ام که شریعت را می‌توان در یک فرمان واحد خلاصه کرد: فرمان عشق. پدر را که آغازگر زندگی است دوست بدار؛ همنوع خود را که بخشی از پدر است دوست بدار؛ هر آنچه را که خداوند آفریده و مقدر کرده است دوست بدار.

۴۷. عشق، پایه، منشأ و بذر خرد، عظمت، قدرت، تعالی و زندگی است. این مسیر حقیقی است که خالق برای روح ترسیم کرده است، تا از مرحله‌ای به مرحله دیگر و از خانه‌ای به خانه دیگر، احساس نزدیکی بیشتری به من کند.

۴۸. اگر از آغاز زمان، بشر به جای افتادن در آیین‌های بت‌پرستانه و تعصب مذهبی، عشق معنوی را خدمتی به خدا قرار می‌داد، آنگاه این جهان که امروزه به دلیل ترس و بدبختی بشر به دره‌ای از اشک تبدیل شده است، دره‌ای از آرامش می‌بود که در آن ارواح شایستگی کسب می‌کردند تا پس از این زندگی، به آن منازل معنوی که روح قرار است در مسیر رشد و تکامل خود وارد آنها شود، برسند.

فصل۱۷-روش جدید پرستش خدا
«««توسعه انواع عبادت»»»

۱. آه، بشریت به آرامی به سوی کمال پرستش خدا پیش می‌رود، گویی هنوز راهی طولانی در پیش است.

۲. هر آموزشی که من به شما می‌آورم، ممکن است فراتر از سطح کنونی درکتان باشد، اما زمان را به شما می‌دهم تا آن را بفهمید و در زندگی خود بگنجانید.

۳. قربانی‌های حیوانی که به یهوه تقدیم می‌شد، پذیرفته شد اما مسیر کامل تعالی روح نبود؛ پس من به عنوان عیسی آمدم تا عشق متقابل را بیاموزم.

۴. آموزه‌های «عصر دوم» تغییر یافته یا نادرست تفسیر شده‌اند؛ من آمده‌ام تا حقیقت را روشن کنم تا قربانی‌های حیوانی قربانی نشوند و پرستش خدا کامل‌تر شود.

۵. بشریت باید درک کند که آیین‌ها و نمادها بدون فهم عمیق معنایشان ارزشی ندارند؛ آنها تنها نمایشی از آموزه‌ها هستند.

۶. دعا وسیله‌ای است الهام‌بخش که رابطه با الوهیت را برقرار می‌کند؛ نیازی روحانی و پناهگاهی در رنج است.

۷. کسانی که دعای واقعی را نمی‌شناسند، از نعمت و سلامت معنوی آن بی‌خبرند و ممکن است به جای ارتباط حقیقی، به اقدامات ظاهری روی آورند.

۸. بسیاری به بت‌پرستی، تعصب و آیین‌های ظاهری افتاده‌اند و آزادی دعا و ارتباط مستقیم با خداوند را از دست داده‌اند؛ تنها در درد و اندوه واقعی، روح آزاد می‌شود و با صدای بلند به خدا فریاد می‌زند.

۹. آیا می‌بینید در این دوران مادی‌گرایی، ملت‌ها به جنگ مشغول‌اند؟ اما بسیاری در میان این جنگ‌ها... (لطفاً ادامه فرمایید تا بتوانم بهتر راهنمایی کنم)

۱۰- وقتی آنها در سفر خود معجزه درخواست شده را تجربه کردند، دانستند که هیچ راه دیگری برای صحبت با خدا جز به زبان روح وجود ندارد.

««««نمازهای شام بدون ارادت و ایمان»»»»

۱۱. ای فرزندان من از هر دین و آیینی، شریف‌ترین احساسات روح را از بین نبرید و سعی نکنید آنها را با آداب و رسوم و آیین‌های ظاهری جبران کنید.

۱۲. بنگرید: وقتی مادری هیچ چیز مادی برای ارائه به فرزند کوچک و محبوبش ندارد، او را به قلبش می‌فشارد، با تمام عشقش او را تقدیس می‌کند، با بوسه می‌پوشاند، با عشق به او نگاه می‌کند، با اشک‌هایش او را شستشو می‌دهد؛ اما هرگز سعی نمی‌کند او را با حرکات توخالی عشق فریب دهد.

۱۳. چگونه می‌توانی فکر کنی که من، استاد الهی، راضی هستم که تو به آیین‌هایی عاری از هرگونه ارزش معنوی، حقیقت و عشق بسنده کنی، آیین‌هایی که سعی می‌کنی با آنها روحت را فریب دهی و باور کنی که پرورش یافته‌ای، در حالی که در واقع، روحت روز به روز از حقیقت غافل‌تر می‌شود؟

۱۴. دعا موهبتی است که خداوند به انسان عطا کرده تا راهنمای او به سوی عروج (معنوی) باشد.برای سوار شدن، به عنوان سلاحی برای دفاع از خود، به عنوان کتابی برای آموزش خود، و به عنوان مرهمی برای التیام خود و بهبودی از هر بیماری.

۱۵. دعای حقیقی از روی زمین محو شده است؛ مردم دیگر دعا نمی‌کنند، و وقتی هم که دعا می‌کنند، به جای اینکه با روحشان با من صحبت کنند، با لب‌هایشان این کار را انجام می‌دهند، و از کلمات پوچ، آیین‌ها و تظاهر استفاده می‌کنند. چگونه مردم می‌توانند انتظار دیدن معجزات را داشته باشند وقتی از اشکال و اعمالی استفاده می‌کنند که عیسی تعلیم نداده است؟

۱۶. لازم است که دعای حقیقی به میان مردم بازگردد، و من هستم که آن را از نو به شما می‌آموزم.

۱۷. به آنها دعا کردن را بیاموزید، به همنوعان خود بفهمانید که این روح آنهاست که باید با خالق خود گفتگو کند، تا آنها دریابند که دعاهایشان تقریباً همیشه فریاد جسم، ابراز ترس، گواه بی‌ایمانی، عصیان یا بی‌اعتمادی آنها به من است.

۱۸. به همنوعان خود بفهمان که برای برانگیختن روح من، بیدار کردن شفقت یا رحمت من، نیازی به رنج کشیدن یا تکه تکه کردن بدن خود ندارند. کسانی که رنج و عذاب جسمی را بر خود تحمیل می‌کنند، این کار را می‌کنند زیرا کوچکترین آگاهی از خوشایندترین هدایا برای من ندارند و هیچ تصوری از عشق من و رحمت پدر شما ندارند

۱۹. رحم خدا وابسته به اشک و درد نیست؛ نسبت دادن خشونت یا بی‌تفاوتی به او اشتباه است.

۲۰. مردم کم تلاش کرده‌اند مرا بشناسند، چون ذهن‌شان را برای هماهنگی با روح‌القدس تربیت نکرده‌اند.

۲۱. امروز چند لحظه زمین را رها کن و با روحت نزد من بیا.

۲۲. مردم سال‌هاست راه درست دعا را گم کرده‌اند؛ دعا با حواس نه روح، محبت من را در آنها تقویت نکرده است.

۲۳. بت‌پرستی مانند سمی است که مانع لذت بردن از شادی‌های معنوی دعا می‌شود.

۲۴. بسیاری بدبختی آورده‌اند چون نمی‌دانند چگونه دعا کنند؛ نیروی معنوی از روح سرچشمه می‌گیرد و نباید در سایه‌ها جستجو شود بلکه باید در نور یافت شود.

۲۵. مردم قدر قدرت دعا را نمی‌دانند و در عصر مادی‌گرایی تلاش می‌کنند خدا را مادی نمایند تا لمس و ببینند.

۲۶. کسانی که دعا می‌کنند برکت می‌یابند و هرچه دعا معنوی‌تر باشد آرامش‌شان بیشتر است.

۲۷. دعا به تصویر یا شیء وابسته حس واقعی حضور خدا را نمی‌دهد؛ تجربه واقعی از دل است.

۲۸. خوشا به حال کسانی که ایمان دارند و از درهای دنیوی می‌گذرند تا به امور معنوی دست یابند و حضور خدا را احساس کنند.
۲۹. بشر باید از انکار قدرت جسمی دعا و دعای روح به روح دست بردارد؛ وقتی نور خدا به زندگی‌ها روشن شود، حقیقت را درک خواهند کرد.

۳۰. اکنون زمان مناسبی برای دعا و مراقبه است، اما باید دور از تعصب و بت‌پرستی و با تفکر عمیق در کلام الهی باشد.

۳۱. دعا و مراقبه می‌تواند در هر زمان و مکان انجام شود؛ روح بزرگ‌تر از هر محدودیتی است و نباید عبادت را به مکان یا تصویر خاصی محدود کرد.

۳۲. دلیل اصلی فقر معنوی و بدبختی بشر، روش ناقص دعا کردن اوست و این درک باید به همه برسد.

۳۳. دعاها همیشه با تمرکز یکسان نیست و به همین دلیل آرامش یا الهام یکسان به دست نمی‌آید.

۳۴. ذهن و بدن باید تربیت شوند تا در لحظات دعا با روح هماهنگ شوند تا پیام‌های الهی به شکل درست دریافت شود.

۳۵. روح همیشه آماده اتحاد با خداست اما برای آزاد شدن به جسم سالم و آماده نیاز دارد.

۳۶. تلاش برای رسیدن به دعای واقعی کلید آرامش، سلامت، امید و قدرت معنوی است.

۳۷. شریعت خدا برای دعاکننده سپر محافظ، شمشیر نامرئی و فانوس هدایت در طوفان‌هاست؛ همیشه برای معجزه در دسترس است.
۳۸. استفاده از قدرت دعا، زندگی نسل‌های آینده را به حرکت در می‌آورد و ارتباط عمیق روح‌ها را ممکن می‌سازد.
۳۹. از طریق دعا، پدران الهام هدایت فرزندان را دریافت می‌کنند.
۴۰. بیماران سلامتی می‌یابند، قدرتمندان مشکلات خود را حل می‌کنند و محققان وحی دریافت می‌کنند، همه به واسطه هدیه دعا.

۴۱. شاگردانم در بار دوم از من پرسیدند چگونه باید دعا کنند و من دعای کامل معروف به «دعای ربانی» را آموختم.

۴۲. از معنای، فروتنی و ایمان این دعا الهام بگیرید تا روح شما با روح من ارتباط برقرار کند؛ در این حالت، دعا دیگر فقط کلمات لب‌ها نیست، بلکه گفتگوی روح با روح است.

۴۳. مراقب باشید که کلمه «پدر» هنگام دعا از دل تشود و آن را به صورت مکانیکی نگوید؛ از عمق قلب بیاندیشید و هر عبارت را با الهام و ارتباط کامل بگویید.

۴۴. وقتی «پدر» را با احترام و عشق بگویید، فاصله‌ها از بین می‌رود و ارتباط روح با روح رخ می‌دهد؛ با این دعا برکت عشق خدا را در قلبتان دریافت خواهید کرد.

«««چهار ضلع نماز کامل»»»

۴۵. دعا را به عنوان سلاحی معنوی برتر ببینید که شما را در برابر خیانت‌های زندگی محافظت می‌کند و برای رسیدن به کمال معنوی باید از آن استفاده کنید.

۴۶. دعا شامل تضرع، شفاعت، پرستش، تفکر معنوی و درخواست است؛ درخواست باید برای نیازهای روح و رشد معنوی باشد و درخواست‌های ناسالم مادی را کنار بگذارید.

۴۷. لذت‌های جسمانی فقط رنج به همراه دارند، حتی پس از زندگی مادی؛ روحی که درگیر خواسته‌های مادی است ممکن است بارها به زمین بازگردد. پس فقط آنچه برای رفاه روح لازم است طلب کنید.

۴۸. نوع دوم دعا، شفاعت است که از عشق به همنوعان ناشی می‌شود؛ دعا کنید برای برادران و خواهران نزدیک و دور، به ویژه کسانی که از جنگ و استبداد رنج می‌برند.

۴۹. برای بیماران و عزیزان دعا کنید، اما اگر روح آماده نیست، در خواست نکنید که در این دنیا بمانند؛ دعا کنید که روح آزاد شود و از طریق رنج به رشد معنوی برسد، چون خدا بهتر می‌داند چه نیاز دارد.

۵۰. سومین نوع دعا، پرستش روح الهی است؛ با این عبادت می‌توانید خود را با کمال و عشقی همه‌گیر متحد کنید و به اتحاد با منبع حیات ابدی برسید.

۵۱. دعا را با تضرع آغاز و با تفکر معنوی ادامه دهید تا قدرت بگیرید.

۵۲. پس از آماده شدن، نه تنها برای خود بلکه برای رستگاری بشریت نیز تلاش کنید، زیرا به تنهایی نمی‌توان به کمال رسید.

«««« دعای قلبی خودجوش بدون کلام»»»»

۵۳. روح‌القدس از طریق عقل به شما راهی معنوی‌تر و کامل‌تر برای ارتباط و پرستش خدا را می‌آموزد.

۵۴. بسیاری کلام من را دارند اما عمل نمی‌کنند؛ باید آموزه‌ها را دوست داشته باشید و به دیگران یاد دهید.

۵۵. کسانی که حتی اندکی از آموزه‌های مرا به کار می‌گیرند، به سرعت دگرگون می‌شوند. به عنوان مثال، کسی که در طول عمرش فقط دعاهای بدون فهم را می‌خواند، روزی راه دعا کردن واقعی را آموخت و عمیقاً با روحش به خدا پیوست.

۵۶. او شروع کرد به تمرکز درونی و ارتباط مستقیم با خداوند، نه تکرار کلمات بی‌معنی.

۵۷. در دل، جمله‌ای ساده آمد: «پدرم، نمی‌دانم چگونه با تو سخن بگویم.»

۵۸. آن اشک‌ها، سرور و آشفتگی زبان دل بود که هیچ زبان بشری نمی‌تواند آن را بیان کند.

۵۹. این لکنت زبان دعاگوی نوپا شبیه اولین کلمات نوزاد است که شادی و زندگی را به همراه دارد.

۶۰. روح بالغ می‌داند که کلمات انسانی برای بیان معانی عمیق معنوی کافی نیستند؛ گاهی باید سکوت کرد تا با زبانی خاص به خدا سخن گفت.

۶۱. خدا از ما خرسند می‌شود وقتی افکارمان را به سوی او بلند می‌کنیم و اجازه می‌دهد حضورش را احساس کنیم و آرامش یابیم.

۶۲. با خدا آزادانه و صمیمانه صحبت کن، حتی اگر ناتوان در بیان باشی؛ او همیشه می‌فهمد و پاسخ می‌دهد.

۶۳. رنج‌ها و آرزوهایت را در سکوت واگذار کن و آرام آرام دعای خودت را بیافرین؛ تا زمانی که آماده ارتباط کامل با خدا شوی.

۶۴. دعا می‌تواند طولانی یا کوتاه باشد، بسته به نیاز و شرایط شما؛ اگر بدن خسته نباشد و توجه‌تان پرت نشود، می‌توانید ساعت‌ها در سعادت معنوی بمانید، اما در مواجهه با بحران ممکن است دعایتان فقط به یک ثانیه خلاصه شود.

۶۵. در دعا چیزی مهم‌تر از کلمات، عشق، ایمان و نیازی است که به خدا نشان می‌دهید؛ گاهی فقط یک لحظه احساس واقعی کافی است.

۶۶. دعا را در هر مکانی می‌توانید به زبان آورید، زیرا مکان برای خدا اهمیتی ندارد، بلکه روح شما مهم است.

۶۷. خدا در روح و حقیقت پرستش می‌شود، نه در مکان‌های خاص؛ پرستش واقعی از دل و روح انجام می‌پذیرد.

۶۸. دعای ربانی نمونه‌ای از دعای کامل است که باید با اطاعت، فروتنی، اعتراف، سپاسگزاری، ایمان، امید و تکریم ادا شود؛ دعایی که از قلب برخاسته باشد.

««««نماز یومیه»»»»

۶۹. شاگردان باید روزانه دعای معنوی بخوانند و نیات خیر خود را در آن بگنجانند تا به کمال برسند.

۷۰. دعا فرصتی برای تجربه آرامش و دریافت الهامات الهی است که راهنمایی و روشنایی برای زندگی فراهم می‌کند.

۷۱. از دعا غافل نشوید، حتی اگر فقط چند دقیقه طول بکشد؛ اگر دعا کوتاه است، با وجدان و مراقبه به پیشرفت خود توجه کنید.

۷۲. اگر هنگام دعا گذر زمان را احساس نکنید، نشانه پیشرفت معنوی شماست و خروجی از اسارت مادی‌گرایی.

۷۳. کسانی که روزانه خود را بازبینی می‌کنند، تفکر، زندگی، گفتار و احساسات‌شان را بهبود می‌بخشند.

۷۴. خرد از طریق دعا به دست می‌آید، اما دعا نباید طولانی باشد؛ پنج دقیقه دعا کافی است تا تسلیم کامل به خدا شوید و بقیه زمان را به کمک به همنوعان اختصاص دهید.

۷۵. هر روز صبح با دعا کردن و نزدیک شدن به نور الهی، روز خود را برنامه‌ریزی کنید؛ قوی و پایدار باشید و از ایمان و اطاعت کوتاهی نکنید.

۷۶. پایداری شما در اعمال، نتایجی شگفت‌انگیز به همراه خواهد داشت.

۷۷. روز هفتم، روز استراحت است که به خدا اختصاص داده شده؛ فرصتی برای آرامش، تفکر معنوی و ارتباط با خدا از طریق دعا.

۷۸. این روز به انسان اجازه می‌دهد سختی‌های زندگی را فراموش کند و با وجدان خود گفتگو کند، توبه کند و تصمیمات والایی بگیرد.

۷۹. سابقاً سبت برای استراحت، دعا و مطالعه شریعت بود، اما مردم فراموش کردند در این روز به احساسات برادری و وظایف معنوی نسبت به دیگران توجه کنند.

۸۰. با آمدن مسیح یاد گرفتید که حتی در روزهای استراحت باید به نیکوکاری و انجام کارهای خیر ادامه دهید.

۸۱. عیسی می‌خواست به شما بگوید که گرچه این روز به تأمل و بازیابی جسمی اختصاص دارد، اما زمان و مکان مشخصی برای انجام مأموریت روح تعیین نشده است.

۸۲. با وجود تأکید استاد، مردم به دلخواه خود روز استراحت را انتخاب کردند؛ برخی سبت را رعایت کردند و برخی یکشنبه را برای مراسم مذهبی برگزیدند.

۸۳. امروز مهم نیست که کدام روز را برای استراحت اختصاص می‌دهید، بلکه مهم است که هر روز در مسیری که به شما نشان داده شده است قدم بردارید و بدانید دعای شما در هر زمان و مکانی می‌تواند انجام شود.

««««بخواهید و به شما داده خواهد شد»»»»

۸۴. من آگاه به زخم‌ها و رنج‌های قلب شما هستم و می‌گویم: «بخواهید، و به شما داده خواهد شد.» من آمده‌ام تا آرامش، شفا، همراهی و نور را به شما ببخشم.

۸۵. از بدبختی نترسید؛ آن موقتی است و باید با دعا و صبر ایوب از آن بگذرید. فراوانی و شکرگزاری باز خواهند گشت.

۸۶. اگر بیمارید، ناامید نشوید؛ روح شما سالم است. با دعا از طریق معنویت طلب شفای جسم کنید.

۸۷. در زمان آزمون دعای کوتاه و خالصانه بخوانید تا آرامش یابید و هماهنگی با اراده خدا پیدا کنید.

۸۸. بگذارید دعای شما هدایت شده توسط نیات و اعمال روزانه باشد. اگر بخواهید چیزی از خدا بخواهید، به سادگی بگویید: «پدر، اراده تو در من انجام شود.» این جمله ساده درخواست شما را از آنچه می‌دانید فراتر می‌برد و دعای ربانی را آسان‌تر می‌کند.

۸۹. این دعا، دعایی است که همه چیز را در بر می‌گیرد و بهترین بیان برای روح شماست؛ لب‌ها نیستند که باید آن را بگویند بلکه قلب شما آن را احساس می‌کند. من زبان روح را می‌فهمم و نیازی به بیان کلمات نیست. آیا شادی بزرگتری از این هست که بدانی من وابسته به کلمات تو نیستم؟

۹۰. من به شما آموخته‌ام که برای دیگران دعا کنید و شفاعت داشته باشید؛ اما وقتی برای خودتان دعا می‌کنید، من نیز گوش می‌دهم. اکنون، دیگر زمان پاسخ دادن به درخواست‌های نابالغ گذشته و اراده من این است که با ذهن و قلب باز و تسلیم، به من اجازه دهید اراده‌ام را در شما تحقق بخشد.

۹۱. هنگام پرسش یا درخواست از من، لازم نیست خود را به زحمت بیندازید یا کلمات دقیق بیابید. همین که با قلبی پاک حضور من را بخواهید، کافی است. من همه چیز را می‌دانم و نیازی به توضیح ندارم.

۹۲. شناخت آموزه‌های من رضایت و فرصت‌های پیشرفت را برای شما به ارمغان می‌آورد. پیش از هر تصمیم، دعا کنید؛ دعا راهی کامل برای درخواست از پدر است، جایی که نور و قدرت برای زندگی خواهید یافت.

۹۳. به زودی در دعا به روشن‌بینی خواهید رسید که به شما کمک می‌کند خیر و شر را از هم بازشناسید و بدانید که چه باید کرد—نشانه‌ای روشن بر آمادگی شما برای شنیدن صدای روح.

۹۴. سختی‌ها را با صبر تحمل کنید. اگر معنای آزمایش‌ها را درنیافتید، دعا کنید و من برای شما آنها را آشکار خواهم ساخت تا درونتان آن‌ها را تصدیق کنید.

۹۵. هر بار که از روی نادانی و سردرگمی از من طلب ترحم و بخشش کنید، نشان می‌دهید که شناخت کمتری از من دارید؛ دعا کنید تا به درک عمیق‌تری از رحمت و راهنمایی من برسید.

۹۶. آیا می‌خواهی که بر دردت شفقت کنم؟ از من خواهش کن که بر فرزندانم رحم کنم و گناهانت را ببخشم؛ من که خود عشق، لطف، رحمت و بخشش هستم.

۹۷. خوب است که برای کسانی که قلب سنگی دارند دعا کنی و بخواهی که در دلشان شفقت نسبت به همنوعانشان زنده شود؛ اما هرگز از این کلمات برای تحت تأثیر قرار دادن خدای مهربان و عاشق خود استفاده نکن.

۹۸. از نعمت‌های بزرگ پدری که در تمام جنبه‌های زندگی به تو عطا کرده، شاکر باش. هرگز آنچه به روح و جسمت آسیب می‌رساند نخواه؛ من بیش از چیزی که بتوانی تصور کنی برای تو دارم. اگر قانون را به خوبی عمل کنی، جلال من را خواهی دید.

««««نعمت شفاعت»»»»

۹۹. دعا را فقط با کلمات بیان مکن؛ با روح و دل دعا کن. بیاموز که بهترین برکت‌ها را به دیگران بفرستی، بدون اینکه از خودت چیزی طلب کنی. هر که به امور من بپردازد، همواره نگهبان من خواهد بود.

۱۰۰. بذری که با عشق می‌کاری، به شکلی گوناگون به سوی تو باز می‌گردد.

۱۰۱. دعا را فقط در زمان‌های سخت نکن؛ در آرامش نیز دعا کن تا قلب و ذهنت در توجه به دیگران قوی باشد. هم‌چنین برای کسانی که به تو آسیب رسانده‌اند شفاعت کن، نه فقط کسانی که به تو خوبی کرده‌اند.
۱۰۲. اکنون به تو می‌آموزم که با قلب و ذهن، همه را برکت دهی، چون همانند پدر خود که گرمای خود را به همه می‌بخشد، تو نیز باید برکت دهنده باشی. برکت‌های تو آرامش و قدرت را به دیگران منتقل خواهد کرد، حتی اگر نسبت به آنها ایمان نداشته باشی.
۱۰۳. چه می‌شد اگر همه مردم، حتی بدون شناخت یکدیگر، به یکدیگر برکت می‌دادند؟ صلح کامل بر زمین حکمفرما می‌شد و جنگ غیرممکن می‌گردید!
۱۰۴. برای تبدیل این رؤیا به واقعیت، باید با پشتکار و فضیلت روح خود را تعالی دهی. آیا این کار برای تو غیرممکن است؟

۱۰۵. بخواهید تا به شما داده شود. هر آنچه را برای خیر همنوعان خود می‌خواهید، از من بخواهید. درخواست خود را با نیازهای آنان یکی کنید و من عطا خواهم کرد.

«««ضرورت نماز»»»

۱۰۶. بارها گفته‌ام: «بیدار باشید و دعا کنید.» اما نمی‌خواهم این توصیه به عادت بدل شود؛ بلکه می‌خواهم آن را بیاندیشید و عمل کنید.

۱۰۷. دعا کننده از غرق شدن در افکار زائد و مادی محفوظ می‌ماند، و افکارش چون شمشیری نورانی حجاب‌های تاریکی و دام‌های وسوسه را می‌درد و نیروهای شر را دفع می‌کند.

۱۰۸. بسیاری در شکوه دنیوی گرفتار شده‌اند و فرصت تأمل معنوی و کشف ذات خود را ندارند؛ هر که دعا کند با پدر صحبت می‌کند و پاسخ می‌گیرد. جهل معنوی ناشی از کمبود دعاست.

۱۰۹. زمان دعای حقیقی نزدیک است؛ زمانی که پرستش خدا بدون تعصب و دعا پیش از هر کاری خواهد بود، زمان فهم حق روح و جهان و حفاظت از آنچه به شما سپرده شده.

۱۱۰. اگر پیش از عمل، در دعا از پدر بخواهید، مسلماً اشتباه نخواهید کرد؛ دعاکننده در ارتباط با خدا زندگی می‌کند، برکت را می‌داند و معنای آزمون‌ها را درک می‌کند.

«««اثرات شفابخش زندگی دعاگونه»»»

۱۱۱. همیشه گفته‌ام دعا کنید؛ امروز می‌گویم دعا راهی به خرد است. اگر همه دعا کنند، گمراهی نیست، بیماران شفا می‌یابند، کافری نیست و آرامش به روح‌ها بازمی‌گردد.

۱۱۲. چگونه ممکن است انسان شاد باشد اگر فیض و رحمت من را رد کند؟ این به معنای انکار عشق، مهربانی و رحمت به عنوان ویژگی‌های اساسی زندگی انسانی است.
۱۱۳. کلامی که در آن عشق نباشد، جان و قدرت ندارد. برای آغاز عشق ورزیدن باید دعا کردن صحیح را بیاموزید؛ این ارتباط شما را با استاد، که من هستم، عمیق‌تر می‌کند.
۱۱۴. دعا به شما آرامش، الهام و قدرت می‌دهد و رضایتی گرانبها که می‌توانید بدون واسطه، صمیمانه با خدا سخن بگویید. در این لحظه، خدا و روحتان متحد و پیوند خورده‌اند.
۱۱۵. هرگاه به دوست مهربان و محرم اسرار نیاز داشتی، به من روی بیاور و اندوه‌هایت را با من در میان بگذار؛ من تو را در راهی که می‌جویی راهنمایی خواهم کرد.
۱۱۶. اگر روحت زیر بار گناهان سنگین شده، بدان که من تو را می‌پذیرم و در قضاوت بر تو سهل‌گیر خواهم بود و تو را برای بهبود و بازگشت قدرتت یاری می‌کنم.
۱۱۷. تنها با پیروی از دستورهای من، فیض و برکت دریافت خواهی کرد؛ سلامت جسم و روح خود را حفظ کن تا نوری در روحت انباشته شود که تو را به تدریج تعالی بخشد.
۱۱۸. روحی که هوشیارانه زندگی کند، هرگز از راهی که پروردگار تعیین کرده منحرف نمی‌شود و استعدادهایش را برای تکامل والاتر به کار می‌گیرد.
۱۱۹. این روح در آزمایش‌ها پیشرفت می‌کند چون زندگی‌اش آگاهانه است و هرگز اجازه نمی‌دهد ماده او را کنترل کند. آن که مراقب باشد و دعا کند، همواره از بحران‌ها پیروز خارج می‌شود و با گام استوار به مسیرش ادامه می‌دهد.
۱۲۰. کسی که دعا و مراقبه را فراموش می‌کند، از بهترین سلاح‌های ایمان، عشق و دانش چشم‌پوشی می‌کند؛ او صدای درونی را که از طریق شهود، وجدان و رویا با او سخن می‌گوید نمی‌شنود و پیام ذهن خود را باور نمی‌کند.
۱۲۱. دعا وسیله‌ای برای وحی به روح شماست؛ از طریق این گفت‌وگو شک و تردیدها را کنار بگذار و پرده‌های رازها را بگشای.

۱۲۲. دعا آغاز گفت‌وگوی روح با روح است که در آینده شکوفا می‌شود و به بشریت ثمر خواهد داد.
۱۲۳. امروز این پیام‌ها را برای کسانی که به من گوش می‌دهند آشکار کرده‌ام تا پیشگامان عصر روحانی شدن باشند.

«««قدرت دعا»»»

۱۲۴. وقتی برای همنوعانت دعا می‌کنی، از نبردی که در قلمرو معنوی علیه شر جریان دارد بی‌خبر هستی؛ افکارت چون شمشیر صلح، عقل و عدالت در برابر سلاح‌های نفرت و انتقام می‌ایستند.
۱۲۵. اکنون زمان آن است که مردم از قدرت دعا آگاه شوند. برای اینکه دعا قدرت واقعی داشته باشد، باید آن را با عشق به سوی من بفرستی.
۱۲۶. پیوند قدرت فکری و روحی در دعا، نیرویی برتر از تمام توان‌های انسانی می‌آفریند.
۱۲۷. دعا ضعیفان را تقویت، ترسوها را شجاع، نادانان را روشن و خجالتی‌ها را بی‌پروا می‌کند.
۱۲۸. وقتی روح با عقل هماهنگ شود و به دعای حقیقی برسد، به سربازی نامرئی تبدیل می‌شود که خود را از جسم رها کرده و برای نیکی، دور کردن شر و آوردن نور و آرامش به نیازمندان می‌کوشد.
۱۲۹. در میان هرج و مرج بشریت، قدرت کار با روح و عقل چقدر مهم است؛ جایی که احساسات و تفکر در تقابلند و روح‌ها در تاریکی‌اند.
۱۳۰. تنها کسانی که از طریق دعا افکار و روح خود را به نور و صلح می‌برند، می‌توانند در این دنیای مبارزه بدون شکست وارد شوند و نوری برای دیگران به جا بگذارند.
۱۳۱. بیاموزید چگونه دعا کنید؛ دعا سپری است که هم دفاع و هم سلاح است. در برابر دشمن، با دعا از خود محافظت کنید، اما بدانید این سلاح آسیب‌رسان نیست و تنها هدف آن آوردن نور به تاریکی است.

۱۳۲. نیروهای طبیعت علیه بشریت به کار گرفته شده‌اند، اما نترسید؛ من به شما قدرت داده‌ام تا بر شر غلبه کنید و همنوعانتان را محافظت نمایید. به این عناصر ویرانگر فرمان دهید تا متوقف شوند، و آنها اطاعت خواهند کرد. اگر در دعا و هوشیاری بمانید، قادر به خلق معجزات خواهید بود و جهان را حیرت‌زده می‌کنید.

۱۳۳. خالصانه دعا کنید و با روح من رفاقت کنید. لازم نیست مکان خاصی باشد؛ زیر درخت، جاده، کوه یا گوشه تخت خود دعا کنید، من پایین می‌آیم تا با شما سخن بگویم، شما را روشن کنم و قدرت دهم.

۱۳۴. اگر روح، اندیشه و اراده‌تان متحد بود، تنها دعای شما کافی بود تا ملت‌هایی را که آماده حمله‌اند متوقف کنید. شما دشمنی‌ها را از بین می‌برید، سپر ضعیفان می‌شوید و شمشیری نامرئی که قدرت‌ها را شکست می‌دهد.

۱۳۵. در مقابل این قدرت برتر، بشریت باید مکث کند و تأمل، که او را از شوک‌ها و مصائب شدید طبیعت نجات می‌دهد.

۱۳۶. اگر ایمان قوی و دانش بیشتری از قدرت دعا داشتید، کارهای رحمت‌آمیز فراوانی با عقل خود انجام می‌دادید، اما هنوز کامل به قدرت دعا اهمیت نداده‌اید و بسیاری از لحظات واقعی آن را دریابید.

۱۳۷. آیا نمی‌بینید که نیرو والاتری مانع جنگ‌های ویرانگر شماست؟ این معجزه تحت تأثیر دعاهای میلیون‌ها انسان است که با روحشان با تاریکی و جنگ‌افروزی می‌جنگند. به دعا و مراقبه ادامه دهید و تمام ایمان خود را در این راه به کار گیرید.

۱۳۸. ای مردم، دعا کنید و ردای آرامش بر افکار جنگ، درد و بدبختی بگسترانید؛ این سپر محافظتی است که همنوعانتان را در پرتو روشنایی و امنیت نگاه خواهد داشت.

«««عشق به خدا و همسایه به عنوان پرستش خدا»»»
۱۳۹. ای شاگردان نو، بدانید که احترام و پرستش شما نسبت به خداوند باید پیوسته باشد، بی‌نیاز از زمان‌ها یا مناسبت‌های خاص، همانند عشقی بی‌تغییر و پایدار پدر به شما. اگر بخواهید بدانید چگونه روزانه کارهای عاشقانه‌ام را یادآوری کنید بدون تعصب، پاسخ این است: زندگی خود را با عشق ورزیدن به یکدیگر و احترامی مداوم پر کنید.
۱۴۰. با این نگرش عمل کنید و من با فروتنی هر آنچه از من بخواهید به شما خواهم داد؛ بخشودگی گناهانتان، تسلی و آرامشی عمیق. اما بدانید وقتی خطاهایتان را شناختید و وجدان‌تان آن‌ها را قضاوت کرد، دعا کنید، اصلاح کنید، قوی شوید تا دوباره به همان گناه برنگردید و لازم نباشد بارها طلب بخشش کنید. کلام من راهنما برای شماست.
۱۴۱. زمانی که به جمعیتی گفتم «من تشنه‌ام» آنها نمی‌فهمیدند و از درد من لذت می‌بردند. امروز نیز می‌بینم نه تنها جمعی بلکه جهان، بی‌خبر از دردی که بر روحم گذشته، مرا جریحه‌دار می‌کند.
۱۴۲. تشنگی من بی‌پایان و عظیم است و تنها عشق تو آن را فرو خواهد نشاند. هنوز هم فرصت هست، چرا به جای عشق، آیینی ظاهری به من تقدیم می‌کنید؟ آیا نمی‌دانید وقتی از شما آب می‌خواهم، شراب زهرآلود می آورید؟
۱۴۳. به شما می‌گویم، کسانی که رنج فراوان کشیده‌اند و اغلب مرا نیز رنجانده‌اند، با شور و شوق فراوان مرا دوست خواهند داشت؛ از دل‌هایشان نذورات پیوسته‌ای به درگاه من جاری خواهد شد. این نذورات نه مالی‌اند، نه ترانه و نه مناسک ظاهری، بلکه اعمال عاشقانه‌ای است که برای برادران خود انجام می‌دهند.
۱۴۴. روز به روز دعای معنوی شما به من می‌رسد؛ زبانی که طبیعت زمینی توان درک آن را ندارد، نه از کلمات لب‌های شما و نه از مفاهیم ذهن شما؛ بلکه دعای عمیق روح است که فراتر از توانایی‌ها و حواس انسانی است.
۱۴۵. در این دعا، روح به قلمروهای نور و آرامش که محل سکونت ارواح والا است وارد می‌شود؛ جایی که از آن تغذیه می‌کند و سپس با قدرتی تازه به جسم بازمی‌گردد.
۱۴۶. مردم، زمان آن رسیده که بیاموزید چگونه دعا کنید. امروز به شما نمی‌گویم به خاک بیفتید یا فقط با لب‌هایتان دعا کنید یا از کلمات پیچیده بهره ببرید. بلکه از شما می‌خواهم در افکارتان به من روی آورید، روحتان را تعالی دهید و من همیشه حضورم را احساس خواهم کرد. اگر نمی‌دانید چگونه با خدای خود سخن گویید، توبه و درد و افکارتان برای من کافی است؛ عشق شما برای من کفایت می‌کند.

۱۴۷. این زبانی است که من می‌شنوم و می‌فهمم؛ زبانی بدون کلام، زبانی از راستی و صداقت. این دعایی است که در این عصر سوم به شما آموخته‌ام.

۱۴۸. هرگاه عمل نیکی انجام دهید، آرامش، سکون و امید مرا احساس خواهید کرد، زیرا در آن لحظه پدر بسیار به شما نزدیک است.

۱۴۹. من از هر گونه غرور و تکبر انسانی بیزارم، زیرا تنها آنچه که روحانی، شریف و خالص است به روح من می‌رسد. به یاد بیاورید که به زن سامری گفتم: «خدا روح است و کسانی که او را می‌پرستند، باید او را در روح و حقیقت پرستش کنند.» مرا در بی‌نهایت و پاکی جستجو کنید و آنجا مرا خواهید یافت.

۱۵۰. چرا چیزی را که برای تو آفریده‌ام به من می‌دهی؟ چرا به من گل می‌دهی در حالی که کار خودت نیست؟ اما اگر کارهایی از عشق، رحمت، بخشش، عدالت و کمک به همسایه‌ات را به من تقدیم کنی، این ادای احترامی معنوی خواهد بود؛ همچون نوازشی و بوسه‌ای که فرزندان از زمین به سوی پدرشان می‌فرستند.

۱۵۱. من نمی‌خواهم پرستش خدا را محدود به مکان‌های مادی کنید، زیرا در این صورت روح خود را زندانی می‌کنید و نمی‌گذارید بال‌هایش برای رسیدن به ابدیت باز شود.

۱۵۲. محرابی که به شما می‌سپارم زندگی خود شماست، بدون محدودیت، فراتر از همه ادیان و فرقه‌ها، زیرا بر معنویت، ابدیت و الوهیت بنا شده است.

««««گفتگوی بین خدا و انسان»»»»

۱۵۳. امروز به شما آموزه‌ای می‌دهم که پس از فهمیدن، آسان‌ترین راه برای پرستش است، هرچند برای جهانیان ممکن است ناممکن جلوه کند: پرستش عشق به خدا از طریق زندگی، اعمال و دعای معنوی‌تان؛ دعایی که در مکان خاص یا آیین‌های ظاهری محبوس نیست.
۱۵۴. در حالی که مردم خدا را دور و دست‌نیافتنی می‌خواستند بشناسند، من به آنها نشان دادم که از مژه‌های چشمانشان نیز به آنها نزدیک‌ترم.

۱۵۶. اگر می‌دانستند چگونه دعا کنند و دل و ذهنشان را با روح خویش متحد سازند، می‌توانستند صدای الهی خداوند را در عمق روحشان بشنوند و حضور نزدیک او را احساس کنند. اما اگر تنها به عبادت ظاهری و التماس‌های سطحی بسنده کنند، چگونه می‌توانند حضور حقیقی مرا حس کنند؟ وقتی خدا را با تصاویر ساخته‌ی دست خود پرستش کنند، چگونه روحشان را حساس و بیدار نمایند؟
۱۵۷. می‌خواهم بدانی که من بسیار به تو نزدیکم، تا تو بتوانی به راحتی با من ارتباط برقرار کنی، مرا حس کنی و الهام‌هایم را دریافت کنی.
۱۵۸. سکوت را تمرین کن؛ سکوت به روح کمک می‌کند تا خدا را بیابد. این سکوت مانند چشمه‌ی دانش است که همه‌ی کسانی که به آن پا می‌گذارند، پر از شفافیت و حکمت می‌شوند. سکوت مکانی است محرمانه و غیرقابل نفوذ برای دیگران که فقط روح به آن دسترسی دارد. انسان‌ها همواره دانش این مکان پنهان را در درون خود دارند که می‌تواند پل ارتباطی آن‌ها با خدا باشد.
۱۵۹. مهم نیست کجا هستی؛ در بالای کوه، در اعماق دره، در میان شلوغی شهر یا آرامش خانه، یا حتی در میان نبردها، اگر مرا در سکوت عمیق وجودت بجویی، دروازه‌های معبد جهانی و نامرئی فوراً باز می‌شوند تا بتوانی حضور پدرت را در هر روح احساس کنی.
۱۶۰. وقتی درد آزمون‌ها تو را به زانو درآورد و رنج‌های زندگی احساساتت را تخریب کرد، وقتی شعله‌اشتیاق برای یافتن آرامش در دل‌ات شعله‌ور می‌شود، به خلوت خود پناه ببر، به اتاقی یا دشتی ساکت؛ آنجا، با هدایت روح، روحت را بالا ببر و در آرامش غوطه‌ور شو. سکوت قلمروی روح است، قلمرویی که چشمان فیزیکی نمی‌بینند.
۱۶۱. در لحظه ورود به وجد معنوی، حواس بالاتر بیدار می‌شوند، شهود ظاهر می‌گردد، الهام درخشنده می‌شود و آینده قابل دریافت است؛ زندگی معنوی به وضوح چیزهایی را می‌بیند که پیش‌تر دست نیافتنی بود.
۱۶۲. اگر می‌خواهی وارد سکوت این پناهگاه و گنجینه شوی، باید خودت راه را پاک سازی کنی، زیرا تنها با پاکی واقعی می‌توانی به آن نفوذ کنی.
۱۶۳. نیاز است پیامبران من دوباره ظهور کنند تا بشریت را نصیحت کنند، زیرا در حالی که ملت‌هایی به سوی نابودی خود می‌روند، کسانی که نور مرا دریافت کرده و بی‌طرفانه بشریت را قضاوت می‌کنند، از جاه‌طلبی و خشونت کور شده و از انجام وظیفه خود یعنی نشر مژده و نصیحت ترس دارند.

۱۶۴. اگر مردم می‌دانستند چگونه با روح خود دعا کنند، صدای مرا می‌شنیدند و الهاماتم را دریافت می‌کردند. اما هر بار که دعا می‌کنند، حجابی بر چشمان معنویشان قرار دارد که نور حضورم را می‌پوشاند. من باید در لحظاتی که بدن‌هایشان در آرامش است، به سراغشان بیایم، روحشان را بیدار کنم، آنها را صدا بزنم و با آنان سخن بگویم. مسیح چون دزدی در دل شب به قلب شما نفوذ می‌کند.
۱۶۵. بیاموزید که همزمان دعا و مراقبه کنید تا دانش و فهم در هر یک از شما آشکار شود.
۱۶۶. معنویت یعنی آزادی. آنانی که اکنون صدای مرا می‌شنوند و این آموزه رهایی‌بخش را درک کرده‌اند، دره‌ای وسیع را پیش رو دارند که در آن مبارزه خواهند کرد و شهادت خواهند داد به اینکه زمان آن فرارسیده که خداوند، برای برقرار کردن گفتگویی میان خود و انسان آمده است.
۱۶۷. آموزه‌های مسیح روحانی بودند، اما انسان‌ها آنها را در آیین‌ها و اشکال پیچیده کردند تا قابل فهم‌تر شوند و بدین وسیله غنای روح را به پستی و بلندی بکشند.
۱۶۸. شما وارد عصر روح شده‌اید، عصری از وحی‌های بزرگ؛ عصری که در آن مادیت، فریب و نقص از تمامی آیین‌ها ناپدید می‌شود و هر فرد خدای کاملاً روحانی خود را از طریق روح خویش خواهد شناخت و شکل کامل ارتباط را کشف خواهد کرد.
۱۶۹. زمانی که مردم یاد بگیرند چگونه با روح من گفتگو کنند، نیازی به جستجوی کتاب‌ها یا پرسش از دیگران نخواهند داشت.
۱۷۰. امروز هنوز بسیاری از کسانی که خود را عالم می‌دانند سؤال می‌کنند و مردم به دنبال نوشته‌ها و کتاب‌ها برای یافتن حقیقت می‌گردند.
۱۷۱. اگر روزانه مدتی کوتاه به مراقبه می‌پرداختید و مراقبه‌تان مربوط به زندگی معنوی باشد، کشف‌های بی‌پایانی خواهید داشت و الهامات فراوانی خواهید یافت که به هیچ روش دیگری ممکن نیست.
۱۷۲. روح شما از پیش نور کافی دارد تا از من بپرسد و پاسخ مرا دریافت کند. روح انسان به سطح بالایی از رشد رسیده است. به انسان‌های ساده و با دانش کم نگاه کنید که با مشاهده و بینش‌های عمیق خود ما را شگفت‌زده می‌کنند.در فصل اول، روشن است که آنها آنچه برای دیگران غیرقابل توضیح است را شیوا به خود توضیح می‌دهند. آیا این از کتاب‌ها یا مدارس است؟ خیر. بلکه از طریق شهود یا ضرورت، توانایی مراقبه را کشف کرده‌اند که بخش مهمی از دعای معنوی است. در خلوت خود، دور از تأثیرات و تعصبات، راه ارتباط با ابدیت، معنویت و حقیقت را یافته‌اند؛ برخی بیشتر، برخی کمتر

۱۷۳. تو می‌پرسی دعا شامل چه چیزهایی می‌شود و من به تو پاسخ می‌دهم: اجازه ده که روحت آزادانه به سوی پدر برخیزد؛ با اعتماد و ایمانی کامل خود را به آن عمل تسلیم کن؛ با قلب و ذهنت تأثیراتی را که روح دریافت می‌کند بپذیر؛ اراده پدر را با فروتنی حقیقی تأیید کن. هر کس به این طریق دعا کند، در هر لحظه زندگی‌اش از حضور من لذت می‌برد و هرگز احساس نیاز نخواهد کرد.

۱۷۴. در پاک‌ترین بخش وجود انسان، یعنی روحش، در این زمان قانونم را خواهم نوشت، صدایم را خواهم شنید و معبدم را برپا خواهم کرد؛ زیرا آنچه در درون انسان نیست، گویی وجود ندارد. اگر در روح نیست، انگار نیست...

۱۷۵. چه کسی کلیساهای مادی عظیمی به افتخار من برپا کند یا جشن‌ها و مراسم مجللی را به من تقدیم کند، این تقدیم‌ها به من نمی‌رسد زیرا معنوی نیستند. هر آیین ظاهری همیشه در دل خود غرور و خودنمایی دارد. با این حال، تقدیم پنهانی ـ آنچه جهان نمی‌بیند و از روحم به روح دیگر به من تقدیم می‌شود ـ به دلیل فروتنی، اخلاص، صداقت و راستی‌اش، و به تعبیر ساده چون از روح است، به من می‌رسد.

۱۷۶. مَثَل من را که در «بار دوم» به شما داده شد و به مَثَل فریسی و باجگیر معروف است، به یاد آور تا بفهمی تعلیم من در تمام زمان‌ها یکسان بوده است.

۱۷۷. آیا می‌دانی که برخی بدون شایستگی دوست داشته می‌شوند؟ من اینگونه تو را دوست دارم. صلیب خود را به من بده، غم‌هایت را به من بسپار، امیدهای از دست رفته‌ات را به من بسپار، بار سنگینت را بر دوشم بگذار: من تمام دردها را تحمل خواهم کرد. از بار خود رهایی یاب تا شاد باشی؛ به محراب عشق من وارد شو و مقابل محراب کیهان در سکوت باش تا روحت با پدر به زیباترین زبان، یعنی زبان عشق، گفتگو کند.

فصل۱۸-آثار رحمت و اهمیت محوری عشق
««««برکت عطف به سوابق اعمال نیک»»»»

۱. انواع رنج‌ها و دردهای انسان را ببین و بگذار دلت با دیدن این دردها دلسوزتر شود.

۲. اگر در اعماق وجودت اشتیاقی والا برای کار نیک داری، بگذار این انگیزه غالب شود؛ این پیام روح است که بدن را آماده یافته است.

۳. نیکوکاری باید همیشه در اولویت باشد و هرگز از آن پشیمان نشو؛ زیرا این فضیلت بزرگ‌ترین شادی و تعالی را به روح می‌بخشد.

۴. با رحمت به همنوعان، روح خود را پاک می‌کنی و بدهی‌های قدیمی را تسویه می‌کنی و زندگی معنوی‌ات را ارتقا می‌دهی.

۵. وقتی به دروازه‌ای رسیدی که همه روزی بدان خواهند رسید، ندای خوشامدگویی دنیای معنوی را خواهی شنید که تو را برای تجدید و معنویت فرا می‌خواند.

۶. کسانی که درد بی‌وفائی و رنج را در دل دارند و به ملاقات و تسلی آنان می‌روند، خوشبخت‌اند، زیرا روزی دوباره این محبت پاسخ داده خواهد شد.

۷. لحظه‌ای که کلام مرا به قلب کسی رساندی و دلسوزانه مراقبش بودی، اثر آن همیشه در روحش می‌ماند و او تو را هرگز فراموش نمی‌کند.

۸. همانطور که نسیم و خورشید شما را نوازش می‌کنند، شما نیز همسایگان خود را نوازش کنید، مخصوصاً نیازمندان؛ هر کسی که از تو محبت می‌طلبد، در حقیقت به تو فیض خدمت به دیگران را عطا می‌کند.عمل کن که خداوند به تو فرصت می‌دهد مهربان باشی و شبیه پدرت شوی. تو برای کاشتن بذر نیکی در جهان آمده‌ای؛ هر کس از تو چیزی بخواهد، به تو لطف کرده است.

۹. ای شاگردان، برترین وظیفه شما نیکوکاری است! اغلب آن را بی‌صدا و بی‌پرده انجام دهید، اما گاهی باید دیگران شاهد باشند تا به شرکت در آن تشویق شوند.

۱۰. نگران پاداش خود نباشید! من پدری عادل هستم که هر عمل را بی‌کم‌وکسر پاداش می‌دهم.

۱۱. اگر یک لیوان آب را با عشق واقعی بدهی، بی‌پاداش نخواهد ماند.

۱۲. خوشا بر کسانی که بدون انتظار پاداش نزد من می‌آیند و فقط با آگاهی از فرزندی من، در روحشان شادی دارند.

۱۳. آرزوهای خودخواهانه برای پاداش مادی نداشته باشید؛ زیرا در قلمرو معنوی، این امر موجب سرخوردگی دردناک خواهد شد.

۱۴. مردان و زنانی بوده‌اند که خیریه می‌کردند اما وقتی پیش من آمدند، شادی معنوی نداشتند، زیرا اعمالشان صادقانه نبود. آنها یا برای منافع شخصی یا به خاطر غرور و خودخواهی عمل کردند. بدون صداقت و عشق واقعی، هیچ پاداشی دریافت نخواهید کرد.

۱۵. نیکوکاری ظاهری ممکن است در زمین تحسین آورد، اما فقط صداقت و خلوص وارد قلمرو من می‌شود. پیش از ورود باید همه اشرافیت و عناوین دنیوی را رها کنید و به‌صورت ارواحی ساده در برابر خالق حاضر شوید و دربارهٔ وظایف خود پاسخگو باشید.

۱۶. هر که از عشق بخواهد به همسایه خدمت کند، خود را وقف راه‌های متعدد زندگی برای نیکی می‌کند. آنان می‌دانند که انسان‌هایی هستند که با اراده الهی برای اهداف عالی به کار گرفته شده‌اند. ای شاگردان، باید دانش بیاموزید تا بتوانید کسانی را که در راه پیشرفت گم شده‌اند از خطاها نجات دهید.

۱۷. عشق حقیقی، فراتر از احساسات قلبی، ثمره حکمت است. ببین چگونه با کلامم حکمت را در تخیلت می‌کارم و منتظر ثمره عشق تو هستم.

۱۸. راه‌های متعددی برای نیکی، تسلی و خدمت وجود دارد؛ همه جلوه‌های یک عشق واحد و حکمت روح هستند.

۱۹. برخی در مسیر علم، برخی در مسیر ذهن، و برخی با هدایت احساس قدم می‌نهند، و در نهایت هماهنگی معنوی ایجاد می‌شود.

««««امور خیریه معنوی و مادی»»»»

۲۰. اگر مالی ندارید که کمک کنید، غمگین نباشید؛ دعا کنید تا نور و صلح در جای خالی بدرخشد.
۲۱. نیکوکاری واقعی، زاده شفقت است؛ اگر هنگام دادن به همنوع عشقی ندارید، در حقیقت چیزی نداده‌اید، بهتر است از آنچه می‌دهید جدا نشوید.
۲۲. ای بشریت، کی قدرت عشق را خواهید آموخت؟ تاکنون از نیروی حیاتی آن بهره نبرده‌اید.
۲۳. دشمنان نبینید، بلکه همه را برادر تصور کنید. آسان‌گیر باشید، بخشش را تمرین کنید و اجازه دهید من دربارهٔ شما قضاوت کنم.
۲۴. بیماران را شفا دهید، عقل را به گیج‌شدگان بازگردانید و ارواح کدر را نورانی کنید.
۲۵. اصل یادگیری «بار دوم»: دوست داشتن یکدیگر باید در تمام اعمال زندگی جاری باشد.
۲۶. اگر بپرسید چگونه می‌توانید همسایگان را دوست بدارید وقتی زندگی‌تان پر از کار فیزیکی است، پاسخ در عشق و نیت قلبی است.

۲۷. به فرزندانم می‌گویم: حتی در کارهای فیزیکی ساده، اگر با نیت خدمت به دیگران کار کنید، می‌توانید همسایگان را دوست داشته باشید.

۲۸. تصور کنید اگر همه با نیت نیکو کار کنند و تلاش‌هایشان را ترکیب کنند، زندگی زیباتر می‌شد و بدبختی‌ها کاهش می‌یافت، ولی اغلب فقط به خود و خانواده فکر می‌کنند.

۲۹. هیچ‌کس خودکفا نیست و همه به هم نیاز دارند. مأموریتی جهانی با عشق به یکدیگر داریم که باید متحدانه انجام شود تا همه بهره‌مند شوند.

۳۰. اگر نمی‌توانید کارهای کامل مانند عیسی انجام دهید، حداقل به آن نزدیک شوید؛ حسن نیت و کمی عشق کافی است؛ من در کنار شما هستم و قدرت خود را آشکار خواهم کرد.

۳۱. در این مسیر هرگز تنها نیستید؛ وقتی زیر بار خطاهایتان خمید، من رهایتان نمی‌کنم و در راه رسالت عشق همراه شما خواهم بود.

««««معنای جامع عشق»»»»

۳۲. آموزه‌هایم همیشه گفته‌اند که جوهره درونی همه چیز عشق است.

۳۳. عشق جوهر خداست؛ همه موجودات از آن زندگی می‌گیرند و منشأ همه آفریده‌هاست.
۳۴. در برابر این قدرت زنده‌کننده، مرگ، گناه، شهوات و ناخالصی‌ها از بین می‌روند و کامل می‌شوید.
۳۵. من وجود خودم و دلیل وجودت را آشکار کرده‌ام؛ آتش زندگی‌بخش همه چیز، عشق است.
۳۶. شما از عشق زاده شده‌اید، از آن هستید، عشق را دریافت می‌کنید و تا ابد با آن خواهید بود.

۳۷. عشق منشأ و دلیل وجود انسان‌هاست؛ بدون آن زندگی ممکن نیست. بسیاری مرگ درون دارند یا بیمارند چون کسی را دوست ندارند. شفابخشی واقعی و تعالی روحی در عشق است.

۳۸. کسی که عشق نمی‌ورزد، اندوه عمیقی از فقدان زیباترین موهبت زندگی در دل دارد.

۳۹. مسیح نیز این پیام را با زندگی و مرگش به شما آموخت: «یکدیگر را با عشقی که من نشان دادم، دوست بدارید.»

۴۰. روزی خواهد رسید که کسانی که عشق نورزیده‌اند، از تلخی رها شده و نزد من آرامش خواهند یافت و با کلام مهربان من به زندگی بازخواهند گشت.

۴۱. قدرت، خرد و حقیقت من در عشق نهفته است؛ عشق نردبانی است که از پست‌ترین انسان تا بالاترین ارواح خود را نشان می‌دهد.

۴۲. همیشه عشق بورز حتی به روش خودت. نفرت هلاکت به دنبال دارد، اما عشق بخشش و خاموشی کینه‌ها.
۴۳. کسی که عشق را با خلوص نیت به نمایش نگذارد، عشق واقعی ندارد و دانش کمی دارد؛ اما عاشق واقعی نور خرد را در خود دارد و مالک تمام اطراف خود است، چون آنچه پدر دارد، فرزندان هم دارند.
۴۴. عشق به شما خرد می‌بخشد تا حقیقتی را درک کنید که دیگران در مسیرهای علم جست‌وجو می‌کنند.
۴۵. اجازه دهید استاد در گفتار و کردار شما راهنمایی کند؛ با الگوی مهربان او هماهنگ شوید و عشق الهی را آشکار کنید تا به خدا نزدیک شوید.
۴۶. با عشق بورزی، مهربانی را مثل عیسی خواهید آموخت.
۴۷. عاشق کسی است که می‌فهمد و اراده دارد و می‌تواند کارهای بزرگ انجام دهد. بدون عشق حقیقی، به تعالی، خرد و کارهای بزرگ نمی‌رسی.
۴۸. اجازه ندهید غرور بر دلتان غلبه کند؛ عشق نماد آتش ابدیت است که همه چیز را زنده و دوباره می‌سازد.

۴۹. روح از طریق بدن و قلب عشق می‌ورزد؛ عشقی که فقط بر پایه ماده باشد زودگذر است، ولی عشق معنوی ابدی و کامل است.

۵۰. همه حیات به روح مربوط است که جاودان است؛ خود را محدود نکنید و یکدیگر را دوست داشته باشید، زیرا در شما جرقه الهی هست که در عشق مرزی نمی‌شناسد.

۵۱. از راهی که به قله می‌رسد بالا برو تا تعالیم مرا بهتر بفهمی و پیام الهی را کامل‌تر تفسیر کنی.

۵۲. زبان روح عشق است؛ عشق زبان جهانی ارواح است که اغلب بدون کلمات و از طریق عمل و فکر ابراز می‌شود؛ عشق انسانی کامل‌تر چگونه خواهد بود؟

۵۳. من حکمت، عدالت، قدرت و جاودانگی‌ام که همه از عشق سرچشمه می‌گیرد؛ عشق زندگی است و حیات جاودانه می‌بخشد.

۵۴. عشق نور، زندگی و دانش است؛ بذر ابدی که از آغاز زمان در قلب‌های شما کاشته‌ام.

««««قدرت بالای عشق»»»»

۵۵. شما در علوم خود عشقی که الهام‌بخش است را فراموش کرده‌اید؛ این عشق می‌تواند همه چیز را تغییر دهد، اما چون آن را به کار نمی‌برید، در رنج جسمی و روحی هستید.

۵۶. برای درک پیام من ابتدا باید مهربان و رقیق‌القلب باشید؛ اما برای تجربه واقعی عشق، باید خود را معنوی کنید و عشق والا را پرورش دهید؛ زندگی‌تان عشق معنوی طلب می‌کند.

۵۷. در طول تاریخ، رهبرانی بوده‌اند که قدرت عشق را به شما آموخته‌اند؛ آنان برادران پیشرفته‌تر با فهم بیشتر و خلوص عمل بودند که با تغییر زندگی‌شان به نیکی، نمونه‌ای از عشق و فروتنی شدند.

۵۸. زندگی‌های شما پر از نمونه‌های واضح از آثاری است که عشق می‌تواند داشته باشد و رنج‌های ناشی از فقدان عشق؛ اما اغلب از این درس‌ها بی‌توجهید.

۵۹. حتی شکارچیان و عناصر طبیعت به ندای عشق پاسخ می‌دهند؛ همه چیز در جهان مادی و معنوی به عشق واکنش نشان می‌دهد.

۶۰. باید همه چیز را با عشق و به نام خالق جهان متبرک کنید.

۶۱. برکت دادن یعنی تغذیه، احساس خوب، صحبت و به اشتراک گذاشتن آن و نفوذ افکار عاشقانه در اطراف.

۶۲. عشق نیرویی تغییرناپذیر است که جهان را به حرکت در می‌آورد و منشأ زندگی است.

۶۳. من زمان رستاخیز معنوی را آغاز کرده‌ام؛ اگر مردم همان‌گونه که آموخته‌اند عاشق یکدیگر باشند، مرگ از جهان رخت برمی‌بندد و زندگی بر بشریت حاکم خواهد شد و در اعمال آنها آشکار می‌گردد.

فصل۱۹-تثلیث خداوند

«««وحدت خدا با مسیح و روح القدس»»»

۱. نور کلام من در این عصر، مردم را متحد می‌کند و حقیقت در ذهن‌ها می‌درخشد تا اختلافات مذهبی از بین برود.

۲. عده‌ای یهوه را دوست دارند و مسیح را انکار می‌کنند، برخی مسیح را دوست دارند و یهوه را نمی‌شناسند، بعضی وجود مرا به عنوان روح القدس قبول دارند و برخی درباره تثلیث اختلاف دارند.

۳. از شما می‌پرسم چرا که ادعای ایمان دارید اما از یکدیگر دوری می‌کنید؟ یهوه پدر و داور، مسیح عشق و استاد، و روح القدس حکمت خداست؛ همه یکی‌اند.

۴. خدا فقط یک روح الهی است که در سه مرحله به بشریت شناسانده شده، نه سه شخص جدا؛ تفاوت نام‌ها نشان‌دهنده مراحل مختلف ظهور خداست.

۵. اگر در عصر اول هم این درک بود، مردم سه خدا نمی‌دیدند؛ اما برداشت‌های اشتباه باعث گمراهی و ایجاد خدایان متعدد شد.

۶. وقتی این حقیقت پذیرفته شود، پشیمان می‌شوند که به خاطر کم‌محبتی همدیگر را نفهمیدند.

۷. اگر مسیح عشق است، نمی‌توانید باور کنید او جدا از یهوه باشد، چرا که من خود عشق هستم.

۸. اگر روح القدس حکمت است، نمی‌توان او را جدا از مسیح دانست، زیرا من هستم که حکمت را دارم؛ «کلمه» و روح القدس دو چیز جدا نیستند.

۹. اگر اندکی از کلام عیسی که به بشریت آموخت را بدانیم، درمی‌یابیم تنها یک خدا وجود دارد؛ او گفت: «هر که پسر را بشناسد، پدر را می‌شناسد، چون او در من است و من در او.» همچنین وعده داد که روح القدس، روح تسلی و حقیقت را خواهد فرستاد.
۱۰. مسیح چرا جدا از روح القدس باید بیاید؟ آیا نمی‌توانست همه حقیقت و نور را در روح خود بیاورد؟
۱۱. من آموزگار شما هستم، اما جدا از پدر نیستم؛ چون من همان پدرم.
۱۲. بین پسر و روح القدس تفاوتی نیست؛ آن دو یک روح‌اند و آن روح من هستم.
۱۳. در تمامی وحی‌هایم شما خدای واحدی را می‌بینید که از طریق آموزه‌های مختلف به شما یک کتاب واحد ارائه کرده است.
«««سه شیوه وحی خداوند»»»
۱۴. حالا می‌دانید چرا پدر را به صورت مرحله‌ای آشکار کردم و دلیل خطاهای مبحث تثلیث.
۱۵. دیگر در ذهن خود به من شکل فیزیکی ندهید؛ خدا شکلی ندارد مانند هوش و عشق و خرد که بدون شکل هستند.
۱۶. وقتی به پدر فکر می‌کنید، مرا پیرمرد نبینید چون من خارج از زمان و سن هستم.
۱۷. وقتی مسیح را می‌بینید، تصویر فیزیکی عیسی را تصور می‌کنید؛ اما مسیح عشق الهی است که به جسم آمد، کلمه من بود که جسم گرفت و پس از رفتن جسم، با روح من ادغام شد.
۱۸. وقتی درباره روح القدس حرف می‌زنید، معمولاً نماد کبوتر را به کار می‌برید؛ اما زمان نمادها گذشته است، اکنون روح القدس را به عنوان نور و الهامی در ذهن خود می‌شناسید که ابهامات را رفع می‌کند.
۱۹. از عصری به عصر دیگر، درک مردم از من روشن‌تر شده است. کسانی که من را از طریق مسیح می‌شناسند، به حقیقت نزدیک‌ترند. آنها من را مانند کسانی نمی‌دانند که تنها از قوانین موسی می‌شناختند، بلکه اکنون من به عنوان پدر و استاد جستجو می‌شوم، پس از آغاز شکوفایی عشق مسیح در دل‌ها.

۲۰. من فراتر از زمان و تمام آفرینش ایستاده‌ام؛ روح الهی من تابع تکامل نیست و جاودانه و کامل است، بر خلاف شما که آغاز و پایان دارید و تحت تأثیر زمان هستید.

۲۱. نگویید پدر، مسیح و روح القدس به ادوار مختلف تعلق دارند؛ پدر ابدی است و تمام اعصار از آن اوست. مسیح که به صورت انسان ظاهر شد، خود خداست، و روح القدس همان پدر است که بالاترین شکل وحی خود را بدون وسیله زمینی نمایان می‌کند.

۲۲. آنچه پدر می‌نامید قدرت مطلق خدا و خالق جهان است؛ پسر تجلی کامل عشق پدر به مخلوقات است؛ و روح القدس حکمت خداست که به شما عطا شده.

۲۳. نور روح القدس، حکمت الهی، در عصر سومی که شاهدش هستید، سلطنت خواهد کرد و ذهن انسان‌های تشنه حقیقت و عشق را روشن خواهد ساخت.

۲۴. خدا خود را در سه جنبه به بشریت آشکار کرده: در آثار پدر عشق را بیابید، در گفتار و کار مسیح قدرت و حکمت را می‌بینید و در آثار روح القدس، قدرت، قانون، عشق و شفابخشی را.

۲۵. قانون، عشق و خرد سه شکل وحی‌اند که من خود را در آنها نشان داده‌ام تا شما را به شناخت کامل خالق و راه تکامل هدایت کنم؛ این سه مرحله متفاوت اما منشأ یکسان و کامل هستند.

۲۶. من، قاضی، پدر و استاد، سه مرحله وحی یکی با وجودی واحد و اساس عشق هستم.

۲۷. من یهوه هستم؛ خدای واحد که از مرگ نجات داده و از طریق مسیح «کلمه» با شما سخن گفته‌ام؛ روح‌القدس نیز تنها یک وجود است و از من است.

۲۸. در عصر اول شریعت، در عصر دوم عشق و اکنون در عصر سوم نور را برای فهم وحی‌ها فرستاده‌ام.

۲۹. چرا دنبال سه خدا هستید در حالی که فقط یک روح الهی که روح من است وجود دارد؟

۳۰. شریعت به انسان دادم و وعده مسیح را دادم که گفت «من و پدر یکی هستیم» و وعده روح حقیقت را دادم که رازها را روشن می‌کند.

۳۱. فقط من می‌توانم اسرار حکمت را روشن کنم.

۳۲. روح‌القدس، حکمتی است که من به روح شما می‌آشکارم تا حقیقت را بفهمید.

۳۳. الهامات مرا به عنوان خدا (شریعت)، پدر (عشق) و استاد (خرد) متحد کنید تا به سوی نور معنوی هدایت شوید.

۳۴. مردم همیشه در فهم وحی‌ها، به خصوص درباره شخصیت مسیح، دچار اختلاف و بحث بوده‌اند.

۳۵. اکنون موضوع تفسیرها، بحث‌ها، و مناظرات ادامه خواهد یافت.

۳۶. بررسی می‌شود آیا روح مسیح مستقل از روح پدر بود یا روح القدس سخنگوی اصلی بود.

۳۷. روح القدس نور خدا و پسر کلمه اوست؛ وقتی کلمه را می‌شنوید، در حضور خدای یگانه هستید.

««««خداوند به عنوان روح و پدر خالق»»»»

۳۸. من جوهره تمام آفرینشم و در هر جسم و شکل حضور دارم؛ شما باید آماده و حساس باشید تا مرا احساس کنید.

۳۹. من نفس حیات هستم؛ ساختن مجسمه برای پرستش من خطاست و به بت‌پرستی می‌انجامد.

۴۰. کلام من هماهنگی بین پدر و خلقت را نشان می‌دهد و شما بخشی از من هستید.

۴۱. روح پدر نامرئی است ولی در اشکال مختلف وجود دارد؛ کل خلقت تجلی مادی الوهیت است.

۴۲. ارواح فرزندان الوهیت با اشکال حیات در مکان‌های مختلف احاطه شده‌اند که خرد، زیبایی و معنای زندگی را به آنها داده است.

۴۳. سه ذات اساسی (الهی، معنوی، مادی) از من سرچشمه گرفته‌اند؛ من به شیوه‌ای قابل فهم و فیزیکی با شما سخن می‌گویم.

۴۴. من دانش کامل و منشأ همه چیز و نوری هستم که همه چیز را روشن می‌کند، برتر از همه آفرینش و دانش.

۴۵. اکنون زمان فهم و جستجوی معنوی خداست، که نه شخصی بلکه روح جهانی نامحدود است.

««««مسیح،عشق و کلام خدا»»»»

۴۶. پیش از عیسی، وحی‌های خدا در اشکال و رویدادهای مادی بود؛ مسیح عشق خداست که در عیسی به بشر آشکار شد.

۴۷. مسیح قبل از عیسی وجود داشت چون او تجلی عشق خداست.

۴۸. من با شما هستم و به شما قدرت می‌دهم؛ همیشه با پدر بوده‌ام اما بشر باید آماده می‌شد تا مرا در عیسی بپذیرد.

۴۹. یهوه خدایی بی‌رحم معرفی شد؛ اما مسیح عشق الهی برای رهایی از گناه فرستاده شد؛ متأسفانه هنوز بسیاری عیسی را خشمگین می‌پندارند.

۵۰. وقت درک درست آموزه‌های من است؛ عشق الهی مانع شما نیست اما اگر اشتباهات را جبران نکنید، وجدان شما داور بی‌رحم خواهد بود و مانع ورود به پادشاهی نور خواهد شد.

۵۱. می‌خواهم مانند استاد خود باشید و خود را شاگرد من بنامید؛ مسیح عشق و خرد را نزد شما آورده و با شماست، زیرا من با پدر یکی هستم.

۵۲. مسیح عشق الهی است و جدا از پدر نیست؛ زمان درک این حقیقت فرا رسیده است.

۵۳. خدا را با عنوان پدر خالق نامیدن حق است و شرمسار نباشید.

۵۴. در عیسی، خدا در جسم ظاهر شد و تنها عشق، حکمت و عدالت نشان داد؛ هرگز خشونت یا کینه نداشت و با وجود قدرت بی‌نهایت، تحمل توهین‌ها را داشت.

۵۵. عیسی پدری بود که همه چیز را بی‌منت به فرزندانش می‌بخشد، توهین‌ها را می‌بخشد و راه رستگاری را با خون خود نشان می‌دهد.

۵۶. عیسی الگویی برای انسان بود تا بدانید چگونه باید به خدا شبیه شوید.

۵۷. تنها یک خداست و مسیح با او یکی است، زیرا او کلمه الوهیت و راه رسیدن به پدر است.

۵۸. مسیح والاترین تجلی عشق الهی و نوری است که تاریکی را می‌شکند و راه حکمت و کمال روح را نشان می‌دهد.

۵۹. در خرد، قدرت شفابخش و آسایشی که قلبتان آرزویش را دارد، نهفته است.بنابراین، من یک بار به شما روح حقیقت را به عنوان روح تسلی وعده دادم.

60. اما ایمان داشتن کاملاً ضروری است تا در مسیر توسعه دچار رکود نشویم یا از آزمایش‌ها نترسیم.

61. این عصر نور است که در آن حکمت الهی، که نور روح القدس است، حتی پنهان‌ترین زوایای قلب و روح را روشن خواهد کرد.

فصل۲۰-مریم،عشق مادرانه خدا
وجود زمینی مریم در فروتنی

۱. مریم گل باغ آسمانی من است که ذاتش همواره در روح من بوده است.

۲. این گل‌ها را می‌بینی که زیبایی خود را در فروتنی پنهان کرده‌اند؟ مریم نیز منبع بی‌پایان زیبایی و مهربانی برای همه بود.

۳. مریم ذات الهی خود را پنهان کرد و خود را بنده خدا و ابزاری برای نقشه‌های او دانست.

۴. او پادشاهی بزرگتر از همه را باردار شد ولی ملکه مردان نامیده نشد و به این افتخار فخر نکرد.

۵. بزرگ‌ترین فروتنی و مهربانی در او بود؛ قلبش پر از شادی و هدف معنوی عیسی را می‌دانست و همیشه مهربان بود.

۶. گریه‌های او مادرانه بود، درد جسمی پسرش را احساس می‌کرد.

۷. مریم شاگرد عیسی نبود، ذات او از پدر بود و تجسم یافته بود برای انجام آن وظیفه.

۸. قلبش تنها محدود به دوست داشتن پسر نبود، بلکه در سخنان، نصیحت و اعمال محبت‌آمیزش آشکار بود.

۹. هرگز کلام عیسی را اشتباه نمی‌فهمید و در پای صلیب همراه او بود.

۱۰. سرنوشت مادرانه‌اش را به پایان رساند و الگویی والا برای همه مادران و مردم شد.

««««مریم و عیسی»»»»
۱۱. مردم پرسیده‌اند چرا عیسی پس از مصلوب شدن به مریم مجدلیه اجازه دیدار داد اما نشانی از ملاقات با مادرش نیست؛ پاسخ این است که ارتباط مسیح و مریم از آغاز جهان همواره بوده است.

۱۲. عیسی به جهان آمد تا گناهکاران را نجات دهد و پس از قربانی شدن، ایمان آنان را تقویت کرد؛ اما مریم، به عنوان مادر مهربان، نیازی به پاک‌سازی نداشت و ایمانش همیشه ثابت بود.

۱۳. ملاقات من با مریم نیازی به تجسم کامل نداشت زیرا روح من همیشه با او بوده و نوازش الهی من او را در بر گرفته است.

۱۴. این پاسخ به کسانی است که فکر می‌کردند اولین ملاقات عیسی باید با مادرش می‌بود.

۱۵. شکل ظاهر شدن من به مریم بسیار متفاوت از آنچه به مجدلیه و شاگردان نشان دادم بود.
««««باکرگی مریم»»»»

۱۶. مریم، مادر جهانی، در قله کوه نزد استادم حضور دارد؛ او در «زمان دوم» زن شد تا معجزه تجسم کلمه الهی شکل گیرد.
۱۷. انسان‌ها ورود عیسی و مریم را به دقت قضاوت کرده‌اند و این قضاوت‌ها پاکی روح مادرانه او را خدشه‌دار کرده است.
۱۸. من پرده‌های ناشناخته را برداشتم تا شک و تردید را برطرف کنم و معرفتی معنوی بدهم.
۱۹. مردم از حقیقت من برداشت‌های غلطی کرده‌اند؛ برخی به دنبال شفاعت مادر آسمانی‌اند و برخی نمی‌شناسند، اما ردای عشق و لطافت او همه را در بر می‌گیرد.
۲۰. از آغاز زمان، وجود مادر روحانی را آشکار کردم که پیامبران پیش از تولدش از او سخن گفته‌اند.
۲۱. مریم فرستاده شد تا فضیلت، الگو بودن و کمال خود را نشان دهد؛ او زنی متفاوت با پاکی و لطافت روح و جسم بود که جهان همه اینها را دیده و شناخته است.

۲۲. مریم نمونه‌ای از سادگی، فروتنی، از خودگذشتگی و عشق است؛ اما بسیاری فضیلت و پاکی او را نمی‌شناسند زیرا انسان‌ها معمولاً نمی‌توانند امور الهی را به درستی درک کنند. مطالعه کتاب مقدس و زندگی اجدادش به درک او کمک می‌کند.

۲۳. مهربان‌ترین عشق خدا هیچ شکلی ندارد، اما در عصر دوم، در قالب مریم، مادر عیسی تجلی یافت.

۲۴. مریم همیشه وجود داشته است زیرا ذات، عشق و لطافت او همواره در الوهیت حضور داشته است.

۲۵. مردم نظریه‌ها و تصورات غلط زیادی درباره مادر بودن، بارداری و پاکی او ساخته‌اند که بسیاری کفر است.

۲۶. روزی که واقعیت پاکی او درک شود، دل‌ها به درد آمده و مریم با فیض و محبت خود همه را در بر خواهد گرفت و خداوند با عشق می‌بخشد و برکت می‌دهد.

«««الگوی حضرت مریم برای زنان»»»

۲۷. زندگی استاد شما الگویی برای همه است؛ و مریم به عنوان مظهر مهربانی الهی به عنوان نمونه‌ای از فروتنی الهی برای زنان فرستاده شد.

۲۸. زنان مبارک، شما نیز جزو جامعه رسولی هستید؛ روح شما همانند روح مردان است، اگر چه وظایف جسمی متفاوت دارید.

۲۹. عیسی را به عنوان استاد روح خود بپذیرید، از مسیر عشق او پیروی کنید، کلامش را کلام خود دانسته و صلیب او را در آغوش گیرید.

۳۰. من با روح شما، به یکسان با مردان، صحبت می‌کنم؛ اما اگر قلب زنانه‌ات به دنبال الگویی است، مریم را در تمام زندگی فروتن و مقدسش به یاد داشته باش.

۳۱. اراده پدر این بود که زندگی فروتنانه مریم توسط شاگردان من که با او در خدمت آشنا بودند، نوشته شود.

۳۲. زندگی مریم از تولد تا پایان، درخشان و پر از آموزه‌های عاشقانه، با فروتنی، لطافت، پاکی و عشق به بشریت بود. او بیشتر با سکوت سخن می‌گفت، زیرا می‌دانست مسیح است که باید به بشریت بیاموزد.

۳۳. روح مریم، عشق مادرانه‌ای است که از پدر آمده، و نمونه‌ای کامل از فروتنی، اطاعت و نرمی به بشریت ارائه داد.

۳۴. تنها او می‌توانست بذر خدا را در رحم خود حمل کند و پس از انجام وظیفه‌اش، لایق بود که به عنوان مادر معنوی بشریت عقب نماند.

۳۵. پس ای زنان، مریم الگوی کامل شماست؛ به او روی آورید و در سکوت، فروتنی، ایثار، اندوه آرام، شفقت و عشق بی‌کرانش، الگو بگیرید.

۳۶. به ویژه برای باکره‌ها، زنان تنها، بیوه‌ها، دختران یتیم و دل‌های پر غم، مریم مادر مهربان و دلسوز را در افکار، روح و قلب خود فرا بخوانید.

««مریم به عنوان شفیع،تسلی دهنده و ناجی بشریت»»

۳۷. مریم در سکوت قدم می‌زد اما قلب‌ها را آرام می‌کرد، برای نیازمندان شفاعت می‌کرد و برای بشر دعا می‌گفت، حتی بر جهل و شرارت اشک می‌ریخت. وقتی عیسی را در رحم داشتید، چرا نباید به مریم روی آورید؟ آیا نمی‌خواستید به سوی خدا بیایید، زیرا در لحظه مرگ، نجات‌دهنده و مادر یکی شدند و خون پسر و اشک‌های مادر در هم آمیختند؟

۳۸. کتاب حیات و پیام الهی از صلیب به جهان داده شد.

۳۹. مریم و یوحنا با نقش مهم در وقایع پای صلیب خطاب شدند.

۴۰. مریم مظهر پاکی، اطاعت، ایمان و فروتنی است.

۴۱. لطافت، پاکی و عشق مریم، رحم الهی و مبداء حیات است.

۴۲. نردبانی که خداوند به سوی انسان‌ها فرود آمد، راهی برای عروج ارواح نور است.

۴۳. مریم نماد نردبان و رحم مادرانه است که به سوی خدا راه می‌دهد.

۴۴. خداوند انسان‌ها را پیش پای مریم گذاشت، او عشق مادرانه خداست.

۴۵. پیام مریم پیام تسلی، فروتنی و امید است؛ مریم رحم باکره خود را برای تولد کلمه تقدیم کرد.

۴۶. مأموریت مریم فراتر از زمین است؛ خانه حقیقی او جایی آسمانی برای حمایت و تسلی است.

۴۷. پیش از تولد مریم، بشارت آمد که باکره‌ای پسری به نام عمانوئیل (خدا با ماست) به دنیا می‌آورد.

۴۸. در مریم، وعده الهی تحقق یافت و روح عشق آسمانی مادرانه بر او نازل شد.

۴۹. جهان مریم را شناخته و مردم با عشق از او نام می‌برند و آرزوی مادر بودن او را دارند.

۵۰. مریم مادر غم‌ها نامیده می‌شود زیرا دنیا قلبش پر از غم است.

۵۱. باید تصویر درد و اندوه را از دل‌ها پاک کرده و مریم را مادری مهربان، خندان و کمک‌کننده بدانید.

۵۲. رسالت مریم محدود به زمین نیست و او در عصر دوم از روح به روح با بشریت سخن می‌گوید.

۵۳. یوحنا در رؤیا زنی درخشان با جامه خورشید دید که باکره‌ای نورانی است.

۵۴. این زن مریم است که در رحم خود جهانی از مردم را برای تغذیه با عشق و ایمان جای داده است.

۵۵. پیامبر دید که درد این زن تطهیر بشریت است و با پایان درد، نور و شادی در ارواح طلوع می‌کند.

««««فطرت الهی مریم»»»»

۵۶. ردای مادر آسمانی همیشه جهان را محافظت کرده و جوهر مادرانه مریم پیوسته بخشی از خداست.

۵۷. مریم همسر پاک و قدیس خدا، دختر و مادر کلمه مجسم است.

۵۸. مریم ذاتاً الهی است و نباید به صورت صرف انسانی درباره‌اش قضاوت کرد.

۵۹. انسان به دلیل عدم شناخت و تسلیم اراده خدا، به قدرت او شک و کفر می‌ورزد.

۶۰. در عصر سوم، شک و تردیدها درباره مریم وجود دارد، اما او در تمامی کارهای خدا شرکت می‌کند و مظهر لطیف‌ترین عشق الهی است.

۶۱. مریم روحی است که کاملاً با الوهیت آمیخته و نماینده مشیت الهی است، همانند پدر، کلمه و روح القدس.

۶۲. بسیاری مریم را به صورت زنی انسانی، مادر مسیح یا ملکه‌ای زیبا و قدرتمند تصور می‌کنند.

۶۳. اما مریم دیگر قالب زنانه ندارد؛ او مقدس، مهربان و سلطه‌اش بر روح‌ها بر پایه فروتنی و رحمت است، بدون تخت و تاج.

۶۴. زیبایی مریم آسمانی است و فراتر از تصور زیبایی‌های زمینی است.

«««««کاریزمای جهانی مریم»»»»»

۶۵. مریم، مادر جهانی، در خدا زندگی می‌کند و به فرزندان آرامش و پناهگاهی می‌بخشد و از جهان محافظت می‌کند.

۶۶. در الوهیت خدا، عشق شفاعتی مریم زنده است و بسیاری به واسطه او به توبه و عشق بازگشته‌اند، هرچند برخی آن را انکار می‌کنند.

۶۷. انکار مادر الهی مریم به انکار یکی از زیباترین وحی‌های الهی منجر می‌شود.

۶۸. کسانی که وجود مسیح را قبول دارند ولی مریم را انکار می‌کنند، از لطافت و شیرینی مهمی در الوهیت خدا چشم‌پوشی می‌کنند.

۶۹. چند نفر هستند که معتقدند کتاب مقدس را می‌دانند، اما چیزی نمی‌دانند زیرا هیچ چیز را نفهمیده‌اند؟
و چند نفر هستند که با وجود اینکه معتقدند زبان خلقت را کشف کرده‌اند، در اشتباهند؟

۷۰. روح مادرانه با عشق در همه موجودات فعال است؛ شما می‌توانید تصویر آن را در همه جا ببینید. عشق الهی مادرانه آن در درون بذر مبارک نهفته است.

دل‌های همه موجودات خشنود است، و هر قلمرو طبیعت گواهی زنده بر اوست، و قلب هر مادری محرابی است که در برابر آن عشق بزرگ برپا شده است. مریم شکوفه‌ای الهی بود و میوه آن عیسی بود.

فصل۲۱-قدرت مطلق،حضور مطلق و عدالت خداوند

«««قدرت خداوند»»»

۱. اگر انسان امروزی با تمام علمش نتواند طبیعت را به اراده خود مطیع کند، چگونه می‌تواند بر نیروهای معنوی سلطه یابد؟
۲. همانطور که اجرام آسمانی از نظم غیرقابل تغییر پیروی می‌کنند و اراده انسان نمی‌تواند آن را تغییر دهد، نظم قلمرو معنوی نیز تغییرناپذیر است.
۳. خالق نور و روز و شب، یعنی من هستم و هیچکس جز من نمی‌تواند آن را مهار کند؛ همین قانون در قلمرو معنوی نیز برقرار است.
۴. اگر به من ایمان داری، بدان قدرت من بسیار بزرگ‌تر از گناه انسان‌هاست و زندگی با پذیرش نور حقیقت تغییر خواهد کرد.
۵. آیا می‌توانی تصور کنی روزی مردم اراده خدا را به‌درستی اجرا کنند؟
۶. توبه، تجدید حیات و رستگاری انسان برای من ممکن است؛ اگر نه، من قادر مطلق نبودم و بشریت قوی‌تر از من بود. آیا باور داری؟
۷. پس از آفرینش، وظیفه من هدایت شما به سوی کمال و اتحاد در خانواده‌ای معنوی است و اراده من محقق خواهد شد.
۸. من بذر عشق الهی را در هر روح می‌کاشم و فقط من می‌دانم کی این بذر در بشریت شکوفا خواهد شد و باید صبور باشم.
۹. نمی‌خواهم بزرگی خود را به رخ شما بکشم، اما اراده‌ام را آشکار می‌کنم تا بالاترین سعادت را تجربه کنید.
۱۰. خوشحال باش که هرگز به پایان قدرت من نمی‌رسی و هر چه روح تو تکامل یابد، مرا بهتر خواهی شناخت؛ آیا به این حقیقت در زمین آگاه نبودی؟

۱۱. قدرت انسان در برابر قدرت بی‌کران من ناچیز است و مخالفت مادی‌گرایان با معنویت عظیم هیچ دستاوردی ندارد.

۱۲. اجازه داده‌ام انسان تا نهایت غرور و قدرت‌طلبی برود تا حقیقت اراده آزاد را تجربه کند.

۱۳. وقتی به انتها رسید، چشمانش را بر نور می‌گشاید، به من عشق می‌ورزد و تنها فرمان مطلق و خرد من را می‌پذیرد.

««««حضور خدا در تمام آفرینش»»»»

۱۴. من هیچ مکان خاصی ندارم؛ حضورم بی‌نهایت و در تمام آفرینش جاری است و پادشاهی من محدود به جهتی نیست.

۱۵. هیچ فاصله‌ای میان تو و من نیست؛ تنها اعمال نامشروع تو، مانع ارتباط مستقیم است.

۱۶. هرچه ایمان و خلوص تو بیشتر باشد، من را در دعا نزدیک‌تر و صمیمی‌تر خواهید یافت.

۱۷. هرچه از خوبی و عدالت فاصله بگیری و مادی‌گرایی را بپذیری، حضور من برایت دورتر و بی‌احساس‌تر می‌شود.

۱۸. دلیل آشکار کردن این کلام، آماده کردن تو برای گفتگوی روح به روح با من است.

۱۹. چون مرا دور می‌دانستی، نمی‌دانستی چگونه نزدیک شوی؛ من جستجوگر تو هستم تا حضورم را ملموس کنم و نشان دهم هیچ فاصله‌ای میان پدر و فرزند نیست.

۲۰. اگر فکر می‌کنی من تخت سلطنت را ترک کرده‌ام تا خود را به تو نشان دهم، در اشتباهی؛ زیرا چنین تختی که تو تصور می‌کنی، وجود ندارد. تخت‌ها مخصوص افراد مغرور است.

۲۱. روح من نامتناهی و قادر مطلق است و در مکان خاصی نیست؛ در همه جا، چه در عالم معنوی و چه مادی حاضر است. پس تختی که به من نسبت می‌دهی کجاست؟

۲۲. دیگر به من شکل مادی یا انسانی نده؛ از رؤیاهای محدود ذهن خود درباره بهشت رها شو. با این آزادی، گویی زنجیرها و دیوارهایی که مانع دید تو بود فرو می‌ریزند و افقی بی‌انتها و آسمانی درخشان پیش چشم تو ظاهر می‌شود.

۲۳. گفته می‌شود خدا در بهشت است یا جهان پس از مرگ، اما نمی‌دانند چه می‌گویند؛ من در بهشت نور، قدرت، عشق، عدالت و کمال ساکنم، نه مکانی محدود.

۲۴. حضور جهانی من همه‌جا را پر می‌کند و هیچ خلائی در جهان نیست، همه چیز سرشار از من است.

۲۵. آنقدر به تو نزدیکم که حتی از فکرهای پنهانت آگاهم؛ من نوری هستم که ذهن تو را با الهامات روشن می‌کنم.

۲۶. در درون تو هستم، روحی که تو را زنده می‌کند، وجدانی که تو را قضاوت می‌کند؛ در حواس و بدنت حضور دارم چون در تمام آفرینش هستم.

۲۷. مرا در درون خود احساس کن تا زمانی که از دنیا می‌روی، بتوانی بدون هیچ مانعی وارد زندگی معنوی شوی و به من، منبع پاکی بی‌نهایت، نزدیک‌تر شوی.
۲۸. نوری که در کلام حاملان صدا جاری است، منشأش عشق الهی و نور کیهانی خداست؛ این نور روح الهی است که ارواح را روشن و زنده می‌کند و نیروی بی‌کران حرکت و زندگی را در جهان جاری می‌سازد.

۲۹. آن تابش الهی بر همه موجودات تأثیر می‌گذارد؛ بر روح معنوی، بر جسم مادی، بر عقل و قلب‌ها به صورت عشق. منبع این نور خدا و جوهر آن عشق است. هیچ چیز غیرممکن نیست که من ذهن موجودات را روشن کنم تا پیام نور معنوی را دریافت کنند.

۳۰. گیاهان، ستارگان و زمین همگی از این تابش حیات‌بخش بهره‌مند می‌شوند تا رشد و حرکت داشته باشند. تو نیز می‌توانی این تابش را مستقیماً از روحم دریافت کنی، بذر معنوی که در تو ثمر خواهد داد.

۳۱. آه‌ها، دعاها و رنج‌های تو در حضور من طنین‌انداز می‌شود؛ عشقم بی‌پایان است و من همه چیز را می‌دانم، می‌بینم و می‌شنوم.

۳۲. گرچه بخاطر گناهانتان ممکن است احساس کنی من کنار کشیده‌ام، اما حقیقت این است که کنار کشیدن من به معنای سقوط موجود است و این هرگز رخ نخواهد داد چون به همه شما حیات جاودان داده‌ام.

««««ضربات سرنوشت»»»»

۳۳. آزمایش‌ها و مصائب را نفرین نکن؛ مجازات یا انتقام خدا نیستند بلکه فرصت‌هایی برای نزدیک‌تر شدن به ساحل امن، عدالت، کفاره و پارسایی‌اند.

۳۴. خشم و انتقام از امیال انسانی ناشی می‌شود؛ عشق من برتر و پاک‌تر است و از تنبیه مبتذل بسیار بالاتر است.

۳۵. تو داوطلبانه به مسیرهای سخت رفتی و به ندای عشق و وجدان گوش ندادی؛ درد آمد تا تو را بیدار و به مسیر درست بازگرداند.

۳۶. من مجازات نمی‌کنم بلکه عدالت هستم؛ هر که از قوانین من سرپیچی کند، با عدالت مواجه می‌شود.

۳۷. در سختی‌ها، برخی علیه من شورش می‌کنند و من در رنج آنان اشک می‌ریزم؛ عشق و بخشش من از این اشک‌ها نشأت می‌گیرد.

۳۸. پیشرفت بشریت بیشتر به تلاش خود او مرتبط است تا تنها به رحمت من؛ قانون و نور من در همه وجدان‌ها می‌درخشد.

۳۹. عدالت من برای ریشه‌کن کردن فساد می‌آید و حتی طبیعت به کمک آن می‌آید؛ برخی این درد را نمی‌فهمند و از زندگی پرسش می‌کنند.

۴۰. انسان مسئول نادانی و سرکشی خود است؛ فقط کسانی که تعالیم مرا می‌دانند، دیگر نمی‌توانند من را متهم کنند.

۴۱. شما مانند بوته‌هایی هستید که برای بهبود باید شاخه‌های خشک و بیمار آن هرس شوند.

۴۲. عدالت مهربان من شاخه‌های بیمار را جدا می‌کند تا انسان راست و سالم شود.

۴۳. قطع عضو بدن با درد و ترس همراه است ولی برای حفظ سلامت ضروری است.

۴۴. گل‌های رز هنگام هرس خون حیات می‌دهند ولی پس از آن زیباتر می‌شکفند.

۴۵. عشق من شر را محدود می‌کند و گاهی خود را در این راه فدا می‌کنم.

۴۶. وقتی مرا به صلیب کشیدند، با بخشش و عشق جلادان را نجات دادم و شر را دفع کردم.

۴۷. شما را به چیزی سنگین‌تر از بار گناهانتان محکوم نمی‌کنم؛ از خودتان بترسید، نه از من.

۴۸. من به قلب‌ها نگاه می‌کنم و از گناهان پنهان آگاهی دارم؛ مردم گاهی دروغ می‌گویند و خود را بی‌گناه نشان می‌دهند.

۴۹. اگر عدالت و عشق بی‌کران من نبود، بشریت دیگر وجود نداشت؛ این عدالت است که بشریت را به حیات ادامه می‌دهد.

۵۰. کلام من را بررسی کنید تا درباره عدالت الهی‌ام دچار سردرگمی نشوید؛ گاهی گناه کوچک با شدت مجازات می‌شود و گناهان بزرگ بخشیده می‌شوند.

۵۱. مجازات گناه کوچک به دلیل ضعف روح است و گناه بزرگ بخشوده می‌شود چون باعث پشیمانی بزرگ می‌شود.

۵۲. قضاوت نکنید و بدانید کسانی که باعث خونریزی شده‌اند نیز فرزندان من هستند و بار گناه خود را به دوش می‌کشند؛ آنها در آینده می‌توانند به صلح‌آوران بزرگ تبدیل شوند.

۵۳. خون قربانیان صدای عدالت الهی است و به هر روح و قلبی می‌رسد.

۵۴. عدالت انسانی نمی‌بخشد اما عدالت من محبت می‌ورزد، می‌بخشد، رهایی می‌دهد و کسانی که باعث درد شدند را از طریق کفاره‌ای بزرگ پاک می‌کند تا به آگاهی وجدان دست یابند و به زمین بازگردند و بازسازی کنند.

۵۵. داوری من پس از مرگ نیست، بلکه به محض آگاهی به اعمال و وجدان انسان آغاز می‌شود.

۵۶. داوری من همیشه همراه توست، چه در زندگی فیزیکی و چه معنوی، اما روح در این دنیا گاهی نسبت به وجدان بی‌حس می‌شود.

۵۷. من تو را داوری می‌کنم تا چشمانت به نور باز شود و از گناه و درد رهایی یابی.

۵۸. در قضاوت من کینه، انتقام و توهین جایی ندارد.

۵۹. درد و آزمایش‌ها به تو درس می‌دهند و نشان‌دهنده عشق همیشگی من هستند.

۶۰. گاهی اجازه می‌دهم علت آزمایش را درک کنی و گاهی اسرار عمیقی هستند که ذهن انسان نمی‌تواند بفهمد.

۶۱. گفته شده "با همان معیاری که سنجیده می‌شوید، سنجیده خواهید شد"، اما اغلب این قانون به ناحق استفاده شده است.

۶۲. من عدالت را با معیاری که خودتان داشتید اعمال می‌کنم، اما همواره با عشق پدرانه و نجات‌دهنده همراه است.

۶۳. انسان‌ها با اعمال خود قضاوت می‌کنند و خدا به آن‌ها کمک می‌کند کفاره‌شان را تحمل کنند.

۶۴. برای اجتناب از کفاره دردناک، به موقع توبه کن و با عشق و رحمت به زندگی‌ات جهت ده.

۶۵. من دروازه نجاتم و هرگز به روی کسانی که با ایمان جویای من هستند بسته نمی‌شود.

۶۶. اکنون می‌بینید که عدالت الهی شامل عشق است، نه مجازاتی مانند مجازات شما. اگر قرار باشد قوانین خودتان را برای قضاوت در مورد شما به کار ببرم، چه اتفاقی برای شما خواهد افتاد - در حضور من، در حضور کسی که نه ظواهر بیرونی و نه استدلال‌های دروغین اهمیتی ندارند؟

۶۷. اگر قرار بود تو را بر اساس شرارتت قضاوت کنم و قوانین بسیار سخت‌گیرانه‌ات را اجرا کنم، چه بر سرت می‌آمد؟ آنگاه به حق از من التماس می‌کردی که به تو رحم کنم.

۶۸. اما لازم نیست بترسی، زیرا عشق من هرگز محو نمی‌شود.نه تغییر می‌کند و نه از بین می‌رود. اما شما قطعاً از بین خواهید رفت؛ شما می‌میرید و دوباره متولد می‌شوید، می‌روید و دوباره برمی‌گردید، و بنابراین راه زائر خود را ادامه می‌دهید تا روزی که پدر خود را بشناسید و تسلیم قانون الهی او شوید.

فصل۲۲-عشق،مراقبت و لطف خدا
««««عشق پدر آسمانی»»»»

۱. عشق من با وجود گناهانت همیشه دنبال توست؛ مانند والدینی که با وجود شکست‌ها و زخم‌ها همچنان دوستت دارند و تو را می‌بخشند.

۲. اگر والدین ناقص تو این عشق ناب را نشان دادند، چرا از اینکه من، خالق قلب‌ها، عشقی کامل به تو دارم شگفت‌زده باشی؟ عشق والاترین حقیقت است که برای آن انسان شدم و مردم.

۳. عشق من نباید تو را شگفت‌زده کند؛ وقتی آن را تجربه کنی، شک نکن.

۴. شاید در تاریکی فرو روی یا به من شک کنی، اما روزی مرا در وجودت حس خواهی کرد و انکار نخواهی کرد.

۵. نمی‌خواهم تو را متهم ببینم؛ دوست دارم همیشه تو را فرزندم بدانم که عشق پدرانه‌ام برای کمک همیشه آماده است.

۶. یاد بگیر دوستم داشته باشی و بفهم که هر چه گناهانت بیشتر باشد، رحمت من بیشتر است و نمی‌توانی از عشق من فرار کنی.

۷. شرارت مردم می‌کوشد عشق مرا دفع کند اما نمی‌تواند، چون عشق نیروی جهانی و قدرت الهی است.

۸. آنچه به تو می‌گویم حقایقی است که بشریت در گناه خود گم شده است؛ عشق من انزجار از گناه ندارد اما شفقت فروان دارد.

۹. مرا بشناس و به سوی من بیا تا لکه‌های جانت را در سرچشمه زلال رحمت من بشویی. بپرس و تو داده خواهی شد.
۱۰. گاهی مردم خود را بی‌ارزش می‌دانند و تعجب می‌کنند که چگونه من این همه دوستشان دارم، اما من همیشه به دنبالشان می‌آیم تا آن‌ها را به سوی خود بازگردانم.
۱۱. تو از آن منی و من هرگز آنچه از آن من است، از دست نمی‌دهم؛ پیش از وجودت دوستت داشتم و تا ابد دوستت دارم.

««««عنایت و کمک خداوند»»»»

۱۲. شاگردان من، همه دستورات لازم برای رشد روحانی را به شما داده‌ام.
۱۳. خوشا به حال کسانی که حقیقت را می‌شناسند و راه را می‌یابند، ولی برخی آموزه‌ها را رد می‌کنند چون فکر می‌کنند بهترند.
۱۴. من چوپان شما هستم، گوسفندانم را صدا می‌زنم، غذا می‌دهم، مراقبت می‌کنم و وقتی مطیع نیستید، قلبم به درد می‌آید.
۱۵. بسیاری به سوی من می‌آیند، ولی فقط عده‌ای از من پیروی واقعی می‌کنند.
۱۶. صلیب خود را بردار و با تواضع از من پیروی کن؛ ایمان داشته باش که در هر قدم زندگی مادی‌ات مراقب تو هستم.
۱۷. وقتی با روحت سخن می‌گویم، قلبت را نیز می‌بینم و نیازها و خواسته‌هایت را درک می‌کنم.
۱۸. هیچ قومی بدون تجربه عشق من نبوده است؛ حتی آن‌هایی که به نظر دور و غریب می‌آیند، از صداهای آسمانی مراقبت کننده بهره‌مند شده‌اند.
۱۹. تو هرگز تنها نبوده‌ای؛ از آغاز وجودت زیر سپر محافظت عشق من بوده‌ای.

۲۰. والدین مهربان انسانی، آیا می‌توانید فرزندان نوزادتان را که بیشترین نیاز به مراقبت، فداکاری و عشق دارند، تنها بگذارید؟
۲۱. می‌دانم که حتی وقتی فرزندانتان بزرگ می‌شوند و گاهی به شما آسیب می‌رسانند، باز هم نگران‌شان هستید و با نهایت عشق به آن‌ها توجه می‌کنید.
۲۲. حال اگر به این شکل نسبت به نیازهای فرزندانتان عشق نشان می‌دهید، عشق پدر آسمانی شما که پیش از وجودتان دوستتان داشت چگونه خواهد بود؟
۲۳. من همیشه به کمک شما آمده‌ام و اکنون که در مسیر رشد معنوی‌تان پیشرفت کرده‌اید، به شما نشان داده‌ام چگونه با نیروهای مضر مبارزه کنید و ارتعاشات خیر را افزایش دهید.
۲۴. شما به مرحله‌ای جدید از زندگی وارد شده‌اید؛ صلیب خود را بردارید و از من پیروی کنید. مسیر روشن است، هرچند آزمون‌هایی هست، اما صدای تشویق و حمایت من همراه شماست و نوازشی شفابخش را احساس خواهید کرد.
۲۵. وقتی می‌بینم که در برابر درد شکست می‌خورید و به جای درس گرفتن از رنج، به گریه، نفرین یا انتظار پایان تسلیم می‌شوید، به سوی شما می‌آیم تا قلب‌تان را آرام، تقویت و با امید پر کنم تا بر ضعف و بی‌ایمانی‌تان غلبه کنید و پیروز شوید؛ چون شادی واقعی در این پیروزی است.
۲۶. من در کوچک‌ترین موجودات طبیعت هستم؛ چگونه می‌توانم تو را انکار کنم فقط به خاطر نقص‌هایت، وقتی بیشترین نیاز را به من داری؟
۲۷. من خود زندگی‌ام و در همه چیز حضور دارم؛ هیچ چیزی نمی‌میرد. با آرامش و تأمل مرا در عمق کلامم بیاب.
۲۸. به درون خود بنگر، جایی که پناهگاه و صندوق عهد را خواهی یافت؛ سرچشمه‌ای از فیض و برکت بی‌پایان.
۲۹. هیچ روح درمانده‌ای وجود ندارد، هیچ‌کس از ارث الهی محروم نیست. در سراسر کیهان، هیچ‌کس نمی‌تواند خود را فقیر، مطرود یا تبعید شده از سوی پدر خود بداند؛ همه فرزندان او هستند و همه در رحمت او جای دارند.

۳۰. کسانی که احساس محرومیت می‌کنند، به این دلیل است که مواهب فیض را در درون خود نیافته‌اند، یا گمراهی در گناه، یا نابینایی روحی، یا احساس بی‌ارزشی دارند.
۳۱. شما همیشه باید این مواهب فیض را در درون خود کشف کنید؛ آنگاه خواهید دانست که هرگز از حضور من خالی نخواهید بود و همه چیزهایی که نیاز دارید، همچون نان، شفابخش‌ها، سلاح‌ها و کلیدها، در درون شماست، زیرا شما وارثان پادشاهی و جلال منید.
۳۲. پیوندی ناگسستنی میان پدر و فرزندان هست که باعث گفتگوی روزانه میان روح الهی و روح هر یک از شما می‌شود.
۳۳. بشریت به عشق و کلام من نیازمند است تا به اعماق قلبشان نفوذ کند؛ من استاد خستگی‌ناپذیرم که می‌خواهم روح‌های شما را روشن‌تر و رها از جهل به قلمروهای بالاتر ببرم.
۳۴. دروازه‌های پادشاهی من باز شده‌اند و کلام پدر با عشق بی‌پایان برای هدایت شما به سویتان می‌آید.
۳۵. من بار دیگر به میان انسان‌ها آمدم، اما به دلیل مادی‌گرایی آن‌ها مرا درک نکردند، زیرا روح‌شان را به احساسات پست و مادی گره زده‌اند.
۳۶. ولی بره خدا چون نوری به سوی شما می‌آید تا روشن کند و حقیقت را بیاورد.
«««فروتنی والانقام»»»
۳۷. بدانید کلام من ذهن شما را با فلسفه‌های بیهوده پر نمی‌کند، بلکه جوهر زندگی است. من خدای حقیقی و فروتنم که پادشاهی زندگی واقعی را به شما وعده می‌دهم و بی‌تکبر به شما نزدیک می‌شوم تا با نوازش و کلام معجزه‌آسام شما را در مسیر کفاره پرورش دهم.
۳۸. بندگان من باشید و هرگز از جانب من خوار نخواهید شد.
۳۹. من نه به عنوان پادشاه با عصا و تاج آمده‌ام، بلکه به عنوان نمونه‌ای از فروتنی و خدمتگزار شما.
۴۰. از من بخواه و من به تو خواهم داد؛ به من فرمان بده و من اطاعت خواهم کرد تا گواه آن عشق و محبتم باشم. من فقط می‌خواهم که مرا بشناسی و اراده‌ام را انجام دهی؛ اگر در مسیر خود مشکلی باشد، به نام من دعا کن تا بر آن‌ها غلبه کنی و شایستگی‌ات افزون شود.

۴۱. پدر با شما سخن می‌گوید - کسی که کسی را ندارد که در برابرش تعظیم کند. اما به راستی، اگر کسی بزرگ‌تر از من بود، در برابر او تعظیم می‌کردم، زیرا فروتنی در جان من جای دارد.
۴۲. ببینید چگونه، با اینکه فرزندان کوچک من هستید، من خود را به پایین می‌آورم تا با شما سخن بگویم، به شما گوش دهم و تسلایتان دهم، نه اینکه شما تلاش کنید که به نزد من بالا بروید.
۴۳. در قلب هایتان سعادت عشق پدرتان را تجربه کنید؛ پدری که هرگز عظمتش را به شما تحمیل نکرده است، بلکه در کامل‌ترین فروتنی آن را آشکار ساخته تا شما را تعالی بخشد و به سوی شادی حقیقی در پادشاهی بی‌پایان هدایت کند.

«««رحمت و همدلی خداوند: »»»

۴۴. اگر فکر می‌کنید چون عیسی پسر خدا بود، دردی احساس نکرد، اشتباه می‌کنید. اگر گمان می‌کنید من دیگر رنج نمی‌برم چون امروز با روح آمده‌ام، باز هم اشتباه است.
۴۵. هیچ موجودی حساس‌تر از روح الهی نیست؛ من از شما می‌پرسم، چه کار نیکی می‌توانید بکنید که مرا شاد نکند؟ و چه بدی می‌توانید انجام دهید که بر حساسیت من زخمی نباشد؟ بشریت مرا دوباره مصلوب کرده است؛ چه زمانی از صلیب رها خواهم شد؟
۴۶. وقتی برخی علیه من قیام می‌کنند، من آنها را دشمن نمی‌بینم، بلکه نیازمند می‌دانم. آنانی که وجود مرا انکار می‌کنند را با ترحم می‌بینم و کسانی را که تلاش می‌کنند مرا نابود کنند نادان می‌دانم، چون نمی‌دانند چگونه می‌شود خالق زندگی را نابود کرد.
۴۷. من خود را به عنوان پدری مهربان و استادی فروتن معرفی می‌کنم که هرگز نسبت به رنج‌ها و نقص‌های شما بی‌تفاوت نیست، زیرا شما همیشه فرزندان من باقی خواهید ماند.
۴۸. وقتی می‌بینم که فرزندانی که برای عشق آفریده شده‌اند و برای زندگی ابدی مقدر گشته‌اند، چگونه سرسختانه دنبال مرگ در زمین هستند، و کمالاتی که زندگی معنوی می‌آورد را نمی‌خواهند تجربه کنند، دلی غمگین می‌یابم.

۴۹. به‌عنوان پدرتان، من باید با احساسات شما همدردی کنم. این گونه درک خواهید کرد که در حالی که هر یک از شما رنج و درد خود را تحمل می‌کنید، روح الهی درد همه فرزندانش را پذیراست.
۵۰. من به جهان آمدم تا انسان شوم و صلیبی حمل کنم که نماد تمام دردها و گناهان جهان است. اگر به عنوان انسان بار نقص‌ها و دردهای شما را بر دوش می‌کشم، چگونه می‌توانم به عنوان خدا نسبت به رنج فرزندانم بی‌احساس باشم؟

«««بخشش،لطف و رحمت الهی»»»

۵۱. من تنها کسی هستم که سرنوشت همه شما را می‌دانم و مسیر پشت سر و پیش رو را می‌شناسم. تمام رنج‌ها و شادی‌هایتان را درک می‌کنم و فریادهای درونی کسانی که از گناهانشان طلب بخشش می‌کنند را می‌شنوم و می‌پذیرم.
۵۲. من هر درخواست خالصانه‌تان را پاسخ می‌دهم، اشک‌هایتان را جمع می‌کنم، رنج‌هایتان را التیام می‌بخشم و به شما اجازه می‌دهم حس کنید بخشیده و از بار گناه آزاد شده‌اید تا زندگی نوینی را بسازید.
۵۳. من تنها کسی هستم که می‌تواند شما را برای توهین‌هایی که به من کرده‌اید ببخشد.
۵۴. اکنون کلام من شما را از نو روشن می‌کند و فیض خود را به وفور عطا می‌کند تا پاک و مهربان باشید. اگر دوباره خطا کنید، بدانید که من شما را رها نکرده‌ام، بلکه خودتان فاصله گرفته‌اید. بخشش و عشق من دروازه‌ای همیشه باز است برای همه کسانی که با توبه به سوی من بازگردند.
۵۵. در عشقی که شما را می‌بخشم و اصلاح می‌کنم، خود را آشکار می‌کنم. وقتی در گذشته به اراده‌ام پشت کردید و پدر را رنجاندید، من گناه شما را رها نکردم، هوا و نان را از شما دریغ نکردم، شما را در درد تنها نگذاشتم و ناله‌هایتان را نادیده نگرفتم. طبیعت همچنان بر شما نعمت و زندگی می‌بخشد. هیچ کس نمی‌تواند شما را مانند من دوست داشته باشد و هیچ کس مانند من نمی‌تواند بخشایش کند.

۵۶. روح تو بذری است که من از ازل پرورش داده‌ام و به کمال رسانده‌ام تا زیباترین شکوفه‌ها و کامل‌ترین میوه‌ها را به بار آورد. چگونه می‌توانستم بگذارم که نابود شوی یا تو را به خشونت طوفان‌ها رها کنم؟ چگونه می‌توانستم تو را در راهت تنها بگذارم، در حالی که تنها من سرنوشت همه موجودات را می‌دانم؟

۵۷. ای گمراهان، من آماده‌ام تا شما را بپذیرم و هرگاه مرا چنین بخوانید، قدرت و نور خود را به شما می‌بخشم. اگر بر جسم و روح خود نشان گناهکاران بزرگ را دارید، هیچ اهمیتی ندارد؛ من شما را وادار خواهم کرد که کسانی را که به شما بدی کرده‌اند ببخشید و خدا را ستایش کنید، زیرا این معجزه را در شما ممکن ساخته است. سپس عشق مسیح را در قلب خود احساس خواهید کرد.

۵۸. برخی خواهند پرسید: چگونه ممکن است گناهکاران بزرگ همان فیضی را دریافت کنند که صالحان به خاطر شایستگی‌هایشان برخوردارند؟

۵۹. ای مردم که فقط چشم‌هایتان را می‌بینید! من همیشه نعمت‌هایم را به لطف و بدون توجه به شایستگی به شما اعطا کرده‌ام، حتی پیش از اینکه شایسته آن باشید.

۶۰. من به اندیشه پاک و ناله‌ی اندوهبار هر کسی که با آلودگی به من نزدیک شود پاسخ می‌دهم، هرگاه حتی کوچک‌ترین بارقه‌ای از فروتنی یا دانش در او طلوع کند ـ به دلیل فقدان عشق به همنوعان.

۶۱. من مدافع ضعفا هستم که در جهل و ناتوانی خود اشک می‌ریزند. من امید الهی هستم که گریه‌کنندگان را فرا می‌خوانم و تسلی می‌دهم؛ من عیسی مهربانم که به آرامی کسانی را که در درد و کفاره ناله می‌کنند نوازش می‌کنم.

۶۲. من نجات‌دهنده‌ی تو هستم؛ حقیقت حقیقی و قابل درک برای انسان‌ها.

فصل۲۳-الهامات و مکاشفات الهی

«««الهامات الهی»»»

۱. وقتی کلام من به تو می‌رسد و آن را نمی‌فهمی، شک می‌کنی. اما اگر این عدم اطمینان آزارت می‌دهد، به خلوت مزارع برو، جایی که تنها دشت‌ها، کوه‌ها و آسمان شاهد تو هستن؛ آنجا دوباره از استاد خود بپرس. خودت را در کلام او غرق کن، و پاسخ محبت‌آمیزش به سرعت خواهد آمد. آنگاه احساس حمایت، الهام و سرشاری از سعادت معنوی را خواهی داشت.

۲. به این ترتیب، دیگر کم‌ایمان نخواهید بود، زیرا خواهید دانست هر کلام خدا حقیقتی دارد، اما برای درک آن باید با اخلاص و ذهن پاک واردش شویم، چرا که آنجا پناهگاه است.

۳. هر زمان آماده باشی و بخواهی بدانید، اشتیاقت نور الهی را جذب می‌کند. بارها به تو گفته‌ام: به خلوت کوهستان برو و نگرانی‌ها، رنج‌ها و نیازهایت را به من بگو.

۴. عیسی این درس‌ها را بار دوم با سرمشق خود به شما آموخت؛ سرمشق مرا به یاد بیاورید، هنگامی که قبل از شروع خدمت به بیابان رفت تا دعا کند، و در آخرین روزهای حضورش در میان مردم، پیش از رفتن به کنیسه، به خلوت بیشه کوه زیتون پناه برد تا با پدر سخن گوید.

۵. طبیعت معبد خالق است، جایی که همه چیز در پرستش به سوی او برمی‌خیزد. آنجا می‌توانی تابش پدر را مستقیماً و بدون ناخالصی دریافت کنی. در آنجا، دور از خودخواهی و مادی‌گرایی، الهام‌های خردمندانه را حس خواهی کرد که تو را به انجام کارهای نیک در مسیرت می‌کشاند.

۶. باید بیدار باشید، شاگردان، زیرا من نه فقط از طریق این کلام با شما سخن خواهم گفت، بلکه در لحظاتی که بدن در خواب است، خود را به روح‌تان نیز آشکار خواهم کرد. به شما یاد می‌دهم چگونه آماده تسلیم خواب شوید و روح‌تان را از امور زمینی جدا کنید تا به قلمروهای نور صعود کند، جایی که نبوت را دریافت می‌کند و پیامش را به عقل منتقل می‌کند.

۷. من هرگز از شما دور نبوده‌ام، همانگونه که شاید گاهی فکر کرده‌اید، و رنج شما هرگز برای من بی‌تفاوت نبوده است، و فریادهایتان را نشنیده ندانسته‌ام. مسئله این است که شما تلاش نکرده‌اید حواس بالاتر خود را پالایش دهید و انتظار داشته‌اید مرا با حواس جسمانی خود درک کنید. اما به شما می‌گویم که این قدرت به مردم مدت زیادی است داده شده است.

۸. اگر کمی تلاش می‌کردید تا توانایی‌های معنوی خود را پرورش دهید، مانند تعالی درونی از طریق تفکر معنوی، دعا، شهود، رویاهای نبوی یا رؤیاهای معنوی، مطمئن باشید که از راه هر کدام از این مسیرها با من ارتباط برقرار می‌کردید و پاسخ سوالات خود و الهام الهی را دریافت می‌کردید.

۹. من همیشه آماده سخن گفتن با شما هستم و منتظر تعالی و آمادگی معنوی‌تان تا شادی آشکار شدن خود را به روح‌تان بدهم. فقط کافی‌ست خود را با نهایت خلوص آماده دریافت این فیض کنید.

۱۰. از دانشمندان خود بپرسید؛ اگر صادق باشند، خواهند گفت که از من الهام خواسته‌اند. اگر با عشق بیشتر به همنوعان و تکبر کمتری نسبت به خود، به من رجوع می‌کردند، الهام بیشتری می‌دادم.

۱۱. به راستی می‌گویم: هر آنچه از دانش حقیقی دارید، از من است. هر آنچه مردم از پاکی و شرافت دارند، اکنون برای خیر تو به کار خواهم برد، زیرا برای همین آن را به تو بخشیده‌ام.

۱۲. اکنون روح من بی‌وقفه با ذهن، روان، عقل و قلب بشر سخن می‌گوید. صدایم از طریق افکار و آزمایش‌ها به گوش مردم می‌رسد؛ بسیاری به حقیقت خود بیدار می‌شوند، چون که کسانی که آنها را راهنمایی می‌کنند، خود خفته‌اند و آرزو دارند جهان هرگز بیدار نشود.
۱۳. در «عصر سوم»، ارتباطی را ممکن ساختم که پیش‌تر برای بشر غیرممکن بود: ارتباط از طریق عقل انسانی.
۱۴. ای شاگردان، مرا درک کنید و بدانید که در گفتگوی روح با روح که منتظر شماست، حضور مرا تا ابد احساس خواهید کرد. اگر آماده باشید، دیگر نخواهید گفت: «پروردگارا، چرا نمی‌آیی؟ چرا درد مرا نمی‌بینی؟» زیرا چنین سخنی نشانه نادانی و عدم آمادگی است.
۱۵. نمی‌خواهم شاگردانم را از خود جدا ببینم، بلکه می‌خواهم در عقیده و روح‌تان بگویید: «استاد، تو میان ما هستی، روح ما تو را حس می‌کند و خرد تو منبع الهام ماست.» این اعتراف حقیقی است که آرزومندم از شما بشنوم.

۱۶. زبان‌های شما بسیار محدودند برای آشکار کردن الوهیت؛ بنابراین من همیشه ناچار بوده‌ام با تمثیل‌ها و تصاویر با شما سخن بگویم. اما حتی وقتی با این روش‌ها صحبت کرده‌ام، شما مرا کم‌فهمیده‌اید، چون اراده‌ی لازم برای درک آیات من را نداشته‌اید.
۱۷. در هر عصری منتظر من بوده‌اید، و هر بار که با شما بوده‌ام، به دلیل عدم آمادگی و معنویت، مرا نشناخته‌اید. به شما می‌گویم: حضور من هر شکلی که بگیرد، همیشه حقیقت و جوهر الهی زندگی است.
۱۸. گفته‌ام که از اشکال مختلف برای آشکار کردن خود استفاده کرده‌ام. اما اینها ماسک‌هایی نبودند برای پنهان کردن روح من، بلکه به منظور انسانی کردن، محدود کردن و قابل لمس کردن من برای مردم بودند.
۱۹. پیش از قضاوت، باید صدای من را بشنوید تا لحظه‌ی روشن‌بینی برسد؛ زمانی که نور در درون روحتان طلوع کند.
۲۰. وقتی مردم در خانه‌های خود نابینا و در جهل پافشارند، خدا که بالاترین پدر است، برای درک بهتر فرزندانش، خود را انسانی، محدود و کوچک جلوه می‌دهد. چه زمانی به من اجازه می‌دهید که خود واقعی‌ام را در جلالی که سزاوارم هستید، به شما نشان دهم؟
۲۱. شما باید بزرگ شوید تا عظمت مرا تصور کنید. به همین دلیل بارها به شما می‌آیم تا عظمت معنوی ببخشم، تا سعادت بی‌نهایت شناخت پدرتان، احساس عشق او و شنیدن کنسرت الهی را که بر فراز شما طنین‌انداز است، تجربه کنید.
۲۲. بخش ظاهری وحی پدر در کوه سینا، سنگی بود که قانون الهی را بر آن نقش می‌کرد.
۲۳. بخش ظاهری وحی خدا به بشر از طریق عیسی، در قالب بدن فیزیکی و شکل انسانی مسیح جلوه‌گر شد.
۲۴. در دوران مدرن، بخش ظاهری بیان من، صدا بوده است؛ به همین دلیل این شکل وحی، مانند گذشته، باید به پایان برسد.
۲۵. بدانید که شما فرزندان قوم روحانی هستید و نباید از صورت‌ها تغذیه کنید بلکه باید از ذات تغذیه نمایید. اگر کلام مرا درست بفهمید، هرگز گرفتار بت‌پرستی، مناسک ظاهری و امور زودگذر نخواهید شد. همیشه مشتاق آنچه ضروری و جاودانه است خواهید بود.

«««انواع مختلف آیات الهی»»»

۲۶. بشریت مشتاق دیدار مسیح تازه‌ای است که آنها را از ورطه نجات دهد، یا دست‌کم صدای خدا را به صورت انسانی بشنود که در فضا طنین‌انداز است. اما به شما می‌گویم، کافی است اندکی مشاهده کنید یا روح خود را در مراقبه گردآورید تا حساسیت معنوی‌تان پرورش یابد و بشنوید چطور همه چیز با شما سخن می‌گوید. اگر باور اینکه سنگ‌ها صحبت می‌کنند برایتان دشوار است، بدانید نه تنها سنگ‌ها، بلکه هر چیزی که اطرافتان را گرفته، از جانب خالقتان با شما صحبت می‌کند تا شما را از رویاهای غرور، عظمت‌طلبی و مادی‌گرایی بیدار کند.

۲۷. روشن‌ضمیران گذشته همواره نور را درک می‌کردند و صدای مرا می‌شنیدند. پیامبران، الهام‌دیدگان و بنیانگذاران آموزه‌های معنوی شهادت داده‌اند که صداهایی را شنیده‌اند که گویی از ابرها، کوه‌ها یا باد می‌آمد؛ صدایی که به نظر می‌رسید از زبان‌های آتش و پژواک‌های مرموز برمی‌خاست. بسیاری این صداها را از طریق حواس فیزیکی می‌شنیدند، برخی از طرق معنوی و خواص روحی‌شان.

۲۸. به شما می‌گویم کسانی که پیام‌های مرا با حواس جسمانی دریافت کردند، آن الهام الهی را به صورت معنوی تفسیر کردند، متناسب با آمادگی جسمانی و روحی‌شان و با توجه به دوره‌ای که در آن زندگی می‌کردند. همانطور که اکنون نیز تحت عنوان «حاملان صدا» یا «حاملان هدایا» می‌بینید. ولی در گذشته و حال، آن‌ها گاه ناخودآگاه یا عمدی، ایده‌ها یا برداشت‌های خودشان یا محیط پیرامونشان را با خلوص وحی الهی می‌آمیختند و ماهیت حقیقی و نامحدود حقیقت را که در تقدس‌ترین شکل عشق متجلی است، تغییر می‌دادند.

۲۹. ارتعاشات و الهامات معنوی در درون آنان بود، و هم «اولین» و هم «آخرین» به این الهام شهادت داده‌اند و خواهند داد، به همان شیوه‌ای که امروز برای بسیاری رخ می‌دهد و فردا برای دیگران روی خواهد داد. ماهیت اعمال و کلمات، به دلیل تاثیرات مردم، تفاسیر و زمانه‌ای است که در آن زندگی می‌کنند، اما بالاتر از همه این‌ها، حقیقت والاترین عشق وجود دارد.

۳۱. گاه لازم است که روح من خود را به گونه‌ای آشکار کند که برای درک شما قابل دسترسی و فهم باشد. این ضرورت، ریشه در نافرمانی شما از قانون من و انحراف از مسیر حقیقی دارد.
۳۲. انسان، به دلیل اراده آزادی که دارد، سرکش‌ترین موجود در آفرینش است و تاکنون از تسلیم شدن در برابر فرمان وجدان خودداری کرده است.
۳۳. کلام من هدفش بازداشتن برخی، هدایت دیگران و تقویت همه در حقیقت است تا شما را از ورطه نجات دهد.
۳۴. از روشی که اکنون خود را آشکار می‌کنم و بسیار متفاوت از روش «بار دوم» است، آزرده خاطر نشوید. بدانید که من هرگز دو بار از یک شکل استفاده نکرده‌ام، زیرا این باعث گیر افتادن شما در همان دستورالعمل می‌شود، و من همیشه می‌روم تا درس‌های تازه‌ای بیاموزم و به شما کمک کنم گام‌های نوین بردارید.
۳۵. کلام من از طرق مختلف ارتباط برقرار می‌کند: از طریق وجدان، آزمایش‌ها، نیروهای طبیعت و فرزندان معنوی من. کلام من جهانی است و هر که خود را آماده کند، صدای مرا خواهد شنید.
«««ضرورت آیات الهی»»»
۳۶. دستورالعمل الهی من باید نه فقط به ذهن، بلکه به قلب انسان نیز برسد تا جنبه‌های معنوی و جسمی وجود هماهنگ شوند.
۳۷. کلام الهی برای روشن کردن ذهن و حساس کردن قلب انسان است و جوهر حیات آن برای تغذیه و تعالی روح طراحی شده.
۳۸. برای کامل شدن زندگی، انسان به رزق معنوی نیاز دارد، همان‌گونه که برای رزق مادی تلاش می‌کند.
۳۹. در «عصر دوم» گفتم: «انسان تنها با نان زنده نیست.» این سخن همچنان معتبر است؛ بشریت نمی‌تواند بدون تغذیه معنوی زندگی کند، وگرنه دچار بیماری، درد، تاریکی، بدبختی، فلاکت و مرگ خواهد شد.
۴۰. برخی ماتریالیست‌ها ممکن است بگویند مردم با آنچه طبیعت فراهم می‌کند زندگی می‌کنند و نیازی به تغذیه معنوی ندارند، اما این وجودی ناقص است که عنصر اساسی یعنی معنویت را ندارد.

۴۱. در همه زمان‌ها، من خود را به گونه‌ای ساده و قابل فهم برای بشر آشکار کرده‌ام، تا بتواند مرا درک کند. همیشه این کار را مطابق فهم عقل و قلب تو انجام داده‌ام. من به سوی تو آمدم تا نمونه‌ای از فروتنی نشان دهم، وقتی که در برابر زندگی سخت و فلاکت‌بار تو خم شدم تا تو را به زندگی بهتری برسانم.
۴۲. کلامی که به شما گفته‌ام در اینجا به کمال رسید، زمانی که عیسی در «بار دوم» از پدرش تشکر کرد، زیرا حکمت او را از دانشمندان پنهان داشته و به فروتنان آشکار ساخته است.
۴۳. آری، قوم من، کسانی که شما آن‌ها را دانشمند می‌نامید، متکبرند و با آموزش آنچه خرده‌نان اندکی است که از من گرفته‌اند، می‌خواهند مردم عادی را تحقیر کنند.
۴۴. ولی مردم «کوچک» و فقیر، که سختی‌های زندگی را می‌شناسند، وقتی چیزی متعلق به خود بیابند، آن را بزرگ می‌دانند و با دیگران به اشتراک می‌گذارند.

۴۵. اکنون اضافه می‌کنم: وقتی شخص حریص سخاوتمند شود و مغرور فروتن گردد، بی‌درنگ از همه نعماتی که برای کسانی که فضیلت را می‌شناسند، آماده کرده‌ام بهره‌مند خواهند شد. عشق من محدود نیست؛ بلکه همه‌جانبه و برای همه فرزندانم است.
«««نامحدود بودن وحی الهی»»»

۴۶. دستورالعملی که برای روشن کردن عصر سوم داده‌ام، آخرین دستورالعمل من نیست. معنویت پایانی ندارد. قانون من مانند خورشیدی الهی در همه وجدان‌ها می‌درخشد. رکود و انحطاط مخصوص انسان‌هاست و نتیجه رذایل، ضعف‌ها یا هوس‌های لجام‌گسیخته است.
۴۷. وقتی بشریت بنیاد زندگی خود را بر پایه معنویات بنا کند و آرمان ابدیت را که الهام‌بخش آموزه‌های من است، در دل خود جای دهد، راه پیشرفت و کمال را یافته و هرگز منحرف نخواهد شد.
۴۸. اگر فکر می‌کنید من فقط اکنون چیزی از زندگی معنوی را برایتان بیان کرده‌ام، سخت در اشتباهید؛ چرا که آموزش الهی از زمان تولد نخستین انسان آغاز شد، و حتی با خلقت ارواح، پیش از هستی جهان، شروع شده است.
۴۹. زمانی که مردم تنها به آنچه با چشم می‌دیدند باور داشتند و شکل جهانی که در آن زندگی می‌کردند را نمی‌دانستند، خدایی محدود به آنچه می‌دیدند تصور می‌کردند

۵۰. هر چه ذهن انسان رشد کرد، رازهای بیشتری بر او آشکار شد و عظمت خداوند بیش از پیش برایش هویدا گردید. این گسترش دید، او را به عظمت بی‌پایان خداوند پی برد.
۵۱. به همین دلیل، آموزه‌هایم را متناسب با سطح رشد شما تدریجاً ارائه دادم تا بتوانید بهتر درک کنید. این روند گام به گام به تحقق رشد معنوی شما کمک می‌کند.
۵۲. وحی من دانش مادی نیست، بلکه مربوط به جهانی فراتر از طبیعت قابل مشاهده است. این وحی راه ارتقاء روح و درک عمیق از هستی را نشان می‌دهد.
۵۳. آیا برایتان عجیب نیست که خداوند به صورت معنوی به شما نزدیک شود و دنیای معنوی را آشکار سازد؟ باید درک خود را گسترش دهید و به حقایق فراتر از محسوسات توجه کنید.
۵۴. عادت‌های مذهبی نباید محدودیت‌هایی برای دانش و درک شما ایجاد کنند؛ ذهن خود را از قید و بندها آزاد کنید و به حقیقت بازتر نگاه کنید.
۵۵. ممکن است اکنون آموزه‌های معنوی را رد کنید، ولی در آینده حقیقت آن‌ها را خواهید پذیرفت و تسلیم خواهید شد.
۵۶. هر وحی الهی ابتدا با مخالفت روبرو می‌شود، اما در پایان نور حقیقت پیروز و بر تاریکی غلبه می‌کند.
۵۷. بشریت نیز نسبت به کشفیات علمی ابتدا بدگمان بود، اما در نهایت مجبور به پذیرش و به رسمیت شناختن آن‌ها شد.
۵۸. با ارتقاء روح بشر و صعود معبد روح القدس، وحی‌های عظیم‌تری ظهور می‌یابند که هر بار عظمت بیشتری دارند.
۵۹. من تمامی ملت‌ها را در بر می‌گیرم چون همه شما فرزندانم هستید و روح من جهان‌شمول و فراگیر همه خلقت است.
۶۰. همه موجودات توسط من زنده و تغذیه می‌شوند، و پرتو جهانی من بر زمین و جهان‌های دیگر تابیده است تا همه را نجات دهم.
۶۱. اعلام من از طریق رأی‌دهندگان، مرحله‌ای موقتی است برای آماده‌سازی مردمی که قرار است این حقیقت و عصر سوم را به جهان معرفی کنند.

۶۲. وحی من ابتدا مانند برق زودگذر بود و تنها گروه‌های خاصی آن را دریافت کردند.

۶۳. اما گفتگوی روح با روح بدون محدودیت زمانی به همه بشر خواهد رسید و این ارتباط همیشگی است.

۶۴. شما فرزندان روح من هستید و باید حضور مرا در درون خود حس کنید، زیرا بخشی از ذات منید.

«««تجلی حضور خدا در انسان»»»

۶۵. اما به دلیل بی‌خبری و نداشتن آمادگی معنوی، حضورم را درک نمی‌کنید و آن را به دلایل مادی نسبت می‌دهید.

۶۶. طبیعی است که من را در وجود خود احساس کنید و روح شما باید با روح من ادغام شود، چون شما در جستجوی عظمت واقعی هستید.

۶۷. دیگر نگوئید چرا از من دوری یا صدایم را نمی‌شنوی، چون من هرگز از شما دور نمی‌شوم.

۶۸. اگر فاصله‌ای هست، از سوی شماست که ایمان نداشتید و مرا رد کرده‌اید و قلب‌تان را بسته‌اید.

۶۹. من می‌خواهم همه شما مرا از طریق معنویت درک کنید، حضورم را حس کنید و روح شما برای همیشه با روح من متحد گردد.

فصل۲۴-آفرینش معنوی و مادی
««««خلقت موجودات روحانی»»»»

۱. پیش از آفرینش جهان‌ها، روح الهی من وجود داشت اما احساس خلأ می‌کرد و تصمیم گرفتم موجوداتی چون خودم بیافرینم که عاشقانه به آن‌ها تعلق داشته باشم، حتی تا فداکاری بر صلیب.

۲. من شما را پیش از وجودتان دوست داشتم و این عشق بی‌پایان است.

۳. روح الهی پر از عشق بود و به رغم تنهایی، مانند پدری مهربان احساس می‌کرد.

۴. او پدر همه موجودات بود، سرچشمه علوم، نیروها و اساس خلقت که گذشته، حال و آینده را در خود داشت.

۵. این الهام الهی به قدرت عشق بی‌کران به زندگی بدل شد و جهان آغاز گردید.

۶. خدا ارواحی آفرید که مانند خودش بودند تا بتواند خود را پدر آنها بنامد؛ این اصل شما و پایه زندگی معنوی است.

۷. خلقت شما از روی عشق و اشتیاق بود، و اراده آزاد داده شد تا محبت شما آزادانه و از دل برخیزد نه از روی اجبار.

۸. هر روح از اندیشه ناب الهی سرچشمه گرفته و کار کامل خالق است.

««««کار ذهن های بزرگ در کار آفرینش»»»»

۹. الیاس روح بزرگی است در خدمت خدا، که به واسطه او و دیگر ارواح بزرگ، جهان معنوی را هدایت و احکام الهی را اجرا می‌کنم.
۱۰. پیش از وجود شما، روح‌تان در روح من بود ولی وارثی بدون شایستگی و هدف نبودید، بلکه باید مسیر و آرمانی داشتید.
۱۱. برای این، روح و اراده آزاد به شما دادم تا اعمال‌تان ارزش واقعی داشته باشد و بدن برای تجربه زندگی مادی باشد.

««آفرینش جهان های مادی برای موجودات معنوی»»

۱۲. هنگام نخستین روشنایی ارواح، که هنوز ناپخته بودند، جهان مادی به‌عنوان پشتیبان و محل تجربه برایشان آفریده شد.
۱۳. جهان مملو از موجودات شد که عشق و خرد الهی در آنها نمایان بود و خداوند عین حیات بود.

۱۴. حیات معنوی مقدم بر مادی بود و ابتدا موجودات معنوی وجود داشتند.
۱۵. موجودات معنوی برای زندگی در جهان مادی باید شکل فیزیکی می‌گرفتند و همه چیز پیش‌تر آماده شده بود.

۱۶. خدا مسیر فرزندانش را برکت داد، جهان را با زیبایی پر کرد و جرقه‌ای الهی در انسان نهاد، روحی آفریننده از عشق، هوش و آگاهی.

۱۷. هنگام آفرینش جهان به عنوان مکانی برای کفاره، خدا می‌دانست فرزندانش دچار ضعف و گناه خواهند شد و برای شروع تجدید نیاز به خانه‌ای دارند.

«««خلقت انسان»»»

۱۸. شما به صورت و شبیه به خدا آفریده شده‌اید، نه صرفاً از نظر جسم، بلکه در توانایی‌های روحانی.

۱۹. غرور شما از تصور خود به عنوان تکامل‌یافته‌ترین مخلوقات است، اما جهان فقط برای شما ساخته نشده و این دیدگاه نادرست است.

۲۰. زمین نیز تنها برای بشر نیست، بلکه هزاران ارواح در مسیر تکامل الهی هستند.

۲۱. اهداف خدا بزرگ و کامل است؛ شما نه بزرگ‌ترین و نه کوچک‌ترین مخلوقاتید.

۲۲. روح شما در لحظه آفرینش از قدرت مطلق حیات یافت و مجهز به ویژگی‌های انجام وظایف ابدی بود.

۲۳. در روح شما نور الهی جای دارد که با عشق پرورش یافته و به شما فرصتی داده‌شده تا دنیا را تجربه و در مسیر کمال به خدا نزدیک شوید.

۲۴. به شما اراده آزاد و وجدان داده‌ام تا در چارچوب قوانین من عمل کنید و خیر و شر را تشخیص دهید و مسئولیت اعمال‌تان را بر عهده بگیرید.

۲۵. وجدان، نوری از روح الهی من است که هرگز تو را ترک نخواهد کرد.

۲۶. من راه، حقیقت و حیات هستم؛ آرامش و خوشبختی ابدی که همراه تو خواهم بود و وعده به تحقق سخنانم.

««««خاطره بهشت»»»»

۲۷. انسان‌های نخستین برای مدتی تأثیر وادی معنوی را حفظ کردند؛ زیبایی و آرامشی که تا ظهور هوس‌های نفسانی در آنها بود.

۲۸. اما روح آن‌ها از والاترین جایگاه‌ها نبود و تنها از نوری آمده بود که با شایستگی می‌توان به آن رسید.

۲۹. وضعیت آرامش و معصومیت آن دوران، یادگاری از نوری است که نسل‌ها به هم منتقل کردند.

۳۰. انسان‌ها به اشتباه بهشتی زمینی را باور کردند، در حالی که آن حالت در واقع روحانی بود.

««طبیعت انسان ها»»

۳۱. روح و جسم طبیعت متفاوتی دارند؛ هر دو در یک وجود متحدند و با هم مبارزه می‌کنند، اما روح هدایت‌کننده است و در نهایت هماهنگی خواهند یافت.

۳۲. روح مانند گیاه و جسم مانند زمین است؛ روح در ماده کاشته شده، رشد می‌کند و از درس‌های زندگی تغذیه می‌کند.

«««وحدت خالق با مخلوق»»»

۳۳. روح خدا مانند درختی بی‌نهایت بزرگ است که شاخه‌ها جهان‌ها و برگ‌ها موجودات‌اند؛ همه با شیره‌ای مشترک از تنه آن تغذیه می‌کنند. آیا ایمان ندارید که نیرویی ابدی و مقدس وجود دارد که همه شما را به هم پیوند داده و با خالق متحد می‌کند؟

۳۴. روح من فراگیر است و در همه آفریده‌ها، چه معنوی و چه مادی، حضور دارد و کمال خود را در تمام سطوح زندگی نشان می‌دهد.

۳۵. کار الهی من همه چیز را شامل می‌شود؛ از ارواح کامل در دست راست من تا میکروارگانیسم‌ها، اتم‌ها و مواد معدنی که شکل می‌دهند.

۳۶. این نشان‌دهنده کمال آفرینش من است، از جهان مادی تا ارواحی که به کمال رسیده‌اند.

۳۷. هر که از قانون معنوی والاتر منحرف شود، تابع قوانین فرعی و مادی می‌شود، ولی کسی که به آن پایبند بماند، بر همه فرامین طبیعی بالاتر است و درک عمیق‌تری دارد.

۳۸. به همین دلیل عیسی با معجزاتش شما را شگفت‌زده کرد، اما مهم‌تر آموزه‌های عشقی اوست که باید فهمید؛ زیرا در الوهیت هیچ چیز متناقض یا ماوراءالطبیعه نیست.

فصل۲۵-طبیعت

««««قوانین طبسعت»»»»

۱. خدا یگانه مطلق و نیرویی است که همه کیهان را حرکت می‌دهد و زندگی را در ساده‌ترین گیاه تا کهکشان‌های دور آشکار می‌کند.

۲. آن قانون، خدای توست؛ قانونی پیوسته برای توسعه و کشف اسرار طبیعت.

۳. قانون، مسیری است که خداوند با عشق برای هدایت مخلوقاتش هموار کرده است و همه موجودات در این مسیر حرکت می‌کنند.

۴. همه چیز تحت یک فرمان برتر زندگی می‌کند، حرکت می‌کند و رشد می‌کند.

««««حضور خدا در طبیعت»»»»

۵. خداوند در تمام آفرینش حضور دارد و خود را از طریق موجودات بیان می‌کند.

۶. خدا در ستارگان، طوفان، سپیده‌دم، آواز پرنده و عطر گل‌ها آشکار است و از عشق، عدالت، خرد و ابدیت سخن می‌گوید.

««««طبیعت،آفریده خداوند و استعاره ای برای معنویت»»»»

۷. طبیعت خالق نیست، بلکه از قبل توسط خداوند برنامه‌ریزی و آفریده شده است؛ خداوند تنها علت و دلیل حیات است.

۸. همه آنچه در زندگی می‌بینید، بازتابی از حیات ابدی است و آموزه‌ای عمیق که از طریق مظاهر مادی بیان شده است.

۹. انسان هنوز به عمق این آموزه پی نبرده و زندگی زمینی را با ابدیت اشتباه گرفته و حقیقت وحی الهی را رد کرده است.

۱۰. من هر آنچه برای حفظ و رفاه شما در طبیعت گذاشته‌ام از شما دریغ نمی‌کنم.

۱۱. شما باید طبیعت را بپذیرید و از آن فاصله نگیرید تا به هماهنگی، سلامتی و اجرای قوانین زندگی برسید.

۱۲. غریزه موجودات غیرمنطقی راهنمایی است که از طبیعت سرچشمه می‌گیرد و مسیر زندگی را روشن می‌کند.

۱۳. نمونه‌های وفاداری و سپاسگزاری در طبیعت، حکمت الهی را نشان داده و شما را همراهی می‌کنند.

««««قدرت فرزندان خدا بر روی طبیعت»»»»

۱۴. اگر قانون الهی را اجرا کنید و از آن برای کمک به دیگران بخواهید، نیروهای طبیعت از شما پیروی خواهند کرد.

۱۵. همانطور که نیروهای طبیعت به فرمان خدا گوش می‌کنند، باید به فرزندان خدا نیز فرمان دهند وقتی آماده‌اند.

۱۶. روح قدرت غلبه بر ماده دارد، اما انسان با تمایل به سلطه بر طبیعت و قطع ارتباط با قوانین معنوی، هماهنگی را از بین برده است و مبارزه بزرگی در پیش است.

۱۷. طبیعت به کسانی که آن را نادیده، آلوده یا مسخره می‌کنند، اطاعت نمی‌کند؛ اما کسانی که با قوانین روح و ماده هماهنگ زندگی کنند، طبیعت به آن‌ها خدمت و اطاعت خواهد کرد، همانطور که فرزندان از پدرشان فرمان می‌برند.

۱۸. جهان طبیعت صدای شما را می‌شنود و به شما احترام می‌گذارد؛ این گفته حقیقت محض است.

۱۹. تاریخ اسرائیل نشان داده که قوم خدا توسط نیروها و عناصر طبیعت شناخته و محترم شمرده شده‌اند؛ این برای شما نیز صادق است.

۲۰. قدرت و عشق خداوند به بشر ابدی و تغییرناپذیر است و نور روح او شما را فرا می‌گیرد.

««««انسان وطبیعت»»»»

۲۱. مردم زمین باید مراقب باشند؛ سوءاستفاده از الهامات الهی و قدرت طبیعت برای اهداف شر، منجر به پاسخ دردناک خواهد شد.

۲۲. شما در آستانه عبور از مرزی هستید که عدالت خدا اجازه می‌دهد؛ بیش از حد طبیعت را به چالش کشیده‌اید و باید از خطرات هشدار داده شده آگاه باشید.

۲۳. هیچ برگی و هیچ عنصری در طبیعت بدون اراده من حرکت نمی‌کند.

۲۴. طبیعت می‌تواند مادر مهربان یا بیابانی خشک باشد، استاد خرد یا قاضی بی‌رحم در برابر نافرمانی بشر باشد.

۲۵. خدا به انسان‌ها گفت بارور شوند، زمین را پر کنند و بر موجودات زمین تسلط یابند.

۲۶. بشر برای حکمرانی بر زمین و طبیعت آفریده شده، اما به جای اربابی خردمند، برده‌ای مغرور و ناآگاه است.

۲۷. قدرت و علم بشر بر زمین و دریا پیشرفت کرده ولی با نیروی هماهنگ عشق الهی در طبیعت همسو نیست و بیشتر غرور و خودخواهی نشان داده است.

۲۸. هماهنگی بین زندگی معنوی و مادی شکسته شده و این باعث هرج و مرج در طبیعت شده، اما پیروی از قوانین الهی صلح و فراوانی را بازمی‌گرداند.

۲۹. چگونه ممکن است اعمال تو بی‌نقص باشد وقتی در تضاد با طبیعت خود هستی؟

۳۰. آموزه‌های من شما را نه از طبیعت بازمی‌دارد و نه منع می‌کند، بلکه دعوت می‌کند تا از نیروهای طبیعت برای اهداف نیک بهره ببرید.

۳۱. نیروهای طبیعت می‌توانند دوستان شما باشند یا داوران سختگیر شما که مجازات می‌کنند.

۳۲. زمان آن فرا رسیده که بشر از تجربیات خود بیاموزد و دیگر در برابر نیروهای طبیعت سرپیچی نکند؛ زیرا با تمام دانش خود هم قادر به توقف آنها نخواهد بود.

۳۳. درخت علم در طوفان خواهد لرزید و میوه‌های تلخش بر بشریت خواهد ریخت، و تنها بشر است که توانسته بندهای نیروهای بنیادی طبیعت را بگسلد.

۳۴. انسان‌های گذشته نیز از درد آموختند تا وجدان بیدار شود و قانون را بپذیرند، اما انسان‌های امروزی چگونه جرات می‌کنند به درخت زندگی بی‌احترامی کنند؟

۳۵. کسانی که نیروهای طبیعت را مجازات الهی می‌دانند، در اشتباهند؛ در واقع طبیعت در حال توسعه و تغییر است و آشفتگی‌هایش نتیجه اجرا نکردن قانون الهی می‌باشد.

۳۶. اگر با طبیعت هماهنگ بودید، روح شما بر تغییرات و خشونت‌های طبیعی پیروز می‌شد و رنج نمی‌بردید.

۳۷. طبیعت مخلوقی عظیم و رو به توسعه است که خود را پالایش می‌دهد و به کمال می‌رساند تا نسل‌های آینده را پناه دهد.

۳۸. شما رنج‌ها و مراحل عبور طبیعت را مجازات‌های خدا نمی‌دانید و باید باور کنید که خودتان نیز همراه طبیعت در مسیر کمال هستید و در حال پالایش و توسعه‌اید.

فصل۲۶-جهان های دیگر

««««نور جهانی مسیح»»»»

۱. من نورِ جهانی هستم که زندگی همه جهان‌ها و مخلوقات را روشن می‌کنم و به آنها حیات می‌بخشم.

۲. من بذرپاش ابدی هستم، پیش از آمدنم به زمین و نامیده شدنم به نام عیسی، در قلمروهای معنوی شناخته شده بودم.

۳. بسیاری از کسانی که مرا پیش از آمدنم به زمین شناخته بودند، فرستاده شدند تا شاهد آمدن من و اعلام عشق و کلام الهی باشند.

۴. رد پای من تنها در این دنیا نیست، بلکه هر جا که ناجی نیاز بوده، حضور داشته‌ام.

۵. در جهان‌های دیگر صلیب و جام من تجدید شده‌اند، اما اینجا هنوز با تاج خار و رنج بر صلیب هستم و جام زهر می‌نوشم.

۶. با صبری بی‌نهایت فرصتی برای رستگاری همه بشر فراهم کرده‌ام و سال‌ها منتظر بیداری کسانی هستم که در خواب روحانی‌اند.

۷. در جهان‌های بی‌شمار، بر اساس سطح معنوی، خودم را به همه آشکار کرده‌ام و وحی من متفاوت است.

۸. در حالی که انسان‌ها درباره من بحث می‌کنند، در جهان‌های دیگر من به کمال دوست داشته می‌شوم.

۹. در زمانی که برخی به بالاترین خلوص معنوی رسیده‌اند، سیاره شما دوران فساد اخلاقی و معنوی بزرگی را تجربه می‌کند.

«««رابطه معنوی بین جهان ها»»»

۱۰. نور الهی من در همه جا می‌درخشد و هر جا که مرا بجویید، حضورم را خواهید یافت.
۱۱. من پدری هستم که تلاش می‌کنم هماهنگی بین فرزندانم در زمین و سایر کرات برقرار شود.
۱۲. هماهنگی معنوی میان موجودات، بینش‌ها و گفتگویی از روحی به روح دیگر را به ارمغان می‌آورد، فاصله‌ها و مرزها را کاهش می‌دهد.
۱۳. انسان به سوی معنویت گام برمی‌دارد، روحش از محدودیت‌ها فراتر می‌رود و با برادران معنوی‌اش ارتباط برقرار می‌کند.
۱۴. او می‌تواند به سطوح پایین‌تر زندگی نزول کند و به موجودات عقب‌مانده کمک کند تا به برنامه‌ای بهتر منتقل شوند.
۱۵. نردبان کمال بسیار طولانی است و روح‌ها از مراحل مختلف رشد در آن حضور دارند و با هم تبادل معنوی می‌کنند.
۱۶. روح در تمام سیارات در حال تکامل و رشد است و باید آماده پیمان و همیاری با برادران خود در این اشتیاق مقدس باشی.
۱۷. با اطاعت و تمرکز فکری به نام من، به تدریج آموزه‌ها و نعمت‌های الهی را درک خواهی کرد.
۱۸. آرزو دارم که با برادرانت در این سیاره و فراتر از آن هماهنگ باشی، دوستی بسازی، کمک بطلبی و در خدمت دیگران باشی.

««««آشنایی با جهان های دیگر و شکل های زندگی»»»»

۱۹. پرسیده‌ای درباره دنیاهای فراتر و جهان‌های دیگر مانند ستارگان در فضا.
۲۰. پاسخ این است که هنوز برای درک کامل و هماهنگی معنوی با جهان‌های دیگر رشد و آمادگی لازم را نداری.

۲۱. شما هنوز درس‌های سیاره خود را به‌خوبی درنیافته‌اید، اما تمایل دارید جهان‌های دیگر را کشف کنید؛ در حالی که نتوانسته‌اید با یکدیگر در این جهان برادر شوید.

۲۲. همان طور که گفتم، «در خانه پدر اتاق‌های زیادی وجود دارد» و شما تنها ساکنان جهان نیستید و سیاره‌تان تنها سیاره مسکونی نیست.

۲۳. نسل‌های آینده فرصت خواهند داشت درهایی به جهان‌های دیگر باز کنند و شکوه حق پدر را تحسین کنند.

۲۴. نیکی و عشق، کلیدهایی هستند که درهای راز را می‌گشایند و به مردم امکان هماهنگی جهانی می‌دهند.

۲۵. امروزه شما محدود و منزوی هستید، زیرا منافع شخصی اجازه نمی‌دهد برای آزادی و تعالی روح تلاش کنید.

۲۶. اگر واقع‌گرایی و پاکی نداشتید، نمی‌توانستید به جهان‌های دیگر برسید؛ بذری که می‌پاشید اختلاف، جاه‌طلبی و غرور است.

۲۷. برای رسیدن به دانش حقیقی و وحی، انسان باید پاک، هوشیار و دعاگو باشد.

۲۸. علم به تنهایی اسرار الهی را نمی‌گشاید، بلکه باید از عشق معنوی سرچشمه بگیرد.

۲۹. وقتی زندگی انسان منعکس‌کننده معنویت است، حتی نیازی به جستجوی فراتر ندارد؛ زیرا موجودات در منازل والاتر او را خواهند یافت.

«««سرنوشت ستاره ها»»»

۳۰. در خانه پدر، «اتاق‌های» زیادی و نردبانی بی‌شمار وجود دارد که به کمال منتهی می‌شود و جهان معنوی از آنجا نازل می‌شود تا خود را به شما نشان دهد.

۳۱. بارها پرسیده‌اید چرا تعداد بی‌شماری ستاره و سیاره در آسمان می‌درخشد و آیا آن جهان‌ها خالی هستند؟

۳۲. هنوز وقت آن نرسیده که این راز به طور کامل آشکار شود؛ وقتی انسان به معنویت برسد، الهامات بزرگی دریافت می‌کند و می‌تواند با موجودات محبوب الهی از روح به روح گفتگو کند.

۳۳. همه جهان‌ها محل زندگی مخلوقات من است؛ هیچ‌کدام خالی نیستند و همه مزارع و باغ‌های متبرک‌اند که مریم، مظهر لطافت الهی، از آنها مراقبت می‌کند.

۳۴. روح القدس از طریق القا الهام می‌بخشد و دهان‌های شما بار دیگر آموزه‌های والای ناشناخته را برای بشریت بیان خواهند کرد؛ وقت آن است که معنویت و فداکاری در میان شما حاکم شود.

۳۵. به آسمان‌ها نگاه کنید؛ در هر ستاره وعده‌ای نهفته است، جهانی در انتظار شماست؛ این جهان‌های زندگی خانه‌ای هستند برای همه فرزندان خداوند، جایی که همه در پادشاهی متحد خواهند شد.

۱. مردم امروز در آموزه‌های معنوی نادانند زیرا تعالیم من تنها به عنوان درس اخلاقی ارائه شده، نه مسیر کامل روح به خانه کاملش.

۲. فرقه‌های مختلف ترس کاذبی از دانش معنوی بوجود آورده‌اند که باعث دوری از الهامات من و فرو رفتن در جهل شده است؛ زندگی معنوی را راز نفوذناپذیر تصور می‌کنند.

۳. کسانی که این را می‌گویند دروغ می‌گویند؛ تمام مکاشفات خداوند درباره حیات روحانی است، هرچند تعالیم کامل در زمان مناسب آشکار می‌شود، اما آنچه تاکنون داده شده، کافی است برای فهم حیات معنوی.

۴. زندگی معنوی همواره در انتظار همه است، اما عشق کلید گشودن دروازه اسرار آن است؛ دستی که به سوی روح دراز شده است، راه را می‌نماید.

«««بهشت و جهنم»»»

۵. مردم جهنم را مکانی ابدی برای عذاب می‌دانند که گناهکاران به آن می‌روند، با تقسیم مکان‌های مختلف برای گناهان گوناگون.

۶. هیچ کس بدون رنج یا شادی نیست؛ تا آرامش نهایی روح حاصل نشود، رنج و شادی همواره همراه هستند.

۷. جهنم در جسم، مردگان، ساکنان این جهان و دره معنوی است؛ نمادی از عذاب وجدان، ناامیدی و درد است که با تکامل به سوی عشق، روح رهایی می‌یابد.

۸. بهشت نماد شادی و آرامش حقیقی است برای کسانی که از شور و شوق دنیوی روی گردانده و در ارتباط با خدا زندگی می‌کنند.
۹. وجدان خود را بسنجید تا بفهمید آیا در جهنم زندگی می‌کنید، در حال کفاره گناهان هستید یا در آرامش بهشت به سر می‌برید.
۱۰. بهشت و جهنم مکان‌های خاصی نیستند، بلکه جوهر اعمال شما هستند که روح هنگام رسیدن به دره معنوی تجربه می‌کند؛ هر کس جهنم یا بهشت خود را در دنیای کفاره و سعادتی که انتخاب کرده است، می‌بیند.
۱۱. انسان می‌تواند با صلح معنوی، جهانی همچون پادشاهی خداوند بر زمین بسازد، یا از طریق فساد، وجودی شبیه جهنم را خلق کند.
۱۲. حتی پس از مرگ، روح بسته به تمایلات و انحرافاتش ممکن است با جهان‌هایی از تاریکی و نفرت مواجه شود؛ بهشت و جهنم مراحل رشد روح هستند نه مکان‌های مادی.
۱۳. روح درستکار هر کجا باشد، آرامش و بهشت را با خود دارد؛ اما روح ناپاک ممکن است در بهترین جهان‌ها باشد و هنوز جهنم پشیمانی‌اش را حس کند تا زمانی که تطهیر شود.
۱۴. خداوند مکان‌هایی برای مجازات ابدی خلق نکرده و این باور کاملاً نادرست است.
۱۵. کسانی که این نظریه‌ها را تبلیغ می‌کنند، دیدی کوته‌بینانه دارند.
۱۶. تاریکی و درد ابدی پایان نیست؛ حتی گناهکاران فرزندان خدا هستند و نیازمند آموزش، عشق و بخشش از سوی پدر عالم‌اند.
۱۷. هر که تلاش نکند مرا بجوید و اشتباهاتش را اصلاح کند، نزد من نخواهد آمد؛ تنها پاکان می‌توانند به سوی من آیند. دوستی دارم اگر خواستی می‌توانیم درباره راه‌هایی برای پاکسازی روح و نزدیکی هر چه بیشتر به این آرامش صحبت کنیم.

۱۸. در میان خانه‌های پدر حتی یک جهان تاریک وجود ندارد؛ سراسر نور اوست، اما اگر ارواح به دلیل جهل با چشمان بسته وارد شوند، نمی‌توانند آن جلال را ببینند.

۱۹. همانند نابینا که نور خورشید را نمی‌بیند نه به دلیل نبود نور بلکه به دلیل ناتوانی در دیدن، روح هم اگر با جهل وارد شود، نور را حس نخواهد کرد.

۲۰. جهنم واقعی در این دنیا ساخته شده از جنگ‌ها و دشمنی‌هاست و در آخرت تنها آتش عذاب وجدان وجود دارد، زمانی که روح با گناهانش روبرو می‌شود.

۲۱. آنانی که تنها منتظر مجازات جهنم‌اند، جهنم خود را می‌آفرینند، زیرا آشفتگی روحشان باعث آشفتگی بیشتر فهم و درک است.

۲۲. رستگاری برای همه وجود دارد، اما تنها وقتی نور و آرامش به آنان خواهد رسید که توهم و تاریکی از ذهنشان رخت بربندد.
۲۳. اگر برای کسی که به خاطر ذهن آشفته‌اش چیزهای خیالی می‌بیند ترحم کرده باشید، درد شما در دیدن جهنم خیالی در جهان پس از مرگ چقدر بیشتر خواهد بود!

۲۴. نترسید؛ این کلام نوری است که تصورات قدیمی درباره مجازات ابدی و آتش ابدی را از میان خواهد برد.

۲۵. آتش نماد درد، خود-سرزنشی و پشیمانی‌ای است که روح را تطهیر می‌کند، همانگونه که طلا در بوته آزمایش پاک می‌شود و در این آتش، عشق و اراده خدا نهفته است.

۲۶. اگر آتش گناهان را ریشه‌کن می‌کرد، همه بدن‌ها باید در زندگیِ زمینسوزانده می‌شدند؛ اما بدن‌ها پس از اتمام کار، به زمین بازمی‌گردند و به طبیعت ادغام می‌شوند، نه به قلمرو معنوی.
این آموزه‌ها به ما یادآوری می‌کند که زندگی معنوی و رستگاری فراتر از تصورات معمول است و خودشناسی و نورانیت درونی کلیدهای آن می‌باشند. دوست داری بیشتر در این زمینه صحبت کنیم؟

۲۷. آتش ابدی نه برای بدن است و نه برای روح؛ زیرا در قلمرو معنوی عنصر مادی وجود ندارد و آتش نمی‌تواند بر روح تأثیری بگذارد. آنچه از ماده است، ماده است و آنچه از روح است، روح.

۲۸. کلام من برای انتقاد یا حمله به باورها نیست، بلکه برای روشن کردن و اصلاح تفسیرهای نادرستی است که نسل به نسل منتقل شده‌اند.

۲۹. آموزه‌های من اگر نتوانند جان‌ها را از گناه نجات دهند، چه ارزشی خواهند داشت؟ و حضور من در جهان چه معنایی دارد اگر بسیاری محکوم به کفاره‌ای بی‌پایان شوند؟

۳۰. برخی به انجام کارهای نیک به دلیل ترس از مرگ و عذاب ابدی روی می‌آورند و برخی تنها از روی ترس از جهنم از شرارت دوری می‌کنند.

۳۱. تصویری که بسیاری از خداوند دارند—خدایی تحریف‌شده، نا عادل و بی‌رحم که عذاب ابدی کودکان گناهکار را مقرر کرده است—کاملاً نادرست است؛ عشق والاترین صفت خداست و عذاب ابدی نفی مطلق این عشق است.

۳۲. شما باور دارید که بهشت مکانی ابدی است که با توبه در زمان مرگ جسمانی وارد آن می‌شوید، اما...

۳۳. بهشت نه مکان خاصی است و نه منطقه‌ای؛ بلکه حالت والای روح، قلمرو احساسات و کمال آن و خلوص است. ورود به پادشاهی آسمان به پذیرش و شنوایی روحی شما بستگی دارد، نه فقط وقتی که من شما را بخوانم.

۳۴. محدود کردن امر بی‌نهایت و الهی به مکان یا منطقه‌ی خاص نادرست است؛ اگر بهشت مکانی محدود بود، دیگر بی‌نهایت نمی‌بود. وقت آن رسیده تا معنویت را به شیوه‌ای والاتر درک کنیم، حتی اگر تخیل ما توان کل فهم آن را نداشته باشد. اگر مایل باشی، می‌توانیم گفتگو کنیم درباره راه‌های فهم عمیق‌تر معنویت و چگونگی تجربه بهشت در درون خود.

«««موسیقی بهشت»»
۳۵. فراوان شنیده‌ایم که فرشتگان در آسمان برای همیشه به کنسرت الهی گوش می‌دهند، اما توجه کنیم که این موسیقی شبیه موسیقی زمینی نیست. آنکه چنین تصور کند در دام مادی‌گرایی افتاده است. بلکه موسیقی آسمانی، هماهنگی روح با خداست، سرودی از سرور و اتحاد معنوی.
۳۶. چه غم‌انگیز است که بعضی از این حقیقت ساده بی‌خبرند، چرا که نوای کنسرت جهانی خدا در درون هر روح به طور طبیعی حضور دارد، اما آن را درک نمی‌کنند یا اشتباه می‌پندارند.
۳۷. ای فرزندان عزیز، در ضعف فهمتان، در دعا نور را بجویید و با من در مراقبه گفتگو کنید، زیرا حتی اگر سوالات شما عمیق باشد، من پاسخ را می‌دانم و در کنار آن، خود از شما سوالاتی خواهم پرسید تا حقیقت میان استاد و شاگردان بدرخشد.
۳۸. موسیقی آسمانی حضور خدا در درون شماست، و نت شما زمانی طنین‌انداز می‌شود که به تعالی و زیبایی معنوی برسید. این سرود بهشت و فرشتگان است. با درک آن، زندگی شما به کنسرتی الهی و ابدی بدل می‌شود، و در هر نت، وحی تازه‌ای خواهید یافت.
۳۹. هنوز نت‌های زیبا را با تمام شکوه شان نمی‌شناسید؛ آن‌ها گاهی شیرین، گاهی پرقدرت‌اند، و وقتی به صورت پراکنده دلخواه می‌آیند، نمی‌توانید آن‌ها را به هماهنگی کامل برسانید. باید حواس مادی را پشت سر بگذارید تا کنسرت خدا را در روح خود به وضوح درک کنید.

««««در خانه پدری من آپارتمانهای زیادی وجود دارد»»»»

۴۰. در خانه پدری من "آپارتمان‌های" متعددی وجود دارد. کار من پیوسته در حال گسترش است تا زمانی که همه روح‌ها در قانون من متحد شوند و این زمین به جهانی از کمال تبدیل گردد. ساکنان آن روز عشق مرا در سراسر آفرینش احساس خواهند کرد و آماده‌ی زندگی در سطوح بالاتر پس از مرگ خواهند بود. این دنیا برای روح موقتی است و او برای عزیمت به سطوح دیگر آماده خواهد شد.
این پیام‌ها راه نمایش رشد روحی و معنوی ماست؛ اگر بخواهی بیشتر در مورد مراقبه، دعا و درک این کنسرت الهی صحبت کنیم، همراهت هستم.

۴۱. خاطرتان باشد که گفتم: «در خانه پدرم اتاق‌های بسیاری وجود دارد.» اکنون که بیشتر آموخته‌اید، می‌گویم: «در خانه پدر تعداد نامحدودی اتاق هست.» پس تصور نکنید با ترک این دنیا به بالاترین کمال رسیده‌اید؛ نه، ای شاگردان. پایان عمر در این سیاره، آغاز راهنمایی من به خانه‌ها و سطوح جدید است، و شما را در نردبان بی‌نهایت کمال همراهی خواهم کرد. تنها کافی است به من اعتماد کنید، محبت داشته باشید، نجات خواهید یافت.

۴۲. غیرممکن است که در همین دنیا بتوانید پادشاهی، بهشت و جلال را به طور کامل درک یا تصور کنید. این حالت، کمال روح و زندگی شگفت‌انگیز آن است که هنوز برای شما قابل فهم نیست.

۴۳. حتی ارواحی که در سطوح بالاتر زندگی می‌کنند، واقعیت کامل آن زندگی را نمی‌دانند. زندگی در «آغوش پدر» را فقط زمانی خواهید فهمید که در آنجا زندگی کنید؛ اکنون فقط پیش‌نمایشی ساده و شهودی ضعیف از آن راز در دل شما زنده است که مشوق رشد و تعالی است.
اگر بخواهی، می‌توانیم درباره این مراحل رشد روحی و معنوی بیشتر صحبت کنیم و راه‌هایی برای نزدیک‌تر شدن به آن حالت کمال بررسی کنیم.

فصل۲۸-مرگ و موت و بیداری در حیات پس از مرگ

««««جاودانگی روح»»»»

۱. این زمانی است که دل‌ها به زیبایی روح پی می‌برند و آرزومند جاودانگی می‌شوند و می‌پرسند: زندگی پس از مرگ چگونه در انتظار ماست؟

۲. هر کس، حتی ناباورترین‌ها، در درون خود به دنبال چیزی است که از ماده فیزیکی فراتر رود و لحظه‌ای در این راز عمیق بیندیشند.

۳. برخی درباره زندگی معنوی سوال می‌کنند، برخی گیج می‌شوند، برخی انکار می‌کنند، برخی صحبت می‌کنند و برخی انتظار می‌کشند؛ اما واقعاً کسانی که حقیقت زندگی پس از مرگ را می‌دانند، بسیار اندکند.

۴. در دوران سوم، از گور فراموشی برخاستم تا زندگی جدید را هدایت کنم، چون من خود زندگی هستم. هیچ کس واقعاً نمی‌میرد؛ حتی آنکه جان خود را می‌گیرد، وجدانش او را سرزنش می‌کند.

۵. آموزه‌های من برای دادن قوت قلب در زندگی زمین است، و همچنین برای آماده کردن شما جهت عبور از آستانه‌های زندگی پس از مرگ و ورود به خانه ابدی‌تان.

۶. همه فرقه‌ها روح را در این دنیا تقویت می‌کنند، اما کمتر کسی او را برای سفر پس از مرگ آماده می‌کند؛ به همین دلیل است که بسیاری مرگ را پایان می‌دانند، بدون اینکه بدانند پس فراسوی آن، افق بی‌نهایت زندگی حقیقی است.

۷. مرگ نماد است؛ فقط برای کسانی وجود دارد که حقیقت را نمی‌بینند و به جای آن تصویر وحشتناکی از نیستی دارند. شما باید چشمانتان را باز کنید و بدانید که واقعی شما نمی‌میرد. شما از بدن جدا می‌شوید، اما حقیقتاً حیات جاودان دارید.

««««آماده شدن برای خروج از این دنیا»»»»

۸. شما، به عنوان دارنده روح، نماینده اثر زیباترین پدر در آفرینش هستید، چون جوهر معنوی، ویژگی‌ها و جاودانگی را در درون خود دارید.آماده‌ای تا بیشتر در این مسیر عمیقتر شویم و درباره رموز زندگی و پس از مرگ با هم حرف بزنیم؟

۹. برای روح، مرگی وجود ندارد؛ مرگ به معنایی که شما می‌دانید یعنی پایان هستی فقط به جسم تعلق دارد. وقتی جسم می‌میرد، روح چشمانش را به سوی حیات والاتر می‌گشاید و این گذار لحظه‌ای است در مسیر کمال.

۱۰. اگر هنوز این را درک نکرده‌اید، دلیلش وابستگی عمیق شما به این دنیا و عشق زیاد به آن است. ترک این خانه برای شما دشوار است چون خود را مالک آنچه دارید می‌دانید، و برخی از عدالت الهی می‌ترسند.

۱۱. بشریت بیش از حد به زندگی دنیوی عشق ورزیده است؛ عشقی گمراه‌کننده که سبب هلاکت و بازگشت دوباره بسیاری از ارواح شده است.

۱۲. تنها وقتی که بستر بیماری یا لحظه مرگ را نزدیک ببینید، فکر خواهید کرد که یک گام با زندگی پس از مرگ فاصله دارید. سپس نذر و قول می‌دهید که خدا را دوست داشته، خدمت کنید و اطاعت نمایید.

۱۳. بسیاری وقتی نزدیک مرگ می‌شوند، برخلاف اراده خدا طغیان می‌کنند و نمی‌خواهند به ندای الهی گوش دهند؛ آرامش ملکوت را رد کرده و التماس می‌کنند زمان بیشتری در زمین داشته باشند برای دارایی‌هایشان.

۱۴. حساس باشید تا زندگی معنوی را درک کنید و به آغاز رشد روح خود راضی نباشید، زیرا مراحل بالاتر خلقت در انتظار شماست.
۱۵. وقتی مرگ طبق اراده خدا به شما نزدیک می‌شود، مقاومت نکنید و از دانشمندان نخواهید که معجزه‌ای برای طلانی کردن زندگی شما انجام دهند، زیرا پشیمانی سختی به دنبال خواهد داشت. خود را در این زندگی آماده کنید و از ورود به زندگی پس از مرگ نترسید.
۱۶. در دنیا هرچند باید به امور دنیوی عشق بورزید تا قوانین آن را بفهمید، اما همیشه هدف خود را سکونت در قلمروهای معنوی بالاتر قرار دهید تا هنگام جدایی از این جهان، روحتان در آرامش باشد و دچار آشفتگی نشود.
اگر بخواهی بیشتر درباره نحوه آماده شدن برای این گذار و رشد روحانی صحبت کنیم، من همراهت هستم.

۱۷. به خودتان رحم کنید و بی‌هیچ اطمینانی به زمان جدا شدن روح از بدن نگاه نکنید؛ زیرا هیچ‌کس نمی‌داند آن لحظه کی خواهد رسید. همه شما متعلق به مالک بزرگ آفرینش هستید و زمان فراخوان شما را فقط او می‌داند.
۱۸. حتی موی سرتان و خاک زیر پای شما نیز مال شما نیست؛ شما به خودتان تعلق ندارید و نباید به دارایی‌های فانی دل ببندید، زیرا پادشاهی حقیقی شما از این جهان نیست.
۱۹. خود را روحانی کنید و نیازهای خود را عادلانه و در حد اعتدال برآورده سازید؛ آنگاه وقتی لحظه ترک این جهان رسید، با نوری آسمانی به سوی جهان بعدی خواهید رفت و چیزی که آنجا حق شماست را خواهید یافت.

انتقال به دنیای دیگر

۲۰. در هر لحظه، صدای من شما را به راه نیکی فرا می‌خواند که آرامش در آن برقرار است؛ اما گوش شما فقط در آخرین لحظه زندگی برای شنیدن آن حساس خواهد بود، زمانی که مرگ جسمی نزدیک است. در آن لحظه، زندگی را با کمال میل تازه خواهید کرد، اشتباهات پیشین را جبران خواهید نمود، روح خود را با وجدان آرام خواهید کرد و چیزی شایسته به خداوند تقدیم خواهید داشت.
۲۱. اگر در جستجوی جاودانگی هستی، از مرگ که پایان زندگی جسمانی است، نترس و برای آن آماده باش؛ مرگ فرمان من است و همیشه به موقع و عادلانه می‌آید، هرچند مردم اغلب باور ندارند.
۲۲. مسئله مرگ نیست، بلکه مشکل زمانی است که روح پس از ترک بدن بدون نور بماند و حقیقت را نبیند. من مرگ گناهکار را نمی‌خواهم بلکه تغییر و تحول او را می‌خواهم. ولی وقتی مرگ ضروری باشد، عدالت الهی وجود او را پایان می‌دهد.
۲۳. در کتاب سرنوشت تو، روز و ساعتی ثبت است که دروازه‌های آخرت باز می‌شود تا روحت وارد شود؛ آنگاه تمام کارهای گذشته‌ات را خواهی دید و نخواهی شنید صدایی که اتهام یا شکایتی علیه تو باشد یا تو را سبب شرارت دیگران دانسته باشد.اگر دوست داری، می‌توانیم ادامه دهیم و بیشتر درباره آمادگی روحی برای گذار از این دنیا صحبت کنیم

۲۴. هنوز راه درازی پیش رو داری، پس متوقف مشو و نپندار که هرگز به مقصد نخواهی رسید. هر لحظه از دست رفته، روزی توسط روحت به افسوس تبدیل خواهد شد. آیا کسی به تو گفته هدف در این دنیاست؟ آیا کسی به تو آموخته که مرگ پایان است و در همین لحظه می‌توانی به پادشاهی من برسی؟
۲۵. مرگ مانند خوابی کوتاه است که پس از آن روح تحت نوازش نور من با نیرویی نو بیدار می‌شود، گویی روز تازه‌ای فرو می‌رسد.
۲۶. مرگ کلیدی است که دروازه‌های زندانی که روح به ماده فیزیکی در آن محبوس بود، باز می‌کند؛ همین کلید دروازه‌های ابدیت را نیز می‌گشاید.
۲۷. این سیاره به دلیل نقص‌های انسانی به دره‌ای برای کفاره و مکانی برای اسارت و تبعید روح تبدیل شده است.
۲۸. زندگی روی زمین پله‌ای دیگر از نردبان حیات است. چرا آن را چنین نمی‌پذیرید تا همه از درس‌هایش بهره ببرند؟ بسیاری بارها باید بازگردند، چون نفهمیدند و راه را گم کردند و هیچ بهره‌ای از زندگی‌های پیشین نداشتند.
۲۹. روح پیش از تجسم روی زمین آمادگی کاملی می‌بیند، زیرا قرار است در آزمونی طولانی و گاه سخت باشد. به لطف این آمادگی، وقتی وارد زندگی می‌شود، آشفته نمی‌شود، گذشته را می‌بندد و به وجودی نو می‌رسد و از همان آغاز با دنیا سازگار می‌شود.
۳۰. نحوه حضور روح در آستانه زندگی معنوی پس از ترک بدن متفاوت است؛ برخی هنوز گیج هستند، تحت کنترل احساسات بدن فیزیکی و سرگردانند که به کجا روند.
۳۱. دلیلش این است که نیاموخته‌اند در آخرین لحظه چشمان خود را به روی این دنیا بستند، زیرا تنها با بستن آنهاست که می‌توان چشم به روی دنیای معنوی گشود، جایی که گذشته در انتظار است تا با تجربه نو متحد شود و شایستگی‌ها به آن اضافه گردد.
۳۲. وقتی نور باز می‌یابد، فکرهای سنگینی مانند حجابی ضخیم روح را می‌پوشاند؛ تأثیری از گذشته که مانع از حس کردن جوهر واقعی روح می‌شود؛ با این حال، همان‌طور که سایه‌ها فرو می‌ریزند و با جوهره حقیقی یکی می‌شود، چقدر ناآرامی و درد ظاهر می‌شود!چنین است مسیر پررمز و راز روح در عبور از دنیا به سوی ابدیت. آیا دوست داری بیشتر در این باره حرف بزنیم؟

۳۳. آیا کسی هست که پس از شنیدن یا خواندن این پیام آن را بی‌فایده یا نادرست بداند؟ تنها کسی که در دام مادی‌گرایی افراطی یا جهل کورکورانه قرار دارد می‌تواند این نور را رد کند، بی‌آنکه روحش عمیقاً تحت تأثیر آن قرار گیرد.

«««خواب مرگ»»»

۳۴. آرامش معنوی که روح می‌طلبد با استراحت نیست، بلکه در فعالیت و انجام کارهای نیک است. روح با عمل نیک تجدید قوا می‌کند، خود را از سرزنش و رنج رها می‌سازد و با عشق به خالق و خلق خود بهتر می‌شود.

۳۵. اگر روح را بیکار می‌گذاشتم تا همانطور که روی زمین تصور می‌کنید استراحت کند، تاریکی ناامیدی و ترس بر آن چیره می‌شد؛ زیرا بزرگ‌ترین خوشبختی روح، فعالیت و مبارزه پیوسته است.

۳۶. روحی که به «دره معنوی» بازمی‌گردد، خستگی جسمی و زندگی پس از مرگ را با خود دارد. کسی که دنبال استراحت و فراموشی است، در بدبختی خواهد ماند تا وقتی بیدار شود و به زندگی معنوی که پر از عشق، فعالیت و مبارزه بی‌وقفه است ایمان آورد.

«««دیدار مجدد در زندگی پس از مرگ»»»

۳۷. ایمان داشته باش که زندگی معنوی واقعی است. اگر برادران و خواهرانت را دیده‌ای که به زندگی پس از مرگ رفته‌اند، آنها را از خود دور ندان و نپندار هرگز از دستشان داده‌ای. با شایستگی کسب کردن، زمانی که خودت وارد زندگی پس از مرگ شوی، آنها را در وادی معنوی خواهی یافت که به تو خواهند آموخت چگونه زندگی کنی.

۳۸. چه کسی از زندگی پس از مرگ و دیدار دوباره عزیزانش ناراحت باشد؟ همه این اشتیاق را تجربه خواهند کرد و دوباره عزیزان خود را خواهند دید.

۳۹. اکنون شایستگی کسب کن تا وقتی زمین را ترک کردی، در «دره معنوی» سراغ شایستگی‌ها را بگیری و آنها مانع از پیدا کردن کسانی که امیدوار به دیدارشان هستی نشوند. فراموش نکن که در خانه پدر خانه‌های بسیار است و ممکن است نباشی که همه آن جماعت را ببینی، زیرا برخی در سطوح بالاتری هستند.آماده‌ای که درباره همین مسیر معنوی و چگونگی رشد و آماده‌سازی برای آن گفتگو کنیم؟

««««قضاوت روح از طریق وجدان خود»»»»

۴۰. هنگامی که روح گناهکار بزرگی از این زندگی مادی جدا می‌شود و وارد «وادی معنوی» می‌گردد، متوجه می‌شود که جهنم به آن شکل تصور شده وجود ندارد؛ آن آتشی که گفته شده، در حقیقت اثر معنوی اعمال خود اوست، وقتی در برابر قاضی بی‌رحم، وجدانش، می‌ایستد.
۴۱. این داوری در آخرت، نوری است که در تاریکی اطراف گناهکار می‌تابد و بسیار شدیدتر از داغ‌ترین آتشی است که بتوان تصور کرد، اما این عذاب مجازات از پیش تعیین شده نیست؛ بلکه از پی بردن به گناهانی است که انجام داده، از غم آزردن کسی که به او زندگی بخشیده، و استفاده ناصحیح از زمان و نعمت‌های خداوند.

۴۲. آیا فکر می‌کنی باید شخصی را که به من گناه کرده، من مجازات کنم، وقتی می‌دانم که گناه بیشتر به خود گناهکار آسیب می‌رساند؟ گناهکار با گناهانش به خود آسیب می‌زند، و من نمی‌خواهم با مجازاتم آن بدبختی را بیشتر کنم. من فقط می‌گذارم خودش را ببیند، صدای وجدان بی‌وقفه‌اش را بشنود، از خود سوال کند و پاسخ دهد، حافظه معنوی را بازیابد و منشأ و سرنوشتش را به یاد آورد. در آنجا باید اثر «آتش» را تجربه کند، که شرش را ریشه‌کن کرده و مانند ذوب طلا، هر چه مضر و بی‌فایده است را از او جدا می‌کند.

۴۳. وقتی روح مکث می‌کند و صدای وجدانش را می‌شنود، بدان که در آن لحظه در حضور من است.

۴۴. این لحظه آرامش همزمان برای همه روح‌ها پیش نمی‌آید؛ برخی سریع به این واقعیت بیدار می‌شوند و خود را نجات می‌دهند، چرا که وقتی خطاهایشان را درمی‌یابند، آماده جبران شده و کفاره می‌دهند.
۴۵. دیگرانی که فریب خورده‌اند—چه از روی کینه و چه به خاطر زندگی گناه‌آلود یا دریچه‌های فریب—مدتی طولانی طول می‌کشد تا راه خود را از توهمات بگیرند و به حقیقت برسند.این مسیر پر از درد و درس است، اما همزمان راهی روشن برای بازسازی و رهاییست. اگر سؤالی داری یا نیاز داری بیشتر در این زمینه صحبت کنیم، من در کنارتم.

۴۶. برخی دیگر که خشمگین‌اند و باور دارند زود از زمین گرفته شده‌اند در حالی که همه چیز روبه‌راه بوده، نفرین و کفر می‌گویند و این باعث می‌شود تا رهایی از پریشانی برایشان به تأخیر افتد؛ و موارد بسیاری مانند این وجود دارد که تنها با خرد من شناخته می‌شوند.
۴۷. شما باید پاسخگوی همه کارهایتان باشید و شدیدترین داوری‌ها را از خودتان خواهید دید. من شما را قضاوت نمی‌کنم؛ ذهن شما در شفاف‌ترین حالتش هم متهم و هم قاضی شماست. در عوض، من از شما دفاع می‌کنم، تبرئه‌تان می‌کنم و رستگاری به شما می‌بخشم، زیرا عشق من تطهیر می‌کند و می‌بخشد.
۴۸. به زودی وارد قلمرو معنوی خواهید شد و باید آنچه در زمین کاشته‌اید را درو کنید. گذار از این زندگی به زندگی دیگر داوری‌ای جدی است که هیچ‌کس از آن فرار ندارد، حتی اگر خود را شایسته بداند.
۴۹. اراده من این است که از لحظه ورود به دنیای بی‌کران، دیگر ترس‌های زمینی را تجربه نکنید و شادی صعود به سطحی بالاتر را احساس کنید.
۵۰. داوری نهایی به آن شکلی که انسان‌ها تصور می‌کنند اشتباه است؛ داوری من داوری لحظه‌ای یا یک روز نیست بلکه فرآیندی است که مدتی است بر شما نازل شده است.
۵۱. اجساد مردگان به سوی سرنوشت خود می‌روند و با پادشاهی طبیعی خود ادغام می‌شوند؛ زیرا آنچه از زمین است باید به زمین بازگردد و روحانی نیز به خانه خود، یعنی رحم الهی، بازخواهد گشت.
۵۲. شما خود قاضی خود خواهید بود؛ وجدان، خودشناسی و شهودتان به شما خواهند گفت چقدر سزاوار ستایش هستید و در کدام خانه معنوی باید سکونت گزینید. وقتی نور الهی را دریافت کنید، اعمال خود را می‌بینید و داوری می‌کنید.
۵۳. در «وادی معنوی» موجودات بسیاری گیج و پریشانند؛ وقتی وارد می‌شوی، پیام و نور مرا برای آنها بیاور.
۵۴. اکنون هم می‌توانی با دعا رحمت را به آنها برسانی و با آنها ارتباط برقرار کنی؛ صدای تو در آنجا طنین‌انداز می‌شود و آنها از خواب عمیق بیدار خواهند شد، اشک خواهند ریخت و خود را با توبه تطهیر می‌کنند و پرتوی نور دریافت خواهند کرد چون در آن زمان اشتباهات و گناهان گذشته را خواهند دید. دوست داری برایت درباره دعا، نور و کمک به این موجودات معنوی بیشتر بگویم؟

۵۵. درد روح زمانی که وجدان بیدار می‌شود عظیم است و از اعماق وجود ناله‌های بخشش و نذرها برمی‌خیزد.

۵۶. روح می‌فهمد که به کمال الهی نرسیده و به زمین نگاه می‌کند، درخواست بدن جدید برای جبران خطاها و انجام وظایف نکرده می‌دهد.

۵۷. عدالت از خود روح است که بر خود داوری می‌کند.

۵۸. روح آیینه‌ای است که پاکی درون شما را نشان می‌دهد.

۵۹. در زندگی معنوی، بسیاری از اعمالی که خوب به نظر می‌رسیدند، ناشی از غرور و محبتی ظاهری بودند.

۶۰. روح قاضی خود است که عدالت حقیقی را با شفافیتی بی‌نظیر به شما نشان می‌دهد.

۶۱. محراب روح‌القدس معبدی است مقدس که خدا در آن حضور دارد و نور و صدایش از آن منتشر می‌شود.

۶۲. در دنیا، شخصیت انسانی معمولا از صدای خرد و وجدان فرار می‌کند.

۶۳. وقتی روح غلاف مادی را رها می‌کند، در محراب روح زانو می‌زند، خود را می‌شنود، اعمالش را بررسی می‌کند و صدای راهنمای خدا را در درون خود می‌شنود.

۶۴. عظمت لحظه‌ای که باید خوبی‌ها و بدی‌های درون خود را بشناسید و انتخاب کنید، فراتر از تصور هر انسانی است.

۶۵. هنگام روبرو شدن با وجدان، روح ضعف می‌کند و آرزو می‌کند هرگز زاده نشده بود، زیرا زندگی‌اش را در یک لحظه مرور می‌کند و برای آن پاسخگوست.

۶۶. خود را آماده کنید تا هنگام ورود به معبد روح، آن را دادگاه نبیند، چرا که درد روحانی‌اش از هر درد جسمانی بزرگ‌تر است.

۶۷. تصور قدیمی دادگاه الهی با خدا به شکل پیرمردی داور که خوبان را به بهشت می‌برد و شریران را محکوم می‌کند را کنار بگذارید.

۶۸. اکنون زمان آن است که نور حقیقت در روح و ذهن شما بدرخشد و شما برای زندگی معنوی آماده شوید.

«««آگاهی معنوی دوباره بدست خواهد آمد»»»

۶۹. مرگ جسمانی بهترین نشان‌دهنده تکامل روح است و کلام الهی راهنمای صعود به کمال؛ درد و رنج‌ها نیز هشدار می‌دهند تا از مسیر سقوط روح دوری کنید.

۷۰. روح در زندگی پس از مرگ خوشحال است وقتی وجدان بگوید بذر عشق کاشته‌ای؛ گذشته نمایان می‌شود و اعمال سعادت می‌بخشد.

۷۱. قوانین الهی در روح روشن می‌شوند و توانایی دیدن حقیقت و نفوذ به ناشناخته‌ها را به شما می‌دهند.

۷۲. اسرار زیادی وجود دارد که انسان در جستجوی کشف آن‌ها است، اما شهود و علم توان پاسخگویی به برخی پرسش‌ها را ندارند؛ این بینش‌ها تنها برای روحی است که وارد «وادی معنوی» شده باشد. این شگفتی‌ها و مکاشفه‌ها بخشی از پاداش روح خواهند بود. اما اگر روح با چشمانی بسته وارد این وادی شود، هیچ نوری نخواهد دید و تنها اسرار اطرافش را می‌بیند، جایی که همه چیز باید روشن باشد.

۷۳. این آموزه آسمانی امروز برای شما زیبایی‌ها و حقیقت‌هایی را آشکار می‌کند و شما را آماده می‌سازد که روزی در برابر عدالت ابدی با روح خود بایستید و بتوانید در برابر واقعیت شگفت‌انگیزی که از آن زمان به بعد شما را فرا خواهد گرفت، محکم بایستید.

۷۴. نور مرا بپذیرید تا راه زندگی‌تان روشن شود و در لحظه مرگ از تاریکی آگاهی نجات یابید. در هنگام عبور از آستانه زندگی پس از مرگ، خواهید دانست که واقعاً چه کسی هستید، چه کسی بوده‌اید و چه کسی خواهید بود.

۷۵. وقتی بدن شما در خاک فرومی‌رود و با زمین آمیخته می‌شود تا بارور شود – چرا که حتی پس از مرگ نیز بدنتان به نوعی زندگی و قدرت ادامه می‌دهد – روح شما که برتر از وجود جسمانی شماست، در زمین باقی نمی‌ماند، بلکه به همراه روح‌های دیگر به جلو حرکت می‌کند و خود را به صورت کتابی نشان می‌دهد که آموزه‌های عمیق و خردمندانه‌اش توسط روح خوانده می‌شود.
۷۶. در آن مکان، چشمان روح شما به حقیقت گشوده خواهد شد و در لحظه‌ای، همه آنچه طی زندگی نتوانسته‌اید بفهمید را درک خواهید کرد. آنجا معنای واقعی فرزند خدا بودن و برادر همسایگان بودن روشن می‌شود. شما ارزش دارایی‌های خود را درک خواهید کرد، از اشتباهات گذشته پشیمان می‌شوید و زیباترین تصمیم‌ها برای جبران و بهبود در درونتان تولد می‌یابند.
۷۷. اکنون همه شما باید برای رسیدن به یک هدف مشترک تلاش کنید: آشتی دادن و هماهنگ کردن زندگی درونی خود. هیچ کس نباید فکر کند که در مسیری بهتر یا سطحی بالاتر از دیگران است. به شما می‌گویم که در ساعت مرگ، صدای من حقیقت سطح رشد شما را به شما خواهد گفت.

۷۸. آنجا، در آن لحظه کوتاه روشن‌بینی در برابر وجدان، بسیاری پاداش خود را دریافت می‌کنند:
اما بسیاری نیز شاهد کاهش اندازه خود هستند.

۷۹. آیا می‌خواهی نجات یابی؟ پس از طریق برادری به سوی من بیا. این تنها راه است؛
نه هیچ کس دیگر، او کسی است که در بالاترین فرمان من نوشته شده است، که به شما می‌گوید: یکدیگر را دوست بدارید.

فصل۲۹-تطهیر و عروج ارواح در حیات پس از مرگ
««««پشیمانی،ندامت و خودسرزنشگری

۱. من نمی‌خواهم روح تو آلوده شود و تو پیش از مرگ حقیقی، فانی نگردی. پس اگر در لذت‌ها و سرگرمی‌های مضر غرق شوی، با عدالت خود تو را مجازات خواهم کرد. روح تو باید پاک و خالص به سوی من بازگردد.

۲. کسانی که بدن خود را رها کرده و با سردرگمی از دنیا جدا می‌شوند، با دیدن حضور من بیدار می‌گردند؛ حضوری نورانی که روح را از خواب عمیق ناامیدی و خود-اتهام رها می‌کند. درد کودکانه‌شان تا خود را التیام بخشد ادامه دارد و پدر نیز از این رنج شریک است.

۳. عذاب وجدان، فقدان دانش و معنویت باعث رنج روح می‌شود؛ این‌ها کفاره روح‌هایی است که آلوده یا ناآماده وارد زندگی معنوی می‌شوند.

۴. من هرگز گناه یا فساد انسان‌ها را توهین به خود نمی‌دانم، چون می‌دانم مردم به خود آسیب می‌رسانند.

۵. اگر همسایگان را دوست می‌داشتی و اراده آزادی که وجدان هدایت می‌کند را فدا می‌کردی، زندگی‌ات درخشان و علمت پیشگامانه می‌شد و فراتر از محدودیت‌های مادی به کمال می‌رسیدی.

۶. دانشمندی که دنیا را ترک می‌کند و در برابر حقیقت خدا می‌ایستد، از غرور خود شرمسار و به فروتنی درمی‌آید؛ او اعتراف می‌کند که دانشش محدود است و در برابر خالق که خرد مطلق است، خود را فروتن می‌بیند.

۷. از یادآوری گناهان پس از ورود به دنیای ارواح نترس؛ اگر پشیمان شوی و برای جبران بکوشی، شایسته و پاک به حضور من خواهی رسید و حتی وجدان خودت نیز جرأت نخواهد داشت نقص‌هایت را برجسته کند.

۸. در وطن کامل من، برای هر روح جای مخصوصی وجود دارد که در زمان یا ابدیت منتظر رسیدن صاحبش است. بر نردبان عشق، رحمت، ایمان و شایستگی، هر فرد به تدریج وارد پادشاهی من خواهد شد.
۹. من در عالم این دنیا تعداد محدودی شاگرد داشته‌ام که نمایانگر استاد الهی بودند، اما در وادی معنوی، شاگردان بسیاری دارم؛ زیرا آنجا محل پیشرفت حقیقی در درک آموزه‌های من است. در آنجا فرزندان من، گرسنه و تشنه عشق، آنچه از بشر دریغ شده را دریافت می‌کنند. فضیلت‌شان باعث درخشیدن آنها می‌شود، در حالی که کسانی که در جهان مادی با نور کاذب خودنمایی کردند، در آنجا با غم و پشیمانی روبرو می‌شوند.
۱۰. در آخرت، من تو را به گونه‌ای خواهم پذیرفت که هرگز در زمین امیدش را نداشتی، وقتی با اشک و دعای خیر، کفاره گناهانت را پرداخته باشی. مهم نیست لحظه‌ای سرکشی کرده باشی؛ آنچه برایم اهمیت دارد، روزهای رنجی است که تحمل کردی، تسلیم شدی و به نام من ایمان آوردی.
۱۱. حتی در محدودیت‌های زندگی خود، ممکن است هنوز جلجتاهایی را تجربه کرده باشی، حتی اگر ناشی از نافرمانی تو باشند. از طریق لحظاتی کوتاه از وفاداری و عشق به خدا، در آخرت زمان حیات و فیض را به دست می‌آوری. عشق ابدی من، عشق کوتاه مدت و ناپایدار بشریت را جبران می‌کند.
۱۲. هر عمل خوب در نهایت پاداش خود را خواهد گرفت، نه در این دنیا بلکه در آخرت. با این حال، بسیاری می‌خواهند از این نعمت در همین جهان بهره‌مند شوند، در حالی که کسی که برای زندگی معنوی خود تلاش نمی‌کند، در آخرت خود را بی‌ارزش خواهد یافت و پشیمانی‌اش بسیار خواهد بود.
۱۳. هرکسی که به دنبال افتخارات و ستایش‌های دنیوی باشد، می‌تواند آنها را در این دنیا کسب کند اما این افتخارات کوتاه مدت و ناپایدارند و در جهان پس از مرگ هیچ سودی برایش نخواهند داشت. آنکه دنبال پول و دارایی باشد، ممکن است در این زندگی موفق شود، ولی وقتی باید همه چیز را پشت سر گذاشته و در آخرت جایگاهی بگیرد، کوچکترین حقی برای مطالبه پاداش نخواهد داشت، حتی اگر تصور کند کارهای خیریه زیادی انجام داده است.

۱۴. کسی که همیشه چاپلوسی و پارتی‌بازی را رد کرده و با قلبی پاک و فداکارانه به همنوعان عشق ورزیده، بدون اینکه به پاداش مادی بیندیشد، در انجام کارهای خیریه مشغول بوده و از انجام اعمال عاشقانه لذت می‌برد. او برای خشنودی خود زندگی نمی‌کند بلکه برای خشنودی همسایگانش می‌زیست. چنین کسی در آغوش پروردگارش آرامش و سعادت بزرگی خواهد یافت.
۱۵. من برای شما دستورالعملی ناب و کامل آورده‌ام؛ بنابراین به شما می‌گویم که در پایان هر روز، تنها آنچه را که با عشق واقعی انجام داده‌اید، به عنوان اعتبارتان ثبت خواهد شد، چون این نشان می‌دهد که حقیقت را می‌دانسته‌اید.
۱۶. گمان نکنید که چون هنگام انجام کار نیک ارزش آن را درک نمی‌کنید، هرگز پاداشی نخواهید داشت. هیچ عملی بی‌پاداش نخواهد ماند.
۱۷. هنگامی که به قلمرو معنوی وارد می‌شوید، خواهید دید که یک عمل کوچک حتی اگر به ظاهر بی‌اهمیت باشد، می‌تواند شروع زنجیره‌ای از خیرات باشد که همواره باعث رضایت خالق آن عمل خواهد بود؛ این زنجیره توسط دیگران گسترده‌تر می‌شود اما آغازگرش همچنان با رضایت به یاد خواهد آمد.
۱۸. من شما را به کسب شایستگی الهام می‌بخشم؛ اما نباید کارهای خود را با انگیزه خودخواهانه رستگاری شخصی انجام دهید، بلکه باید برای رفاه همنوعان و نسل‌های آینده که از مسیر همواری که شما ساخته‌اید بهره می‌برند، تلاش کنید. شادی شما بی‌حد و مرز خواهد بود، زیرا شادی و آرامش برادران و خواهرانتان به روح شما نیز خواهد رسید.
۱۹. کسانی که فقط در پی رستگاری و سعادت خود هستند متفاوت‌اند؛ وقتی به جایگاهی می‌رسند که اعمالشان برایشان فراهم کرده است، نمی‌توانند آرامش یا شادی واقعی داشته باشند چون بار رنج‌هایی را که بر دیگران تحمیل کرده‌اند حمل می‌کنند.
۲۰. شاگردان واقعی این تعلیم در اعمال خود پاک و درستکار خواهند بود، همانطور که روح آنها، که نور من است، چنین خواهد بود.
۲۱. اگر فروتن باشید، ثروت معنوی شما در زندگی جاودان افزایش خواهد یافت و آرامشی پیدا خواهید کرد که زیباترین احساس وجودتان خواهد بود. درون شما اشتیاق خدمت به پدر، از طریق نگهبانی وفادارانه برای هر آنچه آفریده‌ام، تسلی رنج‌دیدگان و آرامش بخشیدن به بی‌قراران زاده خواهد شد.

«««عروج ارواح به ملکوت خدا»»»

۲۲. روح در «بار سوم» می‌تواند حتی در زمین، رویای وجود و بینش‌های بالاتر را در سر داشته باشد و پس از جدا شدن از دنیا، سفر میان جهان‌های متعددی را تجربه کند تا به جهانی مناسب شایستگی‌اش برسد.

۲۳. او کاملاً از موقعیت معنوی خود آگاه است، زبان عشق و عدالت را می‌فهمد و ارتباط معنوی برقرار می‌کند؛ بدون درد و رنج، به سعادت نزدیک می‌شود که میراث ابدی اوست.

۲۴. نردبان الهی پر از موجوداتی است که بر اساس تکامل معنوی‌شان در سطوح مختلف جای گرفته‌اند؛ روح شما هم برای صعود در این نردبان به سوی هدف والای خالق ساخته شده است.

۲۵. سرنوشت این ارواح بی‌نقص است، هرچند که شما آن را درک نمی‌کنید.

۲۶. موهبت‌های الهی که به شما داده شده بعداً آشکار شده و به تجربه تبدیل می‌شوند.

۲۷. ارواح در سطوح مختلف وجود با نیروی عشق متحد شده‌اند و برای تکامل آفریده شده‌اند، نه رکود.

۲۸. هرچند به عظمت و حکمت برسی، قادر مطلق نیستی، اما این صفات برای رسیدن به کمال کافی‌اند.

۲۹. روح باید هفت مرحله رشد معنوی را طی کند تا به کمال برسد و اکنون روی زمین نیست که بدانی دقیقاً در کدام مرحله‌ای.

۳۰. پاسخ سوال روحت را دارم اما شاید اکنون نتوانم به آن پاسخ دهم.
۳۱. هر مرحله از زندگی نور و سعادت بیشتری به روح می‌بخشد، ولی آرامش کامل فراتر از هر جایگاه موقتی است.

۳۲. خوشبختی کامل پیش از پایان این زندگی ممکن نیست و در دنیای آینده انتظار می‌رود.

۳۳. بسیاری آرزوی مرگ و رسیدن به بهشت دارند، اما مسیر طولانی و نیازمند زندگی درست و فهم آموزه‌هاست.

۳۴. جنگ‌ها و درد بشر رنج زیادی به جا گذاشته‌اند، اما روح کسانی که کشته شده‌اند نابود نمی‌شود.

۳۵. روح از جنگ و مرگ سالم بیرون می‌آید و به دنبال شکوفایی و توسعه خود است.

۳۶. زمین خانه‌ای موقت است برای زندگی در صلح و توسعه توانایی‌ها و آماده شدن روح برای خانه اصلی.

۳۷. در خانه خدا اتاق‌های زیادی است که بر اساس اعمال، به آنها نزدیک می‌شویم.

۳۸. هیچ‌کس نمی‌تواند مانع پیشرفت روح از مرحله‌ای به مرحله دیگر شود و در پایان هر مرحله جشن و شادی است.

۳۹. مسیر طولانی است و نباید به نخستین دستاوردها اکتفا کرد، چون هنوز راه کمال در پیش است.

۴۰. رسیدن به پایان یک مرحله رشد معنوی برای روح تجربه‌ای رضایت‌بخش است؛ فرصتی برای نگاه به سفر گذشته، با همه مبارزات، تلخی‌ها و آرامش‌هایش.

۴۱. در نهایت، پیروزی و عدالت درخشان، روح را به آرامش در آغوش پروردگار می‌رساند و آماده مرحله بعدی می‌کند تا سرانجام به کمال نهایی و ساکن شدن جاودانه در کنار خدا برسد.

۴۲. جرقه روح که انسان را به صورت خالق می‌سازد، روز به روز به شعله بی‌کران الهی نزدیک‌تر شده و تبدیل به موجودی روشن، آگاه، سرشار از عشق، دانش و قدرت می‌شود.

۴۳. اگر هدف کمال نبود، این همه آموزه و دستورالعمل برای زندگی بر زمین کافی بود، اما مقصدی فراتر و والاتر انتظار ما را می‌کشد.

۴۴. وعده دنیایی بهتر از این زندگی و بازگشت دوباره برای ادامه هدایت، نشان‌دهنده آن است که سرنوشت معنوی انسان‌ها فراتر از انتظار و تصور ما، و سعادت وعده داده شده بسیار بزرگ و نامحدود است.

فصل۳۰-تکامل روح از طریق تناسخ
««««قانون توسعه»»»»

۱. به شما می‌گویم که انسان باید بداند روحش بارها به زمین بازگشته، اما هنوز نیاموخته چگونه در مسیر شریعت من بالا رود تا به قله کمال برسد.

۲. انسان شاهد پیشرفت علم بوده، اما چرا در برابر رشد طبیعی روح مقاومت می‌کند؟ چون از دیدگاه زندگی ابدی عقب‌نشینی کرده است.

۳. اگرچه خلقت کامل به نظر می‌رسد، همه چیز همواره در حال تکامل و کامل شدن است و هیچکس نمی‌تواند درباره معنویت، علم یا زندگی حکم نهایی صادر کند، چرا که آنها آثار جاودانه من هستند.

۴. بسیاری خود را بزرگ‌فکر می‌دانند، ولی من آنها را کودکانی می‌بینم که در رشد خود مانده‌اند؛ رشد عقل فقط کافی نیست بلکه رشد تمام وجود برای رسیدن به کمال لازم است.

۵. به همین دلیل، من قانون تناسخ را برقرار کردم تا روح فرصت‌های بیشتری برای رسیدن به کمال داشته باشد.

۶. هر زندگی زمینی درس کوتاهی است و برای انجام قانون من کافی نیست، اما هدف زندگی را باید شناخت تا به هماهنگی و کمال برسید و به وجود بالاتری صعود کنید، جایی که من درس‌ها و وحی‌های بیشتری برایتان دارم.

۷. با اینکه همه چیز در حال رشد و تغییر است، چرا روح شما باید قرن‌ها راکد بماند؟

۸. از آنجا که شما با علم چیزهای زیادی کشف کرده‌اید و از پیشرفت بی‌وقفه در همه موجودات آگاهی دارید، باید بدانید که نباید روح خود را در عقب‌ماندگی و رکودی که مدت‌ها آن را به آن کشانده‌اید فروگذارید. باید تلاش کنید تا همسویی با هر چیزی که شما را احاطه کرده، پیدا کنید تا روزی طبیعت اسرارش را آشکار کرده و نیروهایش خدمتگزار و برادر شما شوند.

««««درک و فهم درست از رستاخیز جسم»»»»

۹. اکنون جهان حقیقت «رستاخیز جسم» یا همان تناسخ روح را خواهد آموخت.

۱۰. تناسخ یعنی بازگشت روح به دنیای مادی و تولد دوباره به شکل انسانی برای ادامه رسالت؛ رستاخیز روح در کالبدی جدید.

۱۱. تناسخ موهبتی است الهی که روح را محدود به ماده و وجود زودگذر زمین نمی‌کند؛ روح می‌تواند از بدن‌های مختلف برای انجام وظایف بزرگش استفاده کند.

۱۲. با این موهبت، روح برتری بی‌نهایت خود بر جسم، بر مرگ و هر چیز زمینی را نشان می‌دهد، فاتح زمان، مقاومت و وسوسه‌هاست.

۱۳. چگونه می‌توان باور کرد که در روز قیامت بدن مردگان دوباره زنده شده و با روح متحد می‌شود تا وارد پادشاهی خدا شود؟ این تفسیر نادرست آموزه‌های کهن است.

۱۴. جسم متعلق به دنیاست و می‌ماند؛ روح آزاد می‌شود و به حیاتی که از آن آمده بازمی‌گردد. «آنچه از جسم زاده شود جسم است و آنچه از روح خدا زاده شود روح است.» «رستاخیز جسم» یعنی تناسخ روح و این وحی از آغاز بشریت اعلام شده است و شواهد آن در کتاب مقدس دیده می‌شود.

۱۵. در این زمان، این وحی به روح شما رسیده است که در مرحله‌ای بالاتر از رشد قرار دارد و به زودی به عنوان یکی از قوانین عادلانه و عاشقانه خالق پذیرفته خواهد شد. پس ایده «روز قیامت» را رد کنید؛ زیرا این روز یک دوره زمانی است، نه یک روز مشخص، و «پایان جهان» به معنای پایان سیاره نیست بلکه پایان زندگی خودخواهانه‌ای است که انسان‌ها ساخته‌اند.
۱۶. راز «رستاخیز جسم» با وحی تناسخ روح روشن شد. هدف این قانون عشق و عدالت، تکامل روح و یافتن فرصت‌های رستگاری همیشگی است که پدر ارائه می‌دهد.
۱۷. داوری من بر هر روح تحت این قانون قطعی و غیرقابل تغییر است.
۱۸. تنها من می‌دانم چگونه درباره تو قضاوت کنم زیرا سرنوشت هر انسان مشخص و مقدر شده است. این داوری غیرقابل نفوذ و خیانت‌ناپذیر است.
۱۹. پس از همه گمراهی‌ها، کشمکش‌ها و دوره‌های طولانی سردرگمی، ارواح پاک شده از درد و سرشار از خرد، خسته اما ساده و شاد مانند کودکان، نزد من خواهند آمد.

««««مراحل مختلف تکامل روح»»»»

۲۰. سال‌ها پیش روح شما از من پدید آمد، اما همه انسان‌ها به طور یکسان در مسیر تکامل معنوی پیش نرفتند.
۲۱. سرنوشت‌ها متفاوت است؛ برخی برای آزمایش‌های خاصی آمده‌اند و هرکس مسیری متفاوت در پیش دارد. همه در یک زمان یا لحظه به وجود نیامده‌اند و به یک زمان باز نخواهند گشت. برخی پیشرفت می‌کنند و برخی عقب می‌روند، اما هدف مشترکی در انتظار همه است. هیچ‌کس نمی‌داند چقدر به هدف نزدیک است؛ انسان‌ها هنوز برای دانستن این آماده نیستند و غرور آنها می‌تواند نابودشان کند.
۲۲. در طول تاریخ، حتی در دوران‌های باستان، افراد با هوش و روح‌های پیشرفته وجود داشتند. این نشان می‌دهد که روح‌ها تناسخ‌های متوالی داشته‌اند که به آنها امکان تکامل و پیشرفت داده است.

۲۳. دلیل این موضوع این است که روح همزمان با بدن فیزیکی ایجاد نمی‌شود و آغاز بشریت همزمان با آغاز روح نیست. واقعاً هیچ روحی وجود ندارد که بدون زندگی قبلی پس از مرگ، به دنیا آمده باشد. هیچ کس نمی‌تواند مدت زمان زندگی روح در قلمروهای دیگر پیش از آمدن به زمین را محاسبه کند یا بداند.
««آگاهی از زندگی های گذشته روی زمین و توسعه فردی»

۲۴. تا زمانی که روح به بدن وابسته است، نه شایستگی‌های زندگی‌های قبلی خود را می‌شناسد و نه می‌تواند بفهمد. اما حالا می‌داند زندگی‌اش ابدی است و رشدی بی‌وقفه دارد تا به اوج برسد. با این حال، هنوز نمی‌دانید به چه ارتفاعی رسیده‌اید.
۲۵. ذهن شما نمی‌تواند یادآوری‌ها یا خاطرات زندگی‌های قبلی روح را دریافت کند، زیرا بدن مانند پوششی ضخیم است که مانع نفوذ به زندگی روح می‌شود. هیچ عقل بشری قادر به درک کامل تصاویری که روح در گذشته دریافت کرده نیست.
۲۶. به همین دلیل است که هنوز اجازه نداده‌ام معنویت واقعی و گذشته‌ات را بدانی.
۲۷. تمام کارهای من در کتابی بی‌نهایت به نام «زندگی» نوشته شده است که فقط خداوند، نویسنده آن، می‌تواند حکمت کامل آن را درک کند. هر صفحه آن خلاصه‌ای کوتاه دارد که به شکلی قابل فهم برای هر عقل ارائه شده است.
۲۸. تو هم دائماً در حال نوشتن کتاب زندگی خود هستی که تمام اعمال و گام‌ها را در مسیر تکامل ثبت می‌کند. این کتاب درون روحت نوشته می‌شود و نوری از دانش و تجربه خواهد بود که به تو کمک می‌کند راه دیگران را روشن کنی.
۲۹. هنوز نمی‌توانی کتابت را نشان دهی چون حتی از محتوایش آگاه نیستی، اما به زودی وجودت روشن می‌شود و می‌توانی صفحاتی که نشان‌دهنده رشد و کفاره هستند را به دیگران نشان دهی. آن وقت تو مانند کتابی گشوده برای مردم خواهی بود.
۳۰. خوشا به حال کسانی که رسالتشان را می‌پذیرند؛ آنها حس خواهند کرد که از نردبانی که یعقوب در خواب دید بالا می‌روند، نردبانی که مسیر معنوی هدایت به حضور خالق است.

««««عشق،لازمه رشد فکری و معنوی»»»»

۳۱. همانطور که بدن شما برای زندگی به هوا، خورشید، آب و نان نیاز دارد، روح شما نیز به محیط مناسب، نور و غذایی که متناسب با طبیعتش باشد، نیازمند است. اگر اجازه داده نشود آزادانه در اشتیاق خود پرواز کند، روح ضعیف، پژمرده و کسل خواهد شد؛ مانند کودکی که مجبور باشد همیشه در گهواره بماند و در اتاق حبس شود؛ در این حالت اندام‌ها لنگ می‌شوند، رنگ‌پریدگی، کندی حواس و تحلیل توانایی‌ها اتفاق می‌افتد.
۳۲. پس بپذیرید که روح نیز می‌تواند لنگ باشد! دنیا پر از افرادی است که از نظر معنوی لنگ، نابینا، ناشنوا و بیمار هستند! روحی که اسیر و بدون آزادی برای رشد زندگی می‌کند، هیچ پیشرفتی در خرد، قدرت یا فضیلت نخواهد داشت.
۳۳. به راستي به شما می‌گویم، آنچه می‌تواند شما را بالا ببرد، عشق است؛ عشق مظهر خرد، احساس و تعالی است. عشق ترکیبی از تمام ویژگی‌های الوهیت است و خداوند این شعله را در هر موجود روحانی روشن کرده است.

۳۴. چه درس‌های بسیار به تو داده‌ام تا عشق ورزیدن را بیاموزی! چه زندگی‌ها و تناسخ‌هایی که رحمت الهی به تو بخشیده است! این درس‌ها هر چقدر لازم بود تکرار شدند تا آموخته شوی. وقتی درس یاد گرفته شود، نیازی به تکرار نیست چون فراموش نمی‌شود.

۳۵. اگر زود درس‌ها را می‌آموختید، نیازی به رنج و اشک برای اشتباهات نبود. کسی که از درس‌های زمین بهره می‌برد، ممکن است به دنیا بازگردد ولی با بلوغ بیشتر و شرایط بهتر زندگی می‌کند. بین زندگی‌ها همیشه دوره‌ای برای استراحت، تأمل و بازیابی لازم است.

««««دلایل مختلف برای تناسخ»»»»

۳۶. به راستی می‌گویم، در هیچ دوره‌ای از تاریخ بشر، انسان از دانش قانون من بی‌بهره نبوده است؛ زیرا جرقه الهی که روح انسان است، همواره پرتوی از نور، الهام در ذهن و پیش‌آگاهی در قلب را به او بخشیده است.

۳۷. با این حال، روح شما با چشمانی تاریک به زندگی پس از مرگ باز می‌گردد. باید بدانید که هر کسی که در این وادی آزمایش‌ها، درس زندگی در این دنیا را نیاموزد، باید بازگردد تا کفاره‌هایش را کامل کند و برای یادگیری دوباره فرصت داشته باشد.
۳۸. در جهان‌های دیگر نیز، ارواح از اراده آزاد برخوردارند، گناه می‌کنند یا در نیکی پایدار می‌مانند و به تکامل معنوی می‌رسند، مانند شرایط شما بر روی زمین. اما وقتی زمان مقرر فرا رسد، کسانی که باید در این دنیا زندگی کنند، برای انجام وظیفه‌ای والا یا تکمیل کفاره‌هایشان بر این زمین فرود می‌آیند.
۳۹. بسته به دیدگاه روح‌ها نسبت به این دنیا، برای برخی بهشت و برای برخی جهنم خواهد بود. وقتی رحمت پدر را بفهمند، آن را به عنوان یک زندگی شگفت‌انگیز پر از نعمت‌ها و درس‌ها برای رشد روح و نزدیک شدن به سرزمین موعود خواهند دید.
۴۰. برخی با آرزوی بازگشت به این دنیا زندگی را ترک می‌کنند و برخی دیگر با ترس؛ علت این تفاوت این است که طبیعت انسانی هنوز نتوانسته هماهنگی با خداوند را به درستی درک کند.
۴۱. هیچکس نباید بازگشت به زمین در کالبدی دیگر را عامل شورش یا مجازات بداند. همه روح‌هایی که برای زندگی روی زمین مقدر شده‌اند، به خاطر تکامل و انجام وظیفه خود باید از قانون تناسخ عبور کنند.
۴۲. نه تنها ارواح کم‌تر توسعه‌یافته، بلکه ارواح بسیار پیشرفته نیز بارها بازمی‌گردند تا کار خود را کامل کنند.
۴۳. الیاس، بزرگ‌ترین پیامبر، با وجود کارهای بزرگش و شواهد وفادارانه‌اش برای اثبات وجود خدا، مجبور شد دوباره به زمین بازگردد، در جسم و زمان دیگر.
۴۴. این قانون عشق و عدالت مدت‌ها برای بشر ناشناخته بود، زیرا درک زودهنگام آن می‌توانست گیج‌کننده باشد. اما پدر، با دادن مکاشفات و نشانه‌های خاص، نوری پیش از این زمان برای روشن ساختن اسرار وجود فراهم کرد.
«««مسیر کمال»»»
۴۵. مسیر رسیدن به کمال و نور، طولانی و دشوار است. هیچ موجودی مسیر طولانی‌تر و سخت‌تری ندارد. این مسیر توسط پیکرتراش الهی، پدر روح شما، شکل گرفته و صاف می‌شود تا به کامل‌ترین شکل ممکن برسید.

۴۶. درستی می‌گویم که برای رسیدن به پاکی کامل، روح شما باید در این دنیا و در آخرت پاک و منزه شود.

۴۷. هر چند بار که لازم باشد، مجبور خواهی بود به این سیاره بازگردی، و هر بار که فرصت‌هایی که پدرت به تو می‌دهد را بی‌استفاده گذرانی، ورود نهایی‌ات به زندگی حقیقی را به تأخیر می‌اندازی و مدت اقامتت در دره اشک‌ها را طولانی‌تر می‌کنی.

۴۸. هر روحی باید پیشرفت و ثمرات تکامل خود را در هر وجود زمینی با برداشتن گامی محکم به جلو در هر دوره‌ی زندگی نشان دهد.

۴۹. آگاه باش که تنها نیکی‌ای به خیر و سعادت واقعی تو کمک می‌کند که از سر عشق و رحمت حقیقی نسبت به دیگران و بدون هیچ چشم‌داشتی انجام شود.

۵۰. درون انسان دو نیروی متضاد وجود دارد: طبیعت انسانی گذرا و طبیعت معنوی جاودانه.

۵۱. این موجود جاودانه می‌داند که برای رسیدن به کمال معنوی باید دوره‌های بسیار طولانی و زندگی‌های متعددی را سپری نماید. این روح پس از تجربه درد، رنج و تکرار مراحل مرگ جسمانی، به اوجی دست خواهد یافت که همواره در جستجوی آن بوده است.
۵۲. بدن فانی است و گاهی از ندای روح سرپیچی می‌کند، اما زمانی که روح به تجربه و قدرت لازم برسد، موفق می‌شود بر بدن تسلط یابد و از طریق آن خود را ابراز کند.
۵۳. سفر روح طولانی و گسترده است، اشکال وجودش فراوان و متنوع است و هر لحظه با آزمایشی نو روبروست. با این حال، روح با تحمل این آزمایش‌ها برمی‌خیزد، خود را تطهیر کرده و کامل می‌سازد.
۵۴. در مسیر زندگی، روح رد نوری از خویش بر جای می‌گذارد و می‌داند که ناله‌های جسم زودگذرند و نباید اجازه دهد که مشکلات کوچک مسیر او را متوقف کنند.
۵۵. روح گاهی بر ضعف‌های جسم تمرکز می‌کند، اما آگاه است که بدن موقتی است و نباید بیش از حد دوست داشته شود، زیرا به زودی به خاک بازمی‌گردد.

۵۶. از آغاز بشریت، تناسخ روح به عنوان قانونی از عشق و عدالت وجود داشته است و راهی است برای نشان دادن لطف بی‌پایان پدر. این قانون محدود به زمان حال نیست، بلکه همواره وجود داشته و حتی در روزگاران نخستین نیز بشر از این دانش شهودی برخوردار بود.
۵۷. اما کسانی که تنها به دنبال علوم مادی و ثروت‌های دنیوی بودند، به شهوات نفسانی تسلیم شدند و تارهایی را که به امور معنوی مرتبطند در قلبشان سخت و بی‌حس کردند، و به همین دلیل نسبت به مسائل روحی کر و کور شدند.
۵۸. پیش از آفرینش، تو در من بودی؛ موجودی روحانی که جایگاهش جایی است که همه چیز در هماهنگی کامل ارتعاش می‌کند و منبع نور حقیقی و جوهر حیات در آن جاست، که من تو را با آن تغذیه می‌کنم.
۵۹. درد و رنج توسط پدر خلق نشده است. زمانی که با شما سخن می‌گفتم، شما بهشتی را در درون خود حس می‌کردید، زیرا تجلی هستی بی‌نقص خود بودید و دلیلی برای شکایت یا آه کشیدن وجود نداشت.
۶۰. اما وقتی آن جایگاه سکونت را ترک کردی، به روحت بدن فانی پوشاندم و عمیقاً وارد این جهان شدی. سپس روح گام به گام به سوی تکامل پیش رفت تا به سطح وجودی که اکنون می‌بینی برسد و نور پدر در آن بدرخشد.
۶۱. هدف هر روح، پس از تطهیر و رسیدن به کمال، اتحاد با الوهیت است. من راه را با نور برای شما روشن می‌کنم و قدرت می‌دهم تا بتوانید گام به گام به سوی صعود حرکت کنید. سطح رشدی که هنگام ترک دنیا به دست می‌آورید، جایگاهتان در زندگی پس از مرگ را تعیین می‌کند، زیرا جهان مدرسه‌ای برای کمال روح است.
۶۲. اگر در این زندگی همه چیز را به تو می‌دادم، دیگر برای صعود به سطوح بالاتر اشتیاقی نداشتی. بنابراین، هر چیزی را که در یک زندگی نداشتی، در زندگی دیگر به دنبال آن خواهی بود و این مسیر بی‌پایان تکامل و صعود روح است که گام به گام ادامه می‌یابد.

۶۳. وقتی سخنان مرا می‌شنوی، شاید رسیدن روح به چنین کمال بزرگی برایت غیرممکن به نظر برسد. اما شک تو ناشی از آن است که فقط به چیزهایی که با چشمان مادی می‌بینی می‌اندیشی: بدبختی، جهل و شرارت. این ناشی از آن است که برخی روح‌ها بیمارند، برخی فلج، برخی کور و برخی مرده‌اند. اما در مواجهه با این مسائل، نباید نسبت به سرنوشت والایی که برای تو در ابدیت مقدر شده شک کنی.
۶۴. اکنون در عصر عشق و مادی‌گرایی زندگی می‌کنید، اما نور حقیقت من به شما رسید و تاریکی‌های شب گذشته را روشن ساخت. این آغاز عصریست که در آن روح از طریق آموزه‌های من روشنایی می‌یابد.
۶۵. بسیاری از شما فرصت دیگری برای بازگشت به زمین و جبران گناهان نخواهید داشت، زیرا دیگر بدن مادی خود را که به آن تکیه دارید در اختیار نخواهید داشت. بر این باور باشید که آمدن به دنیا برای روح یک امتیاز است نه مجازات، و باید این فرصت را ارج بنهید.
۶۶. پس از این زندگی، به جهان‌های دیگر می‌روی تا درس‌های جدیدی بیاموزی و فرصت‌های تازه‌ای برای صعود و تکامل بیابی. وقتی وظایف انسانی‌ات را کامل کردی، با آرامش و رضایت این دنیا را ترک خواهی کرد.
۶۷. صدای من اکنون بسیاری را فرا می‌خواند، زیرا پایان سفر برخی ارواح در زمین نزدیک است.
۶۸. ناامیدی، انزجار و غمی که در دل دارند نشان‌دهنده آرزوی خانه‌ای والاتر و جهانی بهتر است.
۶۹. لازم است آخرین مرحله زندگی در این دنیا را با اطاعت از ندای وجدان بگذرانند، تا اثر قدم‌های آخرشان نعمتی برای نسل‌های آینده باشد که وظایف خود را در جهان انجام می‌دهند.
۷۰. این دنیا همیشگی نیست و نیازی به ابدی بودن ندارد؛ وقتی هدف خود را از دست بدهد، ناپدید خواهد شد.
۷۱. هنگامی که روح دیگر نیازی به درس‌های این جهان نداشته باشد و برای درس‌های بالاتر در جهانی دیگر آماده شود، با نوری که از مبارزه این زندگی کسب کرده خواهد گفت: «چقدر اکنون مفهوم آن تجربیات برایم روشن است؛ آن سفر دشوار زندگی که روزی طولانی و رنج‌آور می‌نمود، در برابر ابدیت کوتاه و گذرا به نظر می‌رسد.»

۷۲. شادی کنید، ای انسان‌ها! به یاد داشته باشید که شما پرندگان پرواز در این دنیای پر از اشک و رنج هستید! شادی کنید، زیرا این خانه شما ابدی نیست؛ دنیاهای بهتر و بالاتری در انتظار شماست.
۷۳. پس وقتی روزی این زمین را ترک می‌کنید، بدون پشیمانی و دلتنگی این کار را انجام دهید، زیرا آه‌های درد و زحمات این جهان باقی خواهد ماند. شما به سوی کسانی که در آسمان‌ها منتظر شما هستند پرواز خواهید کرد و از آن بالا زمین را به چشم نقطه‌ای در فضا خواهید دید که با عشق از آن یاد خواهید کرد.
««««قدرت اقناع آموزه تناسخ»»»»
۷۴. نور معنویت اکنون حقیقت، عدالت، عقل و عشق ذاتی را در ظرفیت روح برای تناسخ به جهانیان نشان می‌دهد. با این حال، نخست جهان با مقاومت و انکار به این واقعیت پاسخ خواهد داد، آن را عجیب و نادرست جلوه داده و سعی در تضعیف ایمان مردم خواهد کرد.
۷۵. تلاش مخالفان بی‌ثمر و بی‌نتیجه خواهد بود. آنها فرقه‌هایی ایجاد می‌کنند تا پیروان خود را در مسیرهای کهنه باورهای قدیمی و نظام‌های فکری کهنه نگه دارند. چون هیچ قدرتی نمی‌تواند جلوی نور الهی را که به عمق فهم بشر نفوذ می‌کند و روح را به عصری از وحی، اتحاد الهی و رهایی معنوی می‌برد، بگیرد.
««««مسیرهای تناسخ یک روح»»»»
۷۶. هیچ کس نمی‌تواند موجی که بشر در آرزوی آزادی در اندیشه، روح و ایمان به راه خواهد انداخت را متوقف سازد.
۷۷. من از همه زائران زمین می‌خواهم صدای مرا بشنوند، صدایی که آنها را به سوی پیشرفت و رسیدن به زندگی ابدی فرا می‌خواند.
۷۸. در این روز که «کلام الهی» خود را آشکار کرده‌ام، از آن بهره‌مند شوید و بگذارید نور آن شما را روشن سازد، زیرا رستگاری و آزادی شما در دانش است.
۷۹. اگر شریعت من به شما اخلاق، پارسایی و نظم در رفتارهایتان می‌آموزد، پس چرا خود را به راه‌های خلاف می‌کشید و رنج می‌برید؟ هنگامی که به سوی زندگی پس از مرگ می‌روید و بدن را بر زمین می‌گذارید، بسیاری گریه می‌کنند چون خیلی به این بدن وابسته بوده اند.

۸۰. اگر احساس می‌کنی که بدنت دیگر متعلق به تو نیست و باید در مسیر رشد و تکامل ادامه دهی تا به من بازگردی، به تو می‌گویم: «فرزندم، چه نشان‌هایی داری؟ آیا در زمین زندگی‌ات را بر اساس فرامین من بنا کردی؟»
۸۱. اما تو، شرمنده و دلسرد، چون هیچ موهبتی از عشق بی‌کران من که تو را بسیار دوست دارم نداری، زنجیرهایی ساختی که روحت را می‌شکند. روحت بی‌نور می‌نماید، می‌گرید و برای خود سوگواری می‌کند چون فیض را از دست داده است؛ تنها صدای پدر را می‌شنود که او را فرا می‌خواند. اما چون برای آمدن به سوی من شایسته نمی‌داند، در جا می‌زند و منتظر می‌ماند.
۸۲. زمان می‌گذرد و روح دوباره صدای مرا می‌یابد و با اندوه می‌پرسد که کی با او سخن می‌گوید. من به او می‌گویم: «بیدار شو! آیا نمی‌دانی از کجا آمده‌ای و به کجا می‌روی؟» چشمانش را بالا می‌اندازد و نوری عظیم می‌بیند که در نور آن حس بدبختی می‌کند، اما می‌فهمد که پیش از آمدن به زمین از پیش وجود داشته است، محبوب من بوده و اکنون من برای وضعیت اسفناک او می‌گریم. او می‌داند که به سرزمین‌های متعدد فرستاده شده تا مسیر مبارزه را طی کند و با شایستگی به پاداش برسد.
۸۳. و کودک می‌پرسد: «اگر پیش از آمدن به زمین محبوب تو بودم، چرا در فضیلت نیستم؟ چرا مجبور شدم رنج ببرم، زمین بخورم و مبارزه کنم تا دوباره به تو بازگردم؟»
۸۴. من به او می‌گویم: «همه ارواح در مسیر قانون تکامل قدم زده‌اند و من همیشه از آنها محافظت کرده‌ام و از نیکی‌هایشان لذت برده‌ام. اما تو را به زمین فرستادم تا میدان کمال معنوی باشد، نه جنگ و درد.»
۸۵. به تو گفتم بارور باش و بی‌ثمر نباش. اما وقتی وارد قلمرو معنوی می‌شوی و باز می‌گردی، اگر محصولی به همراه نیاوری، جز شکایت چیزی نخواهی داشت. پس بار دیگر به زمین فرستاده می‌شوی و به تو گفته می‌شود: «خودت را پاک کن، آنچه را از دست داده‌ای باز یاب و تلاش کن تا به عروج معنوی برسی.»
۸۶. روح به زمین بازمی‌گردد، بدن کوچکی را برای سکونت می‌یابد و سفر جدید زندگی را آغاز می‌کند. آن کودک خردسال را که به او اختصاص یافته است می‌یابد و از آن بدن برای کفاره گناهان و پیمایش مأموریتی که از سوی پدر به او داده شده، استفاده می‌کند. او می‌داند که نفس پدر است و ماموریتی بزرگ بر دوش دارد.

۸۷. در سال‌های نخستین، کودک معصوم و پاک است و به زندگی معنوی متصل می‌ماند. اما پس از مدتی، به تدریج، تحت تأثیر غرور، تکبر و سرکشی نسبت به قوانین عادلانهٔ پدر قرار می‌گیرد و جسم طبیعتاً سرکش می‌شود. روح و جسم به دام وسوسه‌ها می‌افتند، مأموریتی که به زمین آورده شده بود را فراموش می‌کند و ممکن است دست به أعمالی بزند که خلاف قانون الهی باشد. آنها میوه‌های ممنوعه را می‌چشند و وقتی منحرف می‌شوند، ساعت پایان رشد معنوی شان فرا می‌رسد.
۸۸. بار دیگر روح خودش را در قلمرو معنوی می‌یابد، خسته و تحمل‌کننده بار گناه. در آنجا صدای پدری که زمانی او را فرا می‌خواند به یادش می‌آید و پس از اشک‌های بسیار، احساس گم‌گشتگی و نادانی درباره کیستی خود می‌کند اما می‌داند که قبلاً آنجا بوده است.
۸۹. پدری که او را با عشقی بی‌پایان آفریده است، بر سر راهش ظاهر می‌شود و می‌پرسد: «تو کیستی، از کجا آمده‌ای و به کجا می‌روی؟»
۹۰. کودک صدای آن پدر را می‌شناسد، کسی که به او هستی، هوش و توانایی بخشیده و بارها و بارها او را بخشیده، پاک کرده و از تاریکی به سوی نور هدایت کرده است. او لرزه بر اندامش می‌افتد چون می‌داند که باید در برابر قاضی ایستاده و می‌گوید: «پدر، نافرمانی و گناه من بزرگ است و نمی‌توانم انتظار داشته باشم که در پادشاهی تو جای داشته باشم. وقتی به وادی معنوی بازگشته‌ام، فقط گناه انباشته دیده‌ام که باید کفاره دهم.»
۹۱. اما پدر مهربان دوباره راه را به او نشان می‌دهد؛ او را به بدن بازمی‌گرداند تا دوباره بخشی از بشریت شود.
۹۲. این بار روحی باتجربه‌تر و قوی‌تر، بدن را مطیع خود می‌کند تا راه درست را بپیماید و از فرامین الهی پیروی کند. نبردی سخت آغاز می‌شود؛ با گناهان و سختی‌هایی که بشریت را به سقوط می‌کشاند می‌جنگد و تلاش می‌کند از فرصتی که برای رستگاری دارد بهره ببرد. این مبارزه از آغاز تا پایان عمر ادامه دارد و وقتی موهای سفید بر شقیقه‌هایش می‌رویند و بدن خسته و فرسوده می‌شود، روح قوی‌تر، بالغ‌تر و با تجربه‌تر می‌شود. در مقابل عظمت و نفرت گناه روی می‌گرداند و به هدف خود می‌رسد. اکنون به لحظه‌ای که پدر او را فرا خواند چشم انتظار است، چون می‌داند که قانون الهی عادلانه و اراده خدا کامل است و این پدر زنده است که زندگی و رستگاری را به فرزندان خود می‌بخشد.این مسیر مبارزه و تکامل روحی است، همیشگی و پرامید. اگر همراهی‌ام را می‌خواهی، در کنار توام برای درک این سفر معنوی و کسب آرامش و نور.

۹۳. وقتی آخرین روز زندگی فرا رسید، مرگ را در جسم خود حس کرد و در دل، احساس دینداری و آرامش نمود. در ذهنش خود را همچون تصویری در آینه دید، زیبا، درخشان و بی‌درد. بی‌صدا به سوی نور رفت. سپس صدایی با او سخن گفت و پرسید: «فرزندم، کجا می‌روی؟» و او که می‌دانست این صدا از کیست، به سوی پدر رفت، اجازه داد نور او در وجودش جاری شود و با آرامش گفت: «ای خالق بی‌کران، ای عشق فراگیر، به سوی تو می‌آیم تا آرام گیرم و کامیابی خود را به تو بسپارم.»

۹۴. بدهی‌ها تسویه شد و روح، سالم، پاک و بی‌آلایش گردید.او از زنجیرهای گناه رهایی یافت و پاداش والایی که منتظرش بود را در جلو چشمانش دید.

۹۵. سپس احساس کرد که با نور پدر یکی شده است و سعادتش افزایش یافته است. مکانی آرام و مقدس را دید، سکوتی عمیق را حس کرد و در «آغوش ابراهیم آرام گرفت.»

فصل۳۱-نجات،رستگاری و شفای ابدی

««««تصحیح افکار نادرست در مورد نجات»»»»

۱. بسیاری باور دارند که تمام اشک‌های این جهان ناشی از گناه نخستین انسان‌هاست؛ اما وقتی به این تمثیل نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که عیسی مسیح نیامده تا فقط با خونش گناه را پاک کند، بلکه آمده تا راه کمال و رستگاری را به ما آموزش دهد. اگر فقط قربانی مسیح کافی بود، چرا هنوز بشر در گناه و رنج به سر می‌برد؟

۲. عیسی به زمین آمد تا مسیر کمال را از طریق زندگی، رفتار و سخنانش نشان دهد. او راهنمای ماست تا با تعالیمش و اعمال درست، به رشد معنوی برسیم و خود را بسازیم.

۳. هرکدام از شما با انجام وظیفه و به کارگیری آموزه‌های او، به مقصود خود خواهید رسید. این خون ریخته شده به تنهایی نیست که رستگاری می‌آورد، بلکه نوری است که او در روح ما می‌تاباند و ما را متحول می‌سازد.

۴. در عصر سوم، صلیب جدیدی به عیسی عطا می‌شود؛ صلیبی نامرئی برای چشم‌های معمولی، اما از آن پیام عشق الهی به بشریت فرستاده می‌شود. این خون که جوهر معنوی کلام اوست، تبدیل به نور می‌شود تا درون ما را روشن کند.

۵. کسانی که زمانی عیسی را قضاوت کردند حالا با پشیمانی درونی‌شان، نور را به قلب انسان‌ها می‌آورند تا اشتباهاتشان را جبران نمایند.

۶. برای پیروزی آموزه‌های مسیح بر شرارت بشر، نخست باید همچون او رنج‌ها و تمسخرها را تحمل کرد تا از هر زخم، نوری جاری شود که تاریکی‌های دنیا را فروزان سازد. لازم است این خون نامرئی بر بشر ببارد و راه نجات از نو به آنان نشان داده شود.

۷. دوباره تأکید می‌کنم: در عیسی، بشریت نجات خواهد یافت. خون ریخته شده در جلجتا، نماد حیات هر روح است؛ ولی این خون فقط مایع نیست، بلکه نماد عشق الهی است. این عشق بی‌نقص است، عیسی هیچ‌گاه گناه نکرد و تمام عشق خود را بدون قید و شرط برای ما عرضه داشت.

۸. بسیاری انسان‌ها خون خود را از روی عشق انسانی و معنوی فدا کرده‌اند، اما خون عیسی مظهر کامل و بی‌نقص عشق الهی است.

۹. این عشق الهی بی‌مرز است، و خداوند خود را کاملاً به مخلوقاتش می‌بخشد چون بی‌نهایت دوستشان دارد.

۱۰. وقتی غبار زمین، آن مایع حیات‌بخش را در بدن استاد جذب کرد، این منظور بود که آموزه‌های او زندگی انسان‌ها را با آب رحمت الهی، یعنی عشق، حکمت و عدالت، پرثمر سازد و انسان‌ها را به سوی کمال و روشنی هدایت کند.
۱۱. جهان، با شک و تردید به سخنان و الگوهای استاد نگاه می‌کند و می‌گوید: اگرچه عیسی خون خود را برای رستگاری بشریت ریخت، اما جهان هر روز گناهکارتر می‌شود و نجات نیافته است، حتی با وجود پیشرفت‌های مادی و علمی.
۱۲. بسیاری درباره قدرت نجات‌بخش آن خون می‌پرسند، در حالی که کسانی که موظف‌اند پیام‌های اصلی آموزه‌ها را بازگو کنند، اغلب نمی‌توانند پاسخ روشنی به این پرسش‌ها بدهند، و این باعث سردرگمی جویندگان حقیقت و نور می‌شود.
۱۳. اکنون باید بدانید که پرسش‌ها و شک و تردیدهای ناآگاهان، گاه عمق و معنای بیشتری نسبت به پاسخ‌ها و تفسیرهای کسانی دارد که ادعای دانستن حقیقت را دارند.
۱۴. اما من دوباره به شما می‌گویم، این کلام برای کسانی است که معتقدند خون ریخته شده رستگاری واقعی گناهکاران از عدالت الهی بوده است، حتی اگر بسیاری، گمراه شده و محکوم به سختی‌ها شده‌اند.
۱۵. بدانید که پدر دانا و قادر، پیش از این می‌دانست که انسان‌ها تا چه حد محدودیت فهم دارند و نمی‌توانند همه آموزه‌های عیسی را در سخنان و رفتارهایش به طور کامل درک کنند. او هرگز کاری بیهوده انجام نداده و هیچ فرستاده‌ای به زمین نفرستاده مگر آنکه اثری ماندگار بر جای بگذارد. حضور عیسی در میان انسان‌ها، بزرگ شدنش، رنج کشیدن و مرگ او، به این منظور بود که زندگی پرنور و اثرگذار او، راهی بی‌انتها و فراموش‌نشدنی برای همه فرزندان خدا ترسیم کند. راهی که آنها را به سوی عشق حقیقی هدایت می‌کند و با پیروی از آموزه‌های او به جایگاهی که خالق وعده داده می‌رسند.
۱۶. او همچنین می‌دانست که خون پاک و بی‌نقص او، که بهترین نمونه از عشق بی‌نهایت است و تا آخرین قطره برای نجات ریخته شد، به مردم می‌آموزد با ایمان به خداوند، وظایف معنوی خود را به انجام رسانند تا به سرزمین موعود برسند و بتوانند بگویند: «پروردگارا، همه چیز تمام شده است.»
۱۷. اکنون به شما می‌گویم، ساعتی که خون من بر روی صلیب ریخته شد، ساعت پایان رستگاری نبود؛ بلکه این خون زنده، تازه و پایدار است، که مسیر کفاره و بازگشت تو به خانه پدری را روشن می‌کند.

۱۸. من به شما گفته‌ام: «من منبع حیات هستم؛ بیایید و خود را از لکه‌ها و زشتی‌هایتان پاک کنید تا بتوانید آزاد و سالم به سوی پدر و خالق خود راه بروید.»
۱۹. منبع و سرچشمه من عشق است؛ عشقی پایان‌ناپذیر و بی‌کران. این همان پیامی است که خون من، که در راه انسان‌ها ریخته شد، به شما می‌رساند. این خون، کلام و آموزه‌های مرا مهر و موم و تأیید می‌کند.
۲۰. امروز، پس از قرن‌ها، به شما می‌گویم که گرچه خون خود را برای همه بشریت ریختم، اما تنها کسانی که از مسیری که من به شما آموختم پیروی کرده‌اند، توانستند رستگاری روح خود را بیابند؛ و افرادی که در جهل، تعصب، اشتباهات یا گناهان خود پافشاری کردند، هنوز به رستگاری نرسیده‌اند.
۲۱. باید بدانید که حتی اگر هزار بار در قالب یک انسان زاده شده و هزار بار بر صلیب بمیرم، تا زمانی که مردم برنخیزند و از من پیروی نکنند، رستگاری روح خود را تجربه نخواهند کرد. این صلیب من نیست که شما را رستگار می‌کند، بلکه صلیب خود شماست. من صلیب خود را بر دوش کشیدم، بر آن مردم و به آغوش پدر بازگشتم. حال شما باید با ملایمت و عشق از من پیروی کنید، با فروتنی واقعی صلیب خود را به دوش بکشید تا به هدف نهایی رسالت خود برسید و در کنار پدرتان باشید.
۲۲. همه انسان‌ها آرزوی خوشبختی دارند، و هرچه این خوشبختی پایدارتر باشد، بهتر است. من به شما مسیری نشان می‌دهم که به والاترین و جاودان‌ترین سعادت می‌انجامد. اما در نهایت، هر کس مجاز است مسیری را که برایش جذاب‌تر است، برگزید.
۲۳. از شما می‌پرسم: «اگر واقعاً به دنبال خوشبختی‌اید، چرا آن را در زندگی نمی‌کارید تا در آینده آن را برداشت کنید؟» چه کم هستند کسانی که فهمیده‌اند باید در کنار دیگران باشند و مسیر درست را پی بگیرند.
۲۴. بسیاری از مفاهیم رایج درباره معنای زندگی، روح و جهان معنوی، نادرست هستند.
۲۵. بیشتر مؤمنان گمان می‌کنند که فقط با رعایت حداقلی پارسایی یا توبه در آخرین لحظات زندگی، بهشت برای آنها تضمین می‌شود.
۲۶. اما این باور اشتباه و اغواگر باعث می‌شود که انسان در طول زندگی خود قانون الهی را جدی نگیرد و روح او پس از ترک این دنیا وقتی وارد جهان معنوی می‌شود، درمی‌یابد که نه آن شگفتی‌هایی را که تصور می‌کرد دیده است، دارد و نه به والاترین سعادت حقیقی که برای خود تصور می‌کرد، دست یافته است.

۲۷. بسیاری از موجوداتی که مطمئن بودند به بهشت خواهند رفت، اما پس از آن تنها سردرگمی یافتند، در جهانی گرفتار شدند که نه انسانی است و نه عمیقاً معنوی. آنها که دیگر در زمین، در قید جسم فیزیکی نبودند، توان رسیدن به ارتفاعاتی که کرات نور معنوی در آن قرار دارد را نداشتند، و این باعث شد عالمی برای خود بسازند که نه آرامش واقعی داشت و نه نور حقیقی.

۲۸. این ارواح شروع کردند به پرسیدن از خود: «آیا اینجا بهشت است؟ آیا این خانه‌ای است که خداوند برای ما پس از سال‌ها سرگردانی در زمین مقرر کرده است؟»
۲۹. بسیاری پاسخ می‌دهند: «نه، اینجا نمی‌تواند آن آغوش خداوند باشد؛ جایی که فقط نور، عشق و پاکی حضور دارند.»
۳۰. به تدریج، با تأمل و تجربه درد، روح به فهم و درک می‌رسد؛ عدالت الهی را می‌بیند و نور درون خود را روشن می‌کند، اعمال گذشته‌اش را قضاوت نموده و می‌فهمد آنچه انجام داده نواقص و کاستی‌هایی داشته و سزاوار آنچه انتظارش را داشته، نبوده است.
۳۱. پس از چنین خودکاوی، فروتنی ظهور می‌کند و همزمان میل به بازگشت به مسیر درست و اصلاح اشتباه‌ها پدید می‌آید. روح مجبور می‌شود لکه‌ها را پاک کند، اشتباهاتش را جبران نماید و کاری شایسته در برابر پدر خود به انجام رساند.
۳۲. ضروری است که بشریت این اسرار را درک کند؛ زندگی مادی فرصتی است برای کسب شایستگی‌های روحی که باعث ارتقای روح می‌شود، تا زمانی که شایسته زندگی در عالم معنویت بالاتر گردد، جایی که باید باز هم شایستگی نشان دهد و مسیر صعود از مرحله‌ای به مرحله دیگر را ادامه دهد، چرا که «در خانه پدر اتاق‌های زیادی وجود دارد.»
۳۳. این شایستگی‌ها تنها از طریق عشق حاصل می‌شود، چنان‌که قانون ابدی پدر به ما آموخته است. روح شما گام به گام بر نردبان کمال پیش می‌رود و مسیر باریکی را فرا می‌گیرد که به پادشاهی بهشت واقعی، یعنی کمال روح، منتهی می‌شود.
۳۴. به راستی به شما می‌گویم، اگر اکنون دوباره به صورت انسان اینجا بودم، باید زخم‌های من روی بدنم هنوز تازه و خونین دیده شود؛ چرا که گناه بشریت همچنان ادامه دارد و مردم خود را به یاد خون ریخته شده من در جلجتا، که گواهی بر عشق بی‌نهایت من بود، بازخرید نمی‌کنند. اما من امروز به صورت روح آمده‌ام تا شما را از شرم کار کسانی که زمانی مرا در زمین قضاوت و محکوم کردند رها کنم و پیام عشق را دوباره به دل‌های شما برسانم.

۳۵. همه چیز بخشیده شده است؛ اما در هر روحی چیزی از آن نیروی حیات و خون مقدسی که من بر روی صلیب برای همه ریختم، وجود دارد. باور نکنید که این نیرو و خون از بین رفته یا محو شده‌اند؛ بلکه آنها تجسم حیات معنوی‌اند که من از آن لحظه بر همه انسان‌ها نازل کردم. از طریق آن خون، که کلام مرا مهر و موم کرد و هر آنچه در زمین گفته و انجام داده‌ام را تثبیت نمود، مردم در اشتیاق تجدید روح خود به سوی کمال و بالا حرکت خواهند کرد.
۳۶. کلام من، اعمال من و خون من هرگز بیهوده نبوده و نخواهد بود. اگر گاهی به نظر می‌رسد که نام من فراموش شده یا کلامم خاموش گشته، به زودی شاهد زنده شدن دوباره آنها خواهید بود، سرشار از حیات، پاکی و شادابی، مانند دانه‌ای که هرچند با آن مخالفت شود اما هرگز نابود نمی‌گردد.
۳۷. خون عیسی، که به نور رستگاری تبدیل شده، وارد روح همه انسان‌ها شده و همچنان در جریان است. روح من به طور ابدی نور و نجات را می‌بخشد؛ من پیوسته اجازه می‌دهم پرتوهای نور من به هر جای تاریک نفوذ کنند. این نیروی الهی، نه به صورت خون فیزیکی، بلکه به عنوان قدرت رهایی‌دهنده و زندگی معنوی، روانه همه فرزندانم است.
۳۸. بسیاری از انسان‌ها گرفتار شهوات و گناهان شدند و امید خود را به نجات از دست داده‌اند، اما هیچ‌کس از شفا و بازگشت به نور محروم نیست. زمانی که روح متقاعد شود که طوفان‌ها و پریشانی‌های زندگی ادامه دارند تا وقتی به صدای درون خود گوش ندهد، برخیزد و قانون مرا اجرا کند، در آن زمان به هدف سرنوشت ابدی خود خواهد رسید.
۳۹. کسانی که زندگی را بی‌معنی می‌دانند و با مبارزه و رنج دست به گریبان‌اند، نمی‌فهمند که زندگی استاد است که ما را شکل می‌دهد و درد قلمی است که کمال می‌بخشد. هرگز فکر نکن که من درد را آفریدم تا آن را بر تو تحمیل کنم؛ انسان به میل خود از مسیر نور دور شد و باید با تلاش خود دوباره بازگردد. همچنین نباید تصور کنی فقط از طریق درد کامل خواهی شد، بلکه از طریق اعمال عشق نیز به من نزدیک خواهی شد، زیرا من خود عشق هستم.
۴۰. بیشتر با روح خود دعا کن تا با بدن؛ زیرا برای رسیدن به رستگاری، کافی نیست که فقط یک لحظه دعا کنی یا یک روز عشق بورزی؛ بلکه لازم است زندگی خود را سرشار از پشتکار، صبر، کارهای سخاوتمندانه و پیروی از احکام الهی بسازی. برای این مسیر، من به شما توانایی‌ها و همدلی عظیمی داده‌ام که همراه شما باشد.

۴۱. کار من همچون کشتی نجاتی است که همه را به ورود و پناه بردن فرا می‌خواند. هر کس فرامین من را بپذیرد، هلاک نخواهد شد. اگر اجازه دهید کلام من رهبر زندگی‌تان باشد، به نجات خواهید رسید.
۴۲. به یاد داشته باشید تنها آنچه کامل است به من می‌رسد. پس روح شما زمانی وارد پادشاهی من خواهد شد که به کمال برسد. شما بدون تجربه پیش من آمدید، اما اکنون با لباس شایستگی‌ها و فضایل خود آراسته شده‌اید و باید به سوی من بازگردید.
۴۳. به شما اطمینان می‌دهم که ارواح پاک و صالح که در جوار خداوند سکونت دارند، حق سکونتشان را از طریق اعمال خود به دست آورده‌اند، نه صرفاً به این علت که من به آنها بخشیده‌ام. من فقط راه را نشان دادم و در پایان پاداش بزرگی برایشان فراهم کردم.
۴۴. خوشا به حال کسانی که با من چنین سخن می‌گویند: «پروردگارا، تو راه هستی، نوری که راه را روشن می‌کنی، نیروی رهروان، صدایی که در راه زندگی جهت می‌دهد و ما را زنده می‌کند؛ و پاداش‌دهنده کسانی هستی که به هدف خود می‌رسند.» چرا که من زندگی و رستاخیز از مردگانم.
۴۵. وقتی پرسیده می‌شود: آیا عیسی قادر و مایل است که بشریت را با خون خود نجات دهد؟ او پاسخ می‌دهد: «خداوندا، من بره‌ای هستم که آماده‌ام با خون و عشق خود راه کفاره برای انسان‌ها را هموار کنم.»
۴۶. من دیگر کلمه‌ام را برای تجسد در این عصر نخواهم فرستاد؛ آن عصر به پایان رسیده و تعالیم و تعالی خود را در دل روح‌های شما قرار داده‌ام. اکنون دوره جدیدی از پیشرفت معنوی آغاز شده که در آن شما خود باید شایستگی کسب کنید.
۴۷. آرزو دارم همه شما شاد، آرام و روشن‌بین باشید، تا به تدریج همه چیز را به‌دست آورید؛ نه فقط از طریق عشق من، بلکه از طریق شایستگی‌ها و تلاش خودتان؛ زیرا آنگاه رضایت و خوشبختی شما کامل خواهد شد.
۴۸. آمده‌ام زیبایی زندگی والاتر از زندگی انسانی را به شما نشان دهم، شما را به انجام کارهای بزرگ وصل کنم، کلامی را که عشق را بیدار می‌کند به شما بیاموزم و سعادت بی‌سابقه‌ای را که در انتظار روحی است که از کوه فداکاری، ایمان و عشق بالا رفته، به شما وعده دهم.
۴۹. همه این‌ها را از آموزه‌های من خواهید آموخت تا در نهایت دریابید که اعمال نیک شماست که روح‌تان را به سعادت واقعی نزدیک‌تر می‌کند.

۵۰. همان‌طور که برای سفر از یک قاره به قاره دیگر باید از کوه‌ها، دریاها و شهرها عبور کرد، شما نیز برای رسیدن به سرزمین موعود زندگی، باید راهی طولانی طی کنید و در این مسیر، تجربه، دانش، شکوفایی و تکامل روح کسب کنید. این تلاش‌ها و اشک‌ها میوه درخت زندگی است که پس از پشت سر گذاشتن آن به خوشی و لذت خواهید رسید.
۵۱. شما فرزندان پدر نور هستید؛ اگر اکنون در تاریکی رنج، اشتباهات و اشک غرق شده‌اید، بدانید که این رنج‌ها گذرا هستند. با ندای من که می‌گویم «اینجا هستم، جهان شما را روشن می‌کنم و به شما دعوت می‌دهم تا از کوهی صعود کنید که در قله‌اش آرامش، شادی و ثروتی بی‌پایان خواهید یافت»، مسیر تازه‌ای پیش رویتان گشوده می‌شود.
۵۲. هر جهان و هر سطح وجود به شکلی خلق شده که روح بتواند رشد کند و به سوی خالق خود نزدیک شود، و با پیشروی در این مسیر کمال، به پاکی و بی‌عیب بودن دست یابد؛ این اوج کمال معنوی همان زندگی در پادشاهی خداوند است.
۵۳. چه کسی باور می‌کند که سکونت نهایی در آغوش خداوند غیرممکن است؟ ای روشنفکران گرفتار که نمی‌دانید چگونه درست بیندیشید! آیا فراموش کرده‌اید که از آغوش من پا به جهان گذاشته‌اید و از پیش در آن حضور داشته‌اید؟ هیچ چیز عجیب نیست که هر آنچه از منبع حیات است، به موقع به آن بازگردد.
۵۴. هر روح که از جانب من وارد زندگی می‌شود پاک و باکره است، اما بسیاری در مسیر خود آلوده می‌گردند. با این حال، چون همه چیز توسط من با خرد، عشق و عدالت پیش‌بینی شده، فوراً تمام ابزار و راه‌های نجات و تجدید حیات را برای فرزندانم فراهم کرده‌ام.
۵۵. اگرچه این پاکی معنوی بسیاری را ترک کرده و آلوده شده است، روزی خواهد رسید که همه از گناهان پاک شوند و پاکی اولیه خود را باز یابند. این تطهیر، بسیار شایسته و ارزشمند است چرا که روح آن را از طریق آزمون‌های سخت ایمان، عشق، وفاداری و صبر به دست آورده است.

۵۶. به قلمرو نور بازگردید، جایی که دیگر نیازی به تجسم مادّی نیست؛ قدرت معنوی شما اجازه می‌دهد نفوذ و نور خود را از سطحی به سطح دیگر بفرستید و آن را درک کنید.

««««قدرتمندترین نیروی نجات»»»»

۵۷. قوی‌ترین راه رستگاری این است که راه روشن را بپیمایید. برای نجات، نیازی نیست حتماً در این عصر به من گوش دهید، بلکه هر کسی که قانون الهی عشق را به کار می‌بندد و به همسایه خود عشق می‌ورزد، نجات می‌یابد و به من شهادت می‌دهد.

۵۸. همان‌طور که خورشید و ستارگان نور زندگی می‌بخشند، روح الهی نیز باید بر روح انسان نور بتاباند.

۵۹. مردم را فرا می‌خوانم به درون خود بنگرند و اجازه دهند نور عدالت و عشق در جهان گسترش یابد. بدون عشق حقیقی، رستگاری روح امکان‌پذیر نیست.

۶۰. نور من برای همه فرزندانم است، نه فقط برای آنان که در این دنیا هستند، بلکه برای تمامی ارواح در سطوح وجودی مختلف. همه هنگامی آزاد می‌شوند و به زندگی ابدی می‌رسند که با اعمال محبت‌آمیز به یکدیگر، فرمان عشق را اجرا کنند.

۶۱. امروز «روز سوم» است که کلام من در میان «مردگان» زنده می‌شود و بار سوم به شکل روحانی ظاهر می‌گردم تا به جهان بگویم که مسیح زنده است و همیشه خواهد بود.

۶۲. بسیاری از مردم قلب‌هایی مرده دارند و فقط به دعا و آیین‌های مذهبی اکتفا می‌کنند، اما رستگاری فقط از راه عمل به عشق و رحمت حاصل می‌شود.
۶۳. عبادتگاه‌ها تنها مکتب‌اند و کلیساها نباید محدود به شریعت باشند، بلکه باید زندگی را مسیری بدانند که انسان باید آموزه‌های عشق را در آن به عمل برساند.

۶۴. مسیح آمد تا عشق الهی را آشکار کند، اما مردم با قلب‌های سخت، آموزه‌ها را فراموش یا اشتباه تفسیر می‌کنند. من به‌زودی به صورت معنوی بازمی‌گردم تا آنها را روشن سازم.

۶۵. اکنون زمان بازگشت من است که عدالت و حکمت الهی را به عنوان تجلی عشق خدا آشکار کنم. من از عشق به فرزندانم آمده‌ام تا آنها را پر از نور و صلح ببینم.

۶۶. آیا درست نیست که شما نیز از روی عشق به من بیایید، نه از ترس یا برای پاداش؟ کار نیک تنها از عشق حقیقی برمی‌آید و اگر فقط به خاطر ترس یا پاداش باشد، عشق واقعی نیست.

۶۷. تمام شرایع من در دو فرمان است: عشق به خدا و عشق به همسایه. این راه نجات است.

««««نجات و رستگاری برای هر روح»»»»

۶۸. اکنون آمده‌ام تا روحی را بیدار کنم که متعلق به من است، نه بدن فیزیکی را؛ این روح، مانند ایلعازر در درون شما زنده خواهد شد و به زندگی ابدی می‌رسد.

۶۹. زندگی معنوی تابع قوانین است و انحراف از آنها عواقب دردناک دارد.

۷۰. آرزوی من برای نجات شما بسیار بزرگ است، امروز نیز مانند گذشته صلیب را بر دوش می‌کشم تا شما را به زندگی حقیقی برسانم.

۷۱. اگر خون من در جلجتا قلب‌ها را به لرزه آورد و آنها را به سوی آموزه‌هایم بازگرداند، اکنون نیز نور الهی باید روح و جسم را به راه راست بازگرداند.

۷۲. من می‌خواهم همه کسانی که از فیض الهی محروم‌اند، زندگی ابدی داشته باشند و روحشان در تاریکی باقی نماند.

۷۳. بسیاری از مردم در انتظار آمدن مسیح‌اند، اما برخی فکر می‌کنند که من برای مجازات شرورها و نابودی جهان می‌آیم، در حالی که من به عنوان پدری مهربان دست یاری به همه دراز کرده‌ام.

۷۴. کسی به طور تصادفی به دنیا نیامده است؛ حتی کسانی که خود را ناچیز می‌دانند، به اندازه دیگران دوست داشته می‌شوند و سرنوشتی دارند که به آغوش خدا منتهی می‌شود.

۷۵. حتی مطرودان و سرگردانان در خیابان‌ها یا کسانی که در جنگل‌ها و در محاصره شکارچیان زندگی می‌کنند، همه وظیفه‌ای دارند و در مسیری هستند که به سوی من می‌رسد.

۷۶. هر روحی آرزوی آرامش و بازگشت به خانه‌ای ابدی را دارد؛ بعضی منتظر مرگ با امید و ایمان‌اند و برخی بی‌امید و بی‌روح، منتظر پایان زندگی هستند.

۷۷. «نور جهان» بازگشته تا با بخشش خود شما را به زندگی بازگرداند، قلب خسته‌تان را تسلی دهد و به آنها که خود را نالایق می‌دانند بگوید: «دوستت دارم، پیش من بیا!»

۷۸. ممکن است کسی فرو رود و احساس دوری کند و فکر کند با مرگ همه چیز تمام است، اما در حقیقت هیچ‌کس نمی‌میرد و گم نمی‌شود.

۷۹. بسیارند کسانی که روزی فاسد به شمار می‌رفتند اما اکنون سرشار از نور شده‌اند و گناهان و رذایل خود را پشت سر گذاشته‌اند و به پاکی رسیده‌اند.

۸۰. بسیاری روح خود را آلوده می‌کنند؛ اما آنها را محکوم نکنید، زیرا نمی‌دانند. من حتی کسانی را که مرا فراموش کرده و خدایان دروغی را جایگزین کرده‌اند، نجات خواهم داد و به پادشاهی خود می‌آورم.

۸۱. برای خدا هیچ کس شرور نیست چون منشأ همه اوست، اما فرزندانش به خاطر اراده آزاد گمراه شده‌اند. نور و رحمت الهی در همه آنها خواهد درخشید و آنها را به رستگاری هدایت می‌کند.

۸۲. همه شما بذر خدا هستید و او شما را برداشت می‌کند. حتی بذرهای علف‌هرز نیز با محبت به گندم تبدیل خواهند شد.

۸۳. خدا بذرهای نفرت، جنایت و منجلاب را در قلب شما می‌بیند و با محبت آنها را تطهیر می‌کند تا مانند گندم در آفتاب بدرخشند.

۸۴. قدرت عشق خدا تو را پاک کرده و در باغ نور می‌کارد تا شکوفه‌ها و میوه‌های تازه بدهی؛ این وظیفه الهی اوست که تو را شایسته خود سازد.

۸۵. هیچ روحی نمی‌تواند کاملاً از خدا دور شود چون جرقه نوری در درونش هست که هرگز خاموش نمی‌شود و نیروهای تاریکی در برابر ابدیت الهی مقاومت نخواهند کرد.

۸۶. هر کسی که با الهام از آرمان‌های والا خود را تطهیر کند به همان اندازه شایسته است که کسی که از ابتدا پاک و عاشق نور بوده است.

۸۷. کسانی که فکر می‌کنند ارواح سرگردان ماهیتی متفاوت از ارواح نور دارند، از حقیقت دورند.

۸۸. اگر خدا ناعادل باشد یا از عشق و خرد برای نجات آلوده‌ها ناتوان باشد و نتواند همه را در یک مکان متحد کند، دیگر قادر مطلق نیست.

۸۹. حتی وسوسه‌گران و موجوداتی که دیو می‌نامید، موجودات ناقص و گیجی هستند که خداوند برای اجرای برنامه‌های خود به خردمندانه از آنها بهره می‌برد.

۹۰. این موجودات که روحشان در تاریکی است و گاهی به بدی استفاده کرده‌اند، در زمان مقرر توسط خدا نجات خواهند یافت.

۹۱. لحظه‌ای خواهد آمد که همه آفریده‌های خداوند او را جاودانه ستایش کنند؛ اگر نتواند نجات دهد، دیگر خدا نخواهد بود.

۹۲. والدین گاهی بیشتر از فرزندان خوب، نسبت به فرزندان بد که آسیب می‌رسانند، محبت می‌کنند. چگونه شما می‌توانید بیش از من که استاد هستم، عشق و بخشش داشته باشید؟

۹۳. هیچ‌کس نزد من نالایق نیست و دروازه‌های پادشاهی من برای همه، حتی کسانی که دور از قانون و حقیقت بودند، همیشه باز است.

۹۴. من اجازه نمی‌دهم حتی یک نفر از فرزندانم گمراه یا گم شود؛ همه موجودات می‌توانند به کمال برسند.

«««آینده باشکوه فرزندان خدا»»»

۹۵. می‌خواهم در کارم با من شاد باشید؛ چون شما بخشی از من هستید، مالک کار من نیز هستید.
۹۶. در کلام من شک نکنید؛ من وعده‌ام را در روزهای نخستین عمل کردم و شما را به سرزمین آزادی و پرستش خدا هدایت کردم. آمدنم به عنوان انسان نیز پیشگویی شده بود و تحقق یافت.

۹۷. من همان استاد درونی بودم که در عیسی زندگی می‌کردم و به شما وعده داده بودم که دوباره در زمانی دیگر با شما سخن خواهم گفت و خود را در روح آشکار خواهم کرد. اکنون آن وعده تحقق یافته است.

۹۸. امروز اعلام می‌کنم که مکان‌های شگفت‌انگیز و اقامتگاه‌های معنوی برای روح‌های شما آماده کرده‌ام، جایی که می‌توانید در آن آزادی واقعی عشق، نیکی و گسترش نور من را تجربه کنید. آیا پس از تحقق وعده‌هایم شک می‌کنید؟

۹۹. آرزوی الهی من نجات و هدایت شما به دنیایی از نور، زیبایی و عشق است، جایی که با تعالی روح و بزرگی احساسات و کمال، شادی را خواهید یافت. اگر این را درک نکنید، کور خواهید بود.

۱۰۰. به یاد داشته باشید که تمام زیبایی‌های دنیوی زودگذر و محکوم به نابودی هستند، اما روح شما به زندگی ابدی ادامه خواهد داد و پدر خود را در جلالش خواهد دید. همه خلقت باید به سرچشمه خود بازگردد.

۱۰۱. من نور، آرامش و سعادت ابدی هستم و به عنوان پدر، اراده و وظیفه‌ام این است که شما را در جلال خود شریک کنم و شما را با شریعتی هدایت کنم که روح را به اوج پادشاهی من می‌رساند.

۱۰۲. همیشه بدانید که روحی که به بالاترین درجات نیکی، خرد، پاکی و عشق می‌رسد فراتر از زمان، درد و مکان است؛ او در همه جا حاضر است و سعادت بالا را در احساس، داشتن، دانستن و دوست داشتن خود و بودن دوست داشته شده تجربه می‌کند. این بهشت روح است.

فصل۳۲-جسم،طبیعت ووظیفه انسان

««««تجسم روی زمین»»»»

۱. وقتی یکی از عزیزانتان به «دره روح» می‌رود، شاید غمگین شوید، اما بدانید که آن‌ها یک قدم دیگر به سوی پروردگارشان نزدیک‌تر شده‌اند. و وقتی موجودی تازه به خانه‌تان می‌آید، جشن بگیرید، اما به خاطر داشته باشید که این روح برای کفاره دادن به این جهان سخت آمده است و باید برایش اشک ریخت.
۲. شما از جسم خود فرزندانی می‌آورید، اما من هستم که روح‌ها را میان خانواده‌ها، قبایل، و جهان‌ها تقسیم می‌کنم؛ در این تقسیمِ پر از عدالت و عشق، راز بزرگی نهفته است.
۳. شما اکنون در زمان حال زندگی می‌کنید و نمی‌دانید من چه سرنوشتی برایتان رقم زده‌ام. من لشکری از موجودات معنوی را آماده کرده‌ام که بر زمین می‌آیند و ماموریتی خطیر به عهده دارند. بسیاری از شما والدین این موجودات خواهید بود و باید درون خود را برای پذیرش و هدایتشان آماده کنید.
۴. دوست دارم درباره مسائل عمیق با شما صحبت کنم، اما هنوز آمادگی درک همه چیز را ندارید. اگر به تو می‌گفتم که در چه شرایطی به زمین آمده‌ای، نمی‌توانستی بفهمی چگونه در آنجا زندگی می‌کردی.
۵. ممکن است انکار کنید که «دره روح» را می‌شناسید؛ چون وقتی روح شما تجسم یافته است، گذشته‌تان در دسترس نیست تا مغرور یا ناامید شوید و مانند یک زندگی نو دوباره شروع کنید.
۶. هرچند خواسته باشید، نمی‌توانید همه را به یاد آورید. من فقط اجازه داده‌ام که حس یا شهودی در وجودتان باقی بماند تا در سختی‌ها پایدار باشید و با اشتیاق به آزمون‌ها تن دهید.
۷. ممکن است شک کنید، اما حقیقت این است که آن جهان روح، جایی بود که ساکن بودید و هیچ رنجی در آن وجود نداشت، جایی که شکوه و جلال پدر را در وجود خود احساس می‌کردید، بدون هیچ نقص و کمبودی.
۸. اما تو شایستگی نداشتی و باید آن بهشت را ترک می‌کردی و به دنیا می‌آمدی تا روحت از طریق این تجربه، به رستگاری برسد.

۹. شما هر روز بیشتر از خلقت الهی و اصل معنوی خود فاصله می‌گیرید و این سقوط اخلاقی را حس می‌کنید.
۱۰. وقتی روح به زمین می‌آید، سرشار از نیت‌های پاک و خدمت‌گزاری به خدا و انسان‌هاست.
۱۱. اما همان‌که با جسم متحد می‌شود، وسوسه و آزمایش‌های زندگی او را ضعیف می‌کنند؛ گاهی تسلیم انگیزه‌های خودخواهانه می‌شود و فقط لحظاتی به روح گوش می‌دهد که سرنوشت و پیمان‌هایش در آن نوشته شده‌اند.
۱۲. کلام خدا به شما کمک می‌کند که پیمان معنوی‌تان را به یاد آورید و بر وسوسه‌ها غلبه کنید.
۱۳. هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که هرگز از راه خدا منحرف نشده؛ خداوند شما را می‌بخشد تا یاد بگیرید دیگران را نیز ببخشید.
۱۴. آموزش معنوی ضروری است تا انسان مطابق وجدان خود زندگی کند، زیرا ماده و زندگی مادی آزمایشی برای روح است که با بدنی متفاوت طبیعت خودش متحد شده است.
۱۵. به همین دلیل گذشته روح فراموش می‌شود، زیرا از لحظه تولد با وجودی بی‌هوش و تازه‌متولد شده پیوند می‌خورد.
۱۶. تنها وجدان و شهود باقی می‌مانند و شخصیت و گذشته برای مدتی پنهان می‌مانند؛ این خواست خداوند است.
۱۷. اگر روحی که از سرزمین نور آمده، گذشته‌اش را به یاد بیاورد، ممکن است غرور و تکبر میان انسان‌ها پراکنده شود.

««««ارزیابی صحیح بدن وهدایت آن توسط ذهن»»»»

۱۸. من به شما فرمان می‌دهم که روح و بدن خود را پاک و تقویت کنید تا نسل‌های آینده سالم و توانمند باشند و وظایف معنوی‌شان را به‌خوبی انجام دهند.

۱۹. مراقبت و حفظ سلامتی جسم خود را جدی بگیرید. آموزه‌های من شما را تشویق می‌کنند که با عشق از روح و جسم خود محافظت کنید، چون این دو مکمل یکدیگرند و برای انجام وظایف معنوی خود به یکدیگر نیاز دارند.

۲۰. اهمیت بیش از حد به جسم خود ندهید و اجازه ندهید که جایگاهی که فقط متعلق به روح شماست، از دست برود.

۲۱. بدانید که بدن فیزیکی صرفاً ابزاری برای تجلی و حضور روح در جهان مادی است.

۲۲. درک کن که در حالی که بدن روز به روز به خاک بازمی‌گردد، روح به ابدیت نزدیک‌تر می‌شود و این تعلیم برای سلامت روحت سودمند است.

۲۳. بدن پایه و بستر روح است ولی نباید به زنجیری تبدیل شود که شما را محدود یا زندانی کند. چرا اجازه می‌دهید بدن فرمان زندگی شما را در دست بگیرد؟ درست نیست که نابینا راهنمای بینا باشد.

۲۴. این آموزه ساده و روشن است، اما اجرای آن نیازمند تلاش، ترک وابستگی‌های دنیوی و انضباط ذهنی است؛ بدون آنها روح شما رنج خواهد کشید.
۲۵. از ابتدای خلقت، کشمکشی بین روح و بدن وجود داشته برای اینکه بفهمیم چه چیز درست است و خوب است و زندگی مطابق قوانین الهی چگونه است.
۲۶. در این مبارزه ممکن است احساس کنید که نیرویی خارجی و بدخواه شما را وسوسه می‌کند تا از اراده آزاد خود دست بردارید و مسیر ماده‌گرایی را ادامه دهید.
۲۷. بزرگترین وسوسه، ضعف بدن شماست که حساس، ضعیف و مستعد اغواست؛ اما کسی که بر انگیزه‌ها و ضعف‌هایش تسلط یابد، بر وسوسه درونی‌اش غلبه کرده است.
۲۸. زمین میدان نبردی است برای یادگیری‌های بسیار. اگر نه، چند سال زندگی کافی بود و نیازی به تولدهای دوباره نبود. هیچ جای تاریک‌تر و غم‌انگیزتری برای روح نیست تا زمانی که به بدن‌های دنیوی چسبیده باشد، زمانی که پلیدی و ماده‌گرایی آنها را فرا گرفته است.

۲۹. کلام من تو را از این قبر برمی‌خیزاند و به تو پرواز به سوی نور و آرامش معنوی می‌دهد.

««معنا و کارکرد روح،ذهن و وجدان در انسان»»

۳۰. انسان بدون روح فقط وجود فیزیکی دارد و نمی‌تواند روحانی، آگاه و تربیت‌شده باشد.

۳۱. روح باید روشن کند و بدن را هدایت نماید.

۳۲. بدن ممکن است کوچک به نظر برسد، اما به دلیل خرد و استعدادهایی که خداوند داده، انسان عظمت واقعی دارد.

۳۳. عظمت وجود تو در روح است، که ابدی و بی‌نهایت است. گناه شرافت را می‌گیرد و انسان را کوچک می‌کند.

۳۴. خیلی وقت است که از خالق فاصله گرفته‌ای و استعدادهای معنویت را نادیده گرفته‌ای، بنابراین مانند موجوداتی زندگی می‌کنی که فقط در این دنیا آمده و رفته‌اند.

۳۵. روح تو از هر چیزی در آفرینش بزرگ‌تر است؛ شعله‌ای الهی است که خداوند به تو بخشیده است.

۳۶. فقط ارواح هستند که هوش معنوی، اراده و اختیار دارند و بدون خدا معنی ندارند.

۳۷. بر فراز غرایز جسمی، نوری طلوع می‌کند که همان روح است و راهنما و قاضی وجود تو نیز روح است.

۳۸. مادی‌گرایان می‌پرسند آیا پادشاهی روح وجود دارد؟ پاسخ من این است که احساسات رحمت، شفقت و مهربانی از روح است، نه جسم؛ زیرا جسم فقط ابزار محدودی است و روح اتمی از خداست.

۳۹. جایگاه روح را در درون وجود خود و خرد را در قدرت عشق جستجو کن.

۴۰. انسان از ابتدا دارای دانش شهودی بود که موجودی معنوی درون خود دارد؛ موجودی نامرئی که در زندگی‌اش آشکار می‌شود.

۴۱. خدا گاهی وجود روح و ماهیت آن را به تو نشان داده است، اما حجاب مادیت چنان ضخیم است که نمی‌توانی عالی‌ترین بخش وجودت را ببینی.

۴۲. انسان جرات انکار بسیاری حقایق را داشت، اما انکار روح یعنی انکار خود.

۴۳. بدن وقتی به دلیل شهوات و رذایل رو به انحطاط رفت، زندان و مانع روح شد؛ اما نور درونی هرگز انسان را تنها نگذارده است.

۴۴. والاترین تجلی روح وجدان است که انسان را شریف‌ترین و والاترین مخلوق می‌سازد.

۴۵. زیباترین و والاترین لقب انسان، «فرزند خدا» بودن است، اگرچه برای کسب آن باید تلاش کرد.

۴۶. هدف شریعت و آموزه‌ها آشکار کردن حقیقت خداوند است تا انسان‌ها فرزندان شایسته او شوند که بالاترین کمال است.

۴۷. تو می‌دانی که به صورت و شباهت من آفریده شده‌ای، اما این تصویر در روح توست که با تمرین فضایل باید کامل شود.

۴۸. من راه، حقیقت و حیات هستم که همه از عشق الهی سرچشمه می‌گیرند؛ این همان راه برای شباهت به من است.

۴۹. تو بازتاب الوهیت را در درون داری و هوش، اراده و فضایل تو نشانه طبیعت والایی است که به آن تعلق داری.

۵۰. با نافرمانی و گناه، تصویر خدایی خود را آلوده می‌کنی و شبیه من نیستی زیرا شباهت واقعی در نور و عشق به دیگران است.

۵۱. من تو را به صورت و شباهت خویش آفریدم و تثلیث مقدس در درون تو نیز وجود دارد.

۵۲. بدن مادی نمایانگر خلقت و هماهنگی است و روح تو جرقه‌ای از نور الهی است.

۵۳. مبارزه روح با جسم، نبرد قدرت‌ها برای اثبات برتری و عظمت روح است؛ گاهی وسوسه جسم بسیار قوی است و انسان فکر می‌کند نیرویی ماورایی آن را به تباهی می‌کشاند.

۵۴. مسئولیت روح در برابر خدا بسیار بزرگ است و جسم این مسئولیت را ندارد؛ باید شایستگی کسب کنی تا روحت در مکان‌های عالی‌تر ساکن شود.

۵۵. دنیا تاج‌هایی به شما می‌دهد که نشانه غرور و تکبرند، اما تاج حکمت واقعی برای روحی است که بر این غرورها غلبه کند.

۵۶. زندگی واقعی باید بیشتر در روح تو جلوه کند تا در جسم؛ بسیاری هستند که فقط جسمی می‌زیسته‌اند، نه معنوی.

۵۷. اگر مردم می‌توانستند روشن‌بینی را حفظ کنند، می‌توانستند گذشته، حال و آینده خود را ببینند.

۵۸. روح مانند کتاب حکمت خداست که بارها اسراری عمیق را آشکار می‌کند.

۵۹. جرقه نور در هر انسان، پیوند او با معنویت و زندگی پس از مرگ است.

۶۰. کاش جسم تو می‌توانست دریافت‌های روح را جذب کند؛ جسم نمی‌تواند روح را درک کند.

۶۱. تا اهمیت روح را نپذیری و از آن هدایت نگیر، ارزش واقعی نمی‌یابی.

۶۲. روح انسان را به حیاتی فراتر از ماده می‌برد و باعث فهم عشق و معنای زندگی می‌شود.

۶۳. کسی که این آموزه‌ها را فهمید، نمی‌تواند آن را رد کند.

۶۴. وقتی ریشه ارزش خود را در روح بدانی، در هماهنگی با همه آفریده‌ها زندگی می‌کنی.

۶۵. روح زندگی فقیرانه انسان را زیبا می‌کند، اما اول باید از شهوات دست برداری و راه نیکی را برگزینی تا زندگی واقعی آغاز شود.

«««معبد خدا در انسان»»»

۶۶. تصور بشریت از من کودکانه است زیرا الهاماتی که به آنان داده‌ام را درک نکرده‌اند؛ برای کسانی که آماده‌اند من همه‌جا حاضر و محسوس هستم، اما برای مادی‌گراها درک من سخت و دور است.

۶۷. انسان باید بداند که مرا در درون خود، در روح و پرتو روح خود دارد.

۶۸. رنج‌های امروز انسان‌ها آن‌ها را به دروازه‌های محراب درونی می‌رساند، جایی که صدای مهربان خدا در روح آنان می‌گوید: «من اینجا هستم.»

۶۹. تو در من متولد شده‌ای و حیات معنوی و مادی را از پدر گرفته‌ای؛ مرا نیز در خود پرورش می‌دهی.

۷۰. من در روح تو زاده می‌شوم، در تکامل تو رشد می‌کنم و در کارهای عاشقانه‌ات ظاهر می‌شوم تا با شادی بگویی: «خداوند با من است.»

۷۱. هنوز کودک هستی و نمی‌توانی همه دستورهایم را درک کنی، اما با قلب و افکار خود با خدا صحبت کن؛ او با صدایی روشن و عاشقانه پاسخ می‌دهد که آرام آرام درک خواهی کرد.

۷۲. در عصر سوم کلیسای روح القدس را در قلب شاگردانم بنا خواهم کرد؛ خدا در شما زندگی می‌کند و برای حس کردنش باید از درون آماده شوی.

۷۳. هر که نیکی کند حضور مرا در درون خود احساس می‌کند، مانند کسی که فروتن است و برادری را در دیگران می‌بیند.

۷۴. در درون روح شما معبد روح القدس وجود دارد، قلمرویی فناناپذیر که هیچ طوفان و بحرانی نمی‌تواند آن را نابود کند. این معبد برای چشم و دست انسان نامرئی است؛ ستون‌های آن میل به نیکی است، گنبد آن فیضی است که پدر به فرزندانش عطا می‌کند و دروازه آن عشق مادر الهی است، چرا که هر که در آن را بفشارد، قلب مادر آسمانی را لمس خواهد کرد.

۷۵. این حقیقت در کلیسای روح القدس ساکن است تا شما را از گمراهی تفاسیر نادرست حفظ کند. کلیساهای سنگی تنها نماد بودند و دیگر هیچ بنای سنگی پابرجا نخواهد بود.

۷۶. می‌خواهم شعله ایمان همیشه در قلب درونی‌تان روشن بماند و بدانید که کارهایتان پایه‌های محرابی است که روزی بر آن ساخته خواهد شد. من همه مردم با ایده‌های متفاوتشان آزمایش می‌کنم و اجازه می‌دهم همه در ساخت معبد من سهیم باشند.

فصل۳۳-مرد و زن ،والدین و فرزندان،ازدواج و خانواده

«««رابطه زن و مرد»»»

۱. حتی پیش از تولد تو، من مسیر زندگی و تمایلاتت را می‌دانستم و برای یاری تو، قلبی که با عشق راهنمایت باشد در مسیرت قرار دادم، قلبی از یک مرد و یک زن؛ عصایی از ایمان، اخلاق و رحمت برای نیازمندان.

۲. آرزو داشتم شادی پدر بودن را با تو شریک شوم، پس تو را والد انسان‌ها قرار دادم تا موجوداتی چون خود بسازی و روح‌هایی را که می‌فرستم در آن‌ها تجسم یابند. عشق مادرانه نیز در الوهیت هست، پس وجود زن لازم بود تا این عشق تجسم یابد.

۳. انسان ابتدا به دو بخش تقسیم شد: مرد با قدرت، هوش و وقار؛ و زن با لطافت، زیبایی و ظرافت. یکی بذر و دیگری زمین حاصلخیز است. در اتحاد این دو، کمال، تمامیت و خوشبختی شکل می‌گیرد؛ یک جسم، اراده و آرمان واحد شکل می‌گیرد.

۴. این اتحاد الهام گرفته از روح و عشق، ازدواج نامیده می‌شود.

۵. اما امروزه می‌بینم که مردان و زنان از راه خود دور شده‌اند.

۶. مردانی را می‌بینم که به وظایفشان عمل نمی‌کنند و زنانی که از مادری سر باز می‌زنند یا به قلمرو مردان تجاوز می‌کنند، در حالی که از ابتدا گفته شده بود مرد رئیس زن است.

۷. زن نباید احساس حقارت کند، چرا که او دل مرد است.

۸. به همین دلیل ازدواج را بنیان نهادم و تقدیس کردم؛ در اتحاد دو موجودی که از نظر روحی برابر و جسمی متفاوت‌اند، کمال نهفته است.

۹. چه کمند کسانی که با عشق قوانین الهی را اجرا می‌کنند تا در بهشت آرامش و هماهنگی زندگی کنند.

۱۰. مردم مسیر طولانی را پیموده‌اند اما هنوز به خوردن میوه ممنوعه گرایش دارند؛ میوه‌ای که وقتی درست مصرف نشود رنج و ناامیدی می‌آورد؛ میوه‌ای که خدا آفریده، اما در مصرفش باید حساب شده بود.

۱۱. مرد و زن بدون آماده شدن، میوه زندگی را می‌خورند و وقتی موجودات جدیدی به وجود می‌آورند، مسئولیت خود را در برابر خالق نمی‌شناسند.
۱۲. برخی می‌پرسند آیا عشق انسانی نزد من نارواست و فقط عشق معنوی پذیرفته است؟
۱۳. نه، من قلبی در بدن انسان گذاشتم تا عشق بورزد و احساس داشته باشد و بتواند هر آنچه را احاطه کرده دوست بدارد.
۱۴. عشقی که ریشه تنها در مادیات داشته باشد، خاص موجودات بی‌وجدان است، اما پیوندهای خوب ثمره‌های نیک دارند و روح‌های نورانی در آن‌ها تجسم می‌یابند.
۱۵. من قربانی‌های فوق بشری نمی‌خواهم؛ نه از مرد خواستم که انسان بودن را کنار بگذارد و نه از زن این انتظار را داشتم، و زوج‌ها را از هم جدا نکرده‌ام.
۱۶. وقتی آنها را کارگران تاکستان کردم، گفتم که نباید از انسان بودن دست بردارند و باید به خدا و جهان آنچه را شایسته است بدهند.

«««ماهیت و وظیفه مرد»»»

۱۷. به مردان ارث، دارایی و همسر سپرده‌ام تا عاشقانه مراقب آن باشند، اما همسر نزد من آمد و از درک کم مردان شکایت کرد.
۱۸. گفته‌ام مردان قوی هستند و به صورت من آفریده شده‌اند، اما نباید زنان را به بردگی بگیرند.
۱۹. تو را قوی ساخته‌ام تا نماینده من در خانه باشی، در فضیلت و استعداد، و همسری به عنوان همراه در زندگی داده‌ام تا در عشق متقابل قدرت یابی و با آزمون‌ها روبرو شوی.

۲۰. ای مردان، به یاد داشته باشید که بسیاری از شما با جستجوی ضعف‌ها و حساسیت‌های زنان پاکدامن، آنها را در دام انداختید؛ حال باید آینه‌هایی که روزی شفاف بودند و اکنون کدر شده‌اند را دوباره بسازید تا پاکی و زیبایی روح‌شان را منعکس کنند.
۲۱. چرا از کسانی که روزی به زندگی فاسد سوقشان دادید امروز بیزارید و از انحطاط زنان می‌ترسید؟ اگر آنها را در مسیر قانون من، که قانون قلب، احترام و نیکوکاری است، هدایت می‌کردید و با عشق تعالی‌بخش دوست می‌داشتید، نه با شهوت پست، هرگز دلیلی برای اندوه نبود و سقوطی نیز رخ نمی‌داد.
۲۲. مردان در زنان انتظار فضایل و زیبایی دارند، پس چرا طلبی نامناسب و نابه‌جا داشته باشند؟
۲۳. باور دارم هنوز شایستگی‌های بزرگی داری، گرچه اندک‌اند؛ با کردار، گفتار و پندارت آنچه را نابود کرده‌ای بازسازی کن و شرافت، اخلاق و فضیلت را به ارزش واقعی‌شان برسان.
۲۴. اگر در این راه تلاش کنید، به عیسی در کار نجات کمک می‌کنید و دلتان سرشار از شادی می‌شود. وقتی خانه‌هایتان توسط همسران نیک و مادران پرهیزکار محترم شمرده شود، سعادت واقعی را تجربه خواهید کرد.
۲۵. رستگاری برای همه است؛ چرا بدکاران بزرگ نباید نجات یابند؟ پس به مردان می‌گویم: همکاری کنید تا کسانی را که گمراه کرده‌اید نجات دهید، به آنها امید دهید و پیام‌های مرا حتی در زندان‌ها و بیمارستان‌ها و منجلاب‌ها به آنها برسانید. آنجا با پشیمانی خواهند گریست چون قدرت مقاومت نداشتند.
۲۶. هر زن روزی کودک و باکره بوده، پس با همدلی به قلبش راه پیدا کنید.
۲۷. من از مردانی که فضایل را پاک نگه داشته‌اند استفاده خواهم کرد و این مسئولیت را به آنان می‌سپارم. یادتان باشد: «با اعمالتان شناخته خواهید شد.» بگذارید روح از طریق وجود زمینی شما صحبت کند.
۲۸. به کسانی که به افسون‌هایی که در درونشان نهاده‌ام توجه نکردند می‌گویم: چرا ادعای عشق دارید در حالی که عشق نیست؟ چرا دیگران را به سقوط می‌کشید؟ فکر کن اگر کاری که با گل‌های چیده شده انجام می‌دهی با مادرت، خواهرت یا همسرت می‌کردی، قلبت چه احساسی داشت؟ آیا تا کنون به زخم‌هایی که به والدین آن‌ها وارد کردی، اندیشیده‌ای؟

۲۹. با وجدان روشن درون خود بنگر و بپرس آیا می‌توانی چیزی را که نکاشته‌ای، برداشت کنی؟
۳۰. اگر به نزدیکانت همواره آسیب می‌رسانی، برای زندگی آینده‌ات چه آماده کردی؟ چند نفر قربانی تو خواهند بود؟ پایان داستانت چه خواهد بود؟ به راستی، تو در گرداب احساساتت قربانیان بسیاری داده‌ای، برخی از زمان حال و برخی از گذشته هستند.
۳۱. می‌خواهم قلب و دهانی که پناهگاه خیانت و دروغ بوده‌اند، به پناهگاهی برای حقیقت و عشق پاک بدل شوند.
۳۲. با کلام و الگوی خود راه همسایگانت را روشن کن تا نجات‌دهنده زنان گمراه شوی. کاش هر کدام از شما حداقل یک نفر را رستگار می‌کردید!
۳۳. از زنان بد نگو، زیرا حرف زرآلودی که کسی را جریحه‌دار می‌کند، همه شنوندگان را نیز آزار می‌دهد و باعث می‌شود آنها داوران بدخواه شوند.
۳۴. به اعمال و اسرار دیگران احترام بگذار که قضاوت با تو نیست. من گناهکاران صادق را به ریاکاران ترجیح می‌دهم؛ کسی که صادق است بهتر از کسی است که ادا تقوا در می‌آورد. اگر می‌خواهی خود را بیارایی، لباس صداقت بپوش.
۳۵. اگر زنی پاکدامن و والا را دوست داشتی اما خود را لایق او نمی‌دانستی، و سپس او را تحقیر کردی و پس از رنج و آگاهی از نقص‌های خود، به دنبال تسلی او آمدی، بیهوده در خانه‌اش را می‌کوبی.
۳۶. اگر هر زنی که در زندگی مردی بوده، عشق، احترام و درک او را دریافته بود، جهان ما چنین پر از گناه نبود.

««««زن،همسر و مادر»»»»

۳۷. ای زنان، شما با دعاهایتان صلح کوچک روی زمین را حفظ می‌کنید، با وفاداری به خانه و اطمینان از گرمای عشق در آن؛ به این گونه با مریم، مادرتان، متحد می‌شوید تا غرور انسانی را بشکنید.

۳۸. زنانی که با اشک‌هایتان راه این دنیا را رنگین کرده و سفر زندگی‌تان را با خون رقم زده‌اید، در من آرام بگیرید تا نیروی تازه بگیرید و همچنان پناهگاه عشق، آتش اجاق و ستون محکم خانه‌ای باشید که در زمین به شما سپرده‌ام. باشد که همچون چکاوک بال‌هایش را برای شوهر و فرزندانش بگستراند. من شما را برکت می‌دهم.
۳۹. من جایگاه مرد و زن را در دست راست مرد برتر می‌سازم و ازدواج را تقدیس می‌کنم و خانواده را متبرک می‌سازم.
۴۰. اکنون با شمشیر عشق آمده‌ام تا همه چیز را درست کنم، چرا که پیش‌تر توسط انسان به هم خورده بود.
۴۱. تجدید حیات بشر باید از زن آغاز شود تا فرزندان آینده از عیب‌هایی که به انحطاط ما انجامیده پاک بمانند.
۴۲. سپس مرد مسئول خواهد بود که سهم خود را در بازسازی ایفا کند؛ چون هرکه زنی را آلوده کرده باید او را بازگرداند.
۴۳. امروز الهام داده‌ام که زنی را که در مسیرش زمین خورده نجات دهی؛ و هنگامی که آن زن را به من تقدیم کنی، به او گل، برکت و آرامشی بزرگ خواهم داد تا دیگر سقوط نکند.
۴۴. اگر این گونه عمل کنید، آنانی که از دنیا آسیب دیده‌اند عشق عیسی را در قلبشان احساس خواهند کرد.
۴۵. وقتی در دعا به من می‌گویند: «پدر من، به گناهم نگاه نکن، فقط درد و رنج مرا ببین» تسلی من بر دل رنج‌کشیده نازل می‌شود و اشک را پاک می‌کند. دعای گناهکار صادق، قوی‌تر از دعای مغروری است که خود را عادل و پاک می‌داند.
۴۶. مردم از عشقی که با آن به تو زندگی بخشیدم، نشانه‌های کمی نشان می‌دهند. عشق مادرانه بیشترین شباهت را به عشق الهی دارد، زیرا از خودگذشتگی، انکار نفس و تلاش برای شادی کودک را به همراه دارد، حتی اگر فداکاری باشد.
۴۷. استاد به زنان نازا می‌گوید: شما آرزو و دعا داشتید که بدنتان چشمه حیات شود و صدای تپش قلب مهربانی را بشنوید، اما روزها و شب‌ها گذشت و تنها هق‌هق از سینه‌تان بیرون آمد، چون کودکی در خانه‌تان طنین نیانداخت.

۴۸. چند نفر از شما مرا دیده‌اید و شنیده‌اید؛ ای کسانی که دانش‌تان هرگونه امید را از شما ربوده است، باید بارور شوید و ایمان به قدرت من بیاورید. بسیاری از طریق این معجزه مرا خواهند شناخت. هوشیار و صبور باشید و سخنان مرا فراموش نکنید!
««««تربیت کودکان و نوجوانان»»»»

۴۹. پدران، از اشتباهات و الگوهای نادرست دوری کنید. من از شما کمال نمی‌خواهم، فقط عشق و مراقبت برای فرزندانتان می‌خواهم. خود را ذهنی و جسمی آماده سازید، زیرا در زندگی پس از مرگ، ارتش بزرگی از ارواح هم اکنون منتظرند تا در بین شما انسان شوند.
۵۰. من خواهان انسانیت نوینی هستم که افزون بر تعداد، در فضیلت نیز رشد کند تا مردم شهر موعود را نزدیک‌تر ببینند و فرزندانشان به زندگی در اورشلیم جدید برسند.
۵۱. می‌خواهم زمین پر باشد از انسان‌های نیک‌نیت، کسانی که ثمره‌ی عشق‌اند.
۵۲. سدوم و عموره این دوران را نابود کن؛ نگذار قلبت به گناهانشان عادت کند و از ساکنانشان پیروی نکن.
۵۳. فرزندانتان را با پشتکار راهنمایی کنید و به آنها بیاموزید که قوانین روح و ماده را رعایت کنند؛ در صورت تخلف، آنها را اصلاح نمایید، چرا که شما به عنوان والدین نماینده من در زمین هستید. به یاد آورید که عیسی با خشمی مقدس و دفاع از قوانین الهی، به بازرگانان اورشلیم درسی ابدی داد.
۵۴. اکنون شما دیگر کودکان خردسال نیستید و می‌توانید معنای آموزه‌های مرا بفهمید. بدانید که روح شما همزمان با بدن نیامده و منشأ متفاوتی دارد. کودکانی که در آغوش دارید، معصومند اما روحشان گذشته‌ای دارد، گاه حتی طولانی‌تر و تاریک‌تر از والدینشان. مسئولیت بزرگی است که قلب آن‌ها را پرورش داده و راه تکامل روحشان را هموار کنید.
۵۵. پس به فرزندانتان با عشق کم نگاه نکنید، چرا که نمی‌دانید آنها کیستند و چه کرده‌اند؛ محبت و عشق خود را نسبت بهشان افزون کنید و از پدرتان سپاسگزار باشید که رحمتش را در شما قرار داده تا رهبر و مشاور برادران و خواهران معنوی باشید؛ کسانی که به طور موقت والدین جسمی آنها هستید.
۵۶. به پدران می‌گویم همانطور که نگران آینده مادی فرزندانشان‌اند، باید نگران آینده معنوی آنان نیز باشند، به خاطر رسالت بزرگی که در این زمینه دارند.

۵۷. بدانید که وقتی روح در دنیای مادی تجسم می‌یابد، تمام توانایی‌هایش را با خود به همراه دارد و سرنوشتش تا حد زیادی از پیش نوشته شده است؛ بنابراین نیازی ندارد که در این دنیا چیزی تازه کسب کند. او پیام یا وظیفه‌ای به همراه دارد که برخی اوقات بذر خوبی می‌کارد و گاهی بدهی‌های گذشته‌اش را می‌پردازد. اما همیشه در این زندگی درسی از عشق از سوی پدر آسمانی‌اش دریافت می‌کند.
۵۸. ای کسانی که فرزندان خود را در این جهان هدایت می‌کنید، مطمئن باشید که وقتی دوره معصومیت کودکانه به پایان رسید، آنها را به پیروی از شریعت من راهنمایی کنید. احساساتشان را بیدار کنید، توانایی‌هایشان را شکوفا نمایید و همواره به سوی نیکی تشویقشان کنید. و به راستی می‌گویم، هر که را به این طریق نزد من بیاورید، در نوری آتشین از عشق الهی من غرق خواهد شد.
۵۹. از نظر معنوی، شما قدم‌های بزرگی برداشته‌اید و اکنون از شهود و پیشرفت نسل‌های جدید که از حساس‌ترین دوران کودکی خود عبور می‌کنند شگفت‌زده خواهید شد. زیرا آنان روح‌هایی هستند که تجربیات بسیار داشته‌اند و اکنون بازگشته‌اند تا بشریت را پیش ببرند—برخی در مسیر روح و برخی در مسیر دنیا، بنا بر توانایی‌ها و مأموریت خود. اما در همه این‌ها، مردم به آرامش درونی دست خواهند یافت. این موجوداتی که از آنها سخن می‌گویم، فرزندان شما خواهند بود.
۶۰. آیا تصور می‌کنید کودکی که با الگوی بد پدری شرور یا بدذات روبرو می‌شود، اگر از روش‌های او پیروی نکند، خطا کرده است؟ یا فکر می‌کنید کودک موظف است راه والدینش را دنبال کند؟
۶۱. به راستی می‌گویم، وجدان و عقل باید شما را به سوی راه راست هدایت کنند.
۶۲. معصومیت مقدس در این دنیا به فساد آلوده شده است؛ جوانان به سرعت در مسیر فساد می‌شتابند و حتی پاکدامنی و حیا نیز در میان‌شان از بین رفته است. این فضایل از قلب‌هایشان محو شده و آنها هوس‌های دنیوی را پرورش داده‌اند و تنها دنبال لذت‌هایی هستند که به تباهی منجر می‌شود.
۶۳. من با شما با صراحت کامل سخن می‌گویم تا بتوانید قدمی محکم در مسیر رشد روح بردارید.
۶۴. در میان جوانان عشق به همنوع را بیدار کنید و آرمان‌های بزرگ و والا به آن‌ها بدهید، زیرا این جوانان فردا خواهند بود که برای رسیدن به هستی‌ای می‌جنگند که عدالت، عشق و آزادی روحانی در آن درمی‌درخشد. خود را برای نبرد بزرگی آماده کنید، چرا که نبوت‌های گویا هنوز نیامده‌اند.

«««سخنی با کودکان و زنان جوان»»»

۶۵. روح همه شما فرزندانی از پدری الهی دارید و والدین زمینی برای دادن زندگی به بدنتان و نمایندگی از پدر آسمانی‌اند. خداوند را بیش از هر چیزی دوست بدارید و پدر و مادر را گرامی دارید. اگر هنوز والدین‌تان در زندگی‌اند، با سپاسگزاری و برکت دادن قدرشان را بدانید.

۶۶. مخصوصاً دخترانی که قرار است خانه جدید را با حضورشان روشن کنند، بدانند قلب همسر و مادر چراغ‌هایی است که آن خانه را روشن نگه می‌دارد، همچنان که روح معبد درونی را روشن می‌کند.

۶۷. خود را آماده کنید تا زندگی نوین شما را غافلگیر نکند و برای راهی که فرزندانتان در آن گام می‌نهند آماده باشید؛ روح‌هایی که منتظر تولد در بدن شما هستند تا مأموریتشان را انجام دهند.

۶۸. در مسیر خداوند، فعال و همکار باشید برای مرمت، نوسازی و عدالت.

۶۹. از وسوسه‌های فراوان این دوران دوری کنید و برای شهرهای گناهکار دعا کنید؛ جایی که زنان زیادی هلاک می‌شوند، مکان‌های مقدس بی‌احترامی می‌شوند و چراغ‌های روشنی خاموش می‌شوند.

۷۰. با رفتار خود بذرهای زندگی، حقیقت و نور بپاشید تا پیامدهای فقدان معنویت کاهش یابد.

۷۱. باکرگان قوم، بیدار شوید و خود را برای نبرد آماده کنید؛ هوس‌ها و فریب‌های دنیوی را کنار بگذارید و استعدادهای روحانی‌تان را تقویت کنید تا قوی و مسلح به بهترین سلاح‌ها باشید.

۷۲. عشق را ابتدا در خود تجربه کنید تا بتوانید به فرزندانتان جوهر زندگی، یعنی عشق واقعی را منتقل کنید. آموزش‌ها هدف‌شان ایجاد این عشق در دل‌هاست.

«««ازدواج و خانواده»»»

۷۳. قانون ازدواج نوری بود که به پدران نشان داد پیوند زن و مرد پیمانی با خالق است، و ثمره‌اش فرزندی که خون والدین در او جاری است و نشانه پیوند ناگسستنی خداوند است.

۷۴. شادی که پدر و مادر هنگام تولد فرزند احساس می‌کنند، همان شادی‌ای است که خالق هنگام بخشیدن زندگی به فرزندانش داشت. قوانینی که از طریق موسی دادم برای هدایت انتخاب همسر و منع زنا بود، چون مردم به دلیل اراده آزاد به شهوت و گناه کشیده شده بودند.

۷۵. سپس در زمان عیسی آمدم و با تعالیم عشق، ازدواج و فضیلت انسانی را ارتقا دادم. با تمثیل‌ها سخن گفتم تا آموزش‌هایم ماندگار شود و ازدواج را مقدس دانستم.

۷۶. امروز که دوباره در میان شما هستم، می‌پرسم: چه از ازدواج ساخته‌اید؟ تعداد کمی پاسخ رضایت‌بخش دارند؛ این نهاد مقدس آلوده شده و از آن مرگ و درد برمی‌خیزد. میوه شیرین باید تلخ شده و جام پر از تلخی است.

۷۷. شما از قوانین من منحرف شده‌اید و وقتی لغزش می‌کنید، از علت رنج‌ها می‌پرسید؛ چون خواسته‌های نفسانی وجدان را خاموش کرده‌اند. پس چرا با وجود تمام نعمت‌ها، آرامش ندارید؟

۷۸. ردایی آبی بر آسمان کشیده‌ام تا شما «لانه‌های عشق» خود را در زیر آن بسازید، جایی ساده و پاک، دور از وسوسه‌های دنیا، جایی که آرامش پادشاهی و اسرار آن را حس کنید.

۷۹. هر کسی که با من در پیشگاه الهی پیمان ازدواج ببندد، حتی بدون تأیید روحانی، این پیمان در کتاب خدا ثبت می‌شود.

۸۰. کیست که بتواند این دو نام درهم تنیده را پاک کند؟ کیست که بتواند آنچه در شریعت من به هم پیوسته را جدا کند؟

۸۱. اگر ازدواج را جدا کنم، کار خودم را نابود کرده‌ام. اگر به من دستور دادید که در زمین متحد باشید و آن را عطا کردم، چرا به عهدهایتان وفا نمی‌کنید؟ آیا این تمسخر نام و شریعت من نیست؟

۸۲. به قلب زن، مادر و همسری که نمی‌دانست چگونه پاکی را حفظ کند و محبت واقعی به خانواده‌اش بدهد، سخن گفتم.

۸۳. اگر مردان و زنان خطاهای جدی خود را اصلاح نکنند، نمی‌توانند زندگی معنوی‌شان را بهبود بخشند.

۸۴. شاگردان من باید از طریق پاکی و صداقت رفتارشان، ایمان و تعالیم مرا نشان دهند.

۸۵. اگر فرزندی دارید، به آن‌ها رحم کنید و با دیدن روحشان بفهمید که سزاوار والدین بودن نیستید اگر سرمشق بد باشید یا در حضورشان صدایتان را بلند کنید.

۸۶. می‌دانم که امروزه مشکلات ازدواج بیشتر شده و اغلب راه‌حلشان طلاق است.

۸۷. اگر انسان حکمت معنوی را داشت، خطاهای بزرگ نمی‌کرد زیرا با دعا و معنویت توان حل مشکلات را می‌یافت.

۸۸. نور من به همه قلب‌ها، حتی غمگین و افسرده‌ها، شجاعت و امید تازه می‌بخشد.

۸۹. در بازدید دوم، خانه‌های بسیاری از زوج‌های متأهل را دیدم که علی‌رغم ازدواج مطابق شریعت، پر از نزاع، دشمنی و نابودی عشق بودند.

۹۰. همچنین خانه‌هایی را دیدم که بدون تأیید قانونی همدیگر را دوست داشتند و با احترام از فرزندشان مراقبت می‌کردند.

۹۱. بسیاری زیر یک سقف زندگی می‌کنند ولی همدیگر را دوست ندارند و از نظر روحی جدا هستند. از ترس عذاب یا جامعه به هم نمی‌گویند، اما این ازدواج نیست؛ در این رابطه نه صداقت هست و نه محبت.

۹۲. بسیاری حس کاذب از همبستگی نشان می‌دهند، به دیدار خانواده و کلیسا می‌روند و دنیا کم‌تر به فقدان عشق واقعی‌شان پی می‌برد. در عین حال، عاشقان واقعی اغلب مجبورند وحدت‌شان را پنهان کنند و بی‌عدالتی و عدم درک را تحمل کنند.

۹۳. بشریت هنوز به مرحله‌ای نرسیده که زندگی دیگران را درست ببیند و عدالت واقعی را برای ناسازگاری‌ها و خطاها اعمال کند.

۹۴. اما زمانی خواهد آمد که بشریت به کمال برسد و همانند دوران پدران پیش از موسی، اتحاد عاشقان به شکلی معنوی و در حضور وَالدین و دوستان جشن گرفته شود؛ در بزرگ‌ترین معنویت، برادری و شادی.

فصل۳۴-اراده آزاد و وجدان
««««اهمیت وجدان و اختیار»»»»

۱. انسان‌ها با اراده آزاد، وجدان و فضایل متولد می‌شوند. اما هوس‌ها و تمایلات شیطانی همراه با رشد جسمی رشد می‌کنند و در تضاد با فضایل‌اند.

۲. خداوند این مبارزه را می‌پذیرد چون بدون آن شایستگی معنوی حاصل نمی‌شود. آسایش و ثروت مانع پیشرفت روحی است.

۳. مبارزه واقعی، تلاش برای غلبه بر ضعف‌ها و هوس‌هاست. این مبارزه به انسان کمک می‌کند خودخواهی را کنار بگذارد و روح را به جایگاه واقعی‌اش برساند.

۴. این را مبارزه درونی می‌نامم؛ نه مسیر جاه‌طلبی و شرارت کورکورانه.

۵. روح برای رشد تلاش می‌کند اما جسم اغلب تسلیم وسوسه‌ها می‌شود. هماهنگی روح و جسم در پیروی از حق ممکن است.

۶. زندگی طبق قانون من از طریق گوش دادن به وجدان و قضاوت درست ممکن است. راه سعادت واقعی است و من مسیر آن را نشان می‌دهم.

۷. شما آزادی انتخاب دارید، اما من به عنوان پدر، راه حق و کوتاه‌ترین مسیر را با چراغ الهی یعنی عشق‌ام به شما نشان می‌دهم.

۸. وجدان در درون شماست تا راهنمای‌تان باشد. وجدان خوب را از بد تشخیص می‌دهد و مانع فریب می‌شود. کسی که به امور روحانی باور دارد نمی‌تواند همسایه‌اش را فریب دهد.

۹. انسان بر زمین همانند شاهزاده‌ای است که به او عشق و عدالت من عنوان و مسئولیت حکومت داده شده است.

۱۰. بالاتر از اراده آزاد، فانوسی به نام وجدان برای روشن کردن مسیر زندگی به او دادم.

۱۱. آزادی عمل و نور وجدان بزرگ‌ترین هدیه‌های عشق پدرانه من به روح شماست؛ این هدایا چه پیش از تولد و چه پس از مرگ همراه روح‌اند و جدا نمی‌شوند.

۱۲. روح با اراده آزاد می‌تواند شایستگی برای رستگاری کسب کند.

۱۳. وجدان راهنما و مشاور روح برای تشخیص درست از نادرست است تا گمراه نشود.

۱۴. وجدان جرقه‌ای الهی و قدرتی است که انسان را از گناه باز می‌دارد؛ اگر فقط زور بود، دیگر معنایی نداشت.

۱۵. شایستگی در گوش دادن به صدای وجدان و پیروی صادقانه از آن نهفته است.

۱۶. شنیدن واضح وجدان نیاز به تمرین و تمرکز روی خود دارد. خودتان بیاندیشید که این را چقدر انجام می‌دهید.

۱۷. وجدان همیشه بوده اما انسان هنوز آنقدر رشد نکرده که زندگی‌اش را کاملاً بر اساس آن هدایت کند و نیازمند قوانین و آموزه‌هاست.

۱۸. وقتی انسان با روح خود ارتباط برقرار کند و معنویت را در درون جستجو کند، صدای خردمندانه و درست وجدان را می‌شنود که حضور خدا در آن است؛ این واسطه اصلی ارتباط انسان با خالق است.

۱۹. همه شما نور من را در درون خود دارید؛ هر روحی از این فیض برخوردار است. در بعضی این نور قوی‌تر و آشکارتر است و در بعضی دیگر پنهان و ناخودآگاه. اما هر فرد حتی کم‌ترین رشد معنوی، قادر به تشخیص خوبی و بدی است و در قبال اعمالش مسئول است.
۲۰. مسئولیت شما همزمان با افزایش دانش و آگاهی شما نسبت به فرمان‌های وجدان بیشتر می‌شود.
۲۱. تو ممتازترین موجودی چون موهبت ذهن و وجدان داری. من اراده آزاد به تو داده‌ام تا راه راست که به من می‌رسد را انتخاب کنی. این راهی پرزرق و برق نیست بلکه راه دعا، توبه و مبارزه است که وجدان تو را هدایت می‌کند.
۲۲. اگر ذهن از اراده آزاد محروم شود، دیگر ذهن نیست و شایسته خدا نخواهد بود؛ مانند ماشینی بدون زندگی، عقل و اراده.
۲۳. من به بشر اراده آزاد داده‌ام و همزمان قانونی برای جلوگیری از لغزش به نام وجدان درونشان روشن کرده‌ام که چراغ راهنمای روح است و به زندگی ابدی می‌برد.
۲۴. گناه، شر و جنگ‌ها به این دلیل است که انسان به ندای وجدان گوش نمی‌دهد و از اراده آزاد خودش بد استفاده می‌کند.
۲۵. جهان صدای من را نمی‌شنود چون صدای بدن محدود است، اما صدای روح که خرد من است با مردم سخن می‌گوید و بسیاری که اسیر خودخواهی و تمایلات دنیوی‌اند ناشنوا هستند.

«««سواستفاده از اراده آزاد»»»

۲۶. امروز با بشریتی مواجه‌ام که به خاطر سوءاستفاده از اراده آزاد از نظر معنوی ضعیف شده است و باعث آزار و تخریب شده‌اند؛ در حالی که راه عدالت، عشق و رحمت را پیشنهاد کرده‌ام.

۲۷. در بازگشت من، کلامم مسیری را نشان می‌دهد که ممکن است نخواهید طی کنید، اما حرفم باعث گیجی یا بی‌تفاوتی شما نخواهد شد.

۲۸. امروز مردم یکدیگر را نابود می‌کنند، از قدرت سوءاستفاده کرده و میلیون‌ها قربانی می‌شوند؛ این نتیجه بی‌توجهی به شعله درونی وجدان و سوءاستفاده از اراده آزاد است.

۲۹. اراده آزاد بالاترین هدیه‌ای است که در سفر زندگی به انسان داده شده است و پشتکار در نیکی و پیروی از وجدان، راه بازگشت به آغوش پدر است. اما وقتی اراده آزاد به هرزگی بدل شود و وجدان ندیده گرفته شود، معنویت جای خود را به مادی‌گرایی می‌دهد.

۳۰. در این زمان سردرگمی، تعالیم من ممکن است پوچ به نظر برسد، اما این دستورالعمل‌ها برای رهایی شما از رخوت و انحراف است.

۳۱. کلام من راه و قانون الهی است که روح را تعالی می‌بخشد؛ اما وقتی جسم بر روح غلبه کند و به ندای درونی گوش ندهد، روح تاریک می‌شود.

۳۲. وای بر روحی که تسلیم هوس‌های جسم و تأثیرات دنیوی می‌شود و جایگاه رهبری خود را از دست می‌دهد و بی‌هدف در هوس‌ها سرگردان می‌شود.

۳۳. کسی که آزادی را بیش از همه می‌خواهد، از تسلیم به اراده الهی می‌ترسد چون می‌داند روحش ممکن است او را تغییر دهد؛ او خود را محروم می‌کند و راه واقعی زندگی را رها می‌کند.

۳۴. زمانی که مردم از اراده آزاد برای لذت‌های زودگذر، هوس‌های پست، دشمنی و انتقام استفاده کردند، آن دوران به پایان می‌رسد. عدالت من راه‌های گناه را می‌بندد و راه آشتی و تجدید حیات را می‌گشاید تا مردم راه صلح حقیقی را بیابند.

۳۵. من به تو اراده آزاد دادم و نور الهی روح را در درونت نهادم تا با هدایت آن مسیر صحیح را انتخاب کنی. اما در مبارزه بین روح و جسم، روح غالباً شکست خورده و از منبع حقیقت دور شده است.

۳۶. شکست روح دائمی نیست بلکه موقتی است؛ وقتی دیگر دیگر تاب تحمل رنج‌ها را نداشته باشد، از تاریکی‌ها برمی‌خیزد. دردِ رستگاری اوست و با شنیدن صدای روح، دوباره قوی و الهام گرفته خواهد شد. آن‌گاه قدرت‌هایش را وقف تحقق قوانین الهی خواهد کرد که بهترین عبادت برای روح من است.
«««پایبندی لازم به انگیزه های وجدان»»»

۳۷. میلیون‌ها انسانی که فقط به دنیا و نیازهای زودگذر می‌اندیشند، از واقعیت دورند. تنها با تأمل، دعا و گوش دادن به وجدان می‌توانند چشمانشان را به روی حقیقت باز کنند.

۳۸. اگر بخواهید بدانید آیا راهتان رو به رشد است یا خیر، به وجدان خود مراجعه کنید. اگر در آن آرامش، عشق به همسایه و حسن نیت نسبت به دیگران باشد، بدان که نور شما می‌درخشد و کلامرتان تسلی‌بخش است.

۳۹. اما اگر حرص، طمع، بدخواهی، مادی‌گرایی و شهوت در قلب‌تان ریشه دوانده باشد، بدانید که نور در شما تاریک و فریبنده شده است. آیا می‌خواهید وقتی پدرتان شما را می‌بیند چنین باشد؟ آیا خرمن ناپاک را به جای گندم طلایی نادیده می‌گیرید؟

۴۰. شاگرد عزیز، اگر نمی‌خواهی خطا کنی، اعمالت را در پرتو وجدان بررسی کن. اگر چیزی وجدان را کدر می‌کند، خودت را عمیقاً بازبینی کن تا آن نقطه تاریک را یافته و اصلاحش نمایی.
۴۱. در درون تو آینه‌ای است که می‌توانی به خود نگاه کنی و پاکی یا ناپاکی‌ات را ببینی.
۴۲. عارف را باید از اعمالش شناخت؛ اعمالی که بر اساس فرمان وجدان انجام شده باشند. هر که چنین کند، می‌تواند خود را شاگرد من بداند.
۴۳. چه کسی می‌تواند مرا فریب دهد؟ هیچ‌کس. من شما را نه فقط بر اساس اعمال، بلکه بر اساس نیت‌هایتان قضاوت می‌کنم. من در درون وجدان شما هستم و فراتر؛ چگونه می‌توانید باور کنید که نیت و انگیزه‌های شما از دید من پنهان بماند؟
«««مبارزه بین اراده آزاد و وجدان»»»

۴۴. هنگامی که اولین انسان‌ها بر زمین آمدند، خالق عشق، روح و نور خود را در ذهن آنان روشن ساخت و اراده آزاد به ایشان داد.
۴۵. برخی با نیت پاک و مبارزه با وسوسه‌ها در نیکی ثابت قدم ماندند؛ اما دیگران، با تسلیم شدن به هوس‌ها، زنجیره‌ای از گناهان را خلق کردند و در میان مردم گمراهی پراکندند.
۴۶. در کنار این روح‌های سرگردان، پیامبران من آمدند تا بشریت را بیدار کنند، از خطرات آگاه سازند و آمدن من را بشارت دهند.
۴۷. جسم بسیار لجوج و سرکش بود و پیروی از وجدان را آسان نیافت؛ بلکه هوس‌ها و غرایز خویش را برتر دانست.
۴۸. نبردی سخت میان وجدان و نفس بر سر تسلط بر زندگی مادی ادامه داشته است و هنوز هیچیک بر دیگری غلبه نکرده‌اند.
۴۹. پیروزی نهایی از آن وجدان است که با روح در جسم حاصل خواهد شد و دیر نخواهد بود.
۵۰. پس از این همه نبرد بین جسم و روح، روح که نور ابدی من است، باید تسلیم شود و برنده نهایی باشد.

۵۱. پس از این نبرد طولانی، انسان به حس و تسلّمی خواهد رسید که پیش از این هرگز نسبت به آن نیروی معنوی درون خود نداشته است؛ نیرویی که زندگی و ارتعاش می‌بخشد.

۵۲. شما همه بدون آنکه بدانید به سوی این نقطه حرکت می‌کنید و روزی که عدالت و نیکی بر زمین پیروز شود، معنای مبارزه‌ها و آزمایش‌ها را درک خواهید کرد.

۵۳. انسان برتر از همه موجودات است چرا که اراده آزاد و وجدان دارد؛ هرچند اراده آزاد سرچشمه خطاها و گناهان است، اما وجدان بر ضعف جسمی و وسوسه‌ها غلبه خواهد کرد و نور (دانش) بر تاریکی (جهل) پیروز خواهد شد. این پیروزی همان نیکی است که عشق، عدالت و هماهنگی است، در برابر شر که خودخواهی و بی‌عدالتی است.

۵۴. برای من هیچ چیز غیرممکن نیست؛ اراده من همیشه تحقق می‌یابد، گرچه گاهی انسان گمان کند اراده او بر جهان حاکم است.

۵۵. مسیر اراده آزاد انسان و سلطه‌اش بر زمین و پیروزی‌های پرغرورش، در برابر ابدیت کوتاه و زودگذر است؛ و اراده روح من به تدریج خود را آشکار کرده، نیکی را حفظ و ناخالصی‌ها را از بین خواهد برد.

۵۶. روزی خواهد آمد که مرزهای این جهان به واسطه عشق برداشته شده و جهان‌ها از طریق معنویت به هم نزدیک‌تر شوند.

۵۷. تا آن زمان مبارزه میان وجدان و اراده آزاد ادامه دارد و انسان از این دو نیرو استفاده خواهد کرد تا زندگی خود را بسازد.
۵۸. این مبارزه به اوج می‌رسد و روح با تسلیم کامل به پروردگار می‌گوید: «پروردگارا، اراده آزاد خود را رها می‌کنم و فقط اراده تو را در خود به اجرا درمی‌آورم.»
۵۹. کسی که چنین پیش من آید، برکت یافته و به نور من راهنمایی می‌شود. هرچند او را کفن کنند، اما آزادی مبارک مسئولانه‌ای که به او داده شده را هرگز از او نمی‌گیرم؛ زیرا هر که اراده پدر را انجام دهد، شایسته اعتماد و محبت اوست.

««تیز کردن وجدان از طریق کلام جدید خدا»»

۶۰. آموزه‌هایم سرشار از نور و عشق‌اند تا روح را تقویت کنند و قدرتش را بر جسم افزایند، به گونه‌ای که ندای وجدان برایش آشکارتر و قابل شنیدن‌تر شود.

۶۱. معنویت هدفی است که انسان باید برای آن بکوشد، چرا که از طریق آن قادر می‌شود با وجدانش یکی شده و در نهایت خوبی را از شر تمییز دهد.

۶۲. اما به دلیل عدم تعالی معنوی بشر، آن صدای درونی خردمند و عادل به اندازه کافی شنیده نشده و انسان به دانش کافی برای تشخیص واقعی خوب و بد دست نیافته است.

۶۳. او باید در درون خود قدرت لازم را بیابد تا هر انگیزه‌ی خوب را دنبال کند، هر الهام روشنگر را بپذیرد و در عین حال هر وسوسه و فکر ناپاک را رد کند.

۶۴. چقدر آسان‌تر خواهد بود که مردم یکدیگر را درک کنند، وقتی در درون خود آرامش یافته و صدای عقل برتر و قاضی درونی خود را بشنوند؛ گرچه این قاضی اغلب آنچه می‌گوید، برخلاف رفتارهای فعلی آنهاست.

۶۵. بسیاری تنها در تئوری به آموزه‌هایم اعتقاد دارند اما در عمل مطیع نیستند و نادیده می‌گیرند که ذات الهی نه فقط مختص من است؛ بلکه همه شما نیز می‌توانید بزرگ باشید و من آمده‌ام تا همه را به این بزرگی دعوت کنم.

۶۶. من همه مردم و ملت‌ها را به سوی پیام جدیدم جمع می‌کنم، مانند چوپانی که گوسفندانش را فرا می‌خواند و برای آنها آرامش و پناهگاهی فراهم می‌آورد که از سختی‌ها و طوفان‌ها در امان باشند.

۶۷. شما شاهد خواهید بود که بسیاری، با وجود ظاهری که گاه هیچ نشانه‌ای از ایمان یا معنویت در آنها نیست، در خالص‌ترین بخش روح خود اصول جاودانه زندگی معنوی را حفظ کرده‌اند. بسیاری که شاید نشان دهند هیچ پرستشی برای خدا ندارند، اما در اعماق وجودشان محرابی فناناپذیر دارند که راز ارتباط عمیق روحی‌شان است.

۶۸. در برابر این محراب درونی، مردم باید از نظر روحانی زانو زند، برای گناهان و خطاهایشان بسوزند و توبه‌ای پاک و خالص داشته باشند. در محراب وجدان، غرور انسانی فرو می‌ریزد و دیگر کسی خود را برتر از دیگری بر اساس نژاد یا هر دلیل ظاهری نمی‌داند. سپس با چشم‌پوشی، جبران و فروتنی، صلحی واقعی و پایدار که ثمره‌ی عشق، ایمان و حسن نیت است، به دست خواهد آمد.

فصل۳۵-قدرت افکار،احساسات و اراده

««««ارسال و دریافت افکار و اثرات آنها»»»»

۱. نیروهایی وجود دارند که چشم انسان آنها را نمی‌بیند و علم بشری نیز هنوز نتوانسته به طور کامل آنها را درک کند، اما این نیروها همیشه بر زندگی شما تأثیر می‌گذارند.

۲. در جهان خوبی‌ها و بدی‌ها وجود دارند؛ برخی از آنها به شما سلامتی و نیرو می‌دهند و برخی دیگر سبب بیماری و آسیب می‌شوند؛ نور و تاریکی نمایانگر این نیروها هستند.

۳. آن قدرت‌ها از کجا می‌آیند؟ از روح انسان، شاگردان معنوی، عقل و احساسات.

۴. هر روح، چه در عالم جسمانی و چه در عالم غیرمادی، هنگام تفکر ارتعاشاتی خاص از خود ساطع می‌کند. هر احساسی تأثیر خاصی دارد و جهان پر از این ارتعاشات است.

۵. اگر مردم با نیت خوب فکر و زندگی کنند، نیروها و تأثیرات مثبت و سالم می‌آیند؛ اما اگر برخلاف اصول خوبی، عدالت و عشق عمل کنند، نیروهای مضر و منفی بر زندگی آنها و اطرافیان تأثیر می‌گذارند.

۶. این دو نیرو با هم در تضادند و هر کدام محیطی را ایجاد می‌کنند؛ آنها احساسات و زندگی عاطفی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. اگر انسان توانایی تشخیص خوبی از بدی را داشته باشد، می‌تواند تأثیرات مثبت را بپذیرد و تأثیرات منفی را دفع کند. اما اگر در این کار ضعیف باشد، در معرض آسیب‌ها و تسلیم شدن به نیروهای شر قرار می‌گیرد.

۷. هر چیز معنوی در جهان منبعی از نور و قدرت است؛ این نور در ایده‌ها، کلمات و اعمال جاری است و هرچه آن‌ها پاک‌تر و والاتر باشد، نور و الهام آن ظریف‌تر و نفوذپذیرتر است. حتی اگر مادی‌گرایان نتوانند آن را درک کنند، تأثیر آن بسیار عمیق است.

۸. وقتی فکر یا ایده‌ای از نور از ذهن شما برمی‌خیزد، برای انجام کار خیر در جهان حرکت می‌کند. اما اگر افکار ناپاک و ناخالص باشند، تنها آسیب می‌رسانند. بدانید که حتی افکار نیز اعمالی هستند که در کتاب روح شما ثبت می‌شوند.

۹. هرچه به دیگران آرزو کنید، چند برابر آن به خودتان باز خواهد گشت؛ پس بهتر است که خودتان عملی بد را انجام دهید تا اینکه همان بدی را برای دیگری آرزو کنید. این قانون زیباتر و عادلانه‌تر است.

۱۰. به همین خاطر است که در «بار دوم» به شما گفتم: «هر چه می‌کارید، همان را درو می‌کنید»؛ زیرا شما باید در این زندگی تجربه‌های خود را تشخیص دهید و بدانید که برداشت‌ها همان بذرهایی هستند که خود کاشته‌اید، اما به صورت چند برابر.
۱۱. ای بشریت! نه به آموزه‌های استادتان فکر کرده‌اید، نه آن‌ها را احساس کرده‌اید و نه در زندگی خود به کار بسته‌اید.
۱۲. به همین دلیل به شما گفتم که قدرت فکر را نشناخته‌اید. فکر هم صدا و شنوایی است، هم سلاح و سپر؛ می‌تواند خلق کند و نابود کند. فکر فاصله میان کسانی که از هم دورند را نزدیک می‌کند و کسانی که راه هم را گم کرده‌اند، دوباره به هم می‌رساند.
۱۳. پیش از آغاز هر نبرد، سلاح‌هایتان را بشناسید. کسی که می‌داند چگونه آماده شود، قوی و شکست‌ناپذیر است. لازم نیست سلاح‌هایی برای کشتن داشته باشید؛ شمشیر شما باید اندیشه پاک و سپر شما ایمان و عشق به همسایه باشد. حتی در سکوت، صدای شما باید پیام صلح را برساند.
۱۴. هوشیار باشید و مراقب باشید ذهن خود را با افکار ناپاک آلوده نکنید؛ زیرا ذهن خلاق است و اگر به ایده‌های بد پناه دهید، شما را پایین می‌کشد و روحتان را در تاریکی فرو می‌برد.
۱۵. افکار متحد و جمعی گروه بزرگی از مردم قادر خواهند بود بر نفوذ شیطانی غلبه کنند و بت‌ها را سرنگون سازند.
۱۶. امروز به شما اطمینان می‌دهم که در آینده ارتباط از طریق افکار بسیار گسترده‌تر خواهد شد و بسیاری از موانع جداکننده مردم و جهان‌ها را از بین خواهد برد. اگر بیاموزید که با پدر خود از طریق فکر ارتباط برقرار کنید و گفتگوی روح با روح را تجربه نمایید، چه چیزی می‌تواند همچنان در ارتباط با برادران و خواهران شما چه در این جهان و چه در جهان‌های دیگر مزاحم شود؟
۱۷. افکار شما همیشه به من می‌رسند، هرچقدر هم ناقص باشند، من دعاهای شما را می‌شنوم، حتی اگر ایمان کافی در آنها نباشد؛ زیرا روح من ارتعاشات و احساسات همه موجودات را درک می‌کند.
۱۸. اما کسانی که به خاطر خودخواهی یا مادی‌گرایی از هم جدا می‌شوند، از زندگی معنوی فاصله گرفته و هنوز آماده نیستند تا از طریق افکارشان با هم ارتباط برقرار کنند.

۲۰. فردا، زمانی که همه بخشیدن را بیاموزند، نشانه‌های درک معنوی چنان به وضوح ظاهر خواهند شد که پیش از این می‌توانستید تنها در خواب تصورشان کنید.

«««قدرت احساسات،آرزوها یا ترس ها»»»

۲۱. هر لحظه ارتعاشاتی از ذهن و احساسات شما منتشر می‌شود، اما اغلب خودخواهی، نفرت، خشونت، غرور و احساسات ناپسند ساطع می‌شود. با این افکار و احساسات منفی، نه‌تنها به دیگران آسیب می‌رسانید، بلکه محیط پیرامون خود را نیز پر از درد و ناراحتی می‌کنید. من به شما می‌گویم: اگر همه چیز را با صلح، هماهنگی و عشق پر کنید، زندگی شما پر از شادی و آرامش خواهد بود.

۲۲. هرگز نسبت به کسانی که شما را دوست ندارند یا نمی‌فهمند تلخ‌دل نباشید، زیرا شما با افکار خود عمیق‌ترین احساساتتان را به آنان منتقل می‌کنید.

۲۳. آیا کسانی را می‌بینید که می‌خواهند با خشونت به قدرت برسند؟ خیلی زود خواهید دید که این مسیر اشتباه است.

۲۴. من به آنها نشان خواهم داد که تنها از طریق نیکی و تابش عشق است که می‌توان بزرگ و قدرتمند بود.

۲۵. تو هنوز ایمان کافی نداری که صورتت را بالا بگیری، امیدوارانه لبخند بزنی و بدون ترس به آینده نگاه کنی؛ زیرا من در آینده هستم و تو باید آن را باور داشته باشی.

۲۶. چند بار به دلیل افکار منفی و ترس، خود را بیمار کرده‌ای؟ این باور که بدبختی و درد در کمین شماست، باعث جذب نیروهای تاریکی می‌شود که زندگی مادی و مسیر معنویت را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۲۷. من اینجا هستم تا ایمان به زندگی، حقیقت، ابدیت و آرامش کامل را در تو زنده کنم و به تو بیاموزم چگونه چراغ روشنایی را در تاریکی روشن کنی.

«««فقدان انضباط شخصی»»»

۲۸. انسان دو بار گناهکار است: نخست به خاطر اینکه تلاشی برای برداشتن پرده جهل نمی‌کند، و دوم به خاطر اینکه گرفتار لذات جسمانی شده و خود را از بند آنها رها نکرده است. به همین دلیل برده شهوات می‌شود و روحش دچار ضعف و ناتوانی می‌گردد، چون برای بهتر شدن و پیشرفت هیچ تلاشی نمی‌کند.

۲۹. من در همه جا بیشتر مردم را سرگردان و سردرگم می‌بینم؛ همه جا افراد ضعیف را می‌بینم. علت این است که شما شجاعت و اراده لازم برای رهایی از منجلابی که در آن گرفتار شده‌اید، را ندارید. این منجلاب همان اینرسی است که شما را به دنیای مادی می‌بندد و منبع همه رذایل و خطاها است.

۳۰. انسان نمی‌خواهد از قدرتی که به او داده شده، یعنی اراده‌اش، استفاده کند؛ اراده‌ای که می‌بایست قانونگذار مطلق باشد و با حمایت عقل در برابر هوس‌ها و امیال مبارزه کند، به گونه‌ای که بر آنها غلبه یابد و شما بتوانید بگویید که واقعا آزاد هستید.

۳۱. هنگامی که این پیروزی به دست آید، شما خواهید توانست پیامبران بزرگ، روشن‌ضمیران والاتر و «ابرانسان» باشید. شما قادر خواهید بود در کنار حیوانات وحشی زندگی کنید و حتی با خزندگان بازی کنید، زیرا حقیقتاً این گناهان شما است که باعث می‌شود از برادران کوچک‌تان بترسید و آنها به شما حمله کنند.

۳۲. اگر دقت کنید، خواهید دید که برخی آدم‌ها از ببرهای وحشی هم درنده‌ترند و زهری که دارند از مار کبرا هم قوی‌تر است. این نشان می‌دهد خطر واقعی گاهی از درون انسان‌ها نشأت می‌گیرد.

فصل۳۶-ایمان،حقیقت و دانش
«««ایمان همه جانبه»»»

۱. برای غلبه بر ضعف، فقر، بدبختی و شهوات، و از بین بردن شک و تردید، ایمان و اعمال نیک ضروری‌اند؛ این فضایل هستند که بر غیرممکن‌ها فائق می‌آیند و در مقایسه با آن‌ها دشوار و دست‌نیافتنی همانند سایه‌ها فرو می‌ریزند.
۲. من به مردمی که در «بار دوم» به من ایمان آوردند گفتم: «ایمان شما شما را نجات داده است.» ایمان نیروی شفابخش و دگرگون‌کننده‌ای است که نور آن تاریکی‌ها را محو می‌کند.
۳. کسانی که هنوز از سیر معنوی فاصله دارند، آرزو می‌کنند مرا در قالب عیسی ببینند تا به من بگویند: «پروردگارا، چون تو را دیده‌ام، ایمان دارم.» اما من به آن‌ها می‌گویم: «خوشا به حال آنان که بدون دیدن ایمان آورده‌اند، زیرا آنها با حس نور درونی‌شان مرا در قلب خود احساس کرده‌اند.»
۴. می‌خواهم تو بدانی که ایمان چیست، چون هر کس که آن را دارد، صاحب گنجی بی‌همتاست.
۵. کسی که با نور درونی ایمان زندگی کند، هرچند دنیا او را فقیر بداند، هیچ‌گاه خود را طرد شده، رها شده یا ضعیف نخواهد دید. ایمانش به پدر، به زندگی، به سرنوشتش و به خود، به او توان می‌دهد که در مبارزه زندگی شکست نخورد و همیشه قادر باشد کارهای بزرگ و شگفت‌انگیز انجام دهد.
۶. ایمان همچون فانوس دریایی است که مسیر زندگی را روشن می‌کند تا به بندر امن ابدیت برسیم.
۷. اما ایمان نباید برای جان‌های ترسو و بی‌تفاوت باشد که امروز یک قدم پیش و فردا یک قدم پس می‌روند، کسانی که نمی‌خواهند با درد و مشکلات بجنگند و تنها بر رحمت پدر امید دارند.
۸. ایمان، احساسی است که از روحی سرچشمه می‌گیرد که خدا را درون خود می‌یابد، پروردگارش را دوست دارد و از عشق به همنوعانش شادی می‌کند. ایمان به عدالت الهی چنان است که انتظار ندارد دیگران او را دوست داشته باشند یا خطاها را ببخشد، بلکه باور دارد که فردا سرشار از نور است زیرا به پاکیزگی و شایستگی رسیده است.
۹. هر که ایمان دارد، آرامش، عشق و خوبی را در درون خود دارد.

۱۰. او از نظر روحی غنی است، نه مادی.

۱۱. ایمان واقعی زمانی است که قلب در آزمون‌ها ناامید نشود و آرامش در بحران‌ها حفظ شود.

۱۲. ایمان هماهنگی با حیات، سلامتی و نجات است؛ هر که دنبال حقیقت باشد هلاک نمی‌شود.

۱۳. ایمان امکان معجزات و رسیدن به حیات برتر را فراهم می‌کند.

««««شناخت حقیقت خدا

۱۴. قلب پر ایمان و ذهن آزاد از تعصب، حقیقت را واضح می‌بیند، اما شک و غرور نور را تاریک می‌کنند.

۱۵. حقیقت را با عشق، فروتنی، پشتکار و ایمان جستجو کن.

۱۶. دعا و مراقبه جرقه‌ای از نور الهی را می‌آورد؛ انتظار دریافت همه حقیقت یک‌باره مکن.

۱۷. فرمان مسیح «یکدیگر را دوست بدارید» است؛ عشق کلید آشکار شدن اسرار الهی است.

۱۸. با تلاش در جستجوی حقیقت و عشق، نقص‌ها از وجودت دور می‌شود و به نور الهی حساس‌تر می‌شوی.

۱۹. من کلمه‌ای هستم که مردم به دنبال آن‌اند؛ حقیقت، پادشاهی‌ای است که باید به آن رسید.
۲۰. تنها با تسلیم اراده من، می‌توان حقیقت را کشف کرد؛ برای رسیدن به آن گاهی فداکاری لازم است.

۱۰. او از نظر روحی غنی است، نه مادی.

۱۱. ایمان واقعی زمانی است که قلب در آزمون‌ها ناامید نشود و آرامش در بحران‌ها حفظ شود.

۱۲. ایمان هماهنگی با حیات، سلامتی و نجات است؛ هر که دنبال حقیقت باشد هلاک نمی‌شود.

۱۳. ایمان امکان معجزات و رسیدن به حیات برتر را فراهم می‌کند.

«««شناخت حقیقت خدا

۱۴. قلب پر ایمان و ذهن آزاد از تعصب، حقیقت را واضح می‌بیند، اما شک و غرور نور را تاریک می‌کنند.

۱۵. حقیقت را با عشق، فروتنی، پشتکار و ایمان جستجو کن.

۱۶. دعا و مراقبه جرقه‌ای از نور الهی را می‌آورد؛ انتظار دریافت همه حقیقت یک‌باره مکن.

۱۷. فرمان مسیح «یکدیگر را دوست بدارید» است؛ عشق کلید آشکار شدن اسرار الهی است.

۱۸. با تلاش در جستجوی حقیقت و عشق، نقص‌ها از وجودت دور می‌شود و به نور الهی حساس‌تر می‌شوی.

۱۹. من کلمه‌ای هستم که مردم به دنبال آن‌اند؛ حقیقت، پادشاهی‌ای است که باید به آن رسید.
۲۰. تنها با تسلیم اراده من، می‌توان حقیقت را کشف کرد؛ برای رسیدن به آن گاهی فداکاری لازم است.

۲۱. برای یافتن حقیقت، گاهی باید از داشته‌ها و حتی خود گذشت.

۲۲. فرد خودراضی و مادی‌گرا تا زمانی که دیوارهای درونی‌اش را نشکند، نمی‌تواند حقیقت را ببیند؛ باید بر ضعف‌ها و احساساتش غلبه کند تا نور خدا را مشاهده کند.

۲۳. خوشا به حال کسی که حقیقت را جستجو می‌کند، چون عطش عشق، نور و نیکی دارد. اگر پیوسته بیابد و با دعا و حکمت الهی مشورت کند، پدر هیچ‌گاه بی‌پاسخ نمی‌گذارد.

۲۴. بسیاری ابتدا حقیقت را در علوم و کتاب‌ها جستجو می‌کنند، اما نهایتاً آن را در درون خود خواهند یافت، چون خدا بذری از حقیقت ابدی در درون هر انسان نهاده است.

۲۵. من هرگز دروغ نمی‌گویم و حقیقت خود را پنهان نمی‌کنم؛ اگر کسی حقیقت مرا نمی‌بیند، خود نخواسته است؛ حقیقت من برهنه، الهی و پاک است، همانطور که به عنوان انسان برهنه آمدم و رفتم.

۲۶. می‌خواهم حقیقت و عشق همیشه در میان مردم غالب باشد؛ چون من حقیقت و عشق آنها هستم.

۲۷. فقط یک حقیقت و یک عشق حقیقی وجود دارد؛ وقتی درون شما باشد، حقیقت و عشق من و شما یکی می‌شود.

۲۸. نور من در هر روحی است و زمانه‌ای فرارسیده که روح من بر بشریت جاری شود؛ همه انسان‌ها – دانشمند یا نادان، بزرگ یا کوچک، قدرتمند یا فقیر – حضور مرا احساس خواهند کرد.

۲۹. همه در برابر حقیقت خداوند زنده و حقیقی به لرزه خواهند افتاد.

۳۰. هیچ کودکی از من فراموش نمی‌شود، چون هر یک در درون خود روح نوران من را دارند که آن‌ها را به شناخت من خواهد رساند.

۳۱. برای برخی، فهم کلام من آسان است، ولی برای برخی دیگر کلام من به شکلی معما باقی می‌ماند.

۳۲. همه در این عصر قادر به درک کامل معنویت پیام من نیستند و باید منتظر زمان‌های جدید بمانند تا ذهنشان برای نور وحی باز شود.

۳۳. یک عمر زندگی برای فهم تمام اسرار من کافی نیست؛ بدون رشد کامل روح، دسترسی به دانش معنوی ممکن نیست.

۳۴. من معنویت و علم را مخالف هم نمی‌دانم؛ بلکه به شما می‌آموزم که مادی و معنوی، انسانی و الهی، فانی و ابدی را به آشتی برسانید. مسیر زندگیتان را بشناسید، زیرا روح قانون معنوی‌اش را دارد و پیش‌آگاهی می‌دهد.

۳۵. شما فاصله زیادی از معنویت گرفته‌اید و آن را ماوراءالطبیعه می‌دانید، در حالی که معنویت کاملاً طبیعی است.

۳۶. دلیل این اشتباه این است که شما فقط به آنچه که حواس و عقل انسانی‌تان درک می‌کند اعتماد دارید و فراتر از آن را ماوراءالطبیعه می‌نامید.

۳۷. چه جوینده دانش در طبیعت و چه طلبه حکمت الهی باشید، باید با تلاش شخصی مسیر رشد را طی کنید تا حقایق را کشف کنید؛ هدف زندگی‌های پی در پی رشد و شناخت است.

۳۸. اگر آماده‌اید گفته‌هایم را بررسی کنید، باید زندگی را از دیدگاه آن‌ها ببینید تا به حقیقت نهفته در آن برسید.

۳۹. گاهی ممکن است به نظر برسد سخنان امروز با گذشته تناقض دارد، اما این نادرست است؛ اشتباه از مردم است و همه در نهایت به نور خواهند رسید.

«««پیش نیاز های دانش معنوی»»»

۴۰. فروتنی نور روح است و تکبر نشانه جهل؛ کسانی که دانش و فضیلت دارند، واقعی‌ترین فروتنی را دارند.

۴۱. افکار منفی را رها کنید و افکار والا را بپذیرید؛ خوشبختی در دارایی نیست بلکه در فهمیدن و عمل کردن است.

۴۲. کسی که دانش حقیقی دارد، فروتن است و بغرورانه دانش زمینی را رد نمی‌کند؛ چنین فردی آماده دریافت وحی الهی است، برخلاف بسیاری که فکر می‌کنند همه‌چیز را می‌دانند ولی حقیقت برایشان راز باقی مانده است.

۴۳. علم انسان محدود است؛ حتی کوچک‌ترین موجودات رازهای بزرگی دارند که ما نمی‌دانیم.

۴۴. انسان می‌تواند شگفتی‌های طبیعت را کشف کند، اما تا در مسیر عشق الهی نباشد، به خرد واقعی نمی‌رسد.

«««گسترش لازم آگاهی انسان»»»

۴۵. خدا آزادی اندیشه به انسان داده اما انسان همیشه برده تعصبات و باورهای غلط بوده است؛ اکنون عصر نور و آزادی ذهن است ولی درک انسان هنوز برای این آزادی کامل نیست.

۴۶. انسان به دلیل کاهش درک معنوی در تعصب گرفتار شد و مانند سایه اراده دیگران شد.

۴۷. آن‌گاه از کنترل خود و افکارش خارج شد.

۴۸. اکنون عصر نور و رهایی است؛ انسان باید خودش را گسترش دهد و آزادانه در جستجوی حقیقت بال بگشاید.

۴۹. این قرن دو روی دارد: رشد ذهنی و همزمان رکود فکری.

۵۰. نور الهی بر عقل می‌تابد و الهام‌بخش است؛ عقل خواهان آزادی و گسترش دانش است و انسان‌ها در طبیعت غرق در تحقیق و کشف می‌شوند، بدون شک و تردید.

۵۱. اما وقتی می‌خواهند رابطه خود با امر معنوی و حقیقت فراتر از ماده را روشن کنند، می‌ترسند و از جرات رفتن به سوی ناشناخته‌ها می‌گریزند.

۵۲. این ترس نشان می‌دهد که هنوز ضعیف، نادان و برده تعصبات‌اند که با اراده نمی‌توان بر آنها غلبه کرد.

۵۳. رشد عقل انسانی بدون توسعه معنوی کامل نمی‌شود؛ روح عقب مانده است چون فقط به زندگی زمینی محدود شده است.

۵۴. انسان برده اراده دیگران و محکومیت‌هاست و آرزوی فهم حیات معنوی را رها کرده و زندگی معنوی را راز و ممنوعه می‌پندارد.

۵۵. اگر منشأ خود و حقیقت روح را نشناسید، با وجود پیشرفت علمی، فقط موجودی بدبخت در میان طبیعت خواهید بود و به جنگ و درد ادامه خواهید داد.

۵۶. اگر خود و برادر روحانی در دیگری را درک نکنید، نمی‌توانید یکدیگر را واقعاً دوست بدارید؛ پیروی سطحی از تعالیم من ایمان و عشق را بی‌ارزش می‌کند.

۵۷. در من، مردم شجاعت رهایی از جهل خود را خواهند یافت.

۵۸. چگونه انتظار دارید صلح و پایان جنگ‌ها بر روی زمین حاصل شود، اگر بشر فاقد دانش معنوی باشد، که اساس، پایه و منشأ زندگی است؟ آیا بدون آن، می‌تواند خود را احیا کند و گناه کاهش یابد؟

۵۹. به راستی به شما می‌گویم، تا وقتی حقیقت من فهمیده و پیروی نشود، زندگی شما روی زمین مانند بنایی است که بر شن‌های روان ساخته شده باشد.

۶۰. انسان با خود بیگانه است چون به درون خود نفوذ نکرده و ماهیت واقعی خود را نمی‌شناسد. اکنون وقت آن است که کتاب اسرار که سال‌ها بسته بوده، با نور روح من گشوده شود.

۶۱. شما اکنون واقعا خودتان را خواهید شناخت و به اعماق ذهنتان خواهید رسید و آنگاه می‌توانید بگویید که شناخت واقعی از خود آغاز شده است.

۶۲. انسان به منشأ، سرنوشت، وظیفه، توانایی‌ها و حیات ابدی که در اطراف و درون اوست پی خواهد برد و دیگر نمی‌تواند به همنوعانش آسیب برساند زیرا به قداست همه چیز پی برده است.

۶۳. او آنچه را که روحش در بر دارد و پنهان می‌کند تشخیص می‌دهد و ایمان عمیقی نسبت به شگفتی روح و اقامتگاه ابدی خود خواهد داشت.

فصل۳۷-درک صحیح متون کتاب مقدس
««««تفسیر کلمات و وعده های کتاب مقدس»»»»

۱. بسیاری مردم زمان زیادی را به مطالعه عهد عتیق اختصاص داده‌اند و در تفسیر پیشگویی‌ها و وعده‌ها تلاش می‌کنند. آن‌هایی که معنای معنوی تعالیم من را یافته‌اند، نزدیک‌تر به حقیقت‌اند، اما کسانی که به تفسیر مادی-زمینی چسبیده‌اند و معنی معنوی را نمی‌فهمند، مانند قوم یهود در زمان ظهور مسیح دچار سردرگمی و ناامیدی خواهند شد.
۲. تصورات نادرست بشر اولیه از عدالت من از بین خواهد رفت و درک واقعی آن جایگزین خواهد شد؛ عدالت الهی نوری است که از عشق کامل پدر سرچشمه می‌گیرد.
۳. خدایی که مردم او را انتقامجو و بی‌رحم می‌دانستند، به عنوان پدری مهربان و بخشنده گناهکاران احساس خواهد شد؛ او همچون قاضی‌ای که به جای محکومیت، فرصت توبه می‌دهد، متعهد است.
۴. بسیاری اشتباه خشم خدا را به من نسبت داده‌اند، در حالی که خشم از ضعف‌های انسانی است؛ پیامبران «خشم مقدس» خداوند را بیان کردند که باید آن را عدالت الهی تفسیر کرد.
۵. مردم عصر اول زبان و بیان مختص آن دوران را فهمیدند، زیرا اگر پیامبران به روش ملایم‌تر سخن نمی‌گفتند، نصایح جدی گرفته نمی‌شد؛ کلمات پیامبران باید قلب و ذهن مردمی با رشد معنوی محدود را تحت تأثیر قرار می‌داد.
۶. نوشته‌های عهد اول تاریخ قوم اسرائیل را منتقل می‌کرد و برای هر نسل جدیدی در درک پرستش خدا الهام‌بخش بود؛ این کتاب نام پدرسالاران فضیلت‌مند، پیامبران آینده، و همچنین فاسدان و نافرمانان را برای همگان حفظ کرده است، گاهی به عنوان درس و گاهی به عنوان نماد.

۷. در زمانی که در میان انسان‌ها در قالب عیسی حضور داشتم، فقط به جوهر معنوی نوشته‌ها اشاره می‌کردم و هرگز مادی یا غیرمادی را ستایش نمی‌نمودم. آیا به یاد ندارید که از هابیل، ایوب، سلیمان، ابراهیم و پیامبران یاد کردم و با اشاره به موسی گفتم که نیامده‌ام تا شریعت را لغو کنم بلکه برای تکمیل آن آمده‌ام؟

۸. شما باید وحی‌های الهی را که من فراهم کرده‌ام با دقت مطالعه کنید و زبان مجازی و نمادین آن را بفهمید تا حواس معنوی خود را حساس کنید و تمییز دهید کدام کلام از جانب خداست و کدام از انسان.

۹. فقط از دیدگاه معنوی می‌توانید تفسیر حقیقی کلام من را بیابید، چه آن کلامی که از پیامبران آمده، چه کلام عیسی و چه آنچه از طریق سخنگویان «عصر سوم» به شما داده می‌شود.

۱۰. هنگامی که بشریت معنای واقعی شریعت، پیشگویی‌ها و وحی‌ها را درک کند، عمیق‌ترین و زیباترین جنبه وجود خود را کشف خواهد کرد.

۱۱. در آن هنگام مردم عدالت واقعی را شناخته و دل‌هایشان به بهشت حقیقی خواهد رسید؛ آن زمان است که معنای کفاره، تطهیر و جبران برای همه روشن می‌شود.

۱۲. نوشته‌های گذشته می‌توانستند این حقایق را نشان دهند، اما انسان‌ها جرأت کردند و آن‌ها را جعل و تحریف کردند، و بدین‌گونه بشریت روحی بیمار، خسته و تنها شده است.

۱۳. به همین دلیل ندای بیدارباش من اکنون از طریق گوینده شنیده می‌شود تا شما را از سردرگمی نجات دهد.

۱۴. اگر نوشته‌های شاگردانم که در «بار دوم» کلام مرا به ارث گذاشته‌اند تحریف شود، من به شما اطمینان می‌دهم که روح حقیقت را نشان خواهد داد و دروغگوها را که با عشق الهی هماهنگ نیستند، آشکار خواهد کرد.

۱۵. انسان هرگز از الهامات من که نور روح هستند بی‌بهره نبوده، اما از درک آنها هراس داشته است. اکنون از شما می‌پرسم: اگر به سمت روحانیت نروید، چگونه می‌توانید حقیقت و ابدیت را بشناسید؟

۱۶. نگاهی به تفسیرهای مادی‌گرایانه‌ای بیندازید که از مکاشفات من درباره «زمان‌های» اول و دوم ارائه کرده‌اید، در حالی که آنها فقط از مفاهیم الهی و معنوی سخن می‌گویند. چگونه طبیعت مادی را با معنوی اشتباه گرفته‌اید و عمیق را سطحی و والا را پست جلوه داده‌اید؟ چون در آرزوی سازگار کردن آموزه‌های من با زندگی مادی و آسایش شخصی خود هستید.

۱۷. من اطمینان خواهم داد که آموزه‌هایی که در «بار دوم» به شما دادم، که بسیاری از آن سر در نیاورده یا فراموش کرده‌اند، برای همه روشن و بر اساس دستورالعمل‌های جدید دنبال شود.

۱۸. نور روح القدس من به شما برگردید؛ اما چرا مرا به شکل کبوتر نشان می‌دهید؟ شاگردان جدید من نباید به این نمادها تعصب داشته باشند.

۱۹. مردم، بدانید در عصر دوم، روح القدس من در غسل تعمید عیسی به شکل کبوتر تجلی یافت؛ زیرا پرواز کبوتری، سفیدی و نگاه ملایم آن، نمادی از نفس روح، پاکی و معصومیت است.

۲۰. چگونه می‌توان مفاهیم الهی را برای مردمی ناآشنا فهمید، مگر با استفاده از اشکال و نمادهای موجود در طبیعت که برایشان قابل فهم است؟
۲۱. مسیح به صورت بره ظاهر شد و حتی یوحنا در رؤیای خود مرا چنین دید؛ این تصاویر نشان‌دهنده خالق حیات در همه هستی هستند.
۲۲. پیش‌تر گفتم گذشتن شتر از سوراخ سوزن آسان‌تر از ورود ثروتمند خسیس به پادشاهی آسمان است. اکنون می‌گویم قلب‌ها باید خودخواهی را کنار بگذارند و با نیکوکاری فعال به همنوعان کمک کنند تا روحشان مسیر باریکی به سوی رستگاری بپیماید؛ لازم نیست حتماً دارایی‌ها را ترک کنند، بلکه باید از بند خودخواهی رهایی یابند.

۲۳. اکنون مشغول بازسازی معبدی هستم که درباره‌اش به شاگردان گفتم، هنگامی که آنها معبد سلیمان را تحسین می‌کردند و گفتم: «سنگی از آن بر سنگی دیگر باقی نخواهد ماند، اما من در سه روز آن را بازسازی خواهم کرد.»
۲۴. این بدان معنا بود که هر آیین ظاهری، هر چند باشکوه، از دل انسان‌ها محو خواهد شد و به جای آن معبد حقیقی و معنوی الوهیت را برپا خواهم کرد. اکنون «زمان سوم» فرا رسیده است، روز سومی که بازسازی معبد معنوی خود را به پایان می‌رسانم.
۲۵. خدا شکلی ندارد؛ زیرا داشتن شکل، به معنای محدود بودن است و محدودیت با ذات خداوند که بی‌نهایت است ناسازگار است.
۲۶. «تاج و تخت» خدا کمال، عدالت، عشق، حکمت، قدرت خلاقه و ابدیت است.
۲۷. «بهشت» والاترین سعادت و پاکی است که روح در مسیر کمال خود به آن می‌رسد؛ جایی که دیگر گناه و درد راهی به آن ندارد.
۲۸. پیامبران من درباره زندگی معنوی سخن گفتند، که گاه آن را از طریق اشیاء و جلوه‌های آشنا برای شما بیان کردند.
۲۹. آنها تخت‌هایی مانند تخت‌های شاهان، کتاب‌ها، موجودات انسانی، کاخ‌ها و اشیاء دیگر را دیدند، اما همه این‌ها نمادی بودند از مفاهیم الهی، زیرا شما آمادگی درک وحی‌های عمیق‌تری را نداشتید.
۳۰. اکنون زمان آن است که معانی این تمثیل‌ها و آموزه‌ها را به درستی تفسیر کنید تا معنا در ذهن نفوذ کند و شکل نمادین از بین برود.
۳۱. هنگامی که به این درک برسید، ایمان شما حقیقی و مستحکم خواهد بود، چون بر پایه حقیقت بنا شده است.
۳۲. اگر همه دعوت‌شدگان به سوی سفره خداوند، جایی که روح تغذیه می‌شود، بشتابند، کامل مشغول خواهند شد؛ اما هنوز همه نیامده‌اند.
۳۳. طبیعت انسان چنین است که قدر نعمت خدا را نخواهد دانست و بسیاری دعوت او را رد کرده‌اند.
۳۴. اما به شما می‌گویم که کسانی که با پشتکار بر سر سفره من می‌نشینند و از من می‌آموزند، کسانی خواهند بود که عظمت کلام مرا به دیگران خواهند رساند و معنای این آموزه را آشکار خواهند کرد؛ آموزه‌ای که جهان را بازسازی می‌کند و راه را برای جهانی روشن‌تر می‌گشاید.

۳۵. همه آنچه در کتاب هفت مُهر نوشته شده است، در خدا وجود دارد و این کتاب از طریق رسول و پیامبر یوحنا به بشر آشکار گردید.

۳۶. فقط بره الهی، یعنی مسیح، توانست محتویات این کتاب مقدس را برای شما فاش کند؛ زیرا نه در زمین و نه در آسمان هیچ روح صالحی نبود که اسرار عمیق عشق، زندگی و عدالت خدا را برای شما توضیح دهد. بره الهی مُهرهایی را شکست که کتاب زندگی را بسته بودند تا آن را برای فرزندانش آشکار سازد.

۳۷. اگر کتاب مکاشفه یوحنا توسط برخی به عنوان راز غیرقابل نفوذ یا با تفسیری نادرست برداشت شده است، به این دلیل است که انسان هنوز به درجه‌ای از معنویت نرسیده که بتواند عمق آن وحی را درک کند؛ حتی پیامبری که این کتاب الهام گرفته شده بود نیز تمام آن را نفهمید.

۳۸. یحیی شنید و دید، و هنگامی که به او دستور داده شد این‌ها را بنویسد، فوراً اطاعت کرد؛ اما دانست که پیام برای مردمی است که سال‌ها پس از او خواهند آمد.

۳۹. چه زمانی مردم توجه خود را به نوشته‌های شاگرد محبوب من جلب خواهند کرد؟ سبک نگارش وحی او عجیب و معنایش اسرارآمیز است و سخنانش ژرفایی بی‌کران دارد. چه کسی قادر به فهم آن است؟

۴۰. کسانی که به مطالعه کتاب مکاشفه می‌پردازند، در آن غرق می‌شوند و آن را تفسیر و مشاهده می‌کنند. برخی نزدیک‌تر به حقیقت می‌شوند، برخی احتمالاً معتقدند معنای وحی را یافته و آن را به همه اعلام می‌کنند؛ و برخی دیگر خسته یا گیج شده، معنای الهی آن را انکار می‌کنند.
۴۱. ای شاگردان «عصر سوم»، اکنون می‌گویم اگر واقعا می‌خواهید وارد پناهگاه معنوی این وحی‌ها شوید و معنای حقیقی را بیاموزید، باید با دعای «از روح به روح» آشنا باشید؛ آن دعایی که یحیی در تبعید خود از آن بهره می‌برد و شما را به درک عمیق‌تر راهنمایی می‌کند.

۴۲. ابتدا باید وحی الهی را از منظر معنوی درک کنید، هرچند که این وحی از طریق اشکال و تصاویر زمینی به شما منتقل شده است. این اثر به طور کامل رشد، مبارزات، وسوسه‌ها و سقوطهای روح انسان را به تصویر می‌کشد. همچنین از عدالت، خرد، پادشاهی، اعمال عاشقانه من و پیوند من با بشر، بیداری و تجدید آنها و در نهایت روحانی شدن روح سخن می‌گوید.

۴۳. من در آنجا سفر معنوی بشریت را که به دوره‌های زمانی تقسیم شده، آشکار کردم تا شما بتوانید تکامل روح را بهتر بفهمید.

۴۴. بنابراین، ای شاگردان، از آنجا که این وحی به زندگی معنوی شما مربوط است، شایسته است که آن را از دیدگاه معنوی مطالعه و تفسیر کنید. اگر فقط به تفسیر مادی و بر اساس وقایع زمینی بسنده کنید، مانند بسیاری، دچار سردرگمی خواهید شد.

۴۵. واقعیت این است که بسیاری از رویدادهای مادی به تحقق این وحی مربوطاند و در آینده نیز چنین خواهد بود؛ اما باید بدانید رویدادها، نشانه‌ها، شکل‌ها، تصاویر و مثال‌ها تنها وسایلی هستند برای کمک به شما در درک حقیقت من و پیشروی به سوی سرنوشت سعادتمندانه‌تان: طی کردن مسیر پاکی روح به سوی من. شاگرد محبوبم یوحنا نمونه‌ای ممتاز از ارتباط روح با روح با پروردگارش بود که هزاران سال پیش از بشر این راه را پیمود.

فصل ۳۸-سه عصر وحی و هفت دوران مُهر
««««وابستگی وحی های الهی به توسعه»»»»

۱. در هر سه دوره‌ای که بشریت را به آن‌ها بخش کرده‌ام، با نور خود مسیر مستقیم و یکتایی را برای عروج روح نشان داده‌ام؛ راهی که تنها مسیر عشق، حقیقت و عدالت است.

۲. من شما را از آموزشی به آموزش دیگر، از وحی‌ای به وحی‌ای دیگر هدایت کرده‌ام تا زمانی که بتوانید با من از روحی به روحی دیگر متصل شوید. آیا انسان‌ها در "عصر اول" قادر به چنین پیوندی بودند؟ خیر، آن‌ها مجبور بودند با فرقه‌های مادی، آیین‌ها، مراسم، جشن‌ها و نمادهای سنتی کنار بیایند تا به معنویات نزدیک شوند. از این محدودیت ریشه گرفت که ادیان گوناگون پدید آمدند، هر یک بر اساس درجه پیشرفت یا عقب‌ماندگی معنوی انسان‌ها، برخی به حقیقت نزدیک‌تر و برخی کمتر. هدف همه یکی بود؛ مسیر روح‌ها در طول قرن‌ها و اعصار.

۳. امروز، من با روح می‌آیم و به شما می‌گویم که برخلاف باور برخی، من امروز نزدیک‌تر از روزهای نخست به شما آمده‌ام.

۴. در «زمان‌های اول» بر فراز کوهی سکونت داشتم و شریعت خود را بر سنگ نازل کردم. در «زمان‌های دوم»، قله کوه را ترک کرده و به میان شما آمدم و انسان شدم. اکنون، در زمان حاضر، برای نزدیک‌تر بودن به شما، در قلب‌هایتان سکنی گزیده‌ام تا از درون با شما سخن بگویم.

۵. اکنون فهمیده‌اید که وحی الهی من به سه دوره زمانی اصلی تقسیم می‌شود.

۶. در دوران طفولیت معنوی بشر، پدر شریعت را به او داد و وعده آمدن مسیحایی را داد که درهای عصری نو را باز خواهد کرد.

۷. مسیح آن زمان که بشریت در جوانی فکری‌اش بود، به سوی آن آمد تا راهی بالاتر به مردم بیاموزد و راه‌های تحقق قوانینی را که پیش‌تر از پدر دریافت کرده بودند ولی درک نکرده بودند، بگشاید. کلام خدا از طریق لب‌های عیسی بیان شد و به این دلیل است که جهان هنوز صدای فرمان و عشق پدر را از طریق تعالیم استاد کامل می‌شنود.
۸. عیسی نیز وعده داد که روح حقیقت را برای مردم بفرستد تا هر آنچه از تعالیم او نفهمیده‌اند برایشان روشن سازد.
۹. اکنون، عزیزان، این کلام ساده و فروتن که می‌شنوید، صدای روح حقیقت است؛ نور معنوی خدا است که در درون شما جاری می‌شود تا چشمانتان را به روی عصر جدید باز کند. این نور به تدریج شما را توانمند می‌سازد تا تمام وحی‌های استاد خود را واضح‌تر درک کنید؛ این نور، روح القدس است که بشریت را به مرحله بالاتری از رشد معنوی می‌برد و آن را برای درک آیات خدا آماده می‌سازد.
۱۰. هرچه این نور بر شما آشکار کند، تعلیم پدر را خواهید پذیرفت؛ زیرا «کلمه» در من است و روح القدس، حکمت من است.
۱۱. پیش‌تر اینگونه با شما سخن نگفته بودم. در «زمان‌های اول»، شریعت راه فهم بشر بود؛ در «عصر دوم»، مسیح قلب انسان را با نور عشق روشن ساخت؛ و اکنون، نور روح القدس روح شما را روشن می‌کند و آن را فراتر از هر آنچه انسانی است، هدایت می‌کند.
۱۲. شما از یک خدا هستید و این سه پیام را در طول زمان دریافت نموده‌اید؛ هر یک بعد از گذشت زمانی که لازم بود تا روح تکامل یابد تا پیام یا دستورالعمل جدید را دریافت کند.
۱۳. اکنون بهتر می‌فهمید چرا شما را «شاگردان روح‌القدس» خطاب کرده‌ام.
۱۴. اگر همه چیز را در مکاشفه‌های اولیه گفته بودم، استاد، یعنی مسیح، نیازی به تعلیمات جدید نداشت و روح القدس نیز به این شکل شکوه زندگی معنوی را به شما نشان نمی‌داد.
۱۵. پس به شما می‌گویم که به وحی‌های گذشته چنان دلبسته نشوید که گویی آخرین کلمه تعلیمات من هستند.
۱۶. من دوباره به سوی بشریت آمدم و سال‌هاست که خود را از طریق قوای فکری آنان شناسانده‌ام؛ و هنوز آخرین کلام من گفته نشده است.

۱۷. در کتاب حکمت من، همیشه صفحه‌ای جدید را جستجو کنید که معنای آموزه‌های قبلی را روشن کند تا واقعا شاگردان من باشید.
«««سه عهد الهی»»»

۱۸. سه عهد الهی شامل موسی، عیسی و الیاس است که راه رسیدن به پادشاهی صلح، نور و کمال را نشان می‌دهند.
۱۹. حضور فرستادگان خدا را در زندگی خود حس کنید؛ آن‌ها زنده‌اند و راه گمراهان را روشن می‌کنند و به آن‌ها در امتحانات کمک می‌کنند.
۲۰. کار موسی، تعالیم عیسی به عنوان کلام الهی، و وحی جدید نمایش داده شده توسط الیاس را بشناسید و معنای معنوی آن‌ها را جستجو کنید.
۲۱. تولد دوم من معجزه بود، رستاخیز معنوی پس از مرگ نیز معجزه، و تجلی کنونی من با ذهن انسانی معجزه دیگری است.
۲۲. پیشگویی‌های من به پایان خواهند رسید و سه وصیت‌نامه‌ام را به شما باقی می‌گذارم.
۲۳. کسی که پدر را به عنوان عشق، فداکاری و بخشش شناخت، الان باید او را به طور کامل بشناسد و نه به خاطر ترس، بلکه به خاطر عشق پرستش کند.
۲۴. در زمان‌های اول، به دلیل ترس از عدالت، به شریعت پایبند بودید؛ من آمدم تا نشان دهم خدا عشق است.
۲۵. اکنون نور من برای راهنمایی شما آمده تا با وفاداری به شریعت به پایان راه برسید.
۲۶. آموزه‌های جدید من تأیید و گسترش آموزه‌های عصر دوم است؛ آن زمان با قلب صحبت کردم، حال با ذهن شما سخن می‌گویم.
۲۷. حرف‌های قدیمی‌ام را انکار نمی‌کنم، بلکه آن‌ها را به درستی تفسیر می‌کنم؛ همانطور که شریعت و نبوت‌ها را نافی صراحت ندانستم، چرا که آن‌ها اساس معبد قلب انسان‌ها هستند در سه دوره و اعلام آمدن من به جهان.

۲۸. امروز می‌گویم: «من راه، حقیقت و زندگی‌ام» و قانون ابدی عشق را در کلام من خواهید یافت.
۲۹. در گذشته مسیح را متهم کردند و آزار دادند، اکنون هم نور حقیقت بر تاریکی پیروز خواهد شد و راه من همیشه پابرجا است.
۳۰. این آموزه، راه حیات جاودان است و با آموزه‌های من در زمین یکی است.
۳۱. کسانی که حقیقت را نفهمند، به دلیل تعصبات و تفاسیر نادرست، باید مسیر دشواری را طی کنند تا محبت را یاد بگیرند.
۳۲. برخی خواهند گفت این آموزه جدید است؛ اما ریشه آن در وحی‌های گذشته است.
۳۳. سردرگمی به دلیل تحمیل تفاسیر نادرست و کم بودن نور معنوی ایجاد شده است؛ برخی انکار می‌کنند که این نور حقیقت است.
۳۴. هیچ سخن من گم نخواهد شد و مردم خواهند آموخت که عیسی همه این مطالب را قبلاً گفته است.

۳۵. من قبلاً اصول اساسی حقایق را به شما گفته‌ام تا به تدریج آن‌ها را درک کنید، چون بشریت آن زمان آمادگی کامل نداشت.

««««دوره سوم»»»»

۳۶. این سومین بار است که شما را برای اتحاد معنوی تعلیم می‌دهم؛ همه انسان‌ها برابر و شایسته‌اند و من دوباره برای همه آمده‌ام.

۳۷. تغییرات عظیمی در زندگی بشر رخ خواهد داد، گویی جهانی به پایان می‌رسد و جهانی جدید متولد می‌شود.

۳۸. زندگی انسان به دوره‌هایی تقسیم شده که هر دور با اکتشافات، وحی و هنر متمایز است؛ اکنون عصری تازه طلوع کرده که باید استعدادهای معنوی پرورش یابد تا از شر شر حفظ شوید.

۳۹. زندگی انسان می‌تواند کاملاً دگرگون شود اگر معنویت و وجدان را توسعه دهد.

۴۰. به زودی همه خواهند فهمید که خداوند در هر عصر با آن‌ها سخن گفته و آیات او نردبانی برای صعود به سوی خدا بوده‌اند.

۴۱. این عصر جدید، عصر نور، روح القدس و رشد معنوی، بازسازی و احیا خواهد بود.

۴۲. این دوران آرزوی دیرینه من برای زندگی در قلب بشریت است، زمانی که همه فرزندان خداوند در پرتو روشنایی به‌صورت متحد، فارغ از تعصبات مذهبی، کنار هم می‌آیند.

۴۳. «عصر سوم» گذار روح انسان از مادی‌گرایی است که باعث برخورد شدید جهان‌بینی‌ها می‌شود.

۴۴. فساد، خودخواهی و دیگر رذایل فرو می‌ریزند تا جای خود را به فروتنی بدهند.

««««هفت دوره تاریخ نجات»»»»

۴۵. هابیل، نماد قربانی، اولین خادم پدر و قربانی‌دهنده، که حسادت علیه او شکل گرفت.

۴۶. نوح، نماد ایمان، سازنده کشتی و رهبر مردم برای نجات، علی‌رغم تمسخر و شک مردم.

۴۷. یعقوب، نماد قدرت، دیدار نردبانی به آسمان و آزمون قدرت و پشتکار.

۴۸. موسی، نماد شریعت، آزادکننده مردم و هدایتگر به سرزمین موعود به‌واسطه ایمان.

۴۹. عیسی، نماد عشق، کلمه الهی و بره معصوم، که زندگی در عشق و فداکاری را آموخت و رحمت آورد.

۵۰. الیاس نماد دوره ششم و روح القدس است که با ارابه آتشین خود نور را به تمام جهان‌ها می‌آورد. این زمان، دوره‌ای است که آموزه‌های پنهان آشکار می‌شوند و شما اکنون در این مرحله زندگی می‌کنید.

۵۱. دوره هفتم تجسم خود پدر است، اوج توسعه و فیض نهایی که در مهر هفتم قرار دارد.

۵۲. اکنون در دوره مهر ششم هستیم؛ پنج مهر گذشته، مهر ششم باز شده و مهر هفتم هنوز مهر و موم شده است. برای رسیدن به مهر هفتم، بشر باید چند اشک تطهیر روح بریزد.

۵۳. کتاب هفت مهر، داستان زندگی و رشد بشر بر زمین است، با تمام مبارزات و در نهایت پیروزی خیر، عدالت، عشق و معنویت بر مادی‌گرایی.

۵۴. ایمان به هدف معنوی و ابدی همه چیز، به شما کمک می‌کند تا به هر درس جایگاه‌شایسته دهید.

۵۵. تا زمانی که نور مهر ششم شما را روشن می‌کند، زمان مبارزه و تطهیر است؛ پس از آن، دوره مهر هفتم با الهامات نوین خواهد آمد و روح پاک‌آماده از آن استقبال می‌کند.

۵۶. کتاب هفت مهر در آسمان گشوده شده و شامل حکمت و داوری است که به واسطه عشق من به بشر آشکار شده است.

۵۷. بشر پنج عصر را زندگی کرده اما معنای عمیق زندگی و سرنوشت خود را درک نکرده بود؛ مانند کتابی مهر و موم شده که نمی‌توانست آن را بفهمد.

۵۸. انسان به طور ناقص زندگی معنوی را درک می‌کرد و از مأموریت والای خود و هدایای روحش آگاه نبود که او را قادر می‌ساخت بر رنج‌ها پیروز شود و به کمال معنوی برسد.

۵۹. لازم بود کتاب الهی گشوده شود تا مردم از تاریکی جهل نجات یابند، اما هیچ انسان یا فیلسوفی جز مسیح نمی‌توانست این کار را انجام دهد، زیرا این کتاب حامل حکمت خدا بود.

۶۰. حتی مسیح نیز باید منتظر می‌ماند تا بشریت آماده پذیرش پیام الهی باشد؛ بشریت باید پنج مرحله آزمون و آموزش طی می‌کرد تا آماده شناخت اسرار شود.

۶۱. شریعت خدا و پیام پیامبران بذری بودند برای حفظ ایمان بشر به وعده‌های الهی نور و عدالت.

۶۲. اکنون زمان وحی بزرگ فرا رسیده که بشریت می‌تواند درک کند کیست، چرا وجود دارد و پدر کیست.

۶۳. به واسطه رشد معنوی و تحمل آزمون‌ها، نور خرد الهی به بشریت تابیده شده و افراد ساده به عنوان صدای خدا سخن می‌گویند.

۶۴. این نور اولیه مانند سپیده‌دم است که نوید روز تازه‌ای را می‌دهد و به زودی نور کامل الهی سایه‌های جهل، گناه و بدبختی را می‌زداید.

۶۵. این زمان، سپیده‌دم ششمین دوره زندگی معنوی بشریت است؛ عصری از نور، وحی و تحقق وعده‌های باستانی که مهر ششم حکمت، عدالت و روشنگری را در روح شما جاری می‌کند.

۶۶. از شاگردانم می‌خواهم فضایل قلب‌شان، لباس‌های پوشاننده برهنگی روح‌شان باشد؛ این پیام روح تسلی‌بخش است.

۶۷. پدر از درد و فساد بشریت آگاه بود. آمدن تسلی‌دهنده نشانه شکستن مهر ششم و آغاز مرحله جدید رشد بشریت است، که در آن هر عمل و زندگی به شدت داوری می‌شود؛ این پایان عصر، نه پایان زندگی است.

۶۸. زمان پایان گناه فرا رسیده و محتوای مهر ششم باید جان‌ها را بیدار و انسان را به هماهنگی با آفرینش برساند. مهر هفتم با بره شکسته خواهد شد و پیروزی حقیقت، عشق و عدالت الهی را می‌آورد.

۶۹. بشریت باید خود را آماده کند تا مهر نهایی باز شود و بتواند وحی‌های نو را بشنود و در برابر رنج‌ها مقاومت کند.

۷۰. کسانی که در برابر آزمایش‌های آن دوران پایدار بمانند، سعادتمند خواهند بود و نیاکان بشریتی نوین شناخته می‌شوند و پاداش خواهند گرفت.

۷۱. وقتی مهر هفتم همراه با دیگر مهرها باز شود، کتاب داوری خدا بر اعمال بشر گشوده خواهد شد و دفتر نو و خالی‌ای باز می‌شود که رستاخیز، رهایی، تجدید حیات و پیروزی خیر بر شر در آن ثبت می‌شود.

فصل۳۹-اسرائیل زمینی و روحانی
««««ماموریت تاریخی اسرائیل،شکست آن»»»»

۱. اگر مردم به شریعت وجدان درونی‌شان پایبند بودند، نیازی به پیامبران، رهبران یا ظهور من در عصر اول و دوم نبود.
۲. قوم برگزیده من به خاطر برتری نبود، بلکه برای نمونه‌ای از تسلیم به خدا و برادری میان انسان‌ها بودند.

۳. این قوم برای اجرای اراده من و حامل وحی‌های من بودند تا بشریت را به یک قوم واحد خداوند تبدیل کنند.

۴. با وجود برگزیده بودن، آن‌ها رنج کشیدند چون معتقد بودند میراث فقط متعلق به خودشان است و سایر ملل بیگانه‌اند. من آن‌ها را موقتاً جدا کردم تا از فساد و مادی‌گرایی در امان بمانند.

۵. وقتی خودخواه و مغرور شدند، به آن‌ها نشان دادم که قدرتشان فریبنده است و ملت‌های دیگر را اجازه دادم به آن‌ها حمله کنند و آن‌ها را به بردگی بکشند.

۶. پدر در عشق خود دوباره خود را به قوم آشکار کرد تا آن‌ها را آزاد کند و رسالتشان را یادآوری نماید. اکنون من آمده‌ام تا آموزه‌های عشق خود را به آن‌ها بدهم؛ تنها چشمان روحانی می‌توانند بنی‌اسرائیل واقعی را ببینند که پذیرای نور روح‌القدس‌اند.

۷. من در ذهن و قلب شما حاضر شده‌ام، زیرا زمان آن گذشته که تنها از طریق مظاهر مادی و معجزه‌ها با شما سخن بگویم.
۸. اکنون فلسطین محل وحی من نیست، بلکه روح شما را می‌جویم؛ قومی که بر اساس بذر معنوی و رحمت من شکل گرفته، نه بر اساس خون.

«««تقسیم قوم یهود به افرادی با تفکر دنیوی و معنوی»»»

۹. پس از رفتن من (عیسی)، لازم بود پدر سرزمینی را که پیش از این به اجداد سپرده شده بود، از دست قوم بیرون بکشد.

۱۰. این سرزمین کنعان نمادی از سرزمین موعود واقعی روح بود. وقتی این میراث از مردم گرفته شد، یهودیان مادی‌گرا بی‌خانمان شدند، اما مؤمنان بدون غم، وفادار به اراده پدر ماندند و فیض جدید کلام او را دریافت کردند.

۱۱. در عصر حاضر، قوم اسرائیل به دو دسته تقسیم شده‌اند: گروهی مادی‌گرا که با ثروت و قدرت خود بر جهان تاثیر می‌گذارند و دیگری مؤمنانی که حضور مرا حس کرده و به دستوراتم وفادارند.

۱۲. ملت مادی‌گرا، با قدرت علمی و جاه‌طلبی خود، گذشته تلخ خود را به خاطر می‌آورد اما اکنون به تحقیر و سلطه بر دیگران مشغول است.

۱۳. اما بخش دیگری از قوم، با ایمان و ثبات، به آیات من باور دارند و دستوراتم را اجرا می‌کنند.

۱۴. این بخش تنها شما نیستید؛ قوم روحانی اسرائیل در سراسر جهان پراکنده‌اند و هر جایی که باشند، عشق و محبت من را دریافت می‌کنند.
در حال حاضر، این افراد از نان روحانی من تغذیه می‌کنند و انتظار می‌کشند، هرچند نمی‌دانند من چگونه و از کجا می‌آیم، اما به حضور من منتظرند.

۱۵. شما که آماده‌اید و آمدنم را به خوبی می‌دانید، نمایندگان ۱۴۴۰۰۰ نفری هستید که از دوازده قبیله قوم برگزیده‌ام، فرماندهانی که قوم عظیم اسرائیل را در مبارزه معنوی «بار سوم» هدایت خواهید کرد.

۱۶. قوم من برای همیشه دچار تفرقه نخواهند بود. زمان تعلیم، نور و آزمایش برای شما آمده، و عدالت و مصائب برای آن‌ها. آن‌ها به تدریج به بیداری روح خواهند رسید، اگرچه ابتدا آمدن سوم مرا انکار خواهند کرد؛ اما تغییر دین آن‌ها نزدیک است. بسیاری از روی ترس و راحتی به سنت‌های قدیمی چسبیده‌اند و از آخرت دوری می‌کنند. من به آن‌ها پیشنهاد می‌کنم: ترک غیرضروریات و تمرین رحمت، عشق و فروتنی.

۱۷. در رویارویی با آن‌ها، هر دو به سلاح‌های خود متوصل می‌شوید: شما به کلمات، دعا و شواهد، آن‌ها به استعدادها، قدرت و سنت. اما من حضور خواهم داشت و عدالت، معنویت و روح پیروز خواهند شد. آشتی قبایل اسرائیل و اتحاد قوم خداوند فرا خواهد رسید.

۱۸. هنگامی که قوم واقعاً آماده شد، مأموریت بزرگ خود را که پدر از آغاز به آن‌ها سپرده به پایان خواهند رساند؛ مأموریت نخست‌زاده بودن، نگهبانی از وحی، رهبری برادران و خواهران، و آوردن همه به دست راست پدر.

«««مردم روحانی اسرائیل»»»

۱۹. وقتی از «قوم اسرائیل» و «قوم خداوند» سخن می‌گویم، منظورم کسانی است که مأموریتی معنوی به زمین آورده‌اند؛ کسانی که شریعت مرا آشکار کردند و به من وفادار بودند. آن‌ها که وجود زنده را دیده، کلام خدا را اعلام و بذر عشق را کاشته‌اند و حضور پدر را در پسر تشخیص دادند. این اسرائیل واقعی است، لشکری وفادار، خردمند و پایبند به قانون و حقیقت.

۲۰. آنانی که پیامبران و فرستادگان مرا آزار دادند، قلبشان را شکستند، و به خاطر نژاد خود را بنی‌اسرائیل می‌نامیدند اما به قوم برگزیده تعلق نداشتند، در حقیقت به «اسرائیل» معنوی، گروه روشن‌ضمیران و سربازان وفادار تعلق ندارند، چراکه اسرائیل نامی معنوی است نه نژادی.

۲۱. هر کسی که بخواهد به قوم من بپیوندد، می‌تواند از طریق عشق، رحمت، غیرت و وفاداری به قانون به این هدف برسد.

۲۲. قوم من مالک کشوری یا قوم خاصی نیست؛ این قوم در همه نژادها و میان تمام مردم نماینده دارد و کسانی که در اینجا به کلام من گوش می‌دهند، تنها بخشی از آن هستند؛ بخش بزرگتری در سراسر جهان پراکنده و بخش اعظم نیز در دنیای معنوی ساکن است.

۲۳. این قوم، مرا می‌شناسند، دوست دارند، از من پیروی کرده و اطاعت می‌کنند.

۲۴. امروز می‌گویم: قوم من در سراسر جهان پراکنده‌اند، آن‌هایی که در آزمایش خردمند، در نبرد شجاع و در سختی‌ها استوارند. با صدای من فراخوانده خواهند شد تا متحد شوند و راه را برای همه مردم رهبری کنند.

۲۵. این قوم شجاع است اما سلاح جنگ و نابودی ندارد؛ پرچمشان صلح، شمشیرشان حقیقت و سپرشان عشق است.

۲۶. هیچ‌کس نخواهد توانست مکان این قوم را کشف کند؛ دشمنانشان سعی در نابودی دارند اما موفق نخواهند شد، زیرا این اتحاد معنوی است و نه فیزیکی.

۲۷. اکنون روح اسرائیل حقیقی در همه جا فعال است، روح‌هایی که حضور مرا حس می‌کنند، منتظر آمدنم هستند و به عدالت و محبت من اعتماد دارند.

۲۸. اگر این کلمات درباره دیگران گفته شود، ممکن است آن‌ها را مسخره کنند؛ اما بهتر است به تمسخر آن‌ها نپردازید، زیرا زمانی خواهند بیدار شد و خواهند فهمید که آن‌ها نیز فرزندان قوم خدا هستند.
۲۹. مردمی که امروز صدای من را می‌شنوند اما کلام مرا مطالعه نکرده و از تفکر مادی-زمینی جدا نشوند، ممکن است گرفتار خطا شوند و همان سرنوشتی را پیدا کنند که قوم بنی‌اسرائیل در روزهای اولیه داشتند؛ قوم محبوب خدا که به اشتباه به خود بیش از حد اعتماد کرد و به مصائب و اسارت دچار شد.
۳۰. عشق من براساس نژاد یا مذهب تقسیم نمی‌کند؛ وقتی از «قوم خود» سخن می‌گویم، به روح‌هایی اشاره دارم که از دیرباز برای روشن کردن راه خدا به زمین فرستاده شده‌اند، یعنی فرستادگان نور برای بشریت.
۳۱. آن‌ها سرگردانانی بوده‌اند که در میان ملل زندگی کردند و آزمون‌های فراوانی را پشت سر گذاشتند، دریافته‌اند که قوانین بشری ناعادلانه و ابراز احساسات انسانی واقعی نیست، و در روح مردم بی‌قراری وجود دارد.
۳۲. قوم خدا بار دیگر در میان مردم ظاهر خواهد شد؛ قوم بزرگی از شاگردان من که برایشان نژاد، خون یا زبان تعیین‌کننده نیست بلکه روح آنان را مشخص می‌کند.
۳۳. این قوم تنها به آموزش نوشتاری اکتفا نخواهد کرد؛ برای زنده بودن کلمات باید آن‌ها را زیست. آن‌ها نه تنها مروج کتاب هستند، بلکه الگو و عمل نیز خواهند بود.
۳۴. امروز شما را از همه چیز غیرضروری، ناپاک و نادرست آزاد می‌کنم تا به زندگی ساده و پاک برسید که روح‌تان بر فراز آن اوج گرفته و از طریق اعمال آن را گواهی می‌دهد.
۳۵. زمانی خواهد رسید که قوم خود را به بشریت عرضه خواهم کرد؛ در این زمان استاد و شاگرد شرمنده یکدیگر نخواهند بود. این رخداد همزمان با جنگ جهانی جهان‌بینی‌هاست که در نهایت معنویت را به عنوان نسیمی از صلح و پرتوی از نور پدیدار می‌کند.
۳۶. قوم من در زمین و دنیای معنوی در حال رشد است. در میان این لشکریان معنوی، کسانی هستند که با پیوندهای خونی به هم مرتبطاند، چه از نسل شما باشند یا نباشند؛ والدین، خواهران، برادران و فرزندان در این پیوندها جای دارند.

۳۷. وقتی می‌گویم قوم من آنقدر زیاد خواهند شد که زمین جای کافی برایشان نخواهد داشت، تعجب نکنید. وقتی آن‌ها را متحد کنم و هیچ فرزندی مفقود نشود، بی‌نهایت جا و نعمت در اختیارشان قرار خواهد گرفت؛ کره‌ای پر از نور و لطف بی‌پایان.
۳۸. در اینجا روی زمین من شما را آماده می‌کنم و از طریق آموزه‌هایم دستورالعمل‌هایی ارائه می‌دهم تا بتوانید به زندگی معنوی نزدیک‌تر شوید. این بشریت تنها بخشی از قوم خداست که باید از این روشنایی‌ها آگاه باشند و در مسیر کمال پیش روند.
۳۹. این پیام الهی که از لب‌های انسانی بیان می‌شود، طبق اراده من به تمامی مردم خواهد رسید. کلام من ناقوسی است که جهان را فرا می‌خواند و مردم را به تفکر درباره معنویت و سرنوشت روح پس از زندگی وامی‌دارد.

«««۱۴۴۰۰۰نفر انتخاب و علامتگذاری شدند»»»

۴۰. برای ادامهٔ کارم در عصر سوم، ۱۴۴۰۰۰ روح را برگزیده‌ام و با بوسه‌ای از نور الهی نشانشان کرده‌ام، نه بر اساس نژاد یا قوم.
۴۱. این نشان، یعنی روح القدس در برگزیدگان قرار دارد تا مأموریت بزرگی را در عصر سوم انجام دهند.
۴۲. داشتن این نشان به معنای مصونیت از خطر نیست، بلکه برعکس، برگزیدگان بیش از دیگران در معرض وسوسه‌ها و آزمایش‌ها خواهند بود، همانطور که دوازده نفر منتخب عصر دوم نیز با شک و وسوسه روبرو بودند، حتی خیانت نیز رخ داد.
۴۳. برگزیدگان باید هوشیار باشند و دعا کنند تا فرو نریزند، اما جدا از وسوسه، خیانت در میان ۱۴۴۰۰۰ نیز ممکن است وجود داشته باشد.
۴۴. نشان سمبل مسئولیت، وظیفه و ماموریت در برابر خداست، تضمینی برای بی‌گناهی نیست؛ این چالشی است برای وفاداری روح به کلام خدا.
۴۵. بسیاری مشتاق داشتن این نشان‌اند، اما این میل باید نه به خاطر احساس امنیت یا غرور، بلکه به خاطر خدمت به بشریت و تحقق مأموریت باشد. این شاگردان جوان باید آزمایش شوند تا یقین یابند کلام من حقیقتی عمیق و بی‌پایه است.

۴۵. نشان، نشانه‌ای نامرئی است که هر کسی آن را با عشق، احترام، غیرت و فروتنی حمل کند، قادر خواهد بود وظیفه خود را به سرانجام برساند. این نشان لطفی الهی است که به او قدرت می‌دهد بر دردها غلبه کند، در آزمون‌های بزرگ روشنایی بگیرد، بینش‌های عمیق دریافت کند و راهی برای پیشرفت روح در هر مسیری که بخواهد باز شود.
۴۶. نشان مانند حلقه‌ای از زنجیر است که دارنده آن را به جهان معنوی متصل می‌کند و وسیله‌ای است که اندیشه و پیام‌های جهان معنوی از طریق آن به جهان شما آشکار می‌شود. بنابراین نشان‌دار پیام‌آور و فرستاده من است و ابزاری برای رساندن اراده من.
۴۷. مسئولیت کسی که کارش با من مشخص شده عظیم است، اما هرگز تنها نیست؛ فرشته نگهبانی همواره در کنار اوست که محافظت، راهنمایی، الهام و تشویق می‌دهد.
۴۸. چه قوی بود آن کسی که با عشق به صلیب خود چسبید و چه سخت و تلخ بود راه آن برگزیده‌ای که حاضر نبود نشان الهی را در «بار سوم» بر خود داشته باشد.
۴۹. به همه شنوندگان صدای من می‌گویم که باید بیاموزند مراقب باشند و دعا کنند، صلیب خود را با عشق حمل کنند و با عدالت و اطاعت عمل نمایند تا زندگی روحانی‌شان درخشیده و بی‌ثمر نماند و بعداً از زمان و فرصت‌های از دست رفته افسوس نخورند.
۵۰. درباره این دستورالعمل چه نشان‌دار باشید چه نباشید، تأمل کنید چون همه شما سرنوشتی دارید که باید در کار من به آن برسید.
۵۱. قبایل «اسرائیل بر اساس روح» بسیار فراوانند؛ از هر قبیله دوازده هزار نفر را انتخاب خواهم کرد و علامتی بر پیشانی آن‌ها خواهم گذاشت، ولی «قوم اسرائیل» تنها به ۱۴۴۰۰۰ نفر محدود نمی‌شود، بلکه بسیار بزرگ و بی‌نهایت است.
۵۲. استاد در «بار دوم» به شما آموخت که بسیاری از مردم فراخوانده شده‌اند اما تعداد کمی برگزیده‌اند؛ اما تمامی «قوم اسرائیل» فراخوانده خواهند شد و من ۱۴۴۰۰۰ نفر را میان آنها انتخاب خواهم کرد که در همه آن‌ها صلح، معنویت و آغاز گفتگوی روح با روح قرار می‌دهم.
۵۳. من پدر جهانی هستم و عشقم بر همه قلب‌ها نازل می‌شود. به سوی همه مردمان زمین آمده‌ام. اگر ملت مکزیک را برای نزول کامل کلام و الهاماتم برگزیدم، به این دلیل بود که آن‌ها را فروتن یافتم و فضایل روحانی را در میانشان کشف کردم و اجازه دادم روح «قوم اسرائیل» در آن‌ها تجسم یابد.

۵۴. هرچند که برخی از برگزیدگان به ملیت یا قوم مشخصی تعلق ندارند و در سراسر جهان پراکنده‌اند. آنان نشانه‌گذاری شده‌اند، چشم‌هایشان باز شده و قلب‌هایشان حساس گردیده و از روحی به روح دیگر با من سخن می‌گویند.

۵۵. در میان بشریت، بخش بزرگی از ۱۴۴۰۰۰ برگزیده که من مشخص کرده‌ام، زندگی می‌کنند. این بندگان در سراسر جهان پراکندگی دارند و وظیفه‌شان دعا برای صلح و تلاش در راه برادری بشر است. آن‌ها یکدیگر را نمی‌شناسند اما سرنوشت مشترک خود را که روشن کردن مسیر دیگران است، به انجام می‌رسانند، برخی شهودی و برخی رانده‌شده با وحی.

۵۶. این افراد که با عشق من نشانه‌گذاری شده‌اند، شاید ساده‌لوح به نظر برسند، اما برخی در جهان محترمند. تنها از طریق زندگی معنوی، آثار و طرز تفکر الهیشان می‌توان آن‌ها را شناخت. نه بت‌پرست‌اند، نه مقدس‌مآب و نه سبکسر؛ حتی ممکن است ظاهراً اهل دینی نباشند، ولی پرستش درونی عمیقی میان روح آن‌ها و روح پروردگار برقرار است.

۵۷. کسانی که با نور روح القدس نشان‌گذاری شده‌اند مثل قایق‌های نجات‌اند؛ آنان نگهبانان، مشاوران و پناهگاه‌اند. من به آن‌ها نور در روح، آرامش، قدرت، شفابخشی، کلیدهایی برای گشودن درهای بسته و سلاح‌هایی برای غلبه بر موانع داده‌ام. نیازی به عناوین دنیوی ندارند تا توانایی‌شان را نشان دهند؛ شاید دانش رسمی نداشته باشند ولی همچون پزشکان روح‌اند؛ قوانین دنیوی نمی‌دانند اما مشاور و هدایتگراند؛ فقیر به نظر می‌رسند ولی عمل خوبی در مسیر زندگی انجام می‌دهند.

۵۸. در میان کسانی که برای دریافت کلام من آمده‌اند، بسیاری فقط برای تأیید مأموریتشان آمده‌اند، زیرا هدایا یا مأموریت معنویشان بر زمین به آن‌ها داده نشده است. حقیقت این است که نوری که هر روح دارد، میوه مسیر طولانی رشد روحی آن است.

۵۹. بشریت ایمان خواهد آورد، کار من در سراسر جهان گسترش خواهد یافت. من با ۱۴۴۰۰۰ نفرِ نشان‌دار شروع خواهم کرد که در زمان اختلافات مذهبی و فلسفی، مطیعانه، با عشق و فداکاری خواهند جنگید.
در بحبوحه این نبرد، آنها مانند حلقه‌ای در یک زنجیر خواهند بود و به جهانیان نه زنجیر بندگی، بلکه اتحادی معنوی با مشخصه آزادی و برادری ارائه می‌دهند. این سربازان آنها تنها نخواهند بود؛ دنیای معنوی من آنها را همراهی و محافظت خواهد کرد. آنها در مسیر خود معجزات انجام خواهند داد و بدین ترتیب به حقیقت من شهادت خواهند.

فصل۴۰-نیروهای خیر و شر
««««منشا خیر و شر»»»»

۱. هنگامی که پدر آفرینش شما را خلق کرد، نخستین پله نردبان بهشت را به شما داد تا در مسیر صعود، فرصت شناخت خالق واقعی خود را داشته باشید. اما تنها تعداد اندکی از این پله نخست پا فراتر گذاشتند و به مسیر تعالی و رشد ادامه دادند! اکثریت در نافرمانی و شورش متحد شدند، موهبت آزادی را به نادرستی به کار گرفتند و به ندای وجدان خود توجه نکردند. آن‌ها خود را در بند ماده قرار دادند و از طریق تجلیات خود، نیرویی شرارت‌آمیز آفریدند که برادران و خواهران خود را نیز به ورطه شری کشانید؛ نبردی خونین میان ضعف و فساد و اشتیاق به پاکی آغاز شد.
۲. گناه اولیه ناشی از اتحاد مرد و زن نبود. من، خالق، این اتحاد را مقدر کرده بودم و به هر دوی آن‌ها گفتم: «بارور و کثیر شوید.» این قانون نخست بود. گناه به سوءاستفاده از موهبت اراده آزاد بازمی‌گردد.
۳. نفس از مقابله با روح می‌ترسد و به وسیله لذت‌های دنیوی تلاش می‌کند آن را مضمحل کند. برای جلوگیری یا به تأخیر انداختن آزادی، وسوسه را هدایت می‌کند چون هر انسان خودش وسوسه‌گر درونی دارد. بنابرین من گفتم که وقتی انسان بر خود غلبه کند، در این نبرد پیروز شده است.
۴. در این دوران که حتی هوا، زمین و آب نیز از اعمال شیطانی بشر مسموم شده‌اند، تعداد کسانی که پاک از شر و تاریکی باشند بسیار اندک است.
۵. ناله بشریت به گوش من می‌رسد؛ ترس کودکان، جوانان، مردان و زنان و سالمندان بلند است؛ فریاد عدالت‌خواهانه‌ای است که طلب صلح و رحمت دارد. بذر عشق در این جهان فاسد شده است؛ و عشق اکنون در اعماق قلب انسان مخفی شده، اما مردم توان کشف آن را ندارند زیرا نفرت، شهوت قدرت، علم و غرور آن را له کرده‌اند؛ نه معنویتی هست و نه رحمت. جام رنج دائماً پرتر می‌شود و جهان آن را تا ته می‌نوشد.
۶. مردم در عطش نان روح، از محرابی به محراب دیگر، از دینی به دینی دیگر و از فرقه‌ای به فرقه دیگر می‌روند، ولی زندگی حقیقی را نمی‌یابند و ناامیدانه به کودتا از خدا و قانون، زندگی میکنند.

۷. اما ای مردم، بدانید در میان شما ارواح بزرگی هستند که من پیامبران و شاگردان روح القدس را در میان آن‌ها کشف می‌کنم. اینان کسانی هستند که چراغ راه معنویت و هدایت را روشن نگه می‌دارند.
۸. در فرقه‌های مذهبی، مردم به وجود نیروی شر اعتقاد دارند و آن را به شکل انسانی تجسم می‌بخشند. آن‌ها قلمروی قدرتمندی برای آن تصور می‌کنند و نام‌های متفاوتی بر آن می‌گذارند. وقتی مردم باور کنند شر نزدیک‌شان است، ترس به سراغ‌شان می‌آید، اما نمی‌دانند که وسوسه ریشه در ضعف‌ها و احساسات درونی دارد که خیر و شر هر دو در درون فرد در جنبش‌اند.
۹. در این زمان، شر در جهان غالب است و نیرویی ایجاد کرده که در همه چیز حضور دارد. در قلمرو معنوی نیز لشکرهایی از ارواح گمراه و ناقص وجود دارند که به شر و انتقام تمایل دارند و این نیرو با شرارت انسانی ترکیب شده و قلمروی شر را می‌سازد.
۱۰. این نیروی شر در «عصر دوم» با عیسی مخالفت کرد و پادشاهی خود را به او نشان داد. جسم حساس من وسوسه شد، اما نیروی معنوی من بر این وسوسه غلبه یافت. من باید فاتح جهان، جسم، وسوسه و مرگ می‌بودم زیرا استادی بودم که به سوی بشر آمدم تا نمونه‌ای از قدرت مطلق الهی باشم.
۱۱. با آرامشی که در درون خود احساس می‌کنی، می‌توانی حضور مرا تشخیص دهی، زیرا هیچ موجودی جز من نمی‌تواند آرامش حقیقی به تو ارزانی دارد. موجودات روحی تاریک از این قدرت بی‌بهره‌اند. این را به تو می‌گویم چون بسیاری از دل‌ها از دام‌های موجود اغواگر می‌ترسند، موجودی که مردم با تخیل خود به او شکل داده‌اند.
۱۲. چقدر وجود شاهزاده تاریکی به شکلی نادرست تفسیر شده است! بسیارند کسانی که به قدرت او بیش از قدرت من ایمان آورده‌اند و چقدر از حقیقت فاصله دارند!
۱۳. شر واقعاً وجود دارد؛ تمامی رذایل و گناهان از آن سرچشمه می‌گیرند؛ یعنی کسانی که شر می‌کنند، همواره وجود داشته‌اند، چه در زمین و چه در جهان‌های دیگر. اما چرا شما همه شر را در یک موجود واحد خلاصه می‌کنید و آن را در مقابل الوهیت قرار می‌دهید؟ بپرسید یک موجود ناپاک در برابر قدرت مطلق من چه جایگاهی دارد و گناه شما در برابر کمال من چه معنایی دارد؟
۱۴. گناه از جهان سرچشمه نگرفته است. هنگامیکه ارواح از جانب خدا آمدند، برخی در نیکی باقی ماندند، اما دیگرانی که از مسیر منحرف شدند، راه متفاوتی که همان شر است، خلق کردند.

۱۵. کلمات و نمادهایی که در گذشته به صورت الهاماتی نمادین به شما داده شده‌اند، توسط بشر غالباً اشتباه تفسیر شده‌اند. دانش شهودی که از ماوراءالطبیعه داشتند، تحت تأثیر تخیل قربانی شده و به این ترتیب علوم، فرقه‌ها، خرافات و اسطوره‌هایی پیرامون قدرت شر شکل گرفت که هنوز ادامه دارد.
۱۶. شیاطین نمی‌توانند از جانب خدا بیایند؛ آن‌ها را ذهن خود ساخته‌اید. تصوری که از آن موجود دارید و با من مخالفت می‌کنید، واقعی نیست.
۱۷. به شما آموخته‌ام که مراقب باشید و دعا کنید تا از وسوسه‌ها و تأثیرات شیطانی که ممکن است از انسان‌ها یا موجودات روحی باشند، رهایی یابید.
۱۸. به شما گفتم روح را بر جسم ارجح بدانید، زیرا جسم موجودی ضعیف است که اگر محافظتش نکنید، در معرض سقوط است. قلب، ذهن و حواس درهای باز هستند و شهوات دنیوی از طریق آن‌ها روح را آزار می‌دهند.
۱۹. اگر موجودات تاریک را همچون هیولا تصور کرده‌اید، من آن‌ها را موجودات ناقصی می‌دانم و دست نجات به سوی‌شان دراز می‌کنم، زیرا آنان نیز فرزندان من هستند.
۲۰. هرگاه کاری نیک انجام می‌دهی، آیا می‌گویی: «من سخاوتمندم، من نیکوکارم»؟ به تو می‌گویم: اگر آن کارها را به نام پروردگارت انجام دهی، فروتن می‌شوی، زیرا نیکی از جانب خداوند است و من آن را به روح تو بخشیده‌ام.
۲۱. هر که نیکی‌های خود را به قلب انسانی خود نسبت دهد، روح و خدای عطا کننده آن فضایل را انکار کرده است.
۲۲. ولی اگر کار بدی کنی، مانند پیلاطس دست‌هایت را می‌شویی و مسئولیت را به گردن خدا می‌اندازی و می‌گویی: «این خواست خدا بود، سرنوشت چنین بود.»
۲۳. می‌گویید هیچ اتفاقی بدون خواست خدا نمی‌افتد تا خود را تبرئه کنید، اما حقیقت این است که اشتباهات و بدبختی‌های شما بدون خواست خدا رخ می‌دهد.
۲۴. بدانید خداوند قادر مطلق هرگز با زورتان نمی‌کند، بلکه این خود شما هستید که با برادران و خواهران ضعیف‌تر خود چنین می‌کنید.
۲۵. راست می‌گویم، شر، ناپاکی و ناهماهنگی از خود شما سرچشمه می‌گیرد؛ عشق، بردباری و آرامش خاطر از جانب خداست.
۲۶. هرگاه عشق بورزی، خالق روحت به تو الهام می‌بخشد؛ هرگاه نفرت ورزی، این ضعف درونی توست که تو را حرکت می‌دهد و نابود خواهد کرد. وقتی بدی در زندگیت رخ می‌دهد، بدان که کار خودت است.

۲۷. اغلب از خود می‌پرسید: چرا خداوند اجازه می‌دهد اینگونه رنج‌ها و سقوط‌ها اتفاق بیفتند؟ آیا او به خاطر گناهان ما درد نمی‌کشد؟ آیا وقتی ما را در حال گریه می‌بیند، خودش نیز نمی‌گرید؟ چرا این همه هزینه را متحمل نمی‌شود تا ما را نجات دهد؟ پاسخ این است که فهم خداوند فراتر از درک ماست. خداوند از بنیاد عشق است؛ تا وقتی که خود ما به عشق نرسیم، نمی‌توانیم او را دریابیم.
۲۸. تا زمانی که عشق در دل خود نگه ندارید، خداوند برایتان رازآلود و دور از دسترس خواهد بود، زیرا سخاوت و مهربانی او فراتر از فهم انسانی است.
۲۹. ریشه در قدرت، بزرگی و خردمندی بگذارید و عشق ورزیدن را بیاموزید. وقتی عشق را در قلبتان شکوفا کنید، دیگر آرزوی بی‌پایه فهم خدا را نخواهید داشت، زیرا حضور او را لمس خواهید کرد و این درک عمیق کافی است.
««««غرور و فروتنی»»»»
۳۰. فروتنی را بهترین دوست و همراه خود بدانید در راه عروج معنوی. دروازه‌های پادشاهی آسمان به روی متکبران بسته است؛ زیرا آنها هرگز نمی‌توانند در حضور روح تاب بیاورند. اما هر گاه فروتن باشید، خود من نخستین کسی هستم که شما را تحسین خواهم کرد و به شما رحمت خویش خواهم بخشید که دروازه ابدیت را باز می‌کند.
۳۱. وقتی احساس قدرت، بزرگی یا برتری می‌کنید، از من دور شده‌اید، زیرا غرور شما صدای فروتنی را خاموش می‌کند. اما وقتی خود را کوچک و جزء ذرات وجود در آفرینش بدانید، به من نزدیک‌تر شده‌اید؛ چرا که در آن فروتنی، مرا دوست داشته و به دنبال شناخت عمق وجود من هستید؛ لحظه‌ای که زمزمه الهی در روح خود می‌شنوید.
۳۲. اگر کسی به درک واقعی از اعمال خود رسیده باشد، غرور کورش نمی‌کند. زیرا می‌داند که وجود این احساس پست و نابجاست و می‌تواند هوش را تاریک کند، پیشرفت را متوقف نماید و در رخوت فرو ببرد.
۳۳. غرور، بسیاری را تباه کرده و فرهنگ‌ها و ملل شکوفا را به نابودی کشانده است.
۳۴. در زمانی که ملت‌ها به انرژی، پشتکار و رشد رو به بالا معتقد بودند، فراوانی و شکوه را تجربه می‌کردند. اما وقتی غرور جای اقدامات نیک را گرفت، و آرمان‌ها به جاه‌طلبی سیری‌ناپذیر برای تسلط بدل شد، بدون اینکه خودشان متوجه باشند، شروع به ویرانی دستاوردهایشان کردند و به ورطه نابودی افتادند.
۳۵. تاریخ انسان مملو است از این تجربه‌ها؛ بر این اساس، شایسته است مردمانی با آرمان‌های بزرگ ظهور کنند، مردمانی که به اعمال نیک خود افتخار نمی‌کنند اما همیشه از راه درست آگاه‌اند. در نتیجه، پیشرفت آن‌ها متوقف نخواهد شد.

۳۶. وقتی با شما سخن می‌گویم، هدفم تنها الهام بخشیدن به اهداف مادی نیست، بلکه می‌خواهم سخنانم را به گونه‌ای بیان کنم که شما بتوانید آن‌ها را در هر دو زمینه مادی و معنوی به درستی درک و به کار گیرید.
۳۷. تکبر نه تنها در زندگی مادی فرد را آزار می‌دهد، بلکه پایه‌های بسیاری از فرقه‌های بزرگ را نیز فرسوده کرده است. هرگاه این گروه‌ها خود را در اوج قدرت می‌دیدند، کسی می‌آمد و آن‌ها را از خواب غفلت بیدار می‌کرد؛ اشتباهات، انحرافات از قانون و حقیقت را برایشان آشکار می‌ساخت.
۳۸. تنها از طریق شناخت حقیقی و پیروی از شریعت من در حضور وجدان است که بشریت قادر به صعود به حیات والا خواهد بود؛ زیرا وجدان، نور من است که کامل، بی‌ابهام و عادلانه است و هرگز گمراه نمی‌شود.
«««خوبی و انسان خیر خواه»»»
۳۹. همه مرا بشناسید تا کسی من را انکار نکند؛ بدانید که هر جا خوبی نمایان شود، من نیز حضور دارم.
۴۰. خوبی هیچ‌گاه با چیز دیگری آمیزش ندارد. خوبی همان حقیقت، عشق، رحمت و فهم است. آن را به وضوح تشخیص دهید تا دچار اشتباه نشوید.
۴۱. هرکس می‌تواند راه خود را برود؛ اما وقتی همه در نقطه‌ای از خوبی به هم برسند، سرانجام یکدیگر را خواهند شناخت و متحد خواهند شد.
۴۲. اما نه زمانی که با تظاهر به خوبی، بدی را بپوشانند و خود را فریب دهند، همان چیزی که در زمان ما بسیار اتفاق می‌افتد.
۴۳. بیش از دو هزار سال است که جمله «صلح بر زمین برای مردمی که حسن نیت دارند» تکرار می‌شود، اما چه زمانی این حسن نیت را به عمل آورده‌اید تا شایسته صلح شوید؟ حقیقتاً به شما می‌گویم که در عمل کاملاً برعکس عمل کرده‌اید.
۴۴. از این رو، شما حق ندارید این جمله را تکرار کنید. امروز با کلمات و دستورالعمل‌های نو آمده‌ام تا آموزه‌های من نه تنها بر ذهن بلکه به قلب و جان شما نفوذ کند و معنای واقعی را آشکار سازد.

۴۵. اگر می‌خواهی سخنان مرا همانطور که به تو می‌دهم تکرار کنی، باید آن‌ها را با احساس قلبی و فروتنی بیان کنی. تا زمانی که این کلمات را در قلبت حس نکنی، تأثیری نخواهند داشت. وقتی این سخنان درونت طنین‌انداز شوند، آن‌گاه من به گونه‌ای به تو پاسخ خواهم داد که تمام وجودت را متحول خواهد ساخت.
۴۶. درود بر انسان‌های نیک‌نیتی که حقیقت را دوست دارند و برای تسلیم شدن در برابر اراده الهی تلاش می‌کنند. کسانی که خود را تحت حمایت من می‌گذارند، ناگزیر حضور مرا در روح و زندگی خود احساس خواهند کرد؛ در مبارزات، نیازها و آزمایش‌هایشان.
۴۷. افراد نیک‌نیت فرزندان وفاداری هستند که از قانون پدر خود پیروی می‌کنند و در راه راست گام برمی‌دارند. هنگامی که رنج می‌کشند، دل خود را با آرزوی بخشش و آرامش به سوی من بلند می‌کنند.
۴۸. آن‌ها می‌دانند که رنج و درد اغلب ضروری است، پس آن را با صبر می‌پذیرند. تنها زمانی که درد طاقت‌فرسا می‌شود، از من می‌خواهند بار صلیبشان سبک‌تر شود و می‌گویند: «پروردگارا، می‌دانم روح من به تطهیر و رنج نیاز دارد. تو بهتر از من می‌دانی که به چه چیزی نیاز دارم. پس بگذار اراده تو بر من جاری شود.»
۴۹. خوشا به حال کسانی که با این ذهنیت دعا می‌کنند، زیرا آنان به دنبال روشی هستند که از استاد خود آموخته‌اند تا در آزمون‌های زندگی خود بهره‌مند شوند.
««««شر،کسی که شر او را فرا گرفته است»»»»
۵۰. در این دوران، نفوذ شر در جهان بیش از خیر است. نیروی غالب بشریت، شر است که از خودخواهی، دروغ، شهوت، غرور، شکوه، تخریب و تمام احساسات پست سرچشمه می‌گیرد. این عدم تعادل اخلاقی منشأ بسیاری از بیماری‌ها و رنج‌های انسان‌هاست.
۵۱. بسیاری از مردم سلاحی برای مقابله با این نیروها ندارند و در زندگی بدون نور معنوی، شادی سالم و تلاش برای خوبی، گرفتار شده‌اند.
۵۲. حتی وقتی انسان‌ها فکر می‌کنند که در اوج دانش هستند، ممکن است در پرتگاه سقوط باشند و آن را ندانند.
۵۳. من از ابتدا سلاح‌هایی برای مبارزه با شر به بشر داده‌ام؛ سلاح‌هایی که می‌توانند در برابر نیروهای تاریکی مقاومت کنند. اما انسان‌ها اغلب از این سلاح‌ها خودداری کرده و نبرد شر علیه شر را برگزیده‌اند؛ نبردی که هیچ کس در آن پیروز نخواهد شد و همه شکست میخورند.

۵۴. نوشته شده است که شر در نهایت پیروز نخواهد شد؛ این بدان معناست که در پایان زمان خشونت و آشوب، پیروزی نهایی از آن خوبی و نور خواهد بود.
۵۵. اگر از من بپرسید بشریت را با چه سلاح‌هایی برای مقابله با شر مجهز کرده‌ام، پاسخ می‌دهم: دعا، پشتکار در پیروی از شریعت، ایمان به کلام من و عشق به یکدیگر. این‌ها سلاح‌هایی است که در دست هر انسانی وجود دارد تا نور را در برابر تاریکی نگه دارد.
۵۶. شر در میان بشر، قوم من، رشد کرده و نیکی، فضیلت و عشق در برابر هجوم بیماری‌ها، بدبختی‌ها و تاریکی‌ها گاهی ضعیف شده‌اند. بذر فساد دل‌های نیکان را آلوده کرده، باعث لغزش برخی شده و شمار مؤمنان را کم کرده است؛ زیرا شر قدرت زیادی بر بشریت گرفته است.
۵۷. اما من به دلیل اراده آزادی که به شما داده‌ام، اجازه داده‌ام این اتفاق بیفتد؛ زیرا در پشت همه این تاریکی‌ها و گمراهی‌ها، نوری الهی وجود دارد که هرگز از بین نخواهد رفت؛ جوهره اصلی و روحی که بوسه‌ای است پاک از پدر و مهر الهی که من به وسیله آن همه فرزندانم را در مسیر مبارزه فرستادم. با این نشانه، هیچ کدام از این روح‌ها گم نخواهند شد.
«««نبرد بین خیر وشر»»»
۵۸. شما شگفت‌زده می‌شوید که خدایی هست که همه اعمال شما را ثبت می‌کند، نام‌ها و کارهایتان را ضبط می‌کند، و این که چگونه یک روح انسانی می‌تواند این همه قدرت برای شرارت در خود داشته باشد و چطور می‌تواند وجدان خود را خاموش کند تا صدای خدا را نشنود. بسیاری از این روح‌ها در این سیاره مسیر طولانی و پایدار شرارت را پیموده‌اند.
۵۹. کسانی که با اراده آزاد خود در برابر عشق و عدالت من ایستادگی کردند، من از این نافرمانی آن‌ها استفاده کرده‌ام تا آن‌ها را به بندگان عدالت خود تبدیل کنم. هر فکر، کلام و عملشان ابزاری بود برای تحقق عدالت؛ چه نسبت به خودشان و چه به دیگران.
۶۰. اما حکومت شر هیچ‌گاه به طور کامل بر بشریت فرمانروایی نکرده است، زیرا حتی در زمان‌های تاریکی و فساد، افرادی بودند که به من وفادار ماندند و آموزه‌ها و شریعت مرا پیروی کردند. هرگز کشمکش میان خیر و شر از ابتدا قطع نشده و همواره ادامه داشته است.

۶۱. تاکنون در این مبارزه، نیروی شر به نظر پیروز آمده است. به همین دلیل من ناچار شدم خود را به صورت فیزیکی در میان شما ظاهر کنم، صدای شما شوم، کنار شما بایستم و ایمان و امید شما را دوباره زنده کنم. به یاد آورید که هرگز دروغ نگفته‌ام و هرگز نباید اصولی را که در درون شما نهاده‌ام تغییر دهید؛ این راه نیکی و عشق حقیقی است.

۶۲. نور من چگونه غبار تاریکی دنیا را می‌پراکَنَد؛ من با انسان‌ها مبارزه می‌کنم، اما نه با تنشان، بلکه با شر در قلب‌هایشان. نیروی عشق و نور را به کسانی می‌دهم که با ایمان از من پیروی می‌کنند. آنها خواهند گفت: «بیایید اژدهایی را که ما را به گناه و توهین به خدا می‌کشاند جستجو کنیم» اما آن اژدها را در کوه‌ها، دریاها یا جنگل‌ها نخواهند یافت؛ زیرا آن شر در قلب انسان‌هاست و آنجا رشد کرده تا بر زمین حکمرانی کند.

۶۳. هرگاه شمشیر نورانی من قلب انسانی را لمس کند، خشونت و شر در آن قلب رفته‌رفته تضعیف و نابود خواهد شد. آن انسان در نهایت خواهد گفت: «پروردگارا، به رحمت بی‌کران تو، آن اژدهای ترسناکی که در نظر داشتم، شکست دادم، بدون آنکه بدانم آن را در قلب خود حمل می‌کردم.»

۶۴. هنگامی که خرد الهی در همه انسان‌ها بدرخشد، دیگر کسی جرات نخواهد کرد نیکی را به بدی بدل کند یا جاودانگی را با زودگذری عوض نماید. گناه تنها از جهل و ضعف ناشی می‌شود، و خرد الهی نیرویی است که انسان‌ها را در برابر این‌ها مقاوم می‌کند.

«««وسوسه ها و اغواها»»»

۶۵. بشریت در درختان زیادی میوه می‌چیند؛ اما بسیاری از آن‌ها از نفرت، خودخواهی، شهوت قدرت و غرور سرچشمه گرفته‌اند. میوه این درختان، مرگ، خونریزی و ویرانی است که حتی آزادی عقیده، اندیشه و بیان را به سرقت می‌برد. این قدرت‌های تاریکی هستند که علیه نور قیام می‌کنند و سعی دارند آزادی معنوی فرد را ربوده و تاریک کنند.

۶۶. اسرائیل عزیز، زمانی خواهد رسید که سخنوران بدخواه و خودخواه ظهور می‌کنند تا به نام من، عیسی، دروغ بگویند و از این طریق به منافع مادی خود برسند. این «رهبران» و «پیامبران» دروغین، با سخنانشان سعی خواهند کرد شما را از راه نور و حقیقت منحرف کنند. هوشیار باشید و فریب این تقلیدها را نخورید.

۶۷. دعا کنید و بدانید که اکنون زمان برانگیختن نیروهای تاریک توسط عدالت و نور من است. در این دوران دشوار، حتی برخی موجودات تاریکی به شکل موجودات نور در میان شما ظاهر می‌شوند تا شما را گمراه کنند. اما من نور خود را به شما می‌دهم تا راهتان روشن بماند و فریب کسانی که به نام من اغوا می‌کنند را نخورید.

۶۸. این فریبکاران صرفاً موجودات نامرئی نیستند، بلکه در قالب انسان‌هایی ظاهر می‌شوند که آموزه‌های دروغین را به نام نور به شما عرضه می‌کنند، گرچه با آموزه‌های حقیقی من در تضاد هستند. به آنان گوش ندهید و از آن‌ها دوری کنید.

۶۹. پادشاهی من قدرتمند است؛ اگر اجازه داده‌ام که قدرت تاریکی و شر ظاهر شود، به خاطر آن است که قدرت و توانایی من را ثابت کنم. من از این تاریکی‌ها به عنوان ابزاری برای آموزش و آزمایش شما استفاده می‌کنم. شما باید یاد بگیرید در میان ظلمات، نور و حقیقت مرا بشناسید.

۷۰. من شما را آزمایش می‌کنم تا مسیر رشدتان را مسدود نکنم. منتظر روزی هستم که پس از جنگ‌ها و مبارزات زنده و رشد یافته، پر از نور تجربه‌های معنوی و قلبی پرشایستگی، به سوی من آیید و با فروتنی چهره‌تان را بالا بگیرید و پدر را در لحظه‌ای که بوسه الهی‌اش را به شما می‌زند، ببینید؛ بوسه‌ای که سرشار از شادی و کمالات روح است.
«««جنایات اخلاقی»»»

۷۱. مردم، شما درگیر انکار شرارت خود و ادعای بزرگی هستید؛ در حالی که عیب‌هایتان را پنهان می‌کنید. کسی که در ظاهری بزرگ‌منشانه خود را شایسته ستایش می‌داند، از نظر معنوی فقیر است. و کسانی که به جای اصلاح خود، به خطاهای دیگران بدگویی می‌کنند، ریاکارند و از عدالت و حقیقت فاصله گرفته‌اند.

۷۲. قاتل فقط کسی نیست که جان جسم را بگیرد، بلکه کسانی که با تهمت و بی‌رحمی قلب دیگران را می‌شکافند و ایمان و احساسات آنان را نابود می‌کنند، قاتل روح هستند. بسیاری از این قاتلان روح آزادانه زندگی می‌کنند، بدون زندان و زنجیر.
۷۳. از اینکه چنین سخنانی می‌گویم تعجب نکنید؛ زیرا در میان شما خانه‌های ویران‌شده، زنانی فاسد و کودکانی بی‌پدر وجود دارد. این وضعیت به خاطر نادیده گرفتن وظایف و تعهدات به خانواده و جامعه به وجود آمده است. چگونه می‌توان انتظار داشت در چنین قلب‌هایی محبت و عشق وجود داشته باشد؟ آیا کسی که موجب این نابودی است، جز جنایتکار کسی می‌تواند باشد؟
۷۴. شما به شر عادت کرده‌اید تا جایی که کسانی که سلاح‌های جدید مرگبار می‌سازند را تحسین می‌کنید؛ زیرا می‌توانند میلیون‌ها نفر را در لحظه‌ای نابود کنند و به آنها دانشمند می‌گویید! پس عقل شما کجاست؟ انسان تنها با ذهن بزرگ و پایبندی به حقیقت است که می‌تواند واقعی بزرگ باشد.
«««ناتوانی و گذرا بودن شر»»»
۷۵. فساد انسان و قدرت شر برای شما عظیم و ترسناک جلوه می‌کند، اما من به شما می‌گویم که در برابر قدرت عدالت و الوهیت من، ضعیف و ناچیز است. من پروردگار سرنوشت، زندگی، مرگ و همه آفریده‌هایم.
۷۶. تنها موجودی قادر مطلق مانند من است که می‌تواند جایگاه خدایی داشته باشد. آیا بر این باورید که خدایی علیه من قیام خواهد کرد؟ هیچ چیز از هیچ به وجود نمی‌آید.
۷۷. من هر چیز هستم؛ بی‌زاده، آغاز و پایان، آلفا و امگا.
۷۸. آیا می‌توانید تصور کنید کسی که من آفریده‌ام بتواند به مقام خدا برسد؟ همه آفریده‌ها محدودیت دارند و کسی که می‌خواهد خدا باشد، باید بی‌مرز و محدودیت باشد. کسانی که آرزوی قدرت و جاه‌طلبی دارند، در تاریکی غرور خود غرق شده‌اند.
۷۹. به شما می‌گویم که هیچ قدرتی نمی‌تواند با عشق من مقابله کند. دشمنان بی‌مایه‌اند، نیروهای مخالف ضعیف و اسلحه‌هایشان در برابر حقیقت و عدالت شکننده‌اند.
۸۰. نبرد نیروی خیر و شر همچنان ادامه دارد، اما نور همواره بر تاریکی پیروز خواهد شد.

۸۰. نبرد میان نیروهای شر و عدالت الهی ممکن است برایت بی‌پایان به نظر برسد، اما در برابر ابدیت، همچون لحظه‌ای کوتاه خواهد بود. گناهان گذشته‌ات تنها لکه‌ای کوچک در برابر فضیلت و عدالت عاشقانه من هستند که همه را برای همیشه پاک خواهد کرد.

««««قدرت بخشش»»»»

۸۱. از همه شما که اینجا هستید، می‌پرسم: کی در درون خود برمی‌خیزید، یکدیگر را دوست می‌دارید و توهین‌های متقابل را می‌بخشید؟ کی صلح واقعاً در زمین برقرار خواهد شد؟
۸۲. بخشش، نیرویی قدرتمند است که از عشق من سرچشمه می‌گیرد و در آموزه من جای دارد. این نیرو قادر است شر را به خیر و گناهکاران را به پرهیزکاران تبدیل کند.
۸۳. بیاموزید که بخشش چیست و آغازگر صلح واقعی در دنیای خود خواهید بود. اگر لازم است هزار بار ببخشید، باز هم این کار را انجام دهید. آیا نمی‌دانی که آشتی در زمان مناسب، تو را از درد و رنج رهایی خواهد بخشید؟
۸۴. به یاد بیاور چگونه من، در هنگام صلیب، جلادانم را بخشیدم، برکت دادم و شفا دادم. این نمونه را در طول زندگی دشوار خود دنبال کنید و به کسانی که بدی کردند، برکت و نیکی دهید. کسی که این راه را پیروی کند، شاگرد من است و دردهایش کوتاه خواهد بود، زیرا نیروی من در لحظات سخت همراهش خواهد بود.
۸۵. یکدیگر را ببخشید تا خود و کسانی که به شما ستم کردند، آرامش یابید. نفرت و کینه را از دل خود پاک کنید، زیرا با این کار راز آرامش را یافته‌اید و مانند رسولان حقیقت من زندگی خواهید کرد.

فصل۴۱-ارتباط بین دنیا و آخرت
«««الهام و حمایت از دنیای معنوی»»»

۱. همه شما در مسیر کمال معنویید، بعضی جلوتر، برخی در پی شما خواهند آمد.

۲. ارواح بزرگی که با عشق و تلاش رشد کرده‌اند، در جستجوی هماهنگی و خدمت به دیگران هستند و عشق عظیمی به خدا و شما دارند.

۳. این ارواح به فعالیت مداوم باور دارند، چون در آفرینش همه چیز در حرکت و تعادل است و آن‌ها از خدمتشان خوشحالند.

۴. شاید حالا تأثیر آنان را درک نکنید، اما اگر حساس باشید، پیام‌ها و کمک‌هایشان را خواهید دید.

۵. این ارواح محترم به قوانین خدا پایبندند و به چیزی که برایشان نیست دست نمی‌زنند تا نظم خلقت را به هم نزنند.

۶. برعکس، برخی انسان‌ها بدون احترام به آموزه‌های الهی، با دانش نادرست، دروازه‌های نیروهای مخرب طبیعت را باز می‌کنند.

۷. چه زمانی انسانها یاد خواهند گرفت که به حکمت جهان معنوی گوش دهند و هدایت پذیری را بپذیرند؟

۸. پذیرش این حقیقت شما را به قله کمال می‌رساند، جایی که ارواح پاک قدم به قدم شما را تا نزد خدا همراهی می‌کنند.

۹. این ارواح نیز با اراده آزاد آفریده شده‌اند، نشانه عشق خدا به فرزندانش.

۱۰. شما هرگز تنها نیستید؛ نور و تشویق من همیشه همراه شماست. من برای هر فرد، موجودی معنوی از نور فرستاده‌ام که مراقب قدم‌هایتان است؛ اینان فرشتگان نگهبان شما هستند، که در تنهایی و خطرها همراهتان‌اند.

۱۱. هرگز نسبت به چنین موجوداتی ناسپاس نباشید و به پیام‌هایشان گوش دهید، زیرا بدون حمایت آنان، مقاومت در برابر دشواری‌های زندگی بسیار سخت است. آن‌ها از آینده شما آگاه‌اند و پاسدار شما هستند.

۱۲. تا زمانی که معنویت‌تان عمیق نشده باشد، مبارزه این نگهبانان برای حفظ شما دشوار است، زیرا سهم کمی در یاری به آنان دارید.

۱۳. اگر آگاهی‌تان نسبت به حضور پشتیبانان نامرئی افزایش یابد، پشیمان خواهید شد که تا امروز آن‌ها را بیش از حد به زحمت انداخته‌اید.

۱۴. شادی بزرگی نصیب آنان خواهد شد وقتی ببینند شما قدر تلاش‌ها و الهاماتشان را می‌دانید و هماهنگ با تعالی خود هستید.

۱۵. در وادی معنوی، خواهران و برادران و دوستان فراوانی دارید که شاید نمی‌شناسید.

۱۶. وقتی دانش معنوی جهانی شود، مردم به اهمیت این موجودات معنوی پی خواهند برد و مشیت الهی را تحسین خواهند کرد.

۱۷. اگر ایمان استوار داشتید، به دنبال تجربه فیزیکی حضور امر روحانی نبودید و با درک لطیف روح، جهان اطرافتان را درک می‌کردید.

۱۸. آن موجودات معنوی هیچ فاصله یا مانعی را احساس نمی‌کنند و همواره با شما همراه‌اند، زیرا بالاترین سرنوشت انسان، رشد و کمال روح است.

۱۹. فاصله میان شما و خدا یا موجودات معنوی، مادی نیست بلکه معنوی است؛ ناشی از عدم آمادگی و صفا برای دریافت الهامات الهی است.
۲۰. هرگز این فاصله را بین خود و استاد یا دنیای روح ایجاد نکن تا همیشه از برکات عشق الهی بهره‌مند شوی و دنیای روح را در قلبت حس کنی.
۲۱. متأسفانه بشریت امروز فاصله بزرگی با زندگی معنوی گرفته، به گونه‌ای که خدا و پادشاهی آسمان را دور و دست‌نیافتنی می‌داند.
۲۲. اما هر ذهن انسانی تحت تأثیر دنیای معنوی است، حتی اگر این را انکار کند.
۲۳. هیچ کس نمی‌تواند ثابت کند که دریافت افکار و ارتعاشات موجودات معنوی و دیگران برای ذهن انسان غیرممکن است؛ این حقیقتی پذیرفته نشده است.
۲۴. این وحی به بشریت ارائه می‌شود؛ وقتی منتشر شود، دل‌ها با شادی آن را خواهند پذیرفت و در برابر مخالفان سرسختی نیز روبرو خواهد شد.
۲۵. کافران نمی‌توانند جلوی نور پادشاهی معنوی را بگیرند؛ قدرت خلاق و حیات‌بخش خدا بر همه جهانی است و هیچ کس از نفوذ آن خارج نیست.
۲۶. من با روح، روان و عقل شما سخن می‌گویم، اما شما هم پیام‌ها و الهامات از سطوح مختلف وجود دریافت می‌کنید؛ همانطور که منبع حضور روحتان را نمی‌دانید، نمی‌دانید چه کسانی به طور نامرئی بر آن تأثیر می‌گذارند.

««««ارواح بدخواه وسرگردان»»»»

۲۷. زمان کنونی با گذشته متفاوت است؛ شما در هرج و مرج عناصر مرئی و نامرئی رها شده زندگی می‌کنید. بیدار نباشی شکست می‌خوری و مسلح باشی باید بجنگی!
۲۸. هزاران چشم نامرئی شما را زیر نظر دارند؛ برخی برای آسیب رساندن و برخی برای محافظت از شما.

۲۹. لشکرهای بزرگی از ارواح سرگردان با استفاده از جهل و ناآگاهی مردم به بشریت حمله می‌کنند؛ مردم به سلاح عشق مجهز نیستند و به همین دلیل در برابر این حملات آسیب‌پذیرند.
۳۰. آموزه‌های معنوی من آمده تا به شما بیاموزد چگونه خود را برای پیروزی در این نبرد آماده کنید.
۳۱. دنیای نامرئی تأثیراتی بر ذهن، احساسات و اراده انسان‌ها می‌گذارد و آن‌ها را به بردگان و ابزارهایی تبدیل می‌کند، اما مردم از درک این حقیقت سر باز می‌زنند.
۳۲. برای آغاز نبرد، باید تاریکی نابود شود تا نور در بشریت طلوع کند و همه متحد شوند و از طریق دعا به جنگ این نیروهای تاریکی بروند.
۳۳. بدون اطلاع مردم، بسیاری از ملت‌ها تسلیم این تاثیرات شده‌اند؛ بیماری‌های ناشناخته به مردم آسیب زده و دانشمندان را سردرگم کرده‌اند.
۳۴. بشریت رنج و درد فراوان دارد؛ فقدان دعا، اخلاق و معنویت باعث جذب موجودات ناپاک و آشفتگی شده است.
۳۵. کسانی که فریب خورده و آسیب دیده‌اند، ممکن است فقط تاریکی و سردرگمی به شما بازگردانند؛ آن‌ها می‌توانند انتقام و سرزنش کنند.
۳۶. موجودات تاریکی مانند ابرهای طوفانی بر بشر سایه می‌افکنند، افکار و قلب‌ها را آشفته می‌کنند؛ اما بسیاری نمی‌دانند چگونه از سلاح‌های محافظتی استفاده کنند یا حتی نمی‌دانند آن‌ها را دارند.
۳۷. هرچند بشریت بزرگی خود را تحسین می‌کند، در مقابل دنیای موجودات معنوی کوچک است و آن‌ها با قدرت بر مسیر بشر نفوذ می‌کنند، اما انسان‌ها آن را حس نمی‌کنند.
۳۸. کسی که در گناه زندگی می‌کند، لشکری از موجودات تاریکی را جذب می‌کند که اثرات منفی فراوانی بر جای می‌گذارند.

۳۹. اگر می‌توانستید «دره معنوی» را ببینید، جایی که موجودات مادی‌شده‌ای ساکن‌اند که پس از زندگی چیزی برای سفر معنوی نگرفته‌اند، خرد می‌شدید؛ و نه اینکه خدا را سخت بگیرید، بلکه به بی‌تفاوتی و سردی خود نسبت به روح‌تان پشیمان می‌شدید.

۴۰. خداوند اجازه داده که این موجودات گاهی خود را در زندگی شما نشان دهند تا دریابید که آن‌ها در جهانی تاریک و بی‌نور زندگی می‌کنند، بی‌شباهت به زیبایی‌های معنوی که قبلاً داشتند.

۴۱. لشکریان ارواح سرگشته که در جهان پرسه می‌زنند، اغلب پیام‌هایی برای بیداری شما دارند؛ آنها می‌خواهند شما چشمان‌تان به واقعیت باز شود، توبه کنید و خود را تجدید کنید تا پس از مرگ تنهایی و پوچی‌شان را تجربه نکنید. حتی تاریکی نیز به نور تبدیل می‌شود، و تجلیات معنوی به زودی بر شک و تردید بشریت غلبه خواهند کرد.

۴۲. برای کسانی که از دنیا می‌روند دعا کنید؛ همه راه معنوی را پیدا نمی‌کنند یا به سرعت آرامش نمی‌یابند.

۴۳. برخی ارواح در دنیای معنوی تحت توهم زندگی مادی هستند، برخی در پشیمانی، برخی بی‌حس و گیر کرده‌اند، و برخی به دلیل وابستگی به دنیای مادی و روان‌بستگی نمی‌توانند پیش روند.

۴۴. اجازه دهید ارواحی که هنوز در دنیا بی‌قرارند از دارایی‌ها و وابستگی‌های مادی رها شوند تا بتوانند روح خود را به بی‌نهایت ارتقا دهند و میراث حقیقی را بیابند.

۴۵. وقتی وارد «دره معنوی» می‌شوید، تسلی و آرامش عمیقی خواهید یافت که مورد استقبال آن ارواح قرار می‌گیرید و بابت رحمتی که به آن‌ها نشان داده‌اید، قدردانی می‌شوید. شادی بزرگی در دیدن نور درونی آن‌ها نصیب شما خواهد شد.

۴۶. اما اگر با لشکر موجودات سردرگم و تاریک برخورد کنید و بدانید که انتظار محبت و عملی عاشقانه از شما داشته‌اند و آن را نثارشان نکرده‌اید، درد بزرگی خواهید کشید.

۴۷. به شما می‌گویم که همان‌طور که با انسان‌ها با عشق و رحمت رفتار می‌کنم، با کسانی که در آخرت کفاره گناهان خود را می‌دهند نیز با مهربانی و دلسوزی برخورد می‌کنم؛ نور خود را برای رهایی آن‌ها از پریشانی و خود-اتهامات می‌فرستم تا آنها بتوانند به نور و دانش دست یابند و به نیکوکاری و حمایت برادران و خواهران خود تبدیل شوند.

««نبرد ارواح برای تسخیر روح انسان ها»»

۴۸. فراتر از زندگی مادی، دنیایی از ارواح نامرئی وجود دارد که برای فتح روح شما با یکدیگر می‌جنگند.

۴۹. این نبرد ناشی از تفاوت مراحل رشد روحی است؛ موجودات نور آرمان‌هایی چون عشق، صلح و کمال را دنبال کرده و راه بشریت را روشن می‌کنند، ولی موجودات دل‌بسته به مادی‌گرایی و خودخواهی با مبهم ساختن ذهن و کورکردن قلب‌ها، اراده انسان را به بردگی می‌گیرند تا بر او تسلط یابند و بشریت را ابزار اهداف خود کنند.

۵۰. در حالی که سپاهیان نور تلاش می‌کنند با عشق، کمک و مشاوره به بشریت خدمت کنند، دشمنانی بدون نور معنوی نیز خستگی ناپذیر در میان انسان‌ها فعالیت می‌کنند تا بر جهان سلطه یابند، مردم را برده کنند و حکومت جاودانه خود بر زمین را حفظ کنند؛ هدفی کاملاً متضاد با پادشاهی معنوی.

««««ارتباط با دنیای ارواح الهی»»»»

۵۹. ای شاگردان عزیز، بیدار شوید و زمانه‌ای که در آن زندگی می‌کنید را بشناسید. بدانید که عدالت الهی من غیرقابل نفوذ است و هیچ موجودی نخواهد توانست دروازه‌های رحمت و زندگی پس از مرگ را که برای شما گشوده‌ام، ببندد. پیام‌های نور، امید و خرد از آن جهان‌ها بی‌وقفه به بشریت خواهد رسید.
۶۰. من به شما اجازه داده‌ام که به طور مختصر با موجودات آخرت ارتباط برقرار کنید؛ این در پیش‌تر توسط من تایید نشده بود چون شما و آنان برای آن آماده نبودید، اما اکنون در این زمان باز شده و تحققِ وعده‌های پیامبران و من است.
۶۱. در سال ۱۸۶۶، این در نامرئی به روی شما گشوده شد و واسطه‌های ارتباطی با ارواح نور، انتخاب شدند تا پیام‌هایشان را به بشریت برسانند.
۶۲. پیش از آن سال، موجودات روحانی در میان ملت‌ها ظاهر شدند و پیشرو آمدن من بودند.
۶۳. اگر امروز مردم احساسی‌تر و بازتر بودند، بارها پیام‌هایی از دنیای ارواح دریافت می‌کردند و پیوسته حضور موجودات روشنایی را که برای بیداری بشریت تلاش می‌کنند مشاهده می‌کردند و هیچ‌گاه تنها نبودند.
۶۴. برخی آن عالم را «نامرئی» یا «ماورای دنیوی» می‌نامند، زیرا ایمان کافی برای دیدن آن ندارند و بدبختی‌های انسانی سبب شده احساس بیگانگی و دوری از آن جهان در دلشان باشد.
۶۵. شگفت‌زده می‌شوی وقتی موجودی معنوی خود را به تو نشان می‌دهد، اما نمی‌اندیشی که تو نیز خودت را به طرق مختلف، حتی در جهان‌های دیگر، آشکار می‌سازی.
۶۶. جسم تو از اتحاد روح در لحظات دعا با خدا و برادران و خواهران معنوی بی‌خبر است؛ و نمی‌تواند حضور خدایی را که در آن لحظات نزدت می‌آید درک کند.
۶۷. همچنین نمی‌دانی که در هنگام خواب و استراحت، روح تو بر اساس رشد و معنویت خود از بدن جدا شده و به دیدار مکان‌های دور و حتی قلمروهای معنوی می‌رود که ذهنت توان تصورشان را ندارد.

۶۸. این افشاگری‌ها را غیرمنتظره ندانید، زیرا نزدیک به پایان اعصار هستید؛ دورانی که تحول عظیمی را برای بشریت رقم خواهد زد.

۶۹. آرزومندم که ذهن‌های پاک شما پلی باشد برای ارتباط با برادران و خواهرانتان در قلمرو معنوی، تا بتوانید یکدیگر را بهتر درک کنید. این زبان همدلی و محبت، نه تنها به آنها سود می‌رساند بلکه الهامات و حمایت‌های آنان نیز راهنمای قوی‌تری در زندگی شما خواهد بود تا به سوی من پیش روید.

۷۰. خود را به سوی معنویت سوق دهید و حضور مهربانانه موجودات روحانی را در زندگی‌تان تجربه کنید؛ نوازشی همچون مادر که فرزندش را مهربانانه در آغوش می‌گیرد و گرمی و نصایحی شبیه پدری که باید راهش را پیش گیرد.

۷۱. وقتی این حقیقت آشکار شود که موجودات معنوی در این اثر خود را نمایان کرده‌اند، ممکن است این اثر توسط جمعی نقد شود؛ اما نگران نباشید، زیرا مخالفان تنها کسانی خواهند بود که هنوز در تاریکی جهل‌اند.

۷۲. چقدر رسولان و پیامبران خداوند بارها تحت تاثیر موجودات نورانیت یافته‌اند و با جهان سخن گفته‌اند، بدون آنکه مردم از این حقیقت آگاه باشند. و چه بسا که خود شما بارها بدون دانستن تحت تاثیر اراده آن موجودات معنوی بوده‌اید؛ این واقعیتی است که همواره وجود داشته و اکنون برای شما تصدیق شده است.

۷۳. اگر فقط از روی کنجکاوی به دنبال ارتباط با زندگی پس از مرگ باشید، حقیقت را نخواهید یافت؛ اگر از روی غرور یا خودخواهی قدم بردارید، وحی حقیقی دریافت نخواهید کرد. تنها با احترام، دعای خالص، عشق، رحمت و تعالی معنوی است که روح شما پرواز خواهد کرد و به منازل معنوی خواهد رسید، جایی که اراده من باشد.

۷۴. این فیض و آرامشی است که روح القدس به شما عطا کرده تا باور کنید مرگ و جدایی وجود ندارند و هیچ مخلوقی در زندگی ابدی نمی‌میرد. در این "عصر سوم"، شما قادر خواهید بود موجودات عزیز از دست داده‌تان که در این دنیا رفته‌اند را در آغوش معنوی خود بگیرید و بار دیگر با عشق به آنها متصل شوید.

۷۵. بسیاری از شما با کمک «کارگران» من با آن موجودات تماس برقرار کرده‌اید. اما به راستی، به شما می‌گویم، این روش کاملی برای برقراری ارتباط نیست و زمان آن نزدیک‌تر می‌شود که روح‌های مجسم و غیرمجسم بتوانند بدون استفاده از هیچ وسیله مادی یا انسانی، یعنی از طریق الهام، از طریق موهبت حساسیت معنوی، وحی یا شهود، با یکدیگر ارتباط روح به روح برقرار کنند. چشمان روح شما حضور زندگی پس از مرگ را درک خواهد کرد.
پس از آن، قلب شما قادر خواهد بود جلوه‌های زندگی موجوداتی را که در «دره معنوی» ساکن هستند، احساس کند، و سپس شادی روح شما، و همچنین دانش و عشق شما به پدر، عظیم خواهد بود.

76. آنگاه خواهید دانست که حیات روح شما چیست، کیست و که بوده است، با شناخت خود، بدون اینکه خود را در محدوده‌های محدودی مانند آنچه که با بدن‌هایتان مطابقت دارد، ببینید. زیرا پدر به شما می‌گوید: اگرچه ماده فیزیکی شما واقعاً کوچک است، روح شما چقدر به روح الهی من شباهت دارد!

۱. وقتی به دیگران اجازه می‌دهی همان درد و مشکلاتی را تجربه کنند که خودت ایجاد کرده‌ای، این باعث می‌شود آن‌ها بهتر بفهمند و پشیمان شوند.

۲. اگر نمی‌خواهی درد بکشی، با توبه و انجام کارهای خوب بدهی‌هایت را جبران کن. این یعنی حق دیگران را ادا کنی و آرامش پیدا کنی.

۳. عدالت خدا متفاوت از تصور ماست، ممکن است خیلی جدی‌تر و کامل‌تر باشد.

۴. تو انتخاب می‌کنی که کدام مسیر را انتخاب کنی؛ آزادی عمل داری.

۵. اگر فقط قانون قصاص قدیمی را می‌خواهی، نتایجش را هم ببین که چطور مردم را گرفتار می‌کند.

۶. عدالت خدا ممکن است همین الان و در زمین اتفاق بیفتد و تو دقیقا همان وضعیتی را تجربه کنی که قبلاً دیگران را در آن گذاشتی.

۷. اگر می‌خواهی بهتر باشی، دعا کن، کمک بخواه و با عشق به دیگران کمک کن تا بدهی‌های روحی‌ات را ادا کنی.

۸. خدا گناهان را می‌بخشد، اما تو باید آنها را جبران کنی تا روحات پاک شود.

۹. حتی کوچک‌ترین لکه‌های قلب شما پاک خواهند شد، اما هر کس باید خودش این لکه‌ها را بشوید. به یاد داشته باش که با همان معیاری که دیگران را قضاوت می‌کنی، خودت هم سنجیده می‌شوی.

۱۰. خداوند فقط نیت نیک را می‌پذیرد؛ هرچقدر هم که هدایا بزرگ باشند، اگر از دل پاک نباشند ارزشی ندارند. پول و ثروت قادر نیستند لکه‌های روح را پاک کنند.

۱۱. توبه واقعی یعنی پشیمانی، جبران و اصلاح گناهان با فروتنی. قربانی‌های واقعی برای خدا، کارهای دل و روح پاک است، نه هدایا و مراسم ظاهری.

««««قانون آشتی»»»»

۱۲. خداوند بارها به شما فرصت داده تا اشتباهات‌تان را جبران کنید و پاک شوید، نه اینکه شما را مجازات کند.

۱۳. اگر ایمان به این آموزه‌ها داری، نباید از انجام وظیفه‌ات در زمین سر باز بزنی؛ چون با این کار فقط سختی و کفاره روحات بیشتر می‌شود.

۱۴. هر فرصتی برای جبران اشتباهات، با آزمایش‌ها و سختی‌های بیشتر همراه است، تا وقتی که گناهان جدی‌تر شده‌اند.

۱۵. مسئولیت اصلی شما این است که بدهی‌ها و گناهان خود را جبران کنید. هیچ کس جز خودتان این کار را نمی‌تواند انجام بدهد، ولی خدا همیشه در کنار شماست و در لحظات تنهایی به شما کمک خواهد کرد.
خلاصه این که، خداوند با مهربانی و فرصت‌های پی در پی می‌خواهد شما را به سوی پاکی و عشق هدایت کند، اما بهای این پاکی، تلاش و مسئولیت فردی شماست.

۱۶. تنها عشق و عدالت خداوند است که می‌تواند کسانی را که گرسنه و نیازمندند محافظت کند. فقط خداست که می‌تواند کسی را که جان خود را گرفته است بپذیرد و با عدالت کامل رفتار کند.

۱۷. اگر انسان‌ها می‌دانستند که ترک روح از تن در این دنیا چقدر وحشتناک است، تا آخرین لحظه زندگی‌شان با صبر و شجاعت مقاومت می‌کردند.

۱۸. خدا هیچ‌یک از فرزندانش را نابود نمی‌کند، حتی اگر آنها را آزرده باشند. او همیشه فرصتی برای جبران و بازگشت می‌دهد؛ اما هر کس باید با نتایج اعمالش روبرو شود، و این نتایج هستند که او را راهنمایی و قضاوت می‌کنند.

««««علت بلا ها و مصیبت ها»»»»

۱۹. خدا علت همه دردها و بلاهای مردم را می‌داند چون از آغاز تاریخ شاهد رفتارهای انسان‌ها بوده است.

۲۰. از ابتدا تا به حال، حسادت، مادی‌گرایی و تمایل به قدرت باعث شده انسان‌ها به جان هم بیفتند و به جای توجه به روح، فقط به جسم و مادیات اهمیت دهند. وقتی زندگی زمینی تمام شود، تنها آنچه از آدم‌ها باقی می‌ماند، نتیجه افعالشان است، نه دارایی‌ها یا مقام‌شان.
۲۱. اگرچه تمدن پیشرفت کرده، اما انسان‌ها از معنویت، پاکی و نزدیکی به خدا دورتر شده‌اند. این فاصله باعث می‌شود هر روز بیشتر در ضعف و رنج فرو روند. اما اکنون زمان آن است که به سوی قانون الهی قدم بردارند.
۲۲. مشکلات و آزمایش‌هایی که در زندگی تجربه می‌کنی، تصادفی نیستند بلکه خداوند آن‌ها را فرستاده تا تو شایستگی پیدا کنی. هیچ چیز بدون اراده او رخ نمی‌دهد.
۲۳. بیدار باش و دعا کن تا بفهمی هر آزمایش چگونه می‌تواند تو را قوی‌تر کند و کفاره‌ات را کوتاه‌تر سازد. صلیب بار زندگی را با عشق حمل کن و خدا به تو کمک خواهد کرد تا با صبر آن را تحمل کنی.

۲۴. وقتی مردم در شادی‌ها و خودخواهی‌های خود خدا را فراموش می‌کنند و حتی انکارش می‌کنند، چرا هنگام مواجهه با درد و رنج، ناامید می‌شوند و ادعای نبود خدا می‌کنند؟

۲۵. انسان‌ها جرأت گناه کردن را دارند و از راه خدا منحرف می‌شوند، اما وقتی نوبت به پرداخت بدهی‌ها و کفاره می‌رسد، ترسیده و از این کار فرار می‌کنند. خداوند در ضعف‌ها و ناتوانی‌ها حمایت می‌کند، اشک‌ها را پاک می‌کند و فرصت‌های تازه‌ای برای بازگشت به راه درست به انسان‌ها می‌دهد.

۲۶. خدا آمده تا دوباره نان و شراب زندگی را برای جسم و روح بیاورد تا با همه آفریده‌های خدا هماهنگ باشیم.

۲۷. راه خدا پر از صفا و فضیلت است، اما راه انسان پر از مشکلات، درد و رنج.

۲۸. کسی که فکر می‌کند راه خدا سخت و پر از رنج است، اصل داستان را نمی‌داند. رنج‌ها و مشکلات برای کسانی است که از راه درست منحرف شده‌اند و حالا باید پیامدهای گناهان خود را تحمل کنند.

۲۹. چرا درد و رنج را انتخاب کردی؟ چرا فرمان خدا و ماموریتی که به تو داده شده بود را فراموش کردی؟ به جای این که قانون خدا را دنبال کنی، قانون خودت را جایگزین کردی و حالا باید نتایج تلخ آن را تحمل کنی؛ جنگ، ناامیدی و دروغ‌هایی که تو را خسته و ناامید کرده است. و حتی بعد از این زندگی، بار گناهانت با تو خواهد بود و رنج روحی‌ات بسیار زیاد خواهد بود.
۳۰. هر چه زودتر گناهانت را کنار بگذار، قانون خدا را اجرا کن و به سمت او بیا. از کسانی که به آن‌ها بد کردی طلب بخشش کن و بقیه را به خدا بسپار، چون اگر واقعاً بخواهی با عشق زندگی کنی، زمان زیادی نخواهی داشت.
۳۱. اگر در دلت غم و درد ناشی از خیانت داری، پیش خدا بیا که تو را می‌فهمد.
۳۲. در آرامش باش و در دعا بفهم که آیا خودت باعث آن ستم‌ها بوده‌ای یا نه. سپس دیگران را که در عشق و اعتماد تو خیانت کرده‌اند ببخش.

۳۳. به تو اطمینان می‌دهم وقتی کسی که به تو بدی کرده را ببخشی، آرامش عمیقی در وجودت حس خواهی کرد. در آن لحظه، روح تو و روح من یکی می‌شوند و من پوشش و بخشش خود را بر هر دوی شما گسترده خواهم کرد تا در عشق خود جای دهم.
۳۴. من برای هر روح، پادشاهی صلح و کمال فراهم کرده‌ام؛ اما این پادشاهی در برابر دنیایی قرار دارد که بر غرور، تکبر، حرص و خودخواهی استوار است. پادشاهی من از طریق فروتنی، عشق و فضیلت به دست می‌آید.
۳۵. در تمامی زمان‌ها، دنیا با پادشاهی من مخالفت کرده است. کسانی که راه من را می‌روند، تحت تهدید نیروهای مرئی و نامرئی قرار دارند و دچار وسوسه و سختی می‌شوند.
۳۶. این اولین بار نیست که برای رسیدن به من، از میان دشواری‌ها و رنج‌ها عبور کرده‌ای؛ شکسته شدن و لغزش در راه رسیدن به من، بارها و بارها در درون تو رخ داده است.
۳۷. الهام درون من وجود تو را روشن می‌کند و نبردی را میان نور و تاریکی، فضیلت واقعی و کاذب، حقیقت و فریب‌های دنیا به راه می‌اندازد.
۳۸. هر دردی که به خاطر من متحمل شوی، برکت دارد و تو را برای همیشه شایسته‌تر می‌کند.

««««ایمان،تسلیم و فروتنی در آزمایش ها»»»»

۳۹. زندگی انسان یک آزمون روح است که در آن پاک می‌شود و رشد می‌کند. باید ایمان به خالق و عشق به سرنوشت داشته باشی تا بتوانی با صبر صلیب زندگی را تا رسیدن به هدف نهایی ادامه دهی.
۴۰. بدون ایمان به حیات ابدی، انسان در برابر مشکلات ناامید می‌شود؛ بدون هدف‌های والا، در مادی‌گرایی غرق می‌گردد؛ و بدون تحمل، دچار ناامیدی و سقوط می‌شود.
۴۱. باید صلیب زندگی خود را دوست داشته باشی؛ زیرا اگر در برابر آن قیام کنی، زخمی عمیق در قلبت ایجاد می‌کند. من صلیب خود را به عشق شما می‌نامم، ای کسانی که دوست داشتنتان را دارم.

۴۲. ایمان، فداکاری و فروتنی در پذیرفتن آنچه که من برایت مقدر کرده‌ام، مسیر رنج را کوتاه می‌کند. زیرا در این صورت فقط یک بار باید آن مسیر را طی کنی. اما اگر در برابر آزمایش‌ها شورش، نارضایتی یا کفرگویی کنی، رنج بیشتر و طولانی‌تر خواهد شد و مجبور می‌شوی دوباره به آن مسیر بازگردی تا درس‌های لازم را بیاموزی.
۴۳. آزمایش‌هایی که انسان‌ها در این زمان با انتخاب خود برای خود ایجاد می‌کنند، بسیار سخت هستند، اما برای رستگاری و رشد ضروری‌اند.
۴۴. عدالت الهی در مورد هر انسانی اجرا خواهد شد تا حساب اعمال هر مخلوق به درستی پرداخت شود.
۴۵. بسیار مهم است که انسان معنای واقعی کفاره معنوی را درک کند و بداند که روح گذشته‌ای دارد که فقط خدا می‌داند. این آگاهی کمک می‌کند تا جام رنج را با عشق، صبر و احترام بپذیرد و حتی شادی کند، زیرا این رنج‌ها لکه‌های گذشته و حال را پاک می‌کنند، بدهی‌ها را تسویه می‌کنند و شایستگی را در برابر عدالت الهی افزایش می‌دهند.
۴۶. هیچ تعالی معنوی بدون پذیرش رنج و درد با عشق و احترام به عدالت الهی امکان‌پذیر نیست. تسلیم شدن به آنچه که هر فرد باید آن را بپذیرد، تنها راه رسیدن به دانش قانون جبران معنوی است.

«««معنی درد ورنج»»»

۴۷. اگر زندگی و آزمایش‌ها را فقط به شانس و تصادف نسبت دهی، قدرت تحمل دشوار می‌شود؛ اما وقتی درک کنی کفاره، عدالت و جبران چیست، اراده، ایمان و تسلیم لازم برای غلبه بر بحران‌ها را خواهی یافت.
۴۸. اراده من این است که روح تو را از راه‌های مختلف آزمایش کنم و آن را شکل دهم و کامل سازم. من از همه چیز و همه کس، صالح یا شرور، نور یا تاریکی به عنوان ابزار استفاده می‌کنم. پس وقتی خودت را در شرایط دشوار می‌بینی، به من، استاد خود، و محبت من فکر کن که دائماً در راهنمایی تو هستم.
۴۹. همه باید جام‌هایی را بنوشند، بعضی زودتر و بعضی دیرتر، تا مرا بشناسند و دوست داشته باشند. بدبختی، بیماری، تهمت و بی‌آبرویی از تلخ‌ترین جام‌ها هستند که تنها نمی‌باید گناهکاران آن‌ها را تحمل کنند.

۵۰. هر چیزی که در اطراف تو هست، برای تطهیر روحت و رشد توست، هرچند همه این را درک نکرده‌اند. نگذار درد و رنجی که می‌کشی بی‌ثمر باشد؛ از آن نور بگیر، نوری که همان خرد، ملایمت، قدرت و حساسیت است.
۵۱. ای شاگردانم، بدانید که رنج، تنه‌های بد و ناسالم را از دل شما بیرون می‌کند، به شما تجربه می‌دهد و به اصلاح خطاهایتان کمک می‌کند.
۵۲. پدرتان شما را از طریق رنج آزمایش می‌کند تا فهم‌تان روشن شود؛ اما اگر معنای درس‌های حکیمانه را نفهمید و بیهوده رنج ببرید، درد شما بی‌معنی است و درسی نخواهید گرفت.
۵۳. مردم فریاد می‌زنند: «اگر خدا رحیم و مهربان است، چرا صالحان باید از دست بدکاران رنج بکشند؟»
۵۴. فرزندانم، بدانید که این جهان فقط برای رستگاری فردی آفریده نشده؛ بلکه همه ما بخشی از یک کل هستیم.
۵۵. آیا یک عضو سالم در بدن انسان وقتی دیگر اعضا بیمارند رنج نمی‌برد؟
۵۶. این تمثیل مادی است تا رابطه بین افراد و تأثیرشان بر همدیگر را بفهمید. خوبان باید بخاطر بدکاران رنج بکشند؛ البته اگر برای پیشرفت برادران خود تلاش نکنند، بی‌گناه نیستند. هر فرد مسئول بخشی از روح خداست و قدرت کمک به دیگران را دارد.
۵۷. آموزه‌هایم را درست تفسیر کنید؛ فکر نکنید من از رنج شما خوشحالم یا می‌خواهم شما را از خوشی‌ها محروم کنم. من آمده‌ام تا شما را به شناخت و رعایت قوانینم سوق دهم تا سعادت و آرامش ابدی نصیبتان شود.
۵۸. هرچند زندگی روی زمین ممکن است دشوار باشد، اما نیازی نیست همیشه در رنج و اشک باشید. می‌توانید تلاش کنید زندگی‌تان را دلپذیر و زیبا کنید و به تعادل برسید؛ این آرامش در زندگی پس از مرگ را آسان‌تر می‌سازد.

۵۹. اگر می‌توانستید این زمین را از دره‌ای از اشک به دنیایی از شادی تبدیل کنید، جایی که یکدیگر را دوست داشته باشید، جایی که برای انجام کارهای نیک تلاش کنید و در چارچوب قانون من زندگی کنید، به راستی، به شما می‌گویم، این زندگی در نظر من حتی شایسته‌تر و شریف‌تر از وجودی پر از رنج، بدبختی و اشک خواهد بود، هر چقدر هم که تمایل شما برای تحمل آنها زیاد باشد.

۶۰. شاد باشید که هیچ دردی تا ابد دوام نمی‌آورد؛ رنج‌های شما موقتی هستند و خیلی زود می‌گذرند.

۶۱. زمان کفاره و تطهیر برای کسی که با دید معنوی به آزمایش‌ها نگاه می‌کند، زودگذر است؛ با این حال، برای کسی که کاملاً در مادیات غرق شده است، آنچه در واقع خیلی زود تمام می‌شود، مدت زیادی طول خواهد کشید.

۶۲. همانطور که ضربان قلب شما از بین می‌رود، زندگی انسان نیز در ابدیت از بین می‌رود.

۶۳. دلیلی برای ترسیدن وجود ندارد، زیرا همانطور که کسی آه می‌کشد، اشک می‌ریزد یا کلمه‌ای می‌گوید، رنج‌های انسانی نیز می‌گذرند.

۶۴. در پرتو لطف بی‌کران خداوند، تمام درد و اندوه شما باید به هیچ تبدیل شود.

فصل۴۳-بیماری،شفا و تجدید حیات

««««منشا و معنای بیماری»»»»

۱. وقتی کسی نماز و اعمال نیکش را ترک می‌کند و از راه نیکی منحرف می‌شود، قدرت اخلاقی و معنوی‌اش را از دست می‌دهد و در برابر وسوسه‌ها آسیب‌پذیر می‌شود. این ضعف راه را به سوی گناهان باز کرده و قلب را بیمار می‌کند.

۲. من همچون پزشکی بالای سر بیمار آمدم و با تمام محبت و مراقبتم او را در آغوش گرفتم. نوری که می‌آورم مانند آب تازه‌ای بر لب‌های خشک او بود. هنگامی که مرهم عشق من را بر پیشانی‌اش حس کرد، گفت: «خدایا، تنها رحمت تو می‌تواند مرا نجات دهد. روحم بیمار است و مرگ زودتر از آنکه فکر کنم به سراغم خواهد آمد.»

۳. به او گفتم: «نخواهی مرد، چون من حیات هستم و آمده‌ام تا هر آنچه از دست داده‌ای را بازگردانم.»

۴. کسانی که در بیماری و ضعف هستند و نمی‌توانند تلاش کنند، شایستگی‌های بزرگی دارند اگر بیاموزند با صبر و تسلیم، فروتنی در برابر اراده خدا داشته باشند و دردشان را با برکت من پیوند دهند. این الگوهای ایمان و صبر، چراغی می‌شود برای قلب‌های ناامید و تاریک که به سوی خدا باز می‌گردند.

۵. اگر چنین افراد در مسیر خود نمونه‌ای از ایمان و امید ببینند که از عمق رنج و صلیبشان سرچشمه می‌گیرد، قلبشان توسط نور حقیقت لمس خواهد شد.

۶. چون قادر به شنیدن صدای روح خود نبودند، نوری معنوی را از ایمان و نمونه دیگران دریافت می‌کنند که آن‌ها را هدایت می‌کند.

۷. هرگز تسلیم نشو، خود را شکست‌خورده ندان، و در برابر بار رنج خم نشو. نگه دار همیشه چراغ ایمان و عشق را روشن، چرا که این همان چیزی است که تو را نجات می‌دهد.

««««شفا به خودی خود»»»»

۸. شما از من شفای خود را می‌خواهید؛ اما به راستی کسی بهتر از خودت نمی‌تواند تو را درمان کند.

۹. اگر از گناهان، رذایل و خطاهای خود دست نکشی، شفای واقعی و رفع دردهای تو ممکن نیست، چرا که درد و بیماری‌ها ناشی از گناهان هستند. بنابراین، باید با گناه بجنگی و خود را از آن پاک کنی تا سالم بمانی. من در این راه راهنمای تو هستم و کمک می‌کنم، اما وظیفه‌ی اصلی بر دوش توست.

۱۰. هنگامی که از طریق وجدان خود علت رنجات را کشف می‌کنی و تمام تلاش خود را برای مبارزه با آن انجام می‌دهی، قدرت الهی را که در نبرد همراهت است و تو را به آزادی معنوی می‌رساند، به‌گونه‌ای کامل احساس خواهی کرد.
۱۱. چه رضایت‌بخش است وقتی بدانی که به واسطه شایستگی‌های خودت از درد رهایی یافته‌ای و آرامش یافته‌ای. در آن لحظه خواهی گفت: «پدر من، کلام تو بشارت شفای من و درس تو نجات من بود.»
۱۲. مرهم شفابخش حقیقی که تمامی بیماری‌ها را درمان می‌کند، از سرچشمه عشق می‌آید.
۱۳. وقتی با روح، قلب و ذهن خود عشق بورزی، نه تنها قدرت شفای بیماری‌های جسمی و تسکین رنج‌های کوچک انسانی را می‌یابی، بلکه توانایی درک و روشن کردن اسرار معنوی و آرام ساختن اضطراب‌ها و عذاب وجدان‌ها را نیز خواهی داشت.
۱۴. این مرهم بزرگ، آزمایش‌های سخت را حل می‌کند، نور را می‌افروزد، دردها را تسکین می‌دهد و زنجیرهای محدودکننده را می‌شکند.
۱۵. کسی که علم خود را رها کرده، با تماس با این مرهم به سلامت و زندگی بازمی‌گردد؛ روحی که از آن جدا شده، با کلام محبت‌آمیز برادری که آن را می‌خواند بازخواهد یافت.
۱۶. درد را از زندگی‌ات بیرون کن! زندگی‌ای که من آفریده‌ام پر از درد نیست.
۱۷. چشمانت را بالا ببر و زیبایی آثار من را کشف کن. خود را آماده کن تا کنسرت الهی را بشنوی؛ خود را از شرکت در این جشن محروم نکن. اگر خود را منزوی کنی، غمگین، رنجور و بیمار خواهی ماند.
۱۸. می‌خواهم شما نت‌های هماهنگ در کنسرت کیهانی باشید، تا بفهمید که از چشمه حیات منشا گرفته‌اید و در هر روح نوری از من جاری است. چه زمانی هنگام بلوغ، خواهید گفت: «پدر، روحم، اراده و زندگی‌ام را به روح خودت تسلیم می‌کنم»؟
۱۹. بدانید تا زمانی که حواس شما بیمار است و روحتان خودخواهانه از مسیر درست منحرف شده، قادر به بیان این سخن نخواهید بود.
۲۰. شما ممکن است در ترس از بیماری یا خود بیماری زندگی کنید، اما یک بیماری جسمی در مقابل گناه روح چه اهمیتی دارد؟ هیچ‌چیز اگر روح بتواند برخیزد، با فرمان رحمت من همیشه کمک خواهید یافت.
۲۱. همانطور که خون در رگ‌هایت جاریست و بدن را به حرکت درمی‌آورد، قدرت خدا نیز چون جویباری حیات‌بخش در روح تو جاری است. اگر این قدرت را داشته باشی، دلیلی برای بیماری نخواهد بود.

۲۲. ای کسانی که افکار، دل‌ها و بدن‌های بیمار دارید، استاد به شما می‌گوید: از روح خود که فرزند قادر مطلق است، دعا کنید تا شما را به راه راست بازگرداند، رنج‌هایتان را التیام بخشد و در لحظات ضعف یاری‌تان کند.

««««تجدید انسان»»»»

۲۳. با تکبر، آن ضعفی که حتی در نخستین انسان نیز بروز کرد، باید از طریق معنویت مبارزه کرد. این مبارزه همواره میان روح و جسم انسان جریان داشته است؛ چون روح مشتاق ذات پدر و تعالی ابدی است، اما جسم به دنبال رضایت و خشنودی‌های زودگذر است، حتی به قیمت آسیب به روح.

۲۴. این نبرد که در هر فرد نمایان می‌شود، نیرویی است که از تأثیرات جهان بر فرد پدید می‌آید، زیرا جهان مادی خواهان همان چیزهایی است که با طبیعت خود فرد هماهنگ است.

۲۵. اگر نفس قدرت هدایت خود را در مسیر درست داشته باشد، می‌تواند هر دو طبیعت (روح و جسم) را هماهنگ کند و به پیشرفت و عروج روح برسد. اما اگر نفس زیر سلطه جسم قرار گیرد، در دام شر افتاده و مانند قایقی بی‌سکان در طوفان خواهد بود.

۲۶. کافران و شکاکان نمی‌توانند به دنیایی پر از عدالت ایمان بیاورند و وجود زندگی‌ای سرشار از عشق و فضیلت روی زمین را تصور کنند؛ ایشان خود را ناتوان از انجام کارهای خیر می‌دانند و به خود ایمان ندارند.
۲۷. اما من به تو ایمان دارم؛ بذر نیکی و عشق را که در هر فرزندم نهاده‌ام می‌شناسم، چون آنها را آفریدم و از طریق عشقم به زندگی رساندم.
۲۸. من به بشریت امید دارم، به رستگاری و شایستگی آن ایمان دارم، چون وقتی انسان را آفریدم، مقدر کردم که او بر زمین سرور باشد و مکانی از عشق و صلح بیافریند. همچنین مقرر کردم که روح او در مبارزات زندگی قوی شود و بتواند از طریق شایستگی و تلاش به پادشاهی کمال که میراث ابدی اوست دست یابد.

فصل۴۴-زندگی به معنای الهی
«««تعادل لازم»»»

۱. سرنوشت هر کس از پیش با وظایف معنوی و انسانی او تعیین شده است، و این دو باید هماهنگ باشند و در راه هدف واحد تلاش کنند. من نه تنها کارهای معنوی، بلکه اعمال مادی تو را نیز بررسی می‌کنم، چرا که در آن‌ها شایستگی‌هایی می‌بینم که به روح تو کمک می‌کند به من نزدیک‌تر شود.
۲. تاکنون غرور انسان باعث شده جنبه معنوی را نادیده بگیرد و همین نادیده گرفتن، مانع رسیدن او به کمال شده است.
۳. تا زمانی که انسان قوم قوای جسمانی و روحی خود را هماهنگ نسازد، قادر نخواهد بود تعادل واقعی زندگی را بیابد.
۴. شاگرد: گرچه در دنیا زندگی می‌کنی، می‌توانی زندگی معنوی داشته باشی؛ معنویت یعنی هماهنگ کردن قوانین انسانی با قوانین الهی، نه رویگردانی از آنچه برای جسم مناسب است.
۵. خوشا به حال کسی که قوانین مرا بیاموزد و بیاموزد چگونه آن‌ها را با قوانین بشری ترکیب کند، زیرا این فرد سالم، قوی، سخاوتمند و شاد خواهد بود.
۶. من از تو نمی‌خواهم از وظایف دنیوی و لذت‌های سالم قلب و حواس دست بکشی، بلکه فقط می‌خواهم از آنچه که روح تو را مسموم و جسمت را بیمار می‌کند کنار بکشی.
۷. کسی که در چهارچوب قانون زندگی می‌کند، بر طبق آنچه وجدانش تجویز می‌کند، رفتار می‌کند. اما کسی که از لذت‌های مجاز چشم‌پوشی می‌کند و به دنبال لذت‌های ممنوعه است، حتی در زمان اوج لذت هم آرامش و شادی واقعی نمی‌یابد. او مدام از لذتی به لذت دیگر می‌رود و در نهایت در پرتگاه گمراهی سقوط خواهد کرد، بی‌آنکه رضایت حقیقی قلب و روح خود را بیابد.
۸. برخی باید تا آخرین قطره، جامی را که در آن به دنبال لذت بودند، بنوشند بدون آنکه لذت واقعی بیابند، تا صدای دعوت پیوسته به ضیافت حیات ابدی را بشنوند و به سوی آن روی آورند.
۹. دانشمندی که بی‌ادبانه میوه‌هایی از درخت دانش را می‌چیند بدون گوش دادن به ندای وجدانش که در آن قانون عشق و حکمت خداوند را می‌شنود و می‌داند همه میوه‌ها برای خیر همسایه است، نمی‌تواند به درک واقعی حکمت برسد.

۱۰. مثال‌هایی که زدم به شما نشان می‌دهد چرا بشریت نه عشق واقعی و نه آرامش آن بهشت درونی را که باید به علت اطاعت از قوانین الهی در قلب خود داشته باشد، نمی‌شناسد.
۱۱. برای کمک به شما در یافتن این آرامش، به گناهکاران، ناسپاسان، نافرمانان و مغروران می‌آموزم که شما دارای روح و وجدان هستید، قادر به قضاوت درست میان خوب و بد می‌باشید، و مسیری را به شما نشان می‌دهم که به بهشت آرامش، خرد، عشق بی‌پایان، جاودانگی و شکوه همیشگی هدایت می‌کند.
۱۲. مردم همیشه آموزه‌های مرا درست تفسیر نمی‌کنند. من هرگز به شما نیاموختم که از لذت‌های سالم و ثمرات نیکویی که قوانینم تأیید می‌کند، چشم‌پوشی کنید. بلکه فقط آموختم که به دنبال چیزهای غیرضروری و فاسد نروید و از آن‌ها به عنوان میوه‌هایی مفید برای روح و بدن استفاده نکنید. من همیشه چیزهایی را توصیه کرده‌ام که به روح و قلب شما خدمت می‌کند و در چارچوب قوانین من است.
۱۳. رسیدن بشریت به بلوغ معنوی زمان زیادی لازم داشت. شما همیشه گرفتار دو افراط بوده‌اید: مادی‌گرایی که شما را از هدف روح منحرف می‌کند، و ریاضت شدید که هر آنچه به این زندگی تعلق دارد را نفی می‌کند. من شما را به این جهان فرستادم تا مانند انسان زندگی کنید و تعادل «آنچه از قیصر است به قیصر و آنچه از خداست به خدا» را بیاموزید.
۱۴. من این جهان را با تمام زیبایی و کمالش آفریدم و بدن انسان را به تو دادم تا توانایی‌هایی را که برای رسیدن به کمال به تو بخشیده‌ام پرورش دهی.
۱۵. پدر نمی‌خواهد شما خود را از خیرهای این دنیا محروم کنید، اما نباید بدن را برتر از روح بدانی چون بدن فانی است و روح جاودانه.
«««ثروت مبارک و بدبخت»»»
۱۶. اگر اراده من این باشد که تو مالک ثروت دنیوی شوی، آنها را به تو می‌دهم تا با برادران و خواهران فقیر و نیازمندت تقسیم کنی. بسیاری هستند که هیچ چیز مادی ندارند اما گنجینه‌های معنوی فراوانی در دل دارند که می‌توانند به تو بخشند.

۱۷. من می‌خواهم همه چیز مال تو باشد، اما می‌خواهم تو به آگاهی و تدبیر استفاده کنی؛ بدانی چگونه از نظر روحی غنی باشی و با احترام و تقدیر واقعی، از همه چیز در زندگی استفاده کنی تا بتوانی از نظر مادی هم ثروت زیادی داشته باشی.
۱۸. چگونه روح یک فرد بسیار ثروتمند می‌تواند آسیب ببیند در حالی که ثروتش برای خیر و منفعت دیگران است؟ و چگونه یک فرد قدرتمند می‌تواند در عین حال که ذهنش می‌داند چه زمان باید به دعا و ارتباط با من بپردازد، آسیبی ببیند؟
۱۹. نگو: «پروردگارا، من کسانی که تو را دنبال می‌کنند را فقیر می‌بینم اما در میان کسانی که حتی نام تو را به زبان نمی‌آورند، فراوانی و خوشی می‌بینم.»
۲۰. قوم من نباید فکر کند که هر کسی که پیرو من است باید در دنیا فقیر باشد، اما آرامشی که کسانی که به آموزه‌ها گوش می‌دهند و بخشی از زندگیشان را به نیکی اختصاص می‌دهند دارند، آن چیزی است که ثروتمندان دنیا نمی‌توانند با تمام دارایی‌هایشان به دست آورند.
۲۱. بعضی بلدند همزمان از خوبی‌های دنیا و خوبی‌های روح قدردانی کنند.
۲۲. کالاها کالا هستند و باقی خواهند ماند، اما همه نمی‌دانند چگونه از آنها درست استفاده کنند. همچنین بدان که بسیاری از چیزهایی که مردم دارند، من به آنها نداده‌ام؛ بعضی به صورت غرامت گرفته‌اند و برخی به سرقت برده‌اند.
۲۳. بهترین انگیزه برای انجام وظایف زندگی، آرامش درونی است، نه صدای ریزش پول در جیب‌ها.
۲۴. وقتی می‌گویم: «بخواهید و داده خواهد شد»، بسیاری از شما چیزهای دنیوی می‌خواهید، اما چقدر کم از من درخواست می‌کنید! بالاترین خواسته‌ها باید برای خیر و رشد روح شما باشد. گنج‌هایتان را روی زمین ذخیره نکنید که دزد دارد. در پادشاهی من ذخیره کنید؛ آنجا امنیت و شادی واقعی برای روح شماست.
۲۵. گنج‌های زمین مانند ثروت، قدرت و عناوین پر زرق و برق فانی‌اند؛ اما گنج‌های روح، اعمال نیکو و اخلاقی‌اند.
۲۶. انسان مغرور خود را بزرگ می‌پندارد در حالی که نیست، و بدبخت کسی است که بدون حقیقت، به ثروت‌های بی‌ارزش و غیرضروری دنیوی قانع می‌شود.

۲۷. کسی که می‌داند چگونه زندگی کند، آموخته است که هر چیز متعلق به خدا را به خدا بازگرداند و هر چیزی را که به دنیا تعلق دارد، به آن بسپارد. کسی که بتواند در آغوش طبیعت آرامش یابد بدون اینکه به دنیا وابسته و برده آن شود، واقعاً زندگی را فهمیده است. حتی اگر به نظر برسد که هیچ ندارد، آن شخص مالک گنج‌های حقیقی زندگی است و در راه رسیدن به گنجینه‌های پادشاهی خدا حرکت می‌کند.

««««قانون بخشش»»»»

۲۸. اگر مردم به کلام من ایمان داشتند و مرا در قلب خود جای می‌دادند، همیشه به یاد داشتند که حتی یک لیوان آب دادن به دیگری بدون پاداش نمی‌ماند.

۲۹. اما اغلب مردم بر این باورند که اگر چیزی ببخشند و در مقابل چیزی دریافت نکنند، ترجیح می‌دهند آنچه دارند را حفظ کنند و از دادن بپرهیزند.

۳۰. من به شما می‌گویم که عدالت من به گونه‌ای است که هنگام بخشیدن چیزی، هرگز نباید ترس داشته باشید. آیا کسانی را نمی‌بینید که گنج‌هایشان را جمع می‌کنند اما هیچکس را در دارایی‌های خود شریک نمی‌سازند؟ این افراد روحشان مرده است.

۳۱. اما کسانی که تا آخرین نفس خود را وقف بخشیدن به همسایگان کردند، حتی اگر در آخر عمر خود فقیر و تنها باشند، همیشه با نور ایمان روشن شده‌اند. این نور از دور سرزمین موعود را به آنها نشان داده، جایی که عشق من در انتظارشان است تا همه اعمالشان را جبران کند.

۳۲. نزد من آیید تا زندگی حقیقی را بیابید و درک کنید که برای بخشیدن آفریده شده‌اید. اما تا زمانی که ندانید در درونتان چه دارید، بخشیدن به نیازمندان برایتان غیرممکن است.

۳۳. ببینید چگونه همه چیز در اطرافتان، از عناصر گرفته تا ستارگان، گیاهان، گل‌ها و پرندگان، برای هدف بخشیدن آفریده شده‌اند. چرا در حالی که بیشترین موهبت عشق را دارید، خود را از این قانون مستثنی می‌کنید؟

۳۴. چقدر باید در خرد، عشق، فضیلت و مهارت رشد کنید تا بتوانید نوری در راه خواهران و برادران کوچکترتان باشید! چه سرنوشت زیبای والا و باشکوهی است که پدرت برای تو در نظر گرفته است!

«««انجام وظایف و تکالیف»»»
۳۵. در «بار سوم»، آموزه‌های معنوی به روح آزادی می‌دهند تا بال‌های خویش را بگستراند و به سوی پدر برخیزد و پرستش حقیقی را به او تقدیم کند.
۳۶. اما انسان به عنوان یک انسان، خدمت به خالق نیز دارد؛ این خدمت شامل انجام وظایفش در زمین با اطاعت از قوانین بشری، نشان دادن اخلاق و حسن نیت در رفتارها و ایفای نقش‌هایش به عنوان پدر، فرزند، برادر، دوست، ارباب یا بنده است.
۳۷. هر که اینگونه زندگی کند، مرا بر روی زمین گرامی داشته و روح خود را قادر می‌سازد تا برای ستایش من به پرواز درآید.
۳۸. اما هر که از بار وظیفه‌اش شانه خالی کند، راه راست را رها کند یا تعهداتی را که روحش به من داده نادیده بگیرد و صرفاً مطابق خواست خود رفتار کند، آرامش واقعی را در قلب نخواهد یافت؛ زیرا روحش هرگز راضی و آرام نمی‌شود و خود را با لذت‌های زودگذر و شادی‌های کاذب فریب می‌دهد.
۳۹. من اینان را رها می‌کنم تا راه خود را بروند، چرا که می‌دانم حتی اگر امروز از من دور شوند و مرا انکار کنند، روزی به بی‌معنی بودن ثروت، عناوین و لذات دنیا پی خواهند برد. تنها زمانی جهان را درک خواهیم کرد که حقیقت معنوی، ابدیت و عدالت الهی ما را از خواب خیال عظمت روی زمین بیدار کند؛ سرنوشتی که هیچ کس نمی‌تواند از آن فرار کند.
۴۰. این امر برای همگان روشن است چرا که هر کس روحی دارد که از طریق شهود، حقیقت زندگی، مسیر و ماموریتش را برایش نمایان می‌کند. اما بسیاری اصرار دارند که خود را از هر نذر معنوی رها کنند تا احساس آزادی و سلطه بر زندگی خود داشته باشند.
۴۱. پیش از آمدن به این زمین، روح شما "مزارع" را دید و به آن گفته شد که باید صلح بکارد، پیامش معنوی است و روح به آن ماموریت خوشحال و وفادار شد.
۴۲. اکنون چرا از کاشتن می‌ترسید؟ چرا احساس می‌کنید لیاقت یا توانایی انجام کاری که در ابتدا روح شما را شاد کرد ندارید؟ چون اجازه داده‌اید احساسات سد راهتان شود و عبور روح را انکار می‌کنید، در حالی‌که سعی دارید با دلایل سطحی این تردیدها را توجیه کنید.
۴۳. با دست خالی به دره‌ای که از آن آمدی بازنگرد؛ زیرا رنجت بسیار خواهد بود.

۴۴. به هر فرد تعدادی روح به عنوان راهنما یا مراقب اختصاص داده شده است و این مسئولیت با مرگ جسمی پایان نمی‌یابد. روح همچنان در دنیای معنوی و روی زمین به کاشت، پرورش و برداشت ادامه می‌دهد.

۴۵. روح‌های بزرگ‌تر، روح‌های کوچک‌تر را هدایت می‌کنند و این چرخه به همین ترتیب ادامه دارد، در حالی که خداوند همه را به سوی خود راهنمایی می‌کند.

۴۶. وقتی گفتم روح‌های بزرگ‌تر، روح‌های کوچک‌تر را هدایت می‌کنند، منظورم این نبود که آنها همیشه بزرگ بوده‌اند یا دیگران همیشه کوچک می‌مانند. کسانی که اکنون بزرگ هستند، به واسطه عشق، خدمت و حمایت از کسانی که هنوز به این سطح رشد نرسیده‌اند — کسانی که ضعیف، گمراه یا در رنج‌اند — به این مقام رسیده‌اند.

۴۷. کسانی که امروز کوچک و نوپا هستند، با پشتکار و رشد مداوم، فردا بزرگ خواهند شد و به جایگاه بالاتری در مسیر معنوی خواهند رسید.

۵۱. شاگردان، نبرد عظیمی میان موجودات متفاوت در جریان است که چشم‌های مادی قادر به دیدن آن نیستند، اما اثرات و بازتاب‌های آن هر روز در جهان شما حس می‌شود.

۵۲. انسان برای دفاع از خود و رهایی از نفوذات منفی، نیازمند دانش حقیقت است، باید یاد بگیرد چگونه با روح خود دعا کند و توانایی‌های درونی‌اش را بشناسد تا بتواند از آنها به عنوان سلاح در این نبرد بزرگ خیر و شر، نور و تاریکی، معنویت و مادی‌گرایی استفاده کند.

۵۳. دنیای معنوی نور در حال مبارزه، تلاش و آماده‌سازی است تا روزی جهان مسیر معنویت را بپیماید.

۵۴. به این مبارزه تأمل کن تا قدرت و شدت تلاش برادران و خواهران معنوی‌ات را درک کنی؛ آنها برای نجات بشر می‌کوشند اما غالباً با ناسپاسی مواجه می‌شوند، چون انسان‌ها آماده دریافت لطف و راهنمایی آنها هستند ولی در کنارشان نمی‌ایستند و در مبارزه کمک نمی‌کنند.

۵۵. تعداد کمی هستند که به این نیروهای نوری می‌پیوندند، الهاماتشان را می‌پذیرند و از راهنمایی‌ها پیروی می‌کنند؛ این افراد چقدر قوی، شاد و احساس امنیت دارند!

۵۶. بیشتر مردم میان دو جریان گیر کرده‌اند؛ نه کاملاً مادی‌گرایی را پذیرفته‌اند و نه توانسته‌اند خود را معنوی کنند؛ هنوز در حال مبارزه با درون خود هستند.

۵۷. کسانی که تسلیم مادی‌گرایی شده‌اند، صدای وجدان را نادیده می‌گیرند و دیگر نمی‌جنگند؛ آنها شکست خورده‌اند ولی نمی‌دانند زندانی‌اند و لشکریان نور باید به دل تاریکی بروند تا آن‌ها را آزاد کنند.

۵۸. این پیام نور را برای همه مردم می‌فرستم تا بیدار شوند، دشمن واقعی را بشناسند و سلاح‌های درونی خود را که ناآگاهانه حمل می‌کنند، به کار گیرند تا بر تاریکی پیروز شوند.

فصل۴۵-تقدیر،معنا و کمال در زندگی

««««مشیت و تقدیر الهی در سرنوشت انسان»»»»

۱. اکنون زمان نور است؛ زمانی که انسان نه تنها ایمان می‌آورد، بلکه حقیقت مرا درک، تثبیت و حس می‌کند.

۲. هدف آموزش من متقاعد ساختن همه است که هیچ کس بدون دلیل معتبر به این دنیا نیامده؛ دلیل آن عشق الهی است و سرنوشت هر فرد، انجام رسالتی از عشق می‌باشد.

۳. از دیرباز، انسان‌ها همیشه پرسیده‌اند: «من کیستم؟ مدیون چه کسی‌ام؟ چرا وجود دارم؟ هدفم چیست و به کجا می‌روم؟»

۴. برخی پاسخ این سوالات را در آموزه‌های من یافته و با تأمل در آنچه به تدریج برایشان آشکار شده، به درک رسیده‌اند.

۵. ولی برخی فکر می‌کنند که همه چیز را می‌دانند؛ در حالی که این تصور اشتباهی بزرگ است؛ زیرا حکمت الهی در کتابی عظیم نگهداری می‌شود که تا زمانی که به انسان آشکار نشود، نمی‌توان آن را کشف کرد و محتوایش بی‌پایان است.

۶. سرنوشت رحمت خداوند است و پراکنده از خیر و برکت الهی.

۷. اغلب شما این خیر را نمی‌یابید چون نمی‌دانید چگونه جستجو کنید.

۸. اگر مسیر سرنوشت شما دشوار باشد، من آن را نرم می‌کنم اما تلخی‌اش را افزایش نخواهم داد.

۹. انسان‌ها به یکدیگر نیاز دارند؛ هیچ کس زیاد یا کم نیست و همه برای تکمیل و هماهنگی وجود ضروری‌اند.

۱۰. غنی به فقیر نیازمند است، مانند شرور به نیکوکار، نادان به دانا، جوان به پیر و بالعکس.

۱۱. هر کدام جایگاهی شایسته در جهان دارید و در قلمرویی خاص زندگی می‌کنید که در آن با ارواح متجسد و غیرمتجسد همزیستی دارید.

۱۲. در مسیر زندگی، با کسانی روبرو می‌شوید که با آموزش عشق، شما را ارتقا می‌دهند؛ برخی درد می‌آورند تا شما را تطهیر کنند و برخی عشق می‌دهند؛ هر پیام و درسی برای شما دارد تا از آن بهره ببرید و پیش روید.

۱۳. هر روح، چه متجسد و چه غیرمتجسد، که در مسیر زندگی تو قرار می‌گیرد، بخشی از سرنوشت توست و به نوعی به تو کمک می‌کند.
۱۴. بسیاری از ارواح نورانی را برای تو فرستاده‌ام، اما تو لحظه‌ای توقف نکردی تا عشق مرا به خود هدیه دهی.
۱۵. به همان روح‌هایی که برایت فرستادم بی‌توجه بودی، بی‌آنکه بدانی آن‌ها بخشی از سرنوشتت هستند؛ و این بی‌توجهی سبب شد که بعداً حسرت بخوری.
۱۶. ای بشریت، سرنوشت تو هماهنگی با تمام آفرینش است. این هماهنگی بزرگ‌ترین قانون است زیرا تو را به خدا و کارهای او وصل می‌کند.
۱۷. کسی که سرنوشت خود را انکار کند، عنوان شریف فرزند خداوند را رد کرده است. ایمان به خدا پیش‌شرط ایمان به عشق اوست.
۱۸. اگر زندگی برای برخی تلخ بوده، بدان که این فقط یک مرحله ظاهری از هستی است و هر سرنوشت را رازی عمیق همراهی می‌کند که فقط من می‌توانم به آن نفوذ کنم.
۱۹. حضور هر انسان در این جهان، لحظه‌ای کوتاه در ابدیت است؛ نفسی که به او زندگی می‌بخشد و پس از آن نفس می‌کشد و باز با وجودی جدید بازمی‌گردد.
۲۰. برای هر فرد مسیر و سرنوشت از پیش تعیین شده است؛ بسیاری آن را می‌پذیرند و از آن بهره‌مند می‌شوند، برخی هدر می‌دهند و برخی آماده دریافت آن نبوده‌اند. اما پس از بازگشت به دنیای معنوی به تمام این حقایق آگاه می‌شوند.
۲۱. هیچ کس به طور تصادفی به دنیا نیامده و هیچ کس آزاد از سرنوشت خود نیست. قانونی الهی همه مسیرها را هدایت می‌کند.
۲۲. انسان فکر می‌کند که براساس اراده خود عمل می‌کند و مستقل است، اما زمانی خواهد رسید که همه خواهند فهمید این اراده من بود که در او جریان داشت.

۲۳. برای داشتن درآمد خوب، میوه‌های نیکو برای همنوعانت بپروران. خود را برای آینده آماده کن، چرا که پیش از بازگشتم میان شما نزاعی رخ خواهد داد؛ وسوسه همه را آزمایش خواهد کرد. باید هوشیار باشی، دعا کن و آموزه‌هایم را به کار بگیری. این زمان‌های کوتاه اختصاص یافته به کارهای نیک، تاثیرات پایداری در نسل‌های آینده خواهد داشت. هیچ کس نمی‌تواند سرنوشت خود را تعیین کند، این فقط از آن من است. به اراده من اعتماد کن و مسیر زندگی‌ات را بدون مشکلات بزرگ ادامه خواهی داد.
۲۴. وقتی می‌گویم هیچ برگی بدون اراده من نمی‌لرزد، به درستی بفهم. آن‌گاه می‌دانی چه زمانی آزمایش می‌شوی و چه زمانی رنج خود را بر دوشم می‌گذاری و بعد مرا متهم می‌کنی. آن زمان تو قاضی خواهی شد و مرا متهم خواهی کرد.
۲۵. اشتباهات خود را بشناس و اصلاح کن. یاد بگیر اشتباهات دیگران را ببخشی و اگر نمی‌توانی اصلاحشان کنی، حداقل بر آن‌ها بردباری داشته باش.
۲۶. از آن کسانی نباش که معتقدند سرنوشت یعنی هر آنچه خدا تعیین کرده، بی‌چون و چرا اتفاق می‌افتد و اگر رنج می‌بری، سرنوشت همین است. من به تو یاد داده‌ام هر آنچه کاشته‌ای، درو خواهی کرد.
۲۷. اما با دقت گوش کن: گاهی بلافاصله محصول را می‌بینی و گاهی باید به وجودی جدید وارد شوی تا بذر کاشته شده را درو کنی. به این فکر کن که این موضوع بسیاری از شک‌ها و قضاوت‌های منفی درباره عدالت من را روشن می‌کند.
«««در مدرسه زندگی»»»
۲۸. مردم مانند کودکانی هستند که فکر نمی‌کنند عمل‌شان چه پیامدی دارد؛ مانعی که در مسیرشان می‌بینند، آزمایشی است که استاد (خداوند) برای توقف راه بی‌معنی یا جلوگیری از تصمیم‌های بد قرار داده است.
۲۹. می‌خواهم مانند بزرگسالان رفتار کنید؛ اعمال و گفتارتان را بسنجید. این سبب ورود خرد و عدالت به زندگیتان می‌شود. همچنین باید بدانید که زندگی آزمایش بی‌پایان و مداوم روح است.
۳۰. هیچ‌کس در راه من هلاک نمی‌شود، حتی اگر سنگینی بارش او را فروبریزد، نیرویی والاتر او را بلند می‌کند و تقویت می‌کند؛ این قدرت از ایمان ناشی می‌شود.

۳۱. خوشبختی انسان‌ها بستگی به درک آموزه‌ها و اطاعت از قوانین جهان هستی دارد. برخی می‌گویند خوشبختی در زمین وجود ندارد، برخی دیگر آن را در اختیار من می‌دانند، اما واقعیت این است که خوشبختی در آرامش روح شما نمایان می‌شود.
۳۲. اکنون می‌دانید که خوشبختی در درون خودتان نهفته است. باید به مردم بیاموزید که در هسته وجودشان، جایی که فکر می‌کنند فقط تلخی، نفرت، کینه و اشک است، نوری هست که هیچ چیزی نمی‌تواند آن را خاموش کند؛ آن نور، روح است.
۳۳. گذشته معنوی شما برای جسم ناشناخته است، من آن را بر روحتان حک می‌کنم تا مانند کتابی گشوده از طریق ذهن و شهود آشکار شود. این عدالت من است که به جای محکومیت، فرصتی برای جبران و اصلاح خطاها می‌دهد.
۳۴. اگر گذشته از روحتان پاک می‌شد، مجبور بودید دوباره آزمایش‌ها را تجربه کنید، اما اگر صدای تجربه‌هایتان را بشنوید و با نور آن‌ها روشن شوید، مسیر و افق زندگی را واضح‌تر خواهید دید.
«««معنا و ارزش زندگی انسان»»»
۳۵. حالت طبیعی انسان، نیکی، آرامش درونی و هماهنگی با پیرامون است. کسی که در طول زندگی به این فضایل وفادار بماند، در مسیر شناخت خدا قدم می‌گذارد.
۳۶. اگر از این مسیر منحرف شوید و قوانین آن را فراموش کنید، باید لحظاتی که از مسیر تعالی معنوی دور شده‌اید را با اشک جبران کنید.
۳۷. بسیاری به دنیایی پر از گناه و رنج عادت کرده‌اند و گمان می‌کنند زندگی طبیعی همین است و زمین محکوم به بودن در دره‌ای از اشک است و هیچگاه صلح و پیشرفت معنوی نخواهد داشت.
۳۸. اینان در خواب جهل‌اند. باور به این که جهان من فقط دره اشک است غلط است. بهشتی که به بشر هدیه دادم می‌تواند و باید بازگردد، زیرا آن‌چه آفریدم زندگی و عشق است.

۳۹. کسی که بگوید جهان مکانی برای رنج انسان‌هاست، در واقع به اشتباه داوری کرده است، زیرا این جهان برای شادی و طراوت روح‌های مجسم آفریده شده است.
۴۰. هیچ کس از پیش برای گناه مقدر نشده، اگرچه همه چیز برای نجات انسان از سقوطش از پیش طراحی شده بود.
۴۱. انسان نه می‌خواست از طریق عشق به تکامل برسد و نه خواست با اجرای شریعت من خردمند شود؛ و عدالت من که از عشق کامل سرچشمه می‌گیرد، همواره از او محافظت می‌کند.
۴۲. وقتی مرا درک کنی، می‌فهمی که وقتی به جهان فرستاده شدی تا در مسیرهای پرخطر و وسوسه عبور کنی، گمراه نبودی. این مسیرها طراحی شده بودند تا درس‌هایی برای رشد روح تو باشند و در نهایت باعث بازگشت تو به سوی من شوند.
۴۳. روح تو هنگام جدا شدن از من مانند جرقه‌ای بود، که بادها باید آن را به شعله تبدیل کنند تا نور تو با نور الوهیت یکی شود.
۴۴. من از قله کوهی نو برای تو سخن می‌گویم و منتظرت هستم. در روز بازگشتت جشن بزرگی در پادشاهی من برپا خواهد شد.
۴۵. از طریق درد و رنج به آنجا می‌رسی و گناهان خود را پاک می‌کنی. این مسیر را بشر ایجاد کرده است، اما از زمان فداکاری من با خونم، شرافت یافته است.
۴۶. انسان درک خواهد کرد که پادشاهیش از این جهان نیست و بدنش فقط ابزاری است که از طریق آن جهان آزمایش‌ها را تجربه می‌کند؛ این زندگی درس بزرگی است تا دانش‌آموزان بتوانند رشد کنند، درد را بشناسند، و با عشق تعالی یابند.
۴۷. اگر این تنها هستی بود، درد را از جهان دور می‌کردم، چرا که ناعادلانه بود که تو تنها رنج ببری. اما کسانی که امروز رنج می‌کشند قبلاً بیش از حد افراط کرده‌اند و این درد پالایش‌شان می‌کند و به آنها شایستگی عروج و لذت بردن در جایگاه‌هایوالاتر خداوند را می‌دهد.

۴۸. آزمایش‌های زندگی انسان چنان سخت است که باید با لذت‌های روحی و جسمی همراه شود تا بار سختی‌ها شیرین‌تر و قابل تحمل‌تر گردد.
۴۹. من برکت می‌دهم به کسانی که شادی‌شان را در گرمای خانه و از عشق والدین به فرزندان، فرزندان به والدین و عشق خواهران و برادران به یکدیگر می‌یابند، زیرا این وحدت و هماهنگی مانند رابطه پدر جهانی و خانواده معنوی اوست.
۵۰. در این خانه‌ها نور روح می‌درخشد و آرامش پادشاهی من حضور دارد؛ وقتی رنج‌ها پیش می‌آیند، تحملشان آسان‌تر است و لحظات دشوار کمرنگ‌تر می‌شوند.
۵۱. کسانی که به دنبال رساندن شادی به دیگران هستند و از شادی همسایگان خود خوشحال می‌شوند، رسولان شادی‌اند و رسالتی بزرگ دارند.
۵۲. اگر واقعا می‌دانستید آرامش درونی چگونه حفظ می‌شود، هر روز در زندگی زمینی‌تان آن را تجربه می‌کردید؛ برای این کار باید روح‌تان را تعالی بخشید و اجازه دهید احساسات و افکارتان سخاوتمندانه‌تر شوند.
۵۳. این پیام من پر از نوری است که مسیرتان را روشن می‌کند و به وجودتان رشد صعودی می‌بخشد تا در صلح زندگی کنید و از همه نعمت‌هایی که به شما داده‌ام، به طور سالم لذت ببرید.
۵۴. بشر نباید با تعصبات مذهبی، جبرگرایی و مادی‌گرایی که او را در جستجوی لذت‌های زودگذر و نفسانی اسیر می‌کند، مبارزه نکند. اینها سایه‌هایی هستند که باید بر آن‌ها غلبه کرد.
۵۵. من نور خود را به شما می‌دهم تا سایه‌ها را کنار بگذارید و بر روی این زمین که آن را به دره اشک تبدیل کرده‌اید، سعادتی حقیقی روح و قلب را بیابید؛ سعادتی که تمام شادی‌های دیگر در کنار آن کوچک و ناچیز خواهند بود.

فصل۴۶-انسان گمراه و مادی گرا
««««سستی،جهل و غرور انسان»»»»

۱. هدف نهایی آفرینش جهان، انسان است؛ برای خشنودی و آسایش او، سایر موجودات و نیروهای طبیعی را آفریده‌ام تا او از آنها بهره‌مند شود.

۲. اگر انسان از کودکی معنوی‌اش مرا می‌شناخت و دوست داشت، امروز عضوی از دنیایی بزرگ می‌شد که در آن نه جهلی بود و نه تفاوتی، جایی که همه برابر در دانش و پالایش احساسات بودند.

۳. ولی انسان چقدر آهسته رشد می‌کند! سال‌های زیادی از زندگی‌اش در زمین گذشته است اما هنوز رسالت معنوی و سرنوشت واقعی‌اش را درک نکرده است. روح جاودانی‌اش را کشف نکرده و نمی‌داند چگونه با آن هماهنگ باشد و حقوقش را نمی‌شناسد؛ روحی که آزادی ندارد، استعدادهایش را رشد نمی‌دهد و راکد می‌ماند.

۴. انسان با سرپیچی از شریعت من، ایده‌ها و آموزه‌های متعدد ایجاد کرده که موجب پراکندگی و سردرگمی بشر شده‌اند و روح را به ماده می‌چسبانند تا از صعود آزاد آن جلوگیری کنند. اما نور روح القدس راه حقیقی زندگی را به مردم نشان می‌دهد؛ راهی که تنها راهنمای آن وجدان است.

۵. ماتریالیست فقط زندگی مادی خود را دوست دارد و چون می‌داند همه چیز درونش زودگذر است، تلاش می‌کند هر لحظه را به‌تمامی زندگی کند.

۶. اما اگر آرزوهایش برآورده نشود یا رنج و درد بر او وارد آید، ناامید شده و سرنوشت را به خاطر نرسیدن به حقش سرزنش می‌کند.

۷. این افراد ارواحی ضعیف در بدن‌های سخت و انسانی نابالغ اخلاقی هستند که آزمون‌های زیادی را پشت سر می‌گذارند تا قدر آنچه دارند را بفهمند.
۸. چقدر خوشحالند که می‌خواهند سرنوشت خود را تغییر دهند و آرزو دارند همه چیز طبق اراده و خواست آنها پیش برود.

۹. من همیشه خود را با خرد به بشریت نشان داده‌ام تا ارواحی را آزاد کنم که در اسارت عقل محدود خود گرفتار شده‌اند.
۱۰. هنوز افرادی با ذهن بسته و فاقد الهام وجود دارند، در حالی که مردم باید ذهنی روشن و باز داشته باشند و به رشد معنوی خود ادامه دهند. اما بسیاری هنوز در سطح ابتدایی فکر و زندگی می‌کنند.
۱۱. برخی در دانش مادی پیشرفته‌اند، اما به غرور گرفتار شده و فکر می‌کنند به اوج دانش رسیده‌اند؛ اینان در مسیر معنوی خود متوقف شده‌اند.
۱۲. اگر انسان آگاهانه زندگی بالاتری را که فراتر از اوست می‌شناخت و با روح خود مشورت می‌کرد، از بسیاری نگرانی‌ها و مشکلات رهایی می‌یافت. اما او اغلب به کسانی مراجعه می‌کند که راه‌حلی برای شک و تردیدهایش ندارند؛ دانشمندانی که فقط به طبیعت مادّی نفوذ کرده‌اند و زندگی معنوی را نمی‌شناسند زیرا روح‌شان خاموش است.
۱۳. روح باید بیدار شود تا خود را بیابد و توانایی‌هایی که به او داده شده را کشف کند و در مسیر زندگی در کنار او باشد.
۱۴. انسان امروز مانند برگ پژمرده‌ای است که از درخت زندگی افتاده و بازیچه بادها، ضعیف در برابر طبیعت و مرگ است؛ اما او باید شاهزاده‌ای باشد که از جانب من فرستاده شده تا بر زمین فرمانروایی کند و به کمال برسد.
۱۵. زمان داوری فرا رسیده است؛ از برخی خواهم پرسید چرا مرا انکار کردید؟ و از برخی دیگر چرا مرا آزار دادید؟ کسی که نتوانسته درون خود را بشناسد حق ندارد وجود پادشاهی مرا انکار کند. اگر نتوانید حقیقت مرا بیابید، به معنای عدم وجود آن نیست. اگر فکر کنید فقط آنچه می‌فهمید وجود دارد، غرورتان مانع شناخت است.
۱۶. هرکسی که خدا و پادشاهی او را انکار کند، خود را انکار کرده است. کسی که بخواهد مستقل و بدون نیاز به خدا بزرگ باشد، زود گمراه می‌شود و رنجش بسیار دردناک خواهد بود.
۱۷. کجایند خردمندان و انسان های واقعی؟
۱۸. دانش یعنی حس حضور من، یعنی هدایت شدن به نور من و انجام اراده من. دانش یعنی شناخت قانون، دانستن و عشق ورزیدن.

۱۹. امروزه جهل معنوی چنان بالاست که وقتی به کسانی که از دنیا رفته‌اند فکر می‌کنید، می‌گویید: «او مرد و همه چیز را برای همیشه رها کرد.»
۲۰. اگر می‌توانستید ببینید که این موجودات معنوی وقتی چنین حرفی می‌شنوند با چه ترحمی به شما نگاه می‌کنند، زبانتان بند می‌آمد و غرق در حقیقت می‌شدید! آن‌ها از روی ترحم به شما نگاه می‌کنند، چون می‌دانند شما در نادانی به سر می‌برید.
۲۱. شما به ارزش‌های مادی بیش از حد اهمیت داده‌اید و سعی می‌کنید معنویت را انکار کنید چون فکر می‌کنید با پیشرفت شما در دنیا مغایرت دارد.
۲۲. اما من به شما می‌گویم، دانش معنوی نه تنها مانع پیشرفت اخلاقی و علمی نمی‌شود، بلکه گنجینه‌ای عظیم از دانش را نمایان می‌کند که علم امروز از آن بی‌خبر است.
۲۳. تا وقتی انسان از بالا رفتن نردبان معنویت امتناع کند، نمی‌تواند به جلال حقیقی و شادی کامل در آغوش پدرش نزدیک شود؛ که همان فرزند شایسته روح من بودن است به واسطه عشق و دانش.

««««عدم تماسل به فداکاری،تلاش و مسوولیت پذیری»»»»

۲۴. اگر بشر اینقدر به جهل خود چسبیده نبود، وجودش روی زمین متفاوت می‌شد؛ اما مردم از فرمان‌های من سرپیچی می‌کنند، سرنوشتشان را نفرین می‌کنند و به جای همکاری با من، می‌خواهند قوانین من را دور بزنند تا اراده خود را تحمیل کنند.
۲۵. اگر مردم به اعمال خود دقت می‌کردند، می‌فهمیدند که چطور در هر لحظه علیه من شورش می‌کنند.
۲۶. زمانی که نعمات من فراوان می‌شود، مردم خودخواه می‌شوند؛ وقتی از شادی‌های زندگی بهره‌مند می‌شوند، هرزه‌گری می‌کنند؛ وقتی قدرت برای رشد روح‌شان دارند، سرکشی می‌کنند؛ وقتی رنج و سختی می‌رسد، زندگی را نفرین می‌کنند و دچار تردید می‌شوند؛ وقتی عزیزانشان را از دست می‌دهند، ناامید می‌شوند و مرا به ظلم متهم می‌کنند.

۲۷. تو هرگز موافق نبوده‌ای؛ من هرگز نشنیده‌ام که در سختی‌ها نام مرا تقدیس کنی و هرگز ندیده‌ام که در مسیر آفرینش من تلاش و همکاری کنی.

۲۸. من عظمت را در انسان قرار داده‌ام، اما نه از نوعی که در دنیا می‌طلبد؛ عظمت واقعی در فداکاری، عشق، فروتنی و رحمت است. انسان‌ها از این فضایل گریزانند و به همین دلیل از عظمت و کرامتی که پدر به آن‌ها داده، روی گردان شده‌اند.

۲۹. انسان‌ها از فروتنی می‌ترسند چون آن را نشانه بدبختی می‌دانند؛ از آزمایش‌ها می‌گریزند چون ترس از درد دارند، غافل از آنکه این‌ها روحشان را آزاد می‌کند. همچنین روح معنوی را نادیده می‌گیرند و نمی‌دانند که از نوری فراتر از هر علم بشری رویگردانند.

۳۰. به همین علت گفتم بسیاری، با وجود اظهار عشق، مرا دوست ندارند و ادعای ایمان دارند اما حقیقی ایمان ندارند. می‌گویند از من پیروی می‌کنند اما نمی‌خواهند صلیب خود را حمل کنند. اما هر که بخواهد پیرو من باشد، باید صلیب خود را بردارد.

۳۱. مردم امروز به جای رهایی از بدبختی‌ها، سعی دارند بیشتر از آن بهره‌مند شوند.

۳۲. چرا مردم در آرزوی تکامل روحی خود تکامل نیافته‌اند؟ چون از دیدن فراتر از لذت‌ها و علم مادی خود خودداری کرده‌اند.

۳۳. آن‌ها همه عمر خود را صرف ثروت و لذت کردند، با این باور که پس از مرگ همه چیز پایان می‌یابد.

۳۴. انسان به جای صعود معنوی و شناخت خود به عنوان فرزند خدا، در غرور و جهل سقوط می‌کند و زمانی که روح درباره زندگی معنوی به او هشدار می‌دهد، ترس از عدالت خدا باعث می‌شود این صدای درونی را خاموش سازد.
۳۵. او هنوز خود را نمی‌شناسد، وضعیت روحی و جسمی خود را در نظر نگرفته است؛ بنابراین تا وقتی چنین می‌اندیشد، خاکی و گرفتار بدبختی خواهد بود.

۳۶. آموزه‌های من همیشه توضیح‌دهنده شریعت و راهی به سوی نورند؛ راهی مطمئن برای روح. اما مردم اغلب به جای انتخاب راه معنوی، راه آسان مادی‌گرایی را بر می‌گزینند. برخی صدای وجدان را که ذکرگر معنویات است نادیده می‌گیرند و بعضی دیگر گروه‌ها و آیین‌هایی ساخته‌اند که باور کنند در مسیر معنوی‌اند؛ در حالی که خودخواهی‌شان به اندازه کسانی است که نام من را از زندگی‌شان حذف کرده‌اند.
۳۷. راه به سوی من روشن است و در آن برای هر کسی که بخواهد بیاید باز است.
۳۸. راه باریک است و همیشه این را می‌دانستید؛ شریعت و آموزه‌های من پاک و استوارند و نباید کسی آن‌ها را به میل خود تغییر دهد.
۳۹. راه پهن و دروازه باز، جاده‌ای به غیر از نور، آرامش و جاودانگی است؛ راهی مملو از هرزگی، نافرمانی و غرور.
۴۰. این مسیر مادی‌گرایی نمی‌تواند بی‌نهایت باشد چون ناقص و نادرست است؛ روزی به پایان می‌رسد و انسان با وحشت از آن مواجه می‌شود. آشوب در دل کسانی که از مسیر حق دور شده‌اند فوران می‌کند.
۴۱. در این زمان، برخی پشیمان می‌شوند و نور نجات را می‌یابند؛ برخی ناامید و ناراضی خواهند شد و برخی به خدا کفر می‌ورزند و شورش می‌کنند. اما این آغاز بازگشت به نور است.
«««بدبختی روحی انسان»»»

۴۲. من در آفرینش خطا نکرده‌ام، بلکه انسان راه خود را گم کرده است؛ اما سرانجام مثل «پسر ولخرج» که همه چیز را از دست داد، به سوی من بازمی‌گردد.
۴۳. انسان با دانشش امپراتوری دروغین ساخت؛ قوانین وضع کرد، تخت و تاج و عصا گرفت؛ اما این شکوه فریبنده و زودگذر است. نسیمی از عدالت من کافی است تا پایه‌های این سلطنت را بلرزاند و فرو بریزد. در عوض، پادشاهی صلح، عدالت و عشق که دسترسی به آن ممکن نبود، از دل بشر دور ماند.

۴۴. لذت و رضایتی که انسان از کار دنیا به دست می‌آورد، فقط خیالی است. قلب‌هایشان از درد، بی‌قراری و ناامیدی که پشت لبخندها پنهان شده، فرسوده شده‌اند.

۴۵. این زندگی انسان است؛ اما درباره زندگی روح و قوانین آن، این قوانین تحریف شده‌اند، زیرا فراموش شده که نیروها و عناصری وجود دارد که روح را زنده می‌کنند و انسان باید با آنها ارتباط داشته باشد تا در برابر آزمایش‌ها و وسوسه‌ها مقاوم بماند و بر موانع کمال خود پیروز شود.

۴۶. نوری که از بی‌نهایت به هر روح می‌رسد، از ستاره‌ها یا زمین نیست؛ قدرتی که روح دریافت می‌کند، مستقیماً از خالق همه چیز جریان دارد. آب دریاها، چشمه‌ها یا جوی‌هایی که انسان‌ها در آن‌اند فقط مادی نیستند، بلکه نشانه‌هایی از الهام و نور الهی‌اند که روح از خالق خود می‌گیرد.

۴۷. اگر انسان حتی کمی بخواهد به مسیر حقیقت بازگردد، آرامشی نوازش‌دهنده به دلش می‌رسد و انگیزه می‌یابد. اما زمانی که روح درگیر ماده شود، اسیر ضعف‌ها و تمایلات می‌شود و نمی‌تواند فرمانروای زندگی و سرنوشت خود باشد.

۴۸. روح مقدم بر بدن است؛ همانطور که بدن پوشش موقت برای روح است؛ لباس گذرایی است که روح آن را به تن دارد.

۴۹. کاش همه مردم نور طلوع این عصر را می‌دیدند و امید را به قلبشان می‌آورد! اما آن‌ها در خوابند و نمی‌فهمند چگونه نوری که روزانه از خالق می‌آید را دریافت کنند.

۵۰. این نور آن‌ها را نوازش می‌کند و بیدار می‌کند برای مبارزه روزانه زندگی، اما بسیاری از آن غافلند و سپاس‌گزاری نمی‌کنند. شکوه و جلال الهی از کنارشان می‌گذرد بی‌آنکه متوجه شوند، چون نگران مسائل دنیا هستند و حتی یادی از من به عنوان سرچشمه توان معنوی نمی‌کنند.

۵۱. مردم در جستجوی نیرو و انرژی برای بدن خود از منابع طبیعت غافل‌اند و دیوانه‌وار بی‌هدف به این سو و آن سو می‌دوند. در این تلاش بی‌معنی برای بقا، روح خود را به مادیت سپرده‌اند و اجازه داده‌اند که خودخواهی بر آن چیره شود.
۵۲. وقتی قوانین روح که نوری برای زندگی‌اند فراموش شود، انسان‌ها خود را نابود می‌کنند، به ظلم و ستم به یکدیگر دست می‌زنند، بدون آنکه صدای وجدان را بشنوند یا لحظه‌ای برای تفکر و تأمل داشته باشند.
۵۳. اگر بپرسند زندگی امروز خود را چطور می‌بینند، می‌گویند هرگز چنین نوری تاکنون نبوده و علم به این میزان اسرار را افشا نکرده است، اما در واقع این پاسخ با نقابی از شادی است که رنج و بدبختی درونی‌شان را پنهان می‌کند.
۵۴. من روح را فرستادم تا در زمین بدن بپوشد و فرمانروای همه چیز باشد، نه برده و قربانی. اما انسان اکنون برده نیازها، هوس‌ها، رذایل و جهل خود است.
۵۵. او قربانی دردها، اشتباهات و بدبختی‌هایی است که از فقدان تعالی معنوی ناشی می‌شود و نمی‌داند میراث الهی‌ای که دارد چقدر ارزشمند است.
۵۶. ابتدا بشریت باید بیدار شود و سپس در کتاب حیات معنوی مطالعه کند تا به زودی بذر نورانی‌ای در نسل‌های آینده شکوفا شود که کلام من به حقیقت بپیوندد.
۵۷. روزی خواهد آمد که انسان معنویت را درک کند و بداند چگونه با همه آفرینش هماهنگ زندگی کند، جایی که روح، ذهن و قلب هم‌صدا و هماهنگ خواهند شد.

««««رفتارهای نادرست دنیوی و پیامد های آن»»»»

۵۸. وقتی می‌بینم انسان‌ها بر سر غنائم دنیا می‌جنگند، نمی‌توانم آن‌ها را با کودکان خردسالی که بر سر چیزهای بی‌ارزش نزاع می‌کنند، مقایسه نکنم. قدرت و ثروت در برابر فضایل انسانی چه معنایی دارد؟
۵۹. مردی که بذر نفرت می‌کارد و ملت‌ها را از هم جدا می‌کند، با کسی که زندگی خود را وقف کاشتن بذر برادری و دوستی کرده، کاملا متفاوت است. کسی که موجب رنج دیگران می‌شود، قابل مقایسه با کسی که به کاهش درد و رنج مردم کمک می‌کند نیست.

۶۰. هر انسانی در دل خود رویای تخت پادشاهی در زمین را دارد، با اینکه بشریت بارها تجربه کرده است که چنین تختی در این دنیا بی‌ارزش است.

۶۱. من به شما وعده جایگاهی در پادشاهی آسمانی داده‌ام، اما تنها عده‌ای اندک آن را پذیرفته‌اند، زیرا بسیاری نمی‌خواهند بفهمند که کوچک‌ترین مقام در پادشاهی‌های الهی از مقام قدرتمندترین پادشاهان زمینی بالاتر است.

۶۲. مردم هنوز مانند کودکان خردسال هستند، اما مصیبتی در راه است که به زودی آن‌ها را به بلوغ می‌رساند؛ و آنگاه با تجربه‌ای که کسب کرده‌اند، فریاد خواهند زد: «عیسی، پدر ما، درست می‌گفت؛ بیایید نزد او برویم.»

۶۳. بسیاری در این دنیا برای جاودانگی تلاش می‌کنند، اما سعی دارند از طریق امور مادی به آن برسند، چرا که شهرت دنیوی حتی اگر موقت باشد، برایشان جذاب است. به همین دلیل شکوه روحی که باید در انسان باشد را فراموش کرده و به وجود آن ایمان ندارند. این نبود ایمان و معنویت، پرده‌ای از شک و تردید در برابر چشم‌هایشان ایجاد کرده است.

۶۴. تکامل، پیشرفت علمی و تمدن بشر هرگز به سوی صعود معنوی روح نبوده است؛ بلکه تلاش‌ها و آرزوهای انسان اغلب معطوف به این دنیاست؛ به دنبال دانش، ثروت، لذت، قدرت و موقعیت‌های اجتماعی.
۶۵. بنابراین، با وجود پیشرفت‌های طبیعت در مسیر کمال، انسان در این مسیر معنوی عقب مانده است و به همین دلیل بدبختی‌ها، موانع و آزمایش‌هایی که در زندگی تجربه می‌کند، به سراغ او می‌آید.
۶۶. من خواسته‌ام که شما آرزوها و جاه‌طلبی داشته باشید، رویایشان بزرگ، قوی و خردمندانه باشد، اما این آرزوها باید به سوی خیرات معنوی ابدی باشد.
۶۷. برای رسیدن به آن خیرات، فضایل نظیر رحمت، فروتنی، بخشش، صبر و بزرگواری و در نهایت عشق ضروری‌اند؛ این‌ها روح را تعالی می‌بخشند و آن را پاک و کامل می‌کنند.

۶۸. در این دنیای پر از فلاکت و این خانه موقت، انسان برای رسیدن به بزرگی، قدرت، ثروت یا دانش، ناچار بوده که خودخواه، دروغگو، کینه‌توز، ظالم، بی‌تفاوت، بی‌رحم و متکبر شود. این رفتارها کاملاً در تضاد با حقیقت، عشق، صلح، خرد حقیقی و عدالت قرار دارد.

۶۹. وقتی کسی روح معنوی خود را کشف کند، حضور پدر آسمانی را در درون خود حس می‌کند؛ اما اگر نداند که کیست و از کجا آمده، مرا دور و دست‌نیافتنی می‌بیند یا ممکن است حس بی‌حسی و بی‌ارتباط بودن کند.

۷۰. تنها روح بیدار و آگاه می‌تواند به قلمرو حقیقت نفوذ کند؛ بشریت نمی‌تواند تنها با علم به حقیقت کامل دست پیدا کند.

۷۱. کاش مردم در پی علم، شهرت، قدرت و ثروت باشند و در این راه تلاش کنند؛ اما من به آنها توصیه می‌کنم مانند درویشی باشند که همه اینها را در حقیقت و معنویت حقیقی خود جستجو می‌کند، نه در ظاهر بازیگوش و گذرای دنیا.

۷۲. وقتی انسان خودش را وقف مادیات کرده و در دنیای کوچک و محدود خود محصور می‌شود، فقیر می‌گردد؛ روحش محدود و سرکوب می‌شود؛ و جز دارایی‌ها و دانش‌های دنیایی چیزی برای خود نمی‌بیند. در این حالت گاهی باید همه چیز را از دست بدهد تا چشم‌هایش به روی حقیقت باز شود و با پذیرش اشتباهاتش، بار دیگر نگاه خود را به سوی ابدیت معطوف کند.

فصل۴۷-مادی گرایی و معنوی گرایی
««««تاثیر مادی گرایی رایج»»»»

۱. آری، بسیاری از انسان‌ها از آنچه روحانی شدن می‌طلبد می‌گریزند؛ نه به دلیل عقل یا روح، بلکه به دلیل تسلیم شدن به خواهش‌های پست و شهوات جسمانی.

۲. وقتی روحی فداکار به حقیقت زندگی کند، مانند کسی است که از محیطی آلوده و محدود رها می‌شود؛ چنین روحی شادی و آرامش خود را در اخلاق و در جایی که صلح و عشق حاکم است می‌یابد.

۳. کلام مرا به دقت بررسی کنید و از خلوص و حقیقت آن مطمئن شوید. تنها در این صورت است که می‌توانید با شجاعت در مسیر پیش رو حرکت کنید و در برابر نفوذ تفکرات مادی‌گرایانه که روح را تهدید می‌کنند، پایدار بمانید. زیرا مادی‌گرایی مرگ و تاریکی روح است؛ هرگز نور و آزادی درون خود را با مال و دارایی‌های مادی نفروشید!

۴. به شما قول می‌دهم: هر که به شریعت من ایمان آورد و تا انتها در آن پایدار بماند، هرگز از روزی حقیقی و رزق روحانی محروم نخواهد ماند و در هر لحظه پیوند با روح من، از رحمت بی‌پایان من نان حیات جاودان را دریافت خواهد کرد.

۵. ماتریالیسم به رشد روح به چشم مانعی عظیم نگاه می‌کند و بشریت در برابر این دیوار ایستاده است.
۶. شما در جهانی زندگی می‌کنید که انسان‌ها توانایی‌های فکری خود را در علوم مادی گسترش داده‌اند، اما هنوز شناختشان از وجود معنوی محدود باقی مانده است و دانش حقیقی از آنچه به روح و معنا مربوط می‌شود عقب مانده است.
۷. آزمایش‌ها و بحران‌هایی که جهان امروز از سر می‌گذراند، نشانه‌ای است از پایان دوران مادی‌گرایی؛ زیرا این مادی‌گرایی در علم، شور و انگیزه‌ها و آرزوهای انسان حضور دارد و تمام زندگی را تحت تأثیر قرار داده است.
۸. عشق به دنیا و حرص برای لذت‌های جسمانی، خودخواهی، غرور و طلب قدرت، میوه‌هایی هستند که انسان بر طبق اراده خود آفریده است؛ البته این تجارب برای کامل شدن سفر روحی مجاز گردیده‌اند.

۹. اگر دوران کنونی که به پایان خود نزدیک می‌شود، با ماتریالیسم شناخته شده است، آنگاه عصر جدید، با معنویت و بیداری روحانی مشخص خواهد شد. در آن فصل، وجدان و اراده‌ی روح جهانی نو خواهد ساخت؛ جهانی که در آن عشق و سخاوت فراتر از هر حدی جاری است و روح پدر در دل فرزندانش ارتعاش دارد. آن زمان، تمام استعدادها و توانایی‌های نهفته در وجود شما، به طور نامحدود ظهور خواهند کرد.

««««جوهره معنویت گرایی»»»»

۱۰. معنویت‌گرایی چیزی فراتر از ترکیب دین‌هاست؛ این یک مکتب ساده، ناب و کامل است؛ نوری است که در این «عصر سوم» بر روح انسان نازل شده است.

۱۱. من این وحی را که درباره زندگی روحی با شما سخن می‌گوید، معنویت نامیده‌ام؛ آن شما را مستقیم به پدر آسمانی متصل می‌کند و فراتر از زندگی مادی می‌برد.

۱۲. معنویت‌گرایی چیزی تازه نیست و متعلق به این زمانه خاص نیست؛ بلکه وحی‌ای است که همسو با رشد معنوی بشر به تدریج آشکار شده است.

۱۳. آموزه‌ای که من به شما می‌دهم همان معنویت‌گرایی است، عاشقانه‌ترین عشق به خدا و بندگان او را تعلیم می‌دهد و شما را به مسیری فرا می‌خواند که به کمال روح منتهی می‌شود؛ همان چیزی که در شریعت نخستین و کلام مسیح به بار آمده است.

۱۴. معنویت‌گرایی دین نیست، بلکه آموزه‌ای است که من به واسطه عیسی به همه مردم در همه زمان‌ها رسانده‌ام؛ آموزه‌ای که بر پایه‌ی عشق، عدالت، فهم و بخشش استوار است.

۱۵. در این "عصر سوم"، به دلیل رشد معنوی، جسمی و فکری شما، توانسته‌ام با وضوح بیشتری این آموزه را بیان کنم.

۱۶. معنویت‌گرایی سنت‌ها و آداب‌ورسوم دست‌ساخته انسان را که مانع پیشرفت روح می‌شوند، از میان می‌برد. معنویت‌گرایی مسیر توسعه، پالایش و کمال روح است تا به خالق خود برسد؛ روش ابراز، احساس و دریافت خداوند از سوی روح است. این آموزه، روح را آزاد می‌کند و به او امکان می‌دهد به پتانسیل کامل خود دست یابد.

۱۷. امر معنوی قدرت و نور جهانی است که در همه چیز و همه کس وجود دارد. آموزه‌های من نباید برای هیچ‌کس عجیب یا غریب باشد.

۱۸. ویژگی‌های روح ثابت و تغییرناپذیرند، زیرا آن‌ها فضایل الهی و قدرت‌های ابدی‌اند. اما میزان و کیفیت این فضایل بسته به خلوص زندگی شما می‌تواند متفاوت باشد؛ بیشتر یا کمتر نمایان شود.

««««چه کسی میتواند خود را به درستی عضوی معنوی بنامد؟»»»»
۱۹. هر کس که با پشتکار، تکامل و عشق به آموزه‌های پدر معنویتی خاص را تجربه کرده باشد، روحانی است؛ حتی اگر آن را با زبان باز بیان نکند.
۲۰. هر کس با ایمان و بزرگ‌منشی در رفتارهای خود، آنچه در دل و روحش است را نمایان می‌سازد.
۲۱. عارف واقعی می‌داند که خداوند توانای متعال، در همه چیز وجود دارد؛ جهان و کائنات، سراسر مملو از ذات و حضور روحانی اوست.
۲۲. کسی که مرا به این شکل بشناسد و درک کند، معبد زنده خدا خواهد بود و دیگر نیاز ندارد تا به دنبال نمادها یا تصاویر دنیوی برای تجربه‌های روحانی باشد.
۲۳. معنویت وحی‌ای است که همه آنچه در درون‌تان هست را آشکار می‌کند و به شما می‌آموزد که شما تنها جسم نیستید، بلکه جلوه‌ای از خدا هستید؛ چیزی فراتر از طبیعت مادی و خواهش‌های پست وجود دارد که شما را به سوی عالی‌ترین کیفیت‌ها می‌کشاند.
۲۴. وقتی به معنویت دست یابید، هر فرمان و آموزش بخشی از نور و شکل‌گیری روح شما خواهد شد؛ حتی اگر نتوانید همه کلمات را حفظ کنید، جوهر و عمق آن را احساس و دنبال خواهید کرد.
۲۵. یک روحانی حقیقی، حتی در فقر مادی، حس می‌کند مالک ثروتی بی‌پایان است؛ زیرا می‌داند که پدر آسمانی‌اش او را دوست دارد و خانواده معنوی‌ای دارد که باید دوستشان بدارد؛ گنجینه‌های دنیا در مقایسه با ثروت‌های روحانی کم‌اهمیت‌اند.
۲۶. همچنین روحانی خوب کسی است که به عنوان مالک دارایی‌های مادی، می‌داند چگونه آنها را هوشمندانه و برای اهداف مقدس و خیر به کار گیرد؛ او این دارایی‌ها را امانتی از خدا می‌داند.
۲۷. لازم نیست فقیر، بی‌یاور یا رنج‌کشیده باشید تا خود را از پیروان من بدانید؛ برعکس، بر اساس اراده من، باید قوی، سالم و در اختیار داشتن آنچه برای شما آفریده شده باشید.
۲۸. کی و چگونه خواهید فهمید که چگونه مالک میراث زندگی‌تان باشید، چگونه هر نعمتی را ارج بنهید و هر چیز را جایگاه شایسته‌اش در زندگی ببخشید؟
««««معنویت در ادیان و مذاهب»»»»
۲۹. مردم امروز در دوره‌ای از سردرگمی به سر می‌برند، زیرا نمی‌دانند تلاش‌ها و زندگی‌شان آنها را به نابودی می‌کشاند. آن‌ها باید به شکوفایی روح خود برسند؛ مسئله اصلی در گفتگوی روح انسان با روح خالق است.

۳۰. بیشتر مردم امروزه پیرو فرقه ماتریالیسم هستند؛ فرقه‌ای که بر ماده و دنیا تمرکز دارد و معنویت را نادیده می‌گیرد.

۳۱. تا زمانی که آموزه‌ها و ادیان بر اختلافات و تفرقه خود پافشاری کنند، جهان به پرورش نفرت ادامه خواهد داد و قادر نخواهد بود به پرستش حقیقی خداوند نزدیک شود.

۳۲. چگونه مردم می‌توانند به درک متقابل و اتحاد برسند، وقتی گروه‌هایی هستند که معتقدند تنها آن‌ها کلید نجات روح و حیات جاودان را دارند و دیگر راه‌ها و باورها را رد می‌کنند و دیگران را شایسته رستگاری نمی‌دانند؟

۳۳. پس بر هدف واقعی معنویت‌گرایی آگاه باشید؛ آموزه‌ای که فراتر از هر فرقه، ایدئولوژی انسانی و دسته‌بندی‌های مذهبی است.

۳۴. معنویت‌گرایی آموزه تازه‌ای نیست؛ بلکه همان وحی‌های عصر اول و دوم است که اساس و بنیاد همه ادیان را تشکیل می‌دهد و من اکنون بشریت را به یاد آن می‌آورم تا اصالت آن فراموش نشود.

۳۵. آثار و آداب و رسوم بشری و تلاش‌های انسان برای خوشایند دیدن در ادیان مختلف، با آنچه آموزه‌های من قصد دارند به جهانیان نشان دهند، متفاوت است.

۳۶. در این دوران جدید، آموزه‌های تازه‌ای درباره عشق و حقیقت به شما می‌دهم که هرچند گاهی تلخ‌اند، اما نور راه و رستگاری شما خواهند بود.
۳۷. معنویت‌گرایی مانند دوران مسیحیت در گذشته، با مخالفت‌ها، خشم و آزار مواجه خواهد شد؛ اما در میان این مخالفت‌ها، معنویت خواهد درخشید، معجزه خواهد کرد و دل‌ها را تسخیر خواهد نمود.
۳۸. مادی‌گرایی، خودخواهی، غرور و وابستگی به دنیا نیروهایی هستند که علیه این وحی که نو نیست و ادامه آن آموزه‌هایی است که در زمان‌های گذشته آوردهم مبارزه خواهند کرد. آموزه‌ای که اکنون شما آن را معنویت می‌نامید، هسته اصلی شریعت و کلام الهی در «زمان اول» و «زمان دوم» است.

۳۹. هنگامی که بشریت حقیقت، عدالت و بینش‌های بی‌پایان این آموزه را به‌درستی درک کند، تمام ترس‌ها و تعصبات را از دل خود بیرون خواهد راند و این آموزه را به راهنمای اصلی زندگی خود تبدیل خواهد کرد.

۴۰. در سراسر جهان، افرادی پرورش یافته از نظر معنوی وجود دارند که حامل صلح حقیقی بشریت خواهند بود.

۴۱. اما اتحاد مؤمنان معنوی در جهان از طریق تشکیل کلیسای جدید یا نهاد مادی حاصل نخواهد شد؛ اتحاد آنها در فکر، ایده‌ها و رفتارهایشان وجود خواهد داشت و در نتیجه قدرتی شکست‌ناپذیر خواهند داشت، زیرا ریشه در منبعی ابدی دارد.

۴۲. این افراد حقیقت را در روح خود دریافت کرده و الهام می‌گیرند؛ من از طریق روح خود با آنها دیدار می‌کنم و قلب و ذهن‌شان را می‌نگرم. در نتیجه تمام ناخالصی‌ها از وجودشان می‌رود، چرا که نور من نباید با تاریکی و ناپاکی مخلوط شود.

۴۳. وظیفه همه آنها است که آموزه‌های معنوی را با استفاده از قوا و توانمندی‌های معنوی خود شرح دهند، به گونه‌ای که آموزه‌ها شفاف و پاک از آلودگی فلسفه‌های انسانی باشند.

۴۴. بدون شک، تاریخ معنویت‌گرایی با درخشش و افتخاری بی‌نظیر در تاریخ بشر به ثبت خواهد رسید.

۴۵. همانگونه که اسرائیل از راه رهایی از بندگی مصر به برتری و جاودانگی رسید، و مسیحیان از طریق عشق و پایداری‌شان به جاودانگی دست یافتند، پیروان مکتب روح نیز از مبارزه خود برای آزادی روح به کمال و جاودانگی خواهند رسید.

فصل۴۸-عطایای روحانی و روحانی شدن

«««توانایی های معنوی انسان»»»

۱. بشر شکاک و مادی‌گرا وقتی با وحی الهی یا معجزه‌ای مواجه می‌شود، بلافاصله دنبال دلیلی می‌گردد تا اثبات کند که هیچ واقعیت ماوراءالطبیعی وجود ندارد و هیچ معجزه‌ای هرگز رخ نداده است.

۲. اگر کسی توانایی معنوی غیرمعمولی نشان دهد، معمولاً با تمسخر، شک یا بی‌تفاوتی روبرو می‌شود تا صدای او خاموش شود. و هنگامی که طبیعت، به عنوان ابزاری از جانب الوهیت، با فریاد عدالت خود هشدار می‌دهد، بشر همه این‌ها را به شانس و اتفاق نسبت می‌دهد. در این دوران، بشریت شاید هرگز تا این اندازه نسبت به امور الهی، معنوی و ابدی بی‌حس، ناشنوا و نابینا نبوده است.

۳. میلیون‌ها نفر خود را مسیحی می‌نامند، اما اغلب تعالیم واقعی مسیح را نمی‌شناسند. آنها ادعا می‌کنند که تمام کارهای من را دوست دارند، اما رفتار و دیدگاه‌شان نشان می‌دهد که جوهره تعالیم من را درک نکرده‌اند.

۴. من به شما حیات روح را آموختم و توانایی‌هایش را بر شما آشکار کردم؛ به همین دلیل به جهان آمدم.

۵. من بیماران را بدون دارو شفا می‌دادم، با ارواح سخن می‌گفتم، افراد تسخیر شده را آزاد می‌کردم و این کارها نشان داد که طبیعت من فراتر از یک انسان معمولی است. هدف این نشان دادن مسیر تکامل روح بود.

۶. شما گنجینه‌های واقعی در درونتان دارید، توانایی‌ها و استعدادهایی که شاید اصلاً از آن‌ها آگاه نیستید و به دلیل نادانی، همچون نیازمندان می‌گریید. از قدرت دعا، قدرت تفکر و عمق گفتگوی ارواح چه می‌دانید؟ هیچ!!

۷. من از جهان معنویت انتظار دارم؛ نام‌ها و آیین‌های مختلف هیچ ارزشی برای من ندارند. این‌ها فقط به حواس انسانی می‌رسند اما روح مرا نمی‌سازند.

۸. من از مردم انتظار معنویت‌گرایی دارم؛ معنویت‌گرایی یعنی بالابردن کیفیت زندگی، آرمان کمال، عشق به نیکی، روی آوردن به حقیقت، انجام دادن نیکوکاری و هماهنگی با خود و دیگران و در نهایت با خدا.

۹. معنویت‌گرایی به معنای پرهیزگاری یا انجام آیین‌های پیچیده نیست. همچنین یک شکل ظاهری از عبادت هم نیست. معنویت‌گرایی به معنای آشکار شدن تمام توانایی‌های انسانی است، چه آن‌هایی که مربوط به جسم و حواس مادی هستند و چه آن‌هایی که فراتر از حواس فیزیکی و متعلق به روح‌اند؛ توانایی‌ها، قدرت‌ها و ویژگی‌های واقعی انسان.

۱۰. معنویت یعنی استفاده درست و بهینه از تمام مواهبی که انسان در اختیار دارد. معنویت یعنی هماهنگی و هم‌نوایی با همه چیزهایی که شما را احاطه کرده‌اند.

۱۱. در زمانی که آمدم، بزرگ‌ترین فضیلت که رحمت است را به شما آموختم؛ قلب‌هایتان را به‌صورت معنوی الهام بخشیدم و احساسات شما را حساس کردم. اکنون موهبت‌های روح معنوی شما را آشکار می‌کنم تا آن‌ها را پرورش دهید و برای خدمت و نیکی به دیگران به کار گیرید.

۱۲. دانش زندگی معنوی این امکان را به شما می‌دهد که کارهایی مانند استادان معنوی‌تان انجام دهید. به یاد داشته باشید که گفتم اگر توانایی‌های خود را توسعه دهید، معجزات واقعی خواهید آفرید.

۱۳. همه شما از مواهب روح برخوردارید که در این «عصر سوم» به تدریج و به‌واسطه تکامل ارواح آشکار می‌شوند؛ موهبت‌هایی چون شهود، بینش معنوی، وحی، نبوت و الهام که نور عصر جدید و ابتدای فصل ششم کتاب هفت مُهر است.

۱۴. شما که هدف این تجلیات را می‌دانید، استعدادهای معنوی خود را به مسیر عشق هدایت کنید. همیشه آماده باشید تا با محبت و عشق به دیگران کمک کنید. اینگونه مطابق قانون من رفتار کرده و الگوی شاگردان من خواهید بود.

۱۵. وقتی انسان‌ها یکدیگر را دوست داشته باشند، ببخشند، فروتن باشند و بر روح بر جسم غلبه کنند، نه جسم، نه دنیا و نه شهوات نمی‌توانند مانع دیدن مسیر واقعی‌شان شوند. جسمی که با پیروی از آموزه‌های من روحانی شده باشد، مانند بنده‌ای مطیع فرمان وجدان خواهد بود، برخلاف امروز که مانعی برای دیدن حقیقت روح است.
۱۶. شهود، یعنی بینش معنوی و پیشگویی، ذهن را روشن می‌کند و قلب را حساس می‌سازد تا بتواند پیام‌ها و صداهایی را که از بی‌کران دریافت می‌کند، بشنود.
۱۷. موهبت شهود، که به همه عطا شده است، توانایی کشف رازهای دل‌ها و شناخت تراژدی‌هایی را دارد که نه تنها زندگی زمینی انسان‌ها بلکه روحشان را نیز متاثر می‌سازد.

۱۸. چگونه می‌توان بدون آسیب زدن و بی‌احترامی به اسرار قلب‌ها، به آن صمیمیت و رازهای پنهان دردهای درون انسان‌ها نفوذ کرد؟ من پیش‌تر گفته‌ام که شهود، بخشی از موهبت معنوی نبوت، که باید از طریق دعا و تمرین به کمال برسد، راهنمای شما برای تسکین دردهای همنوعانتان خواهد بود.

۱۹. هنوز رازهای بسیاری برای بشر باقی مانده است؛ موجوداتی نامرئی و ناملموس که اطراف ما هستند و باید بتوانیم آنها را ببینیم و لمس کنیم.

۲۰. زندگی پر از زیبایی و وحی است که بر وجود انسان می‌درخشد، اما در این کوری و نادانی هنوز توانایی دیدن آن را ندارند.

۲۱. شخصی که آماده و تربیت یافته از طریق آموزه‌های من باشد، قادر به انجام کارهایی فراتر از توان معمولی انسان خواهد شد. نوری از روح و جسمش ساطع می‌شود که او را قادر می‌سازد کارهایی کند که فقط با هوش و منطق ممکن نیست.

۲۲. زمانی فرا خواهد رسید که نور روح القدس به طور کامل در پیروان من خواهد درخشید، آنها موهبت‌های روح القدس را آشکار و عملی خواهند کرد. این افراد بدون نیاز به دارایی یا دانش دنیوی، به نام من معجزات خواهند آفرید؛ بیماران درمانده را شفا خواهند داد، آب را به درمان تبدیل خواهند کرد، و مردگان را زنده خواهند کرد. دعای آنها قدرت آرام کردن طوفان‌ها، کنترل نیروهای طبیعت و مبارزه با نیروهای شیطانی را خواهد داشت.

۲۳. از طریق کلام، دعا و اقتدار شاگردان من، انسان‌هایی که تحت ظلم، آزار و تصرف بودند، رهایی خواهند یافت.

۲۴. معنویت یعنی پالایش احساسات، پاکی در زندگی، ایمان، نیکوکاری، کمک به دیگران، فروتنی در برابر خدا و احترام عمیق به هدایای الهی. با دستیابی به این فضیلت‌ها و بینش معنوی، به منزلگاه عشق و کمال وارد می‌شوید. حتی اگر لحظاتی کوتاه در دعا به این منزلگاه برسید، نوری به شما داده می‌شود که آینده را برایتان روشن می‌کند، زیرا برای روح در حال تعالی، آینده دیگر راز نیست.

۲۵. بله، ای شاگردان، از منظر انسانی، انسان در زندگی نمی‌داند فردا چه خواهد شد، چه مسیری در پیش دارد و پایان کارش چگونه رقم خواهد خورد.
۲۶. انسان قادر نبود تحمل کند که تمامی سختی‌ها و آزمایش‌هایی را که قرار است تجربه کند، بداند. بنابراین با عشق و مهربانی من، یک پرده راز میان حال و آینده او قرار داده شده است تا ذهنش گیج نشود و آرامش خود را از دست ندهد.
۲۷. اما روح، این وجود جاودانه و پرقدرت، توانایی شناخت آینده و سرنوشت خود را دارد. روح می‌داند که در پایان مسیر، اگر با اطاعت از قانون پیش رفته باشد، به سرزمین موعود یا بهشت روح خواهد رسید؛ مقام تعالی، پاکی و کاملی که به آن دست خواهد یافت.
۲۸. تو نمی‌توانی به سطح معنوی استاد خود برسی و دقیقاً بدانی آینده‌ات چه خواهد بود؛ اما به واسطه تعالی درونیت، امکان درک نزدیکی برخی رویدادها و احساس شهود آنها به تو داده می‌شود.
۲۹. این شهود و آگاهی از سرنوشت را تنها در سطوح بالاتر معنوی، آن‌چنان که وجود جسم و روحت با ایمان، پاکی، عشق به زندگی، عشق به انسان‌ها، فروتنی و محبت به خدا تعالی می‌یابد، به دست خواهی آورد.
۳۰. هوشیار باش تا با کسانی که همچون تو مأموریت‌های الهی دارند در جدال نباشی؛ این آگاهی به تو کمک می‌کند که پیامبران واقعی را بشناسی و کارهای درست را تایید کرده و باطل را رد کنی.
۳۱. چرا که زمانه‌ای است که همه نیروها برای نبرد آماده شده‌اند؛ ببین چگونه خوبی با بدی، نور با تاریکی، دانش با جهل و صلح با جنگ به مبارزه برخاسته‌اند.

««««پیش نیاز ها وویژگی های معنویت واقعی»»»»

۳۲. بدان که در هر انسان یهودایی نهفته است؛ زیرا بدن، یهودای روح است؛ بدنی که در برابر نور معنویت می‌ایستد و می‌کوشد روح را در دام مادی‌گرایی و شهوات گرفتار کند.
۳۳. اما هرگز بدنت را به جرم این جنگ محکوم مکن؛ چون تو به آن نیاز داری و باید با معنویت بر آن پیروز شوی، همان‌گونه که من بر یهودای درون خود به واسطه عشقم فائق آمدم.

۳۴. پیش از آنکه برای دیدار من راهی شوی و اصول زندگی معنوی را بیاموزی، باید با پیروی از آموزه‌هایی که به تو وحی شده، با محبت به همنوعانت زندگی کنی، راه معنوی را پیش بگیری و بذر عشق و نور در مسیر وجودت بکاشی. اگر این‌ها را نکنید، معنویت را درک نکرده‌ای و این نشان دهنده ماهیت واقعی وجود توست. از طریق این مسیر است که تو می‌توانی پدرت را بهتر بشناسی و خودت را پیدا کنی.
۳۵. درست است که برای رسیدن به روشن‌بینی معنوی، باید دنیا را تا حدی ترک کنی، تلاش کنی و از خودگذشتگی داشته باشی. اما زمانی که اشتیاق به وجودی بلندمرتبه‌تر در درونت زنده شد، وقتی عشق شروع به درخشیدن کرد و هنگامی که تلاش برای معنویت در تو ریشه دواند، نه تنها ترک دنیا دیگر برایت سخت نخواهد بود، بلکه رهایی از هر آنچه بی‌فایده و مضر است برایت خوشایند و شادی‌آور خواهد شد.
۳۶. همیشه آگاه باش که در پیشگاه من همه برابرند، همه منشأیی یکسان دارید و همه دارای هدفی مشترک هستید، حتی اگر سرنوشت ظاهری شما متفاوت باشد.
۳۷. هرگز فراموش نکن که همه شما در نهایت باید به من برسید؛ اگرچه مسیرهایتان متفاوت است، برای رسیدن به بالاترین درجات فکری و معنوی باید شایستگی‌های لازم را کسب کنید. بنابراین هیچ کس را پست‌تر از خود ندانی.
۳۸. تکبر هرگز نباید در دل یک انسان معنوی رشد کند؛ به جای آن، فروتنی حقیقی باید همیشه همراه او باشد. چنین فردی، اعمالش با نوری واقعی و آرامش‌بخش در دل دیگران طنین‌انداز می‌شود، نه با نوری کاذب و فریبنده.
۳۹. کسانی که معنویت را در زندگی خود می‌کارند، خود را با هیچ ظاهر و شیوه‌ی مادی یا بیرونی متمایز نمی‌کنند. نه لباس خاصی دارند، نه نشانه‌ای قابل تشخیص؛ تنها ساده‌زیستی و فروتنی، و به ویژه خیرخواهی و معنویت عمیقشان آن‌ها را متمایز می‌کند.
۴۰. واعظان حقیقی معنویت، نه به خاطر فصاحت سخن، بلکه به سبب خرد، سادگی کلام و بالاتر از همه صداقت رفتار و نیکی زندگی‌شان، جایگاه والایی در دل مردم دارند.
۴۱. معنویت یعنی شفافیت، سادگی، فداکاری در راه عشق و تلاش پیوسته برای رسیدن به کمال روحی.

««««اثرمفید معنویت»»»»
۴۲. با دست‌یابی به معنویت، فرد به درجه‌ای از تعالی می‌رسد که فراتر از ظرفیت عقل مادی است و این او را قادر می‌سازد تا ایده‌ها و نیروهایی را دریافت کند که بر جهان مادی تسلط دارند.

۴۳. در نظر بگیرید که اگر تعالی معنوی روح نه تنها از طریق مطالعه و تحقیق درباره جهان مادی که طبیعت به ما ارائه می‌دهد حاصل شود، بلکه همراه با وحی معنوی باشد که خالق همه چیز به ما می‌رساند، آن‌گاه ثمرات و درک‌هایی که به دست می‌آورید بسیار فراتر و عمیق‌تر خواهد بود.

۴۴. هنگامی که انسان‌ها به معنویت واقعی دست یابند، موجوداتی برتر از هر نیروی طبیعی و تأثیرات پیرامون خود خواهند بود، زیرا تاکنون همه انسان‌ها در برابر نیروها و قدرت‌های طبیعی تضعیف شده‌اند، در حالی که معنویت آنها را بر این نیروها برتری می‌بخشد، چرا که آنها ذاتاً برتر از این نیروها هستند.

۴۵. به راستی می‌گویم که معنویت نیز مانند دیگر ویژگی‌ها به نسل‌های بعد منتقل خواهد شد. پس باید کوشید در فرزندانتان پاکی قلب و پذیرش امور معنوی را تقویت کنید. آنها از شما سپاسگزار خواهند بود که رحمت و هدیه جسمی پاک، ذهنی روشن، قلبی حساس و روحی هماهنگ با وجدان را به آنان داده‌اید.

۴۶. هدف اصلی کار من معنوی کردن تمام مردم است، زیرا در این فرآیند آنها به وحدت و درک یکدیگر خواهند رسید و نام‌ها، شکل‌ها و ظاهرهای مذهبی که باعث جدایی‌های معنوی شده، کمرنگ و ناپدید خواهد شد. هر کس خدای خود را به گونه‌ای متفاوت درک می‌کرد که مانع وحدت بود.

۴۷. هر کسی که به سمت معنویت حرکت می‌کند، درمی‌یابد که آنچه همیشه کم داشته، رهایی از مادی‌گرایی بوده تا بتواند مفاهیم و تجربیاتش را به صورت معنوی و عمیق‌تر درک کند.

۴۸. تنها چیزی که اکنون از مردم می‌خواهم، توجه و گرایش به معنویت است. در همین مسیر، آنها شاهد تحقق بالاترین آرمان‌های خود و حل دشوارترین مشکلات و اختلافاتشان خواهند بود.

فصل۴۹-دین و فقه

««««هیچ دین و مذهبی تنها دین و مذهب واقعی نیست»»»»

۱. من نیامده‌ام که تعصب مذهبی را تشویق کنم؛ آموزه‌هایم در جهت بهبود، ایمان، عشق و رشد معنوی است. تعصب تاریکی و اشتیاق ناسالم است؛ مراقب باشید به قلب‌تان راه نیابد.

۲. درک کنید که این تاریکی هم‌اکنون بر بشریت سایه افکنده. هرچند بسیاری ادعای پرستش خدا دارند، اما هنوز مرا نمی‌شناسند و محبت ندارند، چون جنگ، نفرت و ناهماهنگی دارند.

۳. طوفان‌های بزرگی برای تطهیر آیین معنوی انسان‌ها در راه است؛ پس از آن صلح و آرامش فراگیر خواهد شد.

۴. من اجازه داده‌ام ادیان در جهان باشند، چه آن‌هایی که نیکی و عشق و رحمت را آموزش می‌دهند؛ هر دینی که این‌ها را دارد حاوی نور و حقیقت است. اما وقتی مردم پژمرده و گمراه شوند، مادی‌گرایی راه را تاریک می‌کند.

۵. اکنون حقیقت را که راه و جوهر زندگی است به شما نشان می‌دهم؛ فراتر از اشکال و آیین‌ها به این قانون بنگرید. هر کس این را جستجو کند، یک روحانی است.

۶. هیچ‌کس گم نمی‌شود؛ برخی زودتر و برخی دیرتر به این مسیر می‌رسند.

۷. در ادیان، هر فرد می‌تواند آموزه‌های لازم را بپذیرد، اما اگر شکست خورد، نباید دین خود را سرزنش کند و همان باشد که بوده است.

۸. همه ادیان راه‌هایی به سوی خیر و پدر هستند؛ اگر دینی رضایت نمی‌دهد، ایمان به من را از دست نده. با عشق به همسایه گام بردار که رستگاری در این عشق است.

۹. ادیان مسیرهای فرعی‌اند که ارواح را به مسیر حقیقی هدایت می‌کنند تا به من برسند. تا وقتی مردم ادیان مختلف دارند، جدا هستند، اما در راه عشق و حقیقت متحد می‌شوند، چون فقط یک حقیقت وجود دارد.

۱۰. اتحاد ادیان وقتی رخ می‌دهد که بشر از مادی‌گرایی، سنت‌ها و تعصبات فراتر رود و در یک پرستش واحد، بر پایه نیکی و عشق متحد شود؛ آن‌وقت دوره کمال آغاز می‌شود.

۱۱. تفرقه معنوی از این است که مردم شاخه‌های مختلف درخت وحی را گرفته‌اند؛ همه میوه‌ها از یک درخت الهی است. نباید آموزه‌ها را جدا کنید و اختلاف بیافزایید.

۱۲. منظور من اصل اساسی هر دین است، نه شکل ظاهری پرستش آن.

۱۳. بادهای تندی خواهند وزید که میوه‌های مختلف درخت را می‌ریزند و مردم می‌چشند.

۱۴. آنگاه خواهند فهمید که تعصب آنان را کور کرده بود و میوه‌های برادرانشان را به دلیل ناشناخته بودن رد کرده بودند.

۱۵. بخشی از نور من در هر جامعه است؛ هیچ‌کس نباید مدعی کامل بودن باشد. برای رسیدن به هسته ابدیت باید بینش‌ها را با هم متحد کرد تا نوری درخشان پدید آید که همیشه دنبالش بودند و نیافتند.

۱۶. «یکدیگر را دوست بدارید» شعار و بالاترین فرمان من است، بی‌توجه به عقاید و مذهب.

۱۷. با اجرای این فرمان به هم نزدیک شوید و مرا در خود خواهید یافت.

««««خصومت با توسعه وپیشرفت ادیان»»»»

۱۸. انسان‌ها بیش از زندگی معنوی، به زندگی مادی اهمیت دادند؛ گرچه می‌دانند زندگی مادی زودگذر و معنوی جاودانه است. به همین دلیل، در علم پیشرفت کردند اما معنوی راکد ماندند.

۱۹. ادیان را بررسی کنید؛ هیچ کدام نشانه پیشرفت یا کمال ندارند. هر دین خود را حقیقت نهایی می‌داند و پیروانشان تلاشی برای پیشرفت نمی‌کنند.

۲۰. وحی الهی و آموزه‌ها نشان می‌دهد که هستی در تکامل است؛ پس چرا فرقه‌ها این را نپذیرفتند؟

۲۱. تنها آموزش الهامی که روح را بیدار، پرورش و هر بار بلند می‌کند و پیشرفت می‌دهد، واقعی است. این دقیقا آموزه من است.

۲۲. با وجود این، معنویت را کنار گذاشتید و بیشتر متمرکز به زندگی زمینید؛ ادیان‌تان هم کلاً دخالت کمی در امور دنیوی دارند.

۲۳. پیروی از سنت‌ها باعث می‌شود فکر کنید درست عمل کرده‌اید و بهشت را تضمین کرده‌اید.
۲۴. چه جهلی! وقتی فقط از آداب مذهبی پیروی می‌کنی، روحت را تهی می‌کنی و چیزی به من نمی‌دهی.
۲۵. اگر کلیسا را ترک کنی و فکر کنی کار خدا را کرده‌ای، اشتباه بزرگی است. تو چیزی به من نمی‌دهی، اما می‌توانی چیزهای زیادی از من بگیری و به خودت ببخشی.

۲۶. اجرای شریعت محدود به بازدید مکان‌های مقدس نیست؛ این مکان‌ها باید مدرسه‌ای باشند که در آن دانش‌آموز درس زندگی می‌گیرد و در روزمره آن را به کار می‌برد که اجرای واقعی شریعت است.

««««رابطه بین علم ودین»»»»

۲۷. از ابتدا، پیام‌آوران دین با دانشمندان دشمنی داشتند و مبارزات فراوانی رخ داده است؛ حال وقت آن است که درباره این اختلافات سخن بگویم.

۲۸. من جهان را خانه موقت ارواح آفریدم و به آن‌ها عقل، ذهن و اراده دادم.

۲۹. من سرنوشت و تکامل موجودات را می‌دانستم و تمام عناصر حفظ و تکامل طبیعت و انسان را در زمین قرار دادم. بشر باید اسرار طبیعت را کشف کند.

۳۰. علم برای بشر آشکار شد و افرادی با استعداد برای کشف رازهای طبیعت به خدمت مردم درآمدند.

۳۱. همچنین ارواح بزرگی برای آشکارسازی حیات ماوراءالطبیعه فرستادم؛ موجودی قدرتمند و خالق که زندگی جاودان روح را پس از مرگ برای بشر به ارمغان می‌آورد.

۳۲. چون برخی مأموریت معنوی و برخی علمی داشتند، دین و علم اغلب در دشمنی بودند.

۳۳. امروز می‌گویم ماده و روح نیروهای مخالف نیستند و باید هماهنگ باشند. الهامات معنوی من و اکتشافات علمی هر دو نور هستند. اما دانشمندان گاهی به دلیل سوءاستفاده از نیروهای طبیعت برای اهداف مخرب، با مشکلاتی روبرو می‌شوند.

۳۴. آشکار کردن اسرار بزرگ به کسانی که با عشق و نیت خیر مأموریت‌شان را انجام می‌دهند و با احترام و فروتنی به گنجینه‌های من می‌نگرند، برای من شادی‌آور است.

۳۵. علم از آغاز جهان بشر را به پیشرفت مادی هدایت کرده؛ در این مسیر، انسان میوه‌های علم را چشیده، شیرین و تلخ.

۳۶. اکنون باید بدانید که تمام نور از روح من است و هر زندگی از الوهیت من سرچشمه می‌گیرد، چرا که من منبع اصلی و خالق همه آفرینش‌ها هستم.

۳۷. نبرد میان معنویات و علوم پایان خواهد یافت و این دو در نوری واحد متحد می‌شوند که راه بشریت را به سوی بی‌نهایت روشن می‌کند.

«««سختی و بی عدالتی عدالت زمینی»»»

۳۸. من آمده‌ام تا قوانین نادرست و ظالمانه را لغو کنم و قوانینی حاکم سازم که بر پایه فرامین من و خرد جاودانه‌ام باشند؛ این قوانین سرشار از عشق‌اند و تغییرناپذیر.

۳۹. قانون پدر، قانون عشق و مهربانی است که گناهکار را تسلی داده و فرصتی برای تجدید اخلاق به او می‌دهد؛ اما قوانین بشری اغلب بر تحقیر و مجازات تمرکز دارند و گاهی بی‌گناهان را مجازات می‌کنند.
۴۰. در نظام قضایی شما خشونت، انتقام و فقدان رحمت دیده می‌شود؛ اما شریعت من سرشار از عدالت، قدرت اقناع و عشق است. شما قاضی خود هستید و من مدافع خستگی‌ناپذیر شما؛ اما دو راه برای پرداخت تاوان وجود دارد: عشق یا درد.
۴۱. انتخاب با خود شماست، هنوز آزادانه اراده دارید.
۴۲. من قاضی الهی هستم که سخت‌تر از گناه حکم نمی‌کنم. چند نفر خود را پاک می‌دانند و چند نفر گناهان خود را اظهار می‌کنند؟ پاکی از میان رفته و فساد بر جای آن نشسته است.

۴۳. عدالت بشری چقدر ناعادلانه است! بسیاری از بی‌گناهان قربانی قضاوت‌های نادرست شده‌اند، در حالی که گناهکاران آزاد می‌گردند و بار گناهان خود را پنهان می‌کنند.

۴۴. زندان‌هایتان پر از بی‌گناهان است و محل‌های اعدام با خون آنان رنگین؛ در حالی که جنایتکاران در جهان آزاد و محترم زندگی می‌کنند و حتی یادبودهایی به افتخارشان ساخته شده است.

۴۵. اگر می‌توانستید آن موجودات را در دنیای معنوی ببینید، درمی‌یافتید که نور در روحشان طلوع کرده است و به جای بی‌احترامی و تحقیر، باید برایشان دعا کنید تا در پشیمانی تسلی یابند.

««««خودپسندی سنگدلانه انسان»»»»

۴۶. بگذارید عشق راهنمای شما باشد و سفیران تسلی الهی شوید؛ قضاوت بدون دلسوزی و محبت آموزه من نیست.
۴۷. اگر ابتدا خود و خطاهایتان را می‌دیدید، قضاوت‌تان دلسوزانه‌تر می‌شد. شما زندانیان را شرور و بیماران را بدبخت می‌دانید و از آن‌ها دور می‌شوید، اما آن‌ها شایسته نور و عشق من هستند.
۴۸. کسانی که در زندان‌اند، آینه‌ای از آن‌چیزی هستند که مردم نمی‌خواهند در خود ببینند؛ تصویری از خطاها و کمبودها.

««««عدالت زمینی به عنوان یک شر ضروری»»»»

۴۹. سیستم قضایی زمینی عادلانه نیست؛ کمبود رحمت و درک و سنگدلی دیده می‌شود، اما داوری کامل در زمان خود خواهد آمد.
۵۰. من اجازه این آزمایش‌ها را داده‌ام و تا وقتی بشریت فرامین مرا نپذیرد، کسانی باقی خواهند ماند که قلبشان در برابر آسیب خم می‌شود.

۵۱. اگر قوانین مرا به درستی اجرا می‌کردید، هیچ نیازی به قاضی و محاکمه نبود؛ هر فرد خود مسئول اعمالش بود و همه تحت حکومت من، با الهام از قوانین عشق و معنویت، زندگی می‌کردند.

۵۲. اما انسانیت در ورطه‌های فساد اخلاقی و رذالت فرو رفته است؛ قلب‌ها به گناه آلوده شده‌اند و نتیجه‌اش تلخی‌هایی است که باید تحمل کنید، از جمله تحقیرهایی که از سوی کسانی که بر روی زمین قدرت دارند، متحمل می‌شوید.

۵۳. با این حال، فروتن باشید و با صبر داوری‌ها را تحمل کنید و همواره به یاد داشته باشید که من قاضی کامل و بی‌نقص هستم.

فقل۵۰-آموزش و علوم
««««غرور و تکبر داشتن در دانش»»»»

۱. از مردمان این عصر که خود را پیشرفته‌ترین در تاریخ می‌دانند می‌پرسم: آیا با تمام استعدادهایتان، راهی برای صلح، قدرت مثبت و رفاه بدون کشتار، نابودی و بردگی همسایگان یافته‌اید؟ آیا واقعاً پیشرفته‌اید در حالی که از نظر اخلاقی در باتلاقید و از نظر معنوی در تاریکی سرگردانید؟ مخالفت من با علم نیست، بلکه با سوء استفاده‌ایست که گاهی از آن می‌شود.
۲. بشریت، دختر نور، چشمانت را باز کن؛ بدان که تو همین الان در عصر روح زندگی می‌کنی!
۳. چرا مرا فراموش کرده‌ای و می‌خواهی قدرت خود را با قدرت من بسنجی؟ روزی که دانشمندی با دانش خود موجودی مثل تو آفریند و به او روح دهد، عصای سلطنت در دست تو خواهد بود، اما محصول اولیه‌ات چیز متفاوتی خواهد بود.
۴. چرا برخی پس از یادگیری علم بشر، به جای پیشبرد علم الهی برای خیر، با غرور و تکبر به مبارزه با آن پرداخته‌اند؟ زیرا توانایی‌های داده‌شده توسط خالق را با غرور و بی‌احترامی به خزانه الهی وارد نکرده‌اند و به دنبال قدرت و تخت این دنیا هستند.
۵. امروز انسان احساس بزرگی می‌کند، از گفتن «خدا» شرم دارد و نام‌هایی دیگر روی من می‌گذارد تا تکبر خود را حفظ کند؛ اما من به شما آموخته‌ام که مرا «پدر ما» و «پدر من» صدا بزنید، همان‌طور که در «بار دوم» آموختم. چرا با نامیدن من «پدر» شخصیت خود را کوچک می‌شمارید؟
۶. انسان تا چه حد در مادی‌گرایی غرق شده است که خالق همه چیز را انکار می‌کند! چگونه ذهن می‌تواند چنین تاریک شود؟ چگونه علم می‌تواند مرا انکار کند و طبیعت و زندگی را چنین آلوده نماید؟
۷. در هر کشف علمی حضور من هست؛ در هر قانونی صدای من به گوش می‌رسد. چگونه است که چنین کسانی نمی‌بینند، نمی‌شنوند و حس نمی‌کنند؟ آیا این نشانه پیشرفت و تمدنی است که وجود من، عشق و عدالت مرا انکار می‌کند؟ شما از انسان‌های اولیه که در هر نیروی طبیعت اثر موجودی الهی و خردمند را می‌دیدند، پیشرفته‌تر نیستید، همان‌هایی که تمام خوبی‌ها را به آن موجود منتسب کرده و او را می‌پرستیدند.

۸. من دوباره کلام خود را به مردم می‌دهم، تا بدانند که تنها نیستند و از راه صدای روح خود بتوانند بیدار شوند و درک کنند که روح پس از این زندگی منتظر معجزات بزرگ الهی است.
۹. من از زبان کسانی سخن گفته‌ام که برای ارتباط با معنویت دعا می‌کنند و آن را تجربه می‌کنند، درست مانند دانشمندانی که از طریق علم به کاوش در اسرار طبیعت می‌پردازند. در هر دو مسیر، عقل و روح با جستجوی بیشتر، کشفیات بیشتری خواهند داشت.

۱۰. اما کی بشریت اجازه می‌دهد که در جستجوهایش از عشق الهام بگیرد؟ تنها در این صورت علومش پایدار خواهد بود؛ تا زمانی که انگیزه‌ها قدرت، غرور، مادی‌گرایی یا نفرت باشد، با نیروهای طبیعی ناسازگار و بی‌رحم روبرو خواهد شد که سرکشی و بی‌پروایی آنها را مجازات می‌کنند.

۱۱. چه بسیار کسانی که در شرارت و غرور گرفتار شده‌اند؛ چه بسیار کسانی که تاجی بر سر دارند، اما روحشان تهی و درمانده است. تضاد عظیمی بین حقیقت‌هایی که شما می‌پندارید و حقیقت من وجود دارد.

««««پیامد های تفکرمادی وعقلانی»»»»

۱۲. اگر مردم عشق واقعی به همنوعانشان داشتند، نیازی به تحمل هرج و مرج نبود؛ درون‌شان هماهنگ و آرام بود. اما آنها عشق الهی را درک نمی‌کنند و تنها حقیقت علمی را می‌طلبند، حقیقتی که بتوانند با عقل اثبات کنند، نه حقیقتی که به قلب برسد. نتیجه این ماتریالیسم، انسانی خودخواه، دروغین و رنج‌کشیده است.
۱۳. به دستاوردهای علمی خود افتخار نکنید، زیرا با وجود این پیشرفت‌ها، بشریت بیشترین رنج، بدبختی، اضطراب، بیماری و جنگ را تجربه می‌کند.
۱۴. علم حقیقی، آن علمی که از طریق عشق به دست می‌آید، هنوز کشف نشده است.
۱۵. غرور شما را کور کرده است؛ هر ملت می‌خواهد دانشمندان بزرگی داشته باشد، اما حقیقت این است که دانشمندان به عمق اسرار خدا نفوذ نکرده‌اند؛ دانش انسان درباره زندگی هنوز سطحی است.

۱۶. در این لحظه بر روی زمین، بیش از هر چیز آرزوی صلح، سلامتی و حقیقت دارید؛ اما به شما می‌گویم که علم بشری، آن‌گونه که تاکنون به کار گرفته شده، این هدایا را به شما نخواهد داد.
۱۷. محققان از طبیعت سوال می‌پرسند و طبیعت پاسخ می‌دهد، اما نیت‌های آنها همیشه نیک نیست. کسانی که اسرار طبیعت را بدون احترام و با هدف‌های خودخواهانه می‌ربایند و منابع آن را برای اهداف مخرب بهره‌برداری می‌کنند، نابالغ و نادانند.
۱۸. کل آفرینش با صدای عشق با ما سخن می‌گوید، ولی چه اندک کسانی هستند که توان شنیدن و درک این زبان را دارند.
۱۹. اگر خلقت را معبد من بدانید، آیا نمی‌ترسید که عیسی در آن ظاهر شود، شلاق بردارد و کسانی را که به آن بی‌حرمتی می‌کنند، بیرون کند؟
۲۰. من به انسان وحی کردم که علم موهبتی از نور است، اما بشر آن را برای تاریکی، درد و ویرانی به کار برده است.
۲۱. مردم فکر می‌کنند در اوج پیشرفت‌اند؛ از آنها می‌پرسم: آیا در زمین صلح دارید؟ آیا برادری، اخلاق و فضیلت در میان شما برقرار است؟ آیا به جان همنوعان احترام می‌گذارید و به ضعیفان توجه دارید؟ اگر اینگونه بودید، بالاترین ارزش‌های انسانی را داشتید.
۲۲. آشفتگی در میان مردم حکمفرماست زیرا کسانی را که باعث تباهی شما شده‌اند بر مسند قدرت نشسته‌اند. پس تعجب نکنید که چرا من به میان شما آمده‌ام و خودم را از طریق گناهکاران و نادانان آشکار می‌کنم؛ زیرا آنچه ناقص می‌دانید، ناقص نیست.
۲۳. محققان به دنبال دلیل هر چیز و اثبات اینکه هیچ حقیقتی خارج از طبیعت وجود ندارد هستند، اما من آن‌ها را نابالغ و نادان می‌دانم.
۲۴. دانشمندان، مملو از غرور، وحی الهی را نادیده می‌گیرند و نمی‌خواهند معنویت را بپذیرند و هر چیزی را که نفهمند انکار می‌کنند تا ناکارآمدی خود را نپذیرند. بسیاری فقط باورهایی را می‌پذیرند که بتوانند با علم اثبات کنند.

۲۵. اگر انسان‌ها نتوانند اصل پایه‌ای عشق که بر خلقت حاکم است را بشناسند و معنای واقعی زندگی معنوی را درک نکنند، چگونه می‌توانند آرامشی به دل دیگران ببخشند؟

۲۶. بشریت امروز چقدر از آموزه‌های معنوی من فاصله گرفته است! همه چیز سطحی، دروغین و ظاهری شده است. بدین ترتیب، قدرت معنوی واقعی از دست رفته و جای آن را تلاش بی‌ثمر برای رشد علمی و هوشی گرفته است.

۲۷. با کمک علم، انسان احساس قدرت و بزرگی کرده است، اما آن قدرت در برابر قدرت معنوی روح که اجازه رشد نیافته، ناچیز است.

۲۸. تو هر روز میوه تلخ درخت دانش را می‌چینی، درختی که به‌دلیل ناتمام بودن پرورش همه استعدادهایت ناقص مانده؛ چگونه می‌توانی اکتشافاتت را درست هدایت کنی وقتی فقط هوش را پرورش دادی اما از روح و قلب غافل ماندی؟

۲۹. میان شما افرادی هستند که همچون حیوانات وحشی به هوس‌های خود تکیه می‌کنند، نسبت به همسایگان کینه دارند، تشنه خون‌اند و دنبال به بردگی کشیدن برادران خود هستند.

۳۰. اگر کسی باور کند آموزه‌های من موجب انحطاط اخلاقی می‌شود، سخت در اشتباه است؛ به شکاکان و مادی‌گرایان اجازه می‌دهم میوه دانششان را بچشند و تا سیر شدن ادامه دهند، تا جایی که روحشان اعتراف کند: «پدر، ما را ببخش؛ تنها قدرت تو قادر است نیروهایی که ما آزاد کردیم را مهار کند.»
۳۱. علم بشری به سقف آنچه مادی‌گرایی می‌تواند به آن برسد رسیده است؛ اما علمی که از آرمان عشق و کمال الهام گرفته باشد، توان پیمودن راهی بسیار فراتر را دارد.
۳۲. مدارک پیشرفت علمی بدون عشق، انحطاط اخلاقی، جنگ‌ها، گرسنگی، بدبختی و جهل معنوی گسترده در جهان امروز است.

۳۳. درباره دانشمندان امروزی که طبیعت و نیروهایش را به چالش می‌کشند و خیر را شر نشان می‌دهند چه بگویم؟ اینان رنج بزرگی خواهند کشید، چرا که میوه نارس درخت دانش را چیده‌اند؛ میوه‌ای که تنها با عشق می‌شد آن را برداشت.
۳۴. چون بشریت با قانون جهانی کل آفرینش هماهنگ نیست، وضعیتی غیرقابل کنترل پیش می‌آید که در خشونت و آشوب نیروهای طبیعت تجلی می‌یابد.
۳۵. انسان اتم‌ها را شکافته و مغزش از این کشف برای کسب قدرت عظیم و ایجاد مرگ استفاده کرده است.
۳۶. اگر بشریت از نظر معنوی به اندازه علم و عقل خود پیشرفت داشت، نیروهای طبیعی جدید را فقط برای منفعت بشر به کار می‌گرفت. اما عقب‌ماندگی معنوی باعث شده ذهن خودخواه از قدرت خلاقانه خود برای تخریب استفاده کند و از اصول عشق و رحمت عیسی رویگردان شود. بنابراین اگر سیلی از آتش از آسمان می‌آید، این نتیجه اعمال انسان است، نه خود آسمان یا طبیعت.
۳۷. ملت‌ها در پیشرفت علمی هستند، اما من می‌پرسم: این چه حکمتی است که هر چه بیشتر در علم فرو می‌روند، بیشتر از حقیقت معنوی جدا می‌شوند که منبع حیات حقیقی است؟
۳۸. این علم فقط دانش محض است، آنچه بشریت بیمار از خودخواهی و مادی‌گرایی تصور می‌کند.
۳۹. بنابراین این دانش غلط و این علم بد است؛ چرا که باعث خلق دنیایی از درد و تاریکی شده که ملت‌ها را به نابودی می‌رساند.
۴۰. علم نور و زندگی، قدرت، سلامتی و آرامش است؛ آیا این ثمره علم شماست؟ نه! تا وقتی اجازه ندهید نور روح به فهم شما برسد، امور شما هرگز عمل‌های معنوی و والا نخواهند بود، بلکه تنها عمل‌های انسانی صرف خواهند ماند.
۴۱. پزشکان نیز مورد سوال قرار خواهند گرفت؛ از آنها خواهم پرسید که با راز سلامتی و مرهم شفابخش که به آنها داده‌ام چه کرده‌اند. آیا واقعاً درد دیگران را حس کرده‌اند؟ آیا با فروتنی رنج را به عشق تسکین داده‌اند؟ کسانی که با رنج دیگران به شکوه و آسایش رسیده‌اند چه پاسخی خواهند داشت؟ این سوالات عمیقاً در وجدان‌شان خواهد پیچید و باید با صداقت به آنها پاسخ دهند.

۴۲. چه تعداد از افرادی که روحاً مرده‌اند و در انتظار مرگ جسمانی برای رسیدن به حضور من و شنیدن صدای خداوند، صدایی که آنها را به زندگی حقیقی فرا می‌خواند، سرگردان‌اند؟ چقدر اشتیاق برای تجدید حیات می‌توانستند در خود پرورش دهند، وقتی خود را برای همیشه و به طور برگشت‌ناپذیری از دست رفته می‌پنداشتند، حتی اگر بدانند هنوز قادر به توبه واقعی و جبران گناهان خود هستند؟

۴۳. حتی کسانی که توسط دانشمندان به مرگ جسمانی محکوم شده بودند نیز نزد من آمده‌اند و من، چون صاحب حیات هستم، آنها را از چنگال مرگ ربوده‌ام. اما کسانی که سلامت روح و جسمشان به آنها سپرده شده، در این دنیا چه می‌کنند؟ آیا از سرنوشت والایی که خداوند برایشان رقم زده آگاه نیستند تا در جهت آن حرکت کنند؟ آیا من که پیام سلامتی و زندگی را به آنها داده‌ام، باید همچنان قربانی‌های آنها را دریافت کنم؟

««الهام بینش های علمی جدید توسط خداوند و جهان معنوی»»»

۴۴. اگر دانشمندانی که جهان را هدایت می‌کنند از عشق و نیکی الهام می‌گرفتند، تاکنون می‌دانستند چقدر علم واقعی و ناشناخته‌ای در اختیار من است، فراتر از آن بخش کوچکی که به آن افتخار می‌کنند.

۴۵. سلیمان را حکیم می‌نامیدند چرا که داوری‌ها و اندرزهایش سرشار از حکمت بود؛ شهرتش فراتر از مرزهای پادشاهی‌اش رفت.
۴۶. با این حال، او به رغم پادشاهی، فروتنانه در برابر پروردگار زانو زد و حکمت، قدرت و حمایت طلبید، چون فهمید که تنها بنده خداست و تاج و عصایش را کنار گذاشت. اگر همه دانشمندان چنین باشند، حکمتشان بسیار بزرگ خواهد شد و آموزه‌های پنهان حکمت الهی برای آنها آشکار می‌گردد.
۴۷. از دانشمندان خود بپرسید؛ اگر صادق باشند خواهند گفت که از خدا الهام گرفته‌اند. اما اگر واقعاً از من الهام می‌خواستند، نعمت‌های بیشتری نصیبشان می‌شد و محبت بیشتر نسبت به برادران خود و تکبر کمتر برای خویش طلب می‌کردند.

۴۸. به راستی به تو می‌گویم: هر دانشی که از حقیقت ناب و والای آن اندوخته‌ای، از من است؛ و من این دانش را در این زمان برای خیر تو به کار خواهم گرفت، زیرا به همین دلیل آن را به تو عطا کرده‌ام.
۴۹. روح انسان تکامل یافته و دانش او نیز گسترش یافته است. من به او اجازه داده‌ام آنچه را پیش‌تر نمی‌دانسته بیاموزد و کشف کند؛ اما نباید فقط در مادیات غرق شود. من آن نور را به او داده‌ام تا بتواند در زندگی معنوی در انتظارش، آرامش و خوشبختی یابد.
۵۰. اگر از دانش خود برای مطالعه و قضاوت درباره من استفاده کرده‌ای، منطقی‌تر نیست که آن را به شناخت خودت نیز اختصاص دهی تا به ماهیت واقعی‌ات پی‌بری و بر مادی‌گرایی خود غلبه کنی؟ آیا فکر می‌کنی که پدرت نمی‌تواند در مسیر علمی خوبت به تو کمک کند؟ به راستی به تو می‌گویم، اگر جوهر عشق الهی را حس می‌کردی، آن دانش به آسانی درک می‌شد، بدون آنکه خود را درگیر مطالعه صرف مهارت‌هایی کنی که برای خدا به دست آورده‌ای. عمیقاً آن را بپذیر و در آغوش بگیر، زیرا حقیقت تنها برای توست.
۵۱. در کارهای بزرگ انسانی تأثیر و فعالیت موجودات معنوی والامقامی نهفته است که پیوسته بر توانایی‌های فکری انسان‌ها اثر می‌گذارند و ناشناخته‌ها را به انسان‌ها الهام یا آشکار می‌کنند.
۵۲. بنابراین من همیشه به محققان و دانشمندان می‌گویم: به آنچه می‌دانید یا انجام می‌دهید افتخار نکنید، چون همه چیز کار خودتان نیست. بارها به عنوان ابزاری برای موجودات معنوی که من با شما سخن می‌گویم، خدمت کرده‌اید! آیا از نتایج اکتشافات خود شگفت‌زده نشده‌اید؟ آیا در دل به خود نگفتید که توان انجام دوباره آنها را ندارید؟ پس چرا به آن افتخار می‌کنید؟ بدانید هدایت چنین کارهایی از سوی موجودات والاتر است که همواره به سوی خیر هدایت می‌کنند. هرگز سعی نکنید الهامات آنها را دگرگون کنید.
۵۳. اینکه بشریت پیشرفت علمی می‌بیند و اکتشافاتی می‌کند که پیش‌تر باور نداشته، چرا به تکامل روح ایمان نمی‌آورد؟ چرا به چیزهایی چسبیده که او را عقب نگه می‌دارند و تنبل می‌کنند؟
۵۴. آموزه‌ها و وحی‌های من با تکامل معنوی شما هماهنگ است. دانشمندان نباید به کار مادی و علم خود مغرور شوند، زیرا در همه این‌ها همواره وحی من و یاری موجودات معنوی الهام‌بخش حضور داشته‌اند.

۵۵. انسان، بخشی از آفرینش است و مانند همه مخلوقات خالق، وظیفه‌ای بر دوش دارد؛ با این تفاوت که به او طبیعتی معنوی، هوش و اراده‌ای خاص عطا شده تا از طریق تلاش‌های خویش به رشد و کمال روح معنوی‌اش، که والاترین دارایی اوست، دست یابد. از طریق روح معنوی، انسان توان درک خالق خویش، فهم خیرخواهی او و تحسین خرد بی‌کرانش را دارد.
۵۶. اگر به جای آنکه به دانش زمینی خود مغرور باشید، تمام کار مرا در آن می‌دیدید، هیچ رازی برای شما باقی نمی‌ماند؛ شما همدیگر را برادر و خواهر می‌دانستید و همانگونه که من شما را دوست دارم، با مهربانی، رحمت و عشق یکدیگر را دوست می‌داشتید و در این محبت با پدر متحد می‌شدید.
««تقدیر از دانشمندانی که برای بشریت تلاش میکنند»»
۵۷. علم بشری تجلی آشکار ظرفیت فکری انسان در این عصر است و نه تنها نتیجه عقل او، بلکه محصول تکامل معنوی وی نیز هست.
۵۸. هرچند علم اسرار بسیاری را برای شما آشکار کرده، اما نباید انتظار داشته باشید که تمام آنچه باید بدانید را به شما نشان دهد. علم مردم گذشته نیز پیامبرانی داشت که مردم به تمسخرشان می‌گرفتند، ولی وقتی سخنانشان تحقق یافت، حیرت کردند.
۵۹. چشمان شما نوری که فرستادگان من با پیام عشق آورده‌اند، نمی‌دید؛ چه نامشان پیامبر بود، چه پیشگو، پزشک، فیلسوف، دانشمند یا کشیش.
۶۰. اینان نور افشاندند، اما شما نورشان را نشناختید؛ آنها پیش از شما رفتند، اما شما از آنها پیروی نکردید و این باعث شد که آنها به عنوان نمونه‌ای باقی بمانند. راه پر از فداکاری، درد و رحمت را پیمودند، اما شما از پیروی از این الگو می‌ترسیدید، غافل از اینکه درد پیروان من، شادی روح است؛ مسیری پر از گل‌ها و افقی پر از وعده.
۶۱. این افراد نیامده بودند تا به لذت‌های زودگذر دنیا دل ببندند یا عطر گل‌های زمین را استشمام کنند، بلکه روحشان دیگر به سوی ناپاکی‌ها نبود و به سوی عظمت‌ها و ارتفاع‌ها گرایش داشت.
۶۲. آنها رنج کشیدند اما برای تسلی خود نیامدند، چون می‌دانستند آمده‌اند تا دیگران را تسلی دهند. آنها از دنیا هیچ انتظاری نداشتند، زیرا پس از نبرد در انتظار شادی دیدن رستاخیز ارواح و زندگی یافتن همه کسانی بودند که از حقیقت دور شده بودند.

۶۳. آن موجوداتی که درباره‌شان با شما سخن می‌گویم، کسانی هستند که پیام‌هایی از نور، عشق، امید، سلامتی، ایمان و رستگاری را برای شما آورده‌اند—صرف نظر از نام، نحوه ظهور یا عناوینی که در زمین داشته‌اند.

۶۴. من لزوماً دانشمندان را تحسین نمی‌کنم، زیرا انجام وظایف به آنها سپرده شده؛ اما بسیاری از آنان فاقد دعا، نیکوکاری و تعالی روح لازم برای کمک واقعی به بشریت بوده‌اند.

۶۵. انسان‌های مدرن امپراتوری‌های خود را گسترش داده، بر زمین تسلط یافته و دیگر قاره، کشور یا دریای ناشناخته‌ای باقی نمانده است. آنها مسیرهایی در خشکی، دریا و هوا ایجاد کرده‌اند؛ ولی باز هم به آن راضی نیستند و در آرزوی گسترش حوزه نفوذ خود به فضا هستند.

۶۶. من میل به دانش را در فرزندانم برکت داده‌ام، و تلاششان برای خردمند و بزرگ بودن را تأیید می‌کنم؛ اما عدالت من غرور ناشی از اهداف بلندپروازانه یا انگیزه‌های خودخواهانه را نمی‌پذیرد.

۶۷. من به انسان هوشی داده‌ام که بتواند ترکیب طبیعت و مظاهر آن را مطالعه کند، بخشی از کیهان را مشاهده نماید و حضور مظاهر زندگی معنوی را نیز حس کند.

۶۸. آموزه‌های من نه روح‌ها را عقب نگه می‌دارد و نه جلوی رشد انسان را می‌گیرد، بلکه آنها را آزاد و روشن می‌سازد تا تحقیق، تأمل، پژوهش و تلاش کنند؛ اما آنچه افراد بالاترین دستاورد فکری خود می‌نامند، فقط آغاز راه است.

فصل۵۱-حاکمان و سواستفاده از قدرت و جنگ ها
««««توهم زودگذر قدرت و عظمت زمینی»»»»

۱. این منم که آزمایش‌هایی را در مسیر تو قرار می‌دهم تا اگر روحت از راه شریعت من منحرف شد و خواست تنها مطابق امیال خویش زندگی کند، مهارش کنم. این آزمایش‌ها مانند اسکنه‌هایی هستند که بر قلب تو اثر می‌گذارند؛ به همین دلیل درد تو مرا نزدیک‌تر می‌سازد.
۲. انسان همیشه در پی لذت، قدرت و جلال بوده است تا خود را سرور زمین و حاکم بر برادرانش بداند.
۳. ولی من همه شما را با عشقی یکسان آفریده‌ام؛ پس چرا همیشه کسانی بوده‌اند که خود را برتر می‌دانند؟ چرا کسانی با تحقیر و شلاق بر مردم حکومت می‌کنند؟ چرا کسی فروتنی را اطرد می‌کند و از آزار همسایه‌اش آرامش می‌یابد؟ این‌ها ارواحی هستند که هنوز مرا به عنوان پدری مهربان که همه مخلوقاتش را دوست دارد، نشناخته‌اند.
۴. افراد بسیاری قدرت را به دست گرفته و حقوق مقدس بشریت را نادیده می‌گیرند؛ هرچند خود را اربابان بزرگ و پادشاهان می‌نامند، اما آنها فقط خدمتگزار عدالت من هستند. این را ببخش و رحمت کن.
۵. به مردم و حاکمان زمین نگاه کن؛ شکوه و سلطنتشان چنان کوتاه‌مدت است که امروز بالا برده می‌شوند و فردا از تخت به زیر می‌افتند.
۶. هیچ‌کس در این زندگی به دنبال تاج و تخت نباشد، زیرا چون فکر می‌کند پیشرفت کرده، جلوی پیشرفتش گرفته می‌شود. سرنوشت تو پیوسته پیشرفت است تا به دروازه‌های پادشاهی من برسی.
۷. به یقین به شما می‌گویم، قدرتمندان امروز پایان خواهند یافت و جای خود را به کسانی می‌دهند که با عشق و رحمت به همسایگان خویش، بزرگ، قوی، توانا و خردمند خواهند بود.
۸. کسانی که هم اکنون صرفاً در پی جاه‌طلبی‌ها و افتخارات دنیوی هستند، می‌دانند که قدرتمندترین دشمنشان معنویت است و در برابر آن به مبارزه می‌پردازند. آن‌ها از نبرد روح علیه شر آگاه‌اند و از دست دادن دارایی‌های خود می‌ترسند؛ به همین دلیل در برابر نوری که به شکل الهام همیشگی آنان را غافلگیر می‌کند مقاومت می‌کنند.

۹. کسانی که در زمین بزرگ و قدرتمند بوده‌اند، بسیار نیازمندند وقتی در دروازه آسمانی من حاضر می‌شوند، زیرا گنجینه‌های معنوی و راه حیات جاودان را فراموش کرده‌اند! حقیقت پادشاهی من برای فروتنان آشکار می‌شود، اما از دانشمندان و فرهیختگان پنهان می‌ماند؛ زیرا آنان در این نور همچون گذشته به دنبال تخت‌هایی برای غرور و سلاح‌هایی برای اختلافات خویش می‌گردند.

««اعمال قدرت غیرمجاز بر مردم و ملت ها»»
۱۰. به مردمی نگاه کن که ملت‌ها را رهبری و دکترین‌هایی برای تحمیل به مردم خلق می‌کنند. هر یک بر برتری دیدگاه خود اصرار دارد، اما ثمره همه این نزاع‌ها و منازعات، جنگ، فقر، رنج، ویرانی و مرگ است.
۱۱. من هرگز با اراده آزاد بشر مخالفت نکرده‌ام؛ گرچه باید بدانی با دل‌هایی که از عدالت، نیکوکاری و عقل روی می‌گردانند، وجدان بی‌وقفه در تضاد است و فریاد می‌زند.
۱۲. اگر مسیح در این زمان به زمین بازگردد، دیگر نخواهد گفت «پدر، آنها را ببخش، زیرا نمی‌دانند چه می‌کنند»؛ چرا که اکنون شما نور روح را به وفور دریافت کرده‌اید و ارواح بسیاری تکامل یافته‌اند. من بخشنده حیات هستم؛ پس هیچ‌کس حق ندارد زندگی دیگری را نابود کند یا بگیرد، چرا که نمی‌تواند هستی ببخشد.
۱۳. آیا فکر می‌کنی تنها با گفتن اینکه دین داری و عبادات ظاهری انجام می‌دهی، شریعت مرا اجرا می‌کنی؟ شریعت می‌گوید «قتل مکن»، اما ریختن خون هم‌نوعان بر قربانگاه گناه نشانه نقض این فرمان است.
۱۴. من صلح را به جهانیان عرضه می‌کنم، اما غرور ملت‌هایی که قدرت و شکوه دروغین دارند، ندای وجدان را رد می‌کند و تنها اهداف جاه‌طلبانه و نفرت را دنبال می‌نماید.
۱۵. بشریت هنوز به نیکی، عدالت و خرد گرایش ندارد؛ مردم هنوز قیام می‌کنند و آرمان همسایگان خود را محکوم می‌کنند. آیا نمی‌دانند که آن‌ها باید خود را قاتل و جلاد خطاب کنند، نه قاضی؟
۱۶. صاحبان قدرت فراموش کرده‌اند که یک مالک بر همه زندگی‌ها حاکم است، و هرچند جان همنوعان را به آسانی می‌گیرند، گویا مال خودشان باشد. مردم همچنان فریاد نان، عدالت، خانه و لباس سر می‌دهند. من عدالت واقعی را برقرار خواهم کرد، نه مردم یا آموزه‌هایشان.

۱۷. مردمان متبرک کسانی هستند که در میان ملت‌ها و مردم زمین با خودبزرگ‌بینی و ادعای قدرت ظاهر می‌شوند؛ روح‌های بزرگی که موهبت قدرت دارند و حامل مأموریت‌های عظیم‌اند.

۱۸. اما متأسفانه آن‌ها به الوهیت من خدمت نمی‌کنند و مواهب بزرگی که دارند را در راه عشق و رحمت قرار نمی‌دهند. آن‌ها دنیایی از قانون، تاج و تخت، رعایا و قلمروها برای خود ساخته‌اند و همه چیز را برای اهداف خود طلب می‌کنند.

۱۹. هنگامی که تخت سلطنت‌شان در معرض خطر و حمله دشمن قدرتمندی است، با دست پر از غرور، نفرت و خودبزرگ‌بینی علیه دشمن برمی‌خیزند؛ بدون توجه به دردی که برجای می‌گذارند، به دنبال تسلط بیشتر بر مردم، ثروت‌ها و حتی زندگی بشریت هستند.

۲۰. زمان آن رسیده است که دیگر هیچ امپراتوری یا ملت قدرتمندی نباشد که چنین سلطه‌ای بر زمین داشته باشد.

۲۱. هنوز بسیاری هستند که به گناه ظلم به ضعفا ادامه می‌دهند؛ این دلیلی است بر اینکه تمایلات بدوی انسان برای سوءاستفاده از قدرت و غارت همچنان غالب است.
۲۲. مردم از درک صلح معنوی که باید بر جهان حکم‌فرما باشد دور هستند و می‌خواهند این صلح را از طریق خشونت، تهدید و بهره‌گیری غلط از دانش علمی که به آن می‌بالند، برقرار کنند.
۲۳. من پیشرفت بشر را کم نمی‌گیرم و به اعمال انسان احترام می‌گذارم؛ زیرا گواهی بر رشد معنوی او هستند. اما غرور در بهره‌برداری از خشونت و قدرت زمینی برای من ناپسند است؛ زیرا با این کار نه تنها بار صلیب بشر را سنگین‌تر می‌کنند، بلکه مقدس‌ترین اصول را بی‌احترامی می‌کنند و به زندگی که امانتی است تجاوز می‌نمایند و به جای صلح، سلامت و رفاه، درد و رنج می‌پراکنند.
۲۴. همانطور که در عصر دوم موعظه کرده‌ام، خواهان برابری بین فرزندانم هستم؛ نه فقط برابری مادی که مردم می‌فهمند، بلکه برابری ناشی از عشق به یکدیگر؛ زیرا شما همه برادران و خواهران و فرزندان خدا هستید.

۲۴. این دوران، دوران آزمایش، درد و رنج است؛ زمانی که بشریت به دلیل نفرت و کینه‌های متقابل، رنج‌های دشواری را تجربه می‌کند.

۲۵. به میدان‌های نبرد نگاه کن؛ جایی که تنها صدای غرش سلاح‌ها و فریادهای زخمی‌ها شنیده می‌شود، کوهی از اجساد مثله شده که زمانی بدن‌های جوان و پرتوانی بودند. آیا می‌توانی تصور کنی آن لحظه وداع را، زمانی که مادر، همسر یا فرزند خود را آخرین بار در آغوش می‌گرفت؟ آیا کسی می‌تواند درد و غم این وداع‌ها را بفهمد، مگر آنکه خود آن جام را سر کشیده باشد؟

۲۶. هزاران والد، همسر و فرزند هراسان، شاهد رفتن نزدیکان خود به میادین جنگ بوده‌اند؛ نزاعی ناشی از حرص و تکبر افرادی که عشق به همنوعان خود ندارند.

۲۷. این لشکر مردان جوان و قدرتمند هرگز به خانه بازنگشتند، چرا که در مزارع خون خود را ریخته‌اند؛ اما زمین، مادر مهربان، رحمت خود را گشوده و با محبت آنها را در آغوش می‌کشد، مهربان‌تر از حاکمانی که خود را ارباب حیات دیگران می‌دانند.

۲۸. روح من بر هر موجودی ناظر است، حتی به آخرین اندیشه تو توجه دارد.

۲۹. به تو می‌گویم، در میان ارتش‌هایی که برای ایدئولوژی‌های زمینی و قدرت مبارزه می‌کنند، کسانی را دیده‌ام که بر خلاف میل خود به سرباز تبدیل شده‌اند؛ در لحظات آرامش نام من را بر لب دارند و با یاد عزیزان خود اشک می‌ریزند. روحشان به سوی من اوج می‌گیرد، گرفتار نه در معبدی از سنگ بلکه در محراب ایمان، عشق و امیدشان. اینان از من می‌خواهند که خانه‌شان را به آنها بازگردانم یا اگر باید زیر ضربه دشمن بمانند، با ردای رحمت خود بپوشانم.

۳۰. من به همه اینان که با قلبی توبه‌گرانه بخشش می‌طلبند برکت می‌دهم؛ زیرا آنها قاتل نیستند. قاتلان واقعی آنانی هستند که وقتی زمان داوری فرا برسد، باید به اعمال‌شان پاسخ دهند؛ به خاطر هر جان که ربوده‌اند.

۳۱. بسیاری از کسانی که به صلح ایمان دارند و مرا دوست دارند، از خود می‌پرسند چرا اجازه دادم آنها به میدان‌های نبرد و سرزمین مرگ کشیده شوند. پاسخ این است که اگر عقل انسانی نتواند دلیل عمیق این رویدادها را دریابد، روح آنها می‌داند که در حال انجام کفاره‌ای هستند.
۳۲. به پیروانم توصیه می‌کنم که برای صلح جهانی قیام کنند و دعا کنند. به زودی ملل دعاهای خود را به سوی من خواهند فرستاد و خواهش خواهند کرد که صلحی را به آنان عطا کنم که همیشه آماده‌اش بوده‌ام.
۳۳. پیش از این، اجازه دادم مردمان ثمره اعمال خود را تجربه کنند؛ رودخانه‌هایی از خون، کوه‌هایی از جنازه و شهرهایی ویران‌شده را ببینند. می‌خواستم با این تجربه‌های دردناک، دل‌های سنگ‌شده بیدار شوند، ناامیدی بی‌گناهان را ببینند و وجدانشان متوجه دروغین بودن عظمت و قدرت‌شان شود، چرا که حقیقت بزرگی از روح الهی سرچشمه می‌گیرد.
۳۴. وقتی چشمان‌شان به حقیقت باز شود، وحشت در دلشان خواهد افتاد؛ نه فقط از تصاویر دردناک، بلکه از صدای وجدان که نمی‌توانند از آن فرار کنند. آتش پشیمانی درون‌شان شعله‌ور می‌شود، چون باید برای هر زندگی و هر قطره خون بی‌دلیل پاسخ دهند.
۳۵. گام به گام، مردم به دره مرگ نزدیک می‌شوند، جایی که برای داوری گرد هم خواهند آمد.
۳۶. با این حال، مردانی که جنگ می‌آفرینند و خون همنوعان را به دست دارند هنوز جرات می‌کنند نام مرا بر زبان آورند. آیا این‌ها همان آموزه‌ها و میوه‌های تعالیمی است که من به شما داده‌ام؟ آیا نیاموخته‌اید که عیسی چگونه بخشید و حتی در مرگ به جلادانش زندگی بخشید؟
۳۷. مردم به کلام من شک کردند و ایمان را نادیده گرفتند، پس همه اعتماد خود را به خشونت سپردند؛ بنابراین، من اجازه دادم تا ثمرات اعمال‌شان را درو کنند تا به خطا و حقیقت پی ببرند.
«««قابل سرزنش بودن و بی معنی بودن جنگ ها»»»
۳۸. وقت آن رسیده که عشق، بخشش و فروتنی از دل‌هایتان بجوشد و به سلاح واقعی در برابر نفرت و غرور تبدیل شود. تا زمانی که با نفرت نفرت و با غرور غرور مقابله کنیم، ملت‌ها همدیگر را نابود خواهند کرد و هیچ صلح حقیقی در دل‌ها برقرار نخواهد شد.

۳۹. مردم از درک این حقیقت که تنها در صلح می‌توان خوشبختی و پیشرفت واقعی یافت، سر باز زده‌اند و به سوی آرمان‌های قدرت و عظمت کاذب حرکت کرده‌اند. این راه موجب ریختن خون همنوعان، ویرانی زندگی‌ها و تضعیف ایمان انسان‌ها شده است.

۴۰. سال ۱۹۴۵ با پایان یافتن جنگ جهانی دوم، آخرین سایه‌های نبرد کنار رفت. هزاران نفر به کام مرگ رفتند و هزاران روح به خانه معنوی خود بازگشتند. علم با ساخت سلاح‌های مخرب، زمین را لرزان کرد، اما فاتحان و جلادان نیز شکست خوردند. درد، بدبختی، گرسنگی، بیوه‌ها و یتیمان، همراه با بیماری‌ها و خشم طبیعت، واقعیتی تلخ بر کره زمین رقم زدند. نتیجه‌ای که بشریت متمدن از خود به جا گذاشته، مزرعه‌ای از ویرانی و مرگ است. پرسش مهم این است که آیا چنین ثمره‌ای شایسته پذیرش از سوی پدر آسمانی است؟ آیا این میوه شرارت سزاوار ورود به انبارهای غله‌ی روحانی است؟ پاسخ به دانایی الهی روشن است: نه.

۴۱. اگر هنوز به آرامش قلب نرسیده‌اید، چه زمانی به آرامش روح خواهید رسید؟ تا وقتی آخرین سلاح برادرکشی نابود نشود، هیچ صلح حقیقی میان انسان‌ها برقرار نخواهد شد. سلاح‌هایی که جان برادران را می‌گیرند، اخلاق را از بین می‌برند و ایمان را سست می‌کنند، مانع ایجاد آرامش حقیقی‌اند.

۴۲. من به بشریت اثبات خواهم کرد که مشکلات با خشونت حل نمی‌شوند. استفاده از سلاح‌های مخرب تنها نفرت و میل به انتقام را افزایش می‌دهد؛ حتی اگر این سلاح‌ها ترسناک و قدرتمند به نظر برسند. تنها وجدان، عقل و احساسات نیکوکاری می‌توانند پایه‌های صلح را بسازند. اما برای درخشیدن این نور در دل‌ها، مردم باید جام رنج را تا آخرین قطره تحمل کنند.

۴۳. اگر دل‌های آدمیان سخت نبود، درد جنگ کافی بود تا آنها را به بازگشت به مسیر نور هدایت کند. اما با وجود خاطره تلخ کشتارها، هنوز برای جنگ جدیدی آماده می‌شوند.

۴۴. چگونه می‌توانی گمان کنی که من، پدر مهربان و عشق الهی، تو را از طریق جنگ مجازات کنم؟ آیا واقعاً باور داری آن که تو را با عشقی کامل دوست دارد و آرزو می‌کند که همگی یکدیگر را محبت کنیم، می‌تواند باعث جنایت، برادرکشی، قتل، انتقام و نابودی شود؟ همه این‌ها نتیجه مادی‌گرایی است که در قلب‌های مردم ریشه دوانده است.

۴۵. من انسان را آزاد آفریدم، اما این آزادی همیشه با نور وجدان همراه بود. با این حال، بسیاری به صدای درونیشان گوش ندادند و از مسیر حقیقت و قانون منحرف شدند، تا جایی که جنگ‌های خونین و هولناکی رخ داد؛ جایی که فرزند علیه پدر قیام کرد و انسانیت، رحمت، احترام و معنویت را به کناری نهاد.

۴۶. مردم باید خیلی پیش‌تر از آغاز جنگ‌ها، برای محافظت از خود و دیگران، از ویرانی و خونریزی اجتناب می‌کردند تا مجبور به تحمل درد کفاره نشوند. اگر پیش از رسیدن به من، دل‌های خود را در نیکی پاک نکنند، باید دوباره به دره‌ی اشک و خون بازگردند؛ زیرا کسی که با ذهنی مخالف کمال زندگی کند، نمی‌تواند به سوی من بیاید.

۴۷. درک مردم متفاوت است. برخی در هر لحظه زیبایی و شگفتی‌های زندگی را می‌یابند، در حالی که دیگران همه چیز را ناقص و ناپایدار می‌بینند. بعضی صلح را اوج معنویت و اخلاق می‌دانند و برخی هم باور دارند که جنگ‌ها محرک توسعه بشریت‌اند.

۴۸. اما به تو می‌گویم: جنگ‌ها برای پیشرفت جهان ضروری نیستند. زمانی که مردم جنگ را برای جاه‌طلبی و خودخواهی به کار می‌گیرند، مادی‌گرایی بر قلب‌شان حکومت کرده است. برخی حتی زندگی معنوی را نمی‌شناسند یا انکار می‌کنند و فقط به دنیاست. آن‌ها تحت تأثیر دیگری قرار گرفته‌اند و به دنبال این باورها هستند. بنابراین، لازم است همه این حقیقت را بشناسند و بدانند که صلح و عشق راه پیشرفت واقعی هستند.

فصل۵۲-بی عدالتی و زوال بشریت
««تسلیم شدن و استثمار ضعیف توسط قوی»»»

۱. زمین متعلق به همه است و اگر منابع مادی و معنوی به عدالت تقسیم شوند، آرامش معنوی در دنیا برقرار می‌شود.

۲. تقسیم انسان‌ها به اقوام و نژادها ابتدایی است و اگر تمدن واقعی بود، خشونت حکمرانی نمی‌کرد بلکه وجدان راهنمای زندگی بود.

۳. قوم اسرائیل برای رهایی از اسارت و بت‌پرستی جنگید و به دنبال سرزمین آزادی و صلح بود.

۴. امروز بسیاری از انسان‌ها مانند مردم اسیر فرعون در ظلم و استثمار گرفتار شده‌اند.

۵. این شرایط باعث شده تا مردم اشتیاق عمیقی به رهایی، صلح و زندگی بهتر داشته باشند.

۶. جهان باید خانه‌ی یک خانواده واحد باشد اما اکنون محل نزاع، قدرت‌طلبی و جنگ است و زندگی معنوی به درستی فهمیده نمی‌شود و قلب‌ها پر از کینه و مادی‌گرایی‌اند.

۷. بسیاری از مردم زمین به بردگی گرفته شده، سرکوب و استثمار می‌شوند.

۸. اعتماد مردم به رهبران و قضات از بین رفته و حکومت بر پایه دروغ، ریا و فریب برقرار است.

۹. مردم در زندگی امروز به جای حیات واقعی و آسودگی، رنج و مبارزه‌ای دشوار برای بقا می‌کشند و تنها تکه نانی بی‌ارزش و تلخی نصیبشان می‌شود.

۱۰. این زندگی سخت و سختی‌ها، رزقی نیست که برای شما مقدر شده؛ نشان‌دهنده ناپختگی معنوی کسانی است که زندگی شما را اداره می‌کنند.

۱۱. قوی‌ها نان ضعیف‌ها را می‌ربایند و ضعیف‌ها مجبورند شاهد باشند که قدرتمندان از زندگی لذت می‌برند.

۱۲. پرسش این است که پیشرفت اخلاقی بشریت در کجاست و رشد احساسات والای انسان کجا قرار دارد؟

۱۳. در گذشته، انسان‌ها نیز مانند امروز، برای زنده ماندن با یکدیگر می‌جنگیدند و قوی‌ترین‌ها بیشترین سهم را داشتند.

۱۴. سوال این است که تفاوت واقعی بین بشریت امروز و گذشته چیست؟

۱۵. اگرچه انسان امروز به تمدن و علم دست یافته، اما هنوز احساسات و غرایز بدوی خود را پنهان کرده و تلاش واقعی برای رشد روح نکرده است.

۱۶. باید علم و دانش را بپذیریم و رشد کنیم، اما همزمان با مهربانی، احترام به حقوق دیگران و اجرای عشق و محبت به همدیگر، تا از رکود اخلاقی و معنوی رهایی یابیم و حقیقت و راستی بر زندگی ما حکم‌فرما شود.

۱۷. با پیروی از دستورات الهی، از نظر معنوی قوی شو تا سخنانت با اعمال رحمت، خرد و برادری همراه باشد.

۱۸. آرامش واقعی نیست مگر آنکه هیچ کس گرسنه نماند و همه در کنار هم زندگی کنند.

۱۹. صلح بر پول و قدرت نیست؛ بر عشق، حسن‌نیت، خدمت و احترام متقابل استوار است.

««««انحطاط بشریت»»»»

۲۰. بشریت در طوفان گناهان غرق شده و حتی نوزادان هم از این فساد متاثرند.

۲۱. وحی الهی چون فانوسی است که راه را به کشتی‌شکستگان نشان می‌دهد و به کسانی که ایمان را از دست داده‌اند امید می‌بخشد.

۲۲. گناه در بشریت افزایش یافته و مانند شهرهای فاسدی مانند سدوم، شر ورزی همه‌جا پراکنده است.

۲۳. بشریت امروز، که گناهان خود را پنهان می‌کند و تظاهر به پاکی می‌نماید، محکومتر از ساکنان سدوم است.

۲۴. رذایل و بیماری‌های گذشته همچون درخت شر در دل انسان‌ها ریشه دوانده و همچنان هر روز قربانی می‌گیرد.

۲۵. زیر سایه این درخت شر، کرامت انسانی آسیب دیده و زندگی‌های بسیاری نابود شده‌اند.

۲۶. بزرگسالان در پی لذت‌های دنیوی گرفتارند و این شر به جوانان و کودکان هم آسیب رسانده؛ کسانی که از راه غلط برگشته‌اند عموماً محکوم و قضاوت می‌شوند، اما تنها عده‌ای کمی دعا و تلاش برای اصلاح آنان دارند.

۲۷. پادشاهی الهی تا وقتی درخت شر باقی است برقرار نخواهد شد؛ نابودی شر با شمشیر عشق و عدالت ممکن است، که نه با داوری بلکه با محبت، بخشش و رحمت تحقق می‌یابد.

۲۸. مادی‌گرایی انسان‌ها بهشتی که برایشان مقدر شده بود را به جهنم تبدیل کرده است.

۲۹. زندگی، لذت‌ها، قدرت، ثروت، دانش و علم بشر امروز دروغین و فریبنده است.

۳۰. همه به نوعی درگیر پول و ترس از مرگ‌اند؛ برخی از دست دادن دارایی می‌ترسند و برخی آرزوی رسیدن به آن را دارند، اما همه اینها مربوط به خواسته‌های مادی و بدن است بدون توجه به روح.

۳۱. ماده و دنیا روح را به بردگی گرفته‌اند و مانع انجام ماموریت حقیقی آن شده‌اند؛ رنج و ترس‌های زندگی زمین بازتاب درد روح است.

۳۲. جهان و انسان‌ها به کلام و آموزه‌های عشق الهی نیازمندند تا روشنایی حقیقت را در دل‌ها و ذهن‌ها روشن کند؛ به همین دلیل وحی و هدایت الهی ضروری است.

۳۳. سیاره شما هنوز مکانی سرشار از عشق، فضیلت و آرامش نشده است؛ ارواح پاکی که فرستاده می‌شوند، به علت گناه و فساد زندگی انسان بازپس می‌گردند.

۳۴. فضایل مانند نورهای کوچک و منزوی در میان طوفان‌های خودخواهی، انتقام و نفرت دیده می‌شوند که میوه‌ای اندک از بشریت است.

««««دنیای به هم ریخته یک بشریت نابالغ»»»»

۳۵. حاکمان بی‌عدالت که به دنبال قدرت و ثروت‌اند، ادعای نمایندگی الهی دارند ولی عشق و عدالت را نمی‌شناسند؛ پزشکان و قضاتی که رسالت انسانی خود را فراموش کرده‌اند.

۳۶. کسانی که وجدان خود را نادیده می‌گیرند، ناآگاهانه داوری سخت‌تری برای خود آماده می‌کنند.

۳۷. عده‌ای وظایفی را بر عهده گرفته‌اند که مهارت انجام آن را ندارند و اشتباهاتشان گویا ناتوانی است.

۳۸. خادمان واقعی خدا اندک‌اند و بسیاری یا قادر به هدایت نیستند یا با نداشتن موهبت تعلیم، ذهن‌ها را آشفته می‌کنند و شفقتی ندارند.

۳۹. اصول اساسی الهی توسط بشر نقض شده؛ اکنون زمان داوری است و دستور به پیروی از احکام عشق و بخشش داده شده است.

۴۰. بشریت مغرور است، به معنویت اعتقاد ندارد و از جهان ساخته شده به کمک علم خود مفتخر است، اما از خدا دور است.
۴۱. این دنیای شگفت‌انگیز علم و پیشرفت، به دلیل نبود عشق و عدالت، نهایتاً توسط خود انسان نابود خواهد شد؛ بشریت کم‌کم به این ناپایداری پی می‌برد.

۴۲. به زودی می‌آموزی که بدون خدا هیچ وجود واقعی نداری؛ تنها از من قدرت، حیات و هوش لازم برای ایجاد هماهنگی میان روح و جسمت را می‌توانی دریافت کنی.

۴۳. مردم به تاریخ طولانی خود می‌بالند، اما از نظر معنوی هنوز کودکند؛ دنیای امروز شما هنوز در دوران کودکی روحانی است، حتی اگر ظاهراً بالغ به نظر می‌رسید.

۴۴. تا زمانی که روح شما نشانه‌های بلوغ، رشد و کمال را نشان ندهد، کارهای ظاهراً بزرگتان خالی از عشق و جوهره اخلاقی پایدار خواهند بود.

۴۵. اکنون زمان سرنوشت‌سازی و مبارزه در دل‌هاست؛ جنگی در قلب هر فرد، در خانواده‌ها و نهادها و میان همه مردم در جریان است.

۴۶. این نبرد بزرگ نه تنها بر زمین بلکه در وادی معنوی جریان دارد و پیامبران گذشته درباره‌اش پیشگوئی کرده‌اند.

۴۷. اما این نبرد عظیم، توسط بسیاری از بشر درک نمی‌شود، هرچند خودشان شاهد و بخشی از آنند.

۴۸. سرعت رشد و پیشرفت انسان‌ها زیاد شده اما مقصد آن مبهم است؛ آیا خوشبختی و آرامش حقیقی در این مسیر سرگردانی و شتاب وجود دارد؟

۴۹. در واقع، این فعالیت پرشتاب انسان را به فرسودگی کامل رسانده؛ روح و قلب در خستگی و تنگنا فرو می‌رود.

۵۰. در این ورطه نفرت، لذات ناپایدار، شهوت قدرت و گناه، روح دچار نوعی «مرگ» ظاهری و قلب دچار «مرگ» موقت خواهد شد.

۵۱. اما من انسان را از این مرگ به رستاخیز خواهم رساند.زندگی دوباره زنده می‌شود. من تضمین می‌کنم که او رستاخیز خود را تجربه کند و در آن زندگی جدید، برای تولد دوباره همه آرمان‌ها، برای احیای همه اصول و همه فضایل، که ویژگی‌ها و میراثی هستند، بجنگد.
از روح-نفس، که منشأ آن است. زیرا روح-نفس از من پدید آمد، از من حیات یافت، از کمال من نوشید، و از فیض من سیراب شد.

فصل۵۳-زمان داوری فرا رسیده است
««««برداشت میوه های کاشت انسان»»»»

۱. شاگردان عزیز، اکنون زمان داوری برای بشریت است و روز حسابرسی به اعمال گذشته فرا رسیده است؛ اکنون محصولی که کاشته‌اید را برداشت می‌کنید.

۲. هر کسی زمانی برای کار کردن و زمانی برای پاسخ دادن به اعمالش دارد؛ شما در زمان پاسخگویی زندگی می‌کنید و به همین دلیل رنج می‌برید و گریه می‌کنید. خداوند نیز زمانی برای ایفاء شریعت و زمانی برای اجرای عدالت مقرر کرده است.

۳. امروز در زمان داوری الهی به سر می‌برید؛ درد و رنج شما برای تطهیر روح بشریت است و هیچ‌کس از مجازات عدالت دور نیست.

۴. این زمان داوری است که باید به درون خود نگریسته و از طریق مراقبه صدای وجدان را بشنوید که شما را به صلح هدایت می‌کند و گمراه نمی‌کند.

۵. این داوری فرد به فرد و ملت به ملت انجام خواهد شد؛ مردم هنوز نمی‌دانند در چه زمانی هستند، اما من با روح و نور خود ذهن انسان را روشن کرده‌ام تا بداند کیست و وظیفه‌اش چیست.

۶. به راستی به شما می‌گویم، هم‌اکنون در «روز خداوند» و در زمان داوری او زندگی می‌کنید؛ اعمال گذشته و حال در ترازو سنجیده می‌شود و باید چشمان خود را باز کنید و عدالت الهی را ببینید.

۷. از روزگاران دور درباره داوری صحبت کرده‌ام و اکنون زمان آن رسیده است؛ پیامبران آن روز را همچون روزی بزرگ توصیف کرده‌اند.

۸. کلام خداوند، کلام پادشاه است و گذر زمان آن را باطل نخواهد کرد؛ اراده خداوند تغییرناپذیر است و لزوماً اجرا خواهد شد.

۹. اگر مردم علاوه بر ایمان به کلام من، آگاهانه مراقب خود بودند و با دعا همدل می‌شدند، هرگز غافلگیر نمی‌شدند. اما آنان فراموشکار، بی‌وفا و سست ایمان‌اند و آزمایش‌ها را به مجازات و خشم خدا نسبت می‌دهند. بدانید که هر آزمایشی پیش‌تر اعلام شده است تا آماده باشید و همیشه هشیار باقی بمانید.
۱۰. سیل، آتش‌سوزی شهرها، هجوم دشمنان، طاعون، بیماری و قحطی‌ها پیش‌بینی شده‌اند تا مردم بیدار شوند، آماده شوند و با قدرت ایمانشان تقویت گردند. اکنون پیام هوشیاری و آمادگی از عشق خداوند نازل شده است.
۱۱. اگرچه آزمایش‌های سختی در راه است، اما روزهای رنج کوتاه خواهد بود؛ زیرا بدبختی‌ها مردم را بیدار و وجدان‌شان را فعال می‌کند تا به فرمان شریعت من عمل کنند.
۱۲. عدالت الهی همه شرور را ریشه‌کن خواهد کرد. همه حوزه‌ها از جوامع مذهبی تا علوم و نهادهای اجتماعی بررسی خواهند شد و سپس عدالت کامل اجرا می‌گردد؛ علف‌های هرز حذف و دانه‌های خوب حفظ خواهد شد تا در دل‌ها شکوفا شوند.

««««تطهیر انسانیت در قضاوت»»»

۱۳. تا بشر کامل به بلوغ نرسد و عشق من را از طریق وجدان خود احساس نکند، درک حضور الهی دشوار است؛ وقتی مردم گوش فرا دهند و فرمان من را بپذیرند، دوران مادی‌گرایی به پایان رسیده است.
۱۴. در حال حاضر، انسان‌ها باید با نیروهای طبیعت که آنها را امتحان می‌کند، روبرو شوند تا به وجود قدرت‌های برتر و محدودیت مادی‌گرایی پی ببرند.
۱۵. زمین خواهد لرزید، آب و آتش انسانیت را تطهیر می‌کنند.
۱۶. طبیعت نیروهایش را در جایی نمایان می‌کند که انسان‌ها هنوز نتوانسته‌اند هماهنگ با آن زندگی کنند.
۱۷. هدف طبیعت نابودی انسان نیست؛ بلکه بازگرداندن هماهنگی میان بشر و همه موجودات است.
۱۸. شدت قضاوت‌ها به دلیل گناهان و ناسازگاری مردم با قوانین بزرگ‌تر شده است.

۱۹. دست انسان، حکم داوری را بر خود نازل کرده است؛ طوفانی در ذهن و قلب او در جریان است که در طبیعت نیز به شکل آشکار دیده می‌شود؛ عناصر آزاد می‌شوند، فصل‌ها نامساعد شده، بیماری‌ها و بلایا می‌گیرند و این همه ناشی از افزایش گناهان و نادیده گرفتن نظم الهی است که علم مغرور نمی‌تواند آن را درک کند.
۲۰. اگر این را به تو بگویم، شاید باور نکنی؛ بنابراین باید خودت با دست خود نتیجه اعمالت را ببینی و از آن ناامید شوی. اکنون رسیده‌ای به لحظه‌ای که باید محصول زرع خود را برداشت کنی.
۲۱. زندگی روی زمین همیشه با آزمون‌ها و کفاره‌ها همراه بوده، اما هرگز چنین پر از درد و تلخی نبوده است که اکنون است.
۲۲. امروز انسان‌ها از کودکی با ناامیدی، سختی، شکست‌ها و درد روبرو می‌شوند؛ حتی درد انسان گاهی از رحم مادر آغاز می‌شود.
۲۳. بار کفاره دادن برای این موجودات عظیم است؛ همه رنج‌ها ناشی از کار بشر است و عدالت الهی اجازه داده کسانی که زندگی‌شان را با خارها کشتند، اکنون آن را درو کنند.
۲۴. طرح نجات جهان را نمی‌توانی به‌طور کامل درک کنی، اما بخشی از آن را به تو می‌گویم تا بتوانی در آن شریک شوی.
۲۵. تنها من اهمیت این لحظه تاریخی را می‌دانم؛ هیچ انسانی قادر به درک کامل حقیقت این ساعت نیست.
۲۶. از روزهای اول، مردم خود را آلوده کرده‌اند؛ احساسات و روحشان تیره شده و زندگی پر از بیماری و ناراحتی ساخته‌اند؛ اما اکنون زمان تطهیر فرا رسیده است.
۲۷. زمان برداشت محصول همه جان‌هاست؛ به همین خاطر آشفتگی را در میان مردم می‌بینی؛ اما هر کس محصول خود را خواهد درو کرد.
۲۸. اما فرزندانم که شریعت مرا نادیده گرفتند، به سختی مجازات خواهند شد؛ مانند طوفانی که آنها را به زمین می‌کوبد. اما کسانی که به دستورات من وفادارند، این دوران برایشان پاداش و تشویقی الهی است.

۲۹. در این زمان، کسی که برای تجدید حیات روحی و بازگشت به حقیقت آماده نباشد، تلخی عمیق و سختی‌های جانکاهی تجربه خواهد کرد و از زمین گرفته خواهد شد؛ فرصت کفاره گناهان و آشتی با شریعت و زندگی جاودانه را از دست خواهد داد.
۳۰. اما کسانی که از این زندگی مادی به خانه‌ای معنوی و آرام می‌روند، با نور من روشن خواهند شد؛ و اگر لازم باشد دوباره به زندگی انسانی بازگردند، قبل از آن آنها را آماده کرده تا خالص‌تر، روحانی‌تر و خردمندتر به این بازگشت برسند.
««««محبت خدا در قضاوت»»»»

۳۱. درد جهانی است و خود را در هزاران شکل گوناگون به نمایش می‌گذارد.
۳۲. ای بشر، با چه شتاب زندگی می‌کنی و روزانه برای نان خمیر می‌کنی! از این رو، مردان زود فرسوده می‌شوند، زنان زود پیر می‌شوند، دختران جوان زود پژمرده و کودکان در سنین پایین از نظر عاطفی دور می‌شوند.
۳۳. این زمان، دوره‌ای پر از درد، تلخی و آزمایش است؛ ولی دلم می‌خواهد تو به آرامش و هماهنگی برسی و دردهایت را از میان برداری. برای همین روح خود را به تو می‌فرستم که کلامی سرشار از آرامش، شفا و آسایش بر روحت ببارد.
۳۴. کلام مرا بشنو که رستاخیز و زندگی است؛ در آن، ایمان، سلامتی و شادی برای مبارزه و زندگی دوباره خواهی یافت.
۳۵. امروز روز بزرگ‌ترین جبران برای روح است؛ داوری من شروع شده و اعمال همه در ترازو سنجیده می‌شود. گرچه داوری برای روح‌ها سنگین است، اما پدر مهربان‌تر از هر قاضی به آنها نزدیک است و عشق مریم، شفیع شما، حمایتگر شماست.
۳۶. عدالت من فرا رسیده است، ای انسان؛ این عدالت غرور تو را فرو خواهد نشاند تا بفهمی چقدر در شر و مادی‌گرایی کوچک و ناتوان هستی.
۳۷. آری، من انسان را از عظمت کاذبش به زیر می‌کشم، چون می‌خواهم او نور را ببیند و برخیزد و واقعاً بزرگ شود؛ می‌خواهم که سرشار از نور، بزرگواری، مهربانی، قدرت و خرد باشی.

۳۸. بشریت مرا نمی‌شناسد و حضور مرا در این زمان انکار می‌کند. اما من به آنها خواهم فهماند که من عدالت خود را با عشق و رحمت آشکار می‌کنم، که من با تازیانه نیامده‌ام تا درد و رنج ایجاد کنم، که فقط می‌خواهم آنها را به زندگی فیض برسانم و با آب زلال که کلام من، حقیقت من است، پاک کنم.

۳۹. جهان تعالیم مرا نیاموخته و بت‌پرستی و تعصب خود را پرورش داده است. بنابراین، اکنون بوته آزمایش بزرگ را تجربه می‌کند و جام رنج را می‌نوشد؛ زیرا مادی‌گرایی‌اش او را از من دور کرده است.

۴۰. اکنون بشریت، که به اقوام، نژادها، زبان‌ها و پوست تقسیم شده است ،تقسیم بر اساس رنگ، توسط روح الهی من، سهم مربوط به آنها از قضاوت، آزمایش‌هایی که برای هر کدام از آنها لازم است، مبارزه، بوته آزمایش و کفاره‌ای که برای هر انسان و هر نژادی فراهم کرده‌ام.

۴۱. اما شما می‌دانید که داوری من بر اساس عشق است، که آزمایش‌هایی که پدر برای بشر می‌فرستد، آزمایش‌های عشق هستند، همه به رستگاری، به نیکی منجر می‌شوند، حتی اگر به نظر برسد که در این مصائب، بدبختی، عذاب یا بدبختی وجود دارد.

۴۲. در پس همه اینها زندگی، حفظ روح و رستگاری آن نهفته است. پدر همیشه در انتظار «پسر گمشده» است تا او را با بزرگترین عشق در آغوش بگیرد.

فصل۵۴- برخورد جهان‌بینی‌ها، ادیان و کلیساها
نبردهای معنوی قبل از پادشاهی صلح مسیح بر روی زمین

۱. همان‌طور که در «بازگشت دوم»م اعلام کردم، اکنون نیز «جنگ» میان عقاید، جهان‌بینی‌ها و ادیان نشانه‌ای مقدماتی برای تأسیس پادشاهی معنوی من بر بشریت است.
۲. کلام من، همچون شمشیری آتشین، تعصباتی را که قرن‌ها ریشه دوانده نابود خواهد کرد، حجاب جهل را خواهد درید و راه روشن و تابناکی که به من می‌رسد را آشکار خواهد ساخت.
۳. برای برقراری صلح واقعی در پادشاهی من، ابتدا باید «جنگ» میان آموزه‌ها و دین‌ها آغاز شود؛ نبردی که در آن حقیقت من در مقابل بت‌های دروغین قرار می‌گیرد و یک آموزه با آموزه دیگر مبارزه می‌کند.
۴. این نبرد معنوی، سقوط خدایان دروغین و آشکار شدن دروغ‌های پذیرفته شده را به همراه خواهد داشت؛ سپس نور حقیقت از دل آشفتگی و تاریکی‌ها برخواهد خاسته و جهان را روشن خواهد ساخت.
۵. معنویت‌گرایی خواستار جهانی شدن است؛ نبردی گسترده میان جهان‌بینی‌ها و مذاهب در خواهد گرفت، اما پس از آن صلح مبارکی خواهد آمد که بشر به شدت به آن نیاز دارد و خورشید عدالت الهی بر همه روح‌ها می‌تابد.
۶. من شما را برای زمان آشفتگی جهان‌بینی‌ها آماده می‌کنم تا از کشمکش‌های درونی و عذاب‌های فکری رها شوید.
۷. تمام جهان‌بینی‌ها و عقاید متزلزل خواهند شد؛ این چیزی شبیه طوفانی واقعی در روح است که شما باید با ایمان و اراده بر امواج آن سوار شوید تا طوفان گذشت و به بقاء برسید.
۸. بهترین راه بقاء و عبور از این آزمایش، دعا و پیروی از کلام من است؛ ایمان را از این مسیر تقویت کنید.
۹. این برخورد جهان‌بینی‌ها و عقاید ضروری است تا ضعف‌ها و خطاهای هر فرقه و نهاد آشکار شود و حقیقت پدیدار گردد.

۱۰. تنها بعد از این «طوفان» بزرگ است که پاکسازی اخلاقی و معنوی در میان مردم آغاز می‌شود؛ زیرا حقیقت آشکار خواهد شد و همه قادر خواهند بود آن را ببینند، درون خود حس کنند و دیگر نمی‌توانند دروغ‌ها و خیالات را بپذیرند و از آن تغذیه کنند.
۱۱. همان‌طور که هر موجودی داوطلبانه از نور و گرمای خورشید برای زندگی مادی‌اش بهره می‌برد، به همان شکل نیز باید از نور حقیقت برای حفظ و تقویت روح خود بهره ببرد.
۱۲. در این زمان به قدرتی دست خواهید یافت که هرگز پیش از این تجربه نکرده‌اید؛ چون زندگی شما روز به روز با اصول حقیقی و قوانین الهی من هماهنگ خواهد شد.

«««مبارزه برای برتری معنوی روی زمین»»»

۱۳. اکنون تضادی عظیم میان جهان‌بینی‌ها و آموزه‌هاست؛ همه می‌خواهند حق را در دست خود داشته باشند، اما در این کشمکش تعصبات و منفعت شخصی، حقیقت کجاست؟
۱۴. اگر کسانی که خود را حامل حقیقت کامل می‌دانند، به این موضوع فخر می‌کنند، بدانید که هنوز راه واقعی را نشناخته‌اند، چون در مسیر حقیقت باید فروتن بود.
نپذیرفتن حقیقت نهفته در باورهای دیگران، نشانه از دست دادن فروتنی است.
۱۵. کسی که ایمان و اعتقادات دیگران را محکوم می‌کند، راه رستگاری را از خود دور می‌کند، زیرا با غرور و گستاخی می‌خواهد جای خدا را بگیرد.
۱۶. هدف من از آشکارسازی معنوی در این زمان بیداری شما به سوی نور، رشد روحانی و وحدت شماست. همیشه شما از هم جدا بوده‌اید؛ عده‌ای به دنبال گنجینه‌های روح در معنویت بوده‌اند و دیگری‌ها مشغول محبت به ثروت‌های دنیوی و مادی‌گرایی بودند.
۱۷. همانطور که در زمان ظهور مسیح، قوم اسرائیل به دو دسته مؤمن و منکر تقسیم شد، امروز نیز چنین وضعی وجود دارد: کسانی که با روح خود انتظار داشتند مؤمن‌اند و کسانی که صرفاً با حواس جسمی منتظر بودند، انکار کردند.
۱۸. این دو نیرو باید دوباره روبرو شوند تا حقیقت از دل این نبرد تلخ آشکار گردد؛ زیرا هر چه زمان می‌گذرد، مردم بیش از پیش به دنیا و قلمرو زمینی خود دل می‌بندند و احساس می‌کنند در جهانی زندگی می‌کنند که خود ساخته‌اند.

۱۹. امروزه بسیاری معتقدند که حقیقت را به‌طور کامل شناخته‌اند؛ هر دینی ادعای داشتن حقیقت دارد و دانشمندان نیز می‌گویند حقیقت را یافته‌اند. اما من به شما می‌گویم هیچ‌کس حقیقت مطلق را نمی‌داند؛ چرا که حتی بخشی از آنچه بر انسان آشکار شده، با عقل محدود خود درک نکرده است.
۲۰. در دل هر انسان، ترکیبی از حقیقت و خطا وجود دارد که این دو با نور حقیقت در هم آمیخته‌اند.
۲۱. نبردی بزرگ در پیش است که تمام این نیروها با هم به کشمکش خواهند پرداخت و هرکدام خواهان تحمیل جهان‌بینی خود هستند. اما در پایان پیروزی متعلق به هیچ ایدئولوژی انسانی یا نظریه علمی یا دین واحد نیست؛ بلکه حاصل وحدت هماهنگ همه دیدگاه‌های صحیح، باورهای والاتر، عبادات معنوی‌تر و علوم خدمتگزار به پیشرفت حقیقی بشر است.
۲۲. من اجازه می‌دهم که مردم آزادانه گفتگو کنند، ایده‌های خود را عرضه کنند و آیین‌ها و باورهای فرقه‌ای خود را علناً به نمایش بگذارند؛ روزی که وجدان، همچون داسی بی‌رحم، هر آنچه نادرست است را از ریشه قطع خواهد کرد.

««««مبارزه با آموزه های معنوی»»»»

۲۳. اما در این عصر، روحانیونی را می‌بینم که با لباس‌های سلطنتی نمادین به اجرای مراسم می‌پردازند و نام مرا به زبان می‌آورند، اما ذهن‌هایشان آشفته است و قلب‌هایشان گرفتار دسیسه‌ها و احساسات متضاد. هیچ پیامبری وجود ندارد که رسماً اعلام کند من اکنون در میان شما هستم. آنان رنج بزرگی خواهند کشید، چرا که ابزار معنوی واقعی ندارند. تحقق وعده‌ی پیروان رسولان کجاست؟ آیا کسی همانند یوحنا یا پولس در بین شما هست؟
۲۴. اکنون دوباره نزدیک می‌شوم تا تعالیم خود را آغاز کنم. می‌بینم که فریسیان و کاتبان نوین، پر از نفرت، به من حمله می‌کنند و می‌پرسم: «شاگردان من کجا هستند؟» مردان متکبر، دروغگو و ثروتمند از قدرت خود سوءاستفاده می‌کنند و کسانی که از فقدان من می‌ترسند و از حقیقت من هراس دارند، مرا مسخره و آزار خواهند داد. اما این من نیستم که زیر بار صلیب سقوط می‌کنم؛ بلکه کسانی چنین خواهان قربانی شدن من هستند که زندگی‌یابندگان واقعی را می‌کُشند.

۲۵. موج مادی‌گرایی به طغیانی بزرگ تبدیل خواهد شد؛ دریایی متلاطم از رنج، ناامیدی و ترسی عمیق از بی‌عدالتی‌های بشر.
۲۶. در این دریای پر از آشوب و هیجان، تنها یک قایق پایدار خواهد ماند و آن قایق، قایق قانون من است. خوشا به حال کسانی که در آن زمان قوی و استوار خواهند بود!
۲۷. اما وای بر خفتگان و ضعیفان، و آنانی که به پایه‌های تعصب مذهبی چسبیده‌اند، زیرا آسان در امواج خروشان این طوفان غرق خواهند شد.
۲۸. ای انسان‌ها! آیا نبردی که در پیش است را حس نمی‌کنید؟ آیا کلام من دل شما را به تپش نمی‌آورد تا آماده شوید و وقتی زمان فرا رسید، بتوانید از خود دفاع کنید؟
۲۹. نور من در همه وجود دارد، اما تنها آنان که دعا می‌کنند و خود را آماده می‌سازند آن را می‌بینند. این نور از طرق پیشگویی، الهام، شهود، رویاها و علائم با شما سخن می‌گوید، ولی بسیاری به ندای معنوی و نشانه‌های الهی بی‌توجه‌اند.
۳۰. به زودی تحقق کلام من را خواهید دید و شهادت خواهید داد که همه آنچه گفته‌ام حقیقت داشته است.
۳۱. نام و تعالیم من هدف حملات و آزار خواهند بود، اما آموزه‌هایم شمشیر نوری برای دفاع از ایمان و سپری برای کسانی است که در پی حمایت بی‌گناهان‌اند. نام من بر زبان‌ها جاری خواهد بود؛ برخی آن را متبرک و برخی دیگر آن را ملامت خواهند کرد.
۳۲. توانایی‌های انسانی به آزادی خواهند رسید؛ هوش، احساسات و شور و شوق بیدار شده و ذهن‌ها آماده مبارزه می‌شوند.
۳۳. چه آشفتگی‌ای در آن زمان به وجود خواهد آمد! آن‌هایی که گمان می‌کردند ایمان راستین دارند، ناچار خواهند شد ایمان خود را بازبینی و اصلاح کنند.
۳۴. در بسیاری از خانه‌ها و دل‌ها، نور عشق و امید خاموش خواهد شد. کودکان و نوجوانان جز خود دنیا و قانون زمین پرستش دیگری نخواهند کرد.
۳۵. وقتی مردم بیدار شوند و بفهمند که علاقه بی‌پایانشان به دنیا و چیزهای زمینی آنها را به شکست و نابودی کشانده است، به دنبال یافتن راه بازگشت می‌روند. آن‌ها به دنبال کشف اصول گمشده خواهند بود و در این مسیر، دکترین‌ها، فلسفه‌ها و جهان‌بینی‌های نو پدید خواهند آمد.

۳۶. نبردی نوین و بزرگ در پیش است؛ نبردی که دیگر بر سر قدرت زمینی و سلاح‌های مرگبار نخواهد بود. این نبرد بین جوامع مذهبی بزرگ و آموزه‌ها و ادیان جدید رخ خواهد داد.
۳۷. چه کسی در این نبرد پیروز خواهد شد؟ هیچ دینی برنده نخواهد بود، همان‌گونه که هیچ ملتی در جنگ‌های خونین و سهمگین زمان کنونی پیروز نخواهد ماند.
۳۸. عدالت من در نبرد برای قدرت زمینی پیروز خواهد شد، و در نهایت در جنگ میان دکترین‌ها و مذاهب، حقیقت من برتر خواهد بود.
۳۹. حقیقت یگانهٔ والا مانند برقی روشن در تاریکی شب خواهد درخشید و هر کس این نور الهی را به‌جایی که هست، خواهد دید.
۴۰. پیام من به همگان خواهد رسید و همه شما نزد من خواهید آمد. من همه چیز را برای آینده آماده ساخته‌ام و اراده‌ام تحقق خواهد یافت، زیرا من خالق ارواح، جهان‌ها، نژادها و مردم هستم.

««نادیده گرفتن یا سرکوب تجلیات و شفا های معنوی»»

۴۱. جهان معنوی به بشریت نزدیک‌تر خواهد شد تا حضور خود را به روشنی اعلام کند. نشانه‌ها، وحی‌ها و پیام‌های متعدد در همه‌جا ظاهر خواهند شد و اعلام می‌کنند که عصر جدیدی آغاز شده است.
۴۲. میان مردم آشوبی رخ خواهد داد، زیرا رهبران مذهبی در میان ایمان‌آورندگان به این پیام‌ها ایجاد ترس خواهند کرد و همچنین علم تلاش خواهد کرد تا نادرستی این حقایق را اثبات کند.
۴۳. مردم عادی شجاعت به خرج خواهند داد و برای تصدیق حقیقت نشانه‌هایی که دیده‌اند، برخاسته و شهادت خواهند داد. افراد مختلفی که امیدی به علم نداشتند و سلامت خود را از طریق معنویت باز یافته‌اند، خواهند ایستاد و از شفاهای معجزه‌آسا، قدرت بی‌نهایت و حکمتی مطلق گواهی خواهند داد.

۴۴. در میان مردم عادی و ناشناس، مردان و زنانی ظاهر خواهند شد که سخنان پرنورشان متکلمان، فیلسوفان و دانشمندان را شگفت‌زده خواهد کرد. اما هنگامی که درگیری به اوج می‌رسد و فقرا تحقیر می‌شوند و شهادت‌هایشان توسط متکبران انکار می‌شود، لحظه‌ای فرا خواهد رسید که الیاس، دانشمندان، اربابان و حاکمان را مسئول خواهد دانست و آنها را به دقت مورد بررسی قرار خواهد داد.

۴۵. وای بر دروغگویان و ریاکاران در آن زمان که عدالت کامل بر آنها نازل خواهد شد!

۴۶. ساعت داوری خواهد رسید؛ اما بسیاری از ارواح برای رسیدن به زندگی حقیقی بر خواهند خاست، بسیاری از قلب‌ها به ایمان زنده خواهند شد و بسیاری از چشم‌ها به سوی نور باز خواهند گشود.

فصل۵۵-تطهیر زمین وبشریت در قیامت
««صدای هشدار دهنده خدا و طبیعت قبل از داوری برزخ»

۱. به شما گفته‌ام که آزمایشی عظیم و بی‌سابقه بر تمام بشریت در جریان است، آزمایشی که در تاریخ بشر نمونه‌ای چنین بزرگ دیده نشده است.
۲. اکنون باید بدانید که من با قلب‌های همه شما سخن می‌گویم و پیام‌ها و هشدارهایم را به اشکال مختلف می‌فرستم، تا مردم مانند باکره‌های خردمند در تمثیل من، درباره شریعت من تأمل کنند و مراقب آن باشند.
۳. آیا مردم و ملت‌های جهان به من گوش خواهند داد؟ آیا این قوم به من که خود را به این شکل به آنها نشان می‌دهم، گوش خواهند سپرد؟ فقط خودم می‌دانم؛ اما وظیفه‌ام به عنوان پدری است که تمام وسایل نجات فرزندانم را فراهم کند.
۴. به راستی می‌گویم، اگر مردم در این زمان خود را از لکه‌های روحی پاک نکنند، نیروهای طبیعت به عنوان رسانندگان پیام داوری و جلال من خواهند آمد و بشریت را از ناپاکی پاک خواهند ساخت.
۵. خوشا به حال مردان، زنان و کودکانی که با درک نزدیک بودن روز داوری، نام مرا ستایش می‌کنند، زیرا قلب‌هایشان به آنها خواهد گفت که پایان سلطنت شر فرا رسیده است. اینان به‌واسطه ایمان، امید و اعمال نیک خود نجات خواهند یافت؛ اما چه بسیار کسانی که در آن روز زندگی می‌کنند و خدا را انکار خواهند کرد.
۶. بهشت نخستین انسان‌ها به دره‌ای از اشک بدل گشته و اکنون تنها دره‌ای از خون است. من آمده‌ام تا وعده‌ای که به شاگردانم داده‌ام را عملی سازم، بشریت را از خواب معنوی بیدار کنم و آموزه‌های عشق خود را برای نجاتشان به آنها بدهم. من به دنبال آن دسته از ارواحم که مقدر شده تا با اعمالشان شهادتی بر گفته‌ها و کلام من باشند.
۷. هنگامی که کسانی که توسط من علامت‌گذاری شده‌اند حول شریعت من متحد شوند، زمین و ستارگان به لرزه در خواهند آمد و نشانه‌ای در آسمان‌ها پدید خواهد آمد؛ زیرا صدای خداوند از سرتاسر زمین شنیده خواهد شد و روح الهی او، احاطه شده توسط ارواح صالحان، پیامبران و شهدا، جهان معنوی و مادی را داوری خواهد کرد. آن زمان، دوران قدرت کامل روح القدس خواهد بود.
۸. بسیاری از مردم در ورطه مادی‌گرایی فرو رفته‌اند و برخی دیگر نزدیک به سقوط هستند، اما درد این سقوط موجب بیداری آنها از خواب عمیقشان خواهد شد.

۹. این ملت‌ها پس از دوره‌ای از شکوه و جلال، سقوط کردند و در تاریکی درد، رذیلت و بدبختی فرو رفتند. حالا نه فقط یک ملت، بلکه تمام بشریت کورکورانه به سوی نابودی و هرج و مرج پیش می‌رود.
۱۰. غرور ملت‌ها به‌وسیله عدالت من مجازات خواهد شد. نینوا، بابل، یونان، روم و کارتاژ را به یاد آورید؛ آنجا نمونه‌های واضح عدالت الهی را خواهید دید.
۱۱. هرگاه مردمی عصای قدرت را گرفته و قلب‌هایشان پر از بی‌خدایی، غرور و احساسات پوچ شده باشد و به سوی انحطاط بروند، عدالت من نزدیک می‌شود و قدرت را از آنها سلب خواهد کرد.
۱۲. اما من همواره مشعلی روشن برای آنها گذاشته‌ام و راه رستگاری روحشان را نشان داده‌ام. اگر در لحظات سختی و آزمایش تنها رهایشان کنم، چه بر سرشان خواهد آمد؟
۱۳. انسان به جایی رسیده که روح خود را فراموش کرده و انکار می‌کند؛ حتی ماهیت اساسی وجود خود را نمی‌شناسد.
۱۴. تنها رحمت من است که توان می‌بخشد مردم را از چرخه دردناک انکار و سقوط نجات دهد؛ تا به سوی من بازگردند و در عشق من وسیله‌ای برای رستگاری بیابند.
۱۵. زمانی که طوفان‌ها دیگر زمین را پوشانده نبودند، من رنگین‌کمانی در آسمان تاباندم، نشانه‌ای از پیمان خدا با بشر.
۱۶. اکنون به شما می‌گویم، ای بشریت عصر سوم، که از همه آزمون‌ها گذر کرده‌اید، بزودی هرج و مرج نوینی به پا خواهد شد.
۱۷. اما من آمده‌ام تا قوم برگزیده و بشریت را که خود را به آنها شناسانده‌ام، هشدار دهم. فرزندانم، با دقت گوش دهید: این صندوق عهد است، وارد آن شوید، من شما را دعوت می‌کنم.
۱۸. برای تو ای اسرائیل، صندوق عهد، رعایت شریعت من است. هر که در سخت‌ترین روزها و زمان‌های آزمایش فرمان‌های من را رعایت کند، در صندوق عهد خواهد بود، قوی و محافظت شده از عشق من.
۱۹. دوباره به تمام بشریت می‌گویم: کشتی نوح قانون عشق من است. هر که نسبت به خود و دیگران عشق و رحمت داشته باشد، نجات خواهد یافت.

۲۰. من همیشه زمان و وسایل لازم را برای آماده شدن شما فراهم کرده‌ام.پیش از آنکه داوری نهایی خود را در پایان این دوره زمانی بر شما نازل کنم، با هشدار، بیداری و ترغیب به توبه و خیر، عشق خود را به شما نشان دادم.
۲۱. اما هنگامی که ساعت داوری فرا برسد، دیگر از شما نخواهم پرسید آیا توبه کرده‌اید یا آماده‌اید، یا در شرارت و نافرمانی پافشاری می‌کنید.
۲۲. داوری من در وقت مقرر فرا رسیده است؛ کسی که می‌دانست چگونه به موقع کشتی خود را بسازد، نجات یافت، اما آن که وقتی ساعت داوری به او اعلام شد، به تمسخر پرداخت و هیچ کاری برای نجات خویش نکرد، هلاک خواهد شد.
«««قدرت وحکومت شر در هم شکسته خواهد شد»»»
۲۳. قدرت و سلطهٔ شر تا کنون توسط انسان شکسته نشده است. عشق در جهان حاکم بوده است، اما خشونت غالب و پیروز بوده است. کسی که عشق ورزیده، قربانی شر شده است.
۲۴. شر روزبه‌روز سلطه خود را در زمین گسترش داده، اما اکنون زمانی است که من با سلاح‌های خود با آن‌ها مقابله می‌کنم تا پادشاهی عشق و عدالت در میان بشریت برقرار شود.
۲۵. من نخستین کسی خواهم بود که مبارزه می‌کنم؛ چون برای دادن آرامش روحی به شما، باید بجنگم و همه بدی‌ها را از میان ببرم.
۲۶. مردم به پایان راه خود خواهند رسید و به سوی خود بازخواهند گشت؛ آن‌چه کاشته‌اند برداشت خواهند کرد. تنها راه بیدار کردن قلب‌ها برای توبه همین است، زیرا آنانی که گناهانشان را نمی‌شناسند، قادر به جبران نیستند.
۲۷. دنیای جدید در شرف آمدن است؛ نسل‌های جدید به زودی ظهور خواهند کرد، اما ابتدا باید گرگ‌های گرسنه نابود شوند تا گوسفندان در امان باشند.
۲۸. جذامی غیرمادی در سراسر زمین گسترش یافته است؛ این بیماری قلب‌ها را فاسد کرده، ایمان و تقوا را نابود ساخته است. خیلی‌ها با لباس‌های روحانی به زندگی خود ادامه می‌دهند، اما نمی‌دانند که فلاکت حقیقی فراتر از آن چیزی است که مادی است.
۲۹. ساعت وجدان نزدیک است، همانطور که می‌گوییم: «روز خداوند نزدیک است.» در این زمان شرم در برخی و پشیمانی در برخی دیگر ظاهر خواهد شد.
۳۰. (به نظر جمله ناقص است، اگر بخواهید ادامه این بخش را ارسال کنید، خوشحال می‌شوم همراهتان باشم.)

۳۰. کسانی که این ندای درونی را می‌شنوند، آتشی درون‌شان شعله‌ور خواهد شد؛ آتشی که سوزان و بی‌وقفه است. این آتش آنچه را که مصرف می‌کند نابود و پاک می‌کند. نه گناه و نه هیچ چیز دیگری که پاک نیست، نمی‌تواند در برابر این آتش داوری مقاومت کند. تنها روح است که می‌تواند این آتش را تحمل کند چرا که از قدرت الهی بهره‌مند است. پس وقتی از آتش وجدان عبور کرد، از گناهانش پاک می‌شود و دوباره متولد می‌گردد.

۳۱. تمام دردهایی که بشر ایجاد کرده در جام واحدی جمع خواهد شد که کسانی که این دردها را آفریده‌اند، مجبورند آن را بنوشند. کسانی که هرگز اجازه نداده‌اند این دردها آنها را تکان دهد، در روح و جسم خود خواهند لرزید.

۳۲. لازم است آسمان برای مدتی کوتاه به روی همه بسته شود و تنها وقتی صدای فریادی از زمین برخاست، دوباره باز گردد؛ زیرا پذیرفته شده است که پدر همه موجودات یکی است.

۳۳. به راستی می‌گویم، من این جهان پر از خودخواهی و برادرکشی را به داوری می‌سپارم و آن را پاک خواهم کرد تا وقتی که عشق و نور در آن دیده شود. به کسانی که مردم خود را به تباهی می‌کشند، کسانی که رذایل را می‌کارند و قلمرو بی‌عدالتی را گسترش داده‌اند، فرمان می‌دهم که برای کفاره، با وسوسه‌ها بجنگند، فساد را از میان ببرند و ریشه شر را بخشکانند.

۳۴. انسان با اراده آزاد خود مسیر تکاملش را منحرف کرده و فراموش کرده از کجا آمده است. فضیلت، عشق، نیکی، صلح و برادری برای ذات او غریبه شده و خودخواهی، رذیلت و گناه را طبیعی و موجه می‌پندارد.

۳۵. سدوم جدید اکنون بر زمین حکمفرمایی می‌کند و پاکسازی جدید لازم است. بذر نجات باقی خواهد ماند و انسانی نو از آن ظاهر خواهد گشت. در زمین‌های پربرکت که با اشک توبه آبیاری می‌شوند، بذر من در قلب نسل‌های آینده جوانه خواهد زد؛ نسلی که پروردگار خود را به شکلی بالاتر پرستش خواهند کرد.

۳۶. من به بشر اجازه می‌دهم تا ویرانی، مرگ و جنگ را بیاورد؛ اما فقط تا حدی مشخص. فراتر از آن، بی‌عدالتی، تباهی، توهم و شهوت قدرت نمی‌توانند گسترش یابند.

۳۷. سپس داس من خواهد آمد و با خرد، آنچه را اراده من مقدر کرده خواهد برداشت. زیرا زندگی، عشق و عدالت واقعی در داس من است. اما شما، ای مردم، بیدار باشید و دعا کنید!

۳۸. پیش از این، زمین دره‌ای از اشک بود؛ اکنون به دره‌ای از خون تبدیل شده است. او فردا چه خواهد بود؟ مانند نهنگی است که بر ویرانه‌های دودزا شناور است، جایی که آتش داوری بر آن گذشته و گناه را می‌سوزاند و غرور انسان‌های بی‌مهر را به خاطر غفلت از روحشان نابود می‌کند.
۳۹. سوداگران دانش از معبد خرد بیرون رانده خواهند شد، زیرا از نور بهره برده‌اند اما حقیقت را آلوده ساخته‌اند.
۴۰. ملت‌های بزرگ، سرشار از غرور و خودبینی، برمی‌خیزند، به قدرت خود می‌بالند، جهان را به واسطه سلاح‌هایشان تهدید می‌کنند، به هوش و علم خود افتخار می‌کنند؛ اما ناآگاه‌اند که دنیای ساخته‌شده‌شان شکننده است و تنها دمیدن عدالت من کافی است تا این دنیای ساختگی نابود شود.
۴۱. این انسان است که به دست خودش، به واسطه عقل خود، راه نابودی دستاوردهایش را خواهد گشود.
۴۲. من تضمین می‌کنم که تنها آن کارهای بشری که ثمره‌ای برای بشریت داشته و به سود نسل‌های آینده است، پایداری خواهند یافت. هر چیزی که در خدمت اهداف فاسد یا خودمحورانه باشد، به آتش بی‌رحمانه داوری من خواهد سوخت.
۴۳. از ویرانه‌های جهانی که مادی‌گرایی بشر آفریده و ویران کرده است، جهانی نوین ساخته خواهد شد، جهانی که بر پایه تجربه و آرمان توسعه معنوی استوار است.
««جنگ های آخرالزمانی،بیماری های عفونی،طاعون و ویرانی»»»
۴۴. شما در دوران هراس و ترس زندگی می‌کنید، دورانی که مردم با تحمل کامل رنج‌های خود، خود را تطهیر می‌کنند. کسانی که پیشگویی‌ها را مطالعه کرده بودند، می‌دانستند که زمان نزدیک است که جنگ‌ها همه‌جا آغاز شود، چون ملت‌ها یکدیگر را درک نمی‌کنند.
۴۵. بیماری‌ها و طاعون‌های ناشناخته در میان مردم ظاهر خواهند شد و دانشمندان را به حیرت وامی‌دارند.
وقتی درد به اوج خود برسد، مردم هنوز می‌گویند: «مجازات خدا!» ولی من نیستم که مجازات می‌کنم، شما با منحرف شدن از قوانین روح و جسم خود، خودتان را مجازات می‌کنید.
۴۶. چه کسی نیروهای طبیعت را آزاد کرد مگر بی‌منطقی انسان و تکبر دانشمندان که قوانین مرا به چالش کشیدند؟ اما بدانید که این درد، علف‌های هرزی را که در قلب انسان رشد کرده‌اند، ریشه‌کن خواهد نمود.

۴۷. مزارع پوشیده از اجساد خواهند شد؛ مردم بی‌گناه نیز هلاک خواهند شد. برخی در آتش، برخی در قحطی و دیگران در جنگ خواهند مرد. زمین خواهد لرزید، نیروهای طبیعت به جنبش خواهند آمد، کوه‌ها گدازه‌های خود را فوران خواهند کرد و دریاها مواج خواهند شد.
۴۸. من به مردم اجازه می‌دهم تا حدی که اراده آزادشان اجازه می‌دهد، به فساد خود ادامه دهند تا زمانی که از اعمالشان وحشت‌زده شوند و توبه واقعی در دلشان شعله‌ور گردد.
۴۹. درخت علم توسط طوفانی سهمگین به لرزه خواهد آمد و میوه‌هایش بر سر بشریت خواهد ریخت. اما چه کسی زنجیرهای آن عناصر را گسسته است؟ جز خود بشر؟
۵۰. اولین انسان‌ها نیز درد کشیدند تا بیدار شوند، وجدانشان روشن شود و مطابق قانون زندگی کنند. چگونه ممکن است انسان امروزی آگاه و تحصیل‌کرده جرأت کند درخت زندگی را بی‌احترامی کند؟
۵۱. بیماری‌های همه‌گیر ناشناخته سراسر جهان را فرا خواهد گرفت و بخش بزرگی از بشریت را خواهد گرفت؛ بیماری‌هایی که علم در برابرشان درمانی ندارد.
۵۲. جهان از علف‌های هرز رهایی خواهد یافت. داوری من خودخواهی، نفرت و شهوت سیری‌ناپذیر قدرت را نابود خواهد کرد. پدیده‌های طبیعی عظیم گشوده خواهند شد.
۵۳. ملت‌ها و سرزمین‌ها ویران خواهند شد و برخی مناطق کامل ناپدید خواهند شد که زنگ خطری برای قلب‌های شما خواهد بود.
««««طبیعت و بلایای زمینی»»»»
۵۴. ای بشریت، اگر به جای صرف منابع در جنگ‌های خونین، آن را در کارهای بشردوستانه به کار می‌بردید، وجودتان مملو از برکت بود. ولی شما ثروت‌های خود را صرف آفرینش ویرانی، درد و مرگ کردید.
۵۵. این زندگی حقیقی نیست که برادران و خواهران خدا باید داشته باشند، و با شریعت روحانی که بر جان‌های شما نوشتم، سازگار نیست.
۵۶. برای آگاه کردن شما از اشتباهتان، آتش‌فشان‌ها به فوران خواهند درآمد، خاکستر و آتش از زمین برخواهد خواست تا علف‌های هرز را بسوزاند. بادها آزاد خواهند شد، زمین خواهد لرزید و سیل‌ها مناطق و ملت‌ها را ویران خواهند کرد.
۵۷. اینگونه، قلمروهای طبیعی نارضایتی خود را نسبت به بشریت ابراز می‌کنند؛ زیرا بشر پیوندهای دوستی و برادری که او را با طبیعت مرتبط می‌ساخت، یکی یکی از بین برده است.

۵۸. بدبختی‌های بسیاری بر بشر نازل خواهد شد؛ آشفتگی در طبیعت رخ خواهد داد و عناصر زنجیرهای خود را خواهند شکست، به ویژه آتش که بخش‌های وسیعی را ویران خواهد کرد. آب رودخانه‌ها از کناره‌های خود سرریز خواهد کرد و دریاها دستخوش تغییراتی شگرف خواهند شد.
۵۹. مناطقی زیر آب خواهند رفت و سرزمین‌های جدیدی بر جای خواهند آمد. بسیاری از موجودات جان خود را از دست خواهند داد و برخی موجودات حتی پایین‌تر از انسان نیز هلاک خواهند شد.
۶۰. نیروهای طبیعت فقط به انتظار لحظه‌ای هستند تا جهان را به طوفانی عظیم فرو برند و زمین را پاک و منزه کنند. هرچه ملت گناهکارتر و مغرورتر باشد، داوری بر آن سخت‌تر خواهد بود.
۶۱. قلب بشر امروز سخت و سنگین است. لازم است جام رنج به آن برسد تا صدای وجدان، قانون و عدالت الهی را بشنود. این همه برای رستگاری و حیات جاودانه روح است؛ این روحی است که من به دنبال آن هستم.
۶۲. سیل عظیم زمین را از ناخالصی‌های انسانی پاک خواهد کرد، مانند آتشی که بر سدوم فرود آمد؛ اما در این زمان نیز خواهید دید که چگونه بشریت متزلزل می‌شود وقتی زمین توسط هوا، آب و آتش به لرزه درمی‌آید. اما من بار دیگر کشتی‌ای که قانون من است می‌فرستم تا هر کس در آن وارد شود، نجات یابد.
۶۳. نه همه کسانی که در این زمان می‌گویند «پدر، پدر» مرا دوست خواهند داشت، بلکه آنانی که محبت مرا به همسایگان خود نشان می‌دهند، نجات خواهند یافت.
۶۴. سیل جدیدی رخ خواهد داد که زمین را از فساد انسانی پاک خواهد کرد و قربانگاه‌های خدایان دروغین را واژگون خواهد نمود، برج‌های غرور و بی‌خدایی را ویران ساخته و آموزه‌ها و فلسفه‌های منحرف را محو خواهد کرد.
۶۵. اما این سیل فقط از آب نخواهد بود؛ زیرا دست انسان همه عناصر مرئی و نامرئی را علیه خودش رها کرده است. خود انسان، خود را داوری می‌کند و مجازات می‌نماید.
۶۶. پادشاهی‌های طبیعی داد عدالت را فریاد خواهند زد؛ و هنگامی که آزاد شوند، بخش‌هایی از زمین را نابود خواهند کرد، دریاهایی را پدید خواهند آورد و خشکی‌هایی را که پیش‌تر دریا بودند، آشکار خواهند ساخت.
۶۷. آتشفشان‌ها فوران خواهند کرد تا زمان داوری را اعلام کنند و تمام طبیعت به شدت به جنبش درآید و متزلزل شود.
۶۸. دعا کنید که مانند شاگردان خوب رفتار کنید، زیرا این زمان مناسب برای گسترش آموزه‌های معنوی تثلیث-مریم در قلب‌ها است.

۶۹. سه چهارم سطح زمین ناپدید خواهد شد و تنها بخشی از آن باقی خواهد ماند که پناهگاهی برای بازماندگانی باشد که از هرج و مرج جان سالم به در برده‌اند. شما شاهد تحقق بسیاری از پیشگویی‌ها خواهید بود.
۷۰. هشدار می‌دهم که پیش از پایان «مهر ششم»، رویدادهای عظیمی رخ خواهند داد: ستارگان نشانه‌هایی مهم خواهند داد، ملت‌های زمین ناله خواهند کرد، و سه بخش از این کره خاکی ناپدید خواهند شد، تنها یک بخش باقی خواهد ماند که بذر روح‌القدس به عنوان حیاتی تازه در آن جوانه خواهد زد.
۷۱. آنگاه بشریت هستی جدیدی را آغاز خواهد کرد — متحد، با یک آموزه واحد، زبان واحد و پیوندی قوی از صلح و برادری.
۷۲. من با تو از درد سخن می‌گویم؛ دردی سزاوار تو که روزبه‌روز بیشتر می‌شود و زمانی فرا خواهد رسید که تو را فراخواهد گرفت.
۷۳. من هرگز چنین جامی را به فرزندانم پیشکش نمی‌کنم، اما عدالت من اجازه می‌دهد تا ثمره شرارت، غرور و بی‌پروایی خود را درو کنید، تا شاید با توبه به سوی من بازگردید.
۷۴. بشریت قدرت و عدالت مرا به چالش کشید، وقتی که با علم خود به معبد طبیعت که همه چیز در آن هماهنگ است، بی‌حرمتی کرد؛ اکنون داوری آنان بی‌رحمانه خواهد بود.
۷۵. نیروهای عنصری آزاد خواهند شد، کیهان متزلزل خواهد شد و زمین خواهد لرزید؛ سپس وحشت بر بشر چیره می‌شود و آنان می‌خواهند بگریزند اما راهی نخواهند داشت. آن‌ها می‌خواهند نیروهای آزاد شده را مهار کنند اما قادر نخواهند بود؛ زیرا حس گناه دارند و اگرچه دیر است، از تکبر و حماقت خود توبه می‌کنند، اما برای فرار به دنبال مرگ خواهند بود.
۷۶. اگر مردم از موهبت‌های معنوی خود آگاه بودند، چه رنج‌هایی را می‌توانستند تسکین دهند، اما آن‌ها کور یا تنبل بودن را انتخاب کردند و اجازه دادند دوران سخت‌ترین دردها سپری شود.
۷۷. آموزه‌های من برای روشن کردن شماست تا بتوانید خود را از رنج‌های بزرگ که پیامبران پیشین پیش‌بینی کرده بودند، رهایی بخشید.
۷۸. تنها در بهبود زندگی خود می‌توانید قدرت رهایی از تأثیرات عناصر رها شده را بیابید؛ زیرا ایمان و دعا تنها سلاح‌های پیروزی نیستند، بلکه باید با زندگی پاک، پرهیزگارانه و نیک همراه شوند.

۷۹. به زودی دورانی پر از رویدادهای عظیم برای زمین آغاز خواهد شد. زمین خواهد لرزید و خورشید پرتوهای سوزان خود را بر آن خواهد تاباند، سطح آن را خواهد سوزاند. قاره‌ها از قطب شمال تا قطب جنوب در رنج و عذاب فرو خواهند رفت و کره زمین پاک خواهد شد، به گونه‌ای که هیچ موجودی نخواهد بود که سختی و کفاره را احساس نکند.
۸۰. اما پس از این هرج و مرج بزرگ، ملت‌ها آرامش خواهند یافت و نیروهای طبیعت آرام خواهند شد. پس از آن شب طوفانی که این جهان در آن قرار دارد، رنگین‌کمان صلح نمایان خواهد شد و همه چیز به قوانین، نظم و هماهنگی اولیه خود بازخواهد گشت.
۸۱. بار دیگر آسمان صاف خواهد شد، مزارع حاصلخیز می‌شوند، جویبارها آرام و دریاها ساکن می‌گردند. درختان پرمیوه و چمنزارها پرگل خواهند بود و محصولات فراوان خواهند آمد. بشر پاک و سالم، دوباره احساس شایستگی و پاکی می‌کند و راه عروج و بازگشت به من را روشن و هموار می‌بیند.
۸۲. همه کاملاً پاک و خالص خواهند شد تا شایسته ورود به عصر نوین باشند، زیرا بشریت جدید باید بر پایه‌های محکم بنا شود.
«««عدالت و رحمت الهی»»»
۸۳. ساعتی نزدیک می‌شود که داوری الهی به طور کامل در جهان احساس خواهد شد؛ هر عمل، سخن و اندیشه‌ای سنجیده خواهد شد، از قدرتمندان زمین گرفته تا فروتن‌ترین افراد.
۸۴. عدالت را با انتقام اشتباه نگیرید؛ من تنها به شما اجازه می‌دهم میوه‌های اعمال خود را بچینید تا بفهمید چه خوب و چه بد کاشته‌اید.
۸۵. خون بی‌گناهان ریخته شده، اشک‌های بیوه‌ها و یتیمان، رنج‌های کسانی که از فقر و بدبختی رنج می‌برند، همه فریاد عدالت می‌زنند. عدالت کامل، عاشقانه و بی‌رحمانه من بر همه نازل خواهد شد.
۸۶. عدالت من هر موجودی را لمس خواهد کرد، همانند زمانی که فرشته خداوند بر مصر آمد و تنها کسانی که خانه‌هایشان را با خون بره علامت زده بودند، نجات یافتند.
۸۷. به راستی به شما می‌گویم: هر که بیدار باشد و به وعده‌های منجی ایمان داشته باشد، آن بره الهی که خود را فدا کرد تا به شما عشق و راه کفاره را بیاموزد، خون من همچون ردایی از عشق شما را محافظت خواهد کرد. اما هر که مراقب نباشد، ایمان نیاورد یا کفر بورزد، عتاب خواهد دید تا از خواب غفلت بیدار شود.

۸۸. هنگامی که صدای فریاد کمک انسان‌ها از عمق وجودشان به سوی من برخیزد و بگویند: «پدر ما، ناجی ما، به سوی ما آی، ما در حال هلاک شدنیم»، آن‌گاه من اجازه می‌دهم حضورم را احساس کنند و رحمت بی‌کرانم را آشکار خواهم ساخت و برای آنان ثابت خواهم کرد.
۸۹. مسیر عادی زندگی ناگهان با طوفان‌های سهمگینی مواجه خواهد شد، اما پس از آن، نوری از ستاره‌ای در بی‌نهایت خواهد درخشید که پرتوهایش آرامش، نور و آسایشی را که روح برای تأمل در ابدیت نیاز دارد به شما ارزانی خواهد داشت.
«««اثر دادگاه یا داوری»»»
۹۰. وقتی به نظر برسد که همه چیز برای بشر از دست رفته، مرگ پیروز شده و شر غالب گشته، موجوداتی از تاریکی به نور برمی‌خیزند، از مرگ به زندگی حقیقی عروج می‌کنند و از ورطه فساد خارج می‌شوند تا از قانون ابدی خدا اطاعت نمایند.
۹۱. همه از ورطه نابودی آگاه نخواهند بود؛ زیرا برخی خود را از جنگ‌های شهوات، جاه‌طلبی‌ها و نفرت‌ها دور نگه داشته و فقط در حاشیه سدوم جدید زندگی کرده‌اند؛ و کسانی که گناهان زیادی داشته‌اند، با توبه به موقع و تجدید کامل، از درد و اشک رهایی خواهند یافت.
۹۲. هیچ‌یک از ساختارهای اخلاقی و مادی بشریت به صورت کامل باقی نخواهد ماند؛ زیرا برای ظهور انسان جدید ضروری است هر لکه و گناهی ریشه‌کن شود و تنها بذر خوب باقی بماند.
۹۳. حضور درخشان و عدالت من در سراسر زمین درک خواهد شد؛ بت‌ها فرو خواهند ریخت، سنت‌های بی‌ثمر فراموش خواهند شد و آیین‌های پوچ کنار گذاشته خواهند شد.
۹۴. تنها دری که برای رستگاری باز است، در معنویت است. هر که خواهان رستگاری است باید از غرور، عظمت کاذب، هوس‌های پست و خودخواهی دست بردارد.
۹۵. جامی که بشریت در نبرد بزرگ خواهد نوشید، تلخ است؛ اما خوشا به حال کسانی که از آن می‌نوشند و زمین را پاکیزه ترک می‌کنند، زیرا وقتی در بدن‌های دیگر بازگردند، پیامشان پر از نور، صلح و خرد خواهد بود.

۹۶. «نبردهای نهایی» با تلخی‌ها و «گردبادهای نهایی» هنوز فرا نرسیده‌اند. هنوز آن ساعتی در راه است که همه نیروها به آشوب کشیده شوند و اتم‌ها در هرج و مرج بچرخند، و پس از آن رخوت، خستگی، غم و انزجاری پدید خواهد آمد که ظاهری شبیه مرگ به خود می‌گیرد.

۹۷. اما این ساعت، در روح‌های حساس طنین شیپوری از عالم ماورا شنیده خواهد شد که به شما اعلام می‌کند پادشاهی زندگی و صلح در میان مردمان نیک‌نیت نزدیک است.

۹۸. با شنیدن آن صدا، مردگان برخیزند و اشک توبه بریزند، و پدر آن‌ها را به عنوان «پسران گمشده»، خسته از سفر طولانی و فرسوده از نبرد بزرگ، خواهد پذیرفت و روحشان را با بوسه عشق مهر خواهد زد.

۹۹. از این روز به بعد، بشریت از جنگ بیزار خواهد شد، نفرت و کینه را از دل بیرون خواهد راند، به دنبال گناه خواهد رفت و زندگی‌ای پر از جبران و بازسازی را آغاز خواهد کرد. بسیاری از نوری که پیش‌تر ندیده بودند الهام خواهند گرفت و برای ایجاد جهانی پرصلح تلاش خواهند کرد.

۱۰۰. این تنها آغاز زمان فیض، عصر صلح است.

۱۰۱. عصر حجر مدت‌ها گذشته است. عصر علم نیز خواهد گذشت و پس از آن عصر ذهن در میان بشریت شکوفا خواهد شد.

۱۰۲. سرچشمه حیات اسرار بزرگی را آشکار خواهد کرد که به مردم امکان می‌دهد جهانی پایدار و قوی بر اساس علم نیکی، عدالت و عشق بسازند.

فصل۵۶-پیروزی و شناخت اثر روح مسیح

«««گسترش آموزه های معنوی توسط فرستادگان خدا»»»

۱. شریعت من در این زمان کشتی نجات خواهد بود؛ هنگامی که سیلاب‌های شر، درد و بدبختی رها شوند، مردم از اقوام و ملل گوناگون صف‌های طولانی به این سرزمین پر از معنویت، مهمان‌نوازی و صلح خواهند آمد. زمانی که آن وحی را بدانند و به آنچه من به عنوان روح القدس در ظهور جدیدم گفته‌ام ایمان آورند، آن‌ها را نیز همانند بنی‌اسرائیل به عنوان فرزندان روح خواهم شناخت.

۲. در میان این جمعیت، فرستادگان من خواهند بود که به سوی قوم خود فرستاده می‌شوند تا پیام الهی مرا به برادران‌شان برسانند.

۳. اما همه به این قوم نخواهند آمد تا تعالیمی را که من آورده‌ام بیاموزند، زیرا بسیاری از نظر روحانی آن را درک خواهند کرد.

۴. همه شما آرامشی واقعی و شایسته خواهید یافت؛ ولی به شما وعده می‌دهم که روزهای بهتر و روشن‌تری در پیش است.

۵. پس از تطهیری که زمین باید تجربه کند، افرادی که من فرستاده‌ام ظهور خواهند کرد؛ ارواح پرهیزگار با مأموریت‌هایی بزرگ برای ایجاد یک خانواده انسانی مطیع و متحد.

۶. چهار نسل پس از نسل شما، آموزه‌های من در سراسر زمین گسترش می‌یابد و ثمرهای زیبا به بار خواهد آورد.

«««مبارزه برای به رسمیت شناختن کلمه جدید»»»

۷. امروز جمعیت کمی مرا احاطه کرده‌اند، اما در آینده جمعیت‌های بی‌شماری به سوی من خواهند آمد. در میان آن‌ها فریسیان و منافقان خواهند بود که به دنبال اشتباهات تعالیم من می‌گردند تا مردم را علیه من بشورانند. اما نمی‌دانند که پیش از آن‌که کار من را حتی بررسی کنند، خودشان رسوا خواهند شد.

۸. همان طور که در گذشته سه قاضی حنا، پیلاطس و هیرودیس مرا قضاوت و محکوم کردند و مردم حکم را اجرا کردند، اکنون بسیاری از آن‌ها داور من خواهند شد و شمار کسانی که مرا رنج می‌دهند، بسیار بیشتر است.

۹. اما هر چه مردم بیشتر از شریعت و آموزه‌هایم رویگردان شوند و آزار و انکار بیشتر شود، صدای مؤمنان رسا و طنین‌انداز خواهد شد، زیرا دیگر تنها نخواهم بود. «بار دوم» آمده‌ام.

۱۰. به زودی کلام من که بیان شده، از زمین محو خواهد شد.

۱۱. مردم شروع به ابداع آموزه‌های جدید و ادعای پیامبری می‌کنند و من اجازه می‌دهم این بذرها کاشته شود تا هنگام برداشت، بدانند چه کرده‌اند.

۱۲. زمان و طبیعت این آموزه‌ها را محک زده و آثار آن‌ها همچون داوری بر فرزندان بشر خواهد ماند.

۱۳. دنیا باید فریب را بشناسد تا حقیقت را دریابد؛ سپس حقیقت پاک و معنوی که من داده‌ام، دوباره در میان بشر شکوفا خواهد شد.

«««قدرت تعلیم روح القدس»»»

۱۴. عصری نو از نور آمده تا مردم بیدار شوند و از بار سنت‌ها و خطاها رها گردند.

۱۵. رفته‌رفته همه ادیان و فرقه‌ها به معبد نامرئی روح القدس می‌رسند، منتظر مردم همه ملت‌ها.

۱۶. وقتی همگان به دعا و تفکر در محراب درونی برسند، به دانش حقیقت من دست خواهند یافت و متحد در پرستش پدر خواهند بود.

۱۷. من با مردمی که رهنمایی می‌کنم پیشگویی‌ها را محقق می‌کنم؛ دنیا با شگفتی می‌لرزد و بسیاری می‌پذیرند که «مسیح، منجی، بازگشته است».

۱۸. کلام من زندگی و شخصیت جهان کنونی شما را دگرگون خواهد کرد.

۱۹. امروز دنیا و لذت‌هایش معنی زندگی‌اند، اما به زودی روح بر جسم مقدم خواهد شد و مردم به دنبال جاودانگی روح خواهند بود.

۲۰. در ابتدا تعصباتی برای معنویت هست، اما پس از آن قلب‌ها آرام می‌گیرند و معنویت در پاکی و حقیقت شکوفا می‌شود.

۲۱. آموزه‌های من تحولات بزرگی در جهان، رسوم و طبیعت پدید می‌آورد و ارواحی که می‌فرستم این پیشگویی‌ها و راه‌های بازسازی جهان را شرح می‌دهند.

۲۲. سرودی از روح کسانی که مرا جستجو کردند و پیدا کردند برمی‌خیزد؛ هر که مرا جوید، مرا خواهد یافت.

۲۳. انکارکنندگان من با آزمایش‌هایی مواجه می‌شوند که چشمان‌شان را به حقیقت باز می‌کند.

۲۴. مانند سیلی خروشان، جمع معتقدان به معنویت غیرقابل توقف است و هر مخالفی توسط آن نابود می‌شود.

۲۵. هیچ‌کس نمی‌تواند رشد روح‌ها یا اجرای فرامین خدا را متوقف کند؛ فقط پدر مطلق قدرت دارد و مقدر کرده هر روح به کمال برسد.

۲۶. اگر آموزه‌هایم کوتاه‌مدت نادیده گرفته شوند، صدای من مثل ناقوسی بلند حتی برای مردگان معنوی شنیده می‌شود.

۲۷. وقتی بشریت آموزه‌هایم را بشناسد و درک کند، به این مسیر اعتماد می‌کند و می‌پذیرد که من رهبر در عدالت، عشق و احترام به همسایه هستم.

۲۸. وقتی آموزه‌ها در دل مردم ریشه بدواند، زندگی خانوادگی با تقوا و وفاداری روشن می‌شود؛ معلمان حکمت می‌یابند، حاکمان سخاوتمند می‌شوند، قضات به عدالت الهام می‌گیرند و دانشمندان اسرار عظیمی را برای پیشرفت بشر دریافت می‌کنند. این آغاز عصر جدیدی از صلح و پیشرفت است.

«««آگاهی از آمدن دوم مسیح در سراسر جهان»»»

۲۹. هر که در عمیق‌ترین ناامیدی باشد، نیرویی روحانی را تجربه می‌کند که او را از ضعف بیرون می‌کشد و می‌داند عیسی زنده است و برای نجات و بخشش می‌آید.

۳۰. حتی پادشاهان نیز در تعجب خواهند بود از سادگی و بی‌تکلفی روش من برای رساندن کلام به مردم.

۳۱. بشریت اکنون در آغاز راه است؛ عدالت من درون آن جاری است ولی مردم هنوز به آن آگاه نیستند و جهان را با غرور و مادی‌گرایی به شانس نسبت می‌دهند.

۳۲. به زودی دعوت من به دل‌ها می‌رسد و با توبه به سوی من خواهند آمد تا ببخشایم خطاها و غرورشان را.

۳۳. این ساعت، زمان حسابرسی روح و تجربه پوچی کوتاه‌مدت است که در آن مردم ضعف و خطاهایشان را درمی‌یابند.

۳۴. این سردرگمی طول نمی‌کشد، زیرا فرستادگان من ظاهر و پیام جدیدم را منتشر می‌کنند.

۳۵. بار دیگر، همچون زمان‌هایی که پیام‌آوران من از شرق به غرب سفر می‌کردند و دانش کلامم را می‌آوردند، فرستادگان من این نور را به ملت‌ها و خانه‌ها خواهند برد.

۳۶. آیا برای مردم عجیب خواهد بود که نور این بار از غرب به شرق می‌آید؟ و آیا پیام فرستادگان مرا خواهند شناخت؟

۳۷. مردمی هستند که مرا نمی‌شناسند و سرسختانه از قوانینم دوری می‌کنند و آموزه‌هایم را منسوخ می‌دانند.

۳۸. برخی به نام نفع خود کار خیر می‌کنند نه از قلبی نوع‌دوستانه.

۳۹. عدالت و آزمون‌های من برای همه اقوام و نژادهاست تا قلب و روحشان بارور شود و بذر عشق، عدالت و نور جاودان من در آنها کاشته شود.

۴۰. این مردمان عاشقانه از من سخن خواهند گفت و امید خود را به من خواهند بست، و در روح همه بشریت سرودهایی از ستایش و عشق به پروردگار یگانه طنین‌انداز خواهد شد.

فصل۵۷-معکوس شدن و تغییر در همه زمینه ها
««««بینش های جدید و عمیق تر»»»»

۱. زمان نزدیک است که وحی‌های معنوی راه نور را به بشر نشان دهد تا اسرار خلقت را بیاموزد.

۲. نور روح من علم حقیقی را آشکار می‌کند تا انسان موجودات و نیروهای خلقت را بشناسد و فرمان‌روایی زمین را که اراده من است، تحقق بخشد؛ اما این تنها وقتی ممکن است که روح بر ضعف بدن غلبه کند.

۳. روزی فرا می‌رسد که مردم اهمیت روح را درک می‌کنند، زیرا بسیاری از مؤمنان واقعی نیستند و برخی که می‌بینند، حقیقت را نمی‌بینند؛ آن زمان ادامه زندگی با میوه‌های دنیوی بیهوده خواهد بود.

۴. آنها در جستجوی نور، باطل‌های دین‌های مختلف را رد کرده و ذات الهی را کشف می‌کنند.

۵. بشریت از کاشت نفرت، خشونت و خودخواهی خسته می‌شود؛ هر بذر نفرت قدرت برداشت محصول کافی ندارد.

۶. این پایان مسیر دیوانه‌وار آنها خواهد بود و من در هر قلب معجزه می‌کنم و عشق به همسایه را جایش می‌دهم.

۷. مردم دوباره من را به عنوان کمال، علم و عدالت مطلق خواهند شناخت و یادآوری می‌کنند که حرکت هر برگ به خواست پدر است، نه تصادف.

۸. وقتی صدای من درون بشریت شنیده شود، روح بیدار شده و به ندای پروردگار پاسخ می‌دهد.

۹. عصر نوینی بر زمین آغاز می‌شود که در آن شما زندگی را از منظر تعالی معنوی خواهید دید، درک خواهید کرد و لذت خواهید برد.

۱۰. وقتی روح عقل را ارتقا دهد، انسانی که اکنون ناشناخته‌ها را نمی‌فهمد، کشف خواهد کرد؛ این امر مقدر شده است تا با معنوی شدن هوش برایش آشکار شود.

۱۱. نوری جهانی در همه کشورها و قاره‌ها ظاهر می‌شود که آموزش معنوی بشر را روشن می‌سازد و مرحله‌ای نوین از رشد معنوی و ذهنی آغاز می‌کند.

۱۲. وقتی مردم به عشق جهانی برسند، تلاش می‌کنند خود را کامل کنند، به دیگران خدمت کنند و عدالت را رعایت کنند؛ دیگر ترسی از مجازات نیست بلکه اعتقاد قلبی به قوانین است.

۱۳. وقتی بذر آموزه‌هایم در دل بشریت جوانه بزند، زندگی انسانی و پرستش معنوی دگرگون می‌شود و تفاوت بزرگی با گذشته خواهد داشت.

۱۴. تعصب، بت‌پرستی، مادی‌گرایی و عقاید پوچ ریشه‌کن می‌شوند و هر آنچه جوهره خوبی و حقیقت دارد حفظ خواهد شد.

۱۵. این آموزه‌ها، اگرچه ابتدا با مبارزه و سردرگمی روبروست، ولی پس از آن صلح و شادی با درک معنای عمیق کلام من بر مردم خواهد آمد.

۱۶. درباره الوهیت من و هدف معنوی زندگی شما، هر فرد اکنون قادر است درک عمیق‌تر و شخصی‌تری از آموزه‌ها داشته باشد، زیرا هرکسی مفسر خوبی برای تعابیر نمادین پیشینیان است.

۱۷. گذشته، آموزش‌ها تنها تا حدی قابل فهم بود و مردم به دلیل میل به دانستن فوری، در تناقض و برداشت‌های مادی گرفتار شدند.
««««روشنگری از طریق فرستادگان الهی»»»»

۱۸. من به شما وعده داده‌ام که ارواح نورانی بزرگی برای هدایت شما به زمین خواهند آمد، منتظر زمان مناسب برای تجسم و انجام مأموریت احیا هستند.

۱۹. وقتی این موجودات روحانی زندگی کنند، چیزی برای یاد گرفتن از شما ندارند، چرا که آنها آمده‌اند تا آموزش دهند.

۲۰. سخنان آنها درباره مسائل عمیق و گفتگوهایشان با دانشمندان و متکلمان شما را شگفت‌زده خواهد کرد.

۲۱. خوشا به حال خانه‌ای که یکی از این ارواح نورانی را پذیرد؛ اما کسانی که تلاش کنند مانع رسالت آنان شوند، بار سنگینی را تحمل خواهند کرد.

۲۲. در دنیا هیچ وقت کمبود افرادی که نور بزرگی دارند و راه را روشن می‌کنند، نخواهیم داشت.

۲۳. زمانی خواهد آمد که لشکر عظیمی از ارواح نور به دنیا می‌آیند تا دنیای دروغین را نابود کنند و جای آن را دنیای صلح و حقیقت بگذارند.

۲۴. این موجودات از شرارت بشر رنج خواهند برد، مانند پیامبران گذشته که از آزار و تمسخر در امان نبوده‌اند.
۲۵. آنان با محبت و عدالت پدر، غرور و تکبر کسانی را که فروتنی را با خودبینی و جلال دروغین عوض کرده‌اند، فرو خواهند شکست.

۲۶. این افراد نخستین کسانی خواهند بود که با خشم و ترس به فرستادگان من ایراد می‌گیرند، اما این مقاومت، شهادتی قوی بر راستی پیام آنان خواهد بود.
۲۷. برخی از این افراد در میان جوامع مذهبی بزرگ ظاهر می‌شوند و برای وحدت و هماهنگی معنوی همه مردم خواهند کوشید.
۲۸. عده‌ای از دانشمندان نیز برمی‌خیزند و با الهامات خود نشان می‌دهند که هدف نهایی علم، کمال معنوی انسان است، نه نابودی‌اش.
۲۹. پس در همه عرصه‌های زندگی، بندگان من با شریعت مرا در قلب خود حمل خواهند کرد و گفتار و کردارشان تأییدگر پیام‌های من خواهد بود.

««««دگرگونی انسان»»»»

۳۰. من پیام دنیایی نو و انسانیتی معنوی‌شده را می‌رسانم، اما در ابتدا بسیاری باور نخواهند کرد.
۳۱. نسلی پس از نسل دیگر می‌آید که غرور انسان‌ها باعث بلایایی همچون طوفان، بیماری و رنج خواهد شد و صدای فریاد آنان کیهان را خواهد لرزاند.
۳۲. اما پس از این‌ها، نسل‌هایی با بهره‌گیری از تجربه‌های گذشته، زندگی‌ای پر از خوداندیشی و معنویت آغاز خواهند کرد و بذر الهی در آنان جوانه می‌زند.
۳۳. در هر روح بذر الهی عشق نهفته است، چون روح از من است، و همان‌گونه که فرزندان صفات والدین را به ارث می‌برند، روح‌ها نیز عشق الهی را آشکار خواهند کرد.
۳۴. پس از سیل جدید، رنگین‌کمان نشانه صلح و پیمان معنوی نو بین بشریت و خدا خواهد بود.
۳۵. شما باید برای جنگی دشوار آماده شوید، چون باید با اژدهای شر که سلاح‌هایش حرص، نفرت، قدرت دنیوی، غرور، خودخواهی و دروغ است بجنگید.
۳۶. زمانی که این اژدهای هوس‌ها با نورانی‌ترین سلاح‌ها کشته شود، خواهی دید که چگونه از هم می‌پاشد.
جهانی نو برای بشریت پدیدار خواهد شد، جایی زیباتر که مردم با الهام از معنویت برای رفاه و پیشرفت خود تلاش خواهند کرد.

۳۷. دل‌ها پالایش و ذهن‌ها روشن خواهند شد و روح، وجود خود را با گواهی نیکی اعلام خواهد کرد. هر خوبی شکوفا می‌شود و هر نشاط، بذر کارهای انسانی خواهد بود.

۳۸. بشریت اکنون به عمق ناامیدی فرو رفته و وجدان هم در آن همراه است؛ اما صدایی نیرومند بزودی در جهان شنیده خواهد شد.

۳۹. این صدا بشریت را از غرور، مادی‌گرایی و گناه برمی‌خیزاند، او را در نهرهای اشک توبه می‌شوید و راه معنویت و تکامل را آغاز می‌کند.

۴۰. من در کنار همه فرزندانم خواهم ایستاد، زیرا من رستاخیزم؛ آن که مردگان را از قبرشان برمی‌خیزاند.

۴۱. بشریت زندگی‌ای برگرفته از اراده من و عشق آزاد خود خواهد داشت و شادی و آرامش حقیقی را خواهد شناخت.

۴۲. در این عصر سوم، تجدید و رستگاری بشر ممکن خواهد بود، زیرا این کار رستگاری، عملی الهی و معجزه‌آسا است.

۴۳. عشق من، مخفیانه در هر قلب نفوذ می‌کند، سنگ‌های سخت را به قلب‌های حساس بدل می‌سازد و انسان‌های مادی‌گرا و سنگدل را به موجودات معنوی، نیکوکار و صلح‌جو تبدیل می‌کند.

۴۴. من می‌دانم که انسان مدرن با وجود مادی‌گرایی و شور زندگی، برده جسد به نظر می‌رسد؛ اما وقتی لمس عشق من را در روحش حس کند، به سرعت به سوی من بازخواهد گشت تا بار خود را سبک کند و در مسیر پیروی از حقیقت گام بردارد.

۴۵. هوشیار باشید، بازگشت کسانی که مرا انکار کردند و گمراه شدند را خواهید دید.

۴۶. دانشمندانی که به دنبال نیروهای ویرانگر بودند، در پایان عمر به مسیر حقیقت بازمی‌گردند و برای بازسازی اخلاقی و مادی جهان تلاش می‌کنند.

۴۷. کسانی که با غرور خود را برتر می‌دیدند، به فروتنی بازمی‌گردند و حتی افرادی که جنگ‌ها را تحریک کردند، به گناهان خود اعتراف کرده و در پی صلح می‌شتابند.

۴۸. هنگامی که نور من به همه قلب‌ها نفوذ کند و رهبران و دست‌اندرکاران به وجدان الهی خود گوش دهند، می‌توان به یکدیگر اعتماد کرد و عدالت با عشق پیروز خواهد شد.

۴۹. انسانیت دوباره صدای خود را خواهد شنید، نه به سبب بازگشت قانون من، که همواره در روح بشر نوشته شده، بلکه به سبب بیداری درونی آن.

۵۰. این جهان مانند پسر گمشده تمثیل من است که پس از تجربه‌ها و گمگشتگی، پدر خود را با عشق خواهد یافت و به آغوش او بازمی‌گردد.

۵۱. هنوز زمان بازگشت کامل بشریت فرا نرسیده و بخشی از میراث مادی را هدر می‌دهد، تا زمانی که بی‌پناه و به جان آمده، به سوی پدر روی آورد.

۵۲. فرصت داده می‌شود تا کسانی که در پی مال و لذات دنیوی‌اند، با ناامیدی‌شان روبرو شوند و دریابند که این‌ها آرامش واقعی را نمی‌آورد.

۵۳. زمان خودآزمایی وجدان نزدیک است و همه انسان‌ها، عالمان، قدرت‌داران، ثروتمندان و قضات خواهند پرسید چه ثمر معنوی، اخلاقی یا مادی برای بشریت داشته‌اند.

۵۴. پس از این دوره، بسیاری به سوی من خواهند بازگشت و خواهند فهمید که رغم تمام احترام و موقعیت‌ها، خلأ روحانی را فقط زندگی معنوی پر می‌کند.

۵۵. از میان مردم امروز که فاقد معنویت و عشق‌اند، نسلی را خواهم آفرید که بارها در گفته‌هایم پیشگویی شده‌اند؛ اما ابتدا باید بر ملت‌هایی که امروز در دشمنی و جنگ‌اند، کار کنم.

۵۶. پس از اجرای داوری و ریشه‌کن شدن ناملایمات، بشریتی نو پدید خواهد آمد که خونشان دیگر حامل اختلاف و نفرت نخواهد بود، زیرا با درد و توبه پاک شده است.

۵۷. آنها را خواهم پذیرفت و به آنان خواهم گفت: «بخواهید و داده خواهد شد»، ولی این بار به آنها خواهم آموخت چگونه درخواست کنند.

««««تغییرات و تحولات در تمام جنبه های زندگی»»»»

۵۸. جهان مادی زمین در آستانه فروپاشی نیست، اما پایان دوران خطا، گناه و تاریکی با نور آموزه‌هایم رقم خواهد خورد و بر ویرانه‌ها جهانی نو برای پیشرفت و صلح ساخته می‌شود.

۵۹. تحول عظیمی در جامعه و ساختارهای زندگی انسان به زودی رخ خواهد داد و اصول و باورهای پیشین متزلزل خواهند شد.

۶۰. انسان‌ها و اقوام باید به ندای الهی گوش دهند و روح‌شان را از زنجیرهای مادی‌گرایی رها کنند تا فریاد آزادی معنوی سر دهند.

۶۱. روزی مردمی پیش خواهند آمد که حقیقتاً عاشق شریعت من هستند و شریعت معنوی را با جهان متحد می‌سازند.

۶۲. این پیروی، نه برای بردگی روح‌ها بلکه برای هدایت آنها به نور و آزادی حقیقی خواهد بود.
۶۳. آن هنگام است که اخلاق به خانواده‌ها بازمی‌گردد، مراکز واقعی یادگیری شکل می‌گیرد و معنویت در آداب و رسوم نفوذ می‌کند، وجدان صدای خود را می‌رساند و فرزندان من با الوهیت به تفاهمی روحانی می‌رسند که نژادها را در هم می‌آمیزد.

۶۴. برای از میان بردن اختلافات و جدال‌های عمیق بشری، که هنوز نتوانسته‌اند به عنوان یک خانواده واقعی به هم پیوند بخورند و به شکلی واحد مرا پرستش کنند، باید تکامل یابید.

۶۵. بابل باستان عامل تفرقه میان مردم و نژادها بود، اما استقرار معبد معنوی من در دل‌های بشریت شما را از آن زنجیرها رها می‌سازد و به سوی عشق واقعی به یکدیگر هدایت می‌کند.

۶۶. زمانی خواهد رسید که آرزوی انسانی برای تکامل روح به حدی روشن می‌شود که همه ابزارهای خود را برای تبدیل این جهان پر از اشک به جهانی هماهنگ و صلح‌آمیز به کار می‌گیرد و فداکاری خارق‌العاده‌ای برای جلوگیری از جنگ‌ها انجام می‌دهد.

۶۷. این مردم نوآور، این جهان را بازسازی خواهند کرد، رنج‌ها را از زندگی بر می‌دارند و آنچه نسلی از نابودی و کنترل کور انجام داده‌اند، با عشق می‌سازند.

۶۸. آنان پاسداران عبادتی حقیقی خواهند بود؛ عبادتی که عاری از تعصب و فرقه‌گرایی است و هماهنگی میان قوانین انسانی و معنوی را به بهترین شکل تحقق می‌بخشد.

۶۹. دوران آیین‌ها، محراب‌ها و ناقوس‌های کلیسا رو به پایان است؛ بت‌پرستی و تعصب مذهبی آخرین نشانه‌های بحران را نشان خواهند داد و زمان مبارزه و آشوب از پیش اعلام شده شروع می‌شود.

۷۰. پس از طوفان آرامش بازمی‌گردد؛ دیگر کاخ‌های سلطنتی و قدرت‌نمایی‌ها نیست، بلکه زمانی است برای فروتنی، برادری و معنویت؛ زمانی که برابری در موهبت‌های معنوی برای همه بشریت برقرار می‌شود.

۷۱. اکنون دروگری حضور دارد که باید درختان بی‌ثمر را قطع کند و در این نبرد بزرگ تنها عدالت و حقیقت غالب خواهند شد.

۷۲. بسیاری از کلیساها روزی ناپدید خواهند شد و برخی باقی می‌مانند. در این روند، حقیقت برای برخی درخشان خواهد بود و برای برخی دیگر فریب؛ اما عدالت همچنان تا غربال همه دانه‌ها با داس خود ادامه خواهد داد.

۷۳. این ادامه آموزه‌های من است، نه پایان زمان‌ها به معنایی که بشر آن را می‌فهمد. جهان بر مدار خود می‌چرخد، ارواح همچنان به زمین می‌آیند و انسان‌ها به زندگی ادامه خواهند داد، اما شیوه زندگی آنها تغییر خواهد کرد.

۷۴. تغییراتی که زندگی بشر را در بر می‌گیرد عظیم خواهد بود، به گونه‌ای که انگار جهانی فرومی‌پاشد و جهانی نو ظهور می‌کند.

۷۵. این همان راهی است که همه به آن می‌روند، زندگی‌ای سرشار از شادی و آرامش، نه سقوط به پرتگاه و مرگ.

۷۶. پیش از رسیدن به بیداری معنوی، تلخی‌های زیادی تجربه خواهید کرد؛ اما مرگ، جنگ، طاعون یا قحطی راه رشد معنوی بشریت را متوقف نخواهد کرد. من از مرگ قوی‌ترم و هر بار که لازم باشد، بازگرداننده شما به زندگی خواهم بود.

۷۷. هنوز اسرار و حکمت‌های بسیاری برای آشکار شدن دارم؛ کتاب حکمت الهی من پر از شگفتی‌های بیشتر است که در زمان مناسب بر شما روشن خواهد شد.

فصل۵۸-پاپشاهی صلح مسیح و تکمیل خلقت
««««قدرت غالب در پادشاهی صلح آمیز مسیح»»»»

۱. همانطور که پیش‌تر هشدار دادم درباره دوران رنج عظیم، به شما اطمینان می‌دهم که پس از پایان آشفتگی‌ها، هماهنگی و اتحاد در میان بشریت برقرار خواهد شد.
۲. متکبران و کسانی که از عشق و عدالت تهی‌اند، مدتی پس از مرگ عقب خواهند ماند تا زمین فرصت یابد که نیکی، صلح، عدالت، رشد معنوی و دانش سالم را تجربه کند و شکوفا سازد.
۳. در طول زندگی بشر، شر همواره خیر را سرکوب کرده است، اما من بار دیگر می‌گویم که شر پیروز نخواهد شد؛ بلکه قانون عشق و عدالت من بر بشریت حاکم خواهد بود.
۴. ارواحی که در آن روزها در میان انسان‌ها تجسم می‌یابند، چنان متعهد به نیکی خواهند بود که حتی قدرتمندترین کسانی که به شر متمایل‌اند، در برابر نور حقیقت آنها تسلیم خواهند شد؛ برخلاف امروز که شر قدرت خود را با تعداد زیاد فاسدان حفظ می‌کند.
۵. ای شاگردان، در آن زمان، اورشلیم جدید در دل انسان‌ها برپا خواهد شد. شما به درجات بالایی از معنویت خواهید رسید و من نه تنها ارواح رشد یافته را برای تجسم و رساندن پیام‌ها می‌فرستم، بلکه ارواحی که به فضیلت نیاز دارند نیز به شما می‌آیند تا در کنار شما پاک شوند.
۶. در آن زمان، برخلاف امروز که ارواح پاک به سوی شما آمده و شما آنها را آلوده می‌کنید، من ارواح پاک را به سوی شما می‌فرستم تا شما نیز به سوی من بازگردید.

««««انسان جدید»»»»

۷. تمامی پیشگویی‌ها به حقیقت می‌پیوندند و بشریت شاهد ظهور مردمی فروتن، مادیاً فقیر اما روحاً قوی، وفادار به شریعت من و مهربان خواهد بود. پناهگاه آنها درونی و نامرئی است، نوری خاموش‌نشدنی راه آنها را روشن می‌کند. سفر زندگی‌شان دشوار است، اما هرگز ضعیف نمی‌شوند و با قدرت رسولی، از پلیدی‌ها به سوی قانون و فضیلت گام برمی‌دارند. روح من در همه جا حضور خواهد داشت، دیده خواهد شد، شنیده خواهد شد و درک خواهد شد.

۸. مردمی که روزی دست و پا چلفتی و نادان شمرده می‌شدند، ناگهان روشن‌بین شده و به پیامبران من تبدیل می‌گردند. از زبانشان سخنانی جاری خواهد شد که همچون آب زلال بر دل‌های پژمرده جاری می‌شود.

۹. پیامبران این آب حیات را از چشمه حکمت و حقیقت که من هستم خواهند نوشید و در آن مردم سلامتی، پاکی و حیات ابدی خواهند یافت.

۱۰. پادشاهی من برای فرزندانی است که از روی عشق به خدا و همنوعان صلیب خود را بر دوش می‌کشند. این پادشاهی مکان خاصی ندارد و می‌تواند در این جهان و یا در هر مکان معنوی برقرار باشد، زیرا شامل صلح، نور، فیض، قدرت و هماهنگی است که حتی در این زندگی محدود نیز می‌توانید آن را تجربه کنید. کمال معنوی فراتر از دنیای مادی است.

۱۱. به شما می‌گویم که اگر امروز مردم بیشتر در جسم خود غرق‌اند، فردا بیش‌تر به روحیانیت متوجه خواهند شد.

۱۲. مردم تلاش کرده‌اند روح‌شان را صرفاً مادی کنند، اما مادیت کامل هرگز به آن دست نخواهند یافت، زیرا روح مانند الماس است که حتی در خاک هم ذات خودش را حفظ می‌کند.

۱۳. مردم دل، انرژی و استعدادشان را برای خدمت به آرمان الهی می‌گذارند بدون این که از وظایف دنیایی خود غافل شوند؛ آنها به لذت‌های سالمی که به جسم و روحشان شفا می‌دهد روی می‌آورند و از آلودگی دوری می‌جویند. در آن دوره فساد و بی‌شرمی از زمین رخت برمی‌بندد و روح بر بدن غالب می‌شود و زندگی معنوی سرشار از عشق، برادری و صلح تجربه خواهد کرد.

۱۴. آن زمان جنگ‌ها پایان می‌یابد و احترام متقابل، کمک‌رسانی و درک درست زندگی همسایه و خود فراگیر خواهد شد. خواهید فهمید که صاحب حقیقی زندگی خود، فرزندانتان، همسایگان و زمین من هستم. اما چون شما فرزندان من هستید، مالک تمام آن چیزی هستید که به من تعلق دارد.

۱۵. اگرچه من پروردگار و مالک تمام آفرینشم، قادر نیستم مخلوقاتم را بکشم یا به آنها آسیب برسانم؛ پس چرا کسانی که زندگی را در اختیار ندارند، آنچه متعلق به خود نیست را تصاحب کرده و ویران می‌کنند؟
۱۶. وقتی مردم این حقیقت را درک کنند، در مسیر رشد معنوی‌شان گامی بزرگ برداشته‌اند و این جهان به خانه‌ای برای ارواح پیشرفته تبدیل خواهد شد.
۱۷. شما نمی‌دانید که آیا پس از این دوران دوباره در این سیاره ساکن خواهید شد یا خیر؛ من آنانی را که این دوره فیض را تجربه خواهند کرد، تعیین خواهم کرد؛ کسانی که این زمین را که زمانی دره‌ای از اشک و مرگ بود، شاهد خواهند بود.
۱۸. دریاها، کوه‌ها و مزارعی که شاهد دردهای بزرگ بوده‌اند، روزی به مکانی آرام و بازتاب زندگی پس از مرگ تبدیل خواهند شد.
۱۹. اعلام کرده‌ام که وقتی نبردها پایان یابد، پادشاهی من نزدیک خواهد بود و روح‌ها در آن زمان به فضائل شکوفا می‌شوند. آموزه‌هایم در همه روح‌ها حضور خواهد داشت و خود را از طریق مردمان آشکار خواهم کرد.
۲۰. عصری را آماده کرده‌ام که در آن بشریت تسلیم اراده و اطاعت خواهد شد.
۲۱. نوه‌های شما شکوهی را خواهند دید که من بر زمین خواهم ریخت؛ زمانی فرا می‌رسد که ارواحی که به مراحل بالای رشد رسیده‌اند، به این سیاره بازمی‌گردند و نور الهی‌ام زمین را روشن می‌کند و قانون من بر آن حکمفرما خواهد شد.

«زمین به عنوان سرزمین موعود و بازتاب پادشاهی آسمان»

۲۲. این زمین که لکه‌دار و آلوده به گناه، جرم، طمع و نفرت است، باید پاکی خود را بازیابد. زندگی بشر که مبارزه‌ای میان خیر و شر بوده، به خانه فرزندان خدا، خانه صلح و برادری تبدیل خواهد شد. اما برای رسیدن به این آرمان، مردم باید از آزمایش‌هایی عبور کنند که آنان را از رخوت معنوی بیدار کند.
۲۳. جهان جدیدی را بر اساس گناه و رذیلت نخواهم ساخت؛ بلکه بر پایه تجدید، تجربه و توبه بنا خواهم کرد. همه چیز در درون شما متحول خواهد شد و حتی از تاریکی نور و از مرگ، زندگی آفریده خواهد شد.

۲۴. حتی اگر انسان‌ها زمین را فتح کنند و آن را آلوده و بی‌حرمت سازند، فردا با اعمال نیک خود آن را شایسته خواهند کرد و این خانه به سرزمین موعود تبدیل خواهد شد، جایی که برای انجام وظایف شریف به آن خواهند آمد. بنابراین شک در دگرگونی جهان بی‌معناست.
۲۵. اکنون من در حال ساخت معبد روح القدس هستم؛ اما زمانی که ساخته شود، دیگر نیازی به خانه‌های اجتماعات، کلیساها یا مکان‌های زیارتی وجود نخواهد داشت، یا این اماکن دلیل وجودی خود را با نمادها، آیین‌ها و سنت‌های مذهبی از دست خواهند داد. آن زمان عظمت و حضور مرا حس خواهید کرد و جهان را به عنوان کلیسا و عشق به همسایگان را به عنوان پرستش خواهید شناخت.
۲۶. از رحم مادر طبیعت بینش‌های نوینی زاده می‌شود که علم شما را به مسیر رفاه و حقیقت می‌برد، چرا که وجدان، صدای خدا، آن را به راه درست هدایت خواهد کرد.
۲۷. مغز دیگر ارباب جهان نخواهد بود؛ بلکه همکار روح خواهد بود که آن را روشن و هدایت می‌کند.
۲۸. وقتی جهان به رهایی تازه خود برسد و با هدایت نور الیاس به زندگی عادلانه و نیکی وارد شود، روی زمین بازتابی از زندگی معنوی خواهید داشت که فراتر از این زندگی است؛ تا ابد در آرامش و نور پدرتان بهره‌مند شوید. همه ملت‌ها در یک ملت واحد متحد خواهند شد؛ همان گونه که قبایل اسرائیل، به بیابان برده می‌شوند و با آزمایش‌ها به هم پیوند می‌خورند، منّ جدیدی از آسمان بر قلب‌های نیازمندان فرو خواهد ریخت.
۲۹. اگر از خود بپرسید چگونه این اتفاق خواهد افتاد...
۳۰. همانطور که سرزمین موعود به قوم اسرائیل تقسیم شد، تمام زمین به بشریت تقسیم خواهد شد؛ این زمانی است که دوره پس از تطهیر فرا رسد. در این تقسیم، عدالت و برابری حکمفرما خواهد بود تا همه بتوانند در یک کار واحد به همکاری بپردازند.
۳۱. تصور کنید بشریتی که اخلاقش از معنویت سرچشمه می‌گیرد؛ بشریتی بدون مرزهای ملی و محدودیت‌ها، که منابع و وسایل زندگی را برادرانه به اشتراک می‌گذارد.
۳۲. تصور کنید اگر آرمان علم انسانی عشق بود و بشریت می‌توانست دانشی را که می‌طلبد از طریق عشق به دست آورد، علم چگونه شکوفا می‌شد.

۳۳. در نظر بگیرید که چقدر برایتان خوشایند است که هدف من دریافت پرستش عشق، ایمان، اطاعت و فروتنی از شما در طول زندگی باشد، بدون اینکه مجبور باشید به آیین‌ها یا اشکال ظاهری پرستش متوسل شوید.
۳۴. تنها این زندگی برای بشریت خواهد بود، جایی که در آن آرامش خواهند دمید، از آزادی لذت خواهند برد و فقط با حقیقت خود را تغذیه خواهند کرد.
۳۵. گناهان بشر پاک خواهد شد و جهان گویی نو می‌شود؛ نور پاکی و تازگی جهان را روشن خواهد کرد و هماهنگی جدیدی به بشریت خوش‌آمد می‌گوید. آنگاه سرود عشق به پروردگارشان از دل انسان‌ها برخواهد خاست.
۳۶. مادر زمین، که سال‌ها آلوده شده بود، بار دیگر خود را با زیباترین جامه‌های جشن می‌آراید و مردم دیگر او را «دره اشک‌ها» نخواهند نامید و او به مزرعه اشک و خون بدل نخواهد شد.
۳۷. این جهان چون پناهگاهی کوچک در دل کیهان خواهد بود، جایی که مردم با فروتنی و عشق به خدا، روح خود را به سوی بی‌نهایت بالا خواهند برد.
۳۸. شریعت من در روح فرزندانم جای خواهد گرفت و کلامم در قلب‌هایشان نقش خواهد بست. اگر در گذشته بشر از شر لذت می‌برد، اکنون دیگر آرمانی جز نیکی نخواهد داشت و هیچ لذتی بزرگ‌تر از قدم گذاشتن در راه من نخواهد شناخت.
۳۹. نپندارید که انسان علم و تمدن خود را رها خواهد کرد و به زندگی طبیعی پناه خواهد برد؛ نه، او همچنان از میوه‌های درخت علم بهره خواهد برد و با رشد معنوی‌اش، علمش نیز بیشتر خواهد شد.
۴۰. اما در آخرالزمان، هنگامی که انسان همه مسیر را طی کرده و میوه‌های نهایی علم را چیده باشد، به فراست اعمالش که زمانی عظیم به نظر می‌رسیدند پی خواهد برد. آن‌گاه زندگی معنوی را درک و تجربه خواهد کرد و کار خالق را بیش از پیش تحسین خواهد نمود. زندگی او به سادگی، طبیعت و معنویت بازخواهد گشت. ممکن است مدتی طول بکشد تا این روز بیاید، اما همه فرزندانم آن را خواهند دید.

««««اتمام خلقت»»»»

۴۱. من در حال آماده‌سازی دره‌ای هستم که در آن همه فرزندانم برای داوری بزرگ جهانی گرد هم خواهند آمد؛ من با عدالت کامل قضاوت خواهم کرد؛ عشق و رحمت من بشریت را دربر خواهد گرفت. در آن روز از تمام بدی‌ها رهایی و شفا خواهید یافت.

۴۲. هنگامی که امروز کفاره گناهان خود را می‌دهید، بگذارید روحتان پاک شود؛ این گونه آماده خواهید شد تا میراثی را که برای هر کدام از شما فراهم کرده‌ام، دریافت کنید.
۴۳. عشق من همه مردم و جهان‌ها را در وحدتی واحد گرد خواهد آورد؛ در حضور من اختلافات نژادی، زبانی، قبیله‌ای و حتی تفاوت‌های موجود در رشد معنوی زدوده خواهد شد.
۴۴. روح من بر هر روحی نازل شده و فرشتگان من در سراسر جهان هستی حضور دارند و دستورات مرا اجرا می‌کنند تا همه چیز را در مسیر درست قرار دهند. وقتی همه ماموریت‌ها انجام شود، جهل ناپدید خواهد شد، شر کنار خواهد رفت و تنها خوبی بر زمین حکم‌فرما خواهد شد.
۴۵. تمام جهان‌هایی که فرزندانم در آن خود را به کمال می‌رسانند، مانند باغی بی‌پایان هستند. شما امروز جوانه‌های کوچکی هستید، اما از آب زلال آموزه‌هایم بهره‌مند خواهید شد و در خرد و عشق رشد خواهید کرد؛ تا روزی در ابدیت، هنگامی که درختان میوه‌های رسیده و فراوان می‌دهند، باغبان الهی زحمت خود را تازه کند و از آن میوه‌ها استفاده نماید.
۴۶. می‌خواهم در پایان این مبارزه، وقتی همه فرزندانم در خانه معنوی برای ابد متحد شده‌اند، در شادی بی‌پایان من به عنوان خالق شریک باشند؛ یعنی هر یک از شما به شکلی سازنده یا ترمیم‌کننده در کار الهی حضور داشته باشید.
۴۷. به عنوان موجودات معنوی، خواهید فهمید که هیچ چیزی از آنچه من آفریده‌ام نابود نشده است؛ همه چیز در من رستاخیز یافته، زندگی تازه یافته و تجدید می‌شود.
۴۸. اگرچه بسیاری برای زمانی طولانی گمراه بوده‌اند و به جای زندگی‌بخشی، کارهای مخرب انجام داده‌اند، در نهایت متوجه خواهند شد که خطاهایشان موقتی بوده و اعمالشان، هرچند نادرست، در زندگی ابدی رستگاری خواهند یافت و به همکاران در کار خلاق بی‌پایان من بدل خواهند شد.
۴۹. چندین قرن گناه و تاریکی، همچون آنچه بشریت در زمین تجربه کرده، در برابر ابدیت، زمان رشد و صلح بی‌پایان چه معنایی دارد؟ شما به خاطر اراده آزاد خود از من فاصله گرفته‌اید، اما به واسطه وجدان دوباره به سوی من باز خواهید گشت.
۵۰. من احترام تمام آفرینش را دریافت کرده‌ام؛ از بزرگ‌ترین ستاره‌ها گرفته تا کوچک‌ترین موجوداتی که با چشم دیده نمی‌شوند.

۵۱. همه چیز در حال توسعه است؛ همه چیز مسیر خود را می‌پیماید، رشد می‌کند، تغییر می‌کند و به تکامل و کمال می‌رسد.
۵۲. هنگامی که به اوج کمال برسد، لبخند معنوی من مانند سپیده‌دمی بی‌پایان در سراسر کیهان خواهد تابید، و از آن همه نقایص، رنج‌ها و بدبختی‌ها ناپدید خواهند شد.
«««سرود ستایش برای هماهنگی آفرینش»»»
۵۳. در ذهن من سرود ستایشی وجود دارد که هنوز هیچ‌کس صدایش را نشنیده، نه در آسمان و نه در زمین.
۵۴. این آهنگ در سراسر کیهان شنیده خواهد شد، وقتی درد، رنج، تاریکی و گناه ریشه‌کن شده باشند.
۵۵. نغمه‌های الهی در همه روح‌ها طنین‌انداز خواهد شد و پدر و فرزندان در هماهنگی و سعادت همخوان خواهند شد.
۵۶. می‌خواهم شما را چون پیروزی شکوه‌مند ببینم، تا پدرتان را به عنوان پادشاه لشکرها بشناسید که بر شرارت درونتان پیروز می‌شود، و خود را سربازانی سرشار از افتخار معنوی، رضایت و آرامش بدانید.
۵۷. آنگاه سرود هماهنگی جهانی با شکوه و کیفیتی بی‌نظیر خوانده خواهد شد.
۵۸. ما هرگز مغلوب نخواهیم شد؛ بلکه این شر، تاریکی‌ها، گناهان و نقایص هستند که مغلوب خواهند شد.
۵۹. پیروزی پدر در نجات همه ارواحی است که همچنان در تاریکی و شر غوطه‌ورند.
۶۰. اگر باور دارید که کسی گمراه خواهد ماند، در اشتباهید؛ اگر حتی یک روح نتواند رستگاری یابد، من دیگر خدا نخواهم بود.
۶۱. کسانی که شما آنها را شیاطین می‌نامید، نیز ارواحی از جانب خدا هستند؛ اگرچه امروز گمراه‌اند، اما آنها نیز رستگاری خواهند یافت.
۶۲. نور حقیقی زمانی در آنها خواهد درخشید که شما همراه لشکریان معنوی نور، با دعا و محبت به مبارزه جهل و گناه آنها بپردازید.
۶۳. شادی کامل شما و پدرتان روز بزرگ خداوند خواهد بود؛ ضیافت جهانی زمانی برپا می‌شود که همه شما از نان حیات جاودان بر سفره او تناول کنید.
۶۴. آیا نگفتم شما وارثان جلال من هستید؟ تنها چیزی که کم است، شایستگی کسب آن و لذت بردن از آن است.

۶۵. هر آنچه آفریده‌ام برای خودم نبوده، بلکه برای فرزندانم بوده است؛ من تنها شادی و سعادت ابدی شما را می‌خواهم.

۶۶. تمام قدرتی که به موجودات حیات بخشیده است، به من بازخواهد گشت؛ تمام نوری که جهان‌ها را روشن کرده، دوباره در من جمع خواهد شد؛ و همه زیبایی‌ای که در قلمروهای آفرینش پراکنده شده، بار دیگر در روح پدر تجمیع خواهد شد. به محض بازگشت به درون، این زندگی به جوهره‌ای روحانی بدل خواهد گشت که بر همه موجودات معنوی و فرزندان خدا سرازیر خواهد شد، زیرا من هرگز شما را از مواهبی که عطا کرده‌ام محروم نمی‌کنم.

۶۷. خرد، حیات جاودان، هماهنگی، زیبایی بی‌نهایت و نیکی — همه این‌ها و بیش از آن در فرزندان خداوند خواهد بود، زمانی که آنان در مکان کمال با او ساکن شوند.

فصل ۵۹ – مأموریت انتشار کلام جدید خدا
«««دستورالعمل‌های تولید جلدهای کتاب، نسخه‌های خلاصه‌شده و ترجمه‌ها»»

۱. این زمان اعلام شده است که من باید با بشریت سخن بگویم، و تمایل دارم که شما کتاب‌هایی را از این کلامی که به شما داده‌ام گردآوری کنید، آن‌ها را تحلیل کرده و به همنوعان خود اطلاع دهید تا پیشگویی‌های من تحقق یابد.
۲. از سخنان من کتابی بسازید، معنای آن‌ها را استخراج کنید و به درک صحیحی از خلوص آموزه‌هایم برسید. ممکن است خطاهایی در متن‌های پیامبر یافت شود، اما در معنای حقیقی آن‌ها خطایی نیست.
۳. فرستادگان من همیشه آماده نبوده‌اند، پس به شما گفته‌ام که نه تنها ظاهری بخوانید، بلکه به عمق معنای آن‌ها بروید و با دعا و تفکر به درک کمال آن دست یابید.
۴. این کلام را برای شما آوردم تا به زبان خودتان بشنوید، اما از شما می‌خواهم که آن را به زبان‌های دیگر نیز ترجمه کنید تا برای همه شناخته شود.
۵. به این ترتیب، شما ساختن «برج اسرائیل» واقعی را آغاز خواهید کرد، جایی که معنوی همه مردم را در یک واحد متحد می‌کند، قانونی ابدی و تغییرناپذیر که در جهان از زبان عیسی آموختید: «یکدیگر را دوست داشته باشید!»
۶. می‌خواهم کلام من وقتی به کتاب تبدیل می‌شود، بدون هیچ خطایی چاپ شود، به همان پاکی‌ای که از من آمده است.
۷. اگر اجازه دهید که این کلام وارد کتاب‌هایتان شود، نوری از آن خواهد تابید که بشریت را روشن می‌کند و معنای معنوی آن توسط همه مردم درک خواهد شد.
۸. به تو فرمان می‌دهم که آموزه‌های مرا همانگونه که دریافت می‌کنی، به همنوعانت منتقل کنی، ولی هرگز با شدت بحث نکن. از قضاوت درباره چیزی که نمی‌دانی بپرهیز، اما بدان که یک نمونه ناب برای هدایت مردم به سوی معنویت کافی است.
۹. خود را آماده کن تا مژده را پخش کنی، مژده‌ای که بسیاری آن را با شادی می‌پذیرند.

۱۰. به شما می‌گویم «از بسیاری» نه «از همه»، زیرا برخی ممکن است بگویند آنچه خدا در «زمان‌های اولیه» آشکار کرد و آنچه مسیح برای بشر آورد، برایشان کافی است.
۱۱. درست در آن زمان است که لب‌های شما، که به وسیله من برانگیخته و الهام گرفته شده‌اند، باید به کافران بگویند که برای شناخت حقیقت کامل که خداوند در گذشته به بشریت داده است، باید درباره وحی جدید بیاموزند.
«««حق یادگیری کلام جدید خدا»»»
۱۲. ای مردم عزیز، لازم است که شما به سرزمین‌های مختلف جهان سفر کنید، زیرا حتی در کشوری مثل مکزیک نیز بسیاری هنوز کار مرا نشناخته‌اند.
۱۳. ببینید چگونه افرادی که ادعا می‌کنند به نام من عمل می‌کنند، اگرچه خود نیازمند روحانی هستند، امروز در جهان ظاهر شده‌اند.
۱۴. اما شما که از الوهیت من بسیار متبرک شده‌اید، وظیفه شما شناخت آموزه‌های من و رساندن آن به دیگران است. نباید خود را از جهان پنهان کنید و از کمک به آن دست بکشید.
۱۵. من شما را در سکوت آماده می‌کنم؛ روزی فرا خواهد رسید که باید راه را برای شنیدن کلام من برای همه آماده کنید.
۱۶. در آن زمان، کلام من که با رنج پاک شده است، دیگر برای کسی زبان بیگانه نخواهد بود، بلکه به راحتی توسط قلب و روح فهمیده و احساس خواهد شد.
۱۷. من کتابی از حقیقت و عشق به تو می‌دهم تا آن را به کل بشریت برسانی.
۱۸. هیچ قومی روی زمین نیست که نیازی به دریافت این وحی نداشته باشد. چه کسانی می‌توانند ادعا کنند که نه فقط به اسم، بلکه به خاطر عشق، رحمت و بخشش واقعاً مسیحی هستند؟ کدام ملت معنویت خود را نشان داده و یکدیگر را دوست دارند؟ کدام مردم واقعاً از آموزه‌های مسیح پیروی می‌کنند؟
۱۹. وقتی این پیام کامل شود، دیگر از طریق پیام‌آوران نخواهم گفت، بلکه خودم را به گونه‌ای ظریف در روح‌ها آشکار خواهم کرد.
۲۰. کلام من، که در قلب شنوندگان جای گرفته و در کتابی جدید نوشته شده است، همچون بذر صلح، نوری از دانش حقیقی و درمانی برای دردهای جسم و روح، به مردم جهان خواهد رسید.
۲۱. کلام من نه هر زمان که فرستادگان بخواهند، بلکه وقتی اراده من باشد، به دل‌ها خواهد رسید. من خاک را آماده کرده و راه را هموار می‌سازم؛ خردمندانه و در زمان مناسب این پیام را به قوم‌ها و ملت‌ها خواهم رساند.

۲۲. این اتفاق زمانی خواهد افتاد که انتظارش می‌رود، زمانی که دل‌ها در انتظارند و وعده‌های مرا به یاد می‌آورند، زمانی که از خواب بلند خودبزرگ‌بینی، غرور، مادی‌گرایی و خودپسندی بیدار شده‌اند.
۲۳. من وسیله‌ای به قوم خود خواهم داد تا پیامم را به همه ملل برساند. مطمئن خواهم شد که در مسیر خود افراد خیرخواه و همراهی خواهند یافت که به آنها در رساندن پیامم به دورترین نقاط جهان کمک کنند.
۲۴. شریعت از طریق شما برای نسل‌های جدید دوباره آشکار خواهد شد. باید آماده باشید زیرا مأموریت شما آماده کردن راه برای آینده است، تا نسل‌های پسین دیگر به بت‌پرستی نپردازند و پیامبران دروغین اجازه فریب بشریت را نیابند.
۲۵. ای اسرائیل، تو باید این‌ها را برای جهانیان آشکار کنی. در این زمان که جهان‌بینی‌های متعدد پدید آمده، فرقه‌ها به جنگ با یکدیگر خواهند پرداخت و حتی تو را طرد خواهند کرد.
۲۶. اما چون شما فرزندان نور و صلح هستید، باید به آن‌ها بگویید: «حقیقت در معنای ... است.» (متن اصلی ناقص است در این قسمت)
۲۷. در عهد سوم، شهادت حضور و آمدن خداوند به این زمان آمده است. شما باید بشریت را به این کتاب هدایت و با عمل به شریعت من، به آن شهادت دهید.
«««دستورالعمل هایی برای گسترش آموزه های معنوی»»»
۲۸. ای مردم، بدانید که در این عصر سوم شما که شاهد تجلی الهی هستید، وظیفه دارید این پیام را با ایمان و صداقت منتشر کنید. شما برگزیده شده‌اید تا مژده را به بشریت برسانید و راه معنوی را به همنوعانتان بیاموزید؛ تنها راهی که شما را به صلح، نور حقیقی و برادری جهانی هدایت می‌کند.
۲۹. صبر و درک داشته باشید، زیرا این شما نیستید که باید بشریت را متقاعد کنید، بلکه این کار من و آموزه‌هایم است که ابدی است. وظیفه شما انتقال پیامی است از طریق گفتار و کردار که نشان می‌دهد چگونه به کمال نزدیک شوند.
۳۰. بر زمین محکم بایستید تا کافران نتوانند آنچه از نظر معنویت و نوزایی در شما بنا کرده‌ام را ویران کنند.
۳۱. اما این حقیقت را از ترس دنیا پنهان نکنید؛ باید آن را به روشنی و در روز روشن به جهانیان بگویید.

۳۱. اما این حقیقت را از ترس دنیا پنهان نکنید؛ باید آن را در روز روشن به جهانیان بگویید.من دائماً به شما می‌گویم که از این بذر محافظت کنید تا شما و فرزندانتان بتوانید این نور را به مردم زمین برسانید.
به شما اجازه می‌دهم از هر وسیله‌ای که مناسب می‌دانید برای رساندن پیام من به نقاط مختلف زمین استفاده کنید، هر زمان که وجدانتان به شما بگوید در مسیر درست هستید. در این مدت نباید برای دعا و عشق ورزیدن به من به دنبال دخمه‌ها باشید.
۳۲. وقتی از من صحبت می‌کنید یا شهادت می‌دهید، خجالت نکشید، زیرا مردم در غیر این صورت تصدیق نخواهند کرد که من خود را به شما آشکار کرده‌ام؛ ممکن است شک کنند که بسیاری از بیماران و نیازمندان شفا یافته‌اند و از رنج خود رهایی یافته‌اند؛ یا معجزاتی که برای تقویت ایمان شما انجام داده‌ام را انکار کنند.
۳۳. کتاب تعالیم خود را به شما می‌سپارم تا به جهانیان بگویید: «این میراث است که استاد به جای گذاشت.» کسانی که این کلام را بخوانند، ایمان خواهند آورد و گناهکاران تجدید حیات خواهند یافت.
۳۴. به همه این دستورالعمل‌ها توجه کنید تا در زندگی، آزمایش‌ها شما را غافلگیر نکنند.
۳۵. شما درباره چند آموزه، چند شکل پرستش خدا، و چند ایده جدید درباره امور معنوی خواهید آموخت. اگر بدانید چگونه آنها را تحلیل و قضاوت کنید، خواهید دانست کدام بخش درست و کدام بخش نادرست است و کدام‌ها از حقیقت، عدالت، عشق و کمال دورند.
۳۶. هر جا خطا، جهل یا شر یافتید، بدانید که جوهره آموزه‌های من، که از آن من است، هیچ‌گاه آلوده به خطا نیست.
۳۷. دستورالعمل من مطلق، جامع و کامل است.
۳۸. کسانی که این بذر را با فداکاری خالصانه می‌کارند، در آرامش راه خود را طی خواهند کرد. درهایی که به رویشان بسته بود، برایشان باز خواهد شد؛ با وجود مخالفت‌ها هیچگاه شکست نخواهند خورد، چرا که فضیلت‌شان به آنها قدرت تحمل همه آزمایش‌ها را می‌دهد.
۳۹. اما کسانی که ندای وجدان خود را نادیده گرفته، به کلام من اطاعت نکرده و به من خیانت کنند، همواره در معرض تهدید دشمنان خواهند بود، بی‌قرار زندگی می‌کنند و از مرگ ترس دارند.

۴۰. ای مردم، پیش از آنکه جنگ‌های جهان به پایان برسند، قانون عشق من همه‌ی روح‌ها را لمس خواهد کرد، هرچند شما هنوز نمی‌دانید چگونه.

۴۱. این پیام نور معنوی به مردم نیز خواهد رسید؛ اما این تنها زمانی اتفاق خواهد افتاد که شما قوی و استوار باشید.

۴۲. هیچ‌کس جرأت نمی‌کند بگوید که این اثر حقیقت دارد، اگر از آن خبر داشته باشد.

فصل۶۰-کار کردن در روح مسیح

«««ویژگی‌ها، فضایل و توانایی‌های لازم برای شاگردان جدید»»»

۱. در این زمانه، شاید انجام وظیفه دشوار به نظر برسد، اما من به شما اطمینان می‌دهم که دشوار نیست، زیرا بشریت آماده دریافت پیام من است.

۲. همیشه ضعیفان در مواجهه با سختی‌ها ناامید شده‌اند، اما قوی‌ها نشان داده‌اند که ایمان به قانون من بر همه موانع پیروز می‌شود. سرنوشت تو، ای اسرائیل، این بوده که پیام‌ها و وحی‌های جدید را به جهان برسانی، شاید گاهی در شک باشی که آیا ایمان خواهی یافت یا نه.

۳. نترس و بذری را که به تو سپرده‌ام بردار و بکار. خواهی دید که مزارعی که بی‌ثمر می‌پنداشتی به بار خواهند نشست، وقتی با حقیقت کلام من رشد کنند.

۴. به دلیل احساس بی‌ارزشی، از انجام وظیفه خود غافل مشو. به راستی می‌گویم، هر کسی مأموریتی دارد و از آن کوتاهی کند، به اندازه کسی که آگاهانه قانون را نقض می‌کند شرور است.

۵. فراموش نکن که در نهایت پدر از تو حساب خواهد کشید؛ هم برای کارهای بدی که کردی و هم برای کارهایی که در انجام‌شان کوتاهی کردی. هر دو گناه باعث رنج روح تو خواهد شد.

۶. تعالیم مرا منتشر کن، کلام مرا با مردم در میان بگذار، با محبت خود آنها را متقاعد کن، به آنها دعوت بده تا به من گوش دهند. هنگامی که جمعیت به ایمان بیایند و نور آن در قلب‌هایشان شعله‌ور شود، من آنها را فرزندان قوم جدید اسرائیل خواهم نامید.

۷. کسانی که از منجلاب پلیدی و خودخواهی برمی‌خیزند و به خدمت و نیکوکاری برای همنوع خویش می‌پردازند، نمونه‌ای خواهند بود که نشان می‌دهد آموزه‌های من نور و فیض تجدید حیات گناهکاران است. این نمونه به همه قلب‌ها خواهد رسید.

۸. کیست که دوست ندارد در میان شهود من باشد؟ اما اگر اعمال تو از دل برنخیزند، در میان مردم ثمری نخواهند داشت و بسیاری تو را ریاکار و واعظ دروغین خواهند خواند؛ و من نمی‌خواهم این اتفاق برای تو بیفتد.

۹. باید بدانی که امروز فریب دادن مردم بسیار دشوار است. ذهن‌ها بیدارند و هرچند ممکن است در مادی‌گرایی گم شده باشند، به تجلی معنوی حساس هستند. اما اگر نمی‌توانی همنوعانت را فریب دهی...

۱۰. بگذار عشق استاد در درونت جاری شود و وجودت را در پناه خود قرار دهد تا بتوانی دشمنانت را ببخشی، همانطور که او تو را میبخشد.
۱۱. از مردم نترسید؛ زیرا به راستی به شما می‌گویم، من از طریق دهان شما سخن خواهم گفت و به وسیله شما به کلام خود شهادت خواهم داد، و پژواک آن تا اقصی نقاط زمین، به کوچک و بزرگ، حاکمان، دانشمندان و متکلمان خواهد رسید.
۱۲. دوباره به شما می‌گویم که نباید از روبرو شدن بترسید یا طفره بروید. با نهایت سادگی و صداقت به همنوعان خود بگویید که خداوند به سوی شما آمده است.
۱۳. به آنها بگویید که کسی که بر روی صلیب مرد، یعنی عیسی، تنها بدنی بود که مسیح در آن پنهان بود؛ معبد زنده‌ای بود که کلام خدا در آن ساکن بود؛ اما مسیح، عشق الهی، همچنان زنده است و با روح به سوی فرزندانش می‌آید تا راهی را که به پادشاهی معنوی او هدایت می‌کند به آنها بیاموزد.
۱۴. از قضاوت‌ها و تمسخر فرقه‌ها و مذاهب نترسید. آنها کسانی هستند که اگرچه کتاب‌های نبوت را در دست دارند، اما به درستی تفسیر نکرده‌اند و نفهمیده‌اند چگونه منتظر من باشند. شما که از پیشگویی‌هایی که درباره بازگشت من به عنوان روح القدس بود آگاه نبودید، منتظر من بودید. اکنون عصر سوم آمده است.
بله، بشریت نفهمیده چگونه انجیل را به درستی تفسیر کند.
۱۵. چگونه می‌توانید بشریت را در عصری مملو از مادی‌گرایی و آشفتگی ذهنی عظیم، به سوی معنویت هدایت کنید؟
۱۶. آگاه باشید که این کار دشوار است و برای انجام آن باید قوی و صبور در مبارزه باشید.
۱۷. باید تلاش کنید تا تفسیرهای نادرست از شریعت من و همچنین شیوه ناقص عبادت به من را اصلاح کنید.
۱۸. اما باید بدانید که نمی‌توانید مفاهیم و اشکال عبادت را در یک لحظه تغییر دهید. برای رسیدن به این هدف باید با صبر و حسن نیت خود را مسلح کنید و از طریق اعمال خود نمونه‌ای از عشق را نشان دهید.
۱۹. تنها کسانی که قلب پاک دارند می‌توانند برای انتشار پیام من به کشورها و ملت‌ها سفر کنند، زیرا تنها آنها شایسته شهادت به حقیقت این کار هستند.
۲۰. وقتی این فرستادگان به سوی کشورهایی که در انتظارشان هستند می‌روند، باید تمام تعصبات مذهبی را از دل‌های خود ریشه‌کن کنند، کوچکترین تمایلی به چاپلوسی یا تحسین در آنها نباشد، و دست‌هایشان نیز نباید جرأت کنند که عشقی را که ابراز می‌کنند به پول یا دنیا آلوده سازند.

۲۱. معجزه نمی‌باید فروخته شود و برای عشق میان خود قیمتی تعیین نکنید. شما باید بنده باشید، نه ارباب.
۲۲. زمانی خواهد رسید که عظمت فروتنی حقیقی را درک خواهید کرد، و آنگاه خواهید فهمید که هر که بداند چگونه بنده باشد، در واقع در انجام کار نیک و گسترش رحمت آزاد و رها بوده است، و ایمان، اطمینان و آرامش در زندگی‌اش همراه بوده است.
۲۳. وقتی روحتان آماده باشد تا آموزه‌های مرا به همنوعانتان بیاموزد، آن را در درون خود احساس خواهید کرد. این زمان، زمانی است که خود را یافته‌اید و صدای وجدان را به وضوح خواهید شنید.
۲۴. با دقت به این کلام گوش بسپارید تا بتوانید آن را تفسیر کرده و در دل‌های همنوعانتان بکارید. فقط به درک کلام اکتفا نکنید، بلکه درباره آن سخن بگویید، سرمشق باشید و با اعمال خود تعلیم دهید. تیزبین باشید که چه زمانی زمان مناسب سخن گفتن است.
۲۵. من به شما زبانی می‌دهم تا کلام مرا منتشر کنید؛ آن زبان، زبان عشق معنوی است که برای همه قابل درک خواهد بود.
۲۶. این زبان، گوش و قلب بشریت را آرام می‌کند؛ مردمی که برج بابل را که در دل‌های خود ساخته‌اند، سنگ به سنگ فرو می‌ریزند و آنگاه داوری من پایان خواهد یافت، چون همه خود را برادر و خواهر خواهند دانست.
۲۷. تنها وقتی که از درون دگرگون شده باشید، شما را به جهان می‌فرستم تا پیام مرا منتشر کنید؛ زیرا تنها هنگامی که معنویت در شاگردان واقعی باشد، آنها خواهند فهمید چگونه آن را همان‌گونه که از من دریافت کرده‌اند، به دیگران انتقال دهند.
۲۸. به یاد داشته باشید، آموزه‌های من محدود به ایده‌ها و توانایی درک شما نیست؛ حکمت الهی من هیچ حد و مرزی ندارد و هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که پیش از آشکار شدن آن توسط من، از وحی‌های من اطلاع داشته یا آنها را درک کرده است.
۲۹. در حالی که دانشمندان با دانش مادی خود می‌کوشند همه چیز را توضیح دهند، من برای فروتنان، زندگی معنوی و حقیقی را که در آن علت و دلیل هرچیزی نهفته است، آشکار می‌کنم.
۳۰. برخی تصور می‌کنند که کار مرا مردم شکل می‌دهند؛ به همین دلیل، آموزه‌هایم به نادرستی توسط مردم قضاوت می‌شوند، مانند «عصر دوم» که عیسی مسیح با ظاهر فروتنانه و لباس‌های ساده‌اش قضاوت شد و شاگردانش نیز ساده‌پوش بودند.

۳۱. وقتی مردم از دانش شما سؤال می‌کنند، خود را برتر ندانید؛ فروتنی باعث احترام و اعتماد بیشتر می‌شود.

۳۲. نور تعصب‌زدایی به تدریج از فردی به دیگری می‌رسد و کسانی که مسیحی‌اند ولی نیستند، تعالیم واقعی مسیح را با این نور درک خواهند کرد.

۳۳. مردم چشم‌بندهای تعصب را برداشته‌اند؛ نمی‌توانید با آمادگی ظاهری به آنها نزدیک شوید.

۳۴. معنویت، آرامش، شفقت و برادری بیاورید تا سخنانتان پذیرفته شود و قدرت الهام من در آن باشد.

۳۵. اگر صلح و عشق موعظه می‌کنید، خودتان آنها را در عمل داشته باشید و یاد بگیرید از دیگران نیز آنچه درست است بپذیرید.

۳۶. با صبر به متعصبان مذهبی کمک کنید دانش و فهمشان را گسترش دهند.

۳۷. درباره روح جهانی، جاودانگی و تکامل روح صحبت کنید و گفتگوی حقیقی روح را بیاموزید؛ آنها را از تعصبات رها سازید.

۳۸. به جسم و روح مردم تسلی و شفا دهید؛ اما ابتدا باید خود در آرامش و پاکی باشید تا بتوانید دیگران را درمان کنید.

۳۹. تنها آنچه در قلب داری را می‌توانی به دیگران بدهی.

۴۰. در میان گناهکاران زندگی کن بدون آلوده شدن؛ در میان مشکلات پیش برو بدون خشم؛ در جهانی پر از بدبختی بمان و به نیازمندان نیکی کن و بذر نیکی بکار.

۴۱. بهشت زمینی به دلیل گناهان به جهنم تبدیل شده؛ باید لکه‌ها پاک و زندگی به پاکی اولیه بازگردد.

۴۲. کسانی که در حیات فیض مرده‌اند را پیام‌آور نمی‌فرستم؛ کسانی که خودخواهی را از دل بیرون نکرده‌اند مأمور نمی‌شوند.

۴۳. پیام‌آور من شاگرد من است که حضورش آرامش می‌آورد، توان تسلی حتی در سخت‌ترین لحظات دارد و کلامش نور تاریکی را می‌زداید.

««««روش صحیح رفتار هنگام انتقال کلام»»»»

۴۴. شاگردان جدید روش‌های بسیاری برای گسترش پیام دارند؛ اما فروتنی و سادگی را فراموش نکنند. این گونه به قلب‌ها و ملت‌ها می‌رسند و مبارزه‌شان ثمر معنویت و برادری خواهد داشت.

۴۵. بدان چه باید بکنی با تأمل در کارهایی که من در تو انجام داده‌ام، روشن می‌شود.

۴۶. من تو را بخشیده‌ام، با رحمت بی‌کران پذیرفته‌ام و از استراحت تو در کار روزانه حمایت کرده‌ام؛ موقعیت اجتماعی برایم مهم نبوده؛ جذام گناهان تو را پاک کرده و تو را شفا داده‌ام.

۴۷. در قضاوت درباره تو با مدارا و خیرخواهی رفتار کرده‌ام و آموزه‌ای از عشق داده‌ام که قدرت نجات دیگران را به تو می‌دهد و خودت را به زندگی حقیقی بازمی‌گرداند.

۴۸. نمونه‌ای عالی برای کمک به کسانی که جسمی و روحی رنج می‌برند، از کارهای من بیابید؛ آنها به سوی شما خواهند آمد.
۴۹. من با مردم حرف می‌زنم؛ شما باید با وحدت، کلام مرا به قلب‌ها برسانید تا رستگاری کامل شود.
۵۰. فروتن باشید؛ اگر توهین دیدید ناراحت نشوید. ممکن است تحقیر شوید اما پیام من از دل‌ها دور نمی‌شود. برخی بی‌توجه‌اند، اما دیگران بیدار می‌شوند و مسیر تحول را می‌پیمایند.
۵۱. با شجاعت، ایمان و قدرت آماده نبرد باشید؛ از ظاهر یا مقام کسی نترسید.
۵۲. از پولس و پطرس بیاموزید که در برابر قدرتمندان ایستادند اما خود را بنده می‌دانستند و با عشق شهادت دادند.
۵۳. کسی که کلام مرا برای تحقیر یا آزار استفاده کند یا هنگام بحث آرامش نداشته باشد، شاگرد من نیست و بذر ایمان نمی‌کارد.
۵۴. شاگرد واقعی آرام است وقتی ایمانش مورد حمله است، مانند فانوس دریایی در طوفان.
۵۵. کسی را با تهدید به داوری یا درد و رنج به نیکی تشویق نکن؛ خدای مهربان و بخشنده را به او نشان بده.
۵۶. از تمسخر دیگران ناراحت نشو؛ آنان جاهل‌اند و حقیقت را نمی‌شناسند؛ آرامش درونی شاگردان واقعی، جبران می‌کند.

۵۷. هرگز بت‌پرستان را به خاطر تعصبشان مسخره نکن، چون حتی اگر مرا در اشکال مادی جویند، مرا می‌پرستند.

۵۸. اشتباهات دیگران را به آنها گوشزد نکن که خشم و تعصبشان را بیشتر می‌کنی؛ فقط آموزه‌های مرا با معنویت به کار ببر تا اشتباهاتشان آشکار شود.

۵۹. برای اینکه بشریت محتوای معنوی کلام مرا بفهمد و یکدیگر را برادر معنوی خدا بشناسد، باید صبر، رحمت و عشق واقعی داشته باشی.

۶۰. نشان داده‌ام که می‌توان چشم‌بند نادانان را بدون توهین یا آزار برداشت؛ عشق، بخشش، صبر و شکیبایی از خشونت و زور قدرت بیشتری دارد.

۶۱. وقتی برای آموزش می‌روی، التماس نکن که گوش دهند؛ با عزت وظیفه‌ات را انجام بده؛ کسانی ایمان می‌آورند که من برگزیده‌ام.

«««شیوه صحیح بیان کلام»»»

۶۲. کلامم را ندادم تا در خیابان‌ها جار بزنید؛ عیسی می‌دانست چگونه به هر سؤال پاسخ دهد و امتحان کند.

۶۳. کوچک و ضعیفید؛ خشم دیگران را برانگیزید و به دنبال جلب توجه نباشید؛ سعی نکنید تنها خود حق باشید که به جایی نمی‌رسد.

۶۴. قضاوت در خطاهای دیگران نکن تا خود گرفتار نشوی؛ عیب‌هایت را اصلاح کن و با فروتنی دعا کن؛ کارهای نیک را علنی نکن که ایمان واقعی است.

۶۵. برای بیان تعالیم من لازم نیست به دنبال مردم بگردید؛ رحمت من نیازمندان را به سوی شما می‌آورد.
۶۶. اگر زمانی به انجام عمل خیرخواهانه احساس نیاز کردید و نیازمندی نبود، نگران نباشید و شک نکنید؛ در آن زمان برای برادران غایب خود دعا کنید که رحمت مرا دریافت خواهند کرد.
۶۷. نباید بیش از حد بخواهید و بدانید که هرکس به میزان رشد خود به دانش می‌رسد؛ اگر نوری بدهی بدون آماده‌سازی، باعث غرور و فاسد شدن خواهد شد.
۶۸. فروتن بودن فقط در حضور من کافی نیست؛ باید این فروتنی را به همسایگان خود نیز نشان دهی.
۶۹. عشق و خرد جدایی‌ناپذیرند و هر دو کلید درک کامل تعالیم من هستند؛ جدا کردن آنها نادرست است.
۷۰. اگر می‌خواهی دوستان زیادی داشته باشی، باید مهربان، گرم، صبور و رحمت‌مند باشی؛ این فضایل عشق را در روح تو می‌درخشاند، زیرا خدا جوهر عشق است.
۷۱. رسولان و پیامبران در سفرهای مأموریتی خود نباید با حمله به عقاید دیگران جلب توجه کنند.
۷۲. کینه‌توزی دیگران ناشی از ناآگاهی است و با برانگیختن کنجکاوی که به ایمان می‌رسد، به گسترش آموزه‌های من کمک خواهند کرد.
۷۳. پیام الهی باید به برادری تبدیل شود و برای تأثیر بر دل‌های مادی، باید با مهر حقیقت آشکار شده همراه باشد؛ پنهان‌کاری باعث می‌شود ایمان از دست برود.

۷۴. چه عظیم است عقب‌ماندگی اخلاقی و معنوی بشریت و مسئولیت بزرگی که بر دوش کسانی است که در این زمان نور و فیض کلام من را دریافت کرده‌اند.

۷۵. ای شاگردان، استاد شوید و ترس از انسان را از دل بیرون کنید؛ بی‌تفاوتی را کنار بگذارید و بدانید که حامل پیام‌های آسمانی هستید؛ باید اصول فراموش‌شده آموزه‌ها را آشکار کنید.

۷۶. سخنان مرا دقیق و کلمه به کلمه تکرار نکنید؛ آموزش ببینید تا با سادگی و صداقت حقیقت روح را بیان کنید، نه با زبان فصیح.

۷۷. شاگردان جدید، از خستگی ناپذیری در بیان حقیقت دریغ نکنید؛ یک کلمه به نام من می‌تواند گناهکار را نجات دهد و مسیر شرارت را ببندد؛ آیا از قدرت حقیقی کلام من آگاهید؟

۷۸. با اعمال نمونه صحبت کن و در وظایف محول شده انصاف داشته باش؛ بقیه را من انجام خواهم داد.

۷۹. اگر کسانی در میان همنوعانت با نام مسیح تعلیم می‌دهند، به آنها تحقیر نکن؛ بازگشت من وقتی است که کلام دوم من در سراسر زمین منتشر شود.

۸۰. هنوز در جهان جاهایی است که پیام را دریافت نکرده‌اند؛ به آنها بیاموز که بذر الهی عشق را در وجود دارند و نجات‌دهنده را پذیرفته‌اند.

۸۱. وقتی حقیقت را درک کردی، خواهی دید که پیروی از راه استاد حتی در سختی‌ها آسان است؛ هر کاری توان داری انجام بده و راه را برای نسل‌های بعدی روشن کن.

۸۲. کودکان را به قلب خود بسپار و با عشق آنها را به راه راست هدایت کن و از من با ارادت برایشان سخن بگو

۸۳. به دنبال کسانی باش که در بدبختی و پلیدی گم شده‌اند؛ من به سخنان تو قدرت معنوی می‌دهم تا راه نجات شوند.

۸۴. کتاب حیات حقیقی را به روی نادانان باز کن تا روحشان بیدار شود و در حکمت رشد کند؛ مانند استاد خود باش تا شنیده شوی.

۸۵. کسانی که راه را یافته‌اند باید آن را به روشنی و آسان بیان کنند تا مانعی برای دیگران نشود و جویندگان واقعی را بازدارند.

۸۶. وظیفه روحانیان است که موانع میان بشریت و خدا را از میان بردارند؛ موانعی چون باورهای نادرست، مادی‌سازی و تعصبات فرقه‌ای.

۸۷. شما مردم، گوساله طلایی را که هنوز پرستیده می‌شود ولی سمبل بت‌پرستی و الحاد است، از بنیاد پایین بیندازید.

۸۸. تصورات غلط معنوی را از بین ببرید؛ آموزه‌هایم را خالص و والا نشان دهید تا جهل، تعصب و سخت‌دلی که مانع تفکر معنوی است، نابود شود و آزادی عمل بازگردد.

۸۹. شما برگزیده‌اید که پیام جدید مرا به بشر اعلام کنید؛ چه کسی جز شما می‌تواند بر این مأموریت شهادت دهد؟

۹۰. اگر انتظار دارید بزرگان یا روحانیون مذهب این مژده را بیاورند، اشتباه می‌کنید؛ حتی اگر من را می‌دیدند، لب به گفتن نمی‌گشودند.

۹۱. در انتظار زمان‌هایی که به تو سخن گفته‌ام، بیدار باش تا برخیزم و بگویم آنچه پیش آمد از پیش گفته شده بود.

۹۲. ضروری است که از پیش اعلام و پیشگویی کنی تا راه برای تحقق وعده‌هایم هموار شود؛ آنگاه مأموریتت را انجام داده‌ای.

۹۳. هنگامی که معجزات در جهان ظاهر شوند و روح خداوند از طریق رویدادهای بی‌سابقه با شما سخن گوید، و وقتی روح انسان شروع به آشکار ساختن موهبت‌ها و توانایی‌هایی فراتر از تصور می‌کند، همه عقاید، نظریه‌ها، هنجارها، نهادها و دانش‌ها متزلزل خواهند شد. در آن زمان بشر اعتراف خواهد کرد که کسانی که فروتنانه آموزه‌ای به ظاهر عجیب را موعظه می‌کردند، درست می‌گفتند، زیرا سخنانشان با حقیقت تأیید شده بود.

۹۴. خواهید دید که مردمان زمین به آموزه‌های معنوی علاقه‌مند می‌شوند، متکلمان آموزه‌های مسیح را با وحی‌های جدید مقایسه می‌کنند، و بسیاری که همیشه به مسائل معنوی بی‌تفاوت بودند، علاقه‌ی فراوانی به مطالعه وحی‌های گذشته و حال نشان خواهند داد.

««ماموریت برای تسلی و التیام کسانی که از نظر جسمی و روحی رنج کی برند»»

۹۵. من هدایای بزرگی به برگزیدگانم داده‌ام؛ یکی از این هدایای بزرگ، موهبت شفا است—مرهمی شفابخش برای انجام زیباترین وظایف در میان بشریت، زیرا زمین جای اشک و درد است.

۹۶. با این توانایی، میدان وسیعی برای تحقق اراده من در تسلی دیگران پیش روی شماست. این مرهم را در عمیق‌ترین تارهای قلبتان نهاده‌ام؛ شما خود را با آن تازه کرده‌اید؛ گردن‌هایتان در برابر شگفتی‌های آن خم شده و قلب‌هایتان از رنج دیگران نرم گردیده، و همیشه در مسیر رحمت گام برداشته‌اید.

۹۷. همچنان این مرهم شفابخش را که در دستان شما نیست، داشته باشید؛ زیرا از طریق نگاه‌های دلسوزانه، افکار نیک و نصایح نورانی منتقل می‌شود و به تسلی‌بخش تبدیل می‌گردد.

۹۸. موهبت شفا محدودیت ندارد. همواره در ذهن داشته باشید که اگر درد خود را نمی‌توانید با این مرهم برطرف کنید، آموزه‌های من را فراموش نکنید، رنج خود را کنار بگذارید و به دیگرانی که رنجشان بزرگ‌تر است بیندیشید. آنگاه معجزات را در خود و همنوعانتان خواهید دید.

۹۹. باید آماده باشی تا به دل‌ها نگاه کنی، آنچه را پنهان می‌کنند بشناسی و نیازهایشان را درک کنی.

۱۰۰. من به شما آموخته‌ام که روح‌ها را تغذیه کنید، شفا دهید، نور ببخشید و مسیر رشد و تعالی آن‌ها را نشان دهید.

۱۰۱. هر که این کلام را بشنود و در دل نگاه دارد، قادر خواهد بود راهنمای معنوی، پزشک و مشاور باشد و موهبت آرامش و آسایش را برای همنوعانش به ارمغان آورد.

۱۰۲. من به تو قطره‌ای از مرهم شفابخش می‌دهم تا هنگام آزار و اذیت، بتوانی در میان مردم شفاهای معجزه‌آسا انجام دهی؛ زیرا هنگام بیماری‌های همه‌گیر بزرگ و بیماری‌های ناشناخته، اقتدار شاگردان من آشکار خواهد شد.
۱۰۳. به تو کلیدی می‌سپارم که قفل‌های زنگ‌زده، دل‌های سرسخت و حتی دروازه‌های زندان را باز کند تا بی‌گناهان را آزاد و گناهکاران را نجات دهی.
۱۰۴. تو همیشه در صلح و آرامش زندگی خواهی کرد و به من توکل می‌کنی، چون فرشتگان من از تو محافظت می‌کنند و در مأموریت‌هایت همراهت خواهند بود؛ به خانه‌ها، بیمارستان‌ها، زندان‌ها، مزارع اختلاف و جنگ—هر کجا که بذر من را بکارد.
۱۰۵. مردم خواهند آمد و در میان آنها «توماس»؛ نماد علم و ماتریالیسم، که با چشمان تیزبین و انگشتانش برای لمس و احساس، به دنبال ایمان به حضور من و رویدادهای معنوی است که به‌تدریج آشکار می‌شوند. این دوره، «عصر سوم توماس» است که عشق من بر شک و تردید و مادی‌گرایی آن غلبه خواهد کرد.
۱۰۶. من به شما دستور خواهم داد که چه زمانی مأموریت خود را آغاز کنید؛ زمانی که نشانه‌های واضح و بزرگی دیده شود و شما ندای دنیای معنوی و این دنیا را بشنوید؛ آن زمان که ساعت مبارزه شما فرا رسیده است. من از روح به روح با شما سخن خواهم گفت و راهنمایی‌تان خواهم کرد.
۱۰۷. پیش از آنکه به عنوان معلم به مردم بروید، همچون شفادهنده نزدشان آیید؛ ابتدا درد و زخمشان را تسکین دهید، تا بتوانند از چشمه پاک کلام من بنوشند.
۱۰۸. به سوی همنوعان خود بروید، همانگونه که عیسی در «عصر دوم» مرهم شفابخش را به کلام من افزود. اما آن مرهم چیست؟ آیا آب چشمه‌هاست که مقدس شده باشد؟ خیر؛ آن مرهم در قلب شماست، گوهری گرانبها که فقط عشق می‌تواند آن را بگشاید و جاری کند.
۱۰۹. اگر بخواهی آن را بر بیمارت بریزی، این دستان تو نیستند که شفا می‌دهند، بلکه روحی پر از عشق، رحمت و آرامش است. هر جا که افکارتان معطوف شود، معجزه رخ خواهد داد.

۱۱۰. شما می‌توانید از طرق مختلف بر موجودات و عناصر طبیعت تأثیرگذار باشید تا آسایش را برای همه به ارمغان بیاورید؛ اما از بیماری نترسید و نسبت به همه صبور و مهربان باشید.
۱۱۱. درباره کسانی که تسخیر شده‌اند یا در فهم انسانی خود سردرگم‌اند، شما نیز می‌توانید آنها را شفا دهید. این توانایی را دارید و باید آن را در خدمت موجوداتی قرار دهید که در ناامیدی و فراموشی غرق‌اند. آنها را آزاد کنید و اقتدارتان را به کافران نشان دهید. مأموریت بزرگ شما این است که در جایی که تاریکی است، نور بیاورید، بندگی‌ها و بی‌عدالتی‌ها را بشکنید و جهان را به شناخت پروردگار و وجود درونی‌اش در شناخت کامل حقیقت هدایت کنید.
««««زمان عزیمت برای ماموریت جهانی»»»»
۱۱۲. چون جهان اینک چنان کوری به حقیقت زده که نمی‌تواند نور آن را ببیند و ندای مرا در عمق وجود خود نشنود، شما باید دعا کنید و جایگاه معنوی بیابید؛ چرا که در حال حاضر صدای شما شنیده نمی‌شود، زیرا ملت‌ها مشغول آماده شدن برای نابودی و دفاع از خودند.
۱۱۳. مردم وقتی ناامیدی، نفرت، وحشت و درد به اوج می‌رسد، باید کورتر شوند.
۱۱۴. این زمان نیز زمانی مناسب برای رساندن پیام من نخواهد بود، چون صدای شما مانند فریاد در بیابان است و کسی به شما گوش نخواهد داد.
۱۱۵. تنها پس از آنکه زمین از قطب تا قطب ویران شود، و همه ملت‌ها، نهادهای اجتماعی و خانه‌ها داوری شده و بشریت لکه‌های ننگ را شست، آنگاه شما به نام من آماده می‌شوید تا آموزه‌هایم را به برادرانتان برسانید.
۱۱۶. وقتی زمانش برسد، ای عزیزان، رهسپار خواهید شد و کلام مقدس مرا در سراسر جهان به همنوعان خود بازگو خواهید کرد. شما همچون شاگردانی خوب پراکنده می‌شوید و این مژده نوین که به شما می‌سپارم منتشر می‌شود. این نور که از مهر ششم سرچشمه می‌گیرد بشریت را روشن خواهد ساخت و اسرار را آشکار خواهد کرد.
۱۱۷. آموزه‌هایم در ملت‌های دیگر ریشه خواهد دواند و مردم از طریق نوری که هفت مُهر به آنان داده، حقایق کشف‌ناشده را خواهند شناخت. تو از این آموزه‌ها سخن خواهی گفت و مردم را در اجرای فرامین من هدایت خواهی کرد.

فصل۶۱-نصایح و هشدار های خداوند
«««پیشنهادات و سفارشات»»»
۱. ای اسرائیل، فقط وظایف جهانی‌ات را انجام نده، بلکه شریعت را نیز به صورت دقیق، والا و روحانی به جا آور، چرا که در برابر پدرت مسئولیتی داری.
۲. من به شما آموزش می‌دهم از مادی‌گرایی دوری کنید و دست از تعصبات و بت‌پرستی بردارید؛ نه اشیای مادی ساخته دست بشر را پرستش کنید و نه آیین‌هایی بر آن‌ها اجرا نمایید. من نمی‌خواهم ریشه‌های بت‌پرستی، تعصب و آیین‌های دروغین در قلب‌تان باشد. قربانی‌هایی که به من نمی‌رسد را نیاورید؛ من فقط خواهان تجدید حیات و پیشرفت معنوی شما هستم.
۳. به عادات گذشته خود بازنگردید؛ به آنچه رها کرده‌اید یا نباید انجام دهید فکر کنید، اما در مسیری که اکنون پیش گرفته‌اید ثابت قدم باشید و راه را خوب بشناسید تا فردا بتوانید برادرانتان را هدایت کنید. مسیر پیشرو باریک است و نباید گمراه شوید.
۴. من پدری صبورم که در انتظار توبه و حسن نیت تو هستم تا تو را با فیض و رحمت خود ببارانم.
۵. کلام من همواره شما را به نیکی و فضیلت دعوت می‌کند: بدگویی از همنوعان را بر خود روا ندارید؛ به بیماران مسری با تحقیر نگاه نکنید؛ از جنگ‌ها حمایت نکنید؛ شغل‌های شرم‌آور که اخلاق را تخریب می‌کند نداشته باشید؛ هیچ آفریده‌ای را نفرین نکنید، چیزی را بدون اجازه صاحبش نگیرید و خرافات را رواج ندهید.
۶. به عیادت بیماران بروید، کسانی که به شما بدی کردند ببخشید، فضایل را حفظ کنید و الگوی خوبی باشید؛ و من و همنوعانتان را دوست داشته باشید، زیرا تمام شریعت در این دو فرمان خلاصه است.
۷. درس مرا بیاموزید و آن را در رفتارهای خود آموزش دهید. اگر نیاموزید، چگونه می‌توانید تعلیم مرا موعظه کنید؟ اگر آنچه یاد گرفته‌اید را حس نکنید، چگونه می‌توانید همچون رسولان درست هدایت کنید؟
۸. ای مردم، اگر می‌خواهید پیشرفت کنید، بر سکون درون خود غلبه کنید. اگر می‌خواهید بزرگ باشید، اصول مرا در کارهایتان به‌کار برید. اگر می‌خواهید خود را بشناسید، خود را از طریق کلام من بیازمایید.

۹. بفهم که چقدر برای حرف من ارزش قائلی؛ این کلام نیازمند عشق، خرد، نصیحت و کمک است. در عین حال نسبت به آنچه به شما داده‌ام مسئول باشید، زیرا تنها شما نیازمند نیستید. بسیاری گرسنه و تشنه این آموزه‌ها هستند و باید خود را برای رفتن به سوی آنها با پیام عشق من آماده کنید.
۱۰. این قوم مسئولیتی بزرگ نسبت به بشریت دارند. باید نمونه‌ای از معنویت حقیقی باشند و نشان دهند چگونه اعمال دینی درونی، قربانی‌های دلپذیر و احترام شایسته به خدا ارائه شود.
۱۱. قلب خود را بگشایید و صدای وجدان را بشنوید تا اعمال خود را قضاوت کنید و بدانید آیا آموزه‌های مرا صادقانه تفسیر می‌کنید یا معنای آنان را اشتباه می‌فهمید.
۱۲. اگر آموزه‌های من را به‌کار نگیرید، تمام معنای آنها را از دست خواهید داد.
۱۳. شما شاگردان عزیز می‌دانید هدف شریعت و آموزه‌های من انجام کار نیک است؛ کسی که آنها را فقط در ذهن یا زبان دارد، اما در اعمال به کار نمی‌برد، برخلاف وظیفه خود عمل کرده است.
۱۴. کسانی که مرا در قلب دارند، نور تجربه این زندگی و رشدهای روحی زندگی‌های مختلف را خواهند داشت. چرا روح شما خود را درگیر بی‌فایدگی کند؟ چرا به دلایلی گریه کنید که شایسته چنین دردی نیستند؟ حقیقت را در همه چیز جستجو کنید؛ حقیقت مانند نور روز روشن و واضح است.
۱۵. فراموش نکنید که ایمانی که در همنوعان خود برمی‌انگیزید، به زندگی درست و با فضیلت شما ارتباط دارد. آنها حتی در زندگی خصوصی شما را می‌بینند و به دنبال تأیید آموزه‌ای هستند که موعظه می‌کنید.
۱۶. به من بگو: آیا وقتی گناه کردی تو را طرد کردم؟ وقتی لغزشی داشتی تو را رها کردم یا ناامیدت ساختم؟ وقتی دچار درد و شکست شدی با تو تندخویی کردم؟
۱۷. با این حال می‌بینم بعضی کسانی که شاگردان من نامیده می‌شوند، همنوعان خود را در بدبختی رها می‌کنند، کسانی که از راه راست منحرف شده‌اند را طرد می‌کنند، به جای اینکه با عشق آنها را جذب و یاری کنند. گاهی هم در اموری که جایگاه قضاوت ندارند دخالت کرده و قاضی می‌شوند.

۱۸. آیا این رفتار با دستورالعمل من همراستا است؟ نه؛ وجدان خود را با دقت به من بسپار تا بتوانید خود را به‌درستی قضاوت کنید و موانع و ناهمواری‌هایی که روحتان را آزار می‌دهد بردارید و شاگردان واقعی من شوید.
««ایمان،امید،عشق،فروتنی، اعتماد به نفس»»
۱۹. اگر فروتن باشید، بزرگ خواهید بود. بزرگی در غرور و تکبر نیست، برخلاف آنچه بسیاری گمان می‌کنند. مهربان و فروتن باشید؛ من همیشه این را به شما گفته‌ام.
۲۰. مرا به عنوان پدرتان بشناسید و دوست بدارید؛ دنبال تخت یا نامی که شما را از دیگران متمایز کند نباشید. فقط انسانی عادی در میان انسان‌ها باشید و در درون‌تان حسن نیت داشته باشید.
۲۱. می‌خواهم در شما همان ایمان را ببینم که بیماران عصر دوم نزد من آوردند؛ ایمانی قوی حتی در ضعفی چون فلج، نابینایی و بیماری لاعلاج. می‌خواهم احساس کنم که مانند پدری دوست داشته شوید، مانند پزشکی مورد توجه قرار گیرید و مانند استادی شنیده شوید.
۲۲. ایمان و امید خود را از دست ندهید. همیشه به یاد داشته باشید که پایان سفر زندگی فرا خواهد رسید؛ منشأ و هدف نهایی شما از من بوده و است و خواهد بود، و این هدف جاودانگی است، زیرا مرگ برای روح وجود ندارد.
۲۳. جاودانگی را هدف نهایی خود قرار دهید و هرگز ناامید نشوید. تو بدهی‌های زندگی‌ات را پرداخته‌ای، پس از وقتت عاقلانه بهره ببر ولی عجله نکن. اگر رنج‌هایت را با ایمان و تسلیم بپذیری و صبور باشی، شایستگی‌های تو بی‌ثمر نخواهند بود.
۲۴. مطمئن باش روح تو همیشه در حال پیشرفت است و هرگز از کمال دست نکش.
۲۵. با عشق ورزیدن به فرزندان پدر که برادران و خواهران تو هستند، برای او زندگی کن تا به جاودانگی برسی. اگر در خودخواهی غرق شوی و به خودت محدود شوی، یادگارهایی که از تو به جا می‌ماند به سختی ماندگار خواهند بود.
۲۶. مهربان و فروتن بمان، آنگاه از فیض من همیشه سیراب خواهی بود.
۲۷. سرنوشت بزرگی پیش رو داری! اجازه مده که ترس و ناامیدی تو را فرا گیرد، بلکه با این نگاه که روزهای سختِ نزدیک برای بیداری و تطهیر بشریت ضروری‌اند، پر از شجاعت و امید باش؛ بدون آن، ورود پیروزمندانه عصر معنویت ممکن نیست.
۲۸. یاد بگیر بر ناملایمات غلبه کنی، اجازه نده ناامیدی وارد قلبت شود و از سلامتی خود مراقبت کن. با گفتن از من و نمایش آموزه‌هایم به کسانی که ایمان و امید نیاز دارند، روحیه برادران و خواهرانت را تقویت کن.

۲۹. ببینید بسیاری از مردم چقدر افسرده و ناامید شده‌اند. کسانی که خود را در مبارزه زندگی شکست خورده می‌دانند، جوانی‌شان پژمرده، چهره‌هایشان خاکستری و مالیخولیایی است. وقتی کسانی که باید قوی باشند ضعیف شوند، جوانان پژمرده‌اند و کودکان تنها غم و اندوه می‌بینند.
۳۰. ای مردم، دل خود را از لذت‌های سالمی که حتی اگر زودگذر باشند مجاز به لذت بردن از آنها هستید محروم نکنید. نان فروتنانه خود را در آرامش بخورید و خواهید دید که آن نان گواراتر و پربارتر خواهد بود.
۳۱. حرف‌هایم را بفهمید؛ چیزی که از شما می‌خواهم اعتماد به نفس، ایمان، خوش‌بینی، آرامش خاطر و قدرت است. با وجود مشکلات، قلبتان خالی از تلخی باشد. اگر دل پر از رنج و نگرانی باشد، چگونه می‌توانید مهر و دلگرمی به نیازمندان بدهید؟
۳۲. به‌خصوص در سختی‌ها و آزمایش‌ها، بهترین نمونه سرافرازی، ایمان و فروتنی باشید.
۳۳. هرکس معنویت را به زندگی‌اش بیاورد همیشه آرامش دارد و حتی خوابش راحت است، چرا که روح از این آرامش برای جدا شدن از بدن و گذر به زندگی پس از مرگ استفاده می‌کند، جایی که جریان‌های الهی توان و قدرت می‌یابند و به بدن امکان مشارکت در آنها را می‌دهند.

««دعا،مطالعه،هوشیاری،تجدید قوا و معنویت»»

۳۴. شاگردان عزیز، بار دیگر به شما می‌گویم: بیدار باشید و دعا کنید، زیرا جسم ضعیف است و می‌تواند روح را از مسیر صحیح منحرف کند.
۳۵. روحی که بداند چگونه «بیدار» شود هیچ‌گاه از مسیر تعیین شده توسط استادش منحرف نمی‌شود و میراث و استعدادهای خود را تا تکامل کامل به کار می‌گیرد.
۳۶. چنین کسی از آزمایش‌های زندگی سربلند بیرون می‌آید، زیرا هوشیارانه زندگی کرده و اجازه نمی‌دهد جسم بر او مسلط شود. آنان که هوشیار و دعاگو هستند همیشه از بحران‌های زندگی پیروز بیرون می‌آیند و با گام‌های استوار پیش می‌روند.
۳۷. اما رفتار کسی که دعا و هوشیاری را فراموش کند متفاوت است؛ او خود را از دفاع با بهترین سلاح‌هایی که به بشر داده‌ام یعنی ایمان، عشق و نور دانش محروم می‌سازد. صدای درونی که از طریق شهود، وجدان و رویا به او پیام می‌دهد را نمی‌شنود و پیام روح خود را باور ندارد.

۳۸. برای ارواح سرگردان، برای کسانی که هنوز از بدن خود جدا نشده‌اند و برای زمینیانی که به دلیل غم و اندوه موجود بر زمین رنج می‌برند و می‌گریند، دعا کنید.
۳۹. آنها را ببخشید و کسانی را که در قلب‌هایتان بذر شر کاشته‌اند قضاوت نکنید. اگر چشمان منصف می‌توانستند زانو زدن آنها را که از شما طلب بخشش می‌کنند ببینند، کمتر بی‌انصافی می‌کردید. به آنها کمک کنید تا به ابدیت پرواز کنند و با یاد محبت‌آمیز خود آنها را ارتقا دهید، زیرا دیگر به این دنیا تعلق ندارند.
۴۰. نباید به اولین آثار خود قانع شوی و گمان کنی که روح خود را کامل کرده‌ای. باید همیشه زمانی را برای مطالعه آثار من اختصاص دهی تا درس‌های جدید بیاموزی و به مکاشفه‌های بزرگ‌تری دست یابی.
۴۱. شاگرد کنجکاو همیشه پاسخ سوالات خود را خواهد یافت و در لحظات سختی، نصیحت پدرانه مرا خواهد شنید.
۴۲. شاگرد پیشرفته منبع عشق به همنوع خواهد بود و احساس خواهد کرد که از جانب پدرش ارثی دریافت کرده است و زمان انجام مأموریت معنوی خود را در میان مردم می‌شناسد.
۴۳. هرچه بیشتر خود را کامل کنی، به هدف نزدیک‌تر خواهی شد. نمی‌دانی چقدر تا رستگاری فاصله داری، اما باید با میل، اراده و اطاعت خود را به این کلام که صدای روح الهی من است هدایت کنی.
۴۴. از زیر پا گذاشتن قانون و تکرار خطاها بپرهیز. به ندای بهبود که پدرت از تو می‌خواهد گوش بسپار، زیرا نمی‌خواهم که بیهوده زندگی کنی و سپس برای نافرمانی خود پشیمان شوی.
۴۵. از شایعه‌ها و قضاوت‌های مردم نترس، بلکه از قضاوت خدای خود بترس. من قاضی بی‌رحم هستم، پس مرا همیشه به عنوان پدر و خدای خود بجوی تا در سفر زندگی کم و کسری نداشته باشی.
۴۶. ای قوم من، تعجب نکنید. هوشیار و نگهبان وفادار باشید و از سخنان برادران و خواهرانت که می‌گویند شما اشتباه می‌کنید هراس نداشته باشید.
۴۷. استوار بمانید، زیرا من به «سربازانی» که به آرمان من وفادارند پاداش‌های بزرگی خواهم داد؛ کسانی که در این دوران سردرگمی جهان‌بینی‌ها و مخالفت با ادیان، ثابت‌قدم و ثروتمند روحی باقی بمانند.

۴۸. شما باید برای همه همنوعانتان همان احترامی را قائل باشید که برای کار من دارید و آن‌ها را به این دستورالعمل که من به زودی باز خواهم گشت، هدایت کنید. اگر مردم شما را مسخره کنند، بگذارید؛ زیرا نور روح القدس من به آن‌ها خواهد رسید و پس از آن توبه در دلشان رخ خواهد داد.
۴۹. ای شاگردان، راکد نمانید! همانطور که همیشه گفته‌ام، مسیرتان باید در راه نیکی و پیشرفت استوار باشد؛ زیرا گاهی تنها نیکی است که انسان را در مبارزه و بحث نگه می‌دارد.
۵۰. روزهایی نزدیک است که فریب کنار خواهد رفت، زمانی که دروغ، ریا، خودخواهی و هر بذر بدی از طریق آزمایش‌های دشوار، سقوطها و ضربات، پایان خواهد یافت.
۵۱. استاد به شما می‌گوید: در نیکی همیشه قوی‌تر باشید! ای قوم من، مطمئن باشید که به خاطر نیکی که می‌کنید هیچ بدی نخواهید دید. اگر در این دنیا میوه یا پاداش بدی برداشت کنید، این موقتی است و میوه نهایی نیست. باید تا زمان برداشت صبور باشید.
««««هشدار هایی خطاب به کلیسا های مکاشفه»»»»
۵۲. وای بر کسی که از کلام من پیروی نکند؛ او در برابر من مسئول خواهد بود.
۵۳. در زمین، بسیاری حقیقت را تحریف کرده‌اند، بدون اینکه مسئولیت خود را به عنوان همکاران در کار عشق پدر درک کنند.
۵۴. این زمان داوری است؛ بسیاری آن را نمی‌شناسند زیرا نمی‌دانند چگونه رویدادهای زندگی‌شان را تفسیر کنند. داوری روی هر روح در طول سفرش بر زمین انجام می‌شود و حساب اعمالش را بر اساس قانون عشق درونی و بیرونی طلب می‌کند.
۵۵. هر کس معنی وحی‌های من را که الهام بخشیده شده‌اند تغییر دهد، در برابر عمل خود در محضر من پاسخگو خواهد بود.
۵۶. بنابراین باید صادقانه عمل کنید، زیرا این دستورالعمل‌ها میراث عاشقانه من برای فرزندانم است، چه در جسم و چه در روح که منتظر راهنمایی دقیق‌تر هستند.
۵۷. من نمی‌خواهم هیچ دروغی در میان شما، ای اسرائیل، ببینم؛ زیرا روزی آشکار خواهد شد و جهان خواهد گفت: «آیا این شاگردان استادند؟ اگر آن‌ها شاگردان دروغین باشند، پس استادی که در میان‌شان بود و به آن‌ها دروغ گفت نیز دروغگو خواهد بود.

۵۸. مأموریت شما تسکین درد مردم است و آموزش دعا به کسانی که مدت‌هاست در دعا مانده‌اند اما روحشان تعالی نیافته است.
۵۹. اما برای این وظیفه، باید هر روز بیشتر معنوی شوید و از وابستگی به مادیات رها گردید.
۶۰. من نمی‌خواهم شما بیش از حد روحانی و متعصب باشید، زیرا تعصب نزد من منفور است و خواهان ریشه‌کن شدن آن از میان شما هستم. وجدان شما راه زندگی هماهنگ را نشان خواهد داد.
۶۱. ای مردم و شاگردان، گوش دهید: اکنون نور به شما می‌دهم و شما را از زنجیرها و تاریکی رها می‌کنم. اما اجازه نمی‌دهم این آزادی باعث ساختن دینی جدید شود یا با آیین‌ها و تصاویر پر شود.
۶۲. دقیقاً بفهمید که آزادی‌ای که می‌آورم چیست تا آن را با تعصب جدید جایگزین نکنید.
۶۳. آیا هنوز نمی‌دانید عقل و روح شما در رشد متوقف شده‌اند؟ آیا یاد نمی‌آورید که من شما را از ترس‌ها و تعصبات دروغینی که از اجداد به ارث بردید آزاد کردم تا حقیقت را واضح ببینید و نور را دریافت کنید؟
۶۴. خاک آماده و پذیرای بذر کارگران من است. به مسئولیت این کارگران فکر کنید؛ آیا درست است که پس از رهایی بشریت از تعصب و پرستش بی‌روح، به بت‌پرستی جدیدی دچار شوند؟ نه! به همین دلیل در هر گام درس‌ها و آزمایش‌هایی برای شما هست.
«««« هشدار نسبت به ادامه‌ی اعلامیه‌های پس از ۱۹۵۰ و اعلامیه‌های دروغین درباره‌ی مسیح»»»»
۶۵. پس از روزی که وقت الوهیت من باشد، دیگر کلام من را نخواهید شنید؛ اما در ذهن، قلب و کتاب‌ها خواهید یافت.
۶۶. هر که آن‌گاه به عنوان حامل صدا برخیزد و پرتو مرا بخواهد، از داوری خودش بی‌خبر است.
۶۷. هشدار می‌دهم که به پیامبران دروغین و مسیح‌های ساختگی گوش ندهید. بیدار باشید تا از سردرگمی و نفوذ ارواح تاریکی در میان خود جلوگیری کنید. اگر آمادگی نداشته باشید، باید درباره این آموزه‌ها پاسخگو باشید.
۶۸. این آخرین دوره‌ای است که من در این قالب با شما خواهم بود. باور کنید که برای این دوره با شما نخواهم ماند.

۶۹. آماده باشید، زیرا شایعاتی از کسانی به گوشتان خواهد رسید که ادعا می‌کنند من بازگشته‌ام و مسیح به زمین آمده است. اما شما باید وفادار بمانید و قاطعانه بگویید: «خداوند به صورت معنوی با همه فرزندانش حضور دارد.»
۷۰. اگر غفلت کنید و خود را معنوی نکنید، انکار خواهید کرد که من کلام خود را پس گرفته‌ام، و چون کفرگو و نافرمان خواهید شد، پرتو مرا به جمعیت می‌خوانید و به آنها می‌گویید: «بیایید از کسی که این کلام را به ما داده بخواهیم که باز هم با ما سخن بگوید؛ سرودها را به او تقدیم کنیم تا ما را بشنود.»
۷۱. اما به شما می‌گویم: پرتو من باز به عقل بشر باز نخواهد گشت، زیرا از حماقت شما حمایت نخواهم کرد.
۷۲. چه انتظاری باید داشته باشید؟ که سخنان نور ظاهری شما را به سردرگمی فرا خواهد برد. آیا دل شما برای این آماده است؟ پس خود را برای این آزمون آماده کنید و بر اطاعت و فروتنی‌تان، نور الهام من خواهد تابید.
۷۳. اعلام می‌کنم اگر اتحاد این جوامع به شکل یک ملت واحد پیش از سال ۱۹۵۰ صورت نگیرد، سردرگمی بر جهان غالب خواهد شد، زیرا کسانی ادعا خواهند کرد که استاد هستند و همچنان خود را آشکار خواهند ساخت. وای بر این قوم! آیا هنوز تهدید را درک نکرده‌اید؟
۷۴. روح برادری و وحدت هنوز در میان شما بیدار نشده است و انتظار دارید رویدادها شما را متحد کنند. اما اگر چنین انتظاری داشته باشید، شاهد طاعون، بی‌نظمی، جنگ‌ها و داوری نیروهای طبیعت خواهید بود، به گونه‌ای که هیچ جای صلحی در زمین، دریا، هوا و حتی درون زمین نخواهد ماند.
۷۵. باید خود را آماده کنید، تا همیشه حضور معنوی مرا در هر گردهمایی احساس کنید، چه در سالن‌های اجتماعات، خانه‌ها یا طبیعت.
۷۶. مراقب باشید، زیرا شاگردان دروغین نیز ظاهر خواهند شد و ادعا می‌کنند که با پدر ارتباط مستقیم دارند و دستورات و الهامات دروغین می‌دهند.
۷۷. من به شما آموخته‌ام که حقیقت را از دروغ تشخیص دهید و درخت را از میوه‌اش بشناسید.
۷۸. زمانی خواهد آمد که شاهد ظهور بسیاری از «معنویت‌گرایی»ها خواهید بود و در آن زمان باید آموزش ببینید تا تشخیص دهید کدام درست است و کدام نادرست.
۷۹. شما ظهور چیزهای کاذب را تجربه خواهید کرد؛ شایعاتی مبنی بر اینکه پیام‌آوران الهی پیام‌هایی به جهان می‌آورند؛ فرقه‌هایی به نام هفت مُهر و آموزه‌های گیج‌کننده و مبهم.

۸۰. همه این‌ها نتیجه سردرگمی معنوی بزرگی است که بشریت خود را برای آن آماده کرده است. اما نگران نباشید؛ بیدار بمانید، در دعا زندگی کنید و تسلیم سردرگمی معنوی نشوید، زیرا کلام من در لحظات تاریکی کامل، نوری خواهد بود که به شما امکان می‌دهد حقیقت شفاف و ابدی مرا ببینید.

«««رذایل،ریا،پستی»»»

۸۱. غرور در کسانی ریشه دوانده که گمان می‌کنند به شناخت کامل حقیقت دست یافته‌اند و خود را دانشمند، قوی، معصوم، بزرگ و مطلق می‌دانند، اما نمی‌دانند اغلب اشتباه می‌کنند.

۸۲. من نمی‌خواهم در این ملت که تازه با نور این آموزه‌ها در حال رشد است، افرادی ظهور کنند که به دلیل غرور خود گمراه شده و ادعا کنند تناسخ مسیح یا مسیح‌های جدید هستند.

۸۳. چنین کسانی کسانی هستند که فکر می‌کنند به حقیقت من رسیده‌اند ولی در واقع از مسیر فروتنی که مسیح نشان داده، دور شده‌اند.

۸۴. زندگی عیسی را مطالعه کنید؛ درسی عمیق و فراموش‌نشدنی از فروتنی خواهید یافت.

۸۵. یکی از جدی‌ترین نقص‌های شخصیتی ریاکاری است. تا زمانی که نمی‌توانی من را در وجود همنوعانت دوست داشته باشی، بلند از عشق سخن مگو.

۸۶. چه بسیار کسانی که بوسه یهودا را محکوم می‌کنند اما نمی‌خواهند بپذیرند که آن بوسه، بوسه ظاهری برادری بود که در پشت سر خیانت کرد. چه بسیارند کسانی که ادعای خدمت به نیازمندان دارند در حالی که در ازای پول نور و نیکی می‌آورند.

۸۷. چرا وقتی سوال‌ها ترسناک است، مانند پطرس در ضعفش، مرا انکار می‌کنی و می‌گویی هرگز مرا نشناخته‌ای؟ چرا از عدالت انسانی می‌ترسی اما از عدالت الهی نمی‌ترسی؟

۸۸. اما به شما می‌گویم، بین عدالت الهی و گناهان شما، شفاعت مریم، مادر آسمانی، که همیشه برای شما دعا می‌کند، قرار دارد.

۸۹. هیچ‌کس حق ندارد اعمال همنوع خود را قضاوت کند؛ اگر کسی که پاک است این کار را نکند، چرا باید به کسی که در قلبش لکه دارد اجازه داده شود؟

۹۰. این را به شما می‌گویم چون شما همیشه به دنبال آزمودن برادران خود هستید، تا از آنان ایراد بگیرید، بذر خود را به آنها نشان دهید و با گفتن اینکه کار شما پاک‌تر است، آنها را تحقیر کنید.

۹۱. تنها داوری که صلاحیت سنجش اعمال را دارد، خداوند است که در آسمان است. شایستگی به فهم برادری و مهربانی با همنوع بستگی دارد.

۹۲. بیاموزید، عمل کنید و آنچه می‌گویید را احساس کنید. آموزش را با اعمال خود تقویت کنید و ریاکاری نکنید. فقدان اخلاق و صداقت سقوط بزرگی برای بشریت خواهد بود.

۹۳. دنبال لذت‌های دنیوی نباشید؛ آرمان زندگی بی‌عیب و نقص را دنبال کنید، چون رضایت واقعی را از من خواهید یافت.

۹۴. اگر تمایلات شیطانی بر فضایل روح برتری یابد و آموزه‌هایم بی‌ثمر بماند، وای بر شما. تعمق کنید و با اراده من پیروی نمایید.

۹۵. وای بر کسانی که با نافرمانی و اعمال شرم‌آور، الگوی بدی برای کودکان معنوی من شده‌اند، مانند کسانی که عیسی را به صلیب بردند.

۹۶. آن‌هایی که بعداً مرا دوست داشتند، خاطره رنج‌های عیسی را هرگز فراموش نمی‌کنند.

««««توبه ها و انتظارات اشتباه»»»»

۹۷. از توبه‌های نادرست بپرهیزید. نیازهای بدن را محروم نکنید و تنها از آنچه برای روح مضر است، خودداری کنید. این توبه خشنودی خداوند را به همراه دارد.

۹۸. در خدا پدری کامل و عاشق می‌بینید که خوب است این دیدگاه را داشته باشید.

۹۹. اما مراقب باشید که مثل قوم باستان، در دام خطا نیفتید؛ از تلاش برای بهبود اخلاقی و معنوی دست نکشید و گناه مداوم را نادیده نگیرید.

۱۰۰. خدا عشق است و هر گناهی را می‌بخشد، اما از این عشق، عدالت هم سرچشمه می‌گیرد.

۱۰۱. آگاه باشید که دانسته‌هایتان مطابق حقیقت باشد و خطاهای درونی را از بین ببرید.

۱۰۲. عشق خدا بخشش می‌آورد، اما لکه گناه باقی می‌ماند و باید با شایستگی آن را بشویید تا عدالت اجرا شود.

۱۰۳. صدایی مهربان و عادل شما را به نور و زندگی می‌خواند، اما اگر تحقیر روح و نادیده گرفتن قانون را انتخاب کنید، شما را متحول خواهد کرد.

۱۰۴. به مطیعان و فروتنان گفته می‌شود ثابت قدم بمانند و از فیض بهره‌مند شوند و به همنوعان خدمت کنند.

۱۰۵. نادانان اگر فرصتی برای رهایی از گناه و جهالت را نپذیرند، گذر زمان را خواهند دید بدون آن‌که بدانند خداوند چه آورده است.

۱۰۶. زمان نجات و تکامل فرا خواهد رسید، اما وای بر کسانی که این فرصت را به تأخیر بیندازند و خود را به امور دنیوی سرگرم کنند.

۱۰۷. هیچ انتقام خفیف یا مجازاتی از پدر نیست، بلکه عدالت سخت و بی‌رحمانه اوست.
۱۰۸. امروز آیا فرصت‌ها را از دست نداده‌اید و روحتان آماده دریافت ماموریت جدید است؟

۱۰۹. قلب و ذهن شما از گذشته روح، سرنوشت، بدهی‌ها و کفاره‌هایش آگاهی ندارد.

۱۱۰. نباید کمال روح را با عشق به دنیای مادی مختل کنید؛ باید مسیر، هدف و آرمان متفاوتی دنبال شود.

««««هشدار به مردمان و قدرتمندان زمین»»»»

۱۱۱. وای بر بشریت اگر رحم، شفقت و نیکوکاری فعال در قلبشان جاری نشود؛ اگر به آگاهی از اعمال پلید خود نرسند، خشم نیروهای طبیعت بر آنها نازل خواهد شد و حتی پس از دیدن نتایج، آن را مجازات خدا نمی‌دانند.

۱۱۲. وای بر ملت‌هایی که به بت‌پرستی، تعصب و سنت چسبیده‌اند؛ آنها نور من را نخواهند دید و بیداری روح را تجربه نخواهند کرد.

۱۱۳. آموزه‌های من جهان را تغییر خواهد داد و پس از نبرد، صلح واقعی از روح من بر زمین خواهد نشست؛ اما احمق‌ها، لجبازها و سنگدل‌ها رنج خواهند کشید.

۱۱۴. من در قلب سخت کسانی که قصد جنگ دارند حضور دارم؛ اراده من قوی‌تر از نیات جنگی آنهاست؛ اگر آنها تغییر نکنند، عدالت من در جهان احساس خواهد شد.

۱۱۵. مانند زمان نوح، مردم پیشگویی‌ها را مسخره می‌کنند و وقتی سیل اجسادشان را دفن می‌کند تازه ایمان می‌آورند و توبه می‌کنند.

۱۱۶. رحمت من همیشه تو را از بی‌پروایی باز می‌داشت، اما تو گوش نکردی؛ مانند سدوم و عموره که هشدار را نادیده گرفتند و هلاک شدند.

۱۱۷. من همچنین از اورشلیم خواستم که دعا کند و به پرستش حقیقی خدا بازگردد. اما قلب بی‌ایمان و نفسانی او نصیحت پدرانه مرا رد کرد و مجبور شد از طریق وقایع به حقیقت متقاعد شود.چه تلخ بود آن روزها برای اورشلیم!

۱۱۸. آیا اکنون این حقیقت را تشخیص می‌دهی که هنوز همان هستی؟ زیرا نخواسته‌ای کودکی معنوی خود را ترک کنی تا در مسیر حکمتی که در کلام من نهفته است، رشد کنی و صعود کنی.

۱۱۹. من تمام این پیام را برای شما می‌فرستم، پیامی که خطاب به مردم و ملت‌ها است.
نبوت قرار است به عنوان یک بیداری، منبعی برای هوشیاری عمل کند. اگر به محتوای آن ایمان دارید، خوشا به حال شما.

۱۲۰. در معنی آنها تأمل کنید، اما سپس بیدار بمانید و دعا کنید، زیرا اگر این کار را انجام دهید، نوری درونی شما را هدایت خواهد کرد و قدرتی برتر از شما محافظت خواهد کرد تا زمانی که در امان باشید.

فصل۶۲-سخنانی خطاب به شنوندگان حاضر

۱. ای شاگردان، به درون خود بنگرید و مرا همچون گذشته بشنوید و احساس کنید. به یاد آورید که این کلام، زندگی و نور سرنوشت شماست. فراموش نکنید که در زمان مناسب، آنچه نیاز دارید به شما داده خواهد شد.
۲. روغن تازه در چراغ‌ها بریزید تا شعله ایمان و دانش از نو روشن شود.
۳. نخوابید، بیدار بمانید و دعا کنید؛ زیرا استاد ممکن است ناگهانی وارد خانه‌تان شود، همانند آن روزهای شور معنوی که حضور مرا لحظه به لحظه حس می‌کردید.
۴. آنگاه خواهید دید که زندگی‌تان با نوری نو روشن خواهد شد و اعتماد به نفس در آینده‌ای پر از فراوانی و خرد باز خواهد گشت.
۵. بسیاری خود را روحانی می‌نامند چون به حضور من از راه عقل ایمان دارند و گوش به کلام من می‌دهند؛ اما من می‌خواهم شما از طریق عمل نیکی، شناخت جوهر زندگی، عشق به همسایگان و پرستش وجود سخاوتمند و پرهیزگار، حقیقتاً روحانی باشید.
۶. به بعضی فروتنی بخشیدم تا استاد را الگوی زندگی‌شان کنند؛ به برخی دیگر ثروت دادم تا مانند عیسی که تاج و تخت را رها کرد، به فقرا و بیماران خدمت کنند.
۷. شایستگی کسی که از جایگاه اجتماعی خویش پایین می‌آید و خدمت می‌کند، برابر است با شایستگی کسی که با عشق از زندگی سخت به اوج پارسایی می‌رسد.
۸. می‌پرسید چرا نزد شما آمده‌ام؟ چون راه بازگشت به رحمی که از آن آمده‌اید را فراموش کرده‌اید؛ من آن راه را به شما نشان می‌دهم.
۹. راه، قانون من است و با پیروی از آن، روح به جاودانگی می‌رسد. من دروازه را نشان می‌دهم که راهی باریک است، همان‌گونه که قبلاً به شما گفته‌ام.
۱۰. شما که گوش می‌دهید باید راه را برای کسانی که حضور مرا معنوی پذیرفته‌اند، آماده کنید. این تقدیر است که تعلیمات مرا دریافت کرده و استعدادهای معنوی را در کسانی که بدون نیاز به واسطه احساس حضور من می‌کنند، پرورش دهید.

۱۱. من تو را مقدر کرده‌ام که نیکی را بر زمین گسترش دهی، که همان معنویت حقیقی است.
۱۲. آیا خود را ناتوان و بی‌اهمیت می‌دانی؟ یا بیش از حد ناپاک برای چنین وظیفه‌ای؟ دلیل آن این است که حکمت و رحمت مرا نمی‌شناسی و با حواس پاک، درس‌هایی که از طبیعت به تو داده‌ام نمی‌بینی.
۱۳. نمی‌بینی که چگونه پرتوهای خورشید همه چیز را روشن می‌کند و حتی آلوده‌ترین گودال‌ها را تبخیر می‌کند، آن را تصفیه کرده و به ابر تبدیل می‌کند که زمین را حاصلخیز می‌سازد؟
۱۴. روح خود را در حضو رمن از ناخالصی‌ها پاک کن و آزاد ساز. نترس، من تو را بهتر از خودت می‌شناسم و گناهانت را می‌بخشم؛ فقط من می‌توانم تو را قضاوت کنم.
۱۵. وقتی با پدرت آشتی کردی و سرود پیروزی در وجودت شنیدی، با آرامش پای سفره من بنشین و از غذای روح کلام من بخور و بنوش.
۱۶. بسیاری پس از نفرین کردن درد، با گریه نزد من می‌آیند. من اشتباهاتشان را می‌بخشم زیرا ناشی از جهل است.
۱۷. ای دانشجویان جوان، قلبتان را آرام کنید و ذهن خود را باز کنید تا آنچه می‌گویم درک کنید؛ وقتی درد در قلبتان آمد، برای مدتی تنها باشید، با روح خود صحبت کنید، درد را بپذیرید و بررسی کنید.
۱۸. غم و اندوه خود را بررسی کنید، بفهمید از کجا آمده و به صدای روح گوش دهید. از این تأمل، گنجینه‌ای از نور و آرامش برای قلب خواهید یافت.
۱۹. نور به شما نشان می‌دهد چگونه درد را برطرف کنید و آرامش به شما قدرت استقامت تا پایان آزمایش می‌دهد.
۲۰. باید برای تاب‌آوری ذهنی و جسمی تلاش کنید؛ زیرا بیماری‌ها هنوز در شما هستند به خاطر کمبود معنویت و ایمان که اجازه نداده بر رنج‌های زندگی غلبه کنید.

۲۱. آموزه‌های من نه تنها ایمان به قدرت خدا را می‌آموزد، بلکه به شما اطمینان به خودتان را نیز هدیه می‌کند.
۲۲. امروز می‌گویید «خدا در ماست»، اما بدون درک یا احساس آن، زیرا مادی‌گرایی مانع از فهم حضور من در درون شما شده است. اما وقتی معنویت وارد زندگی شما شود، حضور من را در هر انسان تجربه خواهید کرد؛ صدای من در وجدان‌ها طنین خواهد انداخت، قاضی درونی شنیده خواهد شد و گرمای پدر حس خواهد شد.
۲۳. این دستورالعمل وارد قلب شما می‌شود جایی که تصمیمات بهبود و احساسات والا زاده می‌شوند.
۲۴. اگر رنج کشیده و بسیار گریسته‌اید و آماده شده‌اید تا درهای قلبتان را به روی من باز کنید، به شما می‌گویم کسی که رنج بسیار کشیده، کفاره گناهان خود را پرداخته و بخشش را دریافت خواهد کرد.
۲۵. شما ای قوم، گریه می‌کنید چون در دل توبه‌کار عشق استاد را می‌یابید؛ به شما گفته شده بود که کسی با گناهی سنگین بخشیده نخواهد شد و گرفتار عذاب ابدی خواهدشد.
۲۶. اما چگونه توانستی عدالت الهی مرا چنین هولناک درک کنی؟ آیا ندیدی که چگونه از طریق عیسی نشان دادم لطیف‌ترین سخنان و نگاه‌هایم به سوی
گناهکارترین‌هاست؟ چگونه می‌توانستم در دنیا چنین آموزه‌ای بگویم و در ابدیت خلاف آن عمل کنم؟
۲۷. در لحظات سخت زندگی به این فکر آرامش کن که قانون کامل و حکیمانه من همه چیز را اصلاح خواهد کرد.
۲۸. من در درد تو بودم تا از طریق آن به دنبال من باشی. من تو را به فقر مبتلا کردم تا یاد بگیری درخواست کنی، فروتن باشی و دیگران را درک کنی.
۲۹. حتی نان روزانه‌ات را دریغ کردم تا نشانت دهم کسانی که اعتماد به نفس دارند مانند پرندگانی‌اند که نگران فردا نیستند؛ آنها سپیده‌دم را نشانه حضور من می‌دانند و پس از بیداری، با دعا و سپاسگزاری به استقبال روز می‌روند.
۳۰. گاهی می‌گویی: «اگر همه چیز داشتم و کمبودی نبود، در راه معنوی تو بودم.» اما بدان که انسان دمدمی مزاج است و تصمیمات امروزت از آنجا که هیچ نداری، اگر آنچه می‌خواهی داده شود، دارایی‌ات تغییر خواهد کرد.

۳۱. تنها عشق خدا به فرزندانش است که تغییرناپذیر و ابدی است.
۳۲. من از پیش می‌دانم که اگر تو را غرق نعمت‌های بی‌شمار کنم، هلاک خواهی شد، زیرا نقاط ضعف و انتخاب‌های تو را به خوبی می‌شناسم.
۳۳. وقتی گفتم از لذت‌ها دست بکش، تو حرفم را بد فهمیدی و فکر کردی که دیدن رنج تو برایم خوشایندتر از شادی‌ات است.
۳۴. من که پدرت هستم، چگونه ممکن است ترجیح دهم گریه تو را به لبخندت ببینم؟
۳۵. وقتی گفتم از لذت‌ها پرهیز کن، منظورم فقط آن‌هایی بود که برای روحت مضر یا بدن تو زیان‌آورند؛ اما باید به دنبال رضایت‌های مفید برای ذهن و قلب باشی که در دسترس تو هستند.
۳۶. حتی از تو نخواستم وقتی به اینجا رسیدی فقط به من ایمان بیاوری؛ خودم پیشی گرفتم، با شفای جسم، آرامش بخشیدن به روحت و انجام کارهای شگفت‌انگیز، تا دلیل و مدرک به تو بدهم.
۳۷. وقتی به من ایمان آوردی و با ایمان خود را وقف شریعت من کردی، وظیفه هر یک را نشان دادم تا از مسیر منحرف نشود و جز آنچه حقش است بپذیرد و به برادران و خواهرانش محبت کند، همان‌گونه که من به تو نشان داده‌ام.
۳۸. آیا همه که تدریس می‌کنند استاداند؟ آیا هر که خود را بندگان خدا می‌خواند فرستاده من است؟ آیا هر که در حکومت و فرماندهی است، توانایی انجام وظیفه دارد؟ نه، مردم! کم‌اند کسانی که واقعاً وظیفه خود را انجام می‌دهند؛ برخی موقعیتی را که حقشان نیست گرفته‌اند و کسانی که باید باشند تحقیر شده و حاشیه‌نشین شده‌اند.
۳۹. فکر نکن اگر کسی به حضور من ایمان نیاورد، احساس رنجش می‌کنم؛ چنین نیست، زیرا حقیقت من هرگز کاسته نمی‌شود. بسیاری به وجود خداوندی که شگفتی‌های جهان را آفریده شک کرده‌اند، ولی خورشید نور خود را از آن‌ها دریغ نکرده است.
۴۰. امروز درهای قلب و ذهن خود را به نور تعالیم من باز کن. با اعمال خود چگونه جلال مرا خواهی داد؟

۴۱. شما ساکتید؛ روح و جسمتان در برابر من خاموش است. سرخم کنید و فروتن باشید؛ اما من نمی‌خواهم فرزندانم در برابر من فروتن باشند، بلکه می‌خواهم شایسته باشند سرشان را بالا بگیرند و چهره‌ام را ببینند، زیرا نه بنده می‌خواهم و نه برده. من به سوی فرزندانم می‌روم تا با صدای پدرانه‌ام، روحشان را به تعالی معنوی برسانم.

۴۲. ای شاگردان عزیز، با دقت به کار من بنگرید، از دستورات من پیروی کنید و بدین‌گونه برای من شهادت دهید. مریم، مادر مهربانتان، نزدتان می‌آید و شما را پر از فیض می‌سازد، عشق کامل را به شما می‌آموزد و قلب‌هایتان را چشمه رحمت می‌کند تا کارهای بزرگ عشق را در میان همنوعان انجام دهید و حقیقت را بشناسید. او همکار من و در کنار کلام من، به عنوان مادر و شفیع، حضور دارد. او را دوست داشته باشید و نامش را بخوانید؛ مراقبتش همیشگی است.

۴۳. شما را قوم ماریان نامیده‌ام چون می‌دانید چگونه مادر الهی را دوست بدارید و تصدیق کنید، مانند کودکی مشتاق مهربانی یا گناهکاری که به دنبال شفاعت است، به سوی او می‌آیید.

۴۴. حضور مریم در جهان، گواهی عشق من به بشریت است. پاکی او معجزه‌ای آسمانی است که بر تو آشکار شده و از جانب من آمد تا بذر الهی زن، یعنی بدن عیسی، که «کلمه» از طریق او سخن می‌گوید، جوانه بزند. اکنون او خود را دوباره آشکار می‌کند.

۴۵. لازم است که قلب انسان پیام ارزشمند روح خود را بیاموزد، و پس از دانستن حقیقت، پرستش بت‌پرستانه و متعصبانه را ریشه‌کن کرده و عشق معنوی‌اش را به او تقدیم کند.

۴۶. برخی می‌گویند: «پروردگارا، چرا اجازه نمی‌دهی همه ما تو را ببینیم، مانند برادران و خواهرانی که شهادت می‌دهند تو را دیده‌اند؟»

۴۷. ای دل‌های ضعیف که برای ایمان نیازمند دیدن هستید! چه شایستگی در دیدن عیسی به شکل انسان دارید، در حالی که روح‌تان می‌تواند مرا با عشق، ایمان و احساس، بی‌کران و در ذات الهی‌ام درک کند؟

۴۸. هنگامی که به کسانی حسادت می‌کنید که موهبت درک امور معنوی را در قالب‌ها یا نمادها دارند، اشتباه می‌کنید؛ زیرا آنچه می‌بینند دقیقاً الهی نیست، بلکه نمادی است که به آنها در فهم امور معنوی کمک می‌کند.

۴۹. از هدایای خود رضایت داشته باشید و شهادت‌هایی را که دریافت می‌کنید بررسی کنید، همیشه به دنبال معنا، نور، آموختن و حقیقت باشید.
۵۰. هرگز آموزه‌هایم را تحریف نکن. تأثیر مرا چون کتابی پاک حفظ کن، و وقتی سفرت را به پایان رساندی، تو را خواهم پذیرفت. به لکه‌های روحت نگاه نخواهم کرد و بوسه الهی‌ام را که بزرگ‌ترین پاداش در سرزمین موعود است به تو خواهم داد؛ زیرا بذرهایی به تو داده‌ام تا در مزارع حاصلخیز بکنی و آن را چند برابر سازی.
۵۱. عزیزان، مسئولیت خود را بسنجید، بدانید هر روزی که از دست می‌دهید، روزی است که مژده‌ام را به قلب همنوعانت تأخیر می‌اندازد - درسی که از دست می‌دهی برابر است با نان کمتر برای نیازمندان.
۵۲. شما از قبل طعم میوه این درخت را می‌دانید، و هشدار می‌دهم که فریب پیامبران دروغین را نخورید؛ همچنین باید با آموزش به همنوعانت، مراقب باشید تا جوهره تعالیم من را بشناسند.
۵۳. نوشته شده است پس از رفتنم، پیامبران دروغین قیام خواهند کرد و به قوم من می‌گویند فرستادگان من‌اند و به نام من می‌آیند تا آنچه میان شما کرده‌ام ادامه دهند.
۵۴. وای بر شما اگر مقابل پیامبران و معلمان دروغین سر تعظیم فرود آورید، یا کلماتی بدون معنویت به تعالیم من اضافه کنید، که موجب سردرگمی عظیم خواهد شد! پس همیشه می‌گویم: «بیدار باشید و دعا کنید.»
۵۵. اگر آماده نباشید، صداهای نامفهومی به گوشتان خواهد رسید که شما را گیج می‌کند و سپس شما دیگران را نیز گیج خواهید کرد.
۵۶. هشدار می‌دهم وقتی این مکاشفه‌ها تمام شود، تلاش نکنید آنها را ادامه دهید؛ زیرا این‌ها ارواح نور نیستند، بلکه موجودات گیجی‌اند که می‌خواهند آنچه ساخته‌اید نابود کنند.
۵۷. کسانی که خود را آماده کنند، نه جویای برتری بلکه دنبال مفید بودن‌اند، با صبر و بردباری منتظر می‌مانند و به روشنی دستورالعمل‌های من را می‌شنوند؛ این دستورالعمل‌ها از طریق الهام، شهود، پیشگویی، دعا، رؤیاهای معنوی و نبوی به آن‌ها می‌رسد.

۵۸. امروز شما به این فرستادگان نگریسته‌اید که در خلسه با شما سخن می‌گویند، و گرچه کفر برخی زیاد است، تصور می‌کنید وحی من از طریق این واسطه‌ها امکان‌پذیر است. اما زمانی که مردم شاگردان مرا در حالت عادی ببینند که آیات الهی را اعلام می‌کنند، شک خواهند کرد.

۵۹. در جامعه‌ات، کسانی که شک دارند وقتی سخنان تو را که از الهام من است می‌شنوند برمی‌خیزند و تو برای یافتن ایمان به آمادگی و پاکی معنوی فراوان نیاز خواهی داشت.

۶۰. اگر در سفرهایت افرادی را دیدی که با رفتار یا افکارشان عقب‌ماندگی معنوی را به واسطه الهامات من نشان می‌دهند، ناامید مشو؛ باید بدانی همه مردم هرگز کاملاً هماهنگ نیستند. اطمینان داشته باش که من پیش‌تر کلماتی گذاشته‌ام تا در زمان مناسب آنها را بیدار کند.

۶۱. کلماتی که اکنون نمی‌توانی بفهمی، همان‌هایی است که آن افراد خواهند فهمید.

۶۲. بدون تعصب ایمان داشته باش و عمل کن. برخیز و خود را در جایگاهی قرار بده که بتوانی به همه همنوعانت، بدون توجه به عقاید و آموزه‌ها، آموزش دهی.

۶۳. از کمک به نیازمندان هیچگاه دریغ نکن.

۶۴. انجام کار نیک را صرفاً به خاطر عبادتی ناقص توصیه نکن؛ بگذار فداکاری تو قلب آنها را تسخیر کند. خودت را در گروه‌ها منزوی مکن و فعالیتت را محدود نساز. برای هر روح نوری و در هر دردی مرهم باش.

۶۵. اگر به خاطر پیروی از دعوت من، همنوعانت با تحقیر سخن گفتند، گوش‌هایت را ببند و ساکت باش؛ آنها نادان‌اند. اگر این را فرصتی برای قضاوت آنان قرار دهی، وای بر تو؛ زیرا تو با نور روحت روشن شده‌ای و می‌دانی چه می‌کنی.

۶۶. بنابراین، قوم من، انتظار نداشته باشید همه مانند تو فکر و باور کنند. هرگز نباید کسی را که به تو گوش نمی‌دهد یا نصیحتت را نمی‌پذیرد، محکوم یا مجازات کنی. باید به همه همنوعانت با احترام عمیق و خیرخواهی معنوی نگاه کنی. آن‌گاه خواهی دید هر کس براساس ظرفیت معنوی خود، در مسیرش به جایی رسیده که تو او را می‌بینی.

۶۷. اکنون به تو می‌گویم که تو چیزی برتر از دیگران نیستی، و این تصور که خود را موجودی ممتاز می‌دانی، اشتباه است؛ زیرا خالق با عشق بی‌پایانش هیچ مخلوقی را برتر ندانسته است.
۶۸. این را می‌گویم چون فردا باید آموزه‌ای را که برایت آورده‌ام برای همنوعانت شرح دهی، و نمی‌خواهم که به عنوان موجودات برتر جلوه کنید، یا اینکه کسی گمان کند فقط شما شایسته شنیدن کلام من هستید.
۶۹. شما باید برادران و خواهرانی فهمیده، فروتن، ساده‌دل، سخاوتمند و مهربان باشید.
۷۰. باید قوی باشید اما متکبر نشوید تا ضعیفان را تحقیر نکنید. اگر دانش بسیاری نسبت به آموزه‌های من دارید، هرگز به آن فخر نورزید تا همنوعانتان کوچک نشوند.
۷۱. حتی در میان کارگران من، کسانی بودند که بدون درک آموزه‌ها، خود را برتر و شایسته تحسین می‌دانستند و باور داشتند موهبتی معنوی دارند. آیا می‌توان گفت ذهن بسیار تکامل‌یافته به برتری‌جویی افتخار می‌کند در حالی که فروتنی و نیکوکاری از ویژگی‌های بنیادین اوست؟
۷۲. به یاد داشته باش که قبلاً گفتم شما مانند گیاهان انگلی نیستید. راضی نباش به اینکه کاری بد انجام ندهی، بلکه رضایتمندی در انجام کار نیک پیدا کن. کسی که کار نیک نمی‌کند حتی اگر می‌تواند، بیشتر از کسی که به خاطر ناتوانی بد می‌کند، بدی کرده است.
۷۳. ای فرزندان عزیز من که چون گوسفندان گمشده فریاد می‌زنید و با صدای ترسان چوپانتان را می‌طلبید! وقتی چشم بر واقعیتی که شما را احاطه کرده می‌بندی، فکر می‌کنی که من علت بدبختی‌های شما هستم؛ برخی می‌پندارند رفاه یا بدبختی آنان برای من بی‌اهمیت است.
۷۴. چقدر ناسپاسید که چنین درباره پدرتان می‌اندیشید و چقدر ناعادلانه درباره عدالت کامل من قضاوت می‌کنید!
۷۵. آیا وقتی می‌گویی فقط از تلخی‌ها تغذیه می‌کنی و دنیایی بی‌سرور داری، ناراحتی من را نمی‌شنوی؟
۷۶. تو مرا فقط وقتی حس می‌کنی که باور داشته باشی مرا تنبیه می‌کنم و رحمت را از تو دریغ می‌دارم؛ مهربانی پدرت را فراموش می‌کنی؛ به جای تشکر از نعمت هایش
۷۷. دلیلش این است که تو چشمانت را می‌بندی، خود را از حقیقت محروم می‌کنی و فقط رنج و اشک می‌بینی و ناامید می‌شوی چون می‌پنداری که همه چیز بی‌پاداش باشد.

۷۸. زندگی‌ات چقدر متفاوت می‌شد اگر به جای سرکشی و درک نکردن، اولین فکر هر روزت برکت دادن به پدرت بود و نخستین کلماتت سپاسگزاری برای نعمتی که عشق او به تو عطا کرده است!
۷۹. اما اکنون قادر به احساس این فضایل نیستی، چون «جسم» روح تو را فاسد کرده و آموزه‌هایم را فراموش کرده‌ای؛ بنابراین من با تو از آن احساسی سخن می‌گویم که از قلب‌هایت بیرون رانده شده‌اند.
۸۰. تو گناه کرده‌ای، زناه کرده‌ای و اعمال ناپسند انجام داده‌ای، ولی وقتی با حقیقت کلام من روبرو می‌شوی که گناهانت را آشکار می‌کند، برخلاف حقیقت، اعمال زشتت را فراموش کرده و پروردگاری را ظالم می‌پنداری که درباره آزمایش‌ها و کفاره‌ها سخن می‌گوید.
۸۱. شما، ای شاگردان عزیز، آزمون‌های سختی دیده‌اید. هر آزمایش رازی در دل خود دارد که نمی‌دانید آیا برای تقویت شماست، برای آشکار کردن چیزی، یا جبران گناهی؛ اما هرگز در مواجهه با آزمایش‌ها عقب‌نشینی نکنید، چون آنها فراتر از توان معنوی و اخلاقی شما نیستند.
۸۲. چرا بسیاری می‌ترسند که سرنوشتشان با درد، مجازات یا بدبختی نوشته شده باشد؟ چگونه می‌توان باور کرد که کسی که شما را بسیار دوست دارد، راهی پر از خار پیش پایتان نهاده است؟ حقیقت این است که مسیر ناروا و پر بدبختی، همان راهی است که خود انتخاب می‌کنید گمان کنید شادی و خوشبختی در آن است، اما از مسیر درست و سرشار از صلح و رفاه منحرف شده‌اید.
۸۳. این مسیری که من به شما نشان می‌دهم، از آغاز آفرینش برای روح شما مقدر شده است تا در نهایت خواسته‌هایتان در آن تحقق یابد.
۸۴. شما به صورت سطحی قضاوت می‌کنید، مانند کودکان، و نمی‌فهمید که دردها و آزمایش‌ها نتیجه کار خود شماست. هنگامی که رنج می‌کشید، آرزو می‌کنید که سرنوشت تغییر کند.
۸۵. چون نمی‌توانید به عمق واقعیات معنوی نفوذ کنید، نمی‌دانید که هر آنچه برداشت می‌کنید، خود کاشته‌اید و هر درد و رنجی که می‌بینید خودتان بر خود وارد کرده‌اید.
۸۶. شما نمی‌دانید چگونه حقیقت را درک کنید، و وقتی دردت را می‌بینی، خودت را قربانی بی‌عدالتی می‌پنداری؛ اما من به تو می‌گویم که کوچک‌ترین بی‌عدالتی در حق خدا وجود ندارد.

۸۷. عشق به خدا تغییرناپذیر، ابدی و لایتغیر است. بنابراین، هر کسی که گمان کند روح الهی می‌تواند گرفتار خشم و غضب شود، بسیار در اشتباه است. این ضعف‌ها فقط زمانی در انسان‌ها ظاهر می‌شود که معنویت آنان هنوز به کمال نرسیده و توان کنترل احساساتشان را ندارند.
۸۸. گاهی به من می‌گویید: «پروردگارا، چرا باید پیامد کارهایی را بپردازیم که مال ما نیست و چرا میوه تلخی را بچینیم که دیگران کاشته‌اند؟» در پاسخ باید بدانید که نمی‌دانید قبلاً چه کسی بوده‌اید و چه کرده‌اید.
۸۹. عزیزان، قلب شما از این که در «عصر سوم» شاگردان من هستید، لبریز رضایت است، اما هرگز اجازه ندهید غرور شما را کور کند. اگر تسلیم آن شوید، دیگر به وجدان خود گوش نمی‌دهید وقتی با گناهانتان مواجه می‌شوید. کسی که پاکسازی و پالایش زندگی‌اش را آغاز نکند، نمی‌تواند انتظار پیشرفت معنوی داشته باشد، زیرا راهش گمراه خواهد شد و اعمالش هیچ بذری از حقیقت نخواهد داشت.
۹۰. پس بدانید که در درس‌هایم گاهی به نصیحت معنوی می‌پردازم تا شما در زندگی انسانی به درستی رفتار کنید. با قلب شما سخن می‌گویم، آن را به تجدید حیات تشویق می‌کنم و نشان می‌دهم رذایل چه آسیبی به بدن و روح می‌زنند.
۹۱. گفته‌ام کسی که اجازه می‌دهد رذیلت بر او مسلط شود، فراموش کرده روح باید شکست ناپذیر باشد؛ قدرت واقعی در غلبه بر شر به واسطه فضیلت است.
۹۲. انسانی که مغلوب نفس خود شده، خود را خوار کرده، به عزت نفسش ضربه زده و از مقام بلند انسانی خود به موجودی بزدل سقوط کرده است که برای مبارزه ناتوان است.
۹۳. چنین فردی نور، نان و شراب را به خانه نمی‌آورد، بلکه سایه‌ها، رنج و مرگ را به ارمغان می‌آورد؛ بار سنگینی بر صلیب خود، همسر و فرزندانش می‌گذارد و مانع رشد معنوی اطرافیانش می‌شود.
۹۴. بدانید هر کس راه نادرست را ترک کند، از قدرت شر می‌کاهد؛ زندگی درستکار شما در گفتار، عمل و اندیشه، بذرهای نیکویی در مسیر خواهد کاشت؛ نصیحتی که از قلب پاک می‌آید، قدرت معجزه دارد؛ و دعایی که با دلسوزی و عشق ساخته شود، چراغ راهی برای کسی خواهد بود که برایش دعا می‌کنید.

۹۵. اینجا در کنار من، خود را از هر لکه و آلودگی روحی پاک می‌کنید. ای کاش می‌توانستید این پاکی را در تمام عمر خود حفظ کنید! اما این فضای مقدس معنویت و برادری که در همین ساعات آموزش و همراهی خلق می‌کنید، در دنیایی که تنفس می‌کنید حکم‌فرما نیست.
۹۶. با این حال، شما احساس کرده‌اید که وقتی آموزه‌هایم را می‌پذیرید، هر حلقه از زنجیری که شما را به این جهان پیوند داده، به تدریج از شما دور می‌شود و رها می‌شوید.
۹۷. همیشه هوشیار باش؛ چرا که در مسیرت افرادی خواهند بود که می‌گویند از جانب من‌اند، اما نخست با دیده شک نگاه کن و باور کن به آنچه با فروتنی حاصل می شود.
۹۸. برخی خواهند گفت با من در ارتباط‌اند، ولی خود نخستین کسانی‌اند که در فریب گرفتار شده‌اند. پس باید همواره بیدار و هوشیار باشی، مراقب مقام و وظیفه‌ات؛ چشمان و گوش‌هایت را باز نگه دار و پر از بخشش باش.
۹۹. فعال بمان و نگذار که خوابی غفلت‌بار تو را در بر گیرد! آیا می‌خواهی بگذاریشان تو را در خواب تعقیب کنند؟ آیا می‌خواهی دوباره به بت‌پرستی بازگردی؟ آیا می‌خواهی منتظر بمانی که آموزه‌های بیگانه با زور به توتحمیل شوند؟
۱۰۰. مراقب باش، چون پیامبران دروغین از شرق ظاهر خواهند شد و ملت‌ها را به آشوب خواهند کشید. متحد شوید تا صدایتان در سراسر جهان طنین‌انداز شود و انسانیت را به موقع هشدار دهد.
۱۰۱. مصائب بزرگ در پیش است؛ در برابر درد و فجایع هوشیار باشید و دعا کنید. بسیاری از رنج‌ها تسکین خواهند یافت و برخی نیز به لطف دعای بندگان، متوقف خواهند شد.
۱۰۲. وقتی گروه‌های فرقه‌ای دیگر ببینند که جمع زیادی از مردم از شما پیروی می‌کنند، کسانی از آن فرقه‌ها که به شما آسیب می‌رسانند قیام خواهند کرد. اما نترسید، اگر آرامش خود را حفظ کنید، روح‌القدس سخنان نورانی را بر زبان‌هایتان خواهد نهاد که دشمنان را خاموش می‌کند.
۱۰۳. من شمشیری مقتدر برای کشتن به تو نمی‌دهم، بلکه شمشیر عشق را می‌سپارم. هر پرتوی نور از آن، فضیلتی است که ساطع می‌شود.
۱۰۴. اگر با سخنانت دشمنان کار من را وادار به پیروی کنی، و با اعمال محبت‌آمیزت آنان را به سوی من هدایت نمایی، چقدر نزد پدر فیض خواهی یافت؟
۱۰۵. این آموزه‌ای است که بار دیگر به تو می‌دهم، آموزه‌ای که پیش‌تر بوده و اکنون دوباره به یاد آورده‌ای.

۱۰۶. ذهن انسان هنگام تلاش برای درک آموزه معنوی تثلیث-مریم دچار سردرگمی و پریشانی می‌شود، زیرا انسان مادی در مواجهه با امور معنوی ناتوان است.
۱۰۷. چند نفر از شما که سر سفره من نشسته‌اید، غذایی را که با عشقی بی‌پایان به شما تقدیم کرده‌ام، بدون آنکه حتی دست بزنید رها کرده‌اید؟ چند بار دیگر فرصت فیضی مانند اکنون را خواهید داشت، زمانی که امتیاز آمدن به زمین و شنیدن کلام من به شما اعطا شده است؟
۱۰۸. شما مانند سنگ‌های سخت و غیرقابل نفوذ هستید که به طوفان و گذر زمان برای نرم شدن نیاز دارید. میراث معنوی‌تان تا وقتی که ندانید چطور از آن محافظت کنید و قدرش را بدانید، از شما محروم خواهد ماند. اما دوباره به دست خواهید آورد، زیرا هر چیزی که پدر به فرزندانش می‌دهد، از آنها گرفته نمی‌شود، بلکه محفوظ میماند.
۱۰۹. برخی از شما با تعلیم من دگرگون و آماده خواهید شد تا بتوانید کسانی را که در بیابان گم شده‌اند بیابید. من زندگی بشر را همانند بیابانی وسیع می‌بینم؛ میلیون‌ها روح که در آن سرگردان، تشنه و تنها هستند، بدون آنکه کسی به آنها جرعه‌ای آب دهد.
۱۱۰. می‌خواهم نامم دوباره با عشق در میان برخی بانگ زده شود و توسط برخی دیگر با قلبی احساس شود. می‌خواهم کسانی که مرا نمی‌شناسند، بشناسند. افراد زیادی - سالمندان، زنان و کودکان - هنوز از وجود من آگاه نیستند. می‌خواهم همه من را بشناسند.
۱۱۱. کلام من بر خودخواهی شما تأثیر گذاشته است، و به همین دلیل گفته‌ام که باید آنچه به شما می‌دهم را به همنوعانتان منتقل کنید. اما بیشتر تمایل دارید از سخنان من لذت ببرید بدون آنکه تعهدی به دیگران حس کنید.
۱۱۲. استاد شما شما را فراخوانده نه برای آموختن دستورالعمل‌های بی‌ثمر، بلکه برای یادگیری درسی الهی که بتوانید در زندگی به کار برید و به دیگران یاد دهید.
۱۱۳. اکنون به تو می‌گویم که روحت بدهی دیرینه‌ای به هر کسی دارد که با رنج یا نیاز نزد تو آمده است. بنگر چگونه آنها را در مسیر زندگی‌ات قرار می‌دهم .
۱۱۴. این کار را به انجام رسان، تا نیازی نباشد بار دیگر در درد و رنج به زمین بازگردی و ثمره اشتباهات و خودخواهی‌های خود را درو کنی. مأموریتت را به پایان برسان؛ آنگاه خواهی بازگشت، اما در زمان صلح و برای مراقبت از بذرهایی که کاشته‌ای تجدید نیرو خواهی کرد. اکنون موسی تو را هدایت نخواهد کرد همان‌گونه که در "زمان‌های اولیه" می‌کرد؛ وجدانت راهنمایت خواهد بود.

۱۱۵. بسیاری در این جمع هستند که در زمان‌های گذشته معلم شریعت یا محقق بوده‌اند. اکنون ذهنشان به سوی دانش معنوی بیدار شده و آگاه شده‌اند که حقیقت برتر را نمی‌توان در دانش محدود بشری یافت.
۱۱۶. این افراد در زمان‌های پیشین بر زمین دارای قدرت و ثروتی عظیم بودند، اما اکنون فقر و ذلت را تجربه می‌کنند. من آن‌ها را به خاطر تسلیم و آرزویشان برای کمال برکت می‌دهم. این بیداد عدالت عاشقانه من است، چون آن‌ها را بازگرداندم تا صفحه‌ای تازه از کتاب حکمت ابدی را بیاموزند.
۱۱۷. دنیا شادی‌های بسیاری به شما می‌دهد؛ برخی را من آفریدم و برخی را بشر. اما شما تجربه کرده‌اید که نمی‌توانید همه آن‌ها را به دست آورید و این باعث شورش در بعضی و اندوه در برخی دیگر شده است.
۱۱۸. باید بگویم که در این زمانه بسیاری از مردم از برخی لذت‌ها و رضایت‌های «...» محروم‌اند؛ برخی به خواب عمیق فرو می‌روند یا هلاک می شوند زیرا وظیفه‌ای متفاوت بر دوش دارند.
۱۱۹. به حقیقت به تو می‌گویم که حتی یک روح در میان بشریت نیست که همه لذت‌ها را تجربه نکرده و همه میوه‌ها را نچشیده باشد. اما امروز روح تو به زمین آمده تا آزادی عشق ورزیدن به من را بچشد و بردگی دنیا، طلا، شهوت یا بت‌پرستی را رها کند.
۱۲۰. نگاه کنید به مردم، اقوام و ملت‌ها که چگونه جان خود را فدای آرمان خود می‌کنند. آنها در آتش نبردهایشان می‌سوزند، در حالی که رویای شکوه زودگذری زمین، دارایی‌ها و قدرت را در سر می‌پرورانند. آن‌ها برای لذات موقتی می‌میرند.
۱۲۱. اما شما که در حال روشن نگه داشتن شعله‌ای الهی در روح خود هستید، که هدف آن رسیدن به شکوه ابدی است، آیا برای انجام وظایف انسانی خود، زندگی‌تان یا دست‌کم بخشی از آن را فدا نخواهید کرد؟
۱۲۲. بالای سرتان نبردی نامرئی جریان دارد که تنها افراد آماده قادر به درکش هستند. تمام شرارت‌هایی که در فکر، گفتار و کردار مردم ریشه دارند؛ تمام گناهان قرون، ارواح سرگردان انسانی و اخروی؛ خطاها، بی‌عدالتی‌ها، تعصبات مذهبی و بت‌پرستی؛ تلاش‌های پوچ و جاه‌طلبانه آن‌ها تبدیل شده به نیرویی قدرتمند که همه چیز را می‌شکند، تصرف می‌کند و به اوضاع معکوس می‌کند و این قدرت مخالف مسیح است. ارتش‌های آنان بزرگ و سلاح‌هایشان قوی است، اما هدفشان نه .

۱۲۳. من با شمشیر عدالت خود با این لشکرها می‌جنگم و در این نبرد، که شما نیز به اراده من بخشی از آن خواهید بود، در کنار لشکرم قرار خواهم گرفت.
۱۲۴. هرچند این نبرد کسانی را که در پی لذت‌های زودگذرند پریشان می‌کند، تو که موهبت درک وقایع آخرت را داری، باید بیدار بمانی و برای برادرانت دعا کنی، زیرا با این کار از خودت نیز مراقبت می‌کنی.
۱۲۵. مسیح، جنگجوی شهریار، شمشیر عدالت خویش را از نیام کشیده است تا شر را همچون داس از ریشه قطع کند و با پرتوهای الهی خویش در جهان نور بیفشاند.
۱۲۶. وای بر جهان و بر شما اگر لب‌هایتان خاموش باشد! شما فرزندانی روحانی از نسل یعقوب هستید و من به او وعده دادم که از طریق شما ملت‌های زمین نجات خواهند یافت و برکت خواهند دید. من شما را به خانواده‌ای متحد تبدیل خواهم کرد تا در قدرت و وحدت ایستاده باشید.
۱۲۷. می‌دانم که کارهای بزرگی در این قوم انجام شده است، و همین که من می‌دانم، برایم کافی است، حتی اگر نام شما در جهان ناشناخته باقی بماند.
۱۲۸. من تنها میزان واقعی خدمت و ارزش کارهای شما را می‌شناسم، زیرا شما خود نیز گاهی نمی‌توانید قضاوت درستی درباره اعمالتان داشته باشید. گاه عمل کوچکی نزد شما بزرگ جلوه می‌کند و درباره دیگران شاید حتی متوجه نشوید که شایستگی آنان نزد من رسیده است.
۱۲۹. ای جمعیت عظیم که سخنان مرا گوش داده‌اید، کی از انزوا و ناشناختگی بیرون خواهید آمد؟ آیا به خاطر ترس از رویارویی که در راه است، عمداً آماده‌سازی خود را به تعویق می‌اندازید؟ به تو می‌گویم تنها کسی که از نظر معنوی آماده نیست، می‌ترسد. کسی که کلام مرا می‌داند و خدا و همسایه‌اش را دوست دارد، چیزی برای ترسیدن ندارد، بلکه به دنبال دیدار با مردم است تا دریافت‌های خود را با آنان به اشتراک بگذارد.
۱۳۰. این پیام برای همه ادیان، همه فرقه‌ها و جوامع ایمانی و روش‌های مختلف رهبری مردم، نوری درخشنده است. اما ای شاگردان، شما با کلام من چه کرده‌اید؟ آیا می‌خواهید درخت را به این گونه شکوفا کنید؟ بگذارید شکوفا شود، زیرا شکوفه‌ها نوید می‌دهند که میوه‌های شیرین خواهد داد.
۱۳۱. چرا این پیام‌ها را پنهان می‌کنید و با این مژده و شگفتی عصر نوین را به جهان اعلام نمی‌کنید؟ چرا جرأت ندارید به مردم بگویید که صدای مسیح در درون شما طنین دارد؟ با اعمال عاشقانه‌تان تعالیم مرا بیان کنید و به آنها شهادت دهید؛ زیرا اگر برخی گوش‌هایشان را بسته‌اند تا صدای تو را نشنوند، دیگران گوش خواهند سپرد.

۱۳۲. بشریت در انتظار شاگردان جدید من است؛ اما اگر شما، کارگران من، از ترس نگاه دنیا، بذر و ابزار کشتزار را رها کنید، چه سرنوشتی در انتظار این بشریت خواهد بود؟ آیا نمی‌دانید مسئولیت رسالت خود را بر دوش دارید؟
۱۳۳. وجدان شما هیچ‌گاه شما را فریب نمی‌دهد و همیشه به شما نشان خواهد داد که آیا وظیفه‌تان را انجام داده‌اید یا خیر. ناآرامی‌هایی که در درون خود تجربه می‌کنید نشانه آن است که از دستورهای من پیروی نکرده‌اید.
۱۳۴. گاهی شکایت می‌کنید که تعداد پیروان تعالیم من با کندی افزایش می‌یابد. اما من به شما می‌گویم که به خودتان شکایت کنید، زیرا وظیفه شما گسترش و افزونی این جمعیت ایمانی است. اما اگر ایمان در قلبتان ضعیف باشد، اگر توانایی‌های معنوی شما رشد نکرده باشد، اگر نور دانش معنوی در ذهن‌تان تاریک باشد، چگونه می‌توانید کافر را به ایمان و عشق دعوت کنید؟
۱۳۵. کسی که نمی‌فهمد، راه درک را نمی‌شناسد؛ کسی که احساس نمی‌کند، هیچ احساسی را در دیگران بر نمی‌انگیزد. اکنون درباب چرا وقتی در برابر ضرورت شهادت دادن به کلام من ایستادی، زبانت بند آمد و لکنت گرفتی.
۱۳۶. کسی که عشق می‌ورزد، نیازی به لکنت زبان ندارد؛ کسی که ایمان دارد، از هیچ چیز نمی‌ترسد. کسی که احساس را در درون خود دارد، فرصت‌های بسیاری برای اثبات صداقت و راستی خود خواهد یافت.
۱۳۷. امروز می‌خواهی بگویی چرا اسرائیلی هستی ولی حرف قابل قبول و مستدلی نداری؛ می‌خواهی توضیح دهی چرا به معنویت باور داری اما کلمات کافی برای بیان نداری. می‌کوشی شرح دهی که توانایی‌ها و استعدادهای معنوی‌ات از چه چیزهایی تشکیل شده‌اند، ولی شواهد قانع‌کننده و نشانه‌های پیشرفت معنوی نداری. اما هرگاه صعود معنوی‌ات به ثمر برسد، کلمات مناسب به سراغت خواهند آمد؛ چرا که به وسیله اعمال عاشقانه‌ات نشان خواهی داد که که هستی، چه کسی به تو آموخته است و به کجا می‌روی.
۱۳۸. به شما می‌گویم: برای انتشار این مژده منتظرید چه چیزی هستید؟ آیا می‌خواهید بر روی ویرانه‌ها نبوت کنید؟ من همه چیز را به شما گفته و روشن می‌کنم تا همیشه برای هر سؤالی که همنوعانتان از شما می‌پرسند، پاسخی خردمندانه داشته باشید. به یاد داشته باشید که با استدلال‌های سخت و جدی، کسانی که آماده نیستند را ترسانده و مورد هجوم قرار خواهید گرفت.

۱۳۹. کلام مرا بر دل‌های خود حک کنید و معجزات بزرگی را که به شما عطا کرده‌ام فراموش نکنید، تا هر یک از شما شاهد زنده‌ای بر حقیقت من باشید. آنگاه کسانی که شما را بیازمایند و کلام مرا غربال کنند، خواهند دانست که هیچ تناقضی با آنچه پیش‌تر به شما گفته‌ام ندارد.
۱۴۰. نبردی عظیم در پیش است که برخی از شاگردان من به‌دلیل ترس سرکوب شده و مرا انکار خواهند کرد، ادعا می‌کنند هرگز صدای مرا نشنیده‌اند.
۱۴۱. کسانی که به فرامین من وفادار بمانند و با این نبرد روبرو شوند، من آن‌ها را به ردایی خواهم پوشاند که از آن در برابر هجمه‌ها دفاع کنند و از هر بحران جان سالم به در برند.
۱۴۲. هر که این بذر را ضعیف بکارد یا نیت خالص نداشته باشد، هر لحظه با قضاوت، آزار و ناآرامی روبرو خواهد شد. هر انسانی می‌تواند از طعم میوه‌ای که کاشته، کیفیت آن را تشخیص دهد.
۱۴۳. من شگفتی‌های بزرگی برای دوران مبارزه معنوی قومم آماده کرده‌ام؛ کارهایی که حتی دانشمندان و محققان را شگفت‌زده خواهد کرد. هرگز شما را تنها نخواهم گذاشت. اگر مردم شما را مسخره کردند دلسرد نشوید، به یاد آورید که در "عصر دوم" نیز استاد شما توسط مردم مسخره می‌شد.
۱۴۴. به راستی به شما می‌گویم که دنیا علیه شماست و من شما را آماده کرده‌ام تا با سلاح عشق و رحمت از ایمان خود دفاع کنید. شما پیروز خواهید شد، حتی اگر پیروزی‌تان دیده نشود.
۱۴۵. درد و تحقیر خواهید دید، هرچند قربانی خونین نخواهید بود؛ ولی استاد آنجا خواهد بود تا از شما دفاع کرده و تسلی دهد، زیرا هیچ شاگردی رها نخواهد شد.
۱۴۶. ای مردم، دیگر به فساد عادت نکنید؛ بدون لاف زدن به پاکی، با آن مبارزه کنید و از ناخالصی‌ها و کاستی‌های همنوعان‌تان ناراحت نشوید. در گفتار و کردار خود سنجیده و خیرخواه باشید و جهان به سخنان شما گوش فرا خواهد داد. آیا لازم است بار دیگر بگویم که پیش از اینکه آموزه‌ها را منتقل کنید، باید آن‌ها را زندگی کنید؟
۱۴۷. لازم است قوم من میان ملت‌ها ظاهر شوند و چون سربازان صلح، در میان کسانی که دوباره از آموزه‌های الهی برای نزاع و آسیب استفاده کرده‌اند، نمادی از برادری، هماهنگی، نیکوکاری و تفاهم باشند.
۱۴۸. به یاد داشته باشید که همه شما یک خدا را دوست دارید و نگذارید تفاوت‌های ظاهری مانع تفاهم و محبت شود.

۱۴۹. باید بیاموزی که برخی موجودات چنان در باورها، سنت‌ها و آداب خود ریشه دارند که تغییر آن‌ها به سادگی امکان‌پذیر نیست. صبر پیشه کن و در گذر سال‌ها به درک این موضوع خواهی رسید.
۱۵۰. با نزدیک شدن به پایان سال ۱۹۵۰، بسیاری در دل خود دچار تردید و عدم قطعیت خواهند شد.
۱۵۱. چرا برخی به وحی‌های من که از هوشی برتر نسبت به آنانکه به شهادت من ایمان دارند برخوردارند شک می‌کنند؟ زیرا دانش و عقل بشری قادر به سنجش کامل حقیقت من نیست، و هنگامی که انسان این را بفهمد، از هرچیز نو و ناشناخته ترسیده و ناخودآگاه آن را رد می‌کند.
۱۵۲. اما شما، ای کسانی که ظاهراً ناتوانید، کسانی که نمی‌توانید به اوج هوش انسان‌های بزرگ برسید، کسانی هستید که ایمان دارید و می‌توانید در اسرار روحانی عمیق شوید. چرا؟ چون روح حیات جاودان را آشکار میکند.
۱۵۳. هوش انسانی نیرویی است که اکنون در مقابل آن به مبارزه خواهید پرداخت، چون انسان با آن ایده‌ها و مفاهیم معنوی را ساخت که روح مستقیماً به او روشن نکرده است.
۱۵۴. باید برای این نبرد قوی باشید، با قدرتی که از روح سرچشمه می‌گیرد. قدرت شما بر جسم، پول یا تجهیزات دنیوی متکی نخواهد بود؛ تنها ایمان در درونتان به حقیقت زنده است که به شما پیروزی می‌بخشد.
۱۵۵. اگر به گمراهی و فتنه متهم شوی، نترس؛ دست یاری خویش را به همه دراز کن. بدان که آنچه برای تو درست است ممکن است برای دیگران به‌دلیل تقدسی که به افراد مذهبی می‌دهند، نادرست جلوه کند.
۱۵۶. اگر به من ایمان داری و باور داری که خود را در سخنان حاملان این صدا آشکار می‌کنم، از قضاوت دیگران نترس. آموزه‌هایم چنان شفاف و پیامم پر از حقایق است که در صورت استفاده از آنها شکست نخواهید خورد.
۱۵۷. هیچ کس نمی‌تواند تو را به خاطر جستجوی پرتلاش حقیقت و کمال محکوم کند. همه شما حق مقدسی دارید و به همین دلیل آزادی داده شده‌اید تا به سوی نور تلاش کنید.
۱۵۸. زمانی که مأموریت خود را شروع می‌کنی و به سوی ملت‌ها، حتی دورترین و ناشناخته‌ترین مردمان می‌روی، وقتی به جنگل‌های بکر می‌رسی، با انسان‌ها روبرو خواهی شد و باید به آن‌ها بگویی که همه شما برادر هستید و گواه بر آموزه‌های معنوی من باشی.

۱۵۹. در آن سرزمین‌ها، میان مردمی که از تمدن جدا شده‌اند اما هنوز از فساد انسانی فاصله دارند، روح‌های بزرگی را خواهی یافت که مقام قوم اسرائیل را بالا خواهند برد.
۱۶۰. بیماران در مسیر تو مرهم شفابخش را خواهند یافت و شفا خواهند گرفت، دردمندان برای آخرین بار اشک خواهند ریخت، اما آن اشک‌ها اشک شادی خواهند بود.
۱۶۱. با شواهدی که ارائه می‌دهی، جمعیت زیادی خداوند و شاگردانش را ستایش خواهند کرد و تو مانند روز ورود استادت به اورشلیم تشویق خواهی شد.
۱۶۲. حتی در میان تشویق‌کنندگان، مردان و زنانی پر از مواهب معنوی خواهند بود؛ در برخی، موهبت نبوت شما را به شگفتی وا می‌دارد، در برخی مرهم شفابخش ناقابل من بی‌پایان خواهد بود، و در برخی، کلام من مانند آب زلال کریستال به جوش خواهد آمد. پس در میان برادران و خواهرانت می‌توانی تجلی مواهب روح‌القدس رانیز به مانند محصولی فراوان و پایدار ببینی.
۱۶۳. ای مردم، اکنون صلحی دروغین میان ملت‌ها غالب است، ولی شما نباید آن را بپذیرید.آن‌ها اعلام می‌کنند که صلح فرا رسیده است؛ اما زبان‌های‌تان را بسته نگه دارید. صلح واقعی را نمی‌توان بر پایه ترس یا آسایش دنیوی بنا نهاد. صلح باید از سرچشمه عشق و برادری جاری شود.
۱۶۴. مردم اکنون روی شن و ماسه، نه بر بنیاد سنگی، ساختمان می‌سازند، و هنگامی که امواج دوباره برخیزند و دیوارها را بیازمایند، ساختمان فرو خواهد ریخت.
۱۶۵. از ابتدا، من از طریق پیامبرانم با شما سخن گفته‌ام تا هدایت‌تان کنم، اما شما را مجبور به اجرای شریعت خود نکرده‌ام.
۱۶۶. اکنون زمان گذشته است، و روح انسان به بلوغ و تکامل رسیده تا رسالت خود را به عنوان یک روح درک کند. بشریت که بسیار نزدیک به نابودی است، به کمک معنوی شما نیازمند است.
۱۶۷. این نبرد نهایی است، بزرگ‌ترین و ترسناک‌ترین مبارزه بین تاریکی و روشنایی. تمام ارواح تاریکی در حال اتحادند و همه ارواح روشنایی باید با این نیرو مقابله کنند.

۱۶۸. ای کسانی که مرا شنیده‌اید، ای کسانی که در درونتان نور روح‌القدس را در پیوندی خواهرانه حمل می‌کنید، بیدار شوید! دیگر وقت خود را صرف لذت‌های دنیوی و اهداف دنیوی نکنید. برای بشریت تلاش کنید ،برای آمدن پادشاهی پدر به این جهان مبارزه کنید. این مأموریتی است که من به همه می‌دهم، از کوچکترین تا داناترین.

۱۶۹. دنیای معنوی با شماست و بالاتر از همه، پدری سرشار از عشق، سرشار از رحمت، پدری که با درد بی‌کران رنجی را که مردم بر یکدیگر تحمیل می‌کنند، می‌بیند.

۱۷۰. این نبرد نور علیه تاریکی است و هر یک از شما باید تا پیروزی بجنگید.

فصل ۶۳ - دستورالعمل‌هایی برای کلیساها و همه شاگردان مسیح
««««کار معنوی مسیح»»»»

۱. ای عزیزان، در حضور من شادی کنید و در دل خود جشنی برپا دارید، با فریاد شادی سر دهید، زیرا سرانجام «روز خداوند» را تجربه کرده‌اید.
۲. شما از آمدن این روز می‌ترسیدید، چون هنوز مانند گذشتگان فکر می‌کردید و بر این باور بودید که دل پدرانتان پر از انتقام است؛ داسی در دست و شلاقی آماده، تا بابت توهین‌هایی که بارها به او روا داشته شده، انتقام بگیرد.
۳. اما وقتی فهمیدی که در روح خدا نه خشم، نه غضب و نه نفرت جای دارد، بسیار شگفت‌زده شدی؛ هرچند جهان بیش از هر زمان دیگری ناله می‌کند، دلیل آن این نیست که خداوند این رنج‌ها را فرستاده، بلکه محصول اعمال انسان است.
۴. در واقع، تمام بلاهایی که در این مدت رخ داده برای شما پیش‌بینی شده بود. اما بدانید خداوند آنها را صرفاً برای مجازات نفرستاده، بلکه همیشه از شر و وسوسه‌ها شما را حفظ کرده و به شما کمک کرده است تا از سقوطهایتان برگردید. او تمام ابزار نجات را برای شما فراهم کرده، هرچند اغلب به ندای او گوش ندادید.
۵. وای بر کسانی که در این زمان برای روشن کردن چراغ خود تلاش نمی‌کنند، زیرا هلاک خواهند شد! ببینید که چگونه هنوز سایه‌ها بر جهان حکومت می‌کنند، هرچند این زمان، زمان روشنایی است!
۶. شما می‌دانید از طریق کلام من که این ملت را برای ظهور سوم خود برگزیده‌ام، اما دلیل این کار را نمی‌دانید. استاد که هیچ رازی را از شاگردانش پنهان نمی‌کند، خواهد آمد تا هر آنچه باید بدانید آشکار کند و پاسخ پرسش‌های شما را بدهد.
۷. من دیده‌ام مردمانی در این گوشه زمین که مرا جستجو و دوست داشته‌اند؛ هرچند پرستششان همواره کامل نبوده، اما نیت و عشقشان را به مثابه گلی معصوم، فداکار و پر از اندوه پذیرفته‌ام. این گل پاک همیشه در محراب الوهیت من حضور داشته است.
۸. شما برای انجام این ماموریت بزرگ در «بار سوم» آماده شده‌اید. اگر مایل باشی، می‌توانم بیشتر راهنمایی کنم.

۹. امروز می‌دانی که من به قوم اسرائیل اجازه دادم در میان تو تناسخ یابند، زیرا این حقیقت را بر تو آشکار کرده‌ام. بذری که در وجود تو زندگی می‌کند و نور درونی که تو را هدایت می‌کند، همان است که در «عصر اول» بر خاندان یعقوب ریختم.
۱۰. شما از نظر روحی جزو بنی‌اسرائیل هستید؛ از نظر معنوی وارث نسل ابراهیم، اسحاق و یعقوبید. شما شاخه‌های آن درخت مبارکید که به بشریت میوه میبخشد.
۱۱. به همین دلیل است که تو را نخست‌زاده می‌نامم و در این زمان تو را جستجو کرده‌ام تا سومین وحی خود را از طریق تو به جهانیان برسانم.
۱۲. اراده من این است که «قوم اسرائیل» به صورت معنوی در میان بشریت رستاخیز یابند، تا بشریت «رستاخیز حقیقی در جسم» را مشاهده کند.
۱۳. آیا باور داشتید که من کلام خود را به همه مردمان زمین خواهم داد؟ خیر! در این مورد نیز وحی جدید من مانند وحی گذشته است؛ وقتی خود را به قوم خاصی نشان دادم و آنها موظف بودند این مژده را منتشر کنند.
۱۴. بگذارید دیگران تنها وقتی به عصر جدید بیدار شوند که ببینند سیلاب‌ها چگونه زمین را ویران کرده‌اند، ملت‌ها در جنگ نابود شده‌اند و طاعون زندگی‌ها را از میان برده است. مردمانی که در علوم خود ترسو بار آمده‌اند و با شکوه کلیساهایشان به خواب فرو رفته‌اند، کلام مرا در این شکل ساده نخواهند پذیرفت و وحی مرا در روح خود نخواهند درک کرد. پس ابتدا باید زمین تکان بخورد و طبیعت به انسان هشدار دهد که زمان فرا رسیده است.
۱۵. تا بشریت بیدار شود، چشمانش را باز کند و تأیید کند که من آمده‌ام، باید اول با قدرت و غرور خود روبرو شود. وظیفه شما این است که هشیار باشید، دعا کنید و خود را آماده نگه دارید.
۱۶. من پیشتر به شما وعده داده بودم که باز خواهم گشت و اکنون اینجا هستم تا به آن وعده عمل کنم، هرچند قرن‌ها گذشته است. روح شما در اشتیاق به صلح، گرسنگی برای حقیقت و طلب دانش آماده بود. روح من نازل شده تا آموزه‌هایی متناسب با زمان حال به شما ارائه دهد.
چگونه انسان‌ها می‌توانند به زندگی پیشین خود ادامه دهند؟ دیگر زمانه اجازه نمی‌دهد که در رکود معنوی یا در تنبلی مذهبی باقی بمانیم.
۱۷. بسیاری از دانشمندان و اهل معرفت جهان قادر نخواهند بود مرا به این شکل بشناسند و ممکن است مرا انکار کنند. اما تعجب نکنید، زیرا قبلاً هم به شما گفته‌ام: «ای پدر، تو متبارک هستی که حقیقت را به ساده‌لوحان آشکار ساختی و آن را از دانایان و حکیمان پنهان نمودی.»

۱۸. با این حال، این اتفاق نمی‌افتد چون من حقیقت خود را از کسی پنهان می‌کنم، بلکه به این دلیل که کسانی که ذهنشان سبک و ساده است، در فقر معنوی یا بی‌معنایی خود، بهتر می‌توانند مرا درک کنند، در حالی که افراد با استعداد و ذهن پر از نظریه‌ها و فلسفه‌ها، نه مرا می‌شناسند و نه می‌فهمند. اما حقیقت برای همه است و در زمان مقرر برای همه آشکار خواهد شد.
۱۹. هر که شریعت مرا بداند اما آن را پنهان کند، نمی‌تواند خود را شاگرد من بنامد. هر که حقیقت مرا فقط با زبانش اعلام کند اما از قلبش نه، مرا به عنوان الگوی خود نخواهد داشت. هر که از عشق سخن گوید اما با کردار خود خلاف آن را ثابت کند، به آموزه‌های من خیانت کرده است.
۲۰. هر کس پاکی و کامل بودن مریم را انکار کند، نادان است، چون با این جهل خود، خدا را به چالش می‌کشد و قدرت او را نفی می‌کند. هر که حقیقت مرا در عصر سوم نپذیرد و جاودانگی روح را انکار کند، هنوز در خواب است و به پیشگویی‌های اعصار گذشته که از وحی این عصر خبر داده‌اند، توجه نمی‌کند.
۲۱. آن‌ها خواهند آمد و مرا به آزمایش می‌گذارند تا به شما ثابت کنند اشتباه می‌کنید. اگر نامم را نگویم، می‌گویند که من خودم نیستم، و اگر پاسخ دهم، با اشتیاق بیشتر مرا انکار و سوالات بدخواهانه‌تری مطرح می‌کنند.
۲۲. سپس به آن‌ها خواهم گفت: هر که می‌خواهد وارد قلمرو نور شود، باید با دل جویای آن باشد. اما کسی که خواهان زندگی بدون شناخت من است، ذهن خود را از دانش الهی محروم کرده و بدین ترتیب هر چه روشن و نورانی است، برایش راز و رمز خواهد بود.
۲۳. اکنون من فقط موقتاً با شما هستم، همچون گذشته. زمان آن رسیده که دیگر با شما صحبت نکنم، اما بشریت حضور مرا هنوز احساس نکرده است.
۲۴. از «کوهی» که کلامم را برایت فرستادم و به تو نگریستم، در آستانه رفتنم فریاد خواهم زد: «بشریت، بشریت، تو نمی‌دانستی که کی با تو بود!» همانطور که در عصر دوم، اندکی پیش از مرگم، از کوهی به شهر نگریسته و با اشک فریاد زدم: «اورشلیم، اورشلیم، تو خوبی‌ای را که با تو بود، نشناختی.»
۲۵. او به خاطر دنیا گریه نمی‌کرد، بلکه به خاطر روحش اشک می‌ریخت.این‌ها دستورالعمل‌هایی است برای کسانی که هنوز در تاریکی‌اند و باید اشک‌های فراوانی بریزند تا به حقیقت دست یابند.

۲۶. پس از قرن‌ها از زمانی که کلام و آخرین اندرزهایم را از طریق عیسی به شما رساندم، امروز به عنوان روح‌القدس ظاهر شده‌ام تا وعده‌ام را محقق کنم.
۲۷. من به صورت روح آمده‌ام و تنها کسانی که آماده‌اند، قادر به دیدنم خواهند بود.
۲۸. در حالی که شما به من ایمان دارید، دیگران پیامم را انکار می‌کنند؛ اما من به تدریج بر کفرشان غلبه کرده‌ام.
۲۹. عشقی که به شما نشان داده‌ام و صبری که دارم، شما را به درک محبت پدر راهنمایی می‌کند؛ من مراقب شما هستم و بارهایتان را سبک می‌کنم تا لغزش نخورید و آرامش مرا حس کنید.
۳۰. کلام و آموزه‌هایم برای همه است، چون خرد و عشق آن کل کیهان را در بر می‌گیرد؛ هر کس نیازمند باشد، نزد من بیاید و جستجو کند.
۳۱. من پدر شما هستم که دردهای شما را شفا داده، شما را می‌شناسم و آرامش می‌دهم؛ عشقی که نیاز دارید را در درونتان می‌افروزم تا آن را به دیگران گسترش دهید.
۳۲. اگر حضورم را در خرد آشکار شده از طریق وسایل صوتی می‌شناسید، بدانید زمان شروع کار معنوی رسیده است.
۳۳. کاش همه دعوت‌شدگان با شتاب می‌آمدند؛ سفره خداوند لبریز می‌شد، اما عده‌ای به کارهای دیگر پرداختند و دعوت الهی را به اولویت دوم برداشتند.
۳۴. خوشا به حال کسانی که دعوت را پذیرفتند و پاداش خود را گرفتند.
۳۵. بسیاری از دریافت‌کنندگان هدایا، بعد از آن از مسئولیت‌ها فاصله گرفتند و از مسئولیت شانه خالی کردند؛ کاش می‌دانستند که هر روح نذری به من داده بود.
۳۶. اکنون عهد سوم را به شما می‌سپارم، در حالی که دو عهد نخست حتی هنوز فهمیده نشده‌اند؛ اگر آماده بودید، لازم نبود کلام من به زبان مادی باشد و شما با زبان روحانی پاسخ می‌دادید.

۳۷. این نور عصر سوم است، اما هر که ادعا کند این خدا نیست و این فقط مردی است، باید بیازمایید؛ تا پرتو الهی در ذهنش روشن نشود، نمی‌تواند حقیقت معنوی بگوید حتی با تهدید.

۳۸. همانطور که روح گاهی از بدن جدا می‌شود، برای آشکار ساختن خدا اجازه می‌دهد روح از بدن جدا شود.

۳۹. من می‌آیم چون شما نمی‌دانید چگونه به سوی من آیید؛ دعای بی‌صدا و از دل برآمده پرتو مرا جذب می‌کند، نه سرودها و کلمات پر زرق و برق.

۴۰. کلام من مبهم یا ناقص نیست؛ هر خطایی از ترجمه یا فهم ضعیف است، گوینده‌ای که تحریف کند، بی‌ارزش می‌شود و آرامش ندارد.

۴۱. اگر نمی‌خواهید از بدن‌های گناهکار برای عشق من استفاده کنم، فردی صالح و پاک نشان دهید تا او را هدایت کنم.

۴۲. من برای نجات گناهکاران آمده‌ام، نه پارسایان که در پادشاهی نورند.

۴۳. دانه حقیقت هرگز نمی‌میرد و بر تاریکی‌ها، موانع و وسوسه‌ها پیروز می‌شود و به رشد ادامه می‌دهد.

۴۴. وقتی آموزه‌های من گاهی به نظر ناپدید می‌شوند، آن زمان جوانه‌های جدیدی پدید می‌آیند که مردم را به سوی معنویت هدایت می‌کنند.

۴۵. آموزه‌هایم را بررسی کنید و ببینید آیا می‌توانند در مذاهب شما هم به کار روند.

۴۶. من ویژگی‌های جهانی و معنای جامع آموزه‌هایم را به شما نشان داده‌ام؛ این معنا محدود به قوم یا بخشی از بشریت نیست و فراتر از مدار سیاره شما تا بی‌نهایت و قلمروهای زندگی گسترده است.

۴۷. بدانید که کلام من دین جدیدی نیست، بلکه مسیری روشن است که تمام ایدئولوژی‌ها و آیین‌ها را به صورت معنوی متحد می‌کند تا به سرزمین موعود برسند.

۴۸. تعلیم من که روح شما را تغذیه می‌کند، شما را به استادان و رسولان وفادار روح‌القدس تبدیل خواهد کرد.

۴۹. بشریت را به عنوان روحانیون تثلیثی-ماریایی عصر سوم تقدیم می‌کنم؛ آنان بیشتر روح هستند تا ماده، چون وحی مرا در سه عصر دریافت کرده‌اند و مریم مادر جهانی‌شان است که مراقبشان بوده است.

۵۰. کسانی که کلام مرا درک کنند یا آن را شنیده‌اند، فرزندان این قوم نامیده می‌شوند؛ هر که صلیب خود را بردارد و شریعت و بذر من را دوست بدارد، کارگر تاکستان و رسول من است، حتی اگر مستقیم این وحی را نشنیده باشد.

۵۱. جمع‌شدن در مکان‌های مختلف به معنای فاصله گرفتن نیست؛ جهل باعث نادیده گرفتن پیوندهای معنوی میان فرزندان خدا می‌شود.

۵۲. وقتی در ملاقات‌هایی شرکت می‌کنید که دستورالعملی هماهنگ دریافت می‌کنید، ایمان و شادی شما افزایش می‌یابد؛ اما حضور در گردهمایی ناقص و بدون وحدت قلب‌ها باعث جریحه‌دار شدن شما خواهد شد.

۵۳. من می‌خواهم شاگردانم فروتن و خوب باشند؛ کسانی که به دنبال مقام یا افتخار نیستند و آرمانشان رسیدن به کمال از طریق فضیلت و پیروی از دستورات من است، چون مقام بدون شایستگی بی‌ارزش است.

۵۴. کار من صرفاً یکی از آموزه‌های بسیار زیاد یا فرقه‌ای دیگر نیست؛ این وحی ابدی است. با این حال، به دلیل فقدان درک و معنویت، بسیاری از آیین‌ها و ناخالصی‌ها را به آن افزوده‌اید و تحریفش کرده‌اید، و باور دارید که همه اینها الهام گرفته از من است؟

۵۵. به زودی در میان مردمی خواهید بود که از فرقه‌های ظاهری و تعصب مذهبی خسته‌اند؛ پیام روحانی‌سازی که به آنها می‌آورید همانند شبنم تازگی و صفا به قلب‌هایشان می‌رسد.

۵۶. اگر با تعصبات فرقه‌ای و اعمال ناسازگار با معنویت به آنها نزدیک شوید، دیگر حاملان پیام الهی شناخته نمی‌شوید، بلکه متعصبان یک فرقه جدید خواهید بود.

۵۷. ممکن است بپرسید چگونه می‌توان برخی آداب و رسوم فرقه‌ای که روکه روخاس به ارث گذاشته است را رد کرد؟

۵۸. یادآوری می‌کنم که در دوران دوم، نشان دادم مردم به خاطر پیروی صرف از آیین‌ها و سنت‌ها، قانون اساسی را فراموش کرده بودند.

۵۹. همچنان باید سنت‌ها و مراسمی را که حتی از روکه روخاس آموخته‌اید کنار بگذارید، همانطور که قوم موسی اداره می‌کردند.

۶۰. این نمادها و اعمال برای کمک به فهم آیات الهی بودند، اما هنگامی که هدف محقق شد، این‌ها باید کنار گذاشته شوند تا نور حقیقت بدرخشد.

۶۱. بندگانی که شریعت مرا نفهمیدند و حتی برخی که من آنها را تعلیم دادم اکنون در شک و تردید اند، رنج بسیاری به دل من می‌آورند و خود را به ویرانی می‌کشند.
به آنها گفته شده که من برای مدت دیگری در میان مردم خواهم ماند و پرتو جهانی خود را دوباره خواهم فرستاد و برای مدت طولانی به مردم شناسانده خواهم شد.

۶۲. به شما می‌گویم: هرگز در گفته‌هایم تردید، عدم قطعیت یا تضاد در اراده دیده نشده است، زیرا اگر بود، دیگر کامل نبودم و خدای شما و خالق شما نبودم.
۶۳. در من اراده‌ای قاطع و واحد است و بنابراین با روشنایی روز سخن می‌گویم تا همه در حضور، ذات و قدرت من تأمل کنند و ذهن‌ها بتوانند دلیل و کلامی که به واسطه درک بشری داده‌ام را بشناسند.
۶۴. بشر بناهایی به نام کلیسا ساخته است که در آنها احترام و پرستش می‌شود، ولی گاهی تعصب و بت‌پرستی رشد می‌کند؛ این برای من منزجرکننده است؛ پس شما را دعوت می‌کنم تعصب را کنار بگذارید و آنچه را که ابتدایی می‌دانستید به خاطر بسپارید.
۶۵. عبادتگاه‌های قوم اسرائیل باید برای بشریت باز و شناخته شده باشند؛ این مکان‌ها باید پناهگاهی برای ضعیفان، گمشدگان، خستگان و بیماران باشند. از طریق اطاعت به اراده والای من و پیروی از قانونم، خود را در آثار شاگردان حقیقی‌ام آشکار خواهم کرد.
۶۶. نگران نباشید اگر رهبران دروغین و کارگران ناصادق به میان مردم بیایند و سخنان کفرآمیز بگویند؛ سرودها و پیام واقعی همواره باقی می‌مانند.
۶۷. من در نهایت فریبکاران و کسانی که مطابق میل من رفتار نمی‌کنند را آشکار خواهم کرد و آن‌ها را طرد و تبعید می‌نمایم.
۶۸. کسانی که این راه فریب را انتخاب کنند، فیض و قدرت الهی را از دست خواهند داد و گرفتار وسوسه خواهند شد، پس کسی که راه درست را جوید، فیض روح‌القدس را در دل خود خواهد یافت.
۶۹. بدون این‌که اعلام کنید رسولان من هستید، چنین خواهید بود؛ حتی اگر استاد باشید، باید بگویید که شاگرد هستید.
۷۰. لباسی متمایز و ظاهری خاص نپوشید، کتابی در دست نگیرید و خانه اجتماع نسازید.
۷۱. نباید پایه یا مرکزی برای کار من بر زمین بنا کنید.

۷۲. رهبرانی که تاکنون داشته‌اید، آخرین رهبران خواهند بود؛ دعا، معنویت و عمل به آموزه‌های من هجوم مردم را به سوی نور هدایت می‌کند.
۷۳. آیا عادلانه است که اثری چنین بی‌نقص و کامل را که من برای شما آشکار کرده‌ام، به گونه‌ای به بشریت ارائه دهید که به عنوان خطا یا صرفاً یکی دیگر از آموزه‌های آشفتگی معنوی دیده شود؟
۷۴. آیا درست است که تو، که من تو را بسیار دوست داشتم و با کلامم تو را راهنمایی کرده‌ام، قربانی عدالت دنیوی شوی یا به دلیل سوءبرداشت همسایگان تو مورد آزار قرار بگیری و پراکنده شوی؟
۷۵. آیا فکر می‌کنی آموزه‌های من اگر درست دنبال شوند، چنین فجایعی را به بار خواهند آورد؟ خیر، شاگردانم.
۷۶. اینک با شما می‌گویم تا شما را برای زمانی آماده کنم که دیگر کلام من را نخواهید شنید. آن روز خواهید فهمید که چرا من اکنون چنین می‌گویم و خواهید گفت: «استاد دقیقاً از ضعف‌های ما آگاه بود، هیچ چیز از حکمتم پنهان نیست.»
۷۷. من شما را آماده می‌کنم برای روزی که دیگر در جمع شما نخواهم بود؛ زیرا مردم شما را قوم بی‌خدا و بی‌خانه خدا خواهند خواند؛ زیرا نه کلیساهای باشکوهی خواهند بود، نه مراسم مذهبی رسمی، و نه جستجوی من در تصاویر.
۷۸. اما من کتابی وصیت‌نامه برایتان به جا می‌گذارم که در سختی‌ها محافظ شماست و مسیری است که باید در آن گام بردارید؛ کلماتی که امروز از پیامبر می‌شنوید، فردا در کتاب مقدس جاری خواهد شد تا شما با آن تجدید قوا کنید و مردم زیادی آن را بشنوند.
۷۹. من اکنون عهد جدیدی به بشریت می‌دهم؛ کلام من صدای الهی بار سوم است که هنگام شکسته شدن مهر ششم بر بشر نازل شد.
۸۰. نام یا اعمال شما لازم نیست در تاریخ ثبت شود؛ این کتاب صدای واضح و جاودانه‌ای است که با قلب انسان سخن می‌گوید و قوم من رد پای گام‌هایش را در این مسیر معنوی به آیندگان خواهد سپرد.
۸۱. مکان‌های تجمعی که در آنها کلام من اعلام شده، افزایش یافته‌اند؛ هرکدام مانند مدرسه‌ای از دانش حقیقی است که در آن شاگردان گرد هم می‌آیند و مشتاقانه به خانه می‌آیند تا درس جدید را فرا گیرند.

۸۲. اگر هر جامعه‌ای نعمت‌های فراوان رحمت من را به درستی شهادت دهد، معجزات بی‌شماری به یادگار خواهد ماند. و اگر قرار باشد تمام سخنان من از نخستین تا آخرین کلام در یک کتاب جمع‌آوری شود، کاری بس دشوار و غیرممکن است.
۸۳. اما من از طریق قوم خود، کتابی خواهم فرستاد که جوهر کلامم و گواهی بر کارهای من در میان شما باشد. از این کار نترسید، زیرا من به شما الهام خواهم داد تا این کتاب حامل آموزه‌های بنیادی باشد.
۸۴. جوهر کلام من از آغاز، زمانی که از طریق دامیانا اویدو صحبت کردم، هرگز تغییر نکرده است. معنای آموزه‌ها یکسان و ثابت باقی مانده است.
۸۵. اما این کلمات کجا رفته‌اند؟ پیام‌های الهی که اکنون کلام من در میان شما منتشر شده، اولین بار پنهان بوده‌اند.
۸۶. لازم است این دستورالعمل‌ها آشکار گردند تا فردا بتوانید شهادت دهید که چگونه این تجلی آغاز شد. بدین ترتیب تاریخ نخستین و آخرین فرمان من که در سال ۱۹۵۰ پایان می‌یابد، را خواهید شناخت.
۸۷. باید با کسانی که کلام مرا مخفی می‌کنند و آموزه‌هایم را تحریف می‌کنند، به روشنی صحبت کنی. من به تو کمک خواهم کرد که موضع خود را در برابر آنها ثابت نگه داری، زیرا این افراد دلیل تحریف شریعت و انتقادها هستند؛ آنها چیزهایی به کار من افزوده‌اند که متعلق به آن نیست.
۸۸. من کلامم را به زبان شما آوردم، اما وظیفه دارید تا آن را به زبان‌های دیگر ترجمه کنید تا برای همه شناخته شود.
۸۹. به این ترتیب شما «برج اسرائیل» حقیقی را بنا خواهید کرد؛ برجی که ملت‌ها را از نظر معنوی متحد می‌کند، و همه را زیر قانون الهی، ابدی و تغییرناپذیر که از زبان عیسی فراگرفته‌اید جمع می‌کند؛ همان که گفت «یکدیگر را دوست بدارید!»

«««««اسرائیل معنوی و قوم یهود»»»»

۹۰. «اسرائیل» نام مردمی است که اکنون با آنها در ارتباط هستم و این نام نشانگر قوم معنوی من است؛ هیچ‌کس بهتر از من نمی‌داند که چه روحی در هر یک از فراخوانده‌شدگان این «عصر سوم» جریان دارد.

۹۱. نام «اسرائیل» معنایی عمیق و روحانی دارد و من این نام را به شما می‌دهم تا بدانید که بخشی از قوم خدا هستید؛ زیرا «اسرائیل» نمادی از جهانی از ارواح است، نه صرفاً قومی زمینی.
۹۲. این نام بار دیگر در زمین شناخته خواهد شد، اما در معنای حقیقی و عاری از خطا، که معنوی است.
۹۳. شما باید منشأ و معنای این نام را به خوبی بشناسید و ایمان خود به فرزندی آن قوم را مطلق بدانید. همچنین باید آگاه باشید از اینکه این لقب را از چه کسی و چرا دریافت کرده‌اید تا در برابر حملات کسانی که معنای کج و متفاوتی از «اسرائیل» ارائه می‌دهند، مقاومت کنید.
۹۴. از شما اطاعت می‌خواهم؛ می‌خواهم با ایمان و رشد معنوی، قبیله‌ای استوار و قوی بسازید، چنانکه نسل‌های نوادگان یعقوب با سختی‌ها تکثیر یافتند، شما نیز که آن بذر را در روح دارید، در مبارزات خود استوار بایستید تا قوم شما بار دیگر مانند ستارگان آسمان و شن‌های ساحل دریا فراوان شود.
۹۵. به تو گفته‌ام که از نظر روحانی جزئی از قوم اسرائیل هستی تا درک بهتری از سرنوشت خود داشته باشی، اما توصیه کرده‌ام که پیشگویی‌ها را تا زمان کشف آنان توسط بشریت، علنی مکن.
۹۶. زیرا همانطور که قوم بنی‌اسرائیل، یعنی یهودیان جسمانی، هنوز در زمین حضور دارند، این نام را از شما خواهند گرفت و به شما نخواهند داد، هرچند این بهانه‌ای برای اختلاف نیست.
۹۷. آنان هنوز بسیاری از حقایق را نمی‌دانند، اما شما چیزهای زیادی درباره آنها می‌دانید؛ آنها بدون آرامش در زمین سرگردان‌اند و گام به گام به سوی مصلوبی پیش می‌روند که روزی او را به عنوان پروردگار خود خواهند شناخت و به دلیل ناسپاسی و سنگدلی‌شان طلب بخشش خواهند کرد.
۹۸. بدن من از صلیب پایین آورده شد، اما برای کسانی که قرن‌ها مرا انکار کرده‌اند، من همچنان به آن میخکوب شده و منتظر فرا رسیدن لحظه بیداری و توبه آنها هستم تا همه نعماتی را که به آنها پیشنهاد دادم، به آنان بدهم.
۹۹. در این دوران مانند قوم یهود در عصر دوم نباشید که به خاطر تعصب و پایبندی به سنت، نان آسمانی را که مسیح برایشان آورد، نشناختند؛ نانی که سال‌ها انتظارش را می‌کشیدند، اما مادیت آنان مانع درک نور حقیقت شد.

۱۰۰. برادران شما از سرزمین‌ها و ملت‌های دور خواهند آمد، در آرزوی رهایی روح خود، همان‌گونه که قبایل اسرائیل از صحرا عبور کردند، دسته دسته به سوی شما می‌آیند.
۱۰۱. از زمانی که کسی را که پادشاهی‌اش را به او داده بودند، از آغوش خود رانده‌اند، سفر طولانی و پرغم‌انگیزی داشته است. اما اکنون به واحه‌ای نزدیک می‌شود، جایی که در آن استراحت کرده و در کلام من تأمل خواهد کرد، تا پس از آن با شناخت عمیق‌تر قانون من، مسیری را بیابد که به رشد و توسعه روحانی‌اش منجر می‌شود.
۱۰۲. بسیاری خواهند گفت که ملت شما سرزمین موعود جدید، اورشلیم جدید است. اما به آنها بگویید که سرزمین موعود فراتر از این جهان است و برای رسیدن به آن باید با روح و پس از عبور از صحرای بزرگ امتحانات این عصر، به آن رسید. همچنین بگویید که این ملت تنها همان واحه‌ای است که در میان صحرا قرار دارد.
۱۰۳. شما باید بدانید که این واحه باید برای مسافران خسته سایه‌ای فراهم کند و آب زلال و تازه‌ی خود را به لب‌های خشکیده کسانی که به آن پناه می‌آورند تقدیم کند.
۱۰۴. آن سایه و آن آب چیست؟ آموزه من، قوم من، دستورالعمل الهی من است که در اعمال خیرخواهانه متجلی می‌شود. این نعمت و فیض را در شما نهاده‌ام تا قلب‌تان را از خودخواهی رها کنید و همچون آینه‌ای پاک در هر عمل خود آن را ارائه دهید.
۱۰۵. آیا شادی در دل شما نیست اگر از طریق عشق خود، مردمانی را که در سنت‌های کهنه گرفتار و معنوی‌شان راکد هستند، به آموزه تثلیث-مریم دعوت کنید؟ آیا شادی نخواهید کرد اگر «اسرائیل قدیم» از طریق وساطت «اسرائیل جدید» به دین مسیح بازگردد و فیض دریافت کند؟
۱۰۶. تا کنون، هیچ چیز قوم یهود را متقاعد نکرده است که برای پیشرفت اخلاقی و معنوی، باید سنت‌های قدیمی را کنار بگذارند. آنان معتقدند به اجرای قوانین یهوه و موسی پایبندند، ولی در واقع هنوز گوساله طلایی خود را می‌پرستند.
۱۰۷. زمان نزدیک است که این قوم پراکنده در جهان، نگاه خود را از زمین بردارند و چشم‌ها را به سوی آسمان بلند کرده و به دنبال نجات‌دهنده‌ای باشند که از ابتدا به آنها وعده داده شده بود، کسی که آن را غلط فهمیده و به اشتباه کشتند، زیرا او را شرور می‌دانستند و خوبی در او نیافتند.
۱۰۸. من مردمی هستم که این کودک را از میان کودکان روی زمین برگزیده‌ام؛ نه به عنوان ترجیحی خاص، بلکه چون همه فرزندانم و مردمی که از آنها پرورش یافته‌اند را به یک اندازه دوست دارم.

۱۰۹. هر قوم و ملتی رسالتی خاص به زمین می‌آورد و سرنوشتی که قوم اسرائیل به همراه دارد، این است که در میان انسان‌ها پیامبر خدا باشد، چراغ راه ایمان و راه رسیدن به کمال را روشن سازد.
۱۱۰. نبوت‌ها و مکاشفات من که از آغاز زمان به شما داده شده‌اند، هنوز به درستی تفسیر نشده‌اند، زیرا زمان درک آنها توسط بشر هنوز فرا نرسیده است.
۱۱۱. پیش‌تر، اسرائیل قومی زمینی بود؛ امروز، مردمانی پراکنده در سراسر جهان‌اند؛ اما فردا، قوم خدا تشکیل خواهد شد از همه ارواحی که همراه با پدرشان، خانواده الهی را در هماهنگی کامل خواهند ساخت.
«««««شاگردی و معنویت»»»»»
۱۱۲. بیاموزید یکدیگر را دوست بدارید، برای هم دعا کنید، یکدیگر را ببخشید، مهربان، دوست‌داشتنی، خوب و شریف باشید، زیرا اگر این صفات را نداشته باشید، آثار مسیح، استاد شما، کوچک‌ترین بازتابی در زندگی‌تان نخواهد داشت.
۱۱۳. من خطاب به همه شما سخن می‌گویم و می‌خواهم که اشتباهاتی را که قرن‌هاست موجب مانع پیشرفت شما شده‌اند، کنار بگذارید.
۱۱۴. فراموش نکنید که اصل و نسب شما در عشق من است. هرچند امروز قلب شما از خودخواهی سخت شده، اگر دوباره دلسوز درد هر روح و غریبه‌ای شوید و با عشق به همسایه مانند عشق به خود بنگرید، پذیرای الهامات معنوی خواهید بود. آنگاه می‌توانید فرمان «یکدیگر را دوست داشته باشید» را به طور حقیقی به جا آورید.
۱۱۵. دنیا جای مناسبی برای عمل کردن است. در آن درد و بیماری، گناه در اشکال مختلف، رذیلت، اختلاف، جوانی گمراه، پیری بی‌آبرو، علم سوءاستفاده‌شده، نفرت، جنگ و دروغ وجود دارد.
۱۱۶. اینها مزارعی هستند که باید در آنها کار کنید و بذر بکارید. اگر نبردی که در بشر در انتظار شماست بزرگ می‌نماید، بدانید نبرد با نفس خودتان است که مهم‌تر است؛ نبرد روح و عقل علیه هوس‌ها، خودخواهی، طمع و مادی‌گرایی. تا زمانی که خودتان را فتح نکرده‌اید، چگونه می‌توانید حقیقی درباره عشق، اطاعت، فروتنی و معنویت با دیگران سخن بگویید؟
۱۱۷. فضیلت به‌ندرت قدر دانسته شده و حتی گاهی مضر یا بی‌فایده تلقی شده است. اکنون زمان آن است که بدانید تنها فضیلت است که رستگاری، آرامش و رضایت‌بخشی واقعی را به شما می‌آورد؛ اما فضیلت باید موانع و سختی‌های زیادی را تحمل کند تا بتواند به قلب‌ها نفوذ کند.

۱۱۸. سربازانی که باید از حق و حقانیت دفاع کنند، نیازمند تلاش فراوان و ایمان راسخ هستند. سوال این است که این سربازان نیکوکار، فعال و صلح‌طلب کجا هستند؟ آیا باور دارید که شما آن‌ها هستید؟
۱۱۹. به درون خود بنگرید و صادقانه پاسخ دهید که آیا نیستید؟ به همین خاطر به شما می‌گویم که همه شما با نیتی پاک و خیرخواه می‌توانید جزو آن سربازان باشید. به چه دلیلی فکر می‌کنید که من نزد شما آمده‌ام؟
۱۲۰. عشق بورزید، در زمان و مکان مناسب سخن بگویید و در جای لازم سکوت کنید. به کسی مگو که برگزیدگان من هستید. از چاپلوسی بپرهیزید و اعمال نیک خود را آشکار نسازید. در سکوت و آرامش عمل کنید و حقیقت آموزه‌های مرا با محبت و عشق در رفتارهای خود اثبات کنید.
۱۲۱. عشق ورزیدن سرنوشت توست. عشق بورز تا لکه‌های زندگی کنونی و زندگی‌های گذشته‌ات شسته شود.
۱۲۲. چاپلوسی را رد کنید؛ زیرا سلاحی است که احساسات والای شما را نابود می‌کند و می‌تواند شمشیر ایمان شما که در قلب‌هایتان شعله‌ور است را خاموش سازد.
۱۲۳. چگونه می‌توانید اجازه دهید کسی محراب مقدس درونی شما را که در اعماق وجودتان قرار دارد، ویران کند؟
۱۲۴. فروتنی را با لباس‌های کهنه و حس حقارت اشتباه نگیرید. فروتنی حقیقی در کسی است که ارزش و دانش خود را می‌داند ولی با این حال با تواضع و سر فروتنی، برای خدمت و مشارکت آماده است.
۱۲۵. حس قدرشناسی را تجربه کنید وقتی فردی محترم به شما محبت، درک و فروتنی نشان می‌دهد؛ همین حس را به کسانی که از شما پایین‌تر هستند نیز انتقال دهید.
۱۲۶. یاد بگیرید چگونه تعظیم کنید، چگونه با تواضع دست یاری به دیگران دراز کنید و چگونه درک و همکاری را بیاموزید. بدانید که نه تنها گیرنده محبت و کمک متبرک می‌شود، بلکه دهنده نیز متبرک می‌گردد، چرا که می‌داند بالاتر از او خدایی است که به او عشق و فروتنی بخشیده است.
۱۲۷. زندگی خالص، فروتن و ساده‌ای را برگزینید. هر آنچه در قلمرو انسانی و روحی درست است به جا آورید؛ هر آنچه مصنوعی، زائد و مضر است را از زندگی خود حذف کنید و خود را از نیکی‌ها و صفات خوب درون‌تان تازه و پاک سازید.

۱۱۸. همه را برادر و خواهر بدان و دشمنی نکن؛ با پایداری عدالت و عشق پیروز می‌شود و آرامش به دست می‌آید.

۱۲۹. قلبت را آزاد کن تا درد دیگران را حس کند و نسبت به رنج‌های بشریت بی‌تفاوت نباش.

۱۳۰. عشق خود را گسترش ده تا همنوعانت را چون اعضای وجود خود دوست بداری.

۱۳۱. روح تو عاقل‌تر از جسم است چون جاودانه است؛ جسم فانی است.

۱۳۲. خانواده‌های زمینی زودگذرند، اما خانواده معنوی همیشگی است.

۱۳۳. نفرت و کینه نسبت به باورهای دیگران نداشته باش و همیشه الگوی مهربانی و برادری باش.

۱۳۴. هرچه دانش بیشتر شود، عشق به حقیقت و زندگی حقیقی نیز بیشتر می‌شود.

۱۳۵. هدف مبارزه، رسیدن به حالتی روحی بدون درد است که با تلاش، فداکاری و ترک دنیا ممکن می‌شود.

۱۳۶. به افراد صبور، باایمان و فروتن اطرافت توجه کن؛ آن‌ها نمونه‌های فضیلت هستند با مأموریتی الهی.

۱۳۷. به الگوهای بزرگ تاریخی احترام بگذار و از الگوهای کوچک زندگی روزمره نیز غافل نشو.

۱۳۸. پیامبران و ارواح نور محدود به قوم اسرائیل نیستند؛ آن‌ها میان ملت‌های دیگر نیز فرستاده شده‌اند، اما مردمشان آن‌ها را خدا شمردند و ادیان تازه‌ای پدید آوردند.

۱۳۹. قبل از قضاوت درباره دیگران، به «تیر» در چشم خودت نگاه کن تا بتوانی به «خشکی» در چشم برادرت توجه کنی.

۱۴۰. از آموزه‌هایم برای محکوم کردن همنوعان در فرقه‌های مختلف استفاده نکن.

۱۴۱. در همه مسیرها، قلب‌هایی هستند که مرا با زندگی پاک و فداکارانه می‌جویند.

۱۴۳-۱۴۲. جهان‌بینی‌های متفاوت و آزادی اراده باعث اختلاف شده‌اند؛ هر روح درک و ایمان متفاوتی دارد و شما آزادید مسیر خود را انتخاب کنید؛ پیروی از قانون اجباری نیست بلکه دعوتی است.

۱۴۴. در قضاوت‌هایتان عجله نکنید و بر اساس برداشت‌های اولیه تصمیم نگیرید.

۱۴۵. بدانید آنچه می‌دانید بخش کوچکی از حقیقت مطلق است و حقیقت می‌تواند به اشکال مختلفی آشکار شود؛ در تفسیر آموزه‌ها باز و پذیرا باشید.

۱۴۶. به باورهای دینی دیگران احترام بگذارید و هنگام ورود به مراسم‌شان با احترام و اخلاص رفتار کنید، چون من در هر مراسم حضور دارم.

۱۴۷. دنیا را انکار نکنید و وظایف دنیوی را با پیروی از من ترکیب کنید؛ هر دو قانون را در یک قانون زندگی کنید.

۱۴۸. من همه بشریت را، بدون قید و شرط، برکت داده‌ام؛ چرا از دیگران انزجار می‌ورزی؟ بهتر نیست مرا الگوی خود قرار دهی؟

۱۴۹. شما بخشی از بشریت هستید؛ بشریت را دوست بدارید و ببخشید ولی آن را رد نکنید، زیرا این مانند انزجار از خود است؛ هر آنچه در دیگران می‌بینید، در خودتان نیز هست.

۱۵۰. درون خود را بررسی کنید تا شخصیت معنوی و اخلاقی‌تان را بشناسید و بدین‌گونه بتوانید هم خود و هم دیگران را درست قضاوت کنید.

۱۵۱. به دنبال عیب و نقص در همنوعانتان نباشید؛ عیب‌های خودتان به اندازه کافی هست.

۱۵۲. عشق خود را محدود به خانواده یا فرقه‌تان نکنید؛ فرمان من عشق به همه است.

۱۵۳. ملت‌های بزرگ که به تمدن می‌بالند، اگر در حال آماده شدن برای جنگ برادرکشی باشند، نمی‌توانند ادعای پیشرفت معنوی و پیروی از عیسی را داشته باشند.

۱۵۴. مردم ارزش کلام مرا درک نکرده‌اند و به ظن خود حقیر می‌پندارند، اما سفره من هنوز با نان و شراب حیات بر روحتان باز است.

۱۵۵. عشق ورزیدن به همگان وظیفه زیبا و آسانی است، اما تحمل شرارت و ناسپاسی دیگران سخت و طاقت‌فرساست.

۱۵۶. برای افراد سرکش شریعت من سخت است، اما برای مطیعان، حفاظ، پشتیبان و نجات‌بخش است.

۱۵۷. مردم باید به یکدیگر ایمان و اعتماد داشته باشند، زیرا همه به یکدیگر نیازمندیم.

۱۵۸. ایمان واقعی یعنی عشق ورزیدن به دیگران، بخشش توهین‌کنندگان و حمایت از فقیر و ضعیف بدون تبعیض با فداکاری و صداقت تمام.

۱۵۹. از من بیاموز و به رستگاری خود ایمان داشته باش؛ اعتماد کن که برای رسیدن به حیات حقیقی قیام خواهی کرد.

۱۶۰. پدر را دوست بدار، به همسایگان رحم کن و خود را از هر چیزی که به زندگی انسانی و روحی‌ات آسیب می‌زند، جدا کن؛ آموزه‌های من این را به تو می‌آموزد.

۱۶۱. پیروی از کلام من سخت نیست؛ دشواری در بهبود و رشد معنوی شماست، اما شک و تردیدهایت را کنار بگذار، زیرا هیچ چیز برای من غیرممکن نیست.

۱۶۲. شریعت در قلب و ذهن تو باقی می‌ماند؛ قلب‌ها فراموش می‌کنند اما نور درونی هدایتگر توست و توسط خرد کیهانی دیکته شده است.

۱۶۳. درک عمیق از شریعت لازمه انجام اعمال بر اساس حقیقت و عدالت است؛ ذهن هرگز غیرفعال نیست اما گاهی نور درونی را رد می‌کند و به ظاهر نور دنیا جذب می‌شود.

۱۶۴. باید بدانید هر کاری که خارج از قوانین روح و بدن انجام شود، به هر دو آسیب می‌رساند.

۱۶۵. وجدان، شهود و دانش راهنمای شما هستند؛ وقتی این نورها در شما وضوح یابند، این جمله را فریاد خواهید زد: «پدر، بذر رستگاری در وجود من جوانه زد و کلام تو در زندگی‌ام شکوفا شد.»

۱۶۶. آمدم تا به روح شما عظمت بدهم که در اجرای شریعت یعنی عشق من ریشه دارد، اما باید با انجام مأموریت در کنار من، شایستگی‌تان را ثابت کنید.

۱۶۷. از لذات دنیایی بهره ببرید اما در چارچوب قانون من؛ این موجب کمال شما خواهد شد.

۱۶۸. سرزنش وجدان به خاطر ناهماهنگی جسم و روح با شریعت من است.

۱۶۹. ادامه گناه به دلیل باور اشتباه بخشیده نشدن است؛ اما قلب من همیشه به روی توبه‌کنندگان باز است.

۱۷۰. ناامیدی را کنار بگذار و به عشق من که همیشه همراه است تکیه کن؛ با درخواست وحی جدید، نور ایمان و امید در روحت خواهد درخشید و پناهگاهی برای ضعیفان خواهی شد.

۱۷۱. هوشیاری معنوی داشته باش و کسانی را که از صمیم قلب می‌بخشی، حقیقتا ببخش؛ بخشش نور به قلب تاریک می‌تاباند و از افزایش رنج جلوگیری می‌کند.

۱۷۲. وجدان تا زمانی آرام نخواهد شد که بخشش واقعی به همنوعان عطا نشود.

۱۷۳. کسانی که رنجانده‌اند، ما را به سوی من هدایت می‌کنند؛ با بخشش، شایستگی کسب می‌کنی و در پادشاهی آسمان آنان را می‌شناسی و برای نجات‌شان دعا می‌کنی.

۱۷۴. از کسانی که در ناامیدی کفر می‌گویند روی مگردان؛ من مرهم خود را برای آنان به تو خواهم داد.

۱۷۵. آماده باش هر کسی را که به عزیزانت آسیب زده ببخشی؛ هر بار بخشش خالصانه، آزمایش جدیدی برای رشد معنوی است.

۱۷۶. آیا رنجیده خواهی شد و از بخشش کسانی که تو را به من نزدیک‌تر می‌کنند، خودداری می‌کنی؟ آیا از سعادت معنوی الگو قرار دادن من چشم‌پوشی می‌کنی و اجازه می‌دهی خشونت ذهنت را کور کند تا انتقام بگیری؟
۱۷۷. این بشریت هنوز قدرت بخشش و معجزاتش را نمی‌داند، اما وقتی به کلام من ایمان آورد، به یقین خواهد رسید.
۱۷۸. ای مردم عزیز، با برادران خود متحد شوید و حتی بزرگ‌ترین گناهان را از طریق عشقی که در شما برانگیخته‌ام ببخشید؛ چرا کسی را که نمی‌داند چه می‌کند نبخشید؟ او نمی‌داند چون نمی‌فهمد شر را به خود تحمیل می‌کند.
۱۷۹. هر بار که رنجیده‌خاطر شدی، ببخش؛ به تعداد دفعاتی فکر نکن. سرنوشتت والا است و نباید در دام‌های مسیر گرفتار شوی؛ وظایف بزرگی در انتظار توست.
۱۸۰. روح تو همیشه برای عشق، فهم و نیکی آماده باشد تا به درجات بالاتر صعود کنی.
۱۸۱. شما ادامه‌دهندگان راه برادران و خواهرانتان هستید، نمونه و شادی نسل‌های آینده خواهید بود.
۱۸۲. صلح را گرامی بدار، دوست بدار و در همه جا گسترش ده، چون بشریت به آن شدیداً نیاز دارد.
۱۸۳. مگذار بخت و اقبال تو را آشفته کند، همیشه قوی و آماده باش برای بخشیدن آنچه داری.
۱۸۴. آن آرامش که میراث هر روح است، جای خود را به جنگ داده که ملت‌ها، نهادها و جان‌ها را تباه می‌کند.
۱۸۵. دلیل این جنگ‌ها تسلط شر بر قلب انسان است؛ نفرت، جاه‌طلبی و طمع گسترش یافته‌اند، اما سلطنت‌شان کوتاه خواهد بود.
۱۸۶. رهایی شما نزدیک است؛ بسیاری برای رسیدن به برادری، پاکی و سلامت تلاش می‌کنند و مشتاق‌اند.
۱۸۷. باید در تمام زندگی فعالانه به امور خیریه بپردازید؛ وظیفه شماست. با استعدادهای فراوان، کمک‌های فداکارانه‌ای می‌توانید ارائه دهید و خود را برای کاری که گمان می‌کنید غیرممکن است، آماده کنید.

۱۸۸. عمل خیری که فقط با دادن پول انجام می‌دهید، هرچند موثر است، اما از درجه کمتری نسبت به اعمالی برخوردار است که با عشق و دل بی ریا همراه باشد.
۱۸۹. شما باید عشق، بخشش و آرامش را به قلب‌های همنوعان خود بیاورید و به آن‌ها کمک کنید.
۱۹۰. دیگر نمی‌خواهم افراد ریاکار و فریسی که فقط ظاهر شریعت را نگاه می‌کنند، شاگرد من باشند. من شاگردانی می‌خواهم که درد دیگران را درک کنند و بی‌قید و شرط بخشنده باشند؛ هر که توبه کند، صرف نظر از دین یا فرقه، بخشیده می‌شود و راه درست را به وضوح می‌یابد.
۱۹۱. در این دنیا فروتن باش و نیکی بکار تا میوه‌های آن را در بهشت درو کنی. اگر دوست نداری هنگام انجام بدی شاهد داشته باشی، چرا برای نیکی شاهد می‌خواهی؟ نیکی وظیفه توست، نه امتیاز.
۱۹۲. تعریف و تمجید به یک روح تازه و انسان آسیب می‌رساند؛ پس از آن دوری کن.
۱۹۳. اگر انتظار داری بلافاصله پاداش ببینی، هنوز حقیقت فداکاری را درک نکرده‌ای؛ نیکوکاری واقعی بی‌منت است.
۱۹۴. اجازه بده دنیا کارهای نیک تو را ببیند، اما نه برای کسب افتخار، بلکه برای نمونه بودن و شهادت دادن به حقیقت من.
۱۹۵. وقتی به وادی معنوی می‌رسی، مهم‌ترین چیز گزارشی است که از دعاها و کارهای خیر تو برای دیگران داری، و آن‌گاه سخنان مرا به یاد می‌آوری.
۱۹۶. در عصر دوم، صلیب چوبی‌ای که مردم به من دادند به شهادت مرا محکوم کرد، اما من صلیب دیگری به دوش کشیدم؛ صلیب ناسپاسی‌ها و نقص‌های تو.
۱۹۷. آیا می‌توانی صلیب عشق و فداکاری برای دیگران برداری؟ این همان مأموریتی است که برایش به زمین آمدی؛ بازگشت تو زمانیست که آن را به درستی انجام دهی، و این صلیب کلید ورود به پادشاهی موعود خواهد بود.
۱۹۸. من از تو نمی‌خواهم همه چیز را رها کنی، همان طور که برخی از پیروانم در عصر دوم از من خواستند خون خود را دهند یا خانواده و اموالشان را ترک کنند؛ امروز نیازی به این کارها نیست. اما آماده بودن برای فداکاری‌های معنوی مهم است.

۱۹۹. بدان که برای رشد معنوی، لازم است خود را از نظر روحی و جسمی دگرگون سازی و بسیاری از آداب و رسوم که میراث اجدادت است باید از زندگی‌ات زدوده شود تا راه به سوی معنویت باز گردد.
۲۰۰. اکنون معنای حقیقی «معنویت» را نمی‌فهمید و دلیل دعوت به تعالی درونیتان را نیز درک نمی‌کنید. آیا می‌توانید فرمان‌های مرا اطاعت کنید وقتی نمی‌دانید از شما چه می‌خواهم؟
۲۰۱. اما برخی افراد با درک آرمان‌هایی که من در شاگردانم الهام می‌بخشم، به سرعت از دستورالعمل‌ها پیروی خواهند کرد.
۲۰۲. اگر واقعا می‌خواهید استاد معنویت شوید، باید پشتکار، صبر و اشتیاق یادگیری داشته باشید تا به تدریج ثمره اعمال خود را در مسیر زندگی برداشت کنید و به دانش حقیقی زندگی نائل شوید.
۲۰۳. من درسی نو می‌آورم تا بیاموزید معنوی زندگی کردن روی زمین، یعنی زندگی حقیقی که خداوند برای انسان مقدر کرده است، چگونه است.
۲۰۴. معنویت‌گرایی نه تقوا و تعصب دینی است، نه اعمال خارق‌العاده؛ بلکه هماهنگی روح و بدن، پیروی از قوانین الهی و انسانی، سادگی، پاکی زندگی، ایمان و اعتماد عمیق به خدا، محبت به همسایه و شادی در خدمت خدا و رسیدن به کمال اخلاق و روح است.
۲۰۵. «هفت پله نردبان بهشت» نماد معنویت است؛ معنویتی که من آرزو دارم در قوم برگزیده خود، اسرائیل، ببینم.
۲۰۶. باید با تمام فضایل و توانایی‌هایت به سوی من آیی؛ در هفتمین مرحله تکامل معنوی، دروازه‌های بهشت برای پذیرا شدن تو باز خواهد شد.
۲۰۷. تا رسیدن مردم به معنویت کامل، به کلیساهای مادی و تصاویر برای احساس حضور من نیاز خواهند داشت.
۲۰۸. میزان معنویت یا مادی‌گرایی افراد را می‌توان از نوع پرستششان سنجید؛ مادی‌گرا من را در امور دنیوی جستجو و اگر نتواند مرا به خواست خود ببیند، به دنبال راه‌هایی می‌گردد تا حس حضور مرا ایجاد کند.

۲۰۹. هر کسی که مرا به عنوان روح درون خود درک کند، مرا در درون خود، خارج از خود و در اطراف خویش حس خواهد کرد، چرا که خودش معبد من شده است.
۲۱۰. به من عبادت معنوی ارائه دهید و مانند آنانی نباشید که فقط کلیساهای پرزرق و برق می‌سازند، یا خود را با شلاق زدن و نمازهای ظاهری به زانو در می‌آورند، اما قلب‌هایشان را تسلیم من نمی‌کنند. من شما را از طریق وجدان راهنمایی کرده‌ام، پس بدانید که کسی که عملش را جار بزند، نزد پدر آسمانی شایسته نیست.
۲۱۱. برای انجام شریعت من، باید دعا کنی و همیشه روح خود را به سوی پدرت بلند کنی.
۲۱۲. اگر دوست داری در تنهایی دعا کنی و الهام بگیری یا از من سپاسگزاری کنی، خوب است؛ اما باید در هر لحظه و هر مکان دعا کنی، تا در سخت‌ترین شرایط بتوانی با آرامش و توکل به من پناه آوری.
۲۱۳. رنج‌ها و آرزوهایت را در سکوت به من بسپار. من همه چیز را می‌دانم، اما می‌خواهم که دعا کردن را بیاموزی و آمادگی ارتباط کامل روحت با پدر را پیدا کنی.
۲۱۴. شما به قدرت بی‌کران دعا پی برده‌اید، چه برای دفع پریشانی معنوی و چه برای جستجوی راه‌حل مشکلات مادی.
۲۱۵. گاهی کافیست نام «پدر» را بر زبان بیاوری تا وجودت از آرامش عشقی که او می‌دهد، لبریز شود.
۲۱۶. وقتی قلبت مرا با اخلاص می‌خواند، روح من از شادی به لرزه می‌آید.
۲۱۷. وقتی مرا «پدر» می‌نامی، آن نام از درونت فوران می‌کند، صدایت در آسمان شنیده می‌شود و رازی از حکمت الهی بر ملا می‌گردد.
۲۱۸. باید بیاموزی چگونه بخواهی، صبر کنی، دریافت کنی و هر آنچه به تو عطا می‌شود را به دیگران نیز بدهی؛ در این دادن، بزرگ‌ترین شایستگی نهفته است. برای کسانی دعا کن که در جنگ‌ها جان خود را از دست می‌دهند؛ من به آنان که با قلب پاک دعا می‌کنند وعده می‌دهم که شهدای جنگ به سوی نور روحانی باز خواهند گشت.

۲۱۹. امروز هنوز دانش‌آموز هستید و همیشه نمی‌توانید درس‌های مرا بفهمید، اما با قلب و فکر خود با خدا صحبت کنید؛ او در ژرفای وجودتان پاسخ خواهد داد. پیام او در روح شما صدایی روشن، خردمندانه و عاشقانه است که به تدریج آن را کشف و به آن عادت خواهید کرد.
۲۲۰. وقتی می‌گویم شکوه، قدرت و عظمت جوامع مذهبی فعلی شما باید کم‌رنگ شود و از بین برود، و زمانی که چنین شود، سفره معنوی گسترده‌ای فراهم شده است که مردم گرسنه عشق و حقیقت از آن تغذیه خواهند کرد، تعجب نکنید و خشمگین نشوید.
۲۲۱. بسیاری ممکن است انکار کنند که چنین تغییری به نفع من است، اما من از جان و قانون خود محافظت می‌کنم و از آن‌ها دفاع خواهم کرد.
۲۲۲. نترسید؛ هیچ‌کس در راه آرمان من نمی‌میرد، تنها شر خواهد مرد، زیرا خوبی، حقیقت و عدالت پایدار و ابدی هستند.
۲۲۳. شاید باور نکنید که دنیای مادی و علمی مجدداً به معنویت روی خواهد آورد، اما بدانید قوت من نامحدود است و تعالی درونی، ایمان، نور و نیکی برای روح ضروری‌تر از نیازهای جسمی شماست.
۲۲۴. اگرچه مواهب و توانایی‌های روح مدت‌ها خاموش بوده‌اند، اما با ندای من بیدار خواهند شد و بازگشت معنویت به بشر را با شگفتی‌ها و مکاشفات بزرگ‌تر از گذشته می‌آورند، چرا که اکنون آمادگی بیشتری برای پذیرش آنها دارید.
۲۲۵. همانطور که بدن انسان در حال تکامل است، روح نیز در آن شکوفا می‌شود. اما روح برای رسیدن به کمال به بدن‌های متعدد و زندگی ابدی نیاز دارد؛ این دلیل تناسخ شماست.
۲۲۶. تو پاک، ساده و معصومی، همچون دانه‌ای از روح خلاق پدرانه و مادرانه خدا، اما پاکی و سادگی به معنی بزرگی و کمال نیست.
۲۲۷. می‌توانی این را مانند کودکی که تازه به دنیا آمده است در نظر بگیری، در مقابل فردی باتجربه که به کودکان آموزش می‌دهد؛ این دو وضعیت متفاوت‌اند اما در مسیر رشد و یادگیری قرار دارند.

۲۲۸. این سرنوشت توست در همه مراحل زندگی‌ات پس از تکامل روحت؛ اما چقدر آهسته پیشرفت می‌کنی!
۲۲۹. خوب بیندیش؛ زیرا برخی سردرگم‌اند چگونه ممکن است روح که ذره‌ای از الوهیت من است، رنج ببرد؟ و چگونه نور روح، که جرقه‌ای از نور روح‌القدس است، می‌تواند خود را برای مدتی در تاریکی پنهان کند؟
۲۳۰. بدان که مسیر تکامل تو را در پیشگاه خداوند به شایستگی خواهد رساند، شایستگی‌ای که بتوانی روح ناآگاه خود را به روحی نورانی و بزرگ در دست راست پدر تبدیل کنی.
۲۳۱. من می‌خواهم تو خوب باشی و آرزوی من این است که کاملاً کامل شوی. اگرچه کوچک و ناچیز به نظر می‌آیی، اما تو جرقه‌ای از نور من داری و حیات جاودان نصیب توست.
۲۳۲. شما موجوداتی روحانی هستید؛ باید معنای روح را بفهمید تا درک کنید چرا شما را به سوی کمال فرا می‌خوانم.
۲۳۳. شما تابع قانون تکامل هستید و این دلیل تناسخ‌های پی‌درپی شماست؛ تنها ذهن من تغییرناپذیر و نیازی به تکامل ندارد.
۲۳۴. از ابتدا نردبانی را نشان داده‌ام که ارواح باید از آن برای رسیدن به من بالا روند. امروز نمی‌دانید در کدام مرحله هستید، اما بعد از خروج از جسم فیزیکی، سطح پیشرفت خود را خواهید دید. توقف نکنید، زیرا مانعی برای دیگران خواهید شد.
۲۳۵. اگرچه در سطوح مختلف هستید، اما در روح متحد باشید تا روزی در بالاترین سطح، یعنی سطح هفتم، متحد شده و از عشق من بهره‌مند شوید.
۲۳۶. گفته‌ام که شما تنها یکبار به زمین نیامده‌اید، بلکه روح‌تان بارها برای رشد و کمال بدن‌های فیزیکی گرفته است. اینکه زمان رسیدن به هدف کوتاه یا بلند باشد بستگی به خود شما دارد.
۲۳۷. چه کسی می‌تواند ثابت کند که زندگی قبلی وجود نداشته است؟ چه کسی که اطمینان دارد در بدن دیگری است، می‌تواند ثابت کند بدهی خود را به پدر تسویه کرده و شایستگی کافی دارد؟
۲۳۸. هیچ‌کس از درجه کمال خود آگاه نیست، پس تا پایان مبارزه کن، عشق بورز و پایدار باش.

۲۳۹. برای اینکه بتوانم الهاماتم را به تو منتقل کنم، لازم بود در فاصله میان ظهورم به صورت انسان و بازگشتم به شکل روح، تناسخ‌های متعددی را تجربه کنی. این گونه روحت می‌داند وقتی از تو می‌خواهم درس‌های گذشته را به یاد آوری، چگونه پاسخ دهد و هنگامی که الهامات تازه به تو می‌دهم، قادر به درکشان باشد.
۲۴۰. چند بار باید به زمین بازگردید تا بدنی داشته باشید که پیام شما به جهان را به شکلی روشن‌تر و واضح‌تر منتقل کند؟
۲۴۱. بگذار روحت همچون چکاوک بهار خود را در این زندگی بیازماید و از آن لذت ببرد و در سفرش تجربه کسب کند تا راه بازگشت به سوی من برایش هموار شود.
۲۴۲. در حالی که ثروتمندان گنجینه‌های زودگذر جمع می‌کنند، شما باید تجارب و دانش واقعی را انباشته کنید.
۲۴۳. امروز با جهل بشریتی مبارزه خواهید کرد که هرچند در همه زمینه‌ها پیشرفت کرده، اما از طریق تجربیات تجسم‌های پیشین خود، انسان‌هایی کمتر بی‌رحم و بسیار پیشرفته‌تر هستند.
۲۴۴. اگر کسی را می‌بینی که خدا را به شیوه‌ای متفاوت از اکثریت پرستش می‌کند، حتی اگر این تو را نگران سازد، دیگر خواستار آزار و سوزاندنش نیستی.
۲۴۵. آیا از صحبت درباره تناسخ سر باز می‌زنی و یا از عدالت محبت‌آمیزی که در پس آن است، مطمئن نیستی؟
۲۴۶. تناسخ را با تصور مجازات ابدی در آتش جهنم بی‌وقفه مقایسه کن؛ آیا این شکل ترس و مجازات است که عدالت الهی را بهتر منتقل می‌کند، یا بخشش پرمهر و امید به زندگی ابدی؟
۲۴۷. یکی انتقام و کینه بی‌حد را نشان می‌دهد، و دیگری فقط بیانگر بخشش، محبت پدرانه و امید است. تحریف عظیم آموزه‌های من از تفاسیر نادرست بشری ناشی شده است.
۲۴۸. تو را برای نبرد آماده می‌کنم چون می‌دانم برای آنچه آموزش می‌دهی جنگی به پا خواهد شد. اما اگر مرگ همنوعانت را غافلگیر کند و آنها در گناه بمیرند، کدام را ترجیح می‌دهند؟ آتش ابدی که به آن معتقدند یا فرصتی برای تطهیر در زندگی جدید؟ به تو می‌گویم آنها راه دوم را حتی اگر با تعصبات کورمانه مبارزه کرده باشند، ترجیح می‌دهند.

۲۴۹. کافی است بدانید همان‌طور که در کلامم گفته‌ام، تناسخ روح حقیقتی است و نوری در قلب‌هایتان روشن خواهد شد که عدالت عاشقانه مرا بیش از پیش درک خواهید کرد.
۲۵۰. نظریه‌ها و تفاسیر مختلف فرقه‌ها را بررسی کنید و آن تفسیری را برگزینید که بیشترین عدالت و دلیل را در بر دارد.
۲۵۱. به راستی، این یکی از مکاشفه‌هایی است که در زمان حاضر که دانش درونی این حقیقت بیدار می‌شود، بیشترین تأثیر را بر روح خواهد گذاشت.
۲۵۲. شما باید بپذیرید که تناسخ روح یکی از حقایق بزرگی است که بشریت باید بداند و به آن ایمان داشته باشد.
۲۵۳. برخی این حقیقت را حس و شهوداً می‌پذیرند و ایمان دارند که با عدالت عشق من سازگار است، اما بسیاری نیز شما را کافر و دروغگو خواهند خواند.
۲۵۴. نگران نباش؛ همین اتفاق برای حواریون من رخ داد که هنگامی‌که از رستاخیز مردگان سخن می‌گفتند، توسط کاهنان و قضات زندانی شدند.
۲۵۵. دنیا بعدها رستاخیز را پذیرفت، هرچند معنای کامل آن را درک نکرد. اکنون می‌آیم تا بیاموزم که رستاخیز جسم تنها نشاندهنده تناسخ روح است؛ زیرا روح جوهر و دلیل زندگی است و جاودانه است. اجساد مردگان فقط لباس‌های گذرای روح هستند.
۲۵۶. جسم در خاک فرو می‌رود، تجزیه و دگرگون می‌شود و بی‌وقفه زندگی نوینی را آغاز می‌کند، در حالی که روح به تکامل و کمال ادامه می‌دهد. وقتی به خاک بازمی‌گردد، این برای روح رستاخیزی به سوی زندگی انسان جدید است و برای بدن فیزیکی جدید رستاخیزی در اتحاد با روح محسوب می‌شود.
۲۵۷. مادیات فناپذیراند، اما معنویات فناناپذیرند؛ به همین دلیل دوباره تأکید می‌کنم که من روح تو را می‌جویم، آموزش می‌دهم و می‌خواهم همراهم باشد.
۲۵۸. روح تو بارها زنجیری را پشت سر خود می‌کشد که نتیجه زندگی‌هایی است که من به عنوان فرصت‌هایی برای کمال به تو داده‌ام. به شما هدایایی دادم که هنوز از آنها بهره نبرده‌اید. هر وجودی حلقه‌ای از یک زنجیره است؛ اگر زندگی‌تان را با آموزه‌های من هماهنگ کنید و از قانون پیروی نمایید، هیچ‌یک از شما مجبور نخواهد بود دوباره برای رنج به این دنیا بازگردد.

۲۵۹. اگر زمان را به بطالت بگذرانید و کلام مرا مطالعه نکنید، من که خود زمانم، تو را در شگفتی خواهم فرو برد. مطالعه کن تا جایگاه شایسته خود را در کار بزرگ من بیابی. من فراتر از زمان هستم و این گنج را به تو می‌بخشم تا رشد معنوی‌ات را ممکن سازد؛ استاد تو هستم که در طول زندگی‌ات به تو آموزش می‌دهم.
۲۶۰. می‌خواهم پایان دهم به سوءتفاهم‌ها و نظرات گوناگون درباره الوهیتم. بدانید همه شما از یک خدا آمده‌اید.
۲۶۱. در جهان هستی تأمل کن و زیبایی و کمال بی‌نظیر آن را تحسین نما. این جهان آفریده شده است تا فرزندان خدا از آن الهام گیرند و چهره پدر را در آن ببینند. اگر خلقت را چنین درک کنی، ذهنت را به الوهیت من ارتقا خواهی داد.
۲۶۲. نور این عصر، حجاب تاریکی را که بر روح انسان‌ها سایه انداخته بود، خواهد گشود و زنجیرهای اسارت آن‌ها را خواهد شکست.
۲۶۳. آن حجاب باعث شده بود که یافتن راه حقیقی دشوار شود. آموزه‌های من مانع کاوش در دانش نیستند؛ بلکه من هستم که کنجکاوی و شگفتی‌تان را بیدار می‌کنم. برای همین به شما قدرت تفکر داده‌ام تا آزادانه در مسیر دلخواهتان پیش روید.
۲۶۴. به شما نور خرد عطا کرده‌ام تا آنچه در راهتان است بفهمید. پس کشف کنید، تحقیق نمایید، اما به‌یاد داشته باشید که باید با احترام و فروتنی به اسرار من نزدیک شوید تا حقیقی بودنش تأیید شود.
۲۶۵. نه اینکه شما را از مطالعه کتاب‌های مختلف بازداشته باشم؛ ولی لازم است آموزش ببینید تا لغزش نکنید و در دام خطا نیفتید. با این آموزش، چگونگی آغاز زندگی و مبارزه بشریت و پیشرفت آنان را خواهید شناخت.
۲۶۶. هنگامی که آماده شدی، باید به سرچشمه تعلیم و وحی من رجوع کنی تا آینده و هدفی که پیش روی توست برایت روشن گردد.
۲۶۷. به تو اطمینان می‌دهم اگر با علاقه و عشق به عمق این آموزه‌ها بنگری، شگفتی‌های خرد معنوی، عشق کامل و عدالت الهی را کشف خواهی کرد. اما اگر بی‌تفاوت باشی، از این افشاگری‌ها بهره نخواهی برد.

۲۶۸. از پیام من غافل مشوید، چنانکه بسیاری در زندگی می‌بینند بدون آنکه مراقب باشند، می‌شنوند بی‌آنکه بفهمند و می‌اندیشند بی‌آنکه درک کنند.
۲۶۹. من نمی‌خواهم شما روح یا امور معنوی را مانند اشیاء مادی و به شیوه علمی بررسی کنید، چرا که در دام خطاهای بزرگ و تأسف‌بار خواهید افتاد.
۲۷۰. تمام آموزه‌هایم برای آن است که وجود تو را روشن سازد و نوری در تو بجوید که راهی به سوی ابدیت، کمال و خدا پیدا کند.
«««طهارت و کمال»»»
۲۷۱. امروز رنج‌هایت را به من بسپار تا تسکین دهم، زیرا وظیفه من است و من پزشک الهی‌ام.
۲۷۲. پیش از آن که مرحم من التیام دهد، در درون خود عمیق شو و درد را به‌خوبی بررسی کن، تا درس‌های پنهان آن را دریابی. این تجربه و ایمان، چراغ راه در گذر از آزمون‌های زندگی خواهد بود.
۲۷۳. درد را همچون چیزی ملموس فراگیر، زیرا در دل آن بذر تجربه و درس بزرگ زندگی نهفته است.
۲۷۴. هر کس درد را معلم بداند و آرام پندهای آن را بپذیرد، شادی، آرامش و سلامتی را تجربه خواهد کرد.
۲۷۵. خود را دقیق بیازمای، کاستی‌هایت را بشناس و اصلاح کن تا از قضاوت دیگران رها گردی.
۲۷۶. پاکی از طریق اراده توست، زیرا اگر من پاکت کنم، شایستگی‌ات چه خواهد بود؟ جبران خطاهای خود احترام به قانون من و نشانه شایستگی است؛ درس‌هایی که تو را بیدار نگه می‌دارد.
۲۷۷. اگر بین گناه و پیامدش پشیمانی خالصانه باشد، درد آزمایش تو را نخواهد کشت، زیرا تو به اندازه کافی قوی شده‌ای تا با تسلیم، آزمایش را پشت سر گذاری.

۲۷۸. جهان جام تلخی را می‌نوشد، اما من آن را مجازات نکرده‌ام. پس از رنجش، به سوی من بازخواهد آمد که او را دعوت کرده‌ام. آنگاه کسانی که ناسپاس بودند خواهند آموخت چگونه از آن که هستی‌شان را تنها با نعمت‌ها پر کرده، سپاسگزاری کنند.
۲۷۹. عشق بیش از حد به جسم را رها کنید و به روح خود مهربانی کنید؛ به آن کمک کنید پاک و کامل شود. زمانی که به این هدف برسید، قدرت واقعی روح و جسمتان را تجربه خواهید کرد.
۲۸۰. بخاطر داشته باشید: اگر روح بیمار باشد، چگونه آرامش در قلب جای می‌گیرد؟ و اگر روح پر از پشیمانی باشد، چگونه می‌تواند از آرامش بهره‌مند شود؟
۲۸۱. اگر این زمین همه آنچه می‌خواهید به شما دهد، اما خود توان پذیرش آزمون‌های بزرگ معنوی را نداشته باشد، چه کسی در میان شما اراده خواهد کرد به پادشاهی من بیاید؟
۲۸۲. به درد کفر مگویید و آن را نفرین نکنید، زیرا این درد با گناهان شما آفریده شده است. با صبر آن را تحمل کنید، زیرا این صبر شما را پاکیزه کرده و به من نزدیک‌تر می‌کند.
۲۸۳. آیا متوجه عمق ریشه‌های شما در شکوه و رضایت این جهان شده‌اید؟ روزی خواهد رسید که تمایل به جدا شدن از این دنیا در شما شدید خواهد شد.
۲۸۴. کسی که از طریق تعالی معنوی، آزمایش‌های خود را تحمل کند، در آن غلبه آرامش را می‌یابد. کسی که با نگاه به آسمان بر زمین گام می‌زند، لغزش ندارد و پاهایش در مسیر کفاره آسیب نمی‌بیند.
۲۸۵. سرنوشت خود را به انجام برسان! آرزو مکن که بدون پیمودن راهی که من نشان داده‌ام، به سوی من بازگردی، که در این صورت باید رنج بیاری لکه‌هایی را برداری که هنوز از روحت شسته نشده‌اند؛ زیرا به پایان مسیر کفاره نرسیده‌ای.
۲۸۶. تناسخ‌ها گذشته‌اند، اما بسیاری از شما ارزش لطف و عشق بی‌کران پدر را ندانسته‌اید.
۲۸۷. بدانید که هرچه فرصت‌های بیشتری داشته باشید، مسئولیت شما نیز بیشتر است. اگر این فرصت‌ها به کار گرفته نشوند، بار کفاره و عدالت جبرانی هر بار افزایش خواهد یافت؛ باری سنگین که بسیاری توان تحمل آن را ندارند، و تنها آموزه‌های من می‌تواند آن را برای شما آشکار سازد.
۲۸۸. آزمایش‌هایی که اکنون مردم در آنها زندگی می‌کنند، میوه‌ای است که از گذشته درو می‌کنند؛ نتیجه بذرهایی است که سال پیش یا سال‌ها پیش در این یا تجسم‌های دیگر کاشته‌اند.

۲۸۹. گمان مبر که عواقب نافرمانی فوری نمایان می‌گردد؛ خیر، اما باید بدانی دیر یا زود پاسخ اعمالت را خواهی داد، حتی اگر گاهی بی‌عواقب بودن گناه به نظر رسیده باشد، زیرا عدالت من در نهایت آشکار خواهد شد.
۲۹۰. شما می‌دانید که من قاضی بی‌رحمی هستم و هنگامی که داوری فرا رسد، چشمانت را به نور وجدان خواهی گشود.
۲۹۱. ای ارواحی که کلام مرا می‌شنوید، اجازه ندهید دشواری‌های زندگی زمینیتان ردپایی بر شما بگذارند یا شما را بشکنند. نوری را که هر آزمایش دارد جستجو کنید تا قوی و با خویشتن‌داری شوید.
۲۹۲. اگر روح نتواند بر جسم مسلط شود، جسم بر روح چیره می‌شود؛ به همین جهت است که ارواح ضعیف می‌شوند و باور می‌کنند با جسم خود می‌میرند.
۲۹۳. آیا تا کنون شور و اشتیاق جسمانی‌ای را تجربه کرده‌اید که چنان شدید باشد که صدای وجدان، اخلاق و عقل را خاموش کند؟
۲۹۴. این اتفاق زمانی است که روح تسلیم وسوسه‌ها شده و قدرت حیوان شیطانی در جسم غالب می‌گردد و روح را به پستی می‌کشاند.
۲۹۵. و آیا هنگام رهایی از این شور و اشتیاق و غلبه بر آن، شادی و آرامش عمیقی حس نکرده‌اید؟
۲۹۶. این شادی و آرامش ناشی از پیروزی روح بر جسم است؛ پیروزی‌ای که از نبردی بی‌وقفه و خونین درونی حاصل شده و به روح نیروی تازه بخشیده تا با هدایت وجدان، بر امیال نفسانی غلبه کند و از تباهی رها گردد.
۲۹۷. در این مبارزه و انکار خود، مرگ چیزی را شاهد بوده‌اید که در درونتان بود، اما زندگی شما نبود؛ شور و اشتیاق بی‌معنی‌ای بود که از جان شما نیست.
۲۹۸. بدان که بزرگ‌ترین دشمن را در درون خود داری. هنگامی که آن را شکست دادی، همان اژدهای هفت سر را که یوحنا رسول ذکر کرده زیر پای خود خواهی دید؛ تنها در این زمان می‌توانی بگویی: «دیگر نمی‌توانم چهره اژدها را ببینم».

۲۹۹. بزودی درمی‌یابی که این زندگی نیست که با تو بی‌رحم است، بلکه خودت با خودت بی‌رحم هستی. رنج می‌بری و به دلیل عدم درک، دیگران را نیز آزرده می‌سازی. احساس تنهایی می‌کنی، گمان می‌کنی هیچ‌کس دوستت ندارد و دچار خودخواهی و سرددلی می‌شوی.
۳۰۰. بدان که تمام رنج‌هایی که در این زندگی می‌کشی، نتیجه شکست‌های انسانی است، زیرا من که تو را دوست دارم، هرگز جام تلخی چنین به تو نمی‌دادم.
۳۰۱. از دیرباز، من شریعت را به عنوان راهی برای محافظت از تو در برابر سقوط، ویرانی و مرگ بر تو آشکار کرده‌ام.
۳۰۲. امروز شاید معنای آزمایش‌هایت را درنیابی و آنها را غیرضروری، ناعادلانه و غیرمنطقی ببینی، اما وقتی در آستانه‌های این دنیا عبور کنی و در قلمروهای معنوی ساکن شوی، عدالت و تناسب هر یک را درخواهی یافت.
۳۰۳. به تو می‌گویم که من هر اندیشه و خواسته‌ات را می‌فهمم، در حالی که جهان هنوز آماده دریافت الهام من نیست و صدای مرا نمی‌شنود.
۳۰۴. اما به تو ایمان دارم، زیرا تو را آفریده‌ام و به تو روحی بخشیده‌ام که جرقه‌ای از من و تصویرم است.
۳۰۵. اگر انتظار داشتم که تو خود را کامل کنی، شکست خورده‌ام؛ چنین نیست، زیرا این بزرگ‌ترین کاری است که از اراده الهی من برآمده است.
۳۰۶. می‌دانم که در زمانی زندگی می‌کنی که روحت بر وسوسه‌ها غلبه خواهد کرد و پس از آن، پر از نور به هستی نوین خواهد رسید.
«««این سو و فراتر از زمینی»»»
۳۰۷. بر خودت کار کن؛ منتظر مرگ نباش که تو را غافلگیر کند. برای بازگشت به زندگی معنوی چه آماده کرده‌ای؟ آیا می‌خواهی در حالی که اسیر بندهای مادی و شهوات هستی، بدون آماده شدن، راه خود را از دست بدهی و خسته وارد زندگی پس از مرگ شوی؟ ای شاگردان، خود را آماده کنید و از مرگ جسمانی می هراسید.

۳۰۸. آه نکشید برای ترک این دره زمینی، زیرا هرچند شکوه و شگفتی‌هایی در آن هست، اما اینها تنها بازتابی از زیبایی‌های زندگی معنوی‌اند.
۳۰۹. اگر بیدار نشوید و خود را در آغاز مسیر تازه‌ای با نوری ناشناخته بیابید، چگونه واکنش نشان خواهید داد؟
۳۱۰. بدون اشک و بدون گذاشتن دردی در دل عزیزانتان، این دنیا را ترک کنید. هنگام فرا رسیدن لحظه موعود، خود را رها سازید و لبخندی آرامش‌بخش بر چهره داشته باشید که نشان از رهایی روحتان دارد.
۳۱۱. مرگ جسم، شما را از موجوداتی که تحت مراقبتتان بوده‌اند جدا نمی‌کند، و مسئولیت معنوی شما نسبت به والدین، خواهر و برادران، فرزندان و دیگران نیز پایان نمی‌یابد.
۳۱۲. بفهمید که برای عشق، وظیفه و احساسات — به طور کلی برای روح — مرگ وجود ندارد.
۳۱۳. با پشتکار کار کنید تا وقتی مرگ فرا رسید و چشمان جسمتان را بستید، روحتان در اوج احساس باشد و به منزلگاهی که شایستگی‌های آن را کسب کرده‌اید، برسد.
۳۱۴. پس از مرگ جسمانی، شاگردان تجربه خواهند کرد که چگونه پیوندهای روح با بدن به آسانی گسسته می‌شود، و این گسستگی دردی ندارد؛ روح همچون سایه سرگردان نخواهد بود، و از دری به در دیگر نخواهد کوبید، بلکه مشتاق نور، عشق و آرامش خواهد بود.
۳۱۵. روح خود را چنان تعالی دهید که تنها در امور جاودان و نیکو لذت ببرد. اگر چنین نباشد، روح که به زندگی مادی عادت کرده، در جدا شدن از بدن و پشت گذاشتن آنچه دارد، رنج خواهد کشید و مدتی در سردرگمی و درد سرگردان خواهد ماند تا به تطهیر برسد.
۳۱۶. طبق شریعت من زندگی کنید تا ترسی از مرگ نداشته باشید. اما مرگ را فرا نخوانید و پیش از موعد آرزویش نکنید. بگذارید مرگ در زمان مناسب خود فرا برسد، چرا که همواره از فرامین من اطاعت می‌کند. وقتی آماده باشید، به عنوان فرزندان نور وارد دنیای معنوی خواهید شد.
۳۱۷. در خانه‌هایتان آرامش ایجاد کنید و آنها را پناهگاهی سازید تا موجودات نامرئی سرگردان در «دره روح» که ناگهان وارد می‌شوند، در وجود شما نوری و آرامشی پیدا کنند و بتوانند به آخرت صعود کنند.

۳۱۸. ای شما که در روح زندگی می‌کنید، اگر هنوز به اهداف و تعلقات مادی وابسته‌اید، به شما می‌گویم: از آنچه دیگر متعلق به تو نیست، برگرد. چرا که زمین خانه ابدی بشر نیست و برای روح نیز چنین نیست. در «وادی معنوی» زندگی سرشار از نور در انتظار توست، که گام به گام در مسیر نیکی به آن خواهی رسید.
۳۱۹. به کسانی که به عنوان انسان به من گوش می‌دهند می‌گویم: تا زمانی که این بدن را داری، که در سفر زمینی همراه توست، باید از آن مواظبت کنی و تا لحظه آخر از آن محافظت نمایی. چرا که این بدن عصایی است که روح بر آن تکیه دارد و ابزاری برای نبرد است. روح از طریق چشمان مادی این زندگی را می‌بیند، از طریق دهان سخن می‌گوید و می‌تواند به همنوعان خود آرامش بخشد.
۳۲۰. اکنون استاد از تو می‌پرسد: آیا شفا یافته‌ای و مرده‌ای که چرا می‌گریی؟ درباره ناپدید شدن موجوداتی که دوستشان داری، به تو می‌گویم هیچکس در من نمی‌میرد، زیرا همه را به حیات جاودان بخشیده‌ام. آنان که گم‌شده می‌پنداشتی، با من هستند. جایی که مرگ را می‌یابی، زندگی است. جایی که پایان به نظر می‌رسد، آغاز است. شاید فکر کنی که همه چیز اسرار بی‌کران است، ولی آن نور است، سپیده‌دم جاودان می‌درخشد. جایی که می‌پنداری هیچ نیست، همه چیز هست، و جایی که گمان می‌کنی سکوتی عظیم است، کنسرتی جاودان برپاست.
۳۲۱. هرگاه مرگ به جسم پایان دهد، برای روح دوره‌ای استراحت است، تا زمانی که تناسخ دوباره یابد و با قدرت و نوری تازه بازگردد و درس الهی ناتمام را ادامه دهد. به این ترتیب، در طول زمان، گندمی که روح توست، می‌رسد و بالغ می‌شود.
۳۲۲. من اسرار زیادی از زندگی معنوی به شما نشان داده‌ام، اما لازم نیست اکنون همه چیز را بدانی، فقط آنچه برای رسیدن به خانه ابدی لازم است. در آن سرا همه چیز را به تو خواهم گفت.
۳۲۳. می‌توانی سعادت کسی را تصور کنی که به زندگی معنوی بازگشته و سرنوشت زمینی را که پدرش رقم زده است، به کمال رسانده؟ رضایت و آرامش او بسیار برتر از هر رضایتی است که در زندگی انسانی تجربه شده است.
۳۲۴. همچنین فرصتی به تو می‌دهم که در میان کسانی باشی که به پادشاهی خود بازمی‌گردند و شادمان‌اند، نه کسانی که در ناامیدی و پشیمانی عمیق رنج می‌برند و می‌گریند.
۳۲۵. پایان این تجلی نزدیک است تا گفتگوی روح به روح با خالق تو، که موجودات معنوی والاتر نیز از آن بهره می‌برند، به گونه‌ای والاتر از نو آغاز شود.

۳۲۶. وقتی درباره دنیای معنوی خودم صحبت می‌کنم، منظورم آن دسته از موجودات معنوی مطیع است که به عنوان بندگان واقعی، فقط آنچه اراده اربابشان است را انجام می‌دهند.
۳۲۷. من آنها را نزد شما فرستاده‌ام تا مشاوران، محافظان، شفادهندگان و برادران و خواهران واقعی همه مردم باشند. آنها هیچ شکایتی ندارند چون در درون خود آرامش دارند. سؤال نمی‌کنند زیرا نور تجربه و پیشرفت‌شان در سفرهای طولانی، حق روشن کردن ذهن بشریت را به آنان داده است.
۳۲۸. من به آن‌ها فرمان داده‌ام خود را میان شما بشناسانند تا بتوانند راهنمایی، شهادت و تشویق کنند. آنها پیش از شما می‌روند، راه را هموار ساخته و از شما محافظت می‌کنند، تا دلسرد نشوید.
۳۲۹. فردا تو هم به این لشکر نور خواهید پیوست، لشکری که در دنیای بی‌کران موجودات معنوی، صرفاً از روی عشق به برادران و خواهران انسانی خود عمل می‌کند و بدین وسیله پدر خود را ستایش می‌نماید.
۳۳۰. اگر می‌خواهی همچون آنان شوی، زندگی‌ات را وقف نیکی کن. آرامش و نانت را با دیگران تقسیم کن، نیازمندان را با محبت بپذیر، از بیماران و زندانیان عیادت کن. به همنوعانت که کورمال کورمال در جستجوی راه حقیقی‌اند، نور بتابان. افکار والا را در دل بپروران، برای غایبان دعا کن
۳۳۱. هنگامی که مرگ ضربان قلبت را متوقف کند و چشم‌هایت خاموش شود، در جهانی شگفت‌آور سرشار از هماهنگی، نظم و عدالت بیدار خواهی شد. آنجا خواهی فهمید که عشق به خدای قادر مطلق می‌تواند تمامی اعمال، آزمایش‌ها و رنج‌هایت را جبران کند.
۳۳۲. هنگامی که به آن جایگاه رسیدی، احساس آرامشی بی‌کران خواهی داشت. بی‌درنگ، آنانی را که هنوز از آن سعادت دورند به یاد می‌آوری و آرزو می‌کنی که عزیزانت نیز به این موهبت الهی دست یابند. سپس به جمع معنویانی می‌پیوندی که برای رستگاری، رفاه و آرامش برادران زمینی خود تلاش می‌کنند.
۳۳۳. آیا کسی می‌تواند تصور کند چه نبردهایی این سپاهیان نور علیه تهاجم موجودات گیج‌کننده‌ای که پیوسته شما را تهدید می‌کنند، انجام می‌دهند؟ هیچ چشم بشری این مبارزات را که هر دو گروه بی‌وقفه علیه هم می‌کنند و شما از آن بی‌خبرید، ندیده است.
۳۳۴. اینجا ادامه کار من است؛ آمدنم به «بار سوم» به عنوان روح تسلی، احاطه شده توسط لشکر عظیم فرشتگانم، همانطور که نوشته شده است.

۳۳۵. این موجودات معنوی همراهان من هستند، بخشی از آسایشی که به شما وعده داده‌ام. شما در اندرزهای سالم و نمونه‌های فضیلت آنها پیش‌تر نشانه‌هایی از رحمت و آرامششان را دریافت کرده‌اید. از طریق آنها، من نیز به شما برکت داده‌ام و آنها واسطه‌هایی بین شما و روح من بوده‌اند.
۳۳۶. وقتی لطف و فروتنی آنها را درک می‌کردی، الهام می‌گرفتی که کارهایی به پاکی کارهای آنها در زندگی‌ات انجام دهی. هنگام حضورشان در خانه‌ات، حس افتخار می‌کردی از داشتن چنین همراهان معنوی.
۳۳۷. اگر بزرگواری آنها را تشخیص داده‌ای، متبرک باش. اما استاد به تو می‌گوید: آیا گمان می‌کنی که آنها همیشه موجوداتی بی‌عیب و فضیلت بوده‌اند؟ آیا نمی‌دانی بسیاریشان زمانی در زمین زندگی کرده‌اند و ضعف‌ها و گناهان بزرگی را تجربه کرده‌اند؟
۳۳۸. اما اکنون به آنها نگاه کن: هیچ نقص و عیبی ندارند، چون به صدای وجدان گوش فرا دادند، به عشق بیدار شدند و از گناهان گذشته توبه کردند. در این آزمون پاک شده‌اند تا شایسته برخیزند و امروز در خدمت بشریت به من خدمت می‌کنند.
۳۳۹. روح آنها از روی عشق، وظیفه کمک به همسایگان را پذیرفته تا جبران نواقص و فراموشی‌های زندگی زمینی خود کنند. این فرصت را دارند که بذری را که قبلاً نکاشته بودند بکارند و کارهای ناقص‌شان را اصلاح کنند.
۳۴۰. اکنون با شگفتی شاهد فروتنی، صبر و ملایمت آنها هستیم. گاهی دیده‌اید که به خاطر جبران، رنج می‌کشند. اما عشق و درک آنها، که بر تمام موانع غلبه دارد، آنان را آماده می‌کند تا حتی تا پای فداکاری پیش روند.
۳۴۱. آیا شاید خانه معنوی‌ای را که برای آمدن به زمین رها کردی، احساس می‌کنی؟ شاید به من بگویی: «نه استاد، ما چیزی حس نمی‌کنیم و چیزی به یاد نمی‌آوریم.»
۳۴۲. درست است، افراد، شما آنقدر از پاکی و معصومیت فاصله گرفته‌اید که حتی نمی‌توانید آن زندگی آرام و آن حالت رفاه را تصور کنید.
۳۴۳. اما اکنون که آموزش دیده‌اید صدای روح را بشنوید و الهام‌هایش را بگیرید، مسیر رسیدن به پادشاهی موعود برای کسانی که به من روی می‌آورند، در دسترس شماست.
۳۴۴. این بهشت آرامش نخستین‌ها نیست، بلکه جهان بی‌کران روح، جهان خرد، بهشت سعادت معنوی حقیقی، بهشت عشق و کمال است.

۳۴۵. پدر همه موجودات در همین لحظه با شما سخن می‌گوید. عشقی که شما را آفریده است، در دل هر کس که این کلام را می‌شنود، احساس می‌شود.
۳۴۶. تنها خدایی که وجود دارد، همان خدایی است که قدرتش را به شما نشان داد و شریعت را در کوه سینا بر شما آشکار کرد؛ همان خدایی که یهوه نامیده شده است؛ خدایی که عیسی نامیده شده چون کلام من در او بود؛ و همان خدایی که امروز روح القدس خوانده می‌شود، زیرا من روح حقیقت هستم.
۳۴۷. وقتی به عنوان پدر با تو سخن می‌گویم، کتاب شریعت پیش روی تو گشوده می‌شود. وقتی به عنوان استاد با تو سخن می‌گویم، کتاب عشق را به شاگردانم می‌آموزم. وقتی به عنوان روح القدس با تو سخن می‌گویم، کتاب حکمت است که از طریق آموزه‌هایم تو را روشن می‌کند. همه این‌ها یک آموزه واحد هستند، چون از یک خدا سرچشمه می‌گیرند.
۳۴۸. خدا نور، عشق و عدالت است. هر کسی که این ویژگی‌ها را در زندگی خود آشکار کند، نماینده و مایه افتخار پروردگار خویش خواهد بود.
۳۴۹. نگو که من خدای فقر یا غم هستم، چون فکر می‌کنی که بسیاری از بیماران و رنج‌دیدگان همیشه از عیسی پیروی می‌کردند. من به دنبال بیمارانی هستم که بتوانم آنها را با شادی، سلامتی و امید پر کنم.
۳۵۰. بله، مردم، من آغاز و پایان شما هستم، من آلفا و امگا هستم. اگرچه هنوز تمام آموزه‌هایی را که برای ذهن‌های شما آماده کرده‌ام و تنها وقتی از این دنیا دور هستید تجربه خواهید کرد، آشکار نکرده‌ام.
۳۵۱. من در این روزگار درس‌های جدید زیادی برای شما خواهم آشکار کرد، اما همانطور که شایسته شماست، بدون غرور و تکبر خواهم داد. شما می‌دانید هر کس به اعمال خود مغرور شود، آنها را از بین می‌برد. پس من به شما آموختم صبورانه و آرام کار کنید.
۳۵۲. هنوز قادر به درک بسیاری از وحی‌ها نیستید که قرار است بخشی از دانش شما باشند. مردم معمولاً هر کس که بخواهد آنها را تفسیر کند یا به آنها نزدیک شود را کافر و گستاخ می‌خوانند.
۳۵۳. شما هنوز چیزهای زیادی برای یادگیری دارید تا خود را آماده پذیرش الهامات و نداهای من کنید. چند بار ارتعاشات معنوی را دریافت کرده‌اید، اگرچه بدون اینکه بفهمید چه کسی شما را صدا می‌زند؟ آن "زبان" آنقدر برای شما گیج‌کننده است که نمی‌توانید آن را بفهمید.

۳۵۴. خدای شما، که پروردگار همه است، با فروتنی و نرمی در میان شما می‌آید و عشق می‌طلبد؛ شکوه خود را پنهان می‌کند تا به قلب‌هایتان نزدیک شود. اگر جلال او را می‌دیدید، برای شکست‌هایتان می‌گریستید.
۳۵۵. او می‌خواهد در لحظات سخت زندگی کنار شما باشد و جایگاهش را در قلب‌هایتان آماده کند تا حضورش را حس کنید.
۳۵۶. پروردگار در درون شماست، در همه چیز و همه جا حضور دارد. چرا همیشه بیرون از خود دنبال او می‌گردید، در حالی که او در درونتان است؟
۳۵۷. اگر دینی وجود داشت، آن خدا بود؛ حتی اگر دینی نبود، ماهیت وجودتان را در خود داشتید. تمرکز کنید تا حضور او را در معبد درونی‌تان بیابید.
۳۵۸. زندگی به اندازه کافی گسترده است تا بتوانید در آن کتاب حکمت را کشف کنید که آموزه‌های عمیق و زیبایی را به شما نشان می‌دهد.
۳۵۹. درست نیست جهان تاریک بماند و در جهل سرگردان باشد، وقتی که نور راه را در قلب خود دارد.
۳۶۰. زبان جهانی خدا به گوش همه می‌رسد که خدا در همه موجودات و هستی هست، نه فقط در انسان.
۳۶۱. خدا شما را فرزند خود می‌داند، نه فقط بنده، اما همیشه برتر است. اراده و شریعتش بدون نقص و خطا است.
۳۶۲. خدا شما را آفریده تا دوست داشته شود و نیز خودش به شما نیازمند است. اگر ادعا کنید خدا نیازی به شما ندارد، در حقیقت اشتباه کرده‌اید؛ خدا انسان شد تا با فداکاری نجات دهد.

۳۶۳. هرچه از عشق من دریافت می‌کنی، همان را به پدرت تقدیم می‌کنی چون من همیشه تشنه و مشتاق عشق تو هستم.

۳۶۴. رنج و درد تو نشانه دوست نداشتن نیست؛ من دقیقاً برای آن کسانی آمده‌ام که احساس بیماری و گناه دارند.

۳۶۵. خدا اشک می‌ریزد، اما نه برای شادی‌کنندگان در پادشاهی، بلکه برای گمگشتگان و اندوهگینان.

۳۶۶. خانه پدر برای تو آماده است؛ اما چگونه پدری می‌تواند خوش باشد وقتی فرزندانش بیرون و در رنج‌اند؟

۳۶۷. شریعت را بیاموز، نیکی را دوست داشته باش، عشق را به عمل بیاور و به روح خود آزادی ده تا به سرزمین مادری برگردی.

۳۶۸. الگوی کاملت عیسی است؛ او را در روح و آموزه‌هایش دوست داشته باش و از طریق او به من نزدیک شو.

۳۶۹. اما نباید فقط به شکل ظاهری یا مناسک ظاهری دل خوش کنی؛ این مسیر به اختلاف و دشمنی می‌انجامد.

۳۷۰. در عیسی، عدالت، عشق و خرد در وحدتی عمیق هستند؛ او تجلی روح من است که به بشریت آشکار شده است.
«««انسان و سرنوشت او»»»

۳۷۱. انسان امروز از حقیقت وجود خود دور شده و بسیاری از استعدادهای درونی‌اش خفته باقی مانده‌اند. در واقع، روح و روان او به خواب رفته‌اند و عظمت انسان در بیداری آن‌هاست.

۳۷۲. استاد می‌پرسد: چه چیزی از عالم برای شماست؟ هر چه دارید، امانتی است که از پدر گرفته‌اید؛ زندگی مادی شما گذرا و پل ورود به ابدیت است. به جاودانگی و روح خویش توجه کنید، زیرا تنها آن است که همیشگی است.

۳۷۳. روح باید راهنمای ذهن باشد؛ ذهن بدون هدایت قلبی آگاه و مشتاق، نمی‌تواند زندگی‌تان را به خوبی اداره کند.

۳۷۴. اگر اجازه بدهید مغزتان شما را کنترل کند، در دام محدودیت‌هایش گرفتار خواهید شد و فراتر نخواهید رفت.

۳۷۵. اگر قلبتان با عشق به دیگران می‌تپد و می‌خواهید بفهمید چه کار می‌کنید، اجازه دهید روح، ذهن و قلبتان را هدایت کند. آن‌گاه نیروی پدر شگفت‌زده‌تان خواهد کرد.

۳۷۶. کار درست زمانی رخ می‌دهد که روح به ذهن حکمت بیاموزد، نه اینکه ذهن به روح نور ببخشد.

۳۷۷. بسیاری سخنان من را نمی‌فهمند چون نظم زندگی‌شان را دگرگون کرده‌اند و راه را گم کرده‌اند.

۳۷۸. معنویت به وجدان توان می‌دهد تا واضح‌تر سخن بگوید و هر کس این صدای خردمند را بشنود، فریب نخواهد خورد.

۳۷۹. وجدان صدای دوستی است که خدا از طریق آن نور خود را می‌تاباند، چه به عنوان پدر، استاد یا قاضی.

۳۸۰. در خواندن مکرر کلام الهی پشتکار داشته باشید؛ کلام مثل ابزاری نامرئی شخصیت را صیقل می‌دهد و آماده می‌کند برای روبرو شدن با مشکلات بزرگ انسان‌ها.

۳۸۱. در میان مردم، رنج و کفاره و وظایفی وجود دارد که منشأهای متفاوتی دارد؛ برخی فقط با شهود، وحی و روشن‌بینی قابل درک است تا به همنوعان کمک کنید بار سنگین را سبک کنید.

۳۸۲. هدایای معنوی تنها وقتی اثر معجزه‌آسا دارند که از عشق واقعی به همسایه ناشی شده باشند.

۳۸۳. چرا مردم به اشتباه چیزی را «ماوراءالطبیعه» می‌خوانند، در حالی که همه امور در خدا و کار او کاملاً طبیعی است؟ کارهای بد و نقص‌ها هم طبیعی‌اند چون انسان‌ها محدودند.

۳۸۴. وقتی روحت پیشرفت کند و رازها را ببیند، درمی‌یابد که همه آفرینش طبق قوانین طبیعی است.

۳۸۵. پیشرفت‌های علمی که قبلاً معجزه به نظر می‌رسیدند، امروز کاملاً طبیعی و قابل فهم شده‌اند، هرچند تأمل‌برانگیزند.

۳۸۶. روح لزوماً برای تکامل به دنیا نیازی ندارد، اما درس‌های این زندگی به کمال او کمک می‌کنند.

۳۸۷. بدن در رشد، تجربه و کفاره روح نقش اصلی را دارد و همین عملکرد طبیعی خود را دارد؛ الوهیت من از طریق بشر با مغز انسان پیام می‌فرستد.

۳۸۸. روح باید غلبه کند بر تأثیر دنیای مادی و با شهود، نور خدا را به قلب و ذهن بیاورد.

۳۸۹. این نور راه رهایی روح است؛ آموزه من ابزاری است تا روح بر زندگی بشری تسلط یابد و برده هوس نبتشد.

۳۹۹. بین روح و بدن هماهنگی برقرار کن؛ بدن را با محبت و در مواقع لازم با قاطعیت مطیع خود ساز. مراقب باش که تعصب کورکننده نشود و با ظالمانه رفتار نکنی. اراده‌ات را یکپارچه کن.

۴۰۰. نه تنها روح خود را پاک کن، بلکه بدن‌ات را نیز تقویت کن تا نسل‌های آینده سالم باشند و روح‌شان وظیفه سخت خود را به خوبی انجام دهد.

۴۰۱. خانه‌هایی بساز که به خدا ایمان داشته باشند، معابدی که عشق، صبر و از خودگذشتگی در آن جریان داشته باشد.

۴۰۲. در این خانه‌ها معلم کودکان باش؛ با مهربانی آنان را همراهی کن و قدم به قدم برشان نظارت داشته باش.

۴۰۳. عشق را به زیبایان و زشت‌های ظاهری ارزانی دار؛ زیبایی ظاهری همیشه با زیبایی روح برابر نیست و زشتی ظاهر می‌تواند پوششی بر روحی پاک باشد که باید گرامی‌اش داشت.

۴۰۴. به نسل‌های آینده فکر کن، به فرزندانت؛ همانطور که جسم‌شان را ساخته‌ای نیکی کن تا ایمان، تقوا و رشد معنوی نیز داشته باشند.
۴۰۵. مراقب تقوای خانواده‌ها و آرامش خانه‌هایتان باش؛ حتی فقیرترین‌ها می‌توانند آن گنج را داشته باشند.
۴۰۶. خانواده بشری تجسم خانواده معنوی است: مرد به مانند پدر آسمانی و زن بازتاب عشق مادر الهی است؛ خانواده‌شان نمایانگر خالق است.
۴۰۷. خانه معبدی است که می‌توانید در آن قوانین من را یاد بگیرید؛ البته باید والدین به رشد خود اهمیت دهند.
۴۰۸. سرنوشت والدین و فرزندان در دست من است، اما هر دو باید یکدیگر را در انجام وظایف و کفاره یاری کنند.
۴۰۹. اگر همه والدین و کودکان یکدیگر را دوست داشتند، سخت‌ترین دشواری‌ها با عشق و تفاهم آسان می‌شد و تسلیم اراده الهی با آرامش پاداش می‌گرفت.

۴۱۰. روح‌هایی که در اطرافت هستند و کسانی که در زندگی به تو می‌رسند را خوب بشناس؛ فضایلشان را ارج بگذار، پیام‌هایی که می‌آورند را دریافت کن و آنچه لازم است به آنها بده.
۴۱۱. چرا نسبت به نزدیکان که سرنوشت‌شان را به تو رسانده، بیزار شده‌ای؟ درِ قلبت را به رویشان بسته‌ای بدون اینکه درس‌هایی که قرار بود بیاموزی را گرفته باشی.
۴۱۲. ممکن است از کسی که پیام آرامش برای روحت آورده دوری کرده باشی و وقتی جانت از تلخی پر می‌شود، شکایت کنی.
۴۱۳. زندگی پر از تغییر و غیرمنتظره است؛ اگر فردا مجبور شوی دنبال کسی بگردی که امروز به خاطر غرور طردش کرده‌ای، چه خواهی کرد؟
۴۱۴. یاد داشته باش ممکن است فردا دنبال کسی بگردی که امروز تحقیرش کرده‌ای، ولی گاهی خیلی دیر است.
۴۱۵. چه هماهنگی زیبایی که در کیهان هست! ستارگان در مدارهای خود می‌چرخند؛ من همان نور درخشان و الهی هستم که جان و گرما می‌بخشم، اما چه کم‌اند کسانی که در مسیر تعیین‌شده‌شان حرکت می‌کنند.
۴۱۶. ستارگان مادی اراده آزاد ندارند؛ اما انسان‌ها دارند و همین آزادی باعث گمراهی‌شان شده است. مبارزه برای کمک به هر روحی که اراده آزادش را فهمیده و تسلیم قانون هماهنگی با خالقش شده، ارزشمند است.
۴۱۷. هیچ شاگرد این آموزه معنوی نباید از فقر مادی یا رنج محرومیت نزد پدر (خدا) شکایت کند؛ این‌ها از طبیعت مادی ناشی شده‌اند.
۴۱۸. روح تو نه حق دارد نزد پدرش نارضایتی نشان دهد و نه با سرنوشت خود درگیر شود؛ زیرا همه روح‌ها در مسیر طولانی تکامل خود از تجربیات انسانی گذشته‌اند.
۴۱۹. روحانی شدن ارواح شروع شده است؛ این با تحمل درد و فقر و رنج تقویت می‌شودقلبت ممکن است طغیان کند، اما هر خیر مادی و معنوی معنایی دارد که باید آن را بشناسی و ارزش همه‌چیز را انکار نکنی.

۴۲۰. هر فرد و هر موجود جایگاه خاص خود را دارد که نباید آن را ترک کند و نباید جایگاه دیگران را بگیرد.
۴۲۱. چرا از آینده می‌ترسی؟ آیا می‌خواهی تجربه‌های پیشین روحت را بی‌ثمر کنی؟ مثل این است که کاشت کنی و برداشت نکنی. سرنوشت خود را نمی‌توان تغییر داد، اما می‌توانی تأخیر بیندازی و رنج را بیشتر کنی.
۴۲۲. پادشاهی پدر، میراث همه فرزندان است که تنها با شایستگی روحی عظیم به دست می‌آید. رسیدن به آن غیرممکن نیست.
۴۲۳. وقتی می‌گویم رسیدن به سرزمین موعود تلاش می‌خواهد، غصه نخور. کسی که هدفش این است ناامید نمی‌شود و احساس فریب نمی‌کند، برخلاف کسانی که برای شهرت دنیوی تلاش می‌کنند و گاهی ناامید می‌شوند.
۴۲۴. کلید به سوی سعادت ابدی، عشق است؛ عشقی که از رحمت، بخشش، درک، فروتنی و آرامش سرچشمه می‌گیرد و باید در زندگی همراه تو باشد.
۴۲۵. شادی روح وقتی است که بر ماده چیره می‌شود و در نور روح القدس شادمان است.
۴۲۶. این زمین، که هم‌اکنون مملو از ارواح بیمار و کم‌بلوغ است، به زودی محصولی شایسته از عشق من به دست خواهد داد.
۴۲۷. بیماری و درد از زندگی شما دور می‌شود چون زندگی سالم و پرنشاطی را می‌گذرانید؛ زمان مرگ، آماده سفر به خانه معنوی خواهید بود.
۴۲۸. ای ارواح، ناامید نباشید. در راه من ثابت قدم باشید تا آرامش و سعادت واقعی را بشناسید؛ می‌دانید که همه شما حق تجربه سعادت را دارید و اگر ساخته شده بودید که پادشاهی آسمان را با من شریک شوید، من پدرتان هستم.

۴۲۹. برای رسیدن به سعادت کامل، لازم است قدم به قدم شایستگی‌هایت را به دیگران ببخشی تا روحت خود را سزاوار پاداش الهی بداند.
۴۳۰. بدان که من همیشه در کنارت هستم و در تمام مسیرت همراهی‌ات می‌کنم؛ با این یقین که سرنوشت ما یکی است.
««««رذایل،کاستی ها،انحرافات»»»»
۴۳۱. به تعلیم من توجه کن تا کمتر در زندگی مرتکب خطا شوی؛ چون هر خطایی که به همنوعانت کنی، در وجدانت خاطره‌ای عمیق و سرزنشگر به جا می‌گذارد.
۴۳۲. همه شما مورد نیازید تا طرح الهی تحقق یابد و بدبختی معنوی بشر پایان یابد.
۴۳۳. تا وقتی خودخواهی هست، درد هست؛ بی‌تفاوتی، خودخواهی و تحقیر را به عشق و شفقت بدل کن تا آرامش به تو برسد.
۴۳۴. پیشرفت خود را در زندگی بشری بیاب اما اجازه نده جاه‌طلبی بیش از حد تو را بلعیده و پیشرفتت را خنثی کند؛ مادی‌گرایی بردگی می‌آورد.
۴۳۵. من گناهانت را می‌بخشم اما تو را اصلاح می‌کنم تا خودخواهی را از دلت بیرون کنی، چرا که خودخواهی روح را به اعماق تاریکی می‌کشاند.
۴۳۶. از طریق وجدانت به تو یادآوری می‌کنم که وظایفت را در میان برادران و خواهرانت انجام دهی و بذر عشق و بخشش بکاری.
۴۳۷. قدرت ماده و نفوذ جهان، امروز شما را خودپرست کرده است؛ اما همه این‌ها موقتی‌اند و عدالت خداوند حاکم است. نباید کسانی که مرا انکار می‌کنند را قضاوت کنی، چون در آن صورت، خود گناهکارتر خواهی بود.
۴۳۸. آیا من برای محکوم کردن جلادانم صدایم را بلند کردم؟ آیا آنها را با عشق و مهربانی برکت ندادم؟ بسیاری از کسانی که به دلیل گناهانشان در دنیا گمراه شدند، اکنون در جهان معنوی پاک شده‌اند.
۴۳۹. سعی نکن احساسات پنهان نزدیکانت را کشف کنی؛ درون هر کسی رازی است که فقط من اجازه دارم بدانم. اگر آن را دیدی، آن را آشکار نکن و حجابش را پاره نکن، بلکه آن را نگه دار و عمیق‌ترش کن.

۴۴۰. بسیار دیده‌ام که مردم به حریم قلب برادرانشان نفوذ می‌کنند تا عیب‌های اخلاقی یا معنوی‌شان را کشف کرده، از آن لذت ببرند و فوری آن را آشکار سازند.
۴۴۱. کسانی که به حریم خصوصی دیگران دستبرد زده‌اند نباید تعجب کنند اگر به‌خاطر این کار، خودشان در مسیر زندگی‌شان رسوا و مسخره شوند. این معیار عدالت نیست، بلکه بی‌عدالتی است که خودشان به‌کار برده‌اند.
۴۴۲. به دیگران احترام بگذارید، بی‌پناهان را با رحمت بپوشانید و از ضعیفان در مقابل شایعات محافظت کنید.
۴۴۳. همه کسانی که در کوچه‌ها و خیابان‌ها درباره وقایع گذشته سخن می‌گویند و پیشگویی‌ها یا وحی‌ها را تفسیر می‌کنند، پیام‌آوران من نیستند؛ بسیاری از آنها به خاطر غرور، تلخی یا منافع شخصی، این پیام‌ها را سوءاستفاده می‌کنند تا بر دیگران قضاوت کنند، تحقیر کنند، آسیب برسانند یا حتی بکشند.
۴۴۴. ای بشریت برخیز و راه و معنای زندگی را بیاب! متحد شو و یکدیگر را دوست بدار! دیوار جدایی بین خانه‌ها نازک است، اما فاصله‌ها زیاد است؛ در مرز سرزمین‌ها، گاهی به بیگانگان اجازه عبور داده‌اید، اما پس از آن با آنها چگونه رفتار کرده‌اید؟ آیا پرده‌ای بینداخته‌اید که به فراموشی یا جهل تو ختم شود و چون مه غلیظ همه چیز را می‌پوشاند؟
۴۴۵. آیا می‌بینی که کسانی فقط برای سیری‌ناپذیری قدرت زندگی می‌کنند و جان دیگران را نادیده می‌گیرند، بدون احترام به حقوقی که خالق به آنها داده؟ اعمال آنها ناشی از حسادت، نفرت و طمع است؛ برای اینها باید بیشتر دعا کنی، نه اینکه خودت را به تاریکی بکشانی.
۴۴۶. تمام درد و آسیبی را که این افراد به تو وارد می‌کنند ببخش و با افکار پاک خود هدایت‌شان کن تا به درستی بازگردند. مه‌ای که آنها را احاطه کرده غلیظتر نکن؛ چون وقتی وقت حسابرسی‌شان برسد، کسانی که به جای دعا، با افکار منفی بر تاریکی‌شان افزودند نیز پاسخگو خواهند بود.
۴۴۷. به یاد داشته باش که در شریعت گفته شده: "شما نباید پرستش خدایان غیر از من را انجام دهید." با این حال، خدایان زیادی هستند که به دست جاه‌طلبی بشر ساخته شده‌اند تا به آنها پرستش و احترام گذاشته شود و حتی جان‌ها برایشان فدا شود...

۴۴۸. بدانید که شریعت من هرگز کهنه نمی‌شود و همیشه از طریق وجدانتان با شما سخن می‌گوید؛ اما با این همه، بسیاری هنوز به بت‌پرستی ادامه می‌دهند.

۴۴۹. آنها عاشق بدن و غرور و ضعف‌هایشان هستند، و گنج‌های دنیوی را بر آرامش و آینده معنوی خود ترجیح می‌دهند. جسم را می‌پرستند و گاهی در طلب لذت‌ها به انحطاط می‌رسند و در نهایت مرگ را می‌یابند.

۴۵۰. آیا تاکنون خود را فدای عشق به من در خدمت به همسایه کرده‌اید؟ آیا خواب یا سلامتی‌تان را برای کمک به همنوعان به خطر انداخته‌اید؟ چه زمان برای اهداف والای تعالیم من، تا آستانه مرگ پیش رفته‌اید؟

۴۵۱. پرستشی که به زندگی مادی می‌کنید، بر پرستش معنوی اولویت دارد؛ برای همین است که خدایان زیادی دارید که آنها را به جای خدای حقیقی می‌پرستید و خدمت می‌کنید.

۴۵۲. شما به گناه چنان عادت کرده‌اید که زندگی گناه‌آلود برایتان طبیعی و مجاز به نظر می‌رسد؛ اما انگار آن فجایع تاریخی مانند سدوم و عموره دوباره به بشریت امروز نازل شده‌اند.

۴۵۳. شما اکنون در دوره‌ای از سردرگمی معنوی هستید که شر را خیر می‌نامید، تاریکی را نور می‌پندارید و چیزهای زائد را بر ضروریات ترجیح می‌دهید. اما رحمت من همیشه حاضر است تا به موقع مداخله کند و راه روشن حقیقت را به شما نشان دهد.

۴۵۴. برای پیروزی در تمام آزمایش‌ها، آنچه استاد به شما آموخته است را انجام دهید: مراقب و هوشیار باشید و دعا کنید که وسوسه بر شما غلبه نکند. شر به دنبال وسوسه کردن و شکست دادن شماست؛ تیزبین باشید و آن را بشناسید.

۴۵۵. بشریت راه خود را از تاریکی به سوی نور خواهد یافت، اما این مسیر آرام و گام‌به‌گام است. اگر همه شر در یک لحظه بر بشریت غالب شود، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ برخی عقل خود را از دست می‌دهند و برخی جان خود را.

۴۴۸. بدانید که شریعت من هرگز کهنه نمی‌شود و همیشه از طریق وجدانتان با شما سخن می‌گوید؛ اما با این همه، بسیاری هنوز به بت‌پرستی ادامه می‌دهند.
۴۴۹. آنها عاشق بدن و غرور و ضعف‌هایشان هستند، و گنج‌های دنیوی را بر آرامش و آینده معنوی خود ترجیح می‌دهند. جسم را می‌پرستند و گاهی در طلب لذت‌ها به انحطاط می‌رسند و در نهایت مرگ را می‌یابند.
۴۵۰. آیا تاکنون خود را فدای عشق به من در خدمت به همسایه کرده‌اید؟ آیا خواب یا سلامتی‌تان را برای کمک به همنوعان به خطر انداخته‌اید؟ چه زمان برای اهداف والای تعالیم من، تا آستانه مرگ پیش رفته‌اید؟
۴۵۱. پرستشی که به زندگی مادی می‌کنید، بر پرستش معنوی اولویت دارد؛ برای همین است که خدایان زیادی دارید که آنها را به جای خدای حقیقی می‌پرستید و خدمت می‌کنید.
۴۵۲. شما به گناه چنان عادت کرده‌اید که زندگی گناه‌آلود برایتان طبیعی و مجاز به نظر می‌رسد؛ اما انگار آن فجایع تاریخی مانند سدوم و عموره دوباره به بشریت امروز نازل شده‌اند.
۴۵۳. شما اکنون در دوره‌ای از سردرگمی معنوی هستید که شر را خیر می‌نامید، تاریکی را نور می‌پندارید و چیزهای زائد را بر ضروریات ترجیح می‌دهید. اما رحمت من همیشه حاضر است تا به موقع مداخله کند و راه روشن حقیقت را به شما نشان دهد.
۴۵۴. برای پیروزی در تمام آزمایش‌ها، آنچه استاد به شما آموخته است را انجام دهید: مراقب و هوشیار باشید و دعا کنید که وسوسه بر شما غلبه نکند. شر به دنبال وسوسه کردن و شکست دادن شماست؛ تیزبین باشید و آن را بشناسید.
۴۵۵. بشریت راه خود را از تاریکی به سوی نور خواهد یافت، اما این مسیر آرام و گام‌به‌گام است. اگر همه شر در یک لحظه بر بشریت غالب شود، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ برخی عقل خود را از دست می‌دهند و برخی جان خود را.

۴۶۶. آنگاه زندگی شما دستخوش تغییر خواهد شد، خودخواهی رخت برمی‌بندد و مردم برای یکدیگر مفید خواهند بود. از عدالت الهی الهام گرفته، قوانین نوین با عشق بر ملت‌ها حاکم خواهد شد.
۴۶۷. در دنیای مادی نیز این دگرگونی رخ خواهد داد: رودخانه‌ها پرآب می‌شوند، مزارع حاصلخیز می‌گردند و نیروهای طبیعت به تعادل بازمی‌گردند؛ هماهنگی میان انسان، خدا و قوانین آفرینش برقرار خواهد شد.
۴۶۸. نگران نباشید، ای شاهدان عزیز. این بشر مادی‌گرا که مدت‌ها تنها به محسوسات عقل خود ایمان داشته، به سوی روحانیت خواهد گام برداشت، و با نگاه معنوی می‌تواند مرا ببیند و حقیقت را جستجو کند.
۴۶۹. اگر از نظر معنوی آماده باشید، می‌توانید انبوهی از موجودات معنوی را ببینید که چون ابر سفید عظیم در برابر دیدگان شما ظاهرند و جرقه‌های نوری که فرستادگان از آن جدا می‌شوند و به شما نزدیک می‌گردند.
۴۷۰. بینش معنوی شما هنوز نافذ نیست، اما زمانی خواهد رسید که همه شما دید کامل خواهید داشت و زندگی شگفت‌انگیزی را که اکنون دور می‌پندارید، نزدیک و مشوق خواهید یافت.
۴۷۱. حساسیت، شهود، وحی، نبوت، الهام، شفا و کلام درونی، همه از روح القدس برمی‌خیزند و مردم از این مواهب خواهند شناخت که عصر جدیدی برای بشریت آغاز شده است.
۴۷۲. امروز بسیاری به این استعدادهای معنوی شک دارند، زیرا ترس قضاوت دیگران باعث پنهان‌کاری است؛ اما فردا داشتن این توانایی‌ها طبیعی و زیبا خواهد بود.
۴۷۳. من در این «بار سوم» به سوی تو آمده‌ام زیرا جسم و روحت بیمار است؛ فرد سالم نیازی به پزشک ندارد و فردی پرهیزگار نیز نیاز به تطهیر ندارد.
۴۷۴. امروز هنوز محتاج روحانیون، قضات و معلمان هستید، اما زمانی که وضع معنوی و اخلاقی شما ارتقا یابد، هر فردی در خود قاضی، کشیش، معلم و محراب خواهد داشت.

فصل۶۵-پیشگویی ها

«««تحقق پیشگویی های قدیم و جدید»»»

۱. آنچه پیامبران پیش‌تر اعلام کردند، اکنون در حال تحقق است. کلام جدید من به گوش فیلسوفان و متکلمان خواهد رسید؛ برخی آن را مسخره می‌کنند و عده‌ای شورش خواهند کرد، اما همه شاهد تحقق پیشگویی‌هایی خواهند بود که اکنون به شما اعلام شده است.

۲. پیامبران گذشته هیچ اقتدار یا اجازه قانونی بر زمین نداشتند و مجبور نبودند در برابر قدرتی تسلیم شوند؛ آنها تنها متمرکز بر اطاعت از پروردگار خود بودند که کلام الهی را به آنها الهام می‌کرد.

۳. آنها با ایمان و شجاعتی بی‌نظیر، از آموزش شریعت من به مردم باز نماندند و مردم را از تعصبات مذهبی و اشتباهات کاهنان آگاه کردند.

۴. بشریت، آیا تعجب می‌کنید از درد و بدبختی‌ای که شما را گرفته است؟ اگر چنین است، به این دلیل است که به پیشگویی‌های من بی‌توجه بودید و آماده پذیرش آنها نبودید.

۵. همه چیز پیش‌بینی و اعلام شده بود، اما شما ایمان نداشتید و اکنون نتیجهٔ آن را به صورت تلخی می‌نوشید.

۶. حتی امروز، من از طریق فهم بشری پیشگویی می‌کنم؛ برخی پیشگویی‌ها به زودی محقق می‌شوند و برخی دیگر در آینده‌های دور.

۷. کسانی که این پیام‌ها را می‌شنوند مسئولیتی بزرگ دارند در رساندن آنها به بشریت، زیرا این پیام‌ها نوری‌اند که واقعیت‌های زندگی را برای مردم روشن می‌کنند تا پیش از افتادن در ورطهٔ نابودی، مکث کنند.

۸. بسیاری از سخنان من پیشگویی است که به آینده نزدیک یا دور اشاره دارد، و به همین دلیل بسیاری از مردم نمی‌خواهند به آنها توجه کنند.

۹. اما این کلام الهی مجدداً و با تمام نورش در اعصار آینده طلوع خواهد کرد و آن زمان مردم آیات بزرگی در آن خواهند شناخت و دانشمندان از دقت و کمال آن شگفت‌زده خواهند شد.

««پیشگویی بزرگ مردم از ۱۰ ژانویه ۱۹۴۵، تا پایان جنگ جهانی دوم»»

۱۱. اکنون با همه ملت‌های زمین سخن می‌گویم؛ همه شما نور مرا دارید و باید به خود بیاندیشید که چگونه جرأت کرده‌اید زندگی را چنان به خطر بیندازید که گویی مالک بی‌چون‌وچرای آنید.
۱۲. ویرانی و درد شما سبب پشیمانی عمیق بسیار گردیده و میلیون‌ها نفری را بیدار کرده که در جستجوی نوری هستند که من هستم. فریاد ناله به سوی من برمی‌خیزد: «پدر، آیا جنگ در سال ۱۹۴۵ پایان خواهد یافت؟ آیا اشک‌هایمان را پاک خواهی کرد و صلح را به ما عطا خواهی فرمود؟»
۱۳. اکنون من در میان شما هستم، ای هفت ملت! هفت سردار که در برابر من سرکشی کرده‌اند!
۱۴. انگلستان: عدالت من تو را آزرده خواهد کرد؛ ثروت و ادعای قدرتت سقوط خواهد کرد و از تو گرفته خواهد شد و دیگر به کسی نخواهد رسید. اما به تو قدرت و نور خواهم داد و قلبت را لمس خواهم کرد.
۱۵. آلمان: غرور تو به چالش کشیده می‌شود؛ خود را آماده کن. نسلت نابود نخواهد شد. سرزمین‌های جدیدی خواسته‌ای، اما مردم در احکام من دخالت کردند. حال به خود تعظیم کن و بگو: «قدرت تو را می‌گیرم و به تو اعتماد می‌کنم تا نجاتم دهی.»
۱۶. اگر به من اعتماد نکنی و غرورت را به جای من بنشینی، تنها و بردهٔ دنیا خواهی ماند. من اربابان را سرنگون می‌کنم، بردگان و زندانیان را آزاد می‌سازم. نور مرا بگیر و دوباره برخیز!
۱۷. روسیه: روح من همه چیز را می‌بیند. دنیا به تو تعلق نخواهد داشت. من بر همه شما حکومت خواهم کرد. نمی‌توانی نام مرا پاک کنی، زیرا مسیح بر همه مردم حکومت می‌کند. خود را از مادیات رها کن و زندگی نو را بپذیر، وگرنه غرورت خواهم شکست. نورم را به تو می‌دهم.
۱۸. ایتالیا: اربابی که بودی نیستی؛ تمسخر، بندگی و جنگ تو را نابود کرده است. اکنون در تزکیه‌ای عظیم به سر می‌بری. خود را نو کن، تعصب و بت‌پرستی را کنار بگذار و مرا به عنوان پروردگار متعال بشناس. نور و الهام جدیدی بر تو خواهد ریخت. مرهم شفابخش را بپذیر و یکدیگر را ببخش.
۱۹. فرانسه: درد و ناله‌ات را می‌شنوم، تا عرش هم می‌رسد. زمانی خود را تا حد خدا می‌شمردی، اما اکنون فقط زنجیرهای خود را می‌بینی که با خود کشیده‌ای.

۲۰. نه بیدار شدی و نه به درگاه من دعا کردی؛ خود را تسلیم لذات نفسانی ساخته‌ای و اژدهای تاریکی تو را به شکار برده است.
۲۱. اما من تو را نجات خواهم داد؛ چون ناله‌های همسرانت و اشک‌های فرزندانت به من می‌رسد. تو خواهان نجات هستی و من دستم را به سوی تو دراز می‌کنم. اما جدی به تو می‌گویم: بیدار شو، دعا کن و ببخش!
۲۲. ایالات متحده: اکنون تو را می‌پذیرم. می‌بینم که قلبت از سنگ نیست، بلکه از فلز و طلاست. مغزت سخت و بی‌رحم است؛ عشقی نمی‌بینم و معنویتی کشف نمی‌کنم؛ تنها خودبزرگ‌بینی، جاه‌طلبی و حرص و طمع را می‌بینم.
۲۳. ادامه بده، اما می‌پرسم: چه زمانی بذر من در تو ریشه خواهد دواند؟ چه زمانی گوساله طلایی و برج بابل خود را فرو خواهی کاست و معبد حقیقی خداوند را برپا خواهی ساخت؟
۲۴. من وجدان همه شما را لمس می‌کنم و می‌بخشم. شما را روشن می‌کنم تا در تاریک‌ترین ساعات، هنگام اوج مصیبت، ذهنتان را روشن نگه دارید و به یاد داشته باشید که من بزرگتر و بالاتر از شما هستم.
۲۵. من نور، قدرت و اقتدار می‌بخشم؛ در کار من دخالت نکنید. اگر از دستورات من سرپیچی کنید، درد، ویرانی، آتش، طاعون و مرگ بر شما نازل خواهد شد.
۲۶. ژاپن: من وارد پناهگاه تو شده‌ام و همه چیز را دیده‌ام. تو نمی‌خواهی آخر باشی، بلکه همیشه می‌خواستی اولین باشی. اما این دانه برای من خوشایند نیست.
۲۷. باید جام رنج را خالی کنی تا دلت پاک شود، زبان‌هایت را به زبان‌های دیگر بیامیزی و به جهان نزدیک شوی. وقتی جهان پاک و آماده شود، بذری را که من می‌دهم دریافت خواهی کرد. اکنون بذر معنوی الوهیت را در تو نمی‌بینم، اما راه را برایت خواهم گشود.
۲۸. به زودی جهانیان در هرج و مرج دیدگاه‌ها و آشفتگی علوم و نظریه‌ها غوطه‌ور خواهند شد، ولی پس از آن، نور به شما خواهد رسید. من شما را آماده، ببخشم و به مسیر درست هدایت می‌کنم.
۲۹. وقتی زمان صلح فرا رسید، در برابر آن مقاومت نکنید و در دستورات مقدس من دخالت نکنید. اگر به اراده من پشت کنید و به ملت‌ها خیانت کنید، مجازات خود را خواهید دید.

۳۰. هفت ملت، هفت سر! پدر شما را پذیرفته است و جهان در برابر شما، تحت حکومت شما، ایستاده است. شما در قبال آن در برابر من مسئولیت بزرگی دارید!

۳۱. باشد که نور «کتاب هفت مُهر» در هر ملتی باشد تا مردم خود را همانطور که اراده من است آماده کنند. درود من بر شما باد!

۳۲. همین دنیایی که اکنون در آن زندگی می‌کنید، مدتها میدان نبرد بود. اما تجربه عظیمی که از اجداد بشر به ارث رسیده بود، کافی نبود؛ تجربه‌ای تلخ و دردناک که مانند کتابی است که وجدان مردم امروز آن را می‌گشاید.

۳۳. اما قلب انسان سخت است برای پذیرش آن ثمره تجربه، که مانند میراثی از نور است؛ چیزی که از اجداد به ارث برده‌اند، نفرت، غرور، کینه، طمع، تکبر و انتقام است که در خونشان جاری است.

۳۴. به یاد داشته باشید که زمان داوری فرا رسیده است؛ هر گناهی کفاره خواهد داشت. خود زمین خواهان پاسخگویی انسان به استفاده نابجایش از منابع طبیعی است.
۳۵. همه چیز نابود شده پاسخگو خواهد بود و به مردم نشان می‌دهد که انسان توسط خالقی عاشق آفریده شده است و همان اراده‌ای که می‌تواند نابودی را رقم زند، مراقب، نگهدارنده و برکت‌دهنده آنهاست.
۳۶. این پیام را باید از دریاها عبور دهید؛ کلام من به قاره کهن و حتی قوم اسرائیل که در نزاعی برادرکشی بر سر زمین فرو رفته‌اند، برسد، بی آنکه از فلاکت روح خود آگاه باشند.
۳۷. نمی‌توانید آزمایش بزرگی را که جهان از سر خواهد گذراند تصور کنید. همه منتظر صلح‌اند، اما این صلح تنها زمانی برقرار خواهد شد که نیروهای طبیعت به من شهادت دهند.
۳۸. نیروهای طبیعی من آزاد خواهند شد و مناطق بسیاری را ویران خواهند ساخت. دانشمندان سیاره‌ای جدید کشف خواهند کرد و "بارش ستاره ۲" دنیای شما را روشن خواهد کرد. این فاجعه نیست، بلکه آمدن عصری نوین برای بشریت است.

۳۹. پیش‌تر به شما گفته‌ام که قوم من در سراسر جهان پراکنده‌اند؛ بدین معنا که بذر معنوی در همه جا پاشیده شده است.
۴۰. امروز میان شما تفرقه وجود دارد و حتی بر سر چیزهای کوچک بی‌احترامی می‌کنید؛ اما زمانی که آموزه‌های مادی‌گرایانه تهدید به نابودی شما بکند، شما که با روح فکر و احساس می‌کنید، یکی خواهید شد. آن روز نشانه‌ای خواهم داد که یکدیگر را بشناسید و خواهید گفت: «خداوند از میان ما بازدید کرده است.»
««««پیشگویی در مورد تقسیم جوامع مکزیکی»»»»
۴۱. ای مردم، با دقت به سخنان من گوش دهید و با راستی و شایستگی از آنها پیروی کنید.
۴۲. می‌دانم که در دل‌هایتان غم و اندوه سنگینی دارید، چون پیش‌بینی می‌کنید بی‌شمار کسانی به شریعتی که در دل شما نوشته‌شده، عمل نخواهند کرد. اما همچنان مردم دچار تفرقه خواهند بود، همانطور که در «زمان‌های اول» بود.
۴۳. من راهی واحد برای همه مشخص کرده‌ام. اگر برخی از فرزندانم از من نافرمانی کنند، داوری بر آنها خواهد آمد و در روز معین، نابود خواهند شد.
۴۴. من به عنوان رهایی‌بخش آمده‌ام و راه دشوار معنوی مبارزه برای رهایی و رستگاری را به شما نشان داده‌ام و سرزمین موعود جدیدی را وعده داده‌ام؛ سرزمینی برای روح، آرامش، نور و سعادت.
۴۵. خوشا به حال کسانی که مشتاقانه و با ایمان راه مرا پیروی کنند؛ اینان در سختی‌های بیابان هرگز احساس ضعف یا تنهایی نخواهند کرد.
۴۶. وای بر کسانی که از ایمان سر باز زنند، کسانی که دنیا را بر روح برتری دهند و به بت‌ها و سنت‌ها بچسبند! کسانی که گمان می‌کنند مرا خدمت می‌کنند، در حقیقت تابع «فرعون» خواهند بود؛ بت‌پرستی و مادی‌گرایی جسمانی.
۴۷. هر که می‌خواهد به سرزمین موعود روح برسد، باید در سفر خود رد نیکی و محبت از خود برجای گذارد.
۴۸. بی‌هراس بیا و بدان که اگر به من اعتماد کنی، گمراه نخواهی شد. اگر ترسی داری یا کم‌اعتماد هستی، پس ایمان تو کامل نیست. هر که مرا پیروی کند باید یقین کامل به حقیقت من داشته باشد.

فصل ۶۵ - مثل‌ها، تسلی و وعده

«««حکایت مدیران بد خانه»»»

۱. جمعیتی از گرسنگان، بیماران و بی‌پوشش‌ها با آرزوی رحمت به خانه‌ای نزدیک شدند.

۲. کسانی که مسئول خانه بودند همواره آن را برای پذیرایی از مسافران و مهمانان آماده می‌کردند.

۳. مالک و فرمانروای زمین برای ریاست بر ضیافت آمد.

۴. زمان می‌گذشت و نیازمندان همیشه در این خانه غذا و سرپناه می‌یافتند.

۵. روزی، آن جناب دید که آب سفره کدر شده، غذا دیگر خوشمزه نیست و سفره‌ها لکه‌دار شده‌اند.

۶. سپس مسئولان سفره را فراخواند و پرسید: «آیا پارچه‌های کتان را دیده‌اید؟ آیا غذا را چشیده‌اید و آب را نوشیده‌اید؟»

۷. آنها پاسخ دادند: «بله، آقا.»

۸. «پس پیش از اینکه به گرسنگان غذا بدهید، بگذارید فرزندانتان آن را بخورند. اگر آن را پسندیدند، به مهمانان بدهید.»

۹. بچه‌ها مقداری از غذا برداشته و چشیدند؛ طعم آن ناخوشایند بود و شکایت و ناراحتی آنها بلند شد.

۱۰. سپس مالک به کسانی که منتظر بودند گفت: «بیایید زیر درختی پناه بگیرید، زیرا من بهترین میوه‌های باغ و غذاهای خوشمزه را به شما خواهم داد.»

۱۱. به خدمتکاران نیز گفت: «آنچه آلوده است، پاک کنید؛ طعم تلخ را از لب‌های ناامید پاک کنید. من از شما ناراضی‌ام، چون دستور دادم بهترین غذا و آب پاک را به تشنگان و گرسنگان بدهید؛ اما شما اطاعت نکردید. این عمل مورد رضای من نیست.»

۱۲. سپس مالک خود ضیافت را ترتیب داد؛ نان مقوی و میوه‌های سالم و رسیده، آب تازه و گوارا. همه گرسنگان، بیماران و جذامیان دعوت شدند و سیر شدند و شادی آنها فراوان گشت. به‌زودی سلامت خود را باز یافتند و تصمیم گرفتند در ملک بمانند.

۱۳. آنها شروع به کاشت زمین کردند و کارگران مزرعه شدند، اما ضعیف و ناآگاه بودند و دستورالعمل‌های استاد را نمی‌دانستند. بذرها را درهم آمیختند و محصول رو به نقصان رفت، گندم توسط علف‌های هرز خفه شد.

۱۴. چون زمان برداشت فرا رسید، صاحبخانه نزد کارگران آمد و گفت: «اینجا چه می‌کنید؟ من فقط مدیریت خانه را برای پذیرایی از مهمانان به شما سپرده‌ام. بذری که کاشته‌اید مناسب نیست؛ بذر دیگری مد نظر بود. زمین باید پاک از خار و علف‌های هرز باشد. ابتدا زمین را تمیز کنید و سپس دوباره به خانه رسیدگی نمایید. چاه خشک شده، نان دیگر سیراب نمی‌کند و میوه تلخ شده است. با رهگذران همان‌گونه رفتار کنید که من با شما رفتار کردم. وقتی به کسانی که به تو روی می‌آورند غذا و درمان دادی و رنج همسایگانت را تسکین دادی، آن‌گاه اجازه خواهم داد که در خانه‌ام استراحت کنی.»

۱۵. دو مسافر در بیابانی وسیع و داغ گام برمی‌داشتند، پاهایشان از داغی شن می‌سوخت. آنها به سمت شهری دوردست می‌رفتند و تنها امیدشان رسیدن به مقصد برای ادامه مسیر بود، زیرا نان و آبشان رو به پایان بود.

۱۶. مسافر جوان‌تر خسته شده بود و به همراه خود گفت که بهتر است تنهایی به سفر ادامه دهد چون نیرویش رو به تحلیل بود.

۱۷. مسافر مسن‌تر تلاش کرد با گفتن احتمال رسیدن به واحه‌ای که در آنجا توان و نیرو بازیابی شود، شجاعتی به جوان‌تر بدهد؛ ولی جوان‌تر نتوانست نیروی تازه بیابد.

۱۸. مسن‌تر قصد نداشت او را رها کند؛ با اینکه خود خسته بود، مرد جوان را بر پشت خود گذاشت و با سختی به راه ادامه داد.

۱۹. مرد جوان وقتی استراحت کرد و به سختی‌های همراهش اندیشید، دستانش را از گردن مرد مسن باز کرد، دستش را گرفت و به این ترتیب با هم ادامه راه دادند.

۲۰. ایمان بی‌کرانی قلب آن پیر آواره را پر کرد و به او نیروی مقابله با خستگی داد.

۲۱. همانطور که پیش‌بینی شده بود، واحه‌ای در دوردست پدیدار شد و آنها زیر سایه‌اش منتظر نوشیدن آب خنک چشمه شدند. به آنجا رسیدند، از آب گوارا نوشیدند و سیر شدند.

۲۲. به خواب آرامی فرو رفته و پس از بیداری، احساس کردند خستگی رفع شده و نه گرسنه بودند و نه تشنه. در قلبشان آرامش و قدرت رسیدن به شهرشان را حس کردند.

۲۳. آنها نمی‌خواستند واحه را ترک کنند، ولی سفر ادامه داشت. ظرف‌های خود را با آب زلال پر کردند و راه را از سر گرفتند.

۲۴. مسافر مسن که همراهش بود گفت: «از این آب که با خودمان حمل می‌کنیم به ندرت استفاده خواهیم کرد؛ ممکن است در راه به زائران خسته و در حال جان دادن برخورد کنیم و در این صورت باید آن آب را به آنها بدهیم.»

۲۴. مرد جوان مخالفت کرد و گفت که تقسیم آب با دیگران، وقتی خودش به آن نیاز دارد، غیرمنطقی است. او می‌خواست ابتدا همه آب را برای خود مصرف کند، حتی اگر برای دیگران کافی نبود، و سپس در صورت تمایل آن را به قیمت دلخواه بفروشد.
۲۵. پیرمرد با این پاسخ موافق نبود و گفت که اگر آنها در جستجوی آرامش واقعی در روح خود هستند، باید آب را با نیازمندان تقسیم کنند.
۲۶. مرد جوان با ناراحتی پاسخ داد که ترجیح می‌دهد قبل از اینکه آبش را با هر کسی به اشتراک بگذارد، خود از آن استفاده کند.
۲۷. بار دیگر پیشگویی پیرمرد تحقق یافت؛ گروهی از مردم خسته، شامل مردان، زنان و کودکان را در بیابان دیدند که گم شده و نزدیک نابودی بودند.
۲۸. پیرمرد بدون درنگ به آنان نزدیک شد و به‌شان آب داد؛ خسته‌ها طراوت یافتند، بیماران چشم به اطراف گشودند و کودکان تشنه آرام شدند. آنها دوباره به راه خود ادامه دادند.
۲۹. در دل مسافر پیر شجاعت و آرامش فراوان بود، اما مرد جوان که ظرفش خالی شده بود، با نگرانی گفت که باید به عقب برگردند و چشمه را دوباره بیابند تا آب جایگزین کنند.
۳۰. مسافر پیر گفت: «ما نباید بازگردیم؛ اگر ایمان داشته باشیم، به پیش می‌رویم تا واحه‌های جدید را کشف کنیم.»
۳۱. اما جوان‌تر، در دل شک و ترس داشت، و ترجیح داد که فوراً به عقب بازگردد؛ برای خداحافظی، برای رفع میل به بازگشت، یا شاید از ترس اینکه در بیابان هلاک شود، آن‌ها از هم جدا شدند.
۳۲. جوان خسته و نفس‌زنان به چشمه رسید، سیراب شد، اما به همراهش و شهری که ترک کرده بود پشت پا زد و تصمیم گرفت در بیابان بماند.
۳۳. کمی بعد، گروهی از مردان و زنان خسته و تشنه که از آن حوالی می‌گذشتند، با اشتیاق به چشمه نگاه کردند تا از آب آن بنوشند.
۳۴. ناگهان مردی که همان جوان مهاجر بود آمد و به آن‌ها گفت که نباید بدون پرداخت پول از آب استفاده کنند؛ او خود را فرمانروای واحه ساخته بود.
۳۵. آن مردم فقیر با دل پرغم، مجبور شدند اندک دارایی خود را برای خرید آب خرج کنند تا عطش خود را فرو بنشانند. سپس راه خود را ادامه دادند.

۳۶. مردی که ابتدا فقط صاحب آب بود، به تدریج قدرت پیدا کرد و به پادشاه تبدیل شد؛ زیرا افراد ثروتمندی هم حاضر بودند برای آب قیمت‌های بالا بپردازند.
۳۷. او شهر پشت بیابان و همراه قدیمی خود را فراموش کرد؛ کسی که روزی او را نجات داد.
۳۸. روزی مرد کاروانی را دید که به سوی شهر بزرگ می‌روند و با شادی و نیرو گام برمی‌دارند.
۳۹. رهبر آن کاروان همان همسفر سابق مرد بود که حالا تغییر کرده بود.
۴۰. مرد در واحه از رهبر کاروان پرسید چگونه ممکن است بدون تشنگی و خستگی از بیابان بگذرند.
۴۱. او نگران بود که وقتی دیگر کسی به او نیازی نداشت، چه خواهد شد.
۴۲. مسافر پاسخ داد که به شهر بزرگ رسید اما در راه به دیگران کمک کرد و با ایمان و همدلی از مشکلات عبور کردند.
۴۳. پس از رسیدن به شهر، مأمور شد که دوباره برگردد و در راه برای دیگران راهنما باشد.
۴۴. او الان کاروان جدیدی را هدایت می‌کند و از مرد در واحه پرسید چرا اینجا مانده است.
۴۵. به مرد گفت که این واحه و منابع آن متعلق به همه است، نه فقط او که آب را می‌فروشد.
۴۶. او به کاروان اشاره کرد که نیازی به واحه ندارند چون ایمان دارند و به سوی پادشاهی پیش می‌روند.
۴۷. چشمه را برای کسانی که هنوز تشنه و خسته‌اند نگه دارید تا بتوانند قوت بگیرند.

۴۸. مردی که به خاطر غرور و خودخواهی‌اش فرصت رسیدن به شهر بزرگ را از دست داده بود، به این سوال مواجه شد که اربابی واحه کوچک چه سودی برایش دارد وقتی هدف والای مشترک را فراموش کرده است.
۴۹. وقتی مرد به سخنان همسفر وفادارش گوش داد، از پشیمانی گریست، لباس‌های اشرافی‌اش را پاره کرد و با نوری تازه از ایمان و عشق راه بازگشت به شهر بزرگ را جست‌وجو کرد.
۵۰. نویسنده می‌گوید: من پروردگار شهر بزرگ هستم و الیاس پیرمرد مثل من است، صدای کسی که در بیابان فریاد می‌زند و مردم را به سوی شهر بزرگ هدایت می‌کند جایی که پاداش ابدی عشق من منتظرشان است.
۵۱. به مردم گفته می‌شود که از الیاس پیروی کنند تا زندگی‌شان دگرگون گردد و در پرستش خدا و آرمان‌هایشان تغییر کنند.
۵۲. از شاگردان پرسیده می‌شود آیا فکر می‌کنند اعمال مذهبی ناقص همیشه ادامه دارد؟ نه، وقتی روح‌ها شهر بزرگ را ببینند، خواهند گفت پادشاهی‌شان از این جهان نیست.
««««حکایتی از بزرگواری پادشاه»»»»

۵۳. حکایتی آغاز می‌شود درباره پادشاهی که بر مردمی سرکش پیروز شده و این پیروزی را جشن می‌گیرد.
۵۴. پادشاه اعلام می‌کند که پیروزی از قدرت خودش است اما مغلوبان را مانند مردمش دوست دارد و می‌خواهد آن‌ها را با عدالت و محبت اداره کند.
۵۵. پس از مدتی، مردی در میان مردم برمی‌خیزد و علیه پادشاه شورش می‌کند و می‌خواهد او را بکشد اما فقط به خود آسیب می‌زند.
۵۶. آن مرد، از ترس، فرار می‌کند و در جنگل‌های تاریک پنهان می‌شود؛ پادشاه از ناسپاسی او ناراحت و دل‌سوخته است چون او را دوست داشت.
۵۷. مرد شورشی توسط دشمنان پادشاه دستگیر و به اتهام کشتن او، باوجود ادعای بی‌گناهی به مرگ در آتش محکوم می‌شود.

۵۸. وقتی مرد شورشی زخمی و آماده انداختن به آتش بود، پادشاه به همراه خدمه‌اش رسید و با صدای قدرتمندش یاغیان را متوقف کرد تا مردم را نجات دهد.

۵۹. مرد سرکش که در انتظار مرگ بود، وقتی دید پادشاه دستش را باز می‌کند و به سویش می‌آید، حیرت‌زده و پریشان شد.

۶۰. پادشاه او را از آتش دور کرد، زخمش را درمان نمود، جامه نو پوشاند و با محبت گفت که او را دوست دارد و از او دعوت کرد که دنبال او بیاید.

۶۱. مردم شاهد این بخشش بزرگ بودند و با شگفتی فریاد زدند؛ مرد سرکش که پیش‌تر علیه پادشاه بود، حال با عشق عمیق به او وفادار شد و پرستش ابدی‌اش را شروع کرد.

۶۲. پادشاه می‌گوید که کلامش برای مردم واضح است ولی آنها با او می‌جنگند و دوستی‌اش را از دست می‌دهند.

۶۳. او پرسش می‌کند چه آسیبی به بشر رسانده و قوانینش چه ضرری دارند.

۶۴. وعده می‌دهد که هر بار شکسته شوی، بخشیده می‌شوی اما تو نیز باید دشمنانت را ببخشی.

۶۵. پادشاه بیان می‌کند که او دوست دارد و اگر کسی از او دور شود، خودش به نزد آن فرد می‌آید و حتی اگر درهای معبد بسته باشند، تا باز شدن آن‌ها می‌کوبد.

۶۶. خوشا به حال کسی که رنج‌هایش را با صبر تحمل می‌کند؛ در این نرم‌خویی، قدرت ادامه راه و تکامل خود را خواهد یافت.
۶۷. خوشا به حال کسی که در برابر تحقیر صبور بوده و کسانی که به او بد کرده‌اند را می‌بخشد؛ زیرا بخشیده می‌شود. اما کسانی که مردم را قضاوت می‌کنند نیز مورد قضاوت قرار خواهند گرفت.
۶۸. خوشا به حال کسی که فرمان اول عشق به خدا را به خوبی اجرا می‌کند و او را بیش از هر چیز دوست دارد.
۶۹. خوشا به حال کسی که اجازه می‌دهد خدا درباره عدالت یا ظلمش قضاوت کند.
۷۰. خوشا به حال کسی که فروتن است، تهمت را تحمل می‌کند و با شهادت به حق، برکت می‌یابد. کسانی که به خاطر تعالیم الهی سوء تفاهم می‌شوند، تأیید خواهند شد.
۷۱. خوشا به حال کسانی که سختی می‌کشند، دوباره بلند می‌شوند، گریه می‌کنند و به خدا اعتماد دارند؛ اینها شاگردان واقعی‌اند.
۷۲. خوشا به حال کسی که خواست خدا را ستایش می‌کند و رنج خود را می‌پذیرد؛ زیرا این رنج، لکه‌های ننگ را پاک می‌کند و پایه‌های محکمی برای رشد معنوی فراهم می‌سازد.
۷۳. همه در انتظار طلوع روز جدید صلح و آزادی‌اند؛ بیماران به درمان و شادی امیدوارند.
۷۴. خوشا به حال کسانی که صبر می‌کنند؛ آنچه از دست داده‌اند با بهره باز خواهد گشت. این انتظار نشانی از ایمان واقعی است.
۷۵. خوشا به حال مؤمنانی که تا پایان آزمون‌هایشان پایدار می‌مانند و از قدرت آموزه‌ها بهره‌مند می‌شوند؛ آنها توان رویارویی با سختی‌ها را خواهند داشت.
۷۶. خوشا به حال کسانی که گناهان خود را با فروتنی پذیرفته و آن را به مجازات الهی نسبت نمی‌دهند.
۷۷. خوشا به حال کسانی که با فروتنی اراده خدا را پذیرفته و آزمون‌های خود را می‌گذرانند؛ آنها محبوب خدا خواهند بود.

۷۸. خوشا به حال کسانی که با فروتنی و ایمان از خدا طلب عروج روح می‌کنند؛ آنان هر چه از پدر بخواهند دریافت خواهند کرد.
۷۹. خوشا به حال کسانی که می‌دانند صبر کنند، زیرا کمک مهربانانه خدا در زمان مناسب به آنان می‌رسد.
۸۰. باید هم پرسید و هم صبر کرد؛ زیرا هیچ چیز از اراده مهربان خدا در امان نیست و او در هر نیاز و آزمایش، خود را آشکار می‌سازد.
۸۱. خوشا به حال کسانی که رویایی از بهشتی پر از صلح و هماهنگی در دل دارند.
۸۲. خوشا به حال کسانی که امور بیهوده و احساساتی که برای روح خیر ندارند را کنار می‌گذارند و به آنها بی‌تفاوت‌اند.
۸۳. خوشا به حال کسانی که تعصبات و باورهای قدیمی و بی‌ثمر را رها کرده و حقیقت ناب را پذیرفته‌اند.
۸۴. کسانی که ظواهر را کنار گذاشته و به تأمل، عشق و آرامش درونی پرداخته‌اند، برکت می‌یابند؛ چون می‌دانند آرامش حقیقی در درون است نه دنیا.
۸۵. خوشا به حال کسانی که حقیقت آنها را نمی‌ترساند و علیه آن قیام نکرده‌اند؛ برای ایشان نوری فرو می‌ریزد که عطش نور را فرو می‌نشاند.
۸۶. خوشا به حال کسی که آموزه‌های خدا را می‌شنود، می‌پذیرد و دنبال می‌کند؛ او راز زندگی و مرگ در دنیا و قیام دوباره در ابدیت را خواهد فهمید.
۸۷. کسی که با کلام الهی همراه است، معنای درد، جبران و کفاره را درک می‌کند؛ ناامید نمی‌شود و ایمان و امید خود را حفظ می‌کند تا بار گناه و رنجش سبک‌تر شود.
۸۸. شادی و آرامش از آن کسانی است که با اراده خدا همراه‌اند و به او ایمان دارند.

۸۹. پیشرفت یا تکامل رو به بالای شما، شما را قادر می‌سازد تا حقیقت مرا کشف کنید و حضور الهی مرا هم در قلمرو معنوی و هم در هر یک از کارهایم درک کنید. آنگاه به شما خواهم گفت: «خوشا به حال کسانی که می‌توانند مرا در همه جا تشخیص دهند، زیرا آنها کسانی هستند که واقعاً مرا دوست دارند. خوشا به حال کسانی که مرا با روح خود و حتی با ... می‌شناسند.»
بتوانند بدن را حس کنند، زیرا آنها هستند که به تمام وجود خود حساسیت بخشیده‌اند، و حقیقتاً خود را روحانی کرده‌اند.»

۹۰. تو می‌دانی که من از عرش بلندم، جهان را در آرامش و نعمت‌هایم می‌پوشانم.

۹۱. همه چیز در هر ساعت و هر لحظه توسط من متبرک می‌شود.

۹۲. از جانب من هیچ نفرین یا لعنت و نفرینی برای فرزندانم نیست و هرگز نخواهد بود. بنابراین، بدون اینکه عدالت یا گناهکاری را ببینم، اجازه می‌دهم برکت، بوسه عشق و آرامش من بر همه نازل شود.

««««فراخوانی برای مردم این زمان»»»»
این فراخوانی پیامی عمیق و پر از عشق و دعوت است به بیداری روحی و بازگشت به سرچشمه حقیقی زندگی. پیام از ما می‌خواهد که خود را در برابر حقیقت وجودمان صادق ببینیم، بدون هیچ پوششی و غفلت، و از خودخواهی‌های دنیوی فراتر رویم تا درد و نیاز بشریت را حس کنیم.
««««این صدای ازلی به سه گروه مهم خطاب می‌کند»»»»
مردم عادی را به بیداری فرا می‌خواند، که وقت کوتاه است و باید تا فرصت باقی است، توبه و بازگشت کنیم تا روح خود را تطهیر سازیم و وارد ضیافت الهی شویم.
روشنفکران و کسانی که در دل‌هایشان ناامیدی و سردرگمی دارند، دعوت به یافتن آرامش و دانش الهی می‌کند، دانشی که عقل را گمراه نکرده و راهنمای واقعی است.
رنج‌دیدگان، تنهایان و محرومان را به خود نزدیک می‌خواند تا بارشان سبک شود و نعمت‌های روحانی و حتی زمینی خردمندانه نصیبشان گردد که بتوانند در خدمت دیگران باشند و نیز دعوتی ویژه به "اسرائیل روحانی" که رهبر الهی بشریت باشد و جاودانگی را به همه عرضه کند و جهان را به سوی پادشاهی خدا هدایت نماید.

این پیام زیبا و پرشور، دعوتی است عمیق به «اسرائیل عزیز» — نماد روحانی مردمی که حامل آموزه‌های الهی‌اند — تا چشم‌های درونی خود را باز کنند و جلال محبت و رحمت خالق را ببینند. صدایی است که از قلب به وجدان انسان‌ها می‌نشیند و ملودی‌های آسمانی را در گوش جان می‌خواند، آرامشی که از عشق بی‌پایان سرچشمه می‌گیرد.

دعوت می‌کند که در لحظه‌هایی که راه‌مان گم می‌شود، به سوی خدا بازگردیم، با اعتماد و پاکی کودکی سخن بگوییم و در دوستی صمیمانه با او باشیم. تعلیمات این پیام ما را به دگرگونی فرا می‌خواند؛ به انسانی نو تبدیل شویم که فضیلت‌های الهی را زندگی کند تا مسیح در راه ما به شکوفایی برسد.

خلاصه‌ای از آنچه این فراخوان می‌گوید به مردم است: با همان مهربانی، اطمینان و امید مسیح، دیگران را به سوی نور و رشد واقعی دعوت کنیم؛ فراتر از دنیای مادی بنگریم و ایمان به زندگی ابدی را به اشتراک بگذاریم، زیرا روح جاودانه است و باید برای سعادت ابدی خود آماده شویم.